

از آستانه‌ها تا ایشاد

(جلد چهارم)

آثار و بناهای آیینی مانند ران شرقی

دش اول

از آستانه‌ها تا ایشاد

آثار و بناهای آیینی مانند ران شرقی

(جلد چهارم)

۱۰

تألیف

دکتر حسن پورسین

MITRA  
Perzische Boekhandel  
Adm. de Ruyterweg 44  
1056 GK Amsterdam  
Tel.: 020 - 689.88.66



www.tabarestan.info  
تبرستان

این کتاب با همکاری  
معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی  
به چاپ رسیده است.  
(گنجینه ایران «۱۴» شماره ۱۶۳)  
مدیر فنی: حسین ایوبی زاده

ستوده، منوچهر، ۱۳۹۲ -  
از آستارا تا استاریاد / تألیف منوچهر ستوده. - تهران: آگاه: وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی، معاونت امور فرهنگی: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ -  
ج: مصور، نقشه  
ISBN 964-416-033-9 (vol.4)  
چاپ اول: جلد چهارم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات، ۱۳۶۶،  
تحت عنوان «از آستارا تا استاریاد»  
مدرجات: ج. ۴. آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی  
۱. کیلان - آثار تاریخی. ۲. مازندران - آثار تاریخی. ۳. گرگان - آثار تاریخی. الف. ایران.  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی. ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.  
ج. عنوان. د.  
۲ س ۲۴ الف / DSR ۲۰۵۳ / ۹۵۵/۲۰۴۳  
۱۳۷۵  
کتابخانه ملی ایران  
۵۶۰۸ - ۷۴ م



دکتر منوچهر ستوده  
از آستارا تا استاریاد  
(جلد چهارم)  
آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی  
(بخش اول)  
(چاپ اول زمستان ۱۳۶۶)  
چاپ دوم بهار ۱۳۷۵، لیتوگرافی کوهرنگ  
چاپ نیل، صحافی ایران کتاب  
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه  
همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است  
شابک ۹-۲۳-۰۲۳-۴۱۶-۹۶۴ (جلد ۴) ISBN 964-416-033-9 (vol.4)

پنج سده بعد، سیر و سفر سیاحتگران شرقی در سرزمین‌های غربی متوقف می‌شود. مسلمانان ترجیح می‌دهند که بیشتر در سرزمین‌های اسلامی به ویژه اماکن متبرکه سفر کنند و این خود دلیل تاریخی دارد که ناشی از پذیره نشدن شرقیان از سوی غربیان است و به ناگاه جریان سیر و سیاحت و ازگونه می‌شود و این بار، سیاحتگران غربی چون صف مورچگان طریق شرق در پیش می‌گیرند و نه به شوق دیدار از شگفتی‌های شرق و عبرت آموختن، بلکه هدف‌هایی کاملاً متفاوت از آنچه که شرقیان در سیاست خود داشتند، می‌جویند. اینان یا مبلغان مذهبی‌اند یا رسولان دنیای پردسیسه و پرفتنه سیاست و یا تاجران کیسه‌دوخته‌ای که جز معدودی، همه یک هدف دارند: چاپیدن شرق.

نیازی به استدلال نیست، که بازتاب‌های حضور این خیل جهانگردان و سیاحان خود بهترین دلیل است. پای این سیاحتگران غربی و یا مستشرقین زمانی به مشرق گشوده می‌شود که استعمار به شیوهٔ پرخشونت قرن هفدهمی‌اش اندک اندک پای می‌گیرد. از آمبروسیوکتارینی گرفته تا برادران شرلی، شاردن، تاورنیه، سانسون، پیترو دل‌واله و کمپفر که از ایران دیدن کرده‌اند و بعدها دکتر فوریه (پزشک ناصرالدین شاه) و گریبایدوف و همفر انگلیسی، همه و همه، اگرچه روش‌ها و برنامه‌های به‌ظاهر متفاوتی می‌داشته‌اند، لکن هدف واحدی را دنبال می‌کرده‌اند که همان خشکاندن ریشه‌های عمیق فرهنگ اسلامی - ایرانی و ایجاد نفاق میان قومیت‌های ایرانی از طریق مضمون‌سازی برای آذری‌ها، گیلانی‌ها، اصفهانی‌ها، کاشانی‌ها و... و طرح مسایل جانبی و عمده کردن آنها و بزرگ نشان دادن نقطه‌ضعف‌ها و نشان دادن طریقه‌هایی نادرست برای اصلاح و بالاخره یافتن جاپایی برای استعمار بوده است.

برادران شرلی، با فتنه‌انگیزی زمینه‌کشمکش و جنگ میان ایران صفویه با عثمانی را فراهم آوردند و بعضی از مستشرقین با سوءاستفاده از روحیهٔ مهمان‌نوازی

## دیباچهٔ چاپ اول

سالهای سدهٔ پنجم هجری و دو سدهٔ بعد از آن، دوران سیاحت شرقی‌ها از مشرق و گاه از مغرب‌زمین است. در این دوران که فرهنگ اسلامی یکی از ادوار شکوفایی خود را می‌گذارند، سیاحتگرانی چون ناصر خسرو، ابن بطوطه و یاقوت حموی، کوله‌بار سفر بردوش کشیده به هرکجا که می‌رفتند از سر صدق و صفا یادداشت‌هایی برگرفته و چون به موطن بازمی‌گشتند این یادداشت‌ها را ره‌آورد سفر به جهان اسلام می‌کردند؛ چرا که «قل سیروافی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین» را باور داشتند.

غالب این سیاحتگران شرقی مبرا از تحریف بودند، آنچه دیده بودند، بی‌کم و کاست می‌نوشتند و آنچه شنیده بودند، اگر قولی معقول بود و در ترازوی خرد وزنی می‌داشت، بی‌حشو و زایده ضبط می‌کردند.

و بیگانه دوستی ایرانیان کار را به جایی رساندند که حتی به مقامات مملکتی امر و نهی می‌کردند و حتی خود آنان منشأ فسادهایی بودند و کمترین جنایتشان خارج کردن گرانبهارترین ثروت‌های این مملکت بوده است. شاهد این ادعا، وجود آثار گرانبهای این مرز و بوم در موزه‌های اروپا و آمریکا است.

متأسفانه برخی قلم به دستان ناآگاه ما، همین بافته‌های رطب و یا بس مستشرقین را وحی منزل دانسته بر مبنای آنچه نوشته‌اند، تاریخ معاصر ایران را تحلیل کرده‌اند و به همان نتایجی رسیده‌اند که مستشرقین دلسوخته ایران (!) رسیده بودند و طریق حل مشکلات را - همان مشکلاتی که یا وجه نداشته و یا مستشرقین عمده کرده بودند - در راه حل‌های غربی جستجو می‌کنند.

جای بسی خوشبختی است که یک بار دیگر محققین ما با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی به خود آمده‌اند تا ایران را، نه از نگاه پردسیسه بیگانگان طماع، که از افق گشاده این فرهنگ والا بنگرند و خود به معرفی ایران پردازند.

کوشش دکتر منوچهر ستوده در همین راستا است: معرفی ایران برای ایرانی، تا سرزمین اسلامی خود را بشناسد، از امکاناتش آگاه شود و محدودیت‌هایش را دریابد و در جهت تقویت امکانات و رفع محدودیت‌ها بکوشد.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با این هدف اقدام به چاپ و نشر کتاب حاضر کرده است که شوقی در محققان انگیزد تا به جای ترجمه سیاحتنامه‌های مستشرقین، خود، چون مؤلف حاضر کمر همت بندند و جای جای میهن اسلامیمان را جستجو کنند و یافته‌هایشان را به ملت مسلمان ایران عرضه دارند.

## دیباچه چاپ اول

سالهای سده پنجم هجری و دو سده بعد از آن، دوران سیاحت شرقی‌ها از مشرق و گاه از مغرب‌زمین است. در این دوران که فرهنگ اسلامی یکی از ادوار شکوفایی خود را می‌گذارند، سیاحتگرانی چون ناصر خسرو، ابن بطوطه و یاقوت حموی، کوله‌بار سفر بردوش کشیده به هرکجا که می‌رفتند از سر صدق و صفا یادداشت‌هایی برگرفته و چون به موطن بازمی‌گشتند این یادداشت‌ها را ره‌آورد سفر به جهان اسلام می‌کردند؛ چرا که «قل سیروافی الارض فانظروا کیف كان عاقبة المکذبین» را باور داشتند.

غالب این سیاحتگران شرقی مبرا از تحریف بودند، آنچه دیده بودند، بی‌کم و کاست می‌نوشتند و آنچه شنیده بودند، اگر قولی معقول بود و در ترازوی خرد وزنی می‌داشت، بی‌حشو و زایده ضبط می‌کردند.

## پیشگفتار

کتاب حاضر مجلد چهارم از آستارا تا استارباد است که پس از هشت سال و چند ماه که در بوته فراموشی افتاده بود، به دستور برادر مکرم آقای محمد دشتی - مدیر کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی - و کوشش و پی گیری آقای مهدی افشار به زیور چاپ آراسته گردید.

این مجلد شامل آثار و بناهای تاریخی مازندران شرقی است یعنی سرزمینی که سامان غربی آن کناره رودخانه هراز و سامان شرقی آن جرکلباد است و شهرهای مهم:

- ۱ - آمل. ۲ - بابل (= مامطیران = مامطیر = بارفروش ده = بارفروش).
- ۳ - قائم شهر (= مشهد جمنان = علی آباد = شاهی). ۴ - ساری.
- ۵ - بهشهر (= خرگوران = اشرف البلاد = اشرف) و حومه آنها در این قسمت از خاک مازندران افتاده است.

نگارنده برای تهیه مطالب این کتاب، ابتدا شهری را مورد بررسی قرار داد. سپس نواحی اطراف آن را که در دشت است مطالعه کرد. پس از آن در کنار رودخانه آن،

خود را به آخرین نقطه یعنی رشته اصلی البرز رساند و کنار شاخه‌های این رودخانه را یکی پس از دیگری سرزد و آنچه قابل ضبط و ثبت بود نوشت.

زیباترین و آبادترین و پهناورترین بخش کوهستانی رشته البرز ناحیه هزارجریب است که سامان غربی آن ارتفاعات کنار تالار و سامان شرقی کوه‌های گرگان است و از جنوب به رشته اصلی البرز و از شمال به رشته کوه جهان مورا - در جنوب ساری و بهشهر و گلوگاه و سدن رستاق - محدود می‌شود. رودخانه تجن با شاخه‌هایی به درازای شصت هفتاد کیلومتر و رودخانه نکا با شعب اصلی آن در این ناحیه زیبای جغرافیائی جریان دارد.

با اینکه نگارنده چندین بار به این ناحیه سفر کرد، به عللی که ذکر آن ناکردن اولی است، چنانکه باید و شاید این منطقه مورد بررسی قرار نگرفت. ولی اینجانب مصمم است دو سه تابستان در این منطقه به سیر و سیاحت بپردازد، شاید بتواند آثاری از کاخها و دژهای باستانی که ذکر آنها در متون تاریخی آمده است بیابد و آنچه از قلم افتاده است یادداشت کند. این بنده به نقص کار خود معترف است و از خوانندگان تقاضای عفو و اغماض دارد.

روزی که به کار گردآوری آثار تاریخی مازندران شرقی پرداختم، دانستم که «من یک تن ضعیف و دو صدکاروان بلاست». چون به پشت‌کار و پی‌گیری خود اطمینان داشتم از کاروانهای بلانهراسیدم و پای در میدان گذاشتم. اما باید گفت که یاریها و دستگیریهای دیگران بود که روز به روز به قوت قلب این ناچیز می‌افزود و در نتیجه توانست باری بدین سنگینی را به منزل برساند. اینک بر خود فرض می‌داند که از یکایک آنان در اینجا نام برد تا همه بدانند که هنوز روح همکاری و یآوری در این نسل زنده است و امید است در نسل بعد نیز پایدار و استوار بماند.

کسانی که مرا یاری کردند:

در آمل:

سید علی اکبر احمدیان، غلامعباس رحیمی رئیس سپاه دانش، احمد فرامرزپور -

عضو فرهنگ و هنر، اسفندیار کلارستانی - رئیس آموزش و پرورش، یحیی تنها - راهنمای تعلیماتی - و محمد فاضلی.

در بابل:

سید محمدباقر حاجتی، حاج علی طباطبی، محمد اسماعیل پور.

در گنچ افروز:

هدایت‌الله امیر سلیمانی، عباس امیر سلیمانی، احمد امیر سلیمانی، اصغر حسن زاده.

در سوادکوه:

سرکار نوروز علی لاسمی، سرکار غلامعلی قنبرزاده.

در دره آریم سوادکوه:

مهندس صفرعلی لشکر بلوکی - مهندس کارگاه بوژان که جاده دو آب به چاشم را می‌ساخت - اصغر احمدیان ساکن کنگه‌لی.

در ساری:

حاج آقا حسین روزبهی، محمد جعفر نیکخواه، دکتر عبدالحمید اخوان - رئیس اداره دامپزشکی - هرمزر برارلیمونی، محمدرضا رنجبر ریحان آبادی، سرکار علی اکبر دهقان زادگان، منوچهر نیکزاد تهرانی.

در بهشهر:

سرکار موسی باقری گرگی، سرکار کاظم حجازی گرگی.

در گلوگاه و میانکاله و جرکلباد:

علی بابا عسکری، نوروزعلی خادملوی گلوگاهی.

یکایک نامبردگان شبها و روزها از عمر عزیز خود را صرف همراهی و همپایی ب

این بنده کردند و آنچه می‌دانستند با خلوص و صفا در اختیار مخلص گذاشتند. تشکر

وامتنان از ایشان شاید از سنگینی دینی که برگردن من است بکاهد.

برادرگرامی آقای مسعود گلزاری کار تنظیم عکسهای کتاب را به عهده داشتند و

با دقتی که خصیصه ایشان است این کار را انجام دادند. از نامبرده نیز متشکر است و

قدردانی می‌نماید.

خداوند متعال کسانی را که برای حفظ فرهنگ این آب و خاک قدمی در راه می‌گذارند، توفیق و سعادت عنایت خواهد کرد، زیرا دعای خیر بندگان بدرقه راه ایشان است.

اکنون این بنده بسیار شادمان است که نتیجه مطالعات و بررسیهای خود را تقدیم آستان اهل تحقیق و تتبع می‌نماید و از یکایک خوانندگان توقع دارد تا لغزشهای نویسنده را یادآور گردند چون «متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد».

منوچهر ستوده

اسفندماه ۱۳۶۵ شمسی

## مقدمه

هنرمندان ایرانی در تمام ادوار سعی کرده‌اند که بیشتر هنر خود را به هنرشناسان عرضه کنند و کمتر به فکر شهرت و نام خویش بوده‌اند.

از اینجاست که در بیشتر مساجد و مدارس و سایر بناهای عمومی نام معمار و بنا کمتر یاد شده است و در چند بنائی کسه به نام معمار و بنا برخوردیم، نامشان در گوشه‌های دور افتاده یا لابلا و در پیچ و خمهای کوفی معقلی پنهان شده است.

در شمال ایران طرح بنای حظیره‌ها و امامزاده‌ها بیشتر چهارضلعی، شش ضلعی و هشت ضلعی است و بناهای قدیمی‌تر چون برج لاجیم و رسگت و رادکان مدور است. مصالح این بناها آجر و گچ است و برای اینکه باران به داخل بنا نفوذ نکند گنبدهای نوک‌تیز و بلند به نام گنبد کلاه درویشی یا گنبد رگ بر آنها زده‌اند. طرح این گنبدها بیشتر با پایه بنا ارتباط دارد و شکل آنها منشور شش ضلعی و هشت ضلعی و شانزده ضلعی یا مخروط کامل است. نام معمار و بنا در این گونه بناها کمتر دیده شده است.

چون حاشیه دریای خزر جنگلی است و انواع چوب در دسترس است، در اینجا هنرمندانی یافت شده‌اند که این ماده اولیه را برای نمایش هنر خویش انتخاب کرده‌اند. کمتر بنائی است که نوعی استفاده هنرمندانه از چوب در آن دیده نشود.

در امامزاده‌ها، درها، صندوقها، ضریحها، ستونها و سقفها تمام از چوب است و در آنها انواع هنر از خطاطی و کتبه‌کاری و قباب و گره‌سازی و سه‌چهار نوع مشبك کاری جلوه‌ای خاص دارد. گزوه نجاران به‌خلاف معماران و بنایان نام خود را در آثار خود ذکر کرده‌اند و با این کار نام خود و خاندان خود را تا امروز زنده و پایدار نگاه داشته‌اند و ما نام یک‌یک آنان را در این مقدمه خواهیم آورد.

ظاهراً کاشیکاری و گچ‌بری و سنگ‌تراشی، در صفحات شمالی ایران از قدیم-الایام رونقی نداشته، فقط در سه چهار بنا از این هنرها نشانی یافتیم. نام این هنرمندان را نیز در این مختصر یاد می‌کنیم.

بر اثر وجود بنایان و کیسه فتوت ایشان است که بسیاری از این بناها از عدم به وجود آمده‌است، جای آن دارد که از ایشان نیز در این مقدمه یادی به‌میان آید.

خلاصه بانی و بنا و معمار و کاشیکار و گچ‌بر و سنگ‌تراش و نجار و خطاط دست به دست هم می‌دهند و بنائی بر اثر هنرمندی ایشان به وجود می‌آید که امروز ما بدان می‌نازیم و از دیدن آن لذت می‌بریم.

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاک‌مازندران شرقی  
به ترتیب سنوات هجری قمری

۴۱۳ : تاریخ کتیبه برج لاجیم .

۵۱۴ : تاریخ بنای سید سه تن = میرحیدر، از گنبدهای خارج شهر آمل .

۶۶۳ : تاریخ صندوق حسن بن محمد معروف به بالویه در میانه .

۷۵۴ : تاریخ صندوق امامزاده عبدالله در تشر .

۸۰۲ : تاریخ ظهور امامزادگان سلطان حسین و سلطان محمد در بقعه شاهزاده حسین

ساری .

۸۰۵ : تاریخ سنگ قبر سید کمال الدین بن سید شمس الدین در کوسان .

۸۰۹ : تاریخ در ورودی بقعه سلطان محمد طاهر در بابل .

۸۱۱ : تاریخ صندوق امامزاده احمد رضا در لاسم .

۸۱۴ : تاریخ اتمام گنبد میربزرگ در آمل .

۸۲۷ : تاریخ کتیبه زیر سقف امامزاده عباس در آزادگله ساری .

۸۳۵ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده قاسم در هشتل آمل .

۸۳۷ : تاریخ سنگ قبر درویش علی در معصوم زاده میرمفید نکا .

۸۴۰ : تاریخ صندوق امامزاده قاسم در هشتل آمل .

۸۴۱ : تاریخ صندوق امیر محمد بن امیر افضل در زیارو .

- ۸۹۶ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده محمد طاهر به قول مشکوتی .
- ۸۹۷ : تاریخ در ورودی مسجد امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) در شهنة کلای دشت سرآمل .
- ۹۰۷ : تاریخ در ورودی شاه بالو در ده میان راستویی سوادکوه .
- ۹۱۶ : تاریخ بنای امامزاده عباس در آزادکله ساری .
- ۹۲۰ : تاریخ در ورودی درویش اولیا در قادی محله رود پشت گیلخواران .
- ۹۲۵ : تاریخ صندوق امامزاده ابراهیم آمل .
- ۹۲۵ : تاریخ اتمام ساختمان امامزاده ابراهیم آمل .
- ۹۲۵ : تاریخ در ورودی امامزاده ابراهیم آمل .
- ۹۲۶ : تاریخ وقفنامه امامزاده ابراهیم آمل .
- ۹۳۱ : تاریخ صندوق امامزاده عباس رضا در کوتای بیشه سرعلی آباد .
- ۹۴۵ : تاریخ صندوق امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) در شهنة کلای دشت سرآمل .
- ۹۶۶ : تاریخ صندوق امامزاده حسن در لهای چلاو .
- ۹۹۱ : تاریخ در ورودی امامزاده یونس رضا در منگل شیرگاه .
- ۱۰۰۶ : تاریخ سنگ قبر کیومرث بن بهرام بالای گردنه شلفین .
- ۱۰۰۹ : تاریخ سنگ قبر خاتم بن بهرام در شلفین گردن .
- ۱۰۲۵ : تاریخ بنای فرح آباد ساری .
- ۱۰۳۳ : تاریخ صندوق میربزرگ در شهر آمل .
- ۱۰۸۶ : تاریخ در ورودی امامزاده موسی در وستی کلای علی آباد .
- ۱۰۹۱ : تاریخ سنگ قبر اسبوخان بن بهرام در شلفین گردن .
- ۱۰۹۲ : تاریخ بنای مدرسه و مسجد کاظم بیک در میدان محله سرحمام بابل .
- ۱۱۰۶ : تاریخ فرمان شاه سلیمان صفوی در مسجد جامع بابل .
- ۱۱۱۴ : تاریخ در ورودی سید ابوصالح در مله بیشه سرعلی آباد .

- ۸۴۱ : تاریخ در شرقی بقعه امامزاده ابراهیم بابلسر .
- ۸۴۶ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالضالح در مرز رود ساری .
- ۸۴۶ : تاریخ صندوق امامزاده یحیی در ساری .
- ۸۴۶ : تاریخ در ورودی امامزاده یحیی ساری در موزه ایران باستان .
- ۸۵۰ : تاریخ صندوق امامزادگان سفید چاه .
- ۸۵۵ : تاریخ صندوق سید زینوا (سید محمد زرین نوائی) در چمازکتی .
- ۸۵۶ : تاریخ چهارچوب در بقعه درویش محمد شاه در پایین رود بست .
- ۸۵۸ : تاریخ در غربی بقعه امامزاده ابراهیم بابلسر .
- ۸۵۹ : تاریخ صندوق امامزاده قاسم در عیسی خندق کارکنده .
- ۸۵۹ : تاریخ صندوق امیر شمس الدین بن امیر کمال الدین حسینی در سیدزین العابدین ساری .
- ۸۶۰ : تاریخ کتیبه معصوم زاده میر مفید در نکا به نقل از رابینو .
- ۸۶۳ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالله در اترب .
- ۸۶۹ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالله در ماهروز محله رودپی .
- ۸۷۳ : تاریخ در ورودی امامزاده احمد (بلند امام) به نقل از رابینو .
- ۸۷۵ : تاریخ به خاک سپردن امام موسی در بقعه سلطان محمد طاهر .
- ۸۷۵ : تاریخ صندوق مرقد سلطان محمد طاهر .
- ۸۸۷ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده قاسم در عیسی خندق کارکنده .
- ۸۹۰ : تاریخ در ورودی شاهزاده حسین در ساری .
- ۸۹۱ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده قاسم در المشر نوکنده .
- ۸۹۳ : تاریخ بنای بی بی رقیه نزدیک امامزاده ابراهیم بابلسر به قول ملکثوف .
- ۸۹۴ : تاریخ صندوق مرقد شاهزاده حسین در ساری .
- ۸۹۴ : تاریخ اتمام بنای سید زین العابدین در ساری .
- ۸۹۴ : تاریخ اتمام پنجره نورگیر سید زین العابدین در ساری .

- ۱۲۷۳: تاریخ بنای مسجد حاج مصطفی خان سورتیجی در ساری .
- ۱۲۷۴: تاریخ سنگ قبر خواتون بنت میر صالح در امامزاده حسن .
- ۱۲۸۸: تاریخ کتیبه سقافار تکیه هندو کلا .
- ۱۲۸۹: تاریخ کتیبه‌های تکیه فیروز کلاهی دشت سرآمل .
- ۱۲۹۳: تاریخ وفات مشهدی قلی برصندوق امامزاده صالح در برون دشت سرآمل .
- ۱۲۹۴: تاریخ در و صندوق امامزاده زین العابدین در قادی کلا .
- ۱۲۹۵: تاریخ اتمام حسینیه آقا شیخ علی در رستمکلا .
- ۱۲۹۵: تاریخ کتیبه مقبره ملانصیرا در مسجد محدثین در محله توغدار بن بارفروش .
- ۱۲۹۵: تاریخ اتمام بنای سقافار تکیه رمنت بیشه بابل .
- ۱۲۹۶: تاریخ سنگ قبر رمضان ابن سید علی محمد کمالیان نوائی نجار در امامزاده عباس رضا در کوتنای بیشه سر علی آباد .
- ۱۲۹۶: تاریخ سنگ قبر کر بلائی محسن فکچالی در مفری کلاهی بندپی .
- ۱۲۹۶: تاریخ تعمیر تکیه قدیمی مفری کلاهی بندپی .
- ۱۳۰۱: تاریخ زیارتنامه شیخ طبرسی .
- ۱۳۰۴: تاریخ اتمام بنای هشاد تنان در خشک رود جلال از رک .
- ۱۳۰۴: تاریخ سنگ قبری در حیاط امامزاده حمزه رضا در دهکده حمزه رضای لاله آباد .
- ۱۳۰۶: تاریخ در ورودی مسجد امامزاده عبدالله در فیروز کلاهی دشت سرآمل .
- ۱۳۰۶: تاریخ اتمام سقافار کيجا تکیه بیشه بابل .
- ۱۳۱۲: تاریخ اتمام بنای خانه سیف الله خان شهریاری در یانه سر .
- ۱۳۱۶: تاریخ بالای محراب مسجد زرگر محله بابل .
- ۱۳۱۹: تاریخ سنگ قبر شیخ محمد حسن شریعتمداری در حظیره متصل به مسجد کاظم بیک در میدان محله سرحمام بابل .
- ۱۳۲۳: تاریخ اتمام ساختمان مقبره ملا محمد شهر آشوب در بنگر کلاهی مشهد

- ۱۱۱۹: تاریخ در ورودی امامزاده حمزه کنار راه شیرگاه به علی آباد .
- ۱۱۲۱: تاریخ سنگ قبر کر بلائی علی در حیاط مقبره میر بزرگ در آمل .
- ۱۱۲۱: تاریخ ضریح امامزاده عبدالحق در زیراب سوادکوه .
- ۱۱۳۶: تاریخ بنای مسجد محدثین در محله توغدار بن بابل .
- ۱۱۳۹: تاریخ گنجبری سردر ورودی حیاط امامزاده عباس در کمدره دشت سرآمل .
- ۱۱۷۵: تاریخ سنگ قبر بی بی خانم در امامزاده فضل بن موسی در خشت سرآمل - رستاق .
- ۱۱۷۹: تاریخ بنای تکیه قدیمی مفری کلاهی بندپی .
- ۱۲۰۱: تاریخ سنگ قبر فخر جهان نسا خانم در مسجد کاظم بیک بابل .
- ۱۲۱۲: تاریخ سنگ قبر کر بلائی اسماعیل در معصوم زاده میر مفید نکا .
- ۱۲۱۹: تاریخ سنگ قبر جعفر بن محمد تقی جردنلو کورد در معصوم زاده میر مفید نکا .
- ۱۲۲۰: تاریخ سنگ قبر مشهدی حسینقلی کلاهی در مفری کلاهی بندپی .
- ۱۲۲۱: تاریخ اتمام بنای مسجد و مدرسه میرزا محمد شفیع صدراعظم در بابل .
- ۱۲۲۶: تاریخ وقفنامه مدرسه صدر در بابل ، واقف میرزا محمد شفیع صدراعظم .
- ۱۲۳۰: تاریخ اتمام کار نجاری امامزاده سیف الدین در گنجر کلاهی چلاو .
- ۱۲۳۴: تاریخ سنگ قبری در سرپوشیده مسجد جامع بابل .
- ۱۲۴۰: تاریخ سنگ قبری در شبستان مسجد جامع بابل .
- ۱۲۴۰: تاریخ اتمام بنای حمام قدیمی فری کنار .
- ۱۲۵۵: تاریخ وقفنامه مسجد نیاکاکی در نیاکاکی محله آمل .
- ۱۲۶۰: تاریخ سنگ قبر احمد خان بن حسینعلی آقا در امامزاده فضل بن موسی در خشت سرآمل - رستاق .
- ۱۲۶۳: تاریخ اتمام نجاری ایوان امامزاده عباس در سوته کلاهی بالاخیابان .
- ۱۲۶۳: تاریخ سنگ قبر آقا بابا چلاوی گنجر در امامزاده سیف الدین گنجر - کلاهی چلاو .

## گنج افروز.

- ۱۳۲۴ : تاریخ وقفنامه مسجد فری کنار.  
 ۱۳۲۴ : تاریخ اتمام ضریح سید ابوصالح درمله بیشه سرعلی آباد .  
 ۱۳۲۷ : تاریخ اتمام بنای تکیه کله بست پازوار.  
 ۱۳۲۹ : تاریخ اتمام سقافار تکیه آهنگر کلا .  
 ۱۳۴۴ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده محمود در مرتع لاریم گیلخواران .  
 ۱۳۴۵ : تاریخ سنگ قبر آق شیخ علی شریعتمدار در حظیره متصل به مسجد کاظم- بیک بابل .  
 ۱۳۴۵ : تاریخ کتیبه بالای محراب مسجد حاج کریم در امیر کلا .  
 ۱۳۴۵ : تاریخ اتمام سد رودخانه متالون .  
 ۱۳۴۶ : تاریخ سنگ قبری در امامزاده علی در کرچنگک بیشه سرعلی آباد .  
 ۱۳۵۰ : تاریخ سنگ قبر حاجی بابا خان سلطان ولد آقا جان سلطان فیروزجاهی در مسجد زیارت شیخ موسی .

## نجاران و کنده کاران

- حیدر بن محمد نجار دامغانی و پسرش در سال ۷۵۴ ه. ق : صندوق امامزاده عبدالله را در تشر ساخته اند .  
 شمس الدین انصاری حدود سال ۸۰۰ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در هشتل ساخته است .  
 استاد علی بن استاد فخرالدین نجار رازی در سال ۸۰۹ ه. ق : در بقعه سلطان محمد طاهرا ساخته است .  
 حسن مهرجان دامغانی در سال ۸۲۹ ه. ق : در ورودی امیر سید علی را در لنگر ساخته است .

- استاد فخرالدین بن علی بن استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۸۳۳ ه. ق : صندوق مرقد درویش فخرالدین معروف به حاجی را ساخته است .  
 فخرالدین بن استاد جمال الدین انصاری در سال ۸۴۰ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در هشتل آمل ساخته است .  
 استاد حسین بن استاد شمس الدین انصاری در سال ۸۴۰ ه. ق : در ساختن صندوق امامزاده قاسم شرکت داشته است .  
 استاد علی بن حسن نجار در سال ۸۴۰ ه. ق : صندوق درویش موسی را در بیشه ملازن کاج علی آباد ساخته است .  
 استاد شمس الدین بن جلال الدین نجار انصاری در سال ۸۴۱ ه. ق : صندوق امیر محمد بن امیر فضل را در زیاروی دشت سر ساخته است .  
 استاد محمد بن استاد علی نجار رازی در سال ۸۴۱ ه. ق : در شرقی امامزاده ابراهیم بابلسرا ساخته است .  
 حسین و استاد محمد نجار گیل در سال ۸۴۶ ه. ق : در امامزاده یحیی را در ساری ساخته اند .  
 استاد نجم الدین بن استاد شهاب الدین دروگر در سال ۸۴۶ ه. ق : در امامزاده عبدالصالح را در مرز رود ساخته است .  
 استاد حسین نجار بن حسن نجار گیلانی در سال ۸۴۶ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .  
 استاد محمد گیل در سال ۸۴۶ ه. ق : در ورودی امامزاده یحیی را در ساری ساخته است (این در در موزه ایران باستان است) .  
 استاد فخرالدین بن حسن نجار گیلانی در سال ۸۴۹ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .  
 استاد محمد گیل در سال ۸۴۹ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .

- استاد فخرالدین بن استاد علی نجار در حدود سال ۸۵۰ ه. ق : در ورودی جدید امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .
- استاد اجل عبدالله گیلانی در سال ۸۵۰ ه. ق : صندوق امامزادگان سفید چاه را ساخته است .
- استاد فخرالدین بن محمود در سال ۸۵۵ ه. ق : صندوق سید زینبوا را در چمازکتی ساخته است .
- استاد محمد بن استاد علی نجار رازی در سال ۸۵۸ ه. ق : در غربی امامزاده ابراهیم پابلسر را ساخته است .
- استاد شمس الدین بن محمد دین توزا (؟) در سال ۸۵۹ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در عیسی خندق ساخته است .
- استاد حسن شا بن استاد محمد نجار معروف به خوارزمی در سال ۸۶۰ ه. ق : صندوق آق مشهد کلیجان رستاق را ساخته است .
- سیف الدین بن حاجی نجار در حدود سال ۸۶۰ ه. ق : در ورودی آق مشهد کلیجان رستاق ساری را ساخته است .
- شمس الدین بن استاد احمد نجار در سال ۸۶۳ ه. ق : در ورودی امامزاده عبدالله را در اترب ساخته است .
- سید نظام الدین محمد کاردرگر در سال ۸۶۹ ه. ق : در ورودی امامزاده عبدالله را در ماهروز محله ساخته است .
- حسین بن استاد احمد نجار در سال ۸۷۰ ه. ق : در ورودی امامزاده قاسم را در محله آستانه بارفروش ساخته است .
- حسین بن استاد احمد نجار در سال ۸۷۳ ه. ق : در ورودی امامزاده احمد را بر سامان به شهر و کلباد ساخته است .
- علی بن استاد فخرالدین بن استاد علی مازندرانی در سال ۸۷۶ ه. ق : در امامزاده ابراهیم را در خطیر کلا ساخته است .

- استاد فخرالدین نجار رازی در سال ۸۸۴ ه. ق : صندوق امامزاده عبدالصالح را در مرز رود ساخته است .
- استاد علی بن استاد فخرالدین در سال ۸۸۴ ه. ق : در ساختن صندوق امامزاده عبدالصالح شرکت داشته است .
- استاد حسین بن استاد احمد ساری در سال ۸۹۰ ه. ق : در ورودی شاهزاده حسین ساری را ساخته است .
- شمس الدین بن استاد احمد نجار ساری در سال ۸۹۱ ه. ق : در ورودی امامزاده قاسم را در المشیر ساخته است .
- محمد بن استاد حسین نجار در سال ۸۹۴ ه. ق : صندوق شاهزاده حسین را در ساری ساخته است .
- شمس الدین بن استاد آخند نجار در سال ۸۹۷ ه. ق : در ورودی بقعه امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) را ساخته است .
- شمس الدین بن سید عبدالصمد بن سید شمس الدین بهرام نجار در سال ۸۹۷ ه. ق : صندوق امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است .
- شمس الدین بن استاد احمد نجار ساری در سال ۸۹۹ ه. ق : در ساختن صندوق امامزاده عباس شرکت داشته است .
- بهرام بن استاد محمد نجار ساری در سال ۸۹۹ ه. ق : در میان کفش و مسجد امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است .
- سید مرتضی بن سید علی بن سید شمس الدین بن سید عبدالصمد بن سید شمس الدین بهرام نجار در سال ۸۹۹ ه. ق : در ساختن صندوق امامزاده عباس در آزادگله شرکت داشته است .
- استاد حسین بن استاد خوشنام نوری در حدود سال ۸۹۰ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در آمل ساخته است .
- استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۹۰۵ ه. ق : در امامزاده

استاد محمد خان گیلانی در سال ۹۸۵ ه. ق: صندوق امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) را ساخته است.

درویش روح الله ذوالقرنین در سال ۹۹۱ ه. ق: در ورودی امامزاده یونس رضا را درمنگل شیرگاه ساخته است.

استاد صالح نجارمهرانی در سال ۱۰۱۲ ه. ق: در یک لختی امامزاده ابوطالب را در بالا زیراب ساخته است.

درویش روح الله آهنگر شهری در سال ۱۰۸۶ ه. ق: در ورودی امامزاده موسی را در دستی کلای علی آباد ساخته است.

درویش روح الله ذوالقرنین آهنگر در سال ۱۱۱۹ ه. ق: در ورودی امامزاده حمزه و در مسجد آنرا در آهنگر کلای بیشه سر ساخته است.

استاد سلطان محمد طهرانی در سال ۱۱۲۱ ه. ق: ضریح چوبین امامزاده عبدالحق را در زیراب ساخته است.

استاد علی اکبر نیاکی در سال ۱۱۳۹ ه. ق: در ورودی امامزاده عباس را در کم دره ساخته است.

آقا سیدالله قلبی نجار در سال ۱۱۳۹ ه. ق: در ساختن در بالا شرکت داشته است.

رین العابدین نجار در سال ۱۲۲۷ ه. ق: منبر تکیه هفت پلکون را در معلم کلای هراری ساخته است.

استاد الله قلبی نجار تنکابنی چلاومسکن در سال ۱۲۳۰ ه. ق: کارنجاری امامزاده سیف الدین را در گنجرج کلا انجام داده است.

عباسقلی نجار در سال ۱۲۷۶ ه. ق: در ورودی امامزاده حسن بالای کوه وسورا ساخته است.

محمد تقی بن محمد رفیع در سال ۱۲۸۲ ه. ق: نجار در ورودی امامزاده محمد در اطاق سرای گنج افروز بوده است.

ابراهیم بابلسر را که رایینو دیده، ساخته است.

حسن بن استاد بایزید نجار در سال ۹۰۵ ه. ق: در ورودی امامزاده ابراهیم بابلسر را که رایینو دیده ساخته است.

علی بن استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۹۰۵ ه. ق: در ورودی امامزاده ابراهیم بابلسر را ساخته است.

استاد علی بن استاد فخرالدین بن استاد علی نجار در سال ۹۰۶ ه. ق: در ورودی مسجد امامزاده ابراهیم بابلسر را ساخته است.

محمد بن استاد حسین نجار سارنی در سال ۹۰۷ ه. ق: در ورودی شاه بالو را در ده میان ساخته است.

بهرام بن استاد محمد نجار ساری در سال ۹۱۶ ه. ق: در مسجد بقعه امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است.

استاد رستم بن استاد حاجی نجار در سان ۹۲۰ ه. ق: در ورودی درویش اولیا را در قادی محله ساخته است.

محمد بن حسین نجار ساروی در سال ۹۲۵ ه. ق: نجاری بقعه امامزاده ابراهیم آمل را انجام داده است.

درویش روح الله آهنگر در سال ۹۳۱ ه. ق: صندوق امامزاده عباس رضا را در کونای بیشه سر ساخته است.

استاد میرخان بن استاد حسین گیلانی در سال ۹۵۱ ه. ق: صندوق شاه عبدالله را در جلال ازرك ساخته است.

علی بن حسین در سال ۹۶۳ ه. ق: صندوق بالویه را در میانه ساخته است.

استاد حاجی محمود در سال ۹۸۲ ه. ق: در امامزاده محمد را در اطاق سرای ابوالحسن کلا ساخته است.

ابراهیم نجار بن سلیمان نجار در سال ۹۸۳ ه. ق: در ورودی امامزاده فضل را در زیارو ساخته است.

صادق و جعفر در سال ۱۲۸۸ ه. ق: نجاران سقانفار تکیه هندوکلاهی دشت سر بوده اند.

آقاسیدعباس در سال ۱۲۹۳ ه. ق: نجار صندوق امامزاده صالح در برون دشت سر بوده است.

استاد گل آقا لاسمی در سال ۱۲۹۳ ه. ق: در ساختن صندوق امامزاده صالح شرکت داشته است.

سید محمد نوائی در سال ۱۲۹۴ ه. ق: نجار صندوق امامزاده زین العابدین در قادی کلا بوده و در ورودی این امامزاده را نیز نامبرده ساخته است.

استاد دوستمحمد در سال ۱۲۹۵ ه. ق: نجار سقانفار تکیه رمنت بیشه بابل بوده است.

استاد علی شاگرد نجار بوده و در ساختن این سقانفار شرکت داشته است.

استاد ولی محمد لاسمی نیز در ساختن این سقانفار شریک بوده است.

استاد مهدی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: نجار در ورودی مسجد امامزاده عبدالله در فیروزکلاهی آمل بوده است.

مشهدی داداش نوائی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: نجار سقانفار کیچاتکیه حمزه کلاهی بیشه آمل بوده است.

استاد عباسقلی نجارباشی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: صندوق امامزاده عبدالله رادر شیخ موسی ساخته است.

استاد حبیب الله ولد مشهدی قلی نوائی در سال ۱۳۱۷ ه. ق: نجاری بقعه امامزاده محمد را در شورستاق اهلم رستاق انجام داده است.

استاد علی اکبر نجار در سال ۱۳۱۸ ه. ق: در ورودی امامزاده عبدالله را در شیخ موسی ساخته است.

استاد عباسقلی نجار در سال ۱۳۱۸ ه. ق: در ساختن در ورودی سابق الذکر شرکت داشته است.

استاد مهدیقلی بندپی ورزنی در سال ۱۳۲۲ ه. ق: ضریح چوبین سینا ابو صالح را در مله بیشه سر ساخته است.

استاد علی اکبر ورزنی در سال ۱۳۲۸ ه. ق: در ورودی مرقد پادشاه میرزا در دهکده پادشاه میر ساخته است. مشهدی عنایت نجار نیز در ساختن این در شرکت داشته است.

غلامحسین لاسمی در سال ۱۳۲۹ ه. ق: نجار سقانفار تکیه آهنگر کلاهی بیشه سر بوده است.

در ساختن ابن سقانفار، استاد فضل الله خانقائی و استاد اسدالله غائی شرکت داشته اند.

ابراهیم خروس ورزنی در سال ۱۳۴۴ ه. ق: در ورودی امامزاده محمود را در مرتع دهکده لاریم گیلخواران، ساخته است و ملا غلامعلی رضای ورزنی در ساختن این در شرکت داشته است.

استاد علی ذرونی در سال ۱۳۶۵ ه. ق: سقانفار گاو ان کلاهی بابلکنار را ساخته است و استاد میرزا علی بابای نجار در ساختن این سقانفار شرکت داشته است.

## بانیان ۳شاده دست

رستم بن شهر و لاش، بانی مرقد و صندوق حسن بن معروف به بالویه در سال ۶۶۳ ه. ق.

بوره کیابن شمس الدین علی کرخی، بانی امامزاده عبدالله در تشر در سال ۷۵۴ ه. ق.

درویش رستم میشا، بانی در ورودی مرقد امیر سید علی در لنگر در سال ۸۲۹ ه. ق.

مرتضی بن سید شمس الدین بن سید حسین کیابن عبدالله بن سید علی کیابابلکانی،

- بانی صندوق امامزاده ابراهیم بابلسر در سال ۸۳۵ ه. ق.
- آقاگستهم نیر، بانی دروودی و صندوق مرقد امامزاده عبدالصالح در مرز رود میانرود در سال ۸۴۶ ه. ق.
- شرین شاه بن حسین عرب، بانی امامزاده سفیدچاه در سال ۸۵۰ ه. ق.
- شمس الدین بن سید عزیز بابلکان، بانی درهای امامزاده ابراهیم بابلسر در سالهای ۸۵۸ و ۸۵۹ ه. ق.
- درویش محمد ابن کیا فلنج، بانی دروودی امامزاده قاسم درالشمیر نوکند کا در سال ۸۹۱ ه. ق.
- شجاع الدین سهراب بن آقارستم روز افزون، بانی در بقعه شاه بالو در ده میان در سال ۹۰۷ ه. ق.
- آقا حسین، بانی بنای امامزاده عباس در آزادگله ساری در سال ۹۱۶ ه. ق.
- درویش علاء الدین، بانی در وروودی درویش اولیا در قادی محله رودپشت گیلخواران در سال ۹۲۰ ه. ق.
- امیر محمد بن سیدعلی بهاء الدوله، بانی بنای شاه عبدالله جلال ازرك در سال ۹۵۰ ه. ق.
- امیر سید حسین بن امیر سیدخواجه، بانی بنای شاه عبدالله در جلال ازرك در سال ۹۵۱ ه. ق.
- ملا محمد ولد حاجی زین العابدین، بانی در وروودی سید ابوصالح در سال ۱۱۱۹ ه. ق.
- حاجی عبدالله بن حاجی محمد، بانی در وروودی سید ابوصالح در سال ۱۱۱۹ ه. ق.
- مولانا میر نظام الدین محمد، بانی تعمیر مسجد کاظم بیگ در سال ۱۱۶۹ ه. ق.
- حاجی حسین، بانی تجدید بنای مسجد چهارسوق بابل در سال ۱۲۱۱ ه. ق.
- آقا حسین زمدان، بانی ضریح مرقد سید مهدی کروب، حدود سال ۱۲۲۰ ه. ق.

- کربلائی ابوطالب و درویش حسین و درویش اسماعیل بانیان بنای امامزاده عبدالحق زیراب در سال ۱۲۲۴ ه. ق.
- کربلائی محمد آقا خلف کربلائی الله قلی، واقف منبر تکیه شیر محله در محرم ۱۲۳۴ ه. ق.
- حاجی جعفر، بانی دروودی امامزاده حسن در کوه وسو در سال ۱۲۷۶ ه. ق.
- درویش حسین آهنگر، بانی دروودی امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن - کلا در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.
- محمد کاظم مشهدیان، بانی بنای امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن - کلا در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.
- آقاعیسی بن آقا حسن قادی، بانی در امامزاده زین العابدین در سال ۱۲۹۴ ه. ق.
- فضل الله بن رضا قلی و کاظم بن رضا قلی و آقا اکبر بن رضا قلی، بانیان در وروودی امامزاده عبدالله در زیارت شیخ موسی در سال ۱۳۱۸ ه. ق.
- فضل الله بن رضا قلی و کاظم بن رضا قلی و آقا اکبر بن رضا قلی، بانیان در ورویدی شیخ موسی در زیارت شیخ موسی در سال ۱۳۱۸ ه. ق.
- سیف الله، مرتضی، تقی، ابراهیم، یدالله، پسران حسین پسر حاج آقا، بانیان در مرقد پادشاه میر در دهکده پادشاه میر بندپی در سال ۱۳۲۰ ه. ق.
- حیدرخان معروف به معز السلطان، بانی بنای مقبره ملا محمد شهر آشوب در بنگر کلا در سال ۱۳۲۳ ه. ق.
- کربلائی هدایت چراتی سوادکوهی، بانی ضریح سید ابوصالح در دهکده مله بیشه سرعلی آباد در سال ۱۳۲۴ ه. ق.
- کربلائی ابراهیم، بانی سقا نثار تکیه آهنگر کلا در سال ۱۳۲۹ ه. ق.
- مشهدی محمد چوپان نوائی، بانی در ورویدی امامزاده محمود در مرتع دهکده لاریم گیلخواران.
- انامار بنت میرزا جان، بانی قرآن تالار تکیه گاوان کلائی بابلکنار در سال

۱۳۴۶ ه. ق .

غریب رضا ، بانی تالار سقانفار گاوآن کلای بابلکنار در سال ۱۳۶۵ ه. ق .  
علاءالدین بن درویش محمد ابوالوفا ، بانی بنای سید زین العابدین در ساری .  
عبدالله بن شاه حسین القاضی بمحررسة طبرستان ، بانی بنای امامزاده  
ابراهیم آمل .

آخوند حاجی ملا عبدالغفار وملا عبدالغفار وگل علی سلطان وملا محمد امین  
وملا محمد شفیح ومهر علی ، بنایان امامزاده سیف الدین در گنجرج کلای چلاو .  
کیا محمد ، بانی صندوق امامزاده حسن در لپهش چلاو .

علی بن مولانا جمال ، بانی وساعی صندوق امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس  
موسی) در شهنة کلای دشت سر .  
درویش سیدجلال بن سید حسین ، صاحب الخیرات در ورودی مسجد متصل  
به بقعة امامزاده عبدالله در شهنة کلای دشت سر .

حاجی زیادمز بن محمد بن داود بن سماع بن هدی بن اسماعیل ، بانی بنای  
امامزاده فضل در زیارو .

مشهدی حاجی ، بانی در امامزاده عباس در کم درة دشت سر آمل .

مشهدی علی جان ، بانی سقانفار کیجا تکیه در حوزة کلای بیشة بابل .

عنایت الله ابن مهدیقلی سلطان قادی ، بانی صندوق امامزاده زین العابدین .  
خواجه حسن بن پیر علی رومی ، بانی صندوق امامزاده یحیی در ساری در سال

۸۴۶ ه. ق .

رستم بن نظام ، بانی در ورودی فعلی امامزاده یحیی در ساری .

سید اسماعیل بن سید قسح الله نجفی ، بانی صندوق ودر ورودی شاهزاده

حسین ساری .

## بنایان ومعماران

حسن بن علی معمار برج لاجیم .

حسن بن علی شیخ ، لقب به تشری ساعی عمارت امامزاده عبدالله تشر در

سال ۷۵۴ ه. ق .

استاد مولانا شمس الدین بن نصرالله مطهری معمار بقعة سلطان محمد طاهر

در سال ۸۰۹ ه. ق .

سید علی بن سیدکمال الدین بنای امامزاده قاسم در آستانة بارفروش در سال

۸۷۰ ه. ق .

استاد عبدالصفهانی سازنده گنبد اصلی مسجد جامع بارفروش در سال ۱۲۲۷ ه. ق .

امام قلی بیك سرکار بنائی مسجد محمد تقی خان در نسل بندی در سال

۱۲۵۷ ه. ق .

استاد اسماعیل ابی بنای مسجد جامع محمد تقی خان در نسل بندی در سال

۱۲۷۵ ه. ق .

استاد علی معمار کاشی ، معمار قلعة سرتك در سال ۱۲۹۲ ه. ق .

یعقوب علی بنای حسینیه آقا شیخ علی در ستمکلا در سال ۱۲۹۵ ه. ق .

سید علی بن سید کمال الدین بنای آملی بنای بقعة سید زین العابدین ساری .

مشهدی استاد حاجی آقا بنای مسجد چال بابل در سال ۱۳۲۳ ه. ق .

حاج عباس قمی ساعی بنای مسجد حاجی سید حسن تاجر بارفروشی به نام

مسجد زرگر در بارفروش در سال ۱۳۱۶ ه. ق .

## سج بران

محمد هادی قزوینی گنج بری مسجد محدثین را در محلة توغ دار بن بارفروش

در شعبان ۱۱۳۶ ه. ق . انجام داده است .

خطاطان	سی و سه
فخرالدین مطهر بن عبدالله داعی حسنی آملی خطاط کتیبه‌های صندوق امامزاده یحیی در ساری در سال ۸۴۶ ه. ق .	
عیق بن فخرالدین بن محمدحاجی کاتب کتیبه‌های صندوق امامزاده سفیدچاه در سال ۸۵۰ ه. ق .	
محمد خطاط کتیبه در امامزاده قاسم در محله آستانه بارفروش در سال ۸۷۰ ه. ق .	
احمد بن حسین سیاه پوش کاتب کتیبه در ورودی مسجد امامزاده ابراهیم بابل در سال ۹۰۶ ه. ق .	
تقی آملی کاتب کتیبه در امامزاده ابراهیم در سال ۹۰۵ ه. ق .	
ملا محمد یوسف کاتب کتیبه صندوق امامزاده عباس در کوتای بیشه سرشاهی در سال ۹۳۱ ه. ق .	
محمد ابراهیم آهنگر کاتب کتیبه صندوق امامزاده عباس در بیشه سرشاهی در سال ۹۳۱ ه. ق .	
حاجی محمد یوسف بن حبیب الله مشهدبان کاتب کتیبه در ورودی امامزاده یونس رضا در منگل شیرگاه در سال ۹۹۱ ه. ق .	
محمد یوسف بن کربلایی قاسم آهنگر بیشه سری کاتب کتیبه در امامزاده یونس رضا در منگل شیرگاه در سال ۹۹۱ ه. ق .	
محمد حسینی لاهیجی کاتب کتیبه صندوق میربزرگ در سال ۱۰۳۳ ه. ق .	
محمد بن محمد صالح کاتب کتیبه در ورودی سید ابوصالح در مله بیشه سر علی آباد در سال ۱۱۱۴ ه. ق .	
محمد یوسف بن قاسم شاگرد عالی یعقوب کاتب کتیبه در ورودی امامزاده حمزه کنار جاده ماشین رو شیرگاه به علی آباد در سال ۱۱۱۹ ه. ق .	
محمد مهدی خطاط کتیبه‌های مسجد جامع آمل در سال ۱۲۳۰ ه. ق .	
محمد مهدی طهرانی خطاط کاشیکاری محراب مسجد جامع آمل در سال ۱۲۳۳ ه. ق .	

سی و دو	از آستارا تا آستار باد
محمد علی امیری گچج پری بالای در ورودی حیاط امامزاده عباس را در کم- دره دشت سر آمل در سال ۱۱۳۹ ه. ق . انجام داده است .	
رمضانعلی نوائی گچج بری کتیبه جلوسه مقبره ملا نصیر را در سال ۱۲۹۵ ه. ق تمام کرده است .	
سنگ تراشان	
استاد عبدالغنی سنگهای قبور سید شمس الدین وسید کمال الدین بابلکانی را در کوسان در حدود سال ۸۰۰ تراشیده است .	
کاشیکاران	
استاد ابراهیم اصفهانی، کاشیکاری محراب مسجد جامع بابل را در سال ۱۲۳۳ ه. ق. تمام کرده است .	
نقاشان و قلمکاران	
استاد ابراهیم استکی نقش و قلمکاری امامزاده قاسم را در محله آستانه بارفروش در سال ۱۳۴۶ ه. ق. تمام کرده است .	
عبدالکریم بن شیخ الاسلام نقاشی بقعه هشتاد تنان خشک رود جلال از رک را در سال ۱۳۱۸ ه. ق. تمام کرده است .	
خطاطان	
احمد بن یوسف سلطانی خطاط کتیبه‌های صندوق امیر سید علی در لنگر در سال ۸۲۹ ه. ق .	

- محمد تقی خطاط کتیبۀ بخشش اجارهٔ خیازی برسنگ در مسجد جامع بابل  
در سال ۱۲۵۱ ه. ق.
- میرزاتقی شاعر و نقاش و کاتب در ورودی امامزاده حسن بالای کوه و سواز  
کوه‌های بندپی در سال ۱۲۷۶ ه. ق.
- عبدالعظیم مهدی، کتیبۀ در ورودی امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن  
کلای گنج افروز در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.
- محمد بن کربلائی علی‌قلی فیروزجاهی کاتب کتیبۀ ضریح پادشاه میر در دهکدهٔ  
پادشاه میر بندپی در سال ۱۲۸۸ ه. ق.
- ملاحیب فولاد کاتب کتیبۀ صندوق امامزاده زین‌العابدین در قادی کلا در سال  
۱۲۹۴ ه. ق.
- عباس، خطاط کتیبۀ جلو مقبرهٔ ملانصیرا در بارفروش در سال ۱۲۹۵ ه. ق.
- آخوند ملانصرالله نویسندهٔ کتیبۀ سقافارمنت بیشهٔ بابل در سال ۱۲۹۵ ه. ق.
- قاضی حاجی آقا بارفروش کاتب کتیبۀهای سقافار کیجاکتیبۀ حمزه کلای  
بابل در سال ۱۳۰۶ ه. ق.
- آمحمد، راقم حروف ضریح شیخ موسی در زیارت شیخ موسی در سال  
۱۳۱۰ ه. ق.
- موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتیبۀ در ورودی شیخ موسی در سال  
۱۳۱۰ ه. ق.
- موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتیبۀ در ورودی شیخ موسی در سال  
۱۳۱۸ ه. ق.
- موسی بن ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتیبۀ در ورودی پادشاه میر در پادشاه  
میر بندپی در سال ۱۳۲۰ ه. ق.
- عباس بن احمد بن نصرالله بائی کلائی سواد کوهی، کاتب کتیبۀ ضریح سید  
ابوصالح در ملهٔ بیشه سرعلی آباد در سال ۱۳۲۲ ه. ق.
- شیخ محمد رضا، کاتب کتیبۀ مسجد چال در محلهٔ چهار سوق بابل در سال

- ۱۳۲۳ ه. ق.  
هدایت ابن آخوند ملاعلی نویسندهٔ کتیبۀ سقافار تکیه آهنگر گلا در سال  
۱۳۲۹ ه. ق.
- محمد صانع خوانساری، خطاط ازارهٔ بنای امامزاده قاسم در محلهٔ آستانهٔ  
بارفروش در سال ۱۲۷۳ ه. ق.
- شفیع القاضی قزان جاهی: کاتب کتیبۀهای سقافار تکیه هندو کلاه.  
نعمت‌الله بن جعفر خطاط کتیبۀ گنج بری مسجد محدثین در محلهٔ توغدارین  
بارفروش.
- محمد فیروزجاهی، نویسندهٔ کتیبۀ صندوق امامزاده عبدالله در زیارت شیخ  
موسی.
- علی جان ولد اخو کاتب کتیبۀ در ورودی امامزاده محمود در مرتع لاریم.  
محمد یوسف بن قاسم آهنگر نویسندهٔ کتیبۀ امامزاده موسی دروستی کلای  
علی آباد.
- ملک جهانبخش نمار نویسندهٔ کتیبۀ در ورودی مسجد امامزاده حمزه در سیاهه  
رودپی دشت بیشه سرعلی آباد.

## درختان کهنسال در خاک مازندران شرقی

درختان تناور دامنه‌های شمالی، رشته کوه‌های البرز با بوته‌های خیس و گمار<sup>۱</sup>  
که بیشتر خاردار هستند و لولم<sup>۲</sup> تمشک که خود را به بالای درختان رسانده و فواصل  
میان درختان را پر کرده‌اند، همچون باروئی عظیم و قطور در مقابل مهاجمان ایستاده  
و مانع شده‌اند که آنان به داخل مازندران راه یابند.

نیمی از غذای جنگل نشینان، از درختان جنگلی چون خرمنندی<sup>۳</sup> و انار و

۱- شاخه‌های گیاهان خاردار.

۲- شاخه‌های دراز و باریک بوته‌هایی چون تمشک که گاهی تاده پانزده متر می‌رسد.

۳- خرمنندی وحشی که از آن شیر درستی می‌کنند.

کنوس (ازگیل) و انواع ویلیک<sup>۴</sup> و انگور و هلی (آلوچه) و سایر میوه‌های جنگلی تأمین می‌شود. پایه و اساس خانه‌های مسکونی دهکده نشینان حواشی جنگل از چوب است و درودیوار آنها از چوب درختان ساخته می‌شود و پوشش بام بیشتر این خانه‌ها از «لت» است. بنابراین درختان جنگلی در صفحات شمال ایران پایه زندگانی جنگل- نشینان است.

درختان عظیم جنگل نظیر (مازو = موزی = بلوط) که به نام «شیرجنگل» شهرت دارد چشم هر بیننده را خیره کرده و عظمت آنها اورا و ادار به احترام و حتی پرستش کرده است. از اینجاست که در مثل آمده است «هرجا که پبله پبله داره - اونجا گیلکان مزاره» یعنی هر جا که درختان بسیار عظیم است آنجا پرستشگاه و بتکده گیلکان است

نامهای جغرافیائی صفحات شمال بیشتر بانام درختان همراه است و نام درخت جزئی از نام مرکب جغرافیائی است، از آنهاست: اوجابن، توغ داربن که به غلط طوقداربن شده است، ول افرا، وله موزی، آزاد گله، ونداربن، چناربن، نارنج بندبن، آغوز کنده سر. لنگا که یکی از بخشهای بزرگ تنکابن است: نام نوعی درخت اوجا یا نارون وحشی است.

درختان دست نشاندگی می‌توانند سن و سال و قدمت بنائی تاریخی را نشان دهند. از اینرو هر یک را به ترتیب تنومندی در این فهرست گنجانیدیم.

۴- سرخه ویلیک و سیاه ویلیک نوعی زالک وحشی است.

## درختان آزاده

- ۱- درخت آزاد در مشهد چمنو علی آباد (= شاهی) ۷۰۰ سانتیمتر ص ۰۳۴۰
- ۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل در قجر محله ۷۰۰ سانتیمتر ص ۰۱۲۰
- ۳- درخت آزاد در بقعه درویش داود در آهنگر کلا ۶۶۵ سانتیمتر ص ۰۳۷۸
- ۴- درخت آزاد در امامزاده علی در کرچنگک بیشه سر ۶۰۹ سانتیمتر ص ۰۳۸۳
- ۵- درخت آزاد در امامزاده قاسم کهکرون هشتل ۶۰۰ سانتیمتر ص ۰۱۴۸
- ۶- درخت آزاد در سیاه رودپی دشت آهنگر کلا ۵۸۸ سانتیمتر ص ۰۳۷۶
- ۷- درخت آزاد در امامزاده علی در کرچنگک بیشه سر ۵۸۶ سانتیمتر ص ۰۳۸۳
- ۸- درخت آزاد در مشهد چمنو علی آباد شاهی (= شاهی) ۵۶۰ سانتیمتر ص ۰۳۴۰
- ۹- درخت آزاد در بقعه سید محمد در قادی کلا ۵۵۰ سانتیمتر ص ۰۳۳۶
- ۱۰- درخت آزاد در گورستان امامزاده قاسم کهکرون ۵۴۶ سانتیمتر ص ۰۱۴۸
- ۱۱- درخت آزاد در میدان دهکده بزمینان دشت سر ۵۴۰ سانتیمتر ص ۰۱۴۴
- ۱۲- درخت آزاد در اراضی امامزاده علی در کرچنگک ۵۳۸ سانتیمتر ص ۰۳۸۳
- ۱۳- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل در قجر محله ۵۳۵ سانتیمتر ص ۰۱۲۰
- ۱۴- درخت آزاد در اراضی بقعه درویش داود آهنگر کلا ۵۳۳ سانتیمتر ص ۰۳۷۸
- ۱۵- درخت آزاد در گورستان امامزاده قاسم کهکرون ۵۳۳ سانتیمتر ص ۰۱۴۸
- ۱۶- درخت آزاد در گورستان شهر علی آباد (شاهی) ۵۳۰ سانتیمتر ص ۰۳۳۵
- ۱۷- درخت آزاد در بقعه امامزاده عباس در سوته کلا ۵۲۵ سانتیمتر ص ۰۱۱۷
- ۱۸- درخت آزاد در امامزاده حمزه در سیاه رودپی ۵۲۰ سانتیمتر ص ۰۳۷۶
- ۱۹- درخت آزاد در اطراف بقعه امامزاده حمزه ۵۱۸ سانتیمتر ص ۰۳۷۶
- ۲۰- درخت آزاد در بقعه سید محمد در قادی کلا ۵۱۵ سانتیمتر ص ۰۳۳۶

سی و نه	درختان چنار
۲۴۶ سانتیمترص ۱۰۸	۴۵- درخت آزاد در امامزاده فضل بن موسی
۲۲۰ سانتیمترص ۱۱۹	۴۶- درخت آزاد در امامزاده محمد ولیس ده
۲۰۰ سانتیمترص ۱۰۸	۴۷- درخت آزاد در امامزاده فضل بن موسی

درختان چنار ۶

۱۰۳۰ سانتیمترص ۶۷۸	۱- چنار امامزاده عبدالله در اترپ
۹۶۰ سانتیمترص ۶۸۷	۲- چنار امامزاده عبدالله در اترپ
۸۰۰ سانتیمترص ۸۰	۳- چنار شاهزاده ابراهیم آمل
۷۷۰ سانتیمترص ۶۸۴	۴- چنار دهکده اسکار دین
۷۳۰ سانتیمترص ۷۳۲	۵- چنار امامزاده احمد = بلند امام
۷۰۰ سانتیمترص ۷۳۲	۶- چنار امامزاده احمد = بلند امام
۶۰۰ سانتیمترص ۸۰	۷- چنار شاهزاده ابراهیم آمل
۴۹۰ سانتیمترص ۱۵۴	۸- چنار امامزاده عبدالله رودبار هرازی
۴۶۰ سانتیمترص ۱۲۸	۹- چنار میدان جلو تکیه امامزاده سیف الدین
۳۶۰ سانتیمترص ۶۷۶	۱۰- چنار معصوم زاده میر مفید نکا
۲۰۰ سانتیمترص ۷۶۱	۱۱- چنار قتلگاه اشرف

درختان اوجا ۷

۵۶۶ سانتیمترص ۱۴۴	۱- درخت اوجا در میدان دهکده بز مینان
۳۴۶ سانتیمترص ۱۰۸	۲- درخت اوجا در امامزاده فضل بن موسی
۳۱۷ سانتیمترص ۱۶۸	۳- درخت اوجا در بقعه بامر کلای دابو

6- Populus Migra.; Populus planata.

7- Ulmus Campestris; Ulmus Montana.

سی و هشت	از آستارا تا آستار باد
۲۱- درخت آزاد در بقعه سید محمد در قادی کلا	۵۱۰ سانتیمترص ۳۳۶
۲۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل در قجر محله	۵۱۰ سانتیمترص ۱۲۰
۲۳- درخت آزاد در امامزاده حسن رضا	۵۰۸ سانتیمترص ۷
۲۴- درخت آزاد در محوطه امامزاده حمزه کنار راه شیر گاه	۵۰۸ سانتیمترص ۴۰۸
۲۵- درخت آزاد در امامزاده عبدالله در شهنة کلا	۵۰۰ سانتیمترص ۱۴۱
۲۶- درخت آزاد دو محوطه امامزاده حمزه کنار راه شیر گاه	۴۸۰ سانتیمترص ۴۰۸
۲۷- درخت آزاد در سید محمد در قادی کلا	۴۸۰ سانتیمترص ۳۳۶
۲۸- درخت آزاد در امامزاده محمد ولیس ده	۴۷۷ سانتیمترص ۱۱۹
۲۹- درخت آزاد در اراضی بقعه درویش داود	۴۷۰ سانتیمترص ۳۷۸
۳۰- درخت آزاد در امامزاده عبدالله شهنة کلا	۴۶۵ سانتیمترص ۱۴۱
۳۱- درخت آزاد در گورستان در یاسر هرازی	۴۲۰ سانتیمترص ۱۱۵
۳۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل	۴۰۰ سانتیمترص ۱۲۰
۳۳- درخت آزاد در گورستان امامزاده عبدالله	۴۰۰ سانتیمترص ۱۴۱
۳۴- درخت آزاد در بقعه امامزاده محمد هشتل	۴۰۰ سانتیمترص ۱۴۹
۳۵- درخت آزاد در مشهد چمنو در علی آباد (شاهی)	۴۰۰ سانتیمترص ۳۴۰
۳۶- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۴۰۰ سانتیمترص ۱۱۶
۳۷- درخت آزاد در بقعه حسن رضا	۳۶۳ سانتیمترص ۷
۳۸- درخت آزاد در سید سه نور اهل رستاق	۳۳۸ سانتیمترص ۱۰۹
۳۹- درخت آزاد در سید سه نور اهل رستاق	۲۸۷ سانتیمترص ۱۰۹
۴۰- درخت آزاد در گورستان امامزاده محمد هشتل	۲۸۲ سانتیمترص ۱۴۹
۴۱- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۲۷۷ سانتیمترص ۱۱۶
۴۲- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۲۷۵ سانتیمترص ۱۱۶
۴۳- درخت آزاد در سید سه نور اهل رستاق	۲۵۸ سانتیمترص ۱۰۹
۴۴- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۲۵۳ سانتیمترص ۱۱۶

## درختان سرو = سور = سرو جنگلی

- ۱- درخت سرو امامزاده حسن در رباط پنجهزاره ۳۳۰ سانتیمتر ص ۰۷۲۹
- ۲- درخت سرو بقعه سید قاسم در کردخیل رودپی ۲۰۵ سانتیمتر ص ۰۵۷۸
- ۳- درخت سرو بقعه کریم و رحیم مقری کلا ۱۶۰ سانتیمتر ص ۰۲۵۹
- ۴- درخت سرو امامزاده هاشم لمراسک ۱۳۵ سانتیمتر ص ۰۷۳۳
- ۵- درخت سرو بقعه سید ابوصالح در دهکده مله بلندی ۱۵/۵ متر ص ۰۳۸۲

## درختان لی = نارون وحشی

- ۱- درخت لی در اراضی امامزاده صالح برون ۵۵۰ سانتیمتر ص ۰۱۳۳

- ۴- درخت اوجا در بامر کلاهی دابو ۳۱۱ سانتیمتر ص ۰۱۶۸
- ۵- درخت اوجا در امامزاده محمد ولیس ده ۲۴۰ سانتیمتر ص ۰۱۱۹
- ۶- درخت اوجا در امامزاده محمد ولیس ده ۲۳۰ سانتیمتر ص ۰۱۱۹

## درختان بلوط = موزی = مازو

- ۱- درخت بلوط در گورستان دریا سر هرازیپی ۱۰۵۰ سانتیمتر ص ۰۱۵۵
- ۲- درخت بلوط در بقعه امامزاده محمد شورشاق ۷۳۶ سانتیمتر ص ۰۱۱۱
- ۳- درخت بلوط امامزاده محمد ولیس ده ۴۷۰ سانتیمتر ص ۰۱۱۹
- ۴- درخت بلوط در امامزاده محمد ولیس ده ۳۰۰ سانتیمتر ص ۰۱۱۹
- ۵- درخت بلوط در گورستان امامزاده محمد هشتل ۲۸۳ سانتیمتر ص ۰۱۴۹

## درختان افرا

- ۱- درخت افرا در تکیه هف پلکون هرازیپی ۶۰۰ سانتیمتر ص ۰۱۵۴

## درختان تادانه = داغداغان

- ۱- درخت تادانه در گورستان شاهزاده ابراهیم ۴۸۰ سانتیمتر ص ۰۸۰

## درختان ون = زبان گنجشک

- ۱- درخت ون در بقعه امامزاده قاسم کمانگر کلا ۳۲۲ سانتیمتر ص ۰۱۶۹

8- *Quercus Lucitanica* . 9- *Acer Plantanoides* .10- *Celtis Australia* .

منابع و مآخذ عربی و فارسی ۴۵ در این کتاب  
از آنها استفاده شده است

- ۱- آشوراده و هرات ، تألیف ابوالفتح وثوق زمانی ، تهران ۱۳۶۳ .
- ۲- آلبوم ناصرالدین شاه ، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه عکسی .
- ۳- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی چاپ  
دخویه ۱۹۰۶ میلادی .
- ۴- بهشهر ( اشرف البلاد ) تألیف علی بابا عسکری ، تهران شهریور ۱۳۵۰ .
- ۵- اقلیم نور از کتب چاپ شده در محافل بهائیان .
- ۶- بحار الانوار تألیف محمد باقر مجلسی چاپ امین الضرب .
- ۷- تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی تألیف دکتر عباس زمانی .
- ۸- تاریخ بیهق تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق با تعلیقات  
بهمنیار تهران ۱۳۱۷ شمسی .
- ۹- تاریخ بیهقی ، تألیف ابوالفضل محمد بن حسین کاتب بیهقی ، تهران ۱۳۱۹ شمسی .
- ۱۰- تاریخ طبرستان ، تألیف اردشیر برزگر ، تهران ۱۳۲۹ شمسی .
- ۱۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ، تألیف میر تیمور مرعشی ، به تصحیح دکتر  
منوچهر ستوده ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۶۴ شمسی .
- ۱۲- تاریخ خانی ، تألیف علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی ، تصحیح  
و تحشیة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ، ۱۳۵۲ شمسی .

- ۱۳- تاریخ روضة الصفای ناصری ، تألیف رضا قلی خان هدایت ، چاپ سنگی ، ۱۲۷۰ قمری .
- ۱۴- تاریخ رویان ، تألیف مولانا اولیاء الله آملی ، تصحیح و تحشیة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ، سال ۱۳۴۸ شمسی .
- ۱۵- تاریخ سرگذشت مسعودی ، تألیف مسعود میرزا ظل السلطان ، به کوشش حسین خدیو جم .
- ۱۶- تاریخ طبرستان ، تألیف بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ، به تصحیح عباس اقبال ، خرداد ماه ۱۳۲۰ شمسی .
- ۱۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، تألیف سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی ، تصحیح و تحشیة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، سال ۱۳۴۹ شمسی .
- ۱۸- تاریخ عالم آرای عباسی ، تألیف اسکندربیک ترکمان ، تهران ، اسفند ۱۳۳۴ .
- ۱۹- تاریخ گیتی گشا ، تألیف میرزا محمدصادق موسوی نامی اصفهانی ، با دوزیل ، یکی تألیف میرزا عبدالکریم بن علی رضا الشریف و دیگری تألیف آقا محمد رضای شیرازی ، تهران ۱۳۱۷ .
- ۲۰- تاریخ گیلان ، تألیف ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی ، تصحیح و تحشیة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۹ شمسی .
- ۲۱- تاریخ مازندران ، تألیف ملا شیخعلی گیلانی ، تصحیح و تحشیة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، سال ۱۳۵۲ شمسی .
- ۲۲- تاریخ مازندران ، تألیف اسماعیل مهجوری ، مجلد اول دی ماه ۱۳۴۲ شمسی ، مجلد دوم تیر ماه ۱۳۴۵ شمسی .
- ۲۳- التدوین فی احوال جبال شروین ، تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه ، یونتیل ۱۳۱۱ قمری .
- ۲۴- ترجمه سفرنامه مازندران و استراباد ، تألیف رابینو ، مترجم وحید مازندرانی .

- ۲۵- تقویم البلدان ، تألیف عمادالدین اسمعیل بن محمد بن عمر معروف به ابوالفداء ، چاپ پاریس ، ۱۸۴۰ میلادی .
- ۲۶- جغرافیای تاریخی گیلان ، مازندران ، آذربایجان از نظر جهانگردان ، تألیف ابوالقاسم طاهری ، تهران ، ۱۳۴۷ شمسی .
- ۲۷- جغرافیای تاریخی و اقتصادی مازندران ، تألیف عباس شایان ، چاپ دوم ، تهران ؛ ۱۳۳۶ شمسی .
- ۲۸- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ، تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه ، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار ، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی .
- ۲۹- روضات الجنات ، تألیف میرزا محمد باقر خوانساری ، تهران ، ۱۳۰۷ شمسی .
- ۳۰- ریحانة الادب ، تألیف محمد علی تبریزی ، تهران ، ۱۳۲۸ شمسی .
- ۳۱- سفارت نامه خوارزم ، تألیف رضا قلی خان هدایت ، به کوشش علی حصوری ، تهران ، ۱۳۵۶ .
- ۳۲- سفارشنامة انجمن آثار ملی شماره ۳۹ .
- ۳۳- سفرنامه استراباد و مازندران ، تألیف یکی از همراهان درن مورخ ۱۲۷۵ ، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
- ۳۴- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین ، سال ۱۳۳۹ شمسی .
- ۳۵- سفرنامه مازندران ناصرالدین شاه ، در سال ۱۲۸۲ قمری .
- ۳۶- سفرنامه مازندران ناصرالدین شاه ، در سال ۱۲۹۲ قمری .
- ۳۷- شاهنامه ، به کوشش آ. برتلس ونوشین .
- ۳۸- شهر بابل ، تألیف پوراندهخت حسین زاده ، تهران ، اردیبهشت ۱۳۴۳ .
- ۳۹- طبرسی و مجمع البیان ، تألیف دکتر حسین کریمان ، تهران ، ۱۳۴۰ شمسی .
- ۴۰- طرائق الحقایق ، تألیف محمد معصوم شیرازی معروف به معصوم علیشاه (نایب الصدر) ، به تصحیح محمد جعفر محجوب ، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی .
- ۴۱- طومار امامزادگان شمال ایران در دوران صفوی متعلق به مهدی میرمیرانی که

- تحت عنوان «آستانه‌های مازندران» آقای محمدتقی دانش‌پژوه درمجله معارف اسلامی، نشریه سازمان اوقاف، شماره دوم به چاپ رسانیده‌اند.
- ۴۲- عباسنامه، تألیف محمد طاهر وحید قزوینی، به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان، کتابفروشی داودی، اراک، اسفند ۱۳۲۹ شمسی.
- ۴۳- عجایب الاقالیم السبعه، تألیف سهراب.
- ۴۴- فرهنگ جغرافیائی ایران مجلد سوم، استان دوم، از انتشارات دایره جغرافیائی ستاد ارتش، شهریور ۱۳۲۹ شمسی.
- ۴۵- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران تألیف نصرت الله مشکوتی.
- ۴۶- کتاب اسامی دهات کشور، از انتشارات اداره آمار.
- ۴۷- کیهان ورزشی، شماره ۳۱، شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۳۹.
- ۴۸- کیهان ورزشی شماره ۲۹، شنبه اول مرداد ماه ۱۳۳۹.
- ۴۹- گنجینه‌های تاریخی مازندران، تألیف طاهری شهاب.
- ۵۰- المآثر والآثار، تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۶ قمری.
- ۵۱- مجالس المؤمنین، تألیف قاضی نورالله شوشتری، چاپ اسلامی طهرانی.
- ۵۲- مجله شکار و طبیعت، شماره ۲۶، دی ماه ۱۳۴۰ شمسی.
- ۵۳- مجله شکار و طبیعت، شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۴۱ شمسی.
- ۵۴- مجله نیرو و راستی، سال هشتم شماره ۳۰۲، چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۲۹ شمسی.
- ۵۵- مجموعه کتابخانه بیوتات شماره ۷۲۶.
- ۵۶- مرآت البلدان، تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران ۱۲۹۷ قمری.
- ۵۷- مسالك الممالك، تألیف ابواسحاق ابراهیم اصطخری، لیدن ۱۹۲۷ میلادی.
- ۵۸- المشترك وضعاً والمفترق صقعا، تألیف یاقوت حموی مکتبه المثنی در بغداد.
- ۵۹- معالم العلماء، تألیف ابن شهر آشوب، با مقدمه عباس اقبال، چاپ ۱۳۵۳.
- ۶۰- معجم البلدان، تألیف یاقوت حموی، با تصحیح فردیناند وستنفلد، لیبزیک

۱۸۶۹ میلادی.

- ۶۱- مفتاح باب الأبواب، تألیف میرزا مهدی خان زعیم الدوله.
- ۶۲- منتقلة الطالبیه، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۱۱۲۵.
- ۶۳- نزهة القلوب، تألیف حمدالله مستوفی قزوینی، تصحیح لسترانج، ۱۹۱۳ میلادی.
- ۶۴- نسخه عکسی سفرنامه ملکنوف به سواحل جنوبی دریای خزر متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۶۵- نقطة الکاف، تألیف میرزا جانی کاشانی، جزء سری اوقاف گیب، به سعی ادوارد براون، لیدن ۱۳۲۸ قمری.
- ۶۶- هیأت علمی فرانسه در ایران تألیف ژاک دمرگان ترجمه کاظم ودیعی، انتشارات چهر تبریز، خرداد ۱۳۳۸.

## منابع و مأخذ خارجی

- 1- Abbott, ... K. E., Narrative of a Journey from Tabriz along the shores of the Caspian Sea to Tehran.
- 2- A survey of Persian Art, vol. 8, No. 351.
- 3- Brown, E. G., A year amongst Persians..., Cambridge, University Press, 1926.
- 4- Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology 1937.
- 5- Comte de Gobineau: Les religion et les philosophies dans L'asie Cetrale, Paris, 1865.
- 6- Corpus Inscriptinum Iranicarum, Eastern, Mazandaran, I.
- 7- De Morgan: Mission Scientifique en Perse. Tome I.
- 8- Donald N. Wilber: «The institute's survey of Persian architecture: Priliminary survey of the eighth season of the survey» Bulletin of the American Institute of

- Iranian Art and Archaeology v, 2, December, 1937, 115.
- 9- Fraser, J. B. : Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern Bank of the Caspian Sea.
- 10- Godard, A. : L'Art de L' Iran, Paris 1962.
- 11- Hanway, J. : An Historical account of the British Trade over the Caspian Sea. vol. I.
- 12- Herbert, Thomas: Travels in Persia, 1627 - 1629.
- 13- Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian.
- 14- H. L. Rabino: Mazandaran and Astarabad, London 1928.
- 15- L. A. Mayer: Islamic Woodcarvers and their Works, Geneva - 1958.
- 16- Mary E. Burkett, «Tomb Towers and inscriptions in Iran» Oriental art m.s xi No2, 1965.
- 17- Mackenzie, C. F. Narrative of a Journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 - 1859
- 18- Napier, G. C. : Collection of Journals and Reports on a Special duty in Persia, London, 1874.
- 19- Nosratollah Meshkati : A list of the Historical Sites and Ancient Monuments of Iran tr. by A. S. Pessyan. Tehran 1334.
- 20- Sarre: Dankmaler Persischer Baukunst.
- 21- Stuart, Charles: Journal of a Residence in Northern Persia, London, 1854.
- 22- The Art of Islam, Hayward Gallery, 8 april-4 July, 1979. Arts Council. London, 1979.

تصحیحات ، اضافات و تعلیقات

صفحه سطر

- ۱۸/۱۳ : قصر آمله به جای قصر آمل صحیح است.
- ۷/۱۵ : یک سطر مکرر چاپ شده است.
- ۲۲/۲۱ : تعمیر به جای تعمیر صحیح است.
- ۱۹/۲۵ : ظاهراً اودشت محله به جای اردشت محله صحیح است.
- ۴/۳۲ : حاجی محمدحسن امین الضرب صحیح است.
- ۱۳/۳۹ : خضر به جای خضر صحیح است.
- ۱۲/۴۴ : ظاهراً شکل صحیح نام ابوالحسین احمد است.
- ۱۸/۵۵ : نقطه قاف افتاده و قرنیس صحیح است.
- ۲۰/۶۵ : صحیح غلط و درست آن صحیح است.
- ۱/۷۹ : رابنیو، حرف یاء مقدم برنون است.
- ۱۶/۹۵ : نقطه خاء زیاد است و محتشم نام شاعر است.
- ۲/۱۲۴ : قلعه دارا در رودبار هج است.
- ۱/۱۲۹ : قلاش بضم الف = قلاوش.
- ۳/۱۲۹ : قلاودش اشتباه است و صحیح آن قلاوش است.

- ۱۲/۴۳۷ : فانفین از دهکده‌های رودبار است نه فانفین.  
 ۱۸/۴۳۷ : در کوهپر کجور، دهکده‌ای به نام «بالو» نیافتیم.  
 ۲۰/۴۳۸ : بالومحله یادگار شیخ بالواست، نباید چنین باشد. بالو محله یعنی محله بالونشین که تیره‌ای از اهالی مازندران هستند خودشیخ بالوهم باید از این خاندان باشد.  
 ۲۳/۴۴۱ : تانبید = بانبید و رود الخ  
 ۵/۴۴۲ : رسگت باگاف به جای رسکت باکاف.  
 ۱/۴۵۹ : ظاهراً مخلص غلط خوانی کرده و تسعمایه صحیح است.  
 ۱۷/۴۹۵ : کوی به جای سکوی .  
 ۵۰۳/حاشیه : شماره يك افتاده است.  
 ۲/۵۰۴ : محکمی صحیح است.  
 ۵۰۶/حاشیه : Ni به جای EN.  
 ۱۵/۵۱۵ : آزادگله باگاف صحیح است.  
 ۱۳/۵۲۳ : همراهان صحیح است.  
 ۱۷/۵۳۲ : ثمانمائمه صحیح است.  
 ۶/۵۳۳ : برسرراه فرح آباد است.  
 ۷/۵۳۳ : در سال ۱۳۰۰ و CORPUS .  
 ۲/۵۳۴ : فخرالدین شکل صحیح کلمه است.  
 ۵۳۴/حاشیه : حدسی که اینجانب درباره نسبت کیلانی با کاف زده صحیح نیست. در کتیبه باید سرکش کاف افتاده باشد.  
 ۵۴۱/حاشیه : ETUDE شماره ۱۲۱ کتاب اسامی دهات کشور.  
 ۱۳/۵۴۲ : تراهما درست است.

- ۶/۱۳۴ : ساری به جای سازی صحیح است.  
 ۱/۱۳۵ : قزان چاهی به جای قزاق چاهی.  
 ۹/۱۸۹ : بحرالارم به جای بحرالارام.  
 ۱۰/۲۰۵ : بيمثل و صبور معنی درستی ندارد، ظاهراً بيمثل ونظير بايد باشد.  
 ۱۱/۲۱۳ : ناصرالدین شاه صحیح است.  
 ۷/۲۱۶ : بيبتون به ترتیب یاء و باء و یاء و تاء .  
 ۷/۲۱۷ : الف جمع در آمنوا افتاده است.  
 ۱۳/۲۳۹ : معمولا صدق الله وصدق رسوله گفته می شود.  
 ۶/۲۵۵ : نه دهکده آن به جای نه مکده آن.  
 ۴/۲۷۸ : کلمه دو غلط است و باید به در تبدیل شود.  
 ۱/۲۸۱ و ۲ و ۳ و ۴ : دنباله‌ای سوادت بر رخی ارحام مالی عنبرین خوانده نشد. ظاهراً شعر به زبان محلی است.  
 ۱/۲۸۲ و ۲ و ۷ و ۸ : کتیبه نویس و کتنده کار هر دو بی سواد بوده اند و جمله‌های عجیب ترکیب کرده اند.  
 ۷/۳۱۸ : گورسید به جای گور رسید.  
 ۷/۳۲۲ : بی بی صحیح است، نقطه باء دوم افتاده است.  
 ۸/۳۴۹ : چپکروود به جای چپکروود.  
 ۴/۳۵۹ : امامزاده زین العابدین در صفحه دست راست شرح داده شده است.  
 ۱۷]۴۲۰ : لی پشت به جای لی پشت.  
 ۷/۴۳۴ : لمزر به جای لمرز.  
 ۱۹/۴۳۵ : لمزر به جای لمرز.  
 ۱/۴۳۷ : صندوقك شکل درست کلمه است.

صفحه سطر

۵۵۳ / ۸: فضائلی به جای فاضی صحیح است.

۵۷۰ / ۱: زرج دره.

۱۲ / ۵۷۳: تپه‌های.

۵۷۹ / سطر آخر: مرقد به جای مرند.

۶ / ۵۸۰: واقع.

۳ / ۵۹۵: ملگنوف صحیح است.

۱۱ / ۶۰۵: انتهای سطر ۱۱ شماره ۴ اضافه شود.

۱۱ / ۶۰۷: جر کلباد در زمان شاه عباس ساخته شده، شاید کریم‌خان تعمیر و مرمت کرده باشد.

۶۰۹ / حاشیه: IDEM. شماره ۱۳ مربوط به شماره ۱۲ ص ۶۰۸ است.

۵ / ۶۱۳: پنج هزاره.

۸ / ۶۱۶: حمام قاضی به جای حمام غازی.

۱۷ / ۷۱۳: بنه علی اکبر به جای بند علی اکبر.

۴ / ۶۷۹: مرمت به جای سرمست.

۹ / ۷۴۸: کسلیان به جای کیلیان.

۱۳ / ۷۵۳: کلمهٔ خمسین را کاتب درد و بخش نوشته بود. علت آن روشن نشد.

۷۵۴ / سطر آخر حاشیه: CORPUS صحیح است.

۱۰ / ۷۵۵: شدرب و تنا معلوم نیست چه منطقه‌ایست و فضل کلاته هم نامگذاری غریبی است.

۱۴ / ۷۵۵، ظاهراً «هند» نام پسر حیدر بن محمد نجار است. باقی عبارت «بخیر محمد دعا محتوا» معنی ندارد.

۱۸ / ۷۵۵: به جای «انجیل» که در کتیبه آمده، «النجل المطلق من سلالة نبوی» باید باشد.

۱۲ / ۷۶۱: میرظهیرالدین از سیدعلی بن سید عبدالعزیز در هزار حزیب نام برده است.

ظاهراً بامرقد امیر سید علی یکی است. ولی در کتیبهٔ صندوق مزار او نام

پدرش قید نشده. چون این مرد در تاریخ ۸۲۹ قمری فوت شده است

و آخرین وقایع عمر میرظهیرالدین به سنهٔ ۸۸۸ قمری می‌رسد. می‌توان

این مزار را با آنچه میرظهیرالدین زیارت می‌کرده یکی دانست.

۱۲ / ۷۶۶: خطاطی عبارات عربی را قبلاً درست نوشته، تعجب است که به جای

«مبارک» «موبارک» نوشته است.

۱۵ / ۷۶۶: عبارات از نظر ترکیب عربی درست نیست.

۲۰ / ۷۶۶: کلمه «عیلی» شاید در شعر به جای «علی» آمده است.

۲۴ / ۷۶۶: نورث با ثاء سه نقطه به جای «نورست» بر بی‌سوادی کاتب دلیلی

قاطع است.

۴ / ۷۶۷: معنی مصراع دوم روشن نیست.

میرزای عالمیان در فرح آباد از درگاه

شاه عباس را نده شد

میرزای عالمیان دربارهٔ توفیر وجوهات دیوانی مبلغ هجده هزار تومان از تفاوت

تسعیر برنج لاهجان، از رعایا بازیافت نموده، داخل جمع خود نکرده بود. این

جریان را بهزاد بیک پس از رسیدگی به شاه عباس گزارش داد. سخن بهزاد بیک در

مزاج شاه عباس جایگیر شد. بهزاد بیک هم به اتفاق سپه سالاران و سرشناسان گیلان

به فرح آباد رسید و مبلغ پانصد تومان پیش کش نموده، پایوسی نمود.

میرزای عالمیان، پس از شنیدن این خبر از مشهد روانهٔ فرح آباد شد. شاه-

عباس حقیقت هجده هزار تومان تفاوت تسعیر برنج لاهجان را از او پرسید. میرزا

از پریشانی رعایای لاهجان حرفها زد و از بازیافت این مبلغ انکار بلیغ نمود. شاه

عباس بدو گفت: «میرزا، راه دور طی کرده‌ای، مخبط شده‌ای، برو آسایشی اختیار کن.»

اما دیگر میرزا به درگاه شاه بار نیافت.<sup>۱</sup>

ناصرالدین شاه در فرح آباد ساری

ناصرالدین شاه به مقیمی وسط میانکاله رفت و عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی از ناصر آباد مأمور پذیرائی اورپلیانف فرستاده جانشین قفقاز و قدس - وزیر مختار مقیم دارالخلافه - و دیگر مأمورین دولت روسیه شد و به این مقصود روانه دریا گردید. خود شاه ۲۱ ذی الحجه سال ۱۲۸۳ قمری وارد فرح آباد شد. چهار کشتی روسیه در برابر چادر همایونی لنگر انداختند و روز ورود موکب شاهی درخور احترامات سلاطین با اقتدار، از آئین و تزین کشتیها و انداختن توپ سلام و زدن موزیک افتخار کردند. شاه ادیب‌الملک پیشخدمت خاصه را به میان سفین فرستاد که نسبت به ایشان مراسم شاهانه را ابلاغ نماید. روز دوم ورود ۲۲ ذی الحجه، نمایندگان دولت روس از دریا پیاده شده، به چادر کشیکخانه که ظهیر الدوله برای پذیرائی معین کرده بود، نشستند. پس از آن همگی به هیأت اجتماع در سراپرده مخصوص حضور یافتند. شاه و همراهان به قایقهای روسیه نشستند و به مأموران دولت روسیه که به حضور آمده بودند نشانها دادند که یحیی خان آجودان مخصوص عطا‌بای ملوکانه را با فرامین به میان سفین برده، تمامی را ابلاغ کرد.<sup>۲</sup>

فهرست مطالب کتاب

صفحه ۳-۸	بناها و آثار تاریخی از قلم افتاده مجلد سوم
۳۶-۱۱	بخش یکم: بناها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن
۱۰۵-۳۷	۱- بناها و آثار تاریخی شهر آمل
۱۱۳-۱۰۷	۲- بناها و آثار تاریخی اهلیم رستاق
۱۲۰-۱۱۵	۳- بناها و آثار تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان لیتکوه
۱۳۲-۱۲۱	۴- بناها و آثار تاریخی چلاو
۱۵۰-۱۳۳	۵- بناها و آثار تاریخی دشت سر آمل
۱۵۶-۱۵۱	۶- بناها و آثار تاریخی هرازپی
۱۷۱-۱۵۷	۷- بناها و آثار تاریخی دابو
۱۸۱-۱۷۵	بخش دوم: بناها و آثار تاریخی بابل و اطراف آن
۲۵۳-۱۸۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)
۲۷۴-۲۵۵	۲- بناها و آثار تاریخی مشهدسر (بابلسر)
۲۸۹-۲۷۵	۳- بناها و آثار تاریخی ناحیه جلال ازرك
۲۹۰-۲۸۷	۴- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد بابل
۲۹۸-۲۹۱	۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه بابل
۳۰۶-۲۹۹	۶- بناها و آثار تاریخی مشهدگنج افروز
۳۳۰-۳۰۷	۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی
۳۳۴-۲۳۳	بخش سوم: بناها و آثار تاریخی شاهی و اطراف آن
۳۴۷-۳۳۴	۱- بناها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی آباد)
۳۵۹-۳۴۹	۲- بناها و آثار تاریخی گیلخواران و چپکرو
۳۶۳-۳۶۱	۳- بناها و آثار تاریخی کیا کلا و نوکند کا
۳۷۴-۳۶۵	۴- بناها و آثار تاریخی بالاتجن علی آباد
۳۸۳-۳۷۵	۵- بناها و آثار تاریخی بیشه سر علی آباد
۳۸۹-۳۸۵	۶- بناها و آثار تاریخی بابلکنار و کارکنده
۳۹۴-۳۹۱	۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه سوادکوه

۱- تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۹.

## بناها و آثار تاریخی از قلم افتاده

مجلد سوم

پنجاه و شش		از آستارا تا استارباد
۴۰۱-۳۹۵	۸- بناها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه	
۴۱۶-۴۰۳	۹- بناها و آثار تاریخی شیرگاه زیراب سوادکوه	
۴۷۹-۴۱۷	۱۰- بناها و آثار تاریخی ولویی و راستویی سوادکوه	
۴۸۲-۴۸۱	۱۱- بناها و آثار تاریخی لفور سوادکوه	
۵۰۱-۴۸۵	بخش چهارم: بناها و آثار تاریخی ساری و اطراف آن	
۵۷۵-۵۰۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر ساری	
۵۹۶-۵۷۸	۲- بناها و آثار تاریخی رودپی ساری	
۶۱۰-۵۹۷	۳- بناها و آثار تاریخی میاندورود و شهرخواست	
	بخش پنجم: بناها و آثار تاریخی خرگوران = اشرف البلاد =	
	بهشهر و حومه آن	
۶۷۱-۶۱۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر اشرف = بهشهر	
۶۷۱-۶۱۸	۲- بناها و آثار تاریخی قره طغان اشرف	
۷۲۵-۶۷۳	۳- بناها و آثار تاریخی پنجهزاره و کلباد اشرف	
۷۴۴-۷۲۷	بخش ششم: بناها و آثار تاریخی ناحیه کوهستانی هزارجریب	
۷۵۰-۷۴۷	۱- بناها و آثار تاریخی شهر یاری چهاردانگه هزارجریب	
۷۵۹-۷۵۱	۲- بناها و آثار تاریخی ناحیه هزارجریبی چهاردانگه	
۷۶۳-۷۶۱	۳- بناها و آثار تاریخی سورتیجی چهاردانگه	
۷۶۸-۷۶۵	۴- بناها و آثار تاریخی نرم آب دودانگه	
۷۷۰-۷۶۹	۵- بناها و آثار تاریخی بنافت دودانگه	
۷۷۲-۷۷۱	۶- بناها و آثار تاریخی پریم دودانگه	
۷۷۸-۷۷۳		
۸۱-۷۸۱	سخنی درباره فهرست جامع	
	فهرست جامع	
	۷۸۳- تا آخر کتاب	
	عکسها خود شماره ترتیب جداگانه دارند و اعداد سرصفحات را در میان هلالیه	
	(پراتز) قرار دادیم نظیر (۵۱) و (۶۶) و (۲۰۰).	

به نام آنکه او نامی ندارد  
به هر-نامی که خوانی سر بر آرد

#### قلعه گلندان<sup>۱</sup>

در ص ۴۰۶ مجلد سوم ذکری از راه قدیمی لاسم به نوا است . املا<sup>۲</sup> ،  
علف چری برسر این راه است . در این علف چر آثار قلعه ای قدیمی به نام  
« گلندان » است .

#### گمبوجی قدیمی

برسر راه لاسم به نوا

پایین قلعه گلندان و پای چشمه ای که طرف آبریز نوا است آثار گمبوجی  
قدیمی است .

#### تاریخ صندوق امامزاده احمد رضا

در لاسم

شرحی از صندوق این بقعه در ص ۱۰۴ مجلد سوم آمده است . در بازدید  
سال ۱۳۵۴ شمسی این عبارات بر تخته دیگری از بدنه صندوق از پایین به بالا  
خوانده شد :

فی تاریخ ماه مبارک ربیع الاول سنه احد عشر وثمانمائه .

۱ - بکسر گاف و فتح لام . ۲ - بفتح الف و سکون میم .

## چرم

چاهی در لارجان که مجرمان را در آن می‌آویختند<sup>۲</sup>. در ضمن بررسی به‌چنین چاهی برنخوردیم. ظاهراً منظور مؤلف آبشار قلعه شونادشت (شاهان دشت) کنار قلعه ملک بهمن است که جریان آب سنگ را خورده و به شکل چاه در آورده است. داستانهای از آویختن مجرمان و دستگیرشدگان در این آبشار بر سر زبانهاست که پاره‌ای از آنها غیر قابل قبول است.

گمبوج<sup>۳</sup> = گمبگه

بر سر راه اسک به لاسم

بر سر راه اسک به لاسم تقریباً در نیمه راه و نزدیک به سرگردنه، بنائی است از سنگ و گچ به نام «گمبوج» که وضع پناهگاه دارد. (عکس شماره یک) این قسمت از راه چون در روزهای زمستان برف و دمه دارد این بنا را ساخته‌اند تا مکاریان و مسافران بدانجا پناه برند. محلی برای دواب و چهارپایان نیست.

## کاروانسرای لار

این کاروانسرا در زمان ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ه. ق) ساخته شده است. رضاقلی‌خان هدایت می‌نویسد:

چون راه افجه بواسطه قتل و تلل بر معابر و مسافر صعب بوده، آن راه را ساختن فرمود و پل بر رود گلندوئک بسته و کاروانسرائی در لار بنا نهاد که عبور و مرور قوافل در داخل تسهیل پذیرد و اگر وقتی موکب فیروزی کوکب شاهنشاهی به تفرج و تماشای آن صوب حرکت فرماید بر متلزمین رکاب زحمت روی ندهد و قریب هشتصد تومان به مخارج این کار رفته<sup>۴</sup>.

۳ - خاندان مرعشی مازندران ص ۳۴۷. ۴ - بفتح گاف و سکون میم.

۵ - بضم گاف و باء. ۶ - روضة الصفاى ناصرى ج ۱۰ ص ۲۸۵.

## تعمیر راه کتل کبود و سد بلده نور

کتل کبود (= گردنه کهو) میان لار و یالوردنور است و ظاهراً بلده هم سدی برای حفاظت اراضی آن داشته است. صاحب روضة الصفا می‌نویسد:

در تعمیر راه کتل کبود و سد بلده و بعضی مخارج زیاده از یک هزار و پانصد تومان مصارف التناف کرده<sup>۵</sup> [منظور ناصرالدین‌شاه است].

## کاروانسرای پای گردنه کبود

برای کاروانسرای پسای گردنه کبود لار مبلغ یکصد تومان خرج شده است<sup>۶</sup>.

## گورستان و مسجدی خرابه

## در مرتع پلهار از مراتع نیاک

گورستانی قدیمی و آثار مسجدی در مرتع پلهار است. در این محل ظاهراً آبادانی بوده است زیرا آب را از چشمه‌ای دور دست با گنگ<sup>۷</sup> سفالین بدینجا آورده‌اند. با کنده کاری سطحی می‌توان گنگها را از زمین در آورد. دو سنگ تراش دار که ظاهراً برای سردر مسجد به کار رفته بوده است در این خرابه دیده می‌شود.

## خرابه‌های موزون

در مرتع و علف‌چر موزون که میان دو مرتع الیس<sup>۸</sup> و نه‌ای<sup>۹</sup> قرار دارد و حدود آن به سرخ دره و سیه کله سر<sup>۱۲</sup> و پرده<sup>۱۳</sup> و نوسر منتهی می‌شود آثار

۷ و ۸ - روضة الصفاى ناصرى ج ۱۰ ص ۲۸۵. ۹ - گنگ بضم گاف تبتوشه های

بلند و باریک که برای نوله کشی از راه دور به کار میرفت. ۱۰ - بکسر الف.

۱۱ - بکسر نون. ۱۲ - بکسر سین باهاء مخنتفی. ۱۳ - بفتح پ و دال.

خرابه آبادی قدیمی و سفال فراوان دیده می‌شود. امامزاده‌ای به نام «امامزاده عبدالله» با بنائنی ساده بر بالای کوهی منفرد دیده می‌شود. بنای سابق امامزاده بر اثر افروختن شمع بر صندوق آن آتش گرفت و آقای الله‌داد درخشانی آنرا به شکل کنونی تجدید بنا کردند. پشت امامزاده گورستانی قدیمی است که گورهای آن سمت و جهت دفن اسلامی ندارند.

## گنگ کشی و یارک

در نزدیکی موزون در مرتع «ویارک» آثار لوله کشی با گنگ سفالین دیده می‌شود. (عکس شماره ۲) ابتدای این لوله کشی از چشمه‌ایست به نام «گونو» و دنباله آن تا «نوسر» می‌آمده است. نظیر این لوله کشی در کوهستان گیلان یعنی در دیلمان و اشکور نیز فراوان دیده شده است.

## پلی قدیمی

## بر رودخانه پلور

میان عکسهای آلبوم ناصرالدین شاه، عکس پلی است که رضای عکاس برداشته است. (عکس شماره ۳) در زیر این عکس نوشته‌اند «عکس پل رودخانه پلور که از کوه اسک جاریست از بناهای حاجی میرزا بیک نوکر صدراعظم سابق است روبه جنوب انداخته شد فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۲ اودئیل»<sup>۱۴</sup> از این پل امروز اثری برجای نیست.

## امامزاده حسن رضا

در صفحه ۳۴۷ مجلد سوم زیر عنوان «امامزاده رضا» شرحی درباره این امامزاده نوشته‌ایم. در مردادماه ۱۳۵۶ شمسی که از این بنا دوباره بازدید شد، نکاتی تازه به نظر رسید که در اینجا شرح داده می‌شود:

نام این امامزاده ظاهراً حسن رضا بوده است و ما در مجلد سوم به نام

۱۴ - عکس شماره ۱۲۶۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه.

امامزاده رضا ضبط کرده‌ایم. (عکس شماره ۴) در خواندن کتیبه‌های در وردی یکی دو اشتباه روی داده است که در اینجا اصلاح می‌گردد:

بر پاسار سمت راست بالا، عبارات زیر حک شده است:

عمل استاد مرزاعلی ولد مشهدی رمضان قصرانی

بر پاسار بالای سمت چپ:

بتاریخ دهم شهر ربیع الاول هزار و دوست و نود و دو ۱۲۹۲ کتبه

عبدالله قاضی.

در گورستان اطراف بقعه درختان آزاد و موزی و شمشاد و انار است

محیط تنه درختان آزاد به ۳۶۳ و ۴۰۰ و ۵۰۸ سانتیمتر می‌رسد.

کسانی که در شکل شاه در بند بریده

حجاری شده‌اند

در ص ۵۲ مجلد سوم نوشته‌ایم: «در شکل شاه (عکس شماره ۵)

ناصرالدین شاه در وسط بر اسب سوار است و پنج تن از درباریان طرف راست

و پنج تن طرف چپ او حجاری شده‌اند.» در عکسی که از شکل شاه در آلبوم

ناصرالدین شاه یافتیم<sup>۱۵</sup> بالای سر این ده تن القاب یاسمت آنان را با قلم ریز و خط

شکسته به این ترتیب نوشته‌اند: در وسط بالای سر ناصرالدین شاه: تمثال بیمثال

همایونی.

۱ - نواب وجیه‌الله میرزا

۲ - مقرب الخاقان آجودان مخصوص (رضاخان اقبال السلطنه عکاس باشی)<sup>۱۶</sup>

۳ - وزیر فواید (حسنعلی خان امیر نظام گروسی)

۴ - جناب سپهسالار اعظم (میرزا حسین خان سپهسالار)

۵ - جناب آقا (میرزا یوسف خان مستوفی الممالک)

۱۵ - عکس شماره ۱۶۶۴۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه.

۱۶ - آنچه داخل دو هلال است برای شرح و توضیح بیشتر افزوده شده است.

بخش یکم  
بناها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن

- ۶ - آقای نایب السلطنه (کامران میرزا)
- ۷ - اعتضاد السلطنه (علیقلی میرزا)
- ۸ - جناب عضد الملک (علیرضاخان)
- ۹ - جناب امین الملک (علی خان)
- ۱۰ - مقرب الخاقان مهدیقلی خان (مجدالدوله)

مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی آمل

شهر آمل در سال ۱۳۷ هجری به دست مسلمین افتاد. \*

در زمان تاج الدوله یزدجرد بن شهریار بن اردشیر بن کیخوار که در مازندران حاکم و پادشاه بود، در شهر آمل و نواحی هفتاد پاره مدرسه عامر و بر کار بود. \*\*  
شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر المقدسی جغرافی نویسنده بنام، از آمل یاد کرده است. و درباره بیمارستان و مسجد قدیمی و مسجد نو این شهر شرحی نوشته است و می نویسد که هر دو مسجد رواقی بزرگ دارند و درباره بازرگانان آمل می نویسد تجارت پر رونقی داشته اند. \*\*\*

ابوالفدا متوفی در ۷۳۳ ه. ق، در تقویم البلدان که به سال ۷۲۱ ه. ق تألیف کرده است، مطالب زیر را در کتاب خود، نقل از جغرافی نویسان پیش از خود درباره آمل آورده است:

آمل قصبه طبرستان و از قزوین بزرگتر است. بسیار آبادان است و بناهای آن کهنه ترین بناهای این نواحی است.<sup>۱</sup>  
احمد کاتب گوید:

«آمل بر ساحل بحر دیلم است.»<sup>۲</sup>

\* - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ . \*\* - تاریخ رویان ص ۱۵۵  
\*\*\* - احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ذیل اقلیم دیلم ص ۳۵۹ .  
۱ - قانون مسعودی به نقل از تقویم البلدان ص ۴۳۵ . ۲ - تقویم البلدان ص ۴۳۵

مهلبی گوید :

«از آمل تا چالوس که برکنار دریاست نه فرسنگ است.»<sup>۳</sup>

یاقوت گوید :

آمل شهری است در طبرستان که در دشت قرار دارد<sup>۴</sup>.

«آمل بزرگترین شهر طبرستان و ابوجعفر محمد بن جریر طبری از آنجا برخاسته است.»<sup>۵</sup> «ابوجعفر محمد بن جریر طبری اهل آمل است که در سال ۳۱۶ هـ . ق . وفات یافت.»<sup>۶</sup>  
حمدالله مستوفی گوید :

«آمل از اقلیم چهارم باشد . طهمورث ساخت . شهری بزرگ است و هوایش به گرمی مایل و مجموع میوه های سردسیری و گرمسیری از لوز و جوز و انگور و خرما و نارنج و ترنج و لیمو و مرکب و غیره فراوان باشد.»<sup>۷</sup>

سهراب می نویسد :

مدینه آمل قرب البحر عرك لرمه<sup>۸</sup>.

فاصله آمل از سایر شهرهای مازندران

از نظر اصطخری

از آمل تا مامطیر (بابل امروز) یک منزل - از مامطیر تا ساری یک منزل از راه ترجی با اینکه کوتاهتر است فاصله را تعیین نکردم ، راه طولانی تر را آوردم . زیرا در این راه دوشهر با مسجد جامع است .

راه آمل به دیلمان

از آمل تا ناتل یک منزل - از ناتل تا چالوس یک منزل سبک - از چالوس

۳ - تقویم البلدان ص ۴۳۵ . ۴ - المشترك ص ۶ . ۵ - معجم البلدان ذیل آمل .

۶ - نسخه عکسی ترجمه ملکوف ص ۱۰۰ . ۷ - نزهة القلوب ص ۱۶۰ .

۸ - عجایب الاقالیم السبعه ص ۳۳ .

تا کلار یک منزل - از کلار تا دیلمان یک منزل .

راه آمل به دریا

از آمل تا عین الهم یک منزل سبک<sup>۹</sup> .

بنای شهر آمل

حسن بن اسفندیار ، صاحب تاریخ طبرستان ، درباره بنای شهر آمل چنین نوشته است :

مهندسان بیامدند و بنیاد شهر بدین موضع که «استانه سرای» می گویند فرو نهادند و اول آن جایگاه را «ماته» گفتندی . این ساعت (۶۰۶ هـ . ق) مسجد جامع است و چشمه ای آب بود که مستنبط او به کوه و لذا او امید بود در عهد یزدادی اندکی از آن آب ظاهر بود پس مقصوره . آبی خوش و خنک و جاری چنانکه به چلاوه سر چهارپایان را از آب از این جوی دادند و چون شهر را بنیاد نهادند ، باروی حصار از خشت پخته کردند ، چنانکه سه سوار همبر رفتندی و خندقی ژرف گرداگرد شهر بسزدند . عمق سی و سه ارش به ارش مساحان و عرض یک تیر پرتاب و قعر یک بدست و چهار دربر این حصار نهادند : باب جرجان ، باب گیلان ، باب الجبل ، باب البحر خواندندی و مساحت شهر چهارصد گری زمین بود . سالها بر این قرار بماند و قصر آمله که زن فیروز بود اینجا که این ساعت (۶۰۶ هـ . ق) کوچه گازران می گویند پس رسته بزازان بود و دخمه نیز همانجاست . به عهد ملک سعید اردشیر ، خالک شویان دویزه بالای ، آن زمین فرو رفته بودند و عمارت بسیار ظاهر شده و دخمه و گور بادید آمده . فی الجمله عمارت شهر در مدت حیات فیروز بر این قرار بماند .

۹ - مسالك الممالك ص ۲۱۷ .

چون او درگذشت و پسرش خسرو بنشست، در تحصین و عمارت مبالغت نمود و بیرون از خندق قصرها ساخت و دارالملک خود کرد تا از اطراف مردم رغبت و وطن بدو کردند و اکابر و ملوک برای جوار پادشاه، باغ و سرای و بازار و مستغل بنیاد نهادند. حصاری دیگر از گل بفرمود کردن و گرداگرد این عمارات نوکشید. مابین السورین را ربض گفتندی و هرچه بیرون سورگل بود، زهق. در قبایلهای کهن این ذکر بسیار یافتنم نوشته. معنی آمل به لغت ایشان آهوش است و هوش و مل مرگ را گویند و بدین کنایت است از آنکه ترا مرگ هرگز مباد<sup>۱۰</sup>.

#### آمل در ابتدای قرن یازدهم هجری

توماس هربرت در سال ۱۰۳۶ قمری آمل را دیده و درباره آن نوشته

است:

«آمل در دشت وسیعی بنا شده است که منظری بغایت دلپسند و خاکی بسیار حاصلخیز دارد. امروزه شهری است آباد، اما در گذشته بمراتب آبادتر بوده است، چه ویرانه‌های کنونی به خوبی حکایت از آن عظمت گذشته می‌کند. این شهر از بسیاری از نقاط دیگر که دیده‌ام زیباتر است و حصار و باره شهر از لحاظ زیبایی و استحکام در سراسر ایالت مازندران نظیر ندارد. آنچه بر استحکام شهر می‌افزاید، خندق ژرفی است که دورتادور شهر ایجاد کرده‌اند و در آن آب انداخته‌اند، بطوریکه تنها راه ورود به شهر، پلی است که طبق دلخواه، آن را از روی خندق بلند می‌کنند و فرود می‌آورند و به این نحو مردم آمل خود را از هجوم همسایگان و سایر مهاجمان کوه‌نشین محفوظ می‌دارند. . . . عالیترین بنای شهر مسجد

جمعه است و می‌گویند که در اینجا چهارصد و چهل و چهارتن از ملوک و پیامبران مدفونند و عامه مردم برای این گونه مقابر حرمت فراوان قائلند. . . . هنگامی که من به این مسجد گام نهادم، مؤمنین به خواندن قرآن مشغول بودند<sup>۱۱</sup> با آنکه غریبه بودم و لباس ملی خویش را برتن داشتم، هیچکس با تعجب به من نگاه نمی‌کرد و همه همچنان به خواندن ادامه دادند تا آنکه کار خود را تمام کردند. و دیدنیهای آن محل را که می‌پنداشتند ممکن است مقبول نظر بیگانه‌ای افتد، به من نشان دادند. . . .»<sup>۱۲</sup>.

#### آمل از نظر هنوی

هنوی درباره آمل می‌نویسد:

پل هزار یکی از باشکوه‌ترین پل‌های این زمان است و همه ساکنان آمل معتقد بودند که اگر حاکم یا صاحب منصبی سواره از روی آن پل عبور کند، اگر نمی‌مرد، دست کم بزودی از عنوان و مقام خویش محروم می‌شد. دژی که در این شهر است که متناسب‌تر و محکم‌تر از آن دژی در ایران نیست. دیوارهای آجری دژ بسیار پهن بود و مردم محل، تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از عهد نادر می‌دانستند و معتقد بودند که از آن تاریخ به بعد، این دژ هر دو بیست سال یکبار مرتباً تعمیر می‌شده است.

در نزدیکی آمل کانه‌های سنگ آهن فراوان وجود دارد و به فرمان نادر شاه آنجا را مهمترین مرکز ریخته‌گری و ذوب آهن کرده‌اند، چنانکه همه گونه گلوله توپ و تفنگ و نعل اسب برای

۱۱ - ظاهراً نماز می‌خوانده‌اند نه قرآن.

Herbert, Thomas : Travels in Persia 1627-1629, P. 180. - ۱۲

به نقل از جنرفایای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۱۲.

اسبان سوار نظام تهیه می‌شد و حتی در همین سال (۱۱۵۴ ه.ق) خیال داشتند که در این کارخانه‌ها به ساختن لنگر برای نیروی دریائی ایران پردازند<sup>۱۳</sup>.

آمل از نظر فریزر

در سال ۱۲۳۸ ه.ق = ۱۸۲۲ م.

نزدیک آمل شدم بر زمین زیبائی بنا شده است، رودخانه‌ای دارد که روی آن پلی مجلل با دوازده دهانه است. معروف است که هر رئیس از این پل سواره بگذرد از شغل خود مستعفی خواهد شد یا کارش به مرگ خواهد انجامید و مردم عادی اگر پیاده عبور نکنند به بدبختی گرفتار خواهند شد. در اینجا خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دیدم که بسیار مستحکم بود. این قلعه مهمتر از هر قلعه‌ای بود که من در ایران دیده‌ام. دیوارهای آن از آجر بود و ضخامت زیاد داشت. می‌گفتند از زمانی که ساخته شده است، هر دوست سال یکبار مرمت می‌شود. معروف بود که این قلعه چهار هزار سال پیش ساخته شده است. یقیناً این شهر یکی از شهرهای ایران قدیم بوده است و سران این کشور زیاد به آن اهمیت می‌داده‌اند در اینجا کاخی است که از سنگ ساخته شده است و شاه‌عباس اغلب در آن زندگی می‌کرده است. دوطبقه دارد که مسلط بر منظره‌ای زیبا است محلی راحت است و هوائی خنک دارد. باغ اینجا از نظر بلندی درختان سرو قابل توجه است<sup>۱۴</sup>.

۱۳ - Hanwey, J. : An Historical Account of the British Trade Over the Caspian Sea Vol I P. 292

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۲۴.

۱۴ - Fraser, J.B. : Travels and Adventvres in the Persian Provinces on The Southern Banks of the Caspian Sea. Part 3, Chap. 42, P. 195.

آمل از نظر ابت در سال

۱۲۵۹ ه.ق = ۱۸۴۳ م.

به شهر آمل نزدیک شدیم. چهار بنا با بام مخروطی دیده می‌شود که باید گور باشد ولی زیاد قدیمی به نظر نرسید. نظری به این آبادی مرا به این نتیجه رسانید که چیزی در این محل نیست که مرا بیش از یک شب در آنجا نگاه دارد. خرابترین شهری است که تا حال دیده‌ام. فضای زیادی را اشغال کرده بود اما سکنه‌ای نداشت. جمعیت این شهر به پنج هزار نفر می‌رسد. بازار کوچکی دارد که تجاری کم‌مایه به کسب مشغولند و وسایل معمولی زندگی روزمره را می‌فروشند. چون از راه تجاری گیلان و بارفروش (بابل امروز) برکنار است، تجارتش اهمیتی ندارد. خانه‌ها و دیوارهای حیاطها از آجر است و بامها از سفال یا گالی است. شهر برکنار چپ ساحل هراز است و پس از آن پل دوازده پله این محل است. رودخانه هراز اگر پر باشد صدوهشتاد یارد پهنای آن است. هنوی خرافه‌ای درباره پلی که در زمان او در این نقطه بوده می‌نویسد که هر کس سوار بر اسب از آن بگذرد، بدبختی برای خود خریده است. درباره پل جدید که بعداً ساخته شده است مردم چنین عقیده‌ای ندارند زیرا افرادی را دیدیم که سواره از روی آن می‌گذشتند.

بنای مهمی که در آمل قابل ذکر است، بنای میربزرگ است که مردی زاهد و پرهیزگار بوده است. فریزر می‌نویسد که او پانصد سال پیش زندگی می‌کرده مقام او به جائی رسید که سرسلسله سادات مرعشی شد و بازماندگان او صدوشصت سال سلطنت داشتند. این بنا زمانی زیبا بوده است و الحال روی در خرابی دارد. بنای آن منسوب به شاه‌عباس است. گور او بسا صندوقی کنده کاری پوشیده شده است. ولی بنا، چیزی قابل وصف ندارد. در جنوب آمل ناحیه علی شهر رود است.

در نور آهن و ذغال سنگ است و آهن را دولت برای گلوله توپ

می‌خواهد. آمل چهار بلوک دارد: آمل، لیتکوه، دابو، اهل‌رستاق و بعضی اوقات این چهار بلوک را از نواحی نور می‌دانند. دابو را گاهی از هردو جدا می‌کنند. لاریجانها همسایه نوریها هستند و عباسقلی‌خان سردار سرکرده ایشان است.<sup>۱۵</sup>

آمل از دیدگاه هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق.

ویلیام ریچارد هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق شهر آمل را دیده و درباره آن نوشته است:

«... آمل اکنون شهری است بغایت ویران که از هرسویش درودیوار شکسته به چشم می‌خورد. خانه‌ها اکثراً از آجر ساخته شده، اما در بسیاری نقاط این آجرها فرو ریخته و به شکل تلهائی از زباله درآمده است. معابر شهر بسیار کثیف است و پهای عابر تا زانو در گل ولای فرو می‌رود... ناحیه آمل و همچنین شهر آمل که مثل سایر نقاط ایالت مازندران بر اثر واگیری طاعون سال ۳۲ - ۱۸۳۱ م (۱۲۴۷ ه. ق.) بکلی خالی از نفوس شده، هرگز از آن ضربت کمر راست نکرده است.<sup>۱۶</sup>

آمل از نظر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

آنچه در تاریخ طبرستان میرظهرالدین و تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی درباره بنای آمل ذکر کرده و آمله دختر اشتاد را بانی آن می‌داند به نظر جنبه افسانه‌ای آن بیشتر است.

آمل درسی و شش درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی است و طول شرقی

۱۵ - Abbott, K. E. : Narrative of a Journey From Tab iz Alenḡ the Shores of the Caspian sea to Tehran. P. 33.

۱۶ - Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian. P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴.

آن از پاریس پنجاه درجه و سی دقیقه است. مسعودی گوید آمل در دوطرف رودخانه ساخته شده است و در وسط رودخانه جزیره ایست که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در یک طرف آن جزیره بنا شده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به خشکی است.

اهالی آمل مرکب‌اند از مسلمان، یهودی، عیسوی، گبر، پادشاه این شهر و جمیع رجال دولت و خواص او یهودی مذهبند. چرا که از اهل خزر می‌باشند و مذهب یهودی در مملکت خزر متداول است. از اهالی روس هم در آمل مسکن دارند و در یکی از محلات خارج شهر به آنها جا داده شده و رسم ایشان اینست که اموات خود را به سبک‌هندو می‌سوزانند. بعلاوه مردی که می‌میرد، مال سواری و اسلحه و زینت او باید با او بسوزد و اگر زن بمیرد نیز شوهر او را با او بسوزانند و اگر مردی بمیرد زن نگرفته باشد، به اهالی محله اطلاع می‌دهند که کدام زن است که میل رفتن بهشت را داشته باشد و به این واسطه به این مرده شوهر کند. هر که مایل شد و به مرده شوهر کرد، با آن مرده او را آتش می‌زنند و عقیده آنها اینست که این دو باهم در بهشت می‌روند.<sup>۱۷</sup>

آمل در سمت غربی رود هراز ساخته شده. در دوست سال قبل سه هزار خاله داشته در حوالی آمل معدن آهنی است بسیار مفید و آهن زیاد در سوابق ایام از آن عمل می‌آورده‌اند. این شهر مولد ابوجعفر محمدبن جریر صاحب تفسیر و تاریخ مشهور است که در سنه ۲۲۴ متولد شد. در شوال ۱۲۹۲ با اردوی مبارک همایون که مؤلف به مازندران سفر کرده بود، به آمل رسید. در یک روز توقف آنجا آنچه معلوم شد اینست. شهر آمل خیلی پر جمعیت است بخصوص در فصل زمستان شش ماه از سال را اهالی این شهر به دره لاریجان بلکه به دماوند و فیروزکوه به بیلاق می‌روند. و شش ماه دیگر را در آمل می‌باشند. دوست سال قبل اگر سمت غربی رودخانه هراز آباد بود، در این وقت سمت شرقی نیز آباد است. از دوسه نفر شنیدم که خرابه‌های زیادی که به اصطلاح

خودشان آثار گبری می‌نامند، در حوالی شهر آمل زیاد است. هنگامی که لشکر مغول، سلطان محمد خوارزمشاه را تعاقب می‌کردند، این شهر را قتل‌عام نمودند. شخصی نقل می‌کرد که هر که در آمل خانه می‌خواهد بنا نماید، به هیچوجه محتاج به ابتیاع مصالح نیست. زمین را می‌خرد و درکندن پی و بنیان آنقدر آجر کهنه به دست او می‌آید که به هیچوجه محتاج به خریدن مصالح خارجی نمی‌شود<sup>۱۸</sup>.

آنچه رابینو درباره آمل در سال ۱۳۳۱ قمری نوشته است

رابینو در سفرنامه خود شرحی درباره آمل با استفاده از منابع فارسی و عربی نوشته است و ما در اینجا به نقل آن می‌پردازیم.

آمل<sup>۱۹</sup> بوسیله آمله زن فیروزشاه که بلخ پایتخت او بود تأسیس گردید. آمله ابتدا پای دشت را که بعدها «شهرستانه مرز» نامیده شد به قصد بنای شهر انتخاب کرده بود ولی چون آوردن آب هراز به این مکان امکان نداشت، شهر را در محل فعلی بنا کردند که در آن وقت به «ماته» و بعدها به «آستانه سرای» معروف شد. دیوار شهر از آجر و باخندقی به عمق ۳۳ ذرع محدود شده بود. عرض خندق یک تیر پرتاب بود. حصار شهر دارای چهار دروازه بود به قرار ذیل:

دروازه گسگان - دروازه گیلان - دروازه کوهستان - دروازه دریا. قصر آمله نزدیک کوچه گازران و پشت بازار بزازان بوده مقبره او نیز در همین جا ساخته شد.

وقتی که خسرو پرویز به سلطنت رسید، شهر آمل را بسیار توسعه داد و آنجا را پایتخت و اقامتگاه خود ساخت و دور دیوار اصلی دیواری از گل برپا کرد.

در زمان فرمانروائی اسپهبد خورشید وقتی که عمر بن العلاء

۱۸ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶ . ۱۹ - ایرانشهر مارکوارت ص ۱۳۶ .

از جانب مهدی - فرزند مأمون خلیفه عباسی - به فرماندهی لشکر مسلمین به طبرستان آمد، مردم آمل به دین اسلام درآمدند. عمر بن العلاء این شهر را بنا بر قول ظهیرالدین در سال ۱۳۷ هجری و یا به قول ابن اسفندیار در سال ۱۴۰ هجری تصرف کرد و آمل پایتخت حکام خلفا در طبرستان شد.

خالد بن برمک که به حکومت مازندران منصوب شد، در سال ۱۵۰ هجری در محلی که به نام او «خالدسرای» نامیده شد، اقامت گزید و برای خود قصری هم در آمل ساخت. گفته اند که مسجد جامع معروف به «مسجد طشته زنان» بوسیله مالک بن الحارث الاشرانخی که مصاحب حسن بن علی علیه السلام در سفر مازندران بود، ساخته شد. اما ظهیرالدین با این نظریه موافق نیست و می‌گوید مسجد مزبور بوسیله شخصی از پیروان مذهب مالکی بنا گردید و اولاد او تا زمان ظهیرالدین هنوز در لار قصران بودند و هر سال برای تعمیر مسجد به آمل می‌آمدند. در بقعه مشهور به «لله پرچین» قبرهای مشایخ و سادات ایشان واقع است. مردم آمل که اسلام آورده بودند، ابتدا مذهب مالکی داشتند و بیشتر آنها تا زمان داعی الکبیر در این مذهب باقی بودند. در این موقع شیعه شده‌اند و نام دشت معروف به «مالک دشت» از عبدالله بن مالک نام گرفته نه از مالک اشتر.

مسجد جامع آمل در زمان هارون الرشید به سال ۱۷۷ هجری بوسیله ابراهیم بن عثمان بن نهیک بنا شد و عبدالملک بن ققاع که در سال ۱۷۹ هجری به حکومت مازندران منصوب گردید، دیوارهای آمل را تعمیر کرد. بعد از او عبدالله بن حازم در آنجا خانه و سرایی به پا ساخت و آنرا «حازمه کوی» نامید که یکی از محلات شهر است. محمد بن موسی - نماینده مأمون - در آمل مدت هشت ماه بوسیله اسپهبد مازیار در محاصره بود. وقتی که شهر تسخیر گردید،

مازیار امرداد حصارها را خراب کردند. ولی بعد از چندی خود او قلعه‌های آمل و ساری را تعمیر کرد و کوشید که خود را از قید اطاعت خلیفه آزاد سازد.

ابن اسفندیار نقل می‌کند که در آمل عده‌ای بودند که حسن بن زید از وفاداری ایشان ظنین شده بود و آن عده در زمان طاهریان صاحب‌مقام و منصب بودند و با مذهب حسن بن زید هر چند ظاهراً موافقت داشتند ولی در باطن مخالف بودند. بنابراین حسن بن زید از راه تدبیر تمارض کرد و بعد خبر مرگ خود را انتشار داد و امر به تهیه اسباب تشییع جنازه نموده بود و آن عده مخالف پرده از کار خود برداشتند و حسن بن زید ایشان را محاصره کرد و همه را در مسجد جامع آمل به قتل رسانید و اجساد آنها را در گوشه گودالی در قسمت شرقی مسجد السداخت که آنجا تا زمان ابن اسفندیار «مزار شهدا» خوانده می‌شد. سپس حسن بن زید امر داد در محله راست کوی بقعه و گنبد بزرگی برای او ساختند که تا زمان ظهیرالدین برقرار بود. مولانا اولیاءالله آملی نوشته است که در زمان کودکی او این بنا در شرف ویرانی بوده و در آن تابوت چوبی منقوشی وجود داشته است و جدار آن پله‌هایی داشت که تا بالای گنبد می‌رسید و هفتاد ده آمل و باغها و مزارع و حمامها و دکانها برای نگاهداری آن بنا وقف شده بوده است.

در سال ۳۰۷ هجری حسن بن قاسم داعی الصغیر در محل مصلی ۲۰ نزدیک آمل قصری داشت و برای سرداران خود نیز عماراتی نزدیک کاخ خود ساخت تا آنها در شهر ساکن نشوند و باعث زحمت سکنه نگردند.

۲۰ - محل مصلی جای هلال احمدایران امروز و محل کتابخانه عمومی شهر است و سر پل مصلی تا امروز (سال ۱۳۵۶ شمسی) بر سر زبان اهالی است.

قبر ابوعلی محمد بن حسن در محله راست کوی مقابل گنبد بوده است.

بنا به اظهار ابن حوقل آمل در زمان او بزرگتر از قزوین و بسیار پرجمعیت بود.

مقدس‌سی تعریف می‌کند که این شهر يك بیمارستان و دو مسجد داشت یکی مسجد کهنه که در میان درختان در بازار و دیگر مسجد نو که نزدیک حصار شهر بود و هر دو مسجد رواقی بزرگ داشته‌اند، بازرگانان آمل تجارت بسیار می‌کردند<sup>۲۱</sup>.

این شهر را لشکر سلطان محمود غزنوی غارت کردند (جنادی - الاول ۴۲۶ هجری) استندار کیکاوس هم آمل را محاصره کرد و قصر اسپهبدشاه غازی رستم (۵۳۳ - ۵۵۸ هجری) را که در قره کلاته بود آتش زد.

در سال ۶۰۶ هجری که اعیان طبرستان به اطاعت جلال‌الدین خوارزمشاه درآمد بودند در آمل به نام او خطبه می‌خواندند و از آنجا خراج سالانه به خوارزم می‌فرستادند. این پرداخت سالانه بواسطه فوت علاء‌الدین محمد در سال ۶۱۷ هجری قطع شد و این موقعی بود که مازندران میدان تاخت و تاز لشکر خانمانسوز مغول شده بود.

حسام‌الدوله اردشیر بن کینخوار که در سال ۶۳۵ هجری بر ضد مغولها شورید پایتخت را از ساری که آل باوند آنجا را مقر دائمی خود ساخته بودند به آمل که کمتر در معرض تاخت و تاز بود انتقال داد. در آنجا وی در خراطه کلاته در کنار رود هراز قصری ساخت که در سال ۸۸۰ هجری هنوز مقر فرمانداران آمل بود و در زمان ملك تاج‌الدوله یزدجرد بن شهریار بن اردشیر باز آمل شهری آباد

۲۱ - احسن‌التقسیم فی معرفت‌الاقالیم ذیل اقلیم دیلم ص ۳۵۹.

شد که هفتاد مدرسه داشت. در بیرون شهر، دشت بوران بود که در آنجا قراکلاته قصر پادشاه مازندران قرار داشت.

چندی بعد یعنی در سال ۷۴۳ هجری در آمل ناخوشی و بنا بروز کرد و بسیاری از افراد خاندان باوند و زن و فرزند فخرالدوله - حسن از آن مرض مردند فقط او و دو تن از پسرانش زنده ماندند. در سال ۷۵۰ هجری باز ناخوشی و با آمد و تمام افراد خاندان باوند که در آمل می‌زیستند از میان رفتند و از خاندان چلاویها فقط کیا - افراسیاب و پسران او جان به سلامت بردند، در سال ۷۹۵ هجری امیر تیمور آمل و ساری را غارت کرد و امر به قتل سکنه داد و اسکندر شیخی را که مردی منفور بود به حکومت آنجا تعیین کرد. بنابراین در حالیکه ساری به زودی رو به آبادی نهاد آمل به صورت ویرانه باقی ماند. سادات مرعشی پس از بازگشت از تبعید، دوباره آمل را تجدید بنا کردند ولی از آن موقع دیگر آمل نقش مهمی در تاریخ ایران نداشته است.

گملین که در سال ۱۱۸۵ هجری از آمل گذشته می‌نویسد «معلوم می‌شود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران بیشتر استحکام داشته زیرا ارگ آن خصوصاً هنوز موضع مستحکم خوبی است و برج و باروهای آن که از هر سو آن را جهت دفاع آماده ساخته، سالم و پایدار است.»

سکنه آمل از ده طایفه تشکیل شده‌اند: اسکی، ایرانی، هاشمی، نیاکی، شون دشتی، دلارستانی، مشائی، آملی، نوری، عده کمی نیز بربری و بنکشی در آنجا هستند. شهر نه محله دارد به این شرح:

- ۱ - چاه سرکه رودگر محله جزء آن است و یک حمام دارد.
- ۲ - پل به‌یور اقامتگاه قبیله ایرانی که مسجدی به نام مسجد ایرانیها

دارد که همان مسجد روحیه سابق است و مسجدی دیگر که آقا عبدالکریم نام ساخته است. هارون محله که قسمتی از محله پل به‌یور است یک حمام و مدرسه کوچکی دارد. ۳ - گرجی محله که آسیاب سر یا آبدنگ سر می‌نامند. امامزاده ابراهیم در این محله واقع است و مسجد گرجی محله فعلاً خرابه است و آب انباری دارد که در سال ۱۳۱۶ هجری بوسیله امیر مکرّم ساخته شده و بقعه معروف میر بزرگ و یک آب انبار قدیمی که شاه عباس بنا کرده و سبز میدان و خرابه‌های باغ و قصر شاه عباس نیز در این محله واقع است. چهارم - محله مسجد جامع که دارای یک مسجد خیلی کهنه و حمامی به نام «آقاعباسی» است. پنجم - شون دشتی محله یا محله هاشمی با مسجد هاشمی و آب انبار و حمام یوسف خان که اکنون ویرانه است. ششم - آملی محله یا پایین بازار بایک تکیه و آب انبار و امامزاده معصوم و حمام اشرف سلطان. هفتم - نیاکی محله با تکیه و مسجد میرزا محمد علی و یک حمام نو. هشتم - اسپه کلامحله با تکیه اسکی‌ها و حمام رفیع خان یاور. نهم - مشائی محله بایک حمام و یک تکیه. دهم محله دیگر راهم می‌توان نام برد: یکی بربری محله یا بربری خیل و دیگر بنکشی خیل که هر دو به نام درویش خیل محله معروفند.

گورک محله، باغبان محله، خوش‌واش محله و اودشت محله و گالش خیل که ملگنوف نام برده، بی‌شک جزء محلات مزبور اند. درباره محله تجنه‌جار که مسجد گلشن در آنجا بوده است اطلاعی نیافتیم. گملین در سال ۱۱۸۵ گفته است که آمل هشت محله از قرار زیر داشته است:

مشائی محله، رودگر محله، چناربن، کهنه مسجد،

آهنگر محله ، کاردی محله ، درزی محله ، باجلو ۲۲

#### محللات آمل در زمان ملگنوف

چاکسر - تیجن جار - گلشان ۲۳ - پل به یور - آسیاسر - اودنگ سر  
گیریلی خیل ۲۴ - کاروانسرا محله - آب انبار محله - گلیا کباش محله ۲۵ -  
گورگ محله ۲۶ - باغبان محله - خوش واش محله - مهدی خیل محله - اودشت محله -  
درویش خیل محله - کلش خیل محله ۲۷ .

نام بیشتر این محللات امروز تغییر کرده و محللات تازه ای جایگزین محللات  
سابق شده اند . نامهای امروزی از این قرار است :

اسپی کلا - رضوانیه - گرچی محله - قادی محله - نیاکی محله - پائین  
بازار - کاردگر محله یا کاردی محله - چاکسر ۲۸ - مشائی محله ۲۹ - کاشی محله -  
خاور محله - هارون محله - نوآباد - بربرخیل - پینه کت ۳۰ - سکنه کتی ۳۱ .

#### مدفونین در آمل

ابوالقاسم الحسین بن محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن شجری

\*\*\*

یحیی الواعظ الزاهد بن الحسن بن ابی عبدالله محمد بن عبیدالله الامیر بن  
عبدالله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن . اولاده : ابوعلی الحسین و علی  
و الحسن کوچک فیماظن اسمہ الحسین و احمد ابوزید و ابوزید ایضاً .

\*\*\*

حسن بن خلیفه بن ابراهیم بن الحسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن

۲۲ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو صفحات ۵۷ تا ۶۲ .

۲۳ - بضم گاف . ۲۴ - ظاهراً گرایلی خیل . ۳۵ - ترکیب این نام روشن  
نیست . ۳۶ - بکسر راء . ۲۷ - ظاهراً « گالش خیل محله » ملگنوف صفحات  
۱۶۳ تا ۱۸۵ درباره آمل . ۲۸ - بکسر کاف . ۲۹ - بضم میم .

۳۰ - بضم کاف . ۳۱ - بفتح سین و کاف و ضم کاف دوم .

الحسن بن الحسن . عقبه : ابوالحسن علی الکوشی و قال ابن طباطبا «الکوسج» و  
ابوعبدالله محمد القاضی و قیل هو ابوالحسین و ابراهیم و ابوالقاسم و ابوعبدالله  
محمد یعرف بخلیفه و قال السید الامام النسابة المرشد بالله ذی الشرف اظن اسمه  
الحسن .

\*\*\*

جعفر بن عبدالرحمن بن القاسم بن محمد البطحانی بن القاسم بن الحسن بن  
زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب . عقبه بآمل : ابوالحسین احمد بن جعفر بن  
احمد بن محمد بن عبدالرحمن الشجری بن الحسن بن محمد البطحانی بن القاسم بن  
الحسن بن زید بن الحسن . عقبه : الرضا و ابوعلی مهدی و ابوالحسین علی و  
ابو محمد الحسن و زید و خلیفه و ملکه و سیده .

\*\*\*

ابوعلی داود و هو النقیب النسابة بن احمد بن علی بن عیسی بن محمد  
البطحانی بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن . عقبه : ابو عبدالله الحسین  
و ابوالقاسم احمد ۳۲ .

#### مدفونین در آمل از کتاب مجالس المؤمنین

حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل حالب الحجارة بن حسن بن زید بن حسن -  
مجتبى ۳۳ .

\*\*\*

محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل حالب الحجارة بن حسن بن زید بن  
حسن مجتبى ۳۴ .

\*\*\*

حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن الشجری در روز سه شنبه

۳۲ - منتقلة الطالبین در ذیل آمل . ۳۳ - مجالس المؤمنین ص ۱۱۷ و ۱۱۸ .

۳۴ - مجالس المؤمنین ص ۱۱۸ .

چهاردهم رمضان سال ۳۱۶ به آمل آمده است.<sup>۳۵</sup>

\*\*\*

حسن الاطروش بن علی بن عمر الاشرف بن امام زین العابدین علیه السلام حسن در سال ۳۰۴ در آمل فوت شد. قاضی نورالله ششتی صورتی از کتب و آثار او را نقل کرده است.<sup>۳۶</sup>

مدفونین در آمل از سادات مرعشی

سید ظهیرالدین فهرستی از نامهای سادات مرعشی مدفون در آمل را در کتاب خود آورده است.

- ۱ - سیدعلی بن سیدقوام الدین<sup>۳۷</sup>.
- ۲ - سید عبدالمطلب بن سید رضی الدین<sup>۳۸</sup>.
- ۳ - سید علاءالدین بن سیدرضی الدین<sup>۳۹</sup>.
- ۴ - سید قوام الدین بن سیدرضی الدین<sup>۴۰</sup>.
- ۵ - سید مرتضی بن سیدرضی الدین و پسرش سید شمس الدین<sup>۴۱</sup>.
- ۶ - سیدمرتضی و سید اسدالله بن سیدحسن بن سیدرضی الدین<sup>۴۲</sup>.
- ۷ - سیدعلی بن سیدافضل بن سید رضی الدین<sup>۴۳</sup>.
- ۸ - سید فخرالدین بن سیدقوام الدین در آمل دفن است و سادات اهلیم نبیره او هستند<sup>۴۴</sup>.
- ۹ - سید نصیرالدین بن میرقوام الدین و پسران او سیدفضل الله و سید ظهیر الدین<sup>۴۵</sup>.
- ۱۰ - نبیره سید ظهیر الدین بن میرقوام الدین<sup>۴۶</sup>.
- ۱۱ - میرعبدالعظیم بن سیدزین العابدین در آمل درین درختی دفن شد<sup>۴۷</sup>.

۳۵ - مجالس المؤمنین ص ۳۱۹ . ۳۶ - مجالس المؤمنین ص ۳۲۰ .  
 ۳۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۳ . ۳۸ - همین کتاب ص ۳۸۶ .  
 ۳۹ و ۴۰ - همین کتاب ص ۳۸۶ . ۴۱ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۲ و ۴۳ و  
 ۴۴ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ - همین کتاب ص ۳۸۸ .

نهرهای منشعب از هراز

نهرهایی که به ترتیب از دست چپ رود هراز جدا می شوند از این قرارند:  
 ۱- کمان رو ۲- شلوت<sup>۴۸</sup> ۳- تچه رو<sup>۴۹</sup> ۴- لکونی<sup>۵۰</sup> ۵- ماسین<sup>۵۱</sup>  
 ۶- شهر رود ۷- آهی رو .

نهرهایی که به ترتیب از دست راست رود هراز جدا می شوند از این قرارند:  
 ۱- سکه رو<sup>۵۲</sup> ۲- زن مرد<sup>۵۳</sup> که شعبه ای از آن به نام بورود<sup>۵۴</sup> معروف است  
 ۳- ترکه لارود<sup>۵۵</sup> ۴- خشکه هراز ۵- ولیکه رود<sup>۵۶</sup> نخستین نهری که بالاتراز  
 سکه رو در محل سلهار<sup>۵۷</sup> از هراز جدای می شود و به بابل و حومه آن می رود به نام  
 «کاری» معروف است. رود هراز به پنج قسمت تقسیم می شود. دو قسمت آن  
 در کاری می رود و سه قسمت دیگر از هراز پائین می آید و به نهرهای دیگر می رسد.

راه شاه عباسی

در فاصله ۱۴۳۹ ه. ق تا ۱۴۵۰ ه. ق

فریزر درباره این راه می نویسد:

تنها شاهراهی که از دو ایالت گیلان و مازندران می گذرد همان است که به امر شاه عباس و با اسلوب معماری محکم و با دوام عهد آن پادشاه احداث کرده اند. ظاهراً پهنایش پانزده الی شانزده پا است. در احداث این جاده ابتدا زمین را به ژرفای زیادی کنده و باریک و سنگ ریزه پر کرده و سپس بر روی آن به طور منظم قطعات سنگ نهاده و با استحکام تمام ساروج کرده اند. این شاهراه از گسکر یعنی منتهی الیه غربی گیلان آغاز می شود، از سراسر این ایالت

۴۸ - بکسر شین و سکون لام و فتح واو . ۴۹ - بفتح تاء . ۵۰ - بضم لام .  
 ۵۱ - بفتح باء . ۵۲ - بفتح سین . ۵۳ - بکسر نون . ۵۴ - بفتح واو .  
 ۵۵ - بکسر تاء . ۵۶ - بفتح واو . ۵۷ - بفتح سین .

و همچنین مازندران و استراباد می‌گذرد، متوجه بسطام خراسان می‌شود و به نقطه‌ای در چهل و پنج میلی مشهد ختم می‌گردد. در بسیاری نقاط آب به ژرفای چندین پا بر روی این جاده سنگ‌گرفته شده افتاده است. با اینهمه چون شاهراه عباسی شالوده‌اش محکم است، به همین سبب بر سایر جاده‌ها رجحان دارد و چون بر اثر مرور زمان بخش‌هایی از این جاده خراب شده و کسی در صدد تعمیر آن بر نیامده است، اینک کاروان‌هایی که از صفحات شمالی ایران می‌گذرند، کراراً ناگزیرند شاهراه عباسی را ترک گفته، در حاشیه کرانه دریای خزر سفر کنند<sup>۵۸</sup>.

راه آمل به ری = راه هراز

ابن اسفندیار درباره راههای طبرستان می‌نویسد:

راهها و پولهای طبرستان را ابو اسحق ابراهیم بن مرزبان ساخت<sup>۵۹</sup>.  
راه هراز ظاهراً پیش از ابراهیم بن مرزبان، ساخته شده بود، و آمدورفتی داشته است. هنوز در «تنگ بریده» آثار راه‌سازی دوران ساسانی برجای است و ظاهراً پیش از ساسانیان نیز این راه آباد بوده است. به دستور ناصرالدین شاه این راه تعمیر و مرمت شده است. ناصرالدین شاه در سفرنامه خود درباره این راه می‌نویسد:

از آمل يك فرسنگ بیشتر که رفته به «هلامه‌سر» رسیدیم که ابتدای راه تازه است. این راه جدید را از دو سال قبل (۱۲۸۹ ه. ق) تا به حال به صرف جیب خودمان بامخارج گزاف حکم کردیم بسازند. راه بسیار خوبی ساخته شده است. حسنعلی خان - وزیر

Fraser, Jmaes, Baillie. Travels and Adventures in the Persian Provinces. PP: 70,71

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۲۷ و ۲۸ .  
۵۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۲ .

فوائد عامه - که مباشر این راه بود، چون افتتاح راه بود، طاق نصرت و موزیکانچی در سر راه حاضر کرده بود<sup>۶۰</sup>.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره تعمیر و مرمت این راه چنین نوشته است:

چون راه آمل به عراق بواسطه بعضی پرتگاهها و مضایق و باتلاقها و نبودن پلها بر روی هراز و سایر رودخانهها و نبستن بعضی سدها مایه تعسر عبور قوافل مازندران به عراق و روندگان عراق به مازندران و اموال بسیار تلف و عرضه خسار می‌شد، رای جهان آرای شاهنشاهی که مبتنی بر اشاعه عدل و افاضه خیر و تسهیل مشکلات و تحصیل ترقیات و ترفیه عباد و تعمیر بلاد است، متعلق و متوجه رفع این غایله گردیده، در رمضان سال ۱۲۸۹ جناب حسنعلی خان - وزیر فواید - را که از رجال آزموده کار دیده صاحب علم این دولت جاوید شوکت است، به این مهم عالی مأمور فرمود. معظم‌الیه این راه را مسطح و موسع و صاف و هموار نموده، در مدت وقتی بندها و سدها و پل‌های زیاد در مواضع لازمه، در کمال استحکام، به قاعده علم هندسه بسته، به اتمام رساندند. اینک از آمل تا دارالخلافه باهره همه جا راه طوری است که دو عراده کالسکه که بخواهند از پهلوی یکدیگر عبور کنند، بدون تصادف و مزاحمت یکدیگر، از هم می‌گذرند و در هیچ نقطه و موضع از برای عابرین زحمتی نیست. بعد آمل از دارالخلافه ناصر تقریباً بیست و پنج فرسخ به خط مستقیم و از راه معروف متداول بیست و هفت فرسخ است<sup>۶۱</sup>.

۶۰ - سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳ .

۶۱ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶ و ۷ .

پیشرفتهای آمل در زمان ناصرالدین شاه

راه آهن اسبی آمل تا نایب و شمندفر راه آمل تا محمودآباد

و ایجاد کارخانه ذوب آهن

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه حاجی محمدحسن امین‌الضرب به فکر استفاده از معادن نایب می‌افتد و از ناصرالدین شاه امتیازاتی به این شرح می‌گیرد: فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق ۶۲ .  
در این فرمان شاه به حاجی محمدحسن امین‌الضرب اجازه داده است که دوفرسخ راه آهن اسبی از آمل تا نایب و شمندفر راه آمل تا محمودآباد را از مسکو خریداری کرده و به ساختن این راه مشغول گردد .

بسم الله تعالی شانه‌العزيز

[جای مهر ناصرالدین شاه] ۶۳

الملك لله تعالى حکم همیون شد آنکه چون بتاريخ رمضان المبارک ۱۳۰۴ مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین‌الضرب از مسکو اجازه تلگرافی خواست که مرخص فرمایم راه آهن<sup>۶۴</sup> شمندفر از برای محمودآباد ملک زرخریدی خودش خریداری کرده از بتدر مبارکه محمودآباد تا شهر آمل را آباد و دایر نماید مسئول مقرب الخاقان مشارالیه را اجابت فرموده و نیز بعلاوه راه شمندفر دوفرسخ راه آهن اسبی خریداری کرده از آمل الی نایب که نزدیک معادن چوب جنگل و آهن و ذغال سنگ و غیره است مشغول راه‌سازی شده . و چون جاده قدیم از محمودآباد الی آمل خط مستقیم از جنگل گالش پل خالصه دیوان اعلی عبور مینماید تمام خط راه را از جنگل گالش پل بمحمودآباد و از شهر آمل الی ایریکاء

۶۲- اصل این فرمان در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی است . ۶۳- مهری چهارگوشه بزرگ که در کلاهک آن « الملك لله تعالی » و سجع آن : « تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت » . ۶۴- ذیل این سطر جای صحه ناصرالدین شاه است .

و نایب را بملک مقرب الخاقان مشارالیه مرحمت و واگذار فرموده مقرر می‌فرمایم که از هذه السنه تنگوزئیل و مابعدا در دوطرف جاده که بلامالک و بلامنازع است بنای خانه و کاروانسرا و باغات و دکاکین و غیره گذاشته تمام آنها را نود و نه ساله نسلا بعدنسل ملک طلق خود و اولاد خود دانسته در کمال دلگرمی و امیدواری بشرایط آبادی پردازد مقرر آنکه حکام حال و استقبال ولایت مازندران همه وقت شرایط تقویت و همراهی را از مشارالیه بعمل آورده و مقربو الخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسندفی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۵ .  
فرمان ناصرالدین مورخ ۱۳۰۴ هـ . ق .

در این فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۶۴) امتیاز کارخانه آهن ریزی و آهن‌سازی را از ایت‌ئیل ۱۳۰۴ به مدت سی سال به حاجی محمدحسن امین‌الضرب داده و او را از پرداخت مالیات و غیره معاف کرده و رسوم راه‌داری و گسرکخانه را به مدت پنج سال در داخل ایران به او بخشیده و حقوق و مزایای دیگری برای او پیش‌بینی کرده است .

بسم الله تعالی شانه‌العزيز

[جای مهر ناصرالدین شاه] ۶۵

الملك لله تعالى حکم همیون شد<sup>۶۶</sup> آنکه چون اراده علیه قدسیه و مشیت کامله ملوکانه بر این علاقه دارد که ایجاد کارخانه آهن ریزی و آهن‌سازی در ایران نموده و بساینواسطه انکشاف بعضی از معادن مکنونه نماید لهذا نظر بحسن اعتقاد و اعتمادیکه بخدمات و کارهای مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین

۶۵- مهر چهارگوشه کلاهک دار ناصرالدین شاه که اطراف آن منذهب و مطلاست در کلاهک مهر « الملك لله تعالی » سجع مهر :  
تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت .  
۶۶- با خط طغرا و مطلا .

دارالضرب داشته و داریم ایجادکارخانه مزبور را از هذه السنه مسعوده آیت- نیل سعادت دلیل و مابعدها سی ساله بمشاریه مفوض و مرجوع فرموده بصدور این خطاب مستطاب امر و مقرر میفرمائیم که از این تاریخ تا الی انقضاء مدت سی سال احدی حق احداث و ایجاد این کارخانه را نخواهد داشت و معادنی که از قبیل سنگ مس و سرب و آهن از چهار جانب در اطراف نقطه این کارخانه الی ده فرسخ ایجاد شود حق مشارالیه است و از اینبابت بهیچ اسم و رسم دیناری از مشارالیه باسم مالیات و غیره مطالبه نخواهد شد و هر قدر سرب و مس از این معادن استخراج شود از این تاریخ تا مدت پنجسال در داخله ممالک محروسه ایران از رسوم راهداری و گمرکخانه معاف خواهد بود الی انقضاء مدت پنجسال پس از آن اولیای دولت قاهره حق مطالبه گمرک خواهند داشت و هر فلزیکه از این چهار معدن سوای مس و سرب حاصل گردد حق مشارالیه است الا طلا که تعلق بدولت علیه دارد و هرگاه از معادن مزبوره آب جاری شود حق مشارالیه است که در اراضی حوالی معادن بمصرف زراعت و آبادی رسانده و نیز بغیر از حاجی محمد رحیم برادرش هرگاه بخواهد برای خودش سهیم و شریک قرار بدهد مجاز است خود و شرکاء او هم در تحت حفظ و حمایت مخصوص دولت علیه خواهند بود و اگر در ظرف این مدت کمپانی بجهت ایجاد خطوط راه آهن ایران آمد و خواست عهدنامه به بندد حق مشارالیه است که هر قدر بتواند از آهن آلات خطوط مزبور را برعهده بگیرد و سازد و تنخواه او را دریافت نماید و بجهت حمل و نقل آهن آلات کارخانه خود بمرکز دارالخلافه میتواند در خط راه عراده آهنی ایجاد نماید که امتنع او بهسولت وارد دارالخلافه گردد و عموم وزراء عظام و چاکران دربار سپهر احتشام باید شرایط تقویت و رعایت را در این فقره از مشارالیه بعمل آورده و مقربو الخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح منشور قضا دستور ملوکانه را از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس داشته در عهده شناسندفی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۴ ۷۱.

۶۷ - اندازه فرمان  $۷۱/۵ \times ۴۴/۵$  سانتیمتر است .

پشت فرمان را مشیرالدوله و نایب السلطنه و امین السلطان مهر کرده اند .

فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق.

در این فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۶۴) زمین سبزمیدان آمل و اراضی باغشاه متصل به آن را در مقابل یکصد عدد اشرفی به حاجی محمد حسن امین دارالضرب واگذار کرده تا در آنجا ایستگاه راه آهن بسازد .

بسم الله تعالی شانه العزیز<sup>۶۸</sup>

[جای مهر ناصرالدین شاه]<sup>۶۹</sup>

الملك لله تعالی حکم همیون شد آنکه چون سابقاً قطعه زمین سبزمیدان آمل را برای ساختن کارت و راه شمندفر بملکیت معتمد السلطان حاجی محمد - حسن<sup>۷۰</sup> امین دارالضرب مرحمت فرموده بودیم ولی فرمان مبارک صادر نشده بود این اوقات مستدعی صدور فرمان جهانمطاع مبارک شد ایجابالمسئوله بصدور این منشور قدر دستور ملوکانه زمین سبزمیدان را بانضمام تمام اراضی باغشاه که متصل بزمین سبزمیدان است بملکیت مشارالیه مرحمت و واگذار فرمودیم که همه نوع تصرفات مالکانه از نقل و انتقال و بیع و شری و غیره مثل سایر املاک خود در او بنماید و مبلغ یکصد عدد اشرفی از بابت قیمت اراضی مزبوره تقدیم نمود و ضبط حضور مبارک گردید مقرر آنکه حکام حال و استقبال مازندران زمین سبزمیدان و اراضی باغشاه را از هذه السنه بارس نیل و مابعدها بملکیت مشارالیه مقرر دانسته مقربو الخاقان مستوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام شرح قضا نظام مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون داشته

۶۸ - این عبارت با آب طلا نوشته شده است . ۶۹ - مهر بزرگ چهار گوشه

کلاهک دار که در کلاهک آن « الملك لله تعالی » و سجع آن :

« تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت » .

۷۰ - زیر کلمه « محمد حسن » جای صحه ناصرالدین شاه است .

در عهده شناسند شهرشوال المکرم ۷۱۳۰۷ .

[برحاشیة سواد این فرمان عبارت زیر نوشته شده است]

اصل این فرمان در شهر صفر ۱۳۴۵ به محمودآباد نزد مشکوة الممالک فرستاده شد . اصل فرمان فعلا نزد آقای دکتر اصغر مهدوی است و ما از روی آن رونویس کرده ایم . (عکسهای شماره ۶ و ۷ و ۸ .)

## ۱ - بناها و آثار تاریخی شهر آمل

کاخها و مشاهد قدیمی آمل

قصر سلطنتی و دارالحکومة قدیم آمل

مسعودی گوید آمل در دوطرف رودخانه ساخته شده و در وسط رودخانه جزیره ای است که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در یک سمت آن جزیره بنا شده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به خشکی است.<sup>۱</sup> این جزیره تا امروز برجای است و پل جدید رضاشاهی آنرا به دو قسمت کرده است و از کاخ سلطنتی نیز تا دوران صفویان خبر داریم .

گنبد ایرج بن فریدون

در شهر آمل

گنبدی است در میان شهر آمل تاکنون (۱۲۷۷ ه . ق .) چهار ذرع به گودی انداخته ، به عمق نرسیده .<sup>۲</sup>

قصر و گور آمله

در کوچه گازران شهر آمل

«قصر آمله که زن فیروز بود ، اینجا که این ساعت (۶۰۶ ه . ق) کوچه

۱ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۵ . ۲ - نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۸۸ الف .

۷۱ - اندازه فرمان ۴۷ × ۴۱ . اطراف مهر تذهیب و طلاکاری است و اطراف فرمان و بین السطور جدول کشی دارد .

گازران می‌گویند، پسرسته بزازان بود و دخمه نیر همانجاست.<sup>۳</sup>

خالد سرای

در شهر آمل

خالد بن برمک کاتب در سال ۱۵۴ ه. ق. به حکومت مازندران رسید و در آمل در موضعی که (در سال ۶۰۶ ه. ق.) خالد سرای می‌گفتند، کاخی بنا کرد و چهار سال در آن به حکومت مشغول بود؛ تا منصور خلیفه او را احضار کرد.

جاولی کوشک

در محلی به همین نام در شهر آمل

صاحب تاریخ طبرستان می‌نویسد: «حسام الدوله شهریا، (۴۶۶ - ۵۰۱) در آمل آنجا که معروف است به «جاولی کوشک» قصری عالی ساخته بود و کوشک جاولی من دیدم (در سال ۶۰۶ ه. ق.) شاه اردشیر پست کرد.»<sup>۴</sup> همین مؤلف در جای دیگر کتاب خود گوید: «در آمل به موضعی که «کوشک جاولی» گویند حسام الدوله اردشیر بن حسن (۵۶۸ - ۶۰۲) سرای رفیع و عالی ساخته بود؛ آب ببرد.»<sup>۵</sup>

قصر و سرای کینخوار پسر با حرب

در آمل کینخوار بن با حرب قصر و سرای داشته است.<sup>۶</sup>

سرای و خانه عبدالله بن حازم

در حازمه کوی

حازمه کوی در آمل سرای و خانه عبدالله بن حازم است.<sup>۸</sup>

۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۱ و تاریخ طبرستان و مازندران ص ۲۰ . ۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۱ و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ . ۵ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۸ . ۶ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۳۱ . ۷ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۱ . ۸ - تاریخ رویان ص ۵۲ .

سرای و گرمابه خواجه یعقوب مجوسی

پس از اینکه علاءالدوله علی (۵۱۲ - ۵۳۳) در مازندران به سلطنت نشست «هیبت او زیادت شد و اصحاب اطراف از فتنه جوئی و تحکم بنشستند و او سلقام خاتون را به ساری بنشاند و خواجه یعقوب مجوسی را وزیر او گردانید و آرم و چمنو تالار و اهلم و دیگر مواضع به نان او پدید کرد. بعد مدتی خواجه یعقوب مسلمان شد و اسپهد علاءالدوله علی وزارت خویش بدو داد و هنوز (در حدود ۶۰۶ - ۶۱۱ ه. ق.) به آمل سرای و گرمابه او را عمارت پدیداست.<sup>۹</sup>

خانه سادات

در مصلاهی آمل

حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر در مصلاهی آمل خانه بنا کرد و فرمود مجموع سادات آنجا خانه‌ها ساختند.<sup>۱۰</sup> در محل هلال احمرایران، سرپل مصلی، پشت کتابخانه عمومی شهر گنبدی به نام «خضر» است که ممکن است مدفن یکی از سادات باشد. داخل این گنبد محلی معروف به «هفت تن» است که امکان دارد هفت تن از سادات حسنی در اینجا به خاک سپرده باشند.

مردم آمل شبهای چهارشنبه به زیارت این محل می‌آیند.

مشهد شیخ ابوتراب

در آمل

مشهد شیخ ابوتراب در محله در لبش بر در مسجد است.<sup>۱۱</sup>

۹ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ . ۱۰ - تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۲۲ و تاریخ رویان ص ۸۰ . ۱۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

تربت شیخ زاهد فیروی

در آمل

تربت شیخ زاهد فیروی در محله علیاباد بر در دروازه زندانه کوی است. ۱۲

خانقاه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب

در شهر آمل

خانقاه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب معمور و اصحاب خرق مجاور و خیرات و لقمه برقرار. ۱۳

تربت ابو جعفر الحناطی

در شهر آمل

محله و مسجد و تربت شیخ زاهد ابو جعفر الحناطی در آمل نهاده است. ۱۴

مرقد حسن بن حمزه العلوی

در شهر آمل

السید الامام الفقیه العالم المتکلم الزاهد الشاعر حسن بن حمزه العلوی مرقد او مقابل مدرسه زین الشرف به ماهی رسته باشد و سید امام بهاء الدین بن الحسن بن المهدي المامطیری، ملک السعید اردشیر را بر آن داشت تا آن مرقد را تعمیر کرد. ۱۵

مرقد شرف الدین

در شهر آمل

سید زاهد عالم متقی شرف الدین، مرقد او به مدرسه امام خطیب مقابل مشهد سه راه، اظهار مذهب امامیه و بطلان مذهب زیدیه از شرف الدین قوت

۱۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

۱۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۵ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۳ .

گرفت در آن حدود . ۱۶

مرقد سید رکن الدین ساری

در آمل

سید رکن الدین برادر سید شرف الدین است و مرقد او در جوار برادر است . ۱۷ در مدرسه امام خطیب .

مشهد امام شهید عبدالواحد بن اسماعیل

در آمل

امام شهید فخر الاسلام عبدالواحد بن اسماعیل که شافعی دوم خوانند و خواجه نظام الملک به آمل به جهت او مدرسه ای فرمود و هنوز (۶۰۶ - ۶۱۱ هـ . ق) باقی است و معمور و امام ابو المعالی جوینی او را می گوید «ابوالمحاسن کله محاسن» فقه و دیانت و زهد و صیانت او چون عجایب روزگار بی شمار و چهل مجلد کتاب البحر در مذهب شافعی تصنیف او خلاف دیگر تصانیف و امالی اخبار او خروارها بر آید و کیاست او تا بغایتی بود که به عهد او ملاحظه ملاعین فتوی طلبیدند و بر کاغذی نبشته که چه گویند ائمه دین در آنکه مدعی و مدعی الیه برحق راضی شوند. گواهی بیاید و برخلاف دعوی مدعی و اقرار مدعی علیه گواهی دهد. چنین شهادت مسموع باشد یا نه ؟

و این کاغذ پاره به حرمین فرستادند و امامان حرمین محمد جوینی و محمد غزالی و ائمه بغداد و شام جمله جواب نوشتند که چنین گواهی به شرع مسموع نیست تا پیش او آوردند. در کاغذ نگرید و روی به مر دکرد و گفت ای بدبخت چندین سعی نامشکور بر تو وبال باشد و بفرمود که او را باز دارند و قضاة و ائمه جمع آمدند. گفت «این فتوی ملاحظه نوشتند و این مدعی علیه جهود و ترسانند و این گواه رسول ما صلوات الله علیه رامی خواهند که قرآن مجید

۱۶ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۶ . ۱۷ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۶ .

شاهد است «وماقتلوه و ماصلبوه و لکن شبه لهم» ملحد را باز پرسیدند اقرار کرد که یکی سال است تا مرا به جهان به طلب این استفتا می‌دوانند. عوام آمل او را سنگسار کردند و فخر الاسلام فتوی فرمود به سبب ذراری ایشان تا ملاحظه فرستادند و به‌عذر بردر مقصوده جامع آمل بدین حد که مناره است به زخم کارد آن امام سعید را شهید گردانیدند و هنوز (۶۰۶ ه. ق) آن کارد به مدرسه به‌خانه ایشان نهاده و من به نوبتها دیدم.<sup>۱۸</sup>

مرقد الناطق بالحق سید ابوطالب یحیی بن حسین

در آمل

سید ابوطالب یحیی رحمه الله در سنه ۳۴۰ از مادر جدا شد و در سنه ۴۲۲ فرمان حق [در او] رسید و به آمل دفن کردند. هشتاد و دو سال عمر یافت و بعد برادر یکسال تمام بر نیامده او نیز بدو پیوست و تصنیفات او در فقه و کلام آنچه مشهور است کتاب التحریر و الشرح کتاب المجزی، کتاب الدعامة.<sup>۱۹</sup>

مرقد ابن فورک

در محله علی کلاده سره آمل

ابن فورک که مسجد سالار آمل و آن منبر که هنوز (۶۰۶ ه. ق.) بر کرائه محراب نهاده به جهت او نصب کردند. از استاد خویش ابراهیم بن محمد ناصحی شنیدم که صاحب عباد او را به تعصب بگرفته بود و به حبس داشت به‌خانه‌ای تاریک به‌ری، تا ابواسحق اسفراینی متکلم پیش صاحب شد. هر روز میان ایشان مباحثات بود. روزی به باغی مباحثه می‌کردند در خلق الافعال. مناظره بالا گرفت تا صاحب دست یازید و از درخت سیبی باز کرد گفت این نه فعل من است؟

ابواسحق گفت «اگر فعل تو است باز همان‌جا دوسانده.» صاحب خاموش

شد و گفت «مرا دخواه» گفت: «مرا د من ابن فورک است» فی الحال خلاص

۱۸ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۳ . ۱۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۲ .

فرمود. به آمل آمد. دویاره کتاب در کلام به حبس تصنیف کرده بود. به جهت او سالار آن مسجد بنیاد افکند. تا آخر عمر به آمل بماند و خاک او به محله علی - کلاده سره، بالای گنبد چهار راه نهاده است.<sup>۲۰</sup>

مرقد امیر تاج الدوله شهریار

در آمل

امیر تاج الدوله شهریار در قلعه دارا در آمل رنجور شد و بر سر دوازده روز چنانکه نجیب الزمان احمد بن محمد قصرانی منجم گفته بود وفات کرد. او را بر جنازه نهاده و به آمل به خانقاه او برده، دفن کردند.<sup>۲۱</sup>

مرقد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر

در شهر آمل

مرقد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر در محله علی آباد در خانه دخترش است. این مرد در سال ۳۲۰ ه. ق. در شهر آمل کشته شد.<sup>۲۲</sup>

مدارس و خانقاه حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر

در شهر آمل

حسن بن قاسم در آمل اندیشه مدرسه و خانقاه فرمود.<sup>۲۳</sup> صاحب تاریخ رویان - مولانا اولیاء الله آملی - می‌نویسد: «حسن بن قاسم در آمل مدرسه‌ای عمارت کرده آنجا که مشهد اوست و آن مدرسه در این چهل سال یا بیشتر آبادان بود و آنجا ساکن شد. او در بیست و پنجم شعبان سال ۳۰۴ فوت شد.<sup>۲۴</sup>

۲۰ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۵ . ۲۱ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۳ .  
 ۲۲ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ .  
 ۲۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۸۴ . ۲۴ - تاریخ رویان ص ۸۰ .

دخمه و قبه عالی که مرقد داعی کبیر است

در محله راست کوی در شهر آمل

در محله راست کوی آمل دخمه و قبه عالی برای داعی کبیر ساختند . هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) آن عمارت باقی است و مولانا اولیاءاله نوشته است: «در ایام طفولیت اگرچه عمارت رو به خرابی نهاده بود، اما صندوق کهنه‌ای آنجا دیدم و در میان دیوار گنبد ، راه گرد می‌گردد و به بالا می‌رود و هفتاد پاره دیه در نواحی آن بغیر از باغ و ضیعه و حمام و دکان بر آنجا وقف فرمود . روز دوشنبه سیم رجب سنه ۲۷۰ وفات یافت. ۲۰»

مرقد ابوعلی محمدبن ابوالحسین احمد

در محله راست کوی شهر آمل

در محله راست کوی آمل گنبدی است که مرقد ابوعلی محمدبن ابوالحسین احمد - پسر داعی صغیر است ، برابر گنبد داعی کبیر نهاده. ۲۶

مسجد و مناره مالک اشتر

در محله چلاوه‌سر برابر کوچه سماکی در شهر آمل

مسجدی که در شهر آمل در محله چلاوه‌سر برابر کوچه سماکی نهاده است و مسجد و مناره مالک اشتر می‌گویند ، بدان نسبت به مالک می‌کنند که این را جماعت مالکیه که قائل به امامت مالک اشترند ساخته‌اند و ایشان خود را از متشعبه شمرند و آن قوم نیز هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) باقی‌اند . اصل ایشان از لار حوالی قصران . این ساعت (۸۸۱ هـ . ق) نیز هر سال و هر دو سال به آمل می‌آیند و عمارت آن مسجد کنند. ۲۷

۲۵ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱۰ . ۲۶ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ . ۲۷ - تاریخ رویان ص ۳۷ .

بیمارستان آمل

مقدسی در سال ۳۷۵ هـ . ق . سخن از بیمارستان آمل به میان آورده است . ظاهر آ از قدیمترین ایام در این شهر بیمارستان وجود داشته است. ۲۸

قصر فیروزآباد

نزدیک شهر آمل

در زمان فرخان کبیر ، در فیروزخسر و قصری وجود داشته است که بعدها به نام فیروزآباد شهرت یافته و آن در دوفرسنگی شهر آمل بوده است. ۲۹

میدان رودبار باقلی پزان

در شهر آمل

مولانا اولیاءالله از میدانی به نام «میدان رودبار باقلی پزان» در شهر آمل نام می‌برد. ۳۰

قلعه آمل

صاحب عالم آرای عباسی در وقایع سال ۱۰۰۵ هـ . ق . می‌نویسد :

«پس از آنکه سید مظفر از خدمت شاه‌عباس رخصت یافت به رفاقت فرهادخان روانه مازندران گشت و جناب‌خان به جهت تألیف قلوب سایر وحشی‌صفتان مازندران با او به مدارا سلوک نموده، همچنان معزز و محترم به طریق مهمان رفیق‌خان بود، چون به شهر آمل که از بلاد قدیمه طبرستان است و در تصرف ملک بهمین بود رسیدند، ملازمان و مردم او قلعه آمل را استحکام داده در مقام قلعه‌داری درآمدند و فرهادخان شروع در لوازم قلعه‌گیری کرد.

۲۸ - احسن‌التقاسیم ص ۳۵۹ . ۲۹ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۱۵۳ . ۳۰ - تاریخ رویان ص ۱۱۸ .

ملك بهمن با پیامهای متعدد گناه پایداری مردم آمل را به گردن سیدمظفر می انداخت و خود را نشان نمی داد. سیدمظفر هم که طول مدت محاصره را دید، از آمل فرار کرد و به ساری در قلعه از دارکله متحصن شد. سایر حکمرانان محلی نیز هریک به گوشه ای رفتند فرهادخان با پایداری و استقامت قلعه را بگشود.»<sup>۳۳</sup>

هنوی درباره این قلعه می نویسد:

«دژی کهنسال در این شهر است که متناسب تر و محکمتر از آن دژی در ایران نیست. دیوارهای آجری دژ بسیار پهن بود و مردم محل تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از زمان نادرشاه می دانستند و می گفتند که از آن تاریخ به بعد، این دژ هر دو بیست سال یکبار مرتباً تعمیر و مرمت می شده است»<sup>۳۴</sup>.

هولمز در سال ۱۳۶۰ ه. ق. می نویسد:

«از کاخ مشهور شاه عباس و دژ کهنسال و بزرگی که هنوی صدوشش سال قبل آن را مستحکمترین و خوش ترکیبترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت، اثری دیده نمی شود»<sup>۳۵</sup>.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می نویسد:

آن سمت پل طرف غربی رودخانه را به مسافت هزاروپانصد ذرع از سنگ و آجر و آهک سدی ساخته اند معلوم می شود که قدیم قلعه محکمی آنجا بوده. اما حالا دکان و کاروانسرا ساخته که

Hanwey: J. An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea Vol I. p 292.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۲۴ .  
Holmes, W R. : Sketches on the Shores of the Caspian. London 1845, ۳۲ p. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

به رودخانه نگاه می کند، بسیار باصفاست<sup>۳۳</sup>.

### باروی شهر آمل

ابن اسفندیار می نویسد:

عمارت حصارهای آمل و ساری را عبدالملك بن قعقاع مرمتها

کرد و سور پدید آورد تا آن وقت که مازیار خراب فرمود<sup>۳۴</sup>.

این مرد در سال ۱۷۸ ه. ق. در طبرستان حکمرانی داشت. او پس از

مثنی بن حجاج و پیش از عبدالله بن حازم در طبرستان بود<sup>۳۵</sup>.

سید ظهیرالدین عبارات ابن اسفندیار را تغییر داده و چنین نوشته است:

عمارت حصار شهر آمل را عبدالملك قعقاع کرد و آن عمارت

را مازیار خراب کرد<sup>۳۶</sup>.

با خواندن عبارات سیدظهیرالدین به این نتیجه می توان رسید که شهر آمل

پیش از عبدالملك حصارى نداشته و اوست که حصار آن را ساخته است.

در صورتیکه از عبارات ابن اسفندیار معلوم می شود که او تعمیرکننده این حصار

قدیمی بوده است. درباره خراب کردن این حصار، ابن اسفندیار نوشته است:

حصارهای آمل و ساری را مازیار پست کرد و به کوهستانها قلعه ها ساخت<sup>۳۷</sup>.

در زمان مازیار شهر آمل دو خندق و حصار داشت. مابین الخندقین را «ربض»

خواندندی، مازیار خراب کرد<sup>۳۸</sup>.

۳۳ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۵۳. درباره قلعه آمل نگاه کنید به تاریخ

گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۸ و ۲۳۶ و عالم آرای عباسی ج ۱ ص ۵۱۹. این قلعه

ظاهراً به نام «خرم دز» معروف بوده است. صاحب تاریخ طبرستان می نویسد «قلعه

خرم دز آمل و تا پرب از منوچهر لارجان مرزبان گرفت» (تاریخ طبرستان ج ۲

ص ۸۸). ۳۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹. ۳۵ - تاریخ طبرستان و

رویان و مازندران ص ۱۱۴. ۳۶ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ و تاریخ رویان

ص ۵۱. ۳۷ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۱۱. ۳۸ - تاریخ رویان ص ۵۴ و تاریخ

طبرستان ج ۱ ص ۲۱۰.

هنگامی که به دستور مازیار حصار آمل را خراب می کردند؛ «برسر دروازه گرگان بستوقه ای یافتند سبز، سراو به قلعی محکم کرده، متولی آن خرابی بفرمود تا بشکنند. لوحی بیرون افتاد کوچک از مس زرد، براو سطرها به خط «گستج» نبشته، کسی را که بر آن ترجمه واقف بود بیاوردند بخواند. هر چند استفسار طلبیدند نگفت. تا به تهدید و وعید انجامید. گفت «بر این لوح نبشته نیکان کنند و وذان کنند و هر که این کند سال واسر نبرد.» همچنان آمد، سال تمام نشده بود که مازیار را گرفته و با سرمن رأی بردند و هلاک کردند<sup>۳۹</sup>.

در سنوات ۷۶۹ - ۷۷۹ به دستور سید کمال الدین بن میر قوم الدین مرعی در آمل و ساری جار انداختند. مردم بسیار جمع شدند و بنیاد خندق فرمود کردن و خندق عظیم در طول و عرض و عمق در زمان اندک حفر کردند و بر سر آن از خشت پخته و ساروج و گل برجها و دیوارها ساختند و درون قلعه، کوشک و خانه و عمارت عالیه بنیاد نهادند و حمام و سایر عمارات ضروریه فرمود ساختند و چاههای آب فرمود تا حفر کنند و بیرون قلعه بنیاد شهر و بازار و حمام و مسجد طرح انداختند<sup>۴۰</sup>.

#### گنبدهای بیرون شهر آمل

در اراضی گنبدین جزء محله پایین بازار آمل

حسن بن اسفندیار در تاریخ خود، دو بار از این گنبدها یاد کرده است و چنین می نویسد:

السید شمس آل رسول صلی الله علیه و آله فقیه و صاحب حدیث و از جمله نساك و عباد، هنوز (۶۰۶ هـ. ق) تربت او برقرار است و مشهد معمور و مزار مشهور، به محله عوامه کوی بردر دروازه آمل<sup>۴۱</sup>.

۳۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۴۰ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۲۷۱ . ۴۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۵ .

اراضی گنبدین امروز که قسمتی از محله پایین بازار آمل است در زمان ابن اسفندیار محله ای جداگانه به نام «عوامه کوی» بوده و بر در دروازه آمل قرار داشته است. در این اراضی پاره آجر و سفال فراوان دیده می شود سابقاً باکندن این اراضی آجرهای فراوان به دست می آوردند. این اراضی را فعلاً آقای اصغر توکلی پسر حاجی آقامحمد توکلی ضبط کرده و به باغ تبدیل کرده است.

ابن اسفندیار در جای دیگر کتاب خود می نویسد:

قاضی هجیم زاهد و عالم و تربت بردر مشهد شمس آل رسول، به محله عوامه کوی<sup>۴۲</sup>.

#### سه گنبد در خارج شهر آمل

ملگنوف ذیل عنوان «سه گنبد» می نویسد که در خارج شهر آمل بقاعی قدیمی است در حالیکه به جای سه گنبد پنج عدد گنبد است.

۱ - گنبدی که از زلزله ویران شد و چهار گوشه بود.

۲ - گنبد ناصر الحق که یکی از سادات حسنی است.

۳ - گنبد شمس طبرسی که دارای دو پوشش بود يك پوشش آن از زلزله ویران شد.

۴ - گنبد «سایه سه تن» یعنی گنبدی که بر روی جسد سه تن از پسران میرقوم الدین سایه انداخته است. در وسط آن سنگی ناثراشیده بود. از خطوط کوفی آن برمی آید که امام ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن رویانی حکیم الهی نیز در آنجا مدفون است.

۵ - گنبد محمد آملی که تا به بنیاد ویران است<sup>۴۳</sup>.

هنوز سه برج در خرابه های شهر آمل دیده و حدس زده است که این برجها

۴۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۴۳ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب و ۸۸ الف . ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ دوباره آمده است .

بناهای گبری است<sup>۴۴</sup>.

زاره ، از گنبد شمس طبرسی در آمل یاد کرده است<sup>۴۵</sup>.

دمرگان نیز از گنبد شمس طبرسی در شهر آمل گفتگویی به میان آورده

است<sup>۴۶</sup>.

رایینو هم یادی از گنبد شمس طبرسی کرده و درباره آن می نویسد :

«این گنبد مدور و به شکل برجی است جسد شمس آل رسول که عارف و محدثی بود و بازهد و تقوی می زیست در اینجا به خاک سپرده شده است. مزار او در «عوامه کوی» که از کویهای قدیم آمل بود بنا شده بود. طاق این برج دوپوش بود و دو گنبد خارجی و داخلی داشت که بر اثر زلزله خراب شد. مقبره قاضی هشام<sup>۴۷</sup> در جوار همین گنبد است<sup>۴۸</sup>».

رایینو از گنبد دیگری به نام «کبود گنبد» در خارج شهر آمل نام می برد و می نویسد :

برجی است با گنبدی مخروطی که روزی کاشیهای آبی رنگ آن را پوشانیده بوده است و نام این گنبد از رنگ کاشیها است<sup>۴۹</sup>. محمدحسن خان اعتماد السلطنه این گنبدها را «بنائی معروف به آتشکده» دانسته و می نویسد :

در نزدیکی آمل بنائی است مخروطی که سه برج او باقی مانده. معروف است آتشکده بوده<sup>۵۰</sup>.

Jonas Hanway, An historical account of the British Trade over the Caspian sea, with a journal of travels and the revolutions of Persia, 4 vol. London 1753, 2 Vol London 1762

به نقل از متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۷.

Sarre : Denkmäler Persischer Baukunst P. 97 et pl. LXXVIII ۴۵

De Morgan : Mission Scientifique en Perse T. I P. 184, Fig 84. ۴۶

۴۷ - قاضی هجیم ( تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ و ۱۳۵ ) . ۴۸ و ۴۹ - متن

انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۸ . ۵۰ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۵۰ .

ظاهراً بر اثر اشتباه اعتماد السلطنه است که این برجها بعد از او به نام «آتشکده» شهرت یافته اند. این بناها اسلامی است و مقابر خصوصی افراد است و هیچگونه شباهتی به آتشکده ندارد.

گنبد الناصر للحق و گنبد شمس آل رسول

سید ظهیرالدین مرعشی درباره گنبد الناصر للحق می نویسد :

مشهد مبارك الناصر للحق را سیدعلی ساری دستور داد تا سید قوام الدین با برادران خود بسازند و در سال ۸۱۴ هجری به اتمام رسید<sup>۵۱</sup>. در طوماری که در زمان صفویان نوشته شده است شمس آل رسول به نام «امامزاده شمس آل رسول» خوانده شده و تولیت آن را به مولانا علی آملی برگزار کرده اند.

رایینو درباره گنبد ناصرالحق می نویسد :

در زیر گنبد ناصرالحق جسد حسن بن علی ناصرالکبیر را به خاک سپرده اند. این گنبد را سیدعلی مرعشی حاکم مازندران برپای کرد. ابن اسفندیار می نویسد مقبره و مدرسه و کتابخانه ای که او تأسیس کرد و رقبات موقوفاتی که برای آنها در نظر گرفته شده بود تا قرن هفتم هجری در آمل برجای بود. قبر او در این تاریخ مورد احترام بود و از دور و نزدیک به زیارت آن می آمدند<sup>۵۲</sup>. مشکوتی می نویسد :

از دوبنای تاریخی گنبد ناصرالحق و شمس طبرسی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند اکنون آثاری جز ویرانه آنان دیده نمی شود. ساختمان این دو گنبد متعلق به قرن نهم هجری می باشد. گنبد ناصرالحق باید آرامگاه وی باشد که در سال ۳۰۴ هجری در این

۵۱ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۳۰ . ۵۲ - متن انگلیسی سفرنامه

مازندران و استرآباد ص ۳۸ .

مکان به خاک سپرده شده است. همچنین گنبد دیگر متعلق به مقبره شمس طبرسی از فقهای مشهور آمل بوده است. مقبره ناصرالحق که در محل خرابه های آمل است، در تاریخ ۸۲۰ - ۸۶۰ هجری به دست سیدعلی مرعشی بنا شده است.<sup>۵۳</sup>

مهیجوری می نویسد:

گور ناصرالحق در آمل است و می خواستند از آجر و ساروج که برای تعمیر مقبره میرقوام الدین آورده اند، گور ناصرالحق را نیز تعمیر کنند<sup>۵۴</sup>. باز در جای دیگر از قبر ناصر کبیر در آمل یاد کرده است<sup>۵۵</sup>.

از پنج گنبدی که ملگنوف نقل کرده است سه گنبد آن به نام «سیدسه تن» و «گنبد ناصر کبیر» و «گنبد شمس طبرسی» برجای است و دو گنبد دیگر یعنی گنبد محمد آملی و گنبد کبود یکسره از میان رفته است.

آنچه که از این گنبدها امروز برجای است گنبدی معروف به سید سه تن = میرحیدر = سید در محله پایین بازار آمل

قسمت پایین بنا چهار گوشه است. در ورودی باطاقی جناقی در ضلع شرقی است و ضلع مقابل آن از خارج دارای دو طاقنمای باریک است به خلاف دو ضلع دیگر که هر کدام یک طاقنما به پهنای ۲۰۷ سانتیمتر در میان آنها بنا شده است. بالای طاقنماها محلی برای نصب کتیبه دارد و بالای آنها در هر ضلع ده قرنیس سینه کفتری و کشکولی است. بالای هر دو قرنیس کشکولی نیم دایره ای از کاشی است. (عکس شماره ۹)

چهار کنج بالای بنا را از داخل جمع کرده و چهار ضلع دیگر به وجود

۵۳ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ثبت تاریخی ۶۰ ص ۱۳۴ و فهرست بناهای تاریخی چاپ جدید ص ۱۷۸ . ۵۴ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۶ . ۵۵ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۳۹ .

آورده اند که با چهار ضلع اصلی مجموعاً هشت ضلع می شود که کمربند گنبد است و سقف را بر آنها بنا کرده اند. سقف بنا از داخل گنبدی مدور است که وسط آن سوراخی گرد برای هواکش تعبیه شده است و بام آن از خارج گنبد کلاه درویشی یا هرمی مثنی القاعده است. مصالح اصلی بنا آجر باریک و گچ است نمای خارج و داخل آن گچ مالک کشیده است. (عکس شماره ۱۰ و ۱۱)

در دو ضلع شرقی و غربی در ارتفاع ۱۲۷ سانتیمتری، دو پنجره کوچک چوبین نورگیر به درازای ۴۵ و پهنای ۳۵ سانتیمتر تعبیه شده است.

بر پنجره غربی این عبارات باخطی نزدیک به نسخ خوانده می شود:

امر بعمارة هذه البقعة الشریفة

قطب المحققین و برهان

بر پنجره شرقی این عبارات حک شده بود:

السالکین سید عزالدین

بن سید بهاءالدین آملی

اطراف دو پنجره و اطراف چهارچوبهای آن نقش و کنده کاری دارد. ملگنوف در سال ۱۲۷۷ قمری از این بنا یاد کرده است<sup>۵۶</sup>.

رابینو در سال ۱۳۳۰ قمری این بنا را دیده و کتیبه های آن را بدین شرح خوانده است: کتیبه سنگی مقبره امامزاده سه تن در آمل:

فی شهر الله شعبان المبارک سنة اربعة عشر وخمس مائه

بسم الله الرحمن الرحيم لاله الا الله محمد رسول الله الملك لله العزة لله الحمد لله

هذه قبر الامام السعيد قاضى القضاة تاج الدين فخر الاسلام ابوالقاسم بن الامام الشهيد فخر الاسلام ابوالمحاسن الرويانى قدس الله روحه .

۵۶ - ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ درباره آمل است .

کتابخانه در اما مزاده سه تن در آمل

امر بعمارة هذه البقعة الشريفة ... سيد عز الدين ابن سيد بهاء الدين  
آملی<sup>۵۷</sup>.

از کتیبه‌ای بر سنگ که رابینو در سال ۱۳۳۰ قمری دیده است، امروز  
نشانی برجای نیست. فقط کتیبه‌های دولنگه پنجره نورگیر آن تا امروز باقی است  
و نشان می‌دهد که این بنا به دستور سید عزالدین بن سید بهاء‌الدین آملی ساخته  
شده است.

در کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، این بنا به شماره  
۶۱ ثبت تاریخی شده و این شرح درباره آن دیده می‌شود:

این بقعه به نام «سه تن» هم نامیده می‌شود. در نتیجه تعمیر و  
مرمت‌های مکرر به صورت بنای تازه‌ای درآمده است. بنای اصلی  
آن متعلق به قرن ششم هجری بوده است. بنای آن شامل برجی  
هشت ضلعی و گنبدی هرمی به ارتفاع دوازده متر است<sup>۵۸</sup>.

در تاریخ مازندران مهاجری کتیبه‌های سفرنامه مازندران و استراباد  
رابینو عیناً نقل شده است و از قول رابینو نوشته است:

اینجا قبر ابوالمحاسن رویانی است که به دست فرقه اسماعیلیه کشته  
شد<sup>۵۹</sup>.

متن کتیبه صراحت دارد که در این گور جسد ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن  
رویانی به‌خاک سپرده شده است نه خود ابوالمحاسن رویانی مقتول به دست  
اسماعیلیان.

گنبد بزرگ آجری که ظاهراً گور ناصر للحق است  
در گنبدی<sup>۶۰</sup> نزدیک نهر کلاور و بیرون شهر آمل

در سال ۸۱۴ ه. ق. که سیدعلی بن سیدکمال‌الدین، از ساری به آمل

۵۷- سفرنامه مازندران و استراباد ص ۱۴ ع. ۵۸- فهرست بناهای تاریخی و اماکن  
باستانی ایران ص ۱۳۴ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید. ۵۹- تاریخ مازندران  
ج ۲ ص ۳۴۴ و ۳۴۵. ۶۰- بکسر دال ۲۰- بکسر کاف و واو.

آمد و سیدعلی بن میرقوام‌الدین را شکست داد و آمل را به سیدقوام‌الدین بن  
سیدرضی‌الدین واگذاشت، «به مشهد مبارک امام‌الهدی الناطق بالصدق الناصر للحق  
علیه‌السلام رفت و زیارت بگزارد و فرمود که این عمارت لایق این سید نیست.  
عمارت دیگر بنیاد کنند. با وجود عمارت سیدقوام‌الدین این عمارت اینچنین حقیر  
بودن خوب نیست.»

«درویشان گفتند اسباب که جهت گنبد میربزرگ جمع شده است، بسیار  
است. هر چه از آن بماند اینجا به کار بریم. فرمودند که آنچه‌ان بی ادبی باشد.  
چرا علی‌حده اسباب جمع نکنیم و عمارتی لایق نسازیم؟ سادات گفتند «به هر چه  
اشارت باشد اقدام می‌رود.» گفت: «این عمارت سیدقوام‌الدین با برادران خود  
بسا نند<sup>۶۱</sup>».

بنای اصلی چهارگوشه و ابعاد آنها هریک ۵۴۰ سانتیمتر است. قطر دیوار  
بنا بدون پیش‌رفتگی طاقنماها یک متر تمام است. در ورودی در ضلع شمالی است  
و در هریک از اضلاع داخلی بنا سه طاقنمای باریک است که پهنای هریک به ۷۷  
سانتیمتر می‌رسد. بالای سه طاقنمای هر ضلع دو طاقنمای کوچک است و بالای  
این دو طاقنما مربع مستطیلی است و بالای هریک از مربعهای مستطیل مربعی است  
که داخل آنها روزی کاشیکاری بوده است. (عکس شماره ۱۲) بالای آنها  
قرنیسهای سینه‌کفتری و میان هر دو قرنیس، قرنیسهای کوچکتری است که بالای  
هریک از آنها قرنیس نیم دایره‌ای زده‌اند. (عکس شماره ۱۳ و ۱۴)

چهار کنج بنا از داخل با چهار گوشوار جمع می‌شود و تبدیل به هشت ضلعی  
می‌گردد بالای هر ضلع دوازده عدد قرنیس مانند مثلث شکل است. تعداد این  
قرنیسها به ۹۶ عدد می‌رسد. بالای این قرنیسهای مثلث شکل دو ردیف قرنیس  
سینه‌کفتری و کشکولی است که بالای ردیف دوم طاق مدوری زده شده است.  
(عکس شماره ۱۵)

۶۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ در ن ص ۴۶۶.

طاق گنبد از داخل مدور است و گنجربری داشته است که به شازده ترك تقسیم می شده است. بام بنا از خارج کلاه درویشی است. (عکس شماره ۱۷ و ۱۶)

طرفین در ورودی از داخل دارای جاچراغی است. مصالح بنا آجر کلفت و نازک است که با گنجرنگی از داخل و خارج ماله کاری شده است.

گنبدی به نام گنبد شمس طبرسی<sup>۶۲</sup>

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) از این بنا دیدن کرده و عکاس سلطنتی عکسی در آن تاریخ گرفته است<sup>۶۳</sup>. (عکس شماره ۱۸)

دمرگان در سال ۱۳۰۷ قمری طرحی از نمای بنا و نقشه و برش آن کشیده است.<sup>۶۴</sup> (عکس شماره ۱۹ و ۲۰)

بنائی است چهارگوشه به ابعاد ۲۹۳ سانتیمتر. در ورودی اصلی در شمال است و در کوچکی در جهت مشرق دارد. طاق هر دو در گاه بلند و شکسته است. طرح در شرقی درست همانند در شمال است، اما کشیده تر و درازتر است. ده قرنیس سینه کفتری در هر طرف بنا است و دو نیمه قرنیس در دو کنج بنا است. بالای و وسط هر دو قرنیس کاشیهای نیم دایره چسبانیده اند. لعاب بعضی از کاشیها بر اثر مرور زمان از میان رفته است. (عکس شماره ۲۱)

چهار کنج بالای دیوار را عقب نشسته و از خارج هشت ضلعی به وجود آورده اند و بالای آن گنبد هرمی شکل کلاه درویشی زده اند. این بنا از داخل نیز بامی گنبدی دارد. (عکس شماره ۲۲)

۶۲ - این گنبد را امروز به اشتباه «شمس تبریزی» خوانند. ظاهراً چون مفهومی برای کلمه «طبرسی» نیافته اند، آن را به «تبریزی» تبدیل کرده اند. ۶۳ - عکس شماره ۷۶۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه. ۶۴ - هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۱۷۷ شکل ۸۳ و ص ۱۷۸ شکل ۸۴.

### تکیه ای قدیمی

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

سراسر تکیه را نوسازی کرده اند و از تکیه قدیمی اثری برجای نبود. (عکس شماره ۲۳)

میان صحن تکیه چناری قدیمی بود که محیط تنه آن به ۵ متر تمام می رسید. (عکس شماره ۲۴)

متصل به تکیه امامزاده ای معروف به امامزاده جعفر است که بالای نمای خارجی آن این عبارت بر کاشی خوانده می شد:

«مزار شریف امامزاده جعفر بن موسی مشهور به امامزاده معصوم» راینو از این تکیه و از این امامزاده یاد کرده است<sup>۶۵</sup>.

### آب انباری قدیمی

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

راینو در سال ۱۳۳۰ قمری از این آب انبار یاد کرده ولی امروز اثری از آن برجای نیست<sup>۶۶</sup>.

### مسجد حاج علی کوچک

در محله پایین بازار آمل

این مسجد شامل حیاطی مستطیل شکل است که سه طرف غربی و شمالی و جنوبی آن ساختمان دارد. شبستان مسجد، در ضلع جنوبی حیاط است. در طول شبستان در وسط هشت فیلیپی آجری است که روی آنها را با گچ سفید کرده اند. سردر ورودی مسجد غربی است و بر چهار پایه این سردر، گلدسته ای بنا کرده اند بنای گلدسته هشت ضلعی است و از آجر بنا شده است.

(عکس شماره ۲۵)

۶۵ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۳۲ و ترجمه سفرنامه او ص ۶۱. ۶۶ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۶۱.

برپایین گلدسته، این بیت ناقص، برجسته گچ‌بری شده بود:  
بی ادب پامنه این در گه در گاه است [کذا]

سجدگاه ملك و معبد شاهنشاه است.

در مازندران مهجوری این مسجد به نام «مسجد جامع کوچک حاجی علی» خوانده شده و حجرات آن را بالغ بر هفت دانسته است.<sup>۶۷</sup>

حمام اشرف سلطان

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

امروز این حمام به نام حمام «اشرف» معروف است اما رایینو آنرا به نام «حمام اشرف سلطان» خوانده است.<sup>۶۸</sup> این حمام شامل سربینه یا رختکن است. (عکس شماره ۲۶) سربینه شامل سه قسمت است. وسط حوض و راهرو و دوطرف سربینه شامل سه قسمت است. قسمت وسط حوض و راهرو و دوطرف آن دو قسمت رختکن است. از رختکن به گرمخانه و از آنجا به صحن حمام وارد می‌شود. مستراح و نوره‌خانه قدیمی دراز و طولانی بود و نور کافی نداشت. امروز قسمتی از گرمخانه را اختصاص به این دو داده‌اند. کاشیکاریهای قدیمی سربینه برجای بود که قدمت پاره‌ای از آنها به زمان صفویان می‌رسید.

بر بالای در ورودی حمام عبارت زیر نوشته شده بود:

«هروقت لنگ در این مکان نصب است حمام مردانه است»

مسجد امام حسن عسکری

در محله پایین بازار آمل

شامل حیاطی است که سه طرف قبلی و شرقی و غربی آن ساختمان دارد. بنای طرف قبلی شامل شبستان است و بنای طرف شمالی شامل پلکانی در وسط است که به ایوانی می‌رود و در این ایوان چهار حجره در طبقه دوم و زیر آن چهار

۶۷ - مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ . ۶۸ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۶۱ .

حجره در طبقه اول ساخته شده است. قسمت ساختمان غربی شامل در ورودی مسجد و دو حجره است قسمتی از ساختمان این قسمت، متصل به شبستان قبلی است. بالای در ورودی گلدسته‌ای هشت ضلعی آجری با بامی سفالپوش ساخته شده است. (عکس شماره ۲۷) بر دیوارهای گلدسته نقش و نگاری از گچکاری دیده می‌شود. (عکس شماره ۲۸)

در سال ۱۳۵۶ شمسی که دوباره از این بنا دیدن کردم قسمت شبستان نوسازی شده بود و این آیات از کلام الله مجید بر بالای شبستان برکاشی خوانده می‌شد:

بر دیوار غربی:

بسم الله الرحمن الرحيم سج باسم ربك الاعلى - تا - صحف ابراهيم و موسى  
صدق الله العلي العظيم تجديد و تعمير كاشيكاري و نصب سنگ در محرم ۱۳۹۳  
پایان یافت.

بر دور محراب آیات و عبارات زیر بود:

قال الله تعالى الله نور السوات والارض - تا - بكل شئى علميم .

قسمت داخلی محراب:

اللهم صل على المصطفى - تا - حجتك قائم المنتظر اجمعين  
دنباله کتیبه بالای شبستان که طرف چپ محراب قرار می‌گیرد:

بسم الله الرحمن الرحيم لو انزلنا هذا القران - تا - وهو العزيز الحكيم  
صدق الله العظيم نصب كاشي بهمت عبد الله عدل پایان یافت .

در ترجمه فارسی ملگنوف بنای این مسجد، به هارون الرشید نسبت داده شده است.<sup>۶۹</sup>

در مازندران مهجوری از این مسجد یاد شده و ده حجره برای آن ذکر کرده است.<sup>۷۰</sup>

۶۹ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۸ الف . ۷۰ - مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ .

## مسجد هاشمی

در شاهان دشتی محله آمل<sup>۷۱</sup>

این مسجد در ندمال راسته شاهان دشتی محله است. مسجد قدیمی را خراب کرده بودند و مسجد نوساز نیمه‌تمامی به جای آن می‌ساختند. در چهارطرف حیاط مسجد ساختمان است. ضلع شرقی حیاط کتابخانه عمومی هاشمی است. مهجوری می‌نویسد که این مسجد سیزده حجره داشته است<sup>۷۲</sup>. بنا بر گفته او این بنا را باید مدرسه دانست.

## حمام یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل

این حمام در سال ۱۲۸۹ ه. ق. که رایینو آن را دیده، خراب بوده است<sup>۷۳</sup>. امروز اثری از آن برجای نیست.

## آب انبار یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل<sup>۷۴</sup>

از آب انبار یوسف خان در این محله اثری برقرار نبود.

## حمام چرخ فلک

در قادی محله آمل

از این حمام قدیمی هیچگونه اثری برجای نمانده است. همچنین از حمام کاظم بیگ<sup>۷۵</sup> و حمام چهارسوق<sup>۷۶</sup> و حمام بقال<sup>۷۷</sup> و حمام عطار<sup>۷۸</sup> و حمام ساچبه - پاشان<sup>۷۹</sup> و حمام مسگر بازار امروز اثری باقی نیست.

۷۱ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۲ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸ . ۷۳ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۶۱ . ۷۴ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ - ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ درباره آمل مازندران .

## تکیه قادی

در قادی محله آمل

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی آن نشانی برجای نبود.

فضل و فخر از اولاد امام زین العابدین علیه السلام

در قادی محله آمل

مرقدی است که گنبد را روی آن ساخته‌اند یعنی گور و گنبد متصل به یکدیگراند بلندی مرقد و گنبد از دو متر تجاوز نمی‌کند. دری آهنی کوچک به بلندی نیم متر دارد که بازمی‌کنند و روی گور شمع می‌افروزند. این گنبد کوچک هشت ترکی است. محوطه اطراف بقعه در حدود پانزده متر مربع است.

## پل سنگی

در قادی محله آمل

متن بنای این پل از آجر است و پل کوچکی است که بر روی «شهرود» زده‌اند گذرگاه آن سنگفرش است و ظاهراً به همین سبب به «پل سنگی» معروف شده است.

پل هراز در سال ۱۰۷۵ قمری

میر تیمور در سال ۱۰۷۵ قمری سه بار این پل را به نام «پل هراز» و یک بار به نام «پل آمل» در کتاب خود آورده است<sup>۸۰</sup>.

پل هراز در سال ۱۳۶۰ ه. ق.

هولمز می‌نویسد:

پل باشکوهی که صدوشش سال قبل از این تاریخ جوناس هنوی دیده بود، دیگر وجود خارجی ندارد و هیچکس از خرافاتی که

۸۰ - تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۴۱ و ۴۴ و ۳۹۴ و پل آمل ص ۲۱۰ .

درباره عبور از روی پل هراز در عهد نادری بر سرزبانها بود و هنوی به تفصیل از آن یاد کرده است؛ اطلاعی نداشت<sup>۸۱</sup>. معلوم نیست هولمز از کدام پل سخن می گوید. پل هراز از قدیمترین ایام تا امروز برقرار است و ماشینهای سواری و باری هم از روی آن عبور می کنند. ملگنوف درباره این پل می نویسد:

هراز پلی دوازده چشمه دارد و بسیار بلند و دراز است. گویند امام حسن آن را ساخته است ولی اهالی گویند که مردی فقیر، برخلاف میل بزرگان این پل را ساخت و نفرین نامه ای نوشت که ارباب مکتنت از روی آن نگذرنند بلکه گذرگاه رعایا و بیچارگان باشد<sup>۸۲</sup>.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره پل قدیمی و آثار قلعه نزدیک به آن می نویسد:

پل طولانی کم عرضی از سنگ و آجر بر روی رودخانه هراز عبارت از ده طاق بنا شده. نسبت این بنا رابه اعراب می دهند ولی از ظاهر وضع چنین می نماید که قدیم تر از فتح اسلام این مملکت را بنا شده باشد. در انتهای پل سمت غربی رودخانه قریب سه هزار ذرع کنار رودخانه را با سنگ و آجر سد بسته اند که هنگام طغیان آب به شهر خرابی وارد نیورد. در نزدیکی پل این رودخانه، آثار قلعه ای قدیمی است که الحال کاروانسرا شده است<sup>۸۳</sup>.

اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات خود درباره این پل چنین نوشته است: بنای این پل خیلی عالی است. نسبت بنای او را در زمان

۸۱ - Holmes, W.R., Sketches on the shores of the Caspian, London 1845, P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵.

۸۲ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۹۹. ۸۴ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶.

فتح اسلام می دهند به اعتقاد من قدیمتر است<sup>۸۴</sup>.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره این پل نوشته است: وارد آمل که شدیم، از میان بازار که سنگ فرش بدی داشت و گل زیادی بود، عبور شد. به پل رسیده پیاده شدیم. عرض پل بسیار کم و طولش زیاد است. پیاده رفتن اولی بود<sup>۸۵</sup>. ظاهراً در این سفر است که عکاس سلطنتی عکسی از این پل از طرف شرقی گرفته است<sup>۸۶</sup>. (عکس شماره ۲۹)

رضاقلی خان هدایت درباره این پل می نویسد: چون پل آمل خراب و کار مترددین به صعوبت بود، یک هزار و دو بیست تومان مخارج پل بستن فرمود (ناصرالدین شاه) تا مشکل قوافل آسان گشته<sup>۸۷</sup>.

درازای این پل ۱۳۰ متر و پهنای آن سه متر و بلندی آن از سطح آب شش متر است و در فاصله صد و بیست متری در شمال پل رضاشاهی است. (عکس شماره ۳۰ و ۳۱)

سیل بندهای قدیمی

در طرف چپ هراز

پایین تر از پل قدیمی هراز بر طرف دست چپ رودخانه سیل بندهایی از آجر است که ظاهراً برای جلوگیری از سیل و نفوذ آن به شهر ساخته بوده اند. بر روی این پایه های قدیمی آثار تازه تری از سنگ چین دیده می شود.

۸۴ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۵۳. ۸۵ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از تاریخ مازندران هجوری ج ۲ ص ۱۹۳. ۸۶ - جریان رودخانه هراز شمالی جنوبی است و پل هراز جهت شرقی ندارد. عکس شماره ۲۶۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه. ۸۷ - روضه الصفا ناصر ص ۱ ص ۲۸۵.

باغ و عمارت شاه عباس  
در کنار هراز

ملگنوف می‌نویسد که شاه‌عباس در آمل عمارتی با باغی از سرو ساخته بود.<sup>۸۸</sup>

هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق. می‌نویسد:

«از کاخ مشهور شاه‌عباس و دژ کهن سال و بزرگی که هنوز در صدوشش سال قبل آن را محکمترین و خوش‌ترکیب‌ترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت اثری دیده نمی‌شود.»<sup>۸۹</sup>

تکیه‌ای قدیمی

در مشائی محله شهر آمل<sup>۹۰</sup>

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی چیزی برجای نبود.

حمام مشائیا

در مشائی محله آمل

این حمام قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن ساختمانهای تازه‌ای ساخته بودند.

مسجد جامع

در محله مسجد جامع یا کاردرگر محله

ابن‌اسفندیار درباره این مسجد می‌نویسد:

۸۸ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۸ الف .

۸۹ - Holmes, W.R. : Sketches on the shores of the Caspian, Londnn 1845, P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

۹۰ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ .

مسجد جامع به ایام هارون‌الرشید، سنه سبع و سبعین و مائه (۱۷۷) بنیاد افکندند و متولی عمارت ابراهیم بن عثمان بن نیهک بود و خواست این جایگاه بخرد اول مسلم نشد تا آن وقت که جد ابوالحسن بن هارون‌الفقیه «انبارک» نام مسلمان شد. او را مبارک نام نهادند. سرای خویش بفروخت. بعد او هرکس به تبرک می‌فروختند چون عمارت تمام شد و خواستند تا قبله پدیدکنند، چهل شبانه‌روز باران بود. وضع و تعیین به حقیقت میسر نشد. به حدس و تخمین فرو نهادند و بهای این موضع که جامع است هشت هزار و سی و دو دینار برآمد و طول مسجد نود و سه ارش بود و طول سمک ده ارش و در او سیصد و هشتاد و چهار فرسب<sup>۹۱</sup> بود. دیگر آلات بر این قیاس باید فرمود و چهل و هفت هزار و سیصد و چهار دینار به عمارت صرف شد<sup>۹۲</sup>.

حسن بن اسفندیار در ص ۱۸۹ کتاب خود، عثمان بن نیهک که پدر ابراهیم بوده بانی مسجد جامع آمل دانسته است<sup>۹۳</sup>.

مولانا اولیاءالله نیز بانی مسجد جامع را عثمان بن نیهک معرفی می‌کند و می‌نویسد: مسجد جامع آمل را عثمان بن نیهک ساخته است که پس از عبدالله بن قحطبه و پیش از سعید بن مسلم بن فتنیه در طبرستان بود<sup>۹۴</sup>.

سید ظهیرالدین درباره این مسجد می‌نویسد که مسجد جامع کهنه آمل را که مسجد طشته زنان می‌گویند معروف است که مالک‌اشتر ساخته است. این گفتار صحیح نیست و آنچه صحیح به نظر می‌رسد شخصی مالکی مذهب این مسجد را ساخته است و هنوز (سال ۸۸۱ ه. ق.) نبره‌های او از لار قصران برای تعمیر

۹۱ - فرسب داری ستر باشد که بدو بام را بیوشانند و ثقل همه بر وی بود ( فرهنگ اسدی ص ۲۳ ) . ۹۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۹۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ . ۹۴ - تاریخ رویان ص ۵۱ .

آن می‌آیند.<sup>۹۵</sup>

میرظهرالدین در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد که در مسجد جامع آمل در مقصوره شرقی گورشهدائی است که در عهد طاهریان صاحب اعتبار بودند و مخالفت باداعی کبیر کرده‌اند. داعی ایشان را بکشت و در آنجا به خاک سپرد. مردم آمل آن مقصوره را زیارت می‌کنند که اینجا مقبره شهداست.<sup>۹۶</sup>

میرظهرالدین در جای دیگر بانی مسجد جامع آمل را عبدالله بن قحطیه دانسته است.<sup>۹۷</sup> بنا بر این نوشته‌ها ظاهراً در شهر آمل دو مسجد جامع قدیم وجود پیدا کرده است. یکی از آنها را ابراهیم بن عثمان بن نهبک در سال ۱۷۷ ه. ق. به امر هارون الرشید ساخته است و دیگری را فرقه مالکیه بنیاد افکنده‌اند.

مسجد جامع معروف امروز صحنی است مربع شکل که چهار طرف آن ساختمان دارد شبستان شمالی شش فیلیا در وسط دارد. فاصله میان فیلیاهای دوم و سوم که مقابل محراب است کمتر از سایر فواصل است. محراب مسجد مستقیم است ولی نمازگزاران نسبت به محراب به راست منحرف می‌شوند. این انحراف ظاهراً به همان سبب است که حسن بن اسفندیار برای تعیین قبله یادآور شد. شبستان غربی نه فیلیا در وسط دارد که زمین شبستان را به هیجده قسمت تقسیم می‌کند. شبستان جنوبی شش فیلیا در وسط دارد و شبستان شرقی هم دارای نه فیلیا است بناهای چهار طرف حیاط دوطبقه است و مأذنه مسجد را از سطح زمین ساخته‌اند. گور مرمت‌کننده مسجد در حیاط مسجد در گوشه شمال شرقی است.

در راهروی مسجد، گورزنی است که دهکده‌ای به نام «کوسراس» را وقف بر مسجد کرده است.

۹۵ - تاریخ طبرستان و مازندران ص ۱۹۴ و تاریخ رویان ص ۳۷ . ۹۶ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱۰ و تاریخ رویان ص ۷۱ . ۹۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۱۲ .

رایینو در سال ۱۳۳۰ قمری درباره جامع آمل چنین نوشته است :

«بنای مسجد جامع بسیار قدیمی است و از سبزمیدان فاصله زیاد ندارد . قسمت غربی مسجد بر اثر زلزله خراب شده بود . در سال ۱۲۲۵ ه . ق . آقاعلی اشرف مشائی آن قسمت را تعمیر کرد . متصل به مسجد ، مدرسه‌ایست که در مدخل آن دو فرمان از شاهسلطان حسین صفوی بر سنگ مرمر حک شده است.»<sup>۹۸</sup>

رایینو ظاهراً خود مسجد را ندیده ، یا در نقل اطلاعات درباره این مسجد اشتباهی کرده است . زیرا مساجد جامع معمولاً بناهایی جداگانه هستند و هیچگاه به مدرسه متصل نبوده‌اند . دو فرمان شاهسلطان حسین چنانکه بعداً خواهیم دید ، يك فرمان است و تا امروز هم بردیوار مقابل در ورودی اصلی مسجد نصب است . هنگامی که از در اصلی وارد راهروی مسجد می‌شویم بردیوار مقابل طرف دست راست دو سنگ مرمر به ابعاد ۶۰×۷۰ سانتیمتر پهلوی یکدیگر نصب کرده‌اند و این عبارات بر آن دو سنگ حک شده است :

هو

حکم جهان مطاع شد آنکه وزیر و داروغگان مازندران بهشت نشان بشفتت بلانهایت شاهانه مفتخر و مباهی بوده بدانند که چون از هنگامی که مهره انجم برتخته زرنگار فلک آنگون سیماب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عجاج نیرین جهة تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش جهة گردیده گنجور گنجینه وجود به مؤدای حقانیت افتضای قل اللهم مالک الملك تؤئی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شیء قدير درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار وزر زده‌دهی پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جهة این دودمان خلافت

۹۸ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۷ .

و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته جهة سپاس این عارفه بیقیاس و اداء شکر این عطیه محکم اساس درین عهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش ولیلای سلطنت ابدمقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مأنوس و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طویت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضاعت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه الذین مکناهم فی الارض اقامسوا الصلوة واتوا الزکوة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر باجرائی اوامرو و نواهی خالق کل و خاتم انبیاء و رسل بفحوای صدق اتتمای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که مضمون بلاغت مشحون قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن پردگیان پرده گشاد پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده با فامل عصیان تقاب بی شرمی از رخسار غفت باز نموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون دست باکت قمار دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز مائة مائة نماید و فیل بند حیرت و هیمان هنگامه عرصات<sup>۹۹</sup> ساخته معلوم شود که آنچه برده در باخته اند سالك طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی مسالك محروسه که بهای<sup>۱۰۰</sup> خطیر میشد بتخفیف و تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر فرمودیم و درین ابواب صدور

۹۹ - تا اینجا بر سنگ مرمر اول است که اندازه آن ۵۵ × ۶۶ سانتیمتر است .

۱۰۰ - در فرمان مسجد جامع لاهیجان : که هر سال مبلغهای خطیر .

عظام و علماء اعلام و فقهاء اسلام وثیقه ائینه علیحده مؤکد بلعن ابدی و طعن سرمدی موشح و مزین بخط گوهر نثار همیون است به سلك تحریر کشیده اند میباید که آنوزارت پناه و داروگان مزبور بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع مقرر دارند که در کل محال متعلقه بخود ساکنین و متوطنین بقانون ازهر شریعت غرا و طریق اطهر ملت بیضا ناهج منهج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران را در حضور اهالی شرع شریف و کلاتران وریش سفیدان محلات تسوبه داده مرتکبین امور مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام باز یافت و هرگاه اشتغال باین افعال ذمیه نمایند بر نهج شرع مطاع حد جاری و مورد موآخذ و بازخواست سازند و چنانچه احدی به اعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام نماید آنشخص را نوعی تنبیه نمایند که باعث عبرت دیگران گردد آن وزارت پناه و داروگان مزبوره بعلت وجوهات مزبوره چیزی دریافت ننموده نگذارند که آفریده بدانجهه دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده از مردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین و ملائکه آسمان و زمین باشند و اهالی و اوباش رانیز از کبوتر پرانی و گرگدوانی و نگاه داشتن گاو و قوچ و سایر حیوانه جهت جنگ و پرخاش که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمرند و دقیقه در استحکام احکام مطاعه و اشاعت و اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت نمایند و از جوانب برین جمله روند و رقم قضاشیم معدلت مضمون را بر عموم خلائق خواننده برسنگ نقش و در مساجد جامعه نصب نمایند و درین ابواب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و درعهده

شناسندفی شهر شوال سنه ۱۱۰۶ محمدابراهیم الهدانسی (عکس شماره ۳۳)

مسجد آقا عباس

در شرق کاردرگر محله و غرب بازار و تکیه مشائی

در این مسجد در طرف غربی و جنوبی حیاط، شبستان دارد. شش فیلیا در وسط شبستان جنوبی و چهار فیلیا در وسط شبستان غربی است. طرف شمال بنائی دو طبقه است که طبقه زیرین آن بیشتر شباهت به راهرو دارد چون در این ضلع دکانهای مجاور جلو آمده‌اند. طبقه بالا در طرف شمالی و غربی از چوب است. در ست چپ در ورودی مأذنه‌ای هشت ضلعی از آجر است.

حمام آقا عباس ۱۰۱

در کاردرگر محله آمل

از این حمام قدیمی اثری برجای نبود.

منزل منوچهر مقصودی (ملک‌زاده)

در کاردرگر محله = کاردی محله آمل

این منزل در کوچه ملک‌زاده است و ساختمان حکومتی پدران اوست. این خانه از خانه‌های قدیمی آمل است که پنجره‌های ارسی و نورگیرهای مشبک ظریف دارد.

بقعه‌ای منسوب به خضر ۱۰۲

در اراضی مصلاهی آمل

بنائسی است چهارضلعی که ابعاد داخلی آن  $۳۳۲ \times ۳۳۲$  سانتیمتر است.

۱۰۱ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ . ۱۰۲ - نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۸۷ ب .

چهار گوشه بنا را با چهار گوشوار جمع کرده‌اند و دهانه مدوری به وجود آورده‌اند. کمر بند گنبد را روی این دهانه مدور ساخته‌اند و گنبدی مدور از داخل بر بنا زده‌اند. دوایر این گنبد کم کم جمع می‌شود و از داخل مخروطی به وجود می‌آورد در دایره کمر بند گنبد در طرف قبلی نورگیری ساخته‌اند. در ورودی بقعه شرقی است و از گنبد کنی چهار گوشه وارد بنای اصلی می‌شود. ابعاد گنبد کن  $۳۳۰ \times ۳۳۵$  سانتیمتر است. سقف گنبد کن با چهار گوشوار جمع شده و گنبدی توسی خورده بالای آن ساخته‌اند. (عکس شماره ۳۳) مصالح بنا آجر است. گوری به ارتفاع بیست سانتیمتر وسط بنای اصلی است. متصل به این گور قسمتی از زمین حرم به نام «هفت تن» خوانده می‌شود. گور سادات در مصلاهی آمل ظاهراً همین بناست. گنبد بیرونی کلاه‌درویشی است و قرنیسهای سینه کفتری زیر حاشیه گنبد دارد که بیشتر آنها روی درخراپی دارند. (عکس شماره ۳۴)

بقعه‌ای معروف به «شیخ‌الناس»

در هارون محله آمل ۱۰۳

این بقعه را ساکنان اطراف «شیخ‌انداز» و «شیخ‌الناز» نیز می‌خواندند. محل اصلی بقعه محل فعلی بیمارستان هلال احمرایران است. این بنا در نوسازیهای دوران رضاشاه از میان رفت.

کاروانسرائی قدیمی

در هارون محله آمل

در محل فعلی بیمارستان هلال احمرایران آمل که در اراضی هارون - محله ساخته شده است کاروانسرائی قدیمی بود در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت.

۱۰۳ - رابینو هارون محله را قسمتی از محله ایراقیها دانسته است .

دو حمام قدیمی

در هارون محله آمل

در محل اداره پست و تلگراف امروز که جزء اراضی هارون محله قدیم است دو حمام قدیمی بود که در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت .

مشهد لله پرچین و مرقد شاهزاده ابراهیم

در گرجی محله یا آسیاب سر یا آبدنگ سر آمل

مشهد لله پرچین ظاهراً قابل تطبیق با مرقد شاهزاده ابراهیم (عکس شماره ۳۵)

و گورستان اطراف آن است . سید ظهیرالدین می نویسد :

«مشهد لله پرچین در آمل مقبره مشایخ و سادات مالکی مذهب

است و مردم آمل که قبول اسلام کردند مالکی مذهب بودند تا زمان

داعی کبیر که ایشان را شیعه امامیه کرد.» ۱۰۴

راینو درباره مرقد شاهزاده ابراهیم نوشته است :

«امامزاده ابراهیم بسیار مورد احترام اهالی است . در

دوران تابستان روزهای پنجشنبه و جمعه در آنجا بازار برپاست .

بنای امامزاده میان گورستانی است که دیواری اطراف آن کشیده اند

و شامل برجی مربع شکل و گنبدی هشت ضلعی است . (عکس شماره

۳۶) بر صندوق چوبین مزار عباراتی حک شده و حاکی از آن است که

در آنجا امامزاده ابراهیم و برادرش یحیی و مادر این دوتن به خاک

سپرده شده اند . نسبت ابراهیم به موسی الکاظم می رسد . تاریخ

ساختن آن ۹۲۵ هجری قمری است . بیرون حصار گورستان برجی

سنگی است که می گویند مدفن هفتاد و دوتن از اصحاب امامزاده

ابراهیم است. ۱۰۵ نزدیک مدخل اصلی قبرستان برجی مربع است که

۱۰۴ - تاریخ رویان ص ۳۷ و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۴ .

۱۰۵ - گوری است از سنگی که متصل به بنای امامزاده است . این مرقد بیرون حصار گورستان نیست و برجی سنگی هم نیست بلکه گوری ساده است ملگنوف نیز از این گور یاد کرده است ( نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب ) .

در آن جسد حاجی نامدار خراسانی با دوتن از دوستانش که برای

مرمت امامزاده به آمل آمده بودند به خاک سپرده شده اند. ۱۰۶

آب انباری قدیمی در گورستان شاهزاده ابراهیم است که مخزن آب آن

تا امروز باقی است (عکس شماره ۳۷) و سردر و پله های پاشیر آن نیمه خراب

است . (عکس شماره ۳۸)

در کتاب فهرست بناهای تاریخی بقعه امامزاده به شماره ۶۳ ثبت تاریخی

شده و درباره آن چنین آمده است :

«ساختن این امامزاده که به شیوه برج ساخته شده ، دارای

بدنه آجری و گنبد مخروطی شکل می باشد . در این بنا چند کتیبه

بر روی در و صندوق چوبین آن به خط رقاع حک شده است . تاریخ

سال ۹۲۵ هجری در روی صندوق مرقد خوانده می شود . اهمیت

این بقعه تاریخی گذشته از نظر معماری و شیوه ساختمانی به علت

دارا بودن آثار نفیس چوبی آن از قبیل در و صندوق است . خوشبختانه

کتیبه های این بنا حفظ شده است طبق مفاد کتیبه این بقعه متعلق

به ابو محمد ابراهیم از فرزندان حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام

است.» ۱۰۷

وضع کنونی مرقد شاهزاده ابراهیم

مرقد شاهزاده ابراهیم بنائی است چهار گوشه به ابعاد ۵۳۰×۵۲۲ سانتیمتر .

در ورودی حرم شرقی است و در مسجدی گشوده می شود . در ازای هر لنگه

۱۹۵ و پهنای آن ۵۰ سانتیمتر است . در بدنه های شمالی و غربی و جنوبی بنا

از داخل هر یک دارای دو طاقما است . بالای طاقماها و سردر ورودی حاشیه ای

۱۰۶ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۳۸ . در متن انگلیسی

سفرنامه و ترجمه آن ص ۶۱ سلسله نسب ابراهیم را چنین ذکر کرده اند : ابراهیم بن امام

دوسی کاظم بن ابو جعفر بن محمد تقی بن امام رضا علیهما السلام ! ؟ ۱۰۷ - فهرست

بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۵ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید .

گچ بری ظریف است. بالای حاشیه گچ بری ده بیت شعر با این مطلع است :  
 ای خداوند داور من بگذر از جرم باب و مادر من  
 بالای این کنیه که دور می چرخد ، در هر بدنه دو طاقما است . بالای این  
 هشت طاقما ده بیت شعر دیگر است که با این مطلع شروع می شود :  
 این بارگه ز کیست که بر چرخ اخضر است  
 این بارگه ز کیست که چون مشک عنبر است  
 بالای این کنیه چهار کنج بنا را چهار گوشوار زده و کمر بند گنبد بالا را  
 هشت ضلعی نزدیک به دایره کرده اند. بالای این کمر بند دو ردیف مقرنس  
 سینه کفتری است که بالای ردیف دوم را گنبد مدور بلندی زده اند .  
 صندوقی چوبین با نقشها و نوشته های ظریف وسط بنا است که بر پایه ای  
 به درازای ۲۳۷ و پهنای ۲۳۴ و بلندی ۳۲ سانتیمتر قرار دارد . درازای خود  
 صندوق ۲۲۴ و پهنای آن ۲۱۸ و بلندی آن ۹۰ سانتیمتر است .  
 این آیات و عبارات بر آن خوانده می شود :  
 بر قسمت بالای بدنه شمالی صندوق :  
 از : بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن - تا - الى الاذقان  
 بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :  
 از : فهم مقمchon - تا - فاعشينا هم فهم  
 بر پایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :  
 از : لا يصرون - تا - من اتبع [ اینجا مقداری سوخته است ]  
 بر قسمت پایین همین بدنه از راست به چپ :  
 از : وخشى الرحمن - تا - فكذبوها  
 بر پایه سمت راست بدنه شرقی از پایین به بالا :  
 از : فعزنا بثلث فقالوا - تا - من شىء  
 بر قسمت بالای بدنه شرقی از راست به چپ :  
 از : ان اتم الا - تا - رجل يسعى

بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :  
 از : قال يا قوم - تا - لا اعبدوا الذی  
 بر قسمت پایین بدنه شرقی از راست به چپ :  
 از : فطرفى واليه ترجعون - تا - ما انزلنا  
 آیاتی که بر پایه سمت راست بدنه جنوبی از پایین به بالا حک شده است :  
 از : على قومه - تا خامدون  
 بر قسمت بالای همین بدنه از راست به چپ :  
 از : يا حرة على العباد - تا - حيا يا كلون وجعلنا  
 بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :  
 از : فيها جنات - تا - وما عملته ایديهم  
 قسمت پایین بدنه جنوبی از راست به چپ :  
 از : افلا يشكرون - تا - قدرناه منازل حتى  
 بر پایه سمت راست بدنه سمت غرب از پایین به بالا :  
 از : عاد كالعرجون - تا - ولا الليل سابق  
 بر قسمت بالای بدنه سمت غرب از راست به چپ :  
 از : النهار وكل في فلك - تا - ما بين ايدىكم وما خلفكم [ مابقی سوخته است ]  
 بر پایه سمت چپ بدنه غربی از بالا به پایین :  
 از : مون وما تأتهم - تا قيل لهم انفقوا  
 بر قسمت پایین بدنه غربی از راست به چپ :  
 از : ممارزقكم الله - تا - الى اهلهم  
 بر بدنه شمالی صندوق قسمت طرفین نقش وسط طرف دست راست :  
 اللهم صل على المصطفى وصل على امام على المرتضى وصل على فاطمة الزهرا  
 بر طرف دست چپ این نقش :  
 وصل على امام حسن الرضا وصل على امام حسين الشهيد الكربلا وصل  
 على امام زين العابدين

بر بدنه شرقی قسمت سمت راست کتیبه :

وصل علی امام محمد الباقر وصل علی جعفر الصادق وصل علی امام موسی کاظم  
بر بدنه شرقی قسمت سمت چپ از بالا به پایین :

وصل علی امام علی بن موسی الرضا وصل علی امام محمد التقی وصل علی امام  
علی التقی

بر بدنه قبلی طرف دست راست از پایین به بالا :

وصل علی امام حسن العسکری وصل علی امام محمد الهادی صاحب الزمان

بر بدنه قبلی طرف دست چپ از بالا به پایین :

لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات

بر بدنه غربی طرف دست چپ از بالا به پایین :

وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده

الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا

بر همین بدنه طرف دست راست :

يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض

ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم

کتیبه وسط بدنه شرقی از بالا به پایین :

هذه الروضة المقدس لسبطي ائمة الابرار في العالم ابو محمد

ابراهيم الملقب بالاطهر و الكاظم واخوه ابو المعالي يعقوب وامهما

سلام الله عليهم وعلی ابيه ابو ابراهيم موسی بن الامام الهمام حجة الله بين

الانام ابو جعفر التقی محمد بن الامام الشهيد الغریب والمدفون

بالطوس في القضا الامام علی بن موسی الرضا عليه السلام ۱۰۸

حاشیه پایین بدنه شرقی صندوق :

بانی هذا الخیر الجناب صاحب الاعظم الخواجه نامدار

ابن الدریش حاجی الکفشگر و قدمم ذلك فی شهر شوال سنة ۹۲۵

باعثها وساعیها و بانها عبدالله بن شاه حسین القاضی بمحروسة

طبرستان البواب لبقة الطیبة عمل محمد بن حسین نجار ساری .

در ورودی امامزاده چوبین و دارای کنده کاریها و نقشهای ظریف است

این عبارات بر آن خوانده شد :

بر لنگه سمت راست قسمت بالا :

قدوقف هذا الباب علی مزار امامزاده واجب التعظیم امامزاده ابراهیم

بر لنگه سمت چپ قسمت بالا :

ابن امام الهمام موسی الکاظم علیه الصلوة والسلام

بر لنگه سمت راست قسمت پایین :

كعبة وصل را دری بصواب بگشا یا مفتاح الابواب

بر لنگه سمت چپ قسمت پایین :

بر آستان تو هر کس که سر نهد بارادت

بر آستان که گشاید پرو دری بسعادت

بر دماغه همین در :

نادعلیا مظهر العجایب تجده عو نالك فی النوائب کل هم وغم سینجلی

بولاتیک یا علی یا علی یا علی

یک خشت کاشی که نوشته های آن برجسته است بر بالای در ورودی حرم

در دیوار نصب کرده اند . این کلمات بر آن خوانده می شود :

تین وستمائیه فی عهدمذ

اکنون که کتیبه های در ورودی و صندوق شاهزاده ابراهیم را به دقت

هر چه تمامتر خوانده و نوشته ایم ، بد نیست نمونه ای از کتیبه خوانی را اینو را

نیز در اینجا بیاوریم تا دقت کار ما و بیدقتی گذشتگان روشن و آشکار گردد .

را اینو کتیبه در ورودی و کتیبه صندوق شاهزاده ابراهیم را چنین خوانده است :

کتابیه در امامزاده ابراهیم آمل

«قل درب الكعبة بكشا يا مفتح الابواب هذه الروضة المقدسة أنهم الابرار العالم ابو محمد ابراهيم الملقب بالاطهر و الكاظم واخيه المعالي يحيى وامهما اللهم صل على ابي محمد ابراهيم ابن امام الهمام الموسى حجة الله بن امام ابو جعفر محمد التقي بن الامام الشهيد الغريب المدفون بارض طوس الامام علي بن موسى الرضا في شهر شوال سنة ۹۳۵. ۱۰۹»

کتابیه صندوق امامزاده ابراهیم آمل

السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه السلام على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على سلاله رسول الله السلام على سلاله امير المؤمنين ولي الله السلام على ذرية المخلصين في طاعة الله السلام على المتقربين في مرضاة الله اشهد يا مولاي ابراهيم ابن مولاي موسى ابن جعفر الكاظم انك عشت سعيدا ومت ظلوماً والتقيت بائلك الطاهرين و اجدادك المعصومين فارمتبعك ونجى مصدقك خراب وخرم كذبك و المتخلف عنك اشهدلى بهذه الشهادة لان اكون من الفائزين ولعنة الله على اعدائكم ومن يبغضكم اجمعين الى يوم الدين فيا ليتني كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً العمل العاصي شيخ حاجي آقا ۱۱۸۷ ۱۱

کتابیه دری در همین امامزاده

عقد هذا الباب على امر امام واجب التعظيم امامزاده ابراهيم ابن امام الحمام [كذا] موسى كاظم عليه السلام والصلوة ۱۱۱.

۱۰۹ - سفرنامه مازندران و استراباد رابینو ص ۱۲ ع و ۱۳ ع .

۱۱۰ و ۱۱۱ - سفرنامه مازندران و استراباد رابینو متن انگلیسی ص ۱۳ ع .

ظاهراً رابینو میان عبارات و مطالب زیارتنامه و کتابیه صندوق فرق نمی گذاشته است. مرحوم مهجوری در تاریخ مازندران ۱۱۲ نوشته است این زیارتنامه بر ضریح حک شده است. سخن او نیز اساسی ندارد و تاکنون بر هیچ ضریحی زیارتنامه حک نکرده اند .

مسجد متصل به بقعه شاهزاده ابراهیم

مسجدی متصل به در ورودی بقعه شاهزاده ابراهیم است درازای آن ده متر و پهنای آن پنج متر است. سابقاً دیوارهای آن نقش و نگار داشته و فعلاً قسمتی از آنها باقی است مابقی را رنگ آبی زده و نقشها را از میان برده اند .

زمین بیاضی در شمال شرقی بنای امامزاده بود که کشتی گیرخانه بود و روزهای جمعه در سه ماه تابستان جمعه بازار بود. در این اراضی « لوجو » ۱۱۳ می گذاشتند و به کشتی گرفتن مشغول می شدند .

بنائی چهار گوشه

در گورستان اطراف بقعه شاهزاده ابراهیم

بنائی چهار گوشه از آجر در جنوب شرقی بقعه شاهزاده ابراهیم است. بر جدار خارجی هر یک از دیوارها دو طاقما است . بالای طاقماها قرنیسهای سینه کفتری است . گنبد بیرونی آن از میان رفته است و گنبد داخلی مدور آن باقی است. معروف است که نامدار و آقا عبدالله بانیان بنای شاهزاده ابراهیم در اینجا به خاک سپرده شده اند. (عکس شماره ۳۹)

اگر چنین روایتی درست باشد ، اینجا مرقد خواجه نامدار پسن درویش حاجی کفشگر و عبدالله بن شاه حسین قاضی طبرستان است که بانیان این بقعه بوده اند چنانکه در کتابیه صندوق امامزاده آمده است .

۱۱۲ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۴ . ۱۱۳ - لوجو را در صفحات گیلان « برم » ( بفتح باء و راء ) می گویند و آن چوبی است که جواز کشتی گیران بر آن آویخته شده است .

در محوطه گورستان شاهزاده ابراهیم يك درخت تادانه است که محیط تنه آن به ۴۸۰ سانتیمتر می‌رسد. درختان چناری که در این گورستان هستند محیط تنه آنها به ترتیب ۸ متر و ۶ متر و چهارمتر است.

گورستان قدیمی بقعه را از اوایل تیرماه ۱۳۵۶ مشغول خراب کردن و هم سطح کردن قبور بودند.

زیارتنامه‌ای که برچوب‌حک شده است مورخ ۱۲۸۷ قمری است و بردیوار داخل حرم آویخته است.

این همان زیارتنامه است که روزی بر ضریح مطهر آویخته بوده و رایینو یا کسی که کتیبه‌ها را برای او رونویس می‌کرده جزء کتیبه‌های صندوق به‌شمار آورده است و تاریخ آنرا نیز به‌جای ۱۲۸۷، ۱۱۸۷ خوانده است.

وقفنامه قریه سر و کار درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریه‌داران سر و یک قطعه باغچه طاس‌گر محله و هیجده جریب زمین مزروعی برای امامزاده ابراهیم لله پرچین آمل.

الحمد لله الواقف علی السرایر والمطلع علی الضمائر والصلوة والسلام علی محمد وآله صاحب المعاجز و المفاز و بعد بمنطوق آیه وافی هدایة المال والبنون زینة الحیوة الدنیا و الباقیات الصالحات خیر ثواباً واحسن عملاً بمفاد حدیث<sup>۱۴</sup> صریح از حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه وآله الدنیا مرزعة الآخرة پس برسالکان جادة هدایت مستقیم و راه یافتگان وادی اطاعت و تسلیم سزاوار و گوار است

۱۱۴ - در فاصله میان دو سطر دو مهر و افغان است که یکی چهار گوشه باخط طغری و سجع: یا ابا عبدالله اندر کنی. دومی بیضی نزدیک بد دایره با خط نستعلیق و سجع: اتو کل علی الله عبده نامدار. بر بالای سطر اول مهری چهار گوشه با خط نستعلیق است که سجع آن: افوض امری الی الله عبده محددهدی. برگوشه بالا سمت چپ سجل و قفنامه بدین شرح است: اقر و الواقفان بما رقم و کما زبر فیہ لدی [مهری چهار گوشه با سجع: توکلت علی الواقف الغنی عبده محمد].

که بجهة ذخیره اخروی و وسیله ابدی اندک تأملی نمایند و نظر بکلام جناب مرتضوی بمصداق انما الدنیاء فناء لیس للدنیاء ثبوت چندان اعتمادی بر این دارفنا و منزل عاریت‌سرای نبوده و نمیباشد و بهترین اعمال و شریف‌ترین افعال از خیر و مبرات که باقیات صالحات و ذخیره دار بقاست وقف کلام الله مجید و املاک و اجرای قنوت و بنای مساجد و ساختن پل و رباط و تکایا بجهة تعزیت‌داری جناب سیدالشهدا چیز دیگر نخواهد بود لهذا منظور از تحریر این کلمات و مقصود از تسطیر این فقرات آن است که چون مأمون ملعون حضرت امام رضا علیه السلام را بطوس آورد مردم از اطراف و اکناف که ایاب آنجناب را مشاهده نموده تمامت اهالی آن مرزوبوم مطیع و منقاد آنجناب گردیده و از اطاعت مأمون ملعون انحراف ورزیده آن ملعون از آوردن آنجناب نادم و پشیمان شد در خیال شهادت آنجناب افتاد آنجناب ثامه به اولاد حضرت امام موسی علیه السلام و سایر امامزادگان نوشته که چون نوشته بشما برسد بدون توقف روانه طوس شوید آنچه از اخبار مروی است دوازده هزار و سیصد و هفتاد و سه نفر بمضمون نامه نامی عمل نموده از شوق دریافت شرف ملاقات آنجناب بسیار گریستند و روانه خراسان گردیدند ابراهیم فرزند امام موسی علیه السلام فرمود ای برادران ما را يك بزرگی مبیاید که خیل و حشم را تواند راه برد امامزادگان فرمودند ای برادران میرویم بروضه رسول الله و سلام مینمائیم هر که را جواب سلام داد آنکس مهتر و بزرگ باشد علی الاصح بفرموده حضرت معصومه تمامی رفتند بروضه عرش درجه جناب. رسول يك سلام مینمودند جواب نشنیدند تا اینکه امامزاده ابراهیم فرزند امام موسی کاظم که مدفون در بلدة طیبه شهر آمل موضع لله پرچین سلام نمود از

روضه مبارک جواب شنید که عليك السلام یا ولدی ۱۱۰ چون ایشان استماع نمودند همه دست او را بوسیدند و بیعت نمودند و آنرا مهتر خود گردانیدند علم برپا کرده سپهسالار خود ساخته اند از مدینه بیرون آمدند چون به سارقمش شهریار رسیدند در شب یکشنبه بیست و یکم شهر محرم سکینه خاتون بنت امام موسی علیه السلام . خوابی دید برخواسته برادران گفت که مرغی را دیدم در میان آسمان و زمین ایستاده بود پر میزد و قطره قطره خون زهر آلود از وی میچکید قطره ای از آنرا استشمام نمودم بوی جناب امام رضا علیه السلام بر مشامم رسید آن مرغ گفت اللهم الخیر این قوما اجل میدواند که هر یک بدیاری برساند چون این سخن را شنیدند آن سبب را بصیبت یکدیگر گریستند .... خارجی که در شهریار بودند نامه به مأمون فرستاد که این قدر اولاد ائمه از عربستان روبرو لایت عجم آورده اند که اگر این خیل وحشم به آن ولایت برسند شما را زنده نگذارند چون آن ملعون مطلع شد ترسیده در همان شب جناب امام رضا را زهر داده شهید کردند و نامه به محمد شیانی ۱۱۶ نوشته روانه نمود و نامه به حسن صباغ ۱۱۷ نوشته بقزوين فرستاد و نامه بسپاه گمش ابن خاند سمنانی ۱۱۸ نوشت که چون نامه من بشما رسد باید که دمار از ابوترابیان برآرند و نگذارند که یکنفر از آنها از سارقمش زنده بیرون روند چون نامه آن ملعون بان خارجیان رسید راهداران

۱۱۵ - عین این قصه را در مورد امامزاده ابراهیم بابلسر نیز ذکر می کنند و حتی در زیارتنامه او معروف به « ابراهیم ابوجواب » است . ۱۱۶ - محمدخان شیانی از ۹۰۵ تا ۹۱۶ هجری در ماوراءالنهر حکومت داشته و زمان او با زمان حکومت مأمون سازشی ندارد . ۱۱۷ - حسن صباح است نه صباغ و این مرد در رجب ۴۸۳ بر مسند حکمرانی نشسته و در ششم ربیع الاول سال ۵۱۸ از دنیا رفته است . دوران حکمرانی او نه با مأمون سازش دارد و نه با محمدخان شیانی . ۱۱۸ - سپاه گوش بن خالد سمنانی شخصیتی تاریخی نیست و مردی افسانه ایست .

مقرر کردند که نگذارند امامزادگان بیرون روند راهداران راهها را گرفته نگذاشتند که ایشان مدت شش ماه از سارقمش بیرون روند امامزاده ابراهیم گفت ای برادران در خواب دیدم لشکر بسیار بر سر ما آمدند و حرب عظیم در پیوست چون روز شد محمد شیانی ملعون بقریب چهل هزار کس از خارجیان با علمهای کبود و زرد و سیاه بر سر امامزادگان ریخته بنای محاربه شد و از تعاقب ایشان سپاه گوش سمنانی ملعون بقریب سی چهل هزار کس و از عقب او حسنک صباغ قزوینی باقریب چهل و پنج هزار از ملحدان الموت رسیدند و منافقان هر دیار با امامزادگان برانگیخته جنگ عظیم برپا نمود امامزاده ابراهیم چندان محاربه و قتال نموده و از خوارج بقتل رسانیده که جای اسب تاختن نبود و امامزادگان بقدر شش هزار کس از آن نامردان را واصل بدرك نمودند و عبدالرحمن نام که سرکرده ملحدان الموت بود ۱۱۹ بدست امامزاده ابراهیم مقتول گردید مدت شش ماه مردمان شهریار برای رسانیدن اخبار نمیتوانستند آمدورفت نمایند تا آنکه در شب بر سر امامزادگان تاخت و تاز آورده و ایشان را مغلوب نمودند و متفرق کردند بعضی از ایشانرا بشرح جدول در قراء مقتول نمودند و شصت نفر از آنها را در ساروقمش شهریار بدرجه شهادت رسانیدند و سرهای ایشان را جدا نموده و عون بن امام موسی علیه السلام را مقید کرده نزد مأمون ملعون فرستاده بعد از آن امامزاده ابراهیم که مهتر ایشان بود با والده آن و امامزاده یحیی باچندتن از امامزادگان وارد دارالمرز شهر آمل ۱۲۰ شدند و جدال و قتال تاغایتی نمودند

۱۱۹ - تاجائی که تاریخ گواد است چنین نامی میان سرکردگان اسماعیلیان الموت نداریم .  
۱۲۰ - ظاهرا : وارد دارالمرز و شهر آمل شدند .

آخر الامر از شقاوت کریم بدتیر ۱۲۱ آملی و حسن رئیس ۱۲۲ با طایفه رئیسیه و ابوالقاسم نام کاردگر باطوایف خود و بعضی از طوایف آملی باعانت ویاری یکدیگر امامزاده ابراهیم را با سایر امامزادگان که بودند در موضع لاله پرچین آمل بدرجه رفیعه شهادت رسانیدند لعنة الله على قاتلهم الى يوم الدين و بعد از شهادت ایشان توفیقات سبحانی شامل حال و کافل احوال سعادت مآل عالیشانان سیادت پناهان ساللة الاعیانان آقا عبدالله و نامدار و لدمرحوم درویش حاجی نام کلاهما خراسانی الاصل مدعو بکشفکر و قاضی گردیده ۱۲۳ از جهة رونق اسلام و رعایت شأن دین حضرت خیر الانام و همراهی و اعانت بدو دمان طیبین و طاهرین صلوات الله عليهم اجمعین روضه و بقعه شریفه بجهة امامزادگان و ساکنان اعلی علیین برپا نموده بزحمات تمام بقعه شریفه را با تمام رسانیده بعد از اتمام روضه منوره و بقعه متبرکه جناب سیادت انتساب اجل السادة شیخ بهاء الدین سهروردی لعنة الله على الحجاج که بعضی از راه تقیه و خوف آنملعون از صاحبان نسب خارج النسب گردیدند متولی امامزاده معصوم زاده شیخ مزبور را نمودند و بعد از آن نسلا بعد نسل و بطناً بعد بطن تولیت و

۱۲۱ - بدتیر تبدیل و تصحیفی است از نام خاندان قدیمی در مازندران به نام « بتیر » و بتیر کلا در کمررود نور محل بیلاقی این خاندان است که ایشان هم امروز تبدیل به « بطاهر کلا » کرده اند تا نسبت بدتیری و قتل امامزادگان از ایشان برداشته شود .  
 ۱۲۲ - رئیس از خاندانهای قدیمی جلگه مازندران است و شهرت ایشان از سنه ۹۰۰ هجری به بعد است (نگاه کنید بدتاریخ خاندان مرعشی مازندران تألیف میرنقیح مرعشی).  
 ۱۲۳ - چنانکه از کتیبه صندوق برمی آید هیچیک از بانیان سید نبوده اند . یکی از آنها خواجه نامدار ابن درویش حاجی کفشگر است و دیگری عبدالله بن شاه حسین قاضی محروسة طبرستان . یکی پدرش حاجی کفشگر و دیگری شاه حسین است و برادر یکدیگر هم نبوده اند تا پسران درویش حاجی باشند و خراسانی الاصل بودن ایشان هم بر ما روشن نیست .

خدمتگذاری و چراغچی گری و حراست و پاسبانی و کلیدداری بقعه متبرکه را با اولاد ذکور شیخ مزبور قرار داد و واگذار نمودند که تولیت و خدمت بقعه متبرکه از اولاد جناب شیخ سابق الالقاب الی یوم يقوم الحساب نباید منقرض و خارج شود و قریه سروکار درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریه داران - سرویک قطعه باغچه طاس گرمحله و هیجده جریب زمین مزروعی که در جنب امامزاده مکرم است واقعه در سمت غربی مفوض بجناب شامخ الالقاب شیخ مزبور و اولاد ذکور مومی الیه شده که همه ساله منافع املاک و مداخل قراء مزبور را دریافت نمایند و بمصارف روشنائی و تعمیر بقعه متبرکه نمایند مخالفت کننده فقرات مزبور بلعنت و سخط الهی و عدم شفاعت جناب رسالت پناهی گرفتار آید و هر که از محبان و دوستان خاندان طیبین و طاهرین موقوفات مزبور را تغییر و تبدیل نماید یا آنکه امر تولیت را از دست جناب شیخ مزبور و اولاد بیرون آورد گرفتار سخط و نیران خداوند جبار و عدم شفاعت رسول مختار و اولاد اطهار آن باشد و هر که بدون معاذیر شرعیه خلاف کند در روز قیامت در عرصات محشر در مقام عدالت خداوند دادگر از قاتلین آن بزرگواران باشد و بعد از انقراض اولاد و ذریه شیخ مزبور امر تولیت مفوض بعلماء عصر بلد مزبور است فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذین یدلونهم و کان ذالک تحریرا فی ششم شهر رجب المرجب من شهر نهصد و بیست و شش من الهجرة النبویة سنه ۹۲۶ والسلام على من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی

[جای دومهر] ۱۲۱

۱۲۴ - مهری چهار گوشه بزرگ با خط طغری که سجع آن : یا ابا عبدالله ادرکنی است . و دیگری مهری بیضی نزدیک به گرد با خط نستعلیق که سجع آن : اتوکل علی الله عبده نامدار . این دو تن واقفان رقبات موقوفه هستند .

این وقفنامه جعلی به نظر می‌رسد زیرا که واقفان یعنی خواجه نامدار پسر درویش حاجی کفشگر و عبدالله بن شاه حسین که قاضی محروسه طبرستان بوده است نسبتی با یکدیگر ندارند در صورتیکه در متن وقفنامه این دو تن برادرند . عجیب است که پای این وقفنامه بی‌اساس را چگونه این دو تن مهر کرده‌اند مهرهای آنان نیز ظاهراً جعلی است .

اسناد و فرمانها درباره امامزاده ابراهیم

۱ - سند مورخ رجب سال ۹۲۶ شامل سرگذشت امامزاده ابراهیم و شرح رقبات موقوفات امامزاده و تعیین شیخ بهاء‌الدین سهروردی به تولیت آنجا (در دو نسخه) .

۲ - عرضه داشت شیخ سعدی نامی درباره اینکه من متولی و کلیددار و چراغی ام پنج جریب شلتولکزار جنب امامزاده ابراهیم موقوفه قدیمی ما است به انضمام قطعه زمین خشکه بابت وظیفه استمراری ، ممکن است به علت سرشماری متعرض ما گردند و متذکرمی گردد که املاک موقوفه این امامزاده در زمان صفویه جزء موقوفات به حساب می‌آمده و در زمان نادرشاه جزء ابواب جمعی شده است . تعلیقه‌ای بر حاشیه این عرضه داشت که دستور می‌دهند مالیات از ایشان نگیرند (نسخه رونوشت است) .

۳ - فرمان فتحعلی شاه مورخ شوال ۱۲۴۹ که به فرزند خود محمدقلی میرزاملک آرای دارالملک طبرستان و جرجان می‌نویسد که چون بحسب شرع و فرامین لازم الاتباع سلاطین تولیت امامزاده واقع در بلده آمل یعنی امامزاده ابراهیم به عهده ملا شیخعلی دلارستانی بوده و او در گذشته است تولیت را به پسرش ملا محمد که شایستگی دارد داده شود و سالانه دو تومان و هشت هزار دینار از بابت منال موقوفات برای مصرف روشنایی صرف شود .

۴ - حکومت نامه به امضای علمای آمل مورخ ۱۲۷۴ چون میان متولیان اختلاف و مشاجره واقع شده بود برای رفع اختلاف تولیت را به آقا شیخ محمد

داده‌اند و دیگران را از مداخله منع کرده‌اند .

سجع مهرهای این حکومت نامه :

الواثق بالله الغنی عبده حسن الحسینی لاریجانی ، عبده الراجی محمد شفیع ، عزمین قنغ و ذل من طمع محمد صادق موسوی ، عبده الراجی یوسف موسوی .  
۵ - مشاجره بر سر تولیت امامزاده ابراهیم و برگذاری تولیت آن به شیخ محمد در عشر ثالث جمادی الاولی سنه ۱۲۷۴ .

۶ - درباره برگذاری مهدی رجعی بقال ترکه خود را به زن خود و وکالت دادن به آقا شیخ محمد متولی امامزاده ابراهیم در فروش آنها مورخ ۱۲۷۶ .  
۷ - سندی درباره تولیت امامزاده و برگذاری آن به ملا شیخ علی از طرف علما و بزرگان آمل .

مهرهای ذیل سند : زین العابدین ، محمد حسن ، محمد ، ابوالقاسم ، ابراهیم موسوی ، محمد زکی موسوی ، محمد ربیع موسوی ، ابوالقاسم ، علیردان موسوی .

۸ - درخواست برقراری وظیفه دو تومان و هشت هزار دینار تبریری به موجب فرمان خاقان و ثبت کتابچه مازندران درباره ملا محمد متولی امامزاده ابراهیم .

۹ - سندی که به خدام امامزاده ابراهیم دستور داده شده که بداندند ریش سفیدی امامزاده با شیخ محمد است . او حاصل از عایدات راضف کند و امر تقسیم به عهده او باشد و امر تقسیم هفته را از میان بردارند .

۱۰ - عده‌ای می‌گویند که ملک بلده که واقع در بلده طیبه امامزاده ابراهیم است وقف بر امامزاده است . از این رو سروکار آنرا به شیخ اسماعیل و شیخ محمد واگذار کرده‌اند که منافع آن را صرف امامزاده کنند .

مهرهای ذیل سند :

یوسف - محمد باقر - جعفرقلی - اسمعیل - محمد قاسم - محمد شفیع -

محمدرضا - محمد ابراهیم - نصر الله موسوی - محمد هاشم - محمد علی .  
 ۱۱ - سندی که در آن آقا سید مهدی و مشهدیه ماه خانم در سال ۱۲۰۸ قمری تمامی حقوق گله داری خود را به آقا شیخ طیب دلارستانی متولی به مال المصالحه مبلغ بیست تومان بایک کره اسب مصالحه کرده اند .  
 ۱۲ - بیست و هفت سؤال و جواب فقهی به عربی به مهر احمد بن زین العابدین .  
 (عکسهای شماره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲)

مسجد میرزا محمد علی یا مسجد نیاکی  
 در نیاکی محله آهل متصل به تکیه نیاکی

دیوار شمالی مسجد شامل چهار فیلیپا است که دوفیلیپای آن در دیوارهای شرقی و غربی است. فواصل فیلیپاها را طاق زده اند و پنجره های چوبین با خفنگهای جناقی نصب کرده اند. وسط مسجد در یک امتداد دوفیلیپا به ابعاد ۱۱۰ سانتیمتر است. دو ستون چوبین قدیمی تکیه را که سرستونهای زیبائی دارد به تازگی جلو ایوان جدید البناوی مسجد گذاشته اند. تکیه قدیمی متصل به مسجد را که راینو از آن یاد کرده است ۱۲۰ یکسره خراب کرده و تکیه ای نوساز عظیمی که پولهای گزاف صرف آن شده است به جای آن ساخته اند یک طرف تکیه و مسجد باغ مرکباتی متعلق به مسجد است .

بالای سر محراب مسجد قدیمی تخته ای به درازای ۱۳۰ و پهنای ۵۰ سانتیمتر است که کتیبه ای با خط نستعلیق خوش بر آن حک شده است .  
 این عبارات و اشعار بر آن خوانده می شود :

هو الواقف علی الضمایر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی وقف الازواج لوجوده والاشباح لوجوده

والصلوة علی محمد الذی قرب الله بسجوده و علی آله الذین لا تبعدون عن حدوده اما بعد هر چند تفحات سعادت همیشه از مهاب فتوحات ایزدی وزانست و رشحات رحمت پیوسته از سحاب فیوضات سروری ریزان ولی تاغنیچه خاطر از خار شقاوت دور به نشکفتد و تا صفحه ضمیر از غبار خیانت مهجور و خرم نشود بناء علیه چون اصل وجود میمنت آمود گلبرگ بوستان سعادت و سیادت اعنی عالیجاه رفیع جایگاه میرزا محمد علی که از نسل پاک و اهل نیاک وقف مؤبد نمود این دو باب مسجد و تکیه نکو بنیاد را بر کافه عباد محض الله و طلبا لمرضاته فی سنه خمس و خمسون و مأتان بعد الف سنه ۱۲۵۵ .

این پاک جاکه سجده گاه خاص و عام شد  
 از اصل پاک پایگه آن تمام شد  
 چون شد تمام معنی دار الخلود از او  
 ظاهر چنانکه صورت دار السلام شد  
 این سجده گاه پاک که نورش جلی بود  
 وز ذکر حق به گردن سورش حلی بود  
 بیتی است پرز رحمت و مالک در آن خدای  
 هم واقفش بدهر محمد علی بود ۱۲۵۵

حمام نیاکی

در نیاکی محله نزدیک تکیه نیاکی

این حمام به راه و برکار است و شامل سرینه و رختکن و سردخانه و گرمخانه است و عواید آن وقف بر تکیه نیاکی است .

منزل آقای مستوفی

در نیاکی محله آهل

این منزل ظاهراً در زمان ناصر الدین شاه یکی از مراکز تجمع بایان بوده

و گروهی از سران ایشان نیز در این خانه به قتل رسیده‌اند. امروز این خانه مورد احترام ایشان است و به زیارت آنجا می‌آیند.

دارالحکومه سابق = منزل آقای سلیمان احمدیان

در نیاکی محله آمل

این خانه امروز در تصاحب آقای سلیمان احمدیان است. بر دیوار باقیمانده قدیم نقش و نگار سرو گچ‌بری شده است.

منزل آقای علی محمد شفائی

در نیاکی محله آمل

این خانه یکی از زیباترین خانه‌های شهر آمل است. بنائی است دو طبقه از دوران قاجاریه با پنجره‌های چوبین مشبک پرکار و ظریف و پنجره‌های ارسی مشبک با شیشه‌های رنگین و گچ‌بری‌های زیبا و خوش نقش. (عکس شماره ۴۳ و ۴۴)

منزل آقای محسن منفرد

در نیاکی محله آمل

خانه‌ایست دو طبقه که در طبقه دوم ایوان و تابستان نشینی دوربنامی گردد. تکائیل این ایوان پرکار است و ظرافتی دارد. (عکس شماره ۴۵ و ۴۶)

خانه آقای صحت

در نیاکی محله آمل

از بناهای اواخر دوران قاجاری است. بنائی سه طبقه که نمای خارجی هر طبقه دارای چهار در است که بالای آنها پنجره‌های نورگیر مشبک دارد. بر جرزها گچ‌بری رنگی است.

خانه آقای درزی

در نیاکی محله آمل

بنائی است متعلق به زمان قاجار. نمای عمارت سه پنجره ارسی باشیشه‌های رنگین و دو پنجره ارسی مشبک‌کاری با آلت‌های ظریف، پنجره‌های مدور نورگیر مشبک بالای درها بسیار ظریف است. جرزها تمام گچ‌بری رنگین بسیار ظریف دارد.

بی‌بی رقیه

در نیاکی محله آمل

اطاقی است چهار گوشه با صندوقی ساده چوبین و دری ورودی چوبین ساده.

مشهد میربزرگ ۱۲۶ = مقبره میر قوام‌الدین مرعشی

در کاردرگر محله یا محله مسجد جامع آمل

میر قوام‌الدین در محرم سال ۷۸۱ فوت شد. جسد او را از بارفروش‌ده (بابل) بادوش به آمل آوردند. محل‌هایی که تابوت او را بر زمین گذاشتند به نام «زیارت میروزان» معروف شد و مردم زیارت می‌کنند. در آمل به خاک سپردند و قبه‌ای عالی برای گور او ساختند ۱۲۷

پس از تسلط امیرتیسور بر صفحات مازندران و تعیین جمشیدقارن غوری (۷۹۵ - ۸۰۵ ه. ق) و اسکندر شیخی چلاوی به حکومت آنجا، اسکندر که نسبت به سادات کینه در دل داشت، مردم آمل را به ویران کردن بارگاه میر قوام‌الدین فرمان داد. از آملیان کسی تن به این کار نداد. اسکندر دست به دامان مولانا قطب‌الدین آملی - جد مولانا قطب‌الدین لاهیجی - شد و او برای

۱۲۶ - در تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۷ و ۲۷ نام این مشهد آمده است.

۱۲۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ در ن ص ۴۰۹.

رام کردن مردم شخصاً به سرمقبره میرقوام‌الدین رفت و بادست خود کلنگ را گرفته بر قبه آرامگاه میرقوام‌الدین فرود آورد. باز هم کسی از او پیروی نکرد مگر گروهی از مردم زبون که اجاراً با ییل و کلنگ بنای بقعه او را ویران و هموار ساختند<sup>۱۲۸</sup>.

سیدعلی ساری پس از آنکه آمل را از دست سیدعلی آمل پیرون آورد به سیدقوام‌الدین بن سیدرضی‌الدین داد و گنبد میربزرگ را که اسکندر شیخی شکافته بود و درویشان اندک عمارت بر بالای آن کرده بودند باز درویشان به ساختن قبه‌عالی رغبت می‌نمودند و بسیار خشت و ساروج هم جمع شده بود بفرمود تا بنیادکنند و استادان بنا را به سرکار بازداشت و در سال ۸۱۴ ه. ق. تمام شد<sup>۱۲۹</sup>.

بسیاری از سران و بزرگان خاندان مرعشی در اطراف مرقد میرقوام‌الدین و در اطرافهای اطراف بنای اصلی به خاک سپرده شده‌اند. سیدعلی آملی یکی از آنهاست. هنگامی که او از سیدعلی ساری شکست خورد به زاغ‌سرا در تنکابن افتاد و در سال ۸۲۵ قمری فوت شد. جسد او را در همان زاغ‌سرا به خاک سپردند و دو سال در آنجا مدفون بود. آخر الامر درویشان آمل جسد او را آورده در زیارت سیدقوام‌الدین بزرگ دفن کردند<sup>۱۳۰</sup>.

بنای فعلی را شاه‌عباس اول که یکی از نواده‌های دختری میربزرگ است ساخته است.

هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق. می‌نویسد:

تنها بنای معظمی که جلب نظر هنوی را کرده و او جزئیاتش را

ضبط کرده مقبره میرقوام‌الدین مرعشی است<sup>۱۳۱</sup>.

۱۲۸ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۴۳۸ . ۱۲۹ - همین کتاب ص ۳۳۰ . ۱۳۰ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۵۰ و ۳۸۳ . Holmes, W.R. : Sketches on the Shores of the Caspian, London, 1945, P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵.

ملگنوف مشهدمیربزرگ را مسجد میرقوام‌الدین خوانده و درباره آن

می‌نویسد:

مسجد میربزرگ قوام‌الدین با گنبدی نیکو و حجره نشستنگاه خود، گویند زیرزمینی است که خزینه او بوده، خام‌طعمان آنجا گردگردیده‌اند. شاه‌عباس به ادعای خویشی و مصاهرت آن مسجد را مرمتی کرد. گنبدش از زلزله ویران شد گویند ۱۵ من ورق طلا از آنجا کردند<sup>۱۳۲</sup>.

ناصرالدین‌شاه در محرم سال ۱۲۸۳ قمری از این بنا دیدن کرده و به دستور او عکاس مخصوص عکسی از این بنا از سمت شرق برداشته که در آلبوم شخصی او محفوظ است<sup>۱۳۳</sup> و زیر آن نوشته است:

مقبره میربزرگ که معروف است یکی از خویشان صفویه بوده‌است. محرم ۱۲۸۳ در آمل. (عکس شماره ۴۷)  
محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مشهدمیربزرگ را مقبره میرزابزرگ وزیر شاه‌عباس شناخته و درباره آن نوشته است:

از بازار که خارج شدم ساختمان کهنه‌ای به نظر آمد پرسیدم گفتند مقبره میرزابزرگ وزیر شاه‌عباس است<sup>۱۳۴</sup>.

در آمل پس از دقت زیاد مقبره‌ای به نام مقبره میرزابزرگ نیافتیم و مسلماً منظور اعتمادالسلطنه مشهدمیربزرگ است که دوران حیات او با زمان سلطنت شاه‌عباس هیچگونه نزدیکی ندارد.

دمرگان در سال ۱۳۰۷ قمری این بنا را مورد بررسی قرار داده و درباره آن نوشته است:

جالب‌ترین بناهای تاریخی آمل، بدون تردید مرقدمیربزرگ

۱۳۲ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب . ۱۳۳ - عکس شماره ۷۶۰۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از روی آلبوم ناصرالدین شاه . ۱۳۴ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۵۳ .

است. این بنا در غرب بازاری فعلی است و از آجر بانمای کاشی آبی رنگ ساخته شده است.

نمای بنا یک در بزرگ در وسط و دو در کوچکتر در سمت چپ و راست آن است که اطراف آنها را یک حاشیه کاشی مینارنگ با خط کوفی احاطه کرده است.

سالن بزرگ وسط مربع است و در چهار ضلع آن چهار در ورودی است. کاشیهای دیوارهای این اطاق زمینه‌ای زرد و حاشیه‌ای خاکستری رنگ دارد و ارتفاع آن به ۲۴۰ سانتیمتر می‌رسد. در کمر بند گنبد کتیبه‌ای از آیات کلام الله مجید است که با خطی سفید روی زمینه آبی نوشته‌اند.

می‌گویند گنبد فعلی که تقریباً سراسر آن تعمیر و از نو ساخته شده است سابقاً از خارج پوشیده از ورقه‌های تفره بوده است.

در چپ و راست تالار مرکزی، اطاقهای کوچکتر است که دیوارهای آنها با کاشیهای زمینه زرد و گل‌های ظریف تزئین شده است. اطاقهای زیر امروز وضع بسیار بدی دارند. در گذشته تزئینات این اطاقها بسیار مجلل و عالی بوده است.

سابقاً نزدیک بنای میر بزرگ قصری که زمین برجسته مربع شکل آن تا امروز برقرار است وجود داشته است. اهالی می‌گفتند در محلی که امروز رودخانه جاری است بنای بسیار مهمی یافت می‌شد که بر اثر طغیان رودخانه یکسره از جای کنده شده و با تمام ظرائف و زیباییهای آن به دهان سیلاب فرو رفته است. ۱۳۰  
دمرگان عکسی از این بنا برداشته و طرحی زیبا از نمای اصلی آن با نقشه‌ای از سطح بنا کشیده است. (عکس شماره ۴۸ و ۴۹ و ۵۰)

رایینو در سال ۱۳۳۰ قمری درباره مشهد میر بزرگ چنین نوشته است:

مشهد میر بزرگ مزار میر قوام‌الدین مرعشی (۷۸۱ هجری)

است. او سرسلسله ساداتی است که از سال ۷۶۰ - ۹۸۹ قمری در مازندران حکومت داشتند. این امامزاده شامل بنائسی چهار گوش آجری است که مدخل آن در سمت جنوب است و در سه طرف دیگر آن سه اطاق است که طول هر یک در حدود هفت متر است و بنائسی هشت ضلعی که بسیار ویران شده و سبزه و گیاه بر آن رسته است بر این بنای چهار گوش است و بالای همه برجی مدور است که به گنبدی کوتاه منتهی می‌شود گویا سراسر بنا با کاشیهای الوان سرخ و سبز و آبی و زرد و ارغوانی که طرحهای مختلف داشته‌اند پوشیده بوده است. پاره‌ای از این کاشیها بر بالای مدخل تا امروز باقی است. قسمت داخلی بنا که مرقد میر قوام‌الدین است زیبا و با عظمت است. داخل بنا حاشیه‌ای از کاشی آبی رنگ دور بنا در زیر گنبد دیده می‌شود. مرقد در وسط و صندوقی بزرگ چوبین آن را پوشانیده است که فعلاً چهار چوبه و استخوان بندی آن باقی است. بر این چهار چوب ایبائی از هفت بند محتشم با خطی خوش حک شده و حروف آن مذهب است. زمینه کتیبه رنگ آبی سیر دارد. ۱۳۶ مشهد میر بزرگ در کار تعمیر روبروانی است. (عکس شماره ۵۱)

در فهرست بناهای تاریخی، مشهد میر بزرگ در محله سبز میدان آمل دانسته شده و درباره آن چنین نوشته شده است:

بنای کنونی بقعه مشهد میر بزرگ که در وسط محوطه‌ای مشجر و حسینیه‌ای واقع شده است از ابنیه قرن یازدهم هجری به شمار می‌آید. از جهت وسعت

ساختمان و دارا بودن گنبد و سردر و کاشی کاریهای زیبا و صندوق چوبی نفیس در عداد ابنیه مشهور تاریخی مازندران است. در روی صندوق چوبی مرقد تاریخ سال ۱۰۳۳ هجری ثبت شده است. در زیر گنبد و شبستانها و اطاقهای جنبین و سردر مقبره ورودی جرزهای آن قطعات کاشی صفوی باقی مانده است. همچنین مقداری از کتیبه کمر بند داخلی گنبد نمایان است. در نتیجه تعمیرات اساسی که در این بقعه به عمل آمده هسته مرکزی بنا حفظ شده است. بنای کنونی از ساختمانهای زمان شاه عباس اول صفوی میباشد. ۱۲۷ این بنا به شماره ۵۹ ثبت تاریخی شده است.

وضع کنونی مشهد میربزرگ

بنای اصلی از داخل چهار گوشه و به ابعاد  $۹۵۰ \times ۹۳۵$  سانتیمتر است در هر ضلع صفاهایی به پهنای ۳۰۷ و عمق ۱۱۵ سانتیمتر است. از راهی از کاشی به بلندی ۱۹۰ سانتیمتر که متن کاشیها زرد و اسلیمیهای آبی رنگ روی آن نقش کرده اند، داخل صحن اصلی است. چهار کنج بنا را چهار گوشوار زده اند و چهار گوشه را به هشت ضلعی رسانیده و گنبدی مدور بلند بر این دایره زده اند. کتیبه ای زیر گوشوارهاست که آیاتی از کلام الله مجید و حدیثی از امیر المؤمنین علی علیه السلام با خطی سفید نثک بر کاشی آبی دیده می شود. مقداری از این نوشته ها باقی بود.

بر ضلع شرقی: . . . . . فی اجسادهم . . . . . الثواب

بر ضلع شمالی: قال امیر المؤمنین علیه السلام المتقین . . . صف

غضوا ابصارهم . . . الخالق فی انفسهم . . . . . وانه

ماذا عينهم . . . بهم مخزونه . . . سر مرفوعه . . .

واجسادهم نحیفه وبهم

بر اضلاع غربی و جنوبی از کاشیهای کتیبه آثاری برجای نبود.

متصل به ضلع غربی دو اطاق و متصل به ضلع شمالی سه اطاق و یک راهرو است. گنبد از خارج مدور بود در تعمیرات سال ۱۳۵۶ شمسی آنرا به هرم مربع القاعده تبدیل کرده بودند. کمر بند گنبد از خارج هشت ضلعی دو بدو برابر است. ضلع بلند آن ۲۸۰ و ضلع کوتاه آن ۱۹۸ سانتیمتر است. و از خارج کاشی کاری است. بر کاشیها به خط کوفی بنائنی علی و محمد و لا اله الا الله نوشته شده است. کاشیکاری اضلاع، مختلف است و هیچگونه شباهتی به یکدیگر ندارد. (عکس شماره ۵۲ و ۵۳)

سردر ورودی مشهد میربزرگ کاشیکاری ظریف داشته که بیشتر آنها را کنده و به سرقت برده اند. در کتیبه بالای سردر با خط کوفی بنائنی عبارات زیر با خطی سیاه بر روی زمینه زرد بر کاشی نوشته شده است:

[سبحان الله] والحمد لله ولا اله الا الله والله الاکبر

ولا حول ولا قوة الا بالله

سنگی چهار گوشه به ابعاد  $۶۰ \times ۵۰$  سانتیمتر بر دیوار در ورودی تکیه داشت. «بسم الله الرحمن الرحيم» در دو جهت بر آن حک شده بود. (عکس شماره ۵۴) صندوقی چوبین وسط بنای اصلی است درازای آن ۲۸۶ و پهنایش ۱۵۴ و بلندی آن ۱۶۴ سانتیمتر است. این آیات از کلام الله مجید و احادیث بر آن حک شده بود:

آیات و احادیثی نبوی که بر صندوق مزار میربزرگ حک شده است:

بر قسمت بالای بدنه جنوبی:

بسم الله الرحمن الرحيم يس - تا - اذارسلنا

بر قسمت بالای بدنه غربی:

اليهم اثنين - تا - قوم مسرفون

بر قسمت بالای بدنه شمالی:

وجاء من اقصى المدينة - تا - لهم الارض المية احييناها

برقست بالای بدنۀ شرقی :

واخر جنا من حاجباً - تا - كالعرجون القديم ۱۳۸

برطرف چپ بدنۀ جنوبی از بالا به پایین :

لا الشمس ينبغي - تا - من مثله ما یرکبون ۱۳۹

برقست پایین بدنۀ جنوبی صندوق :

وان نشأ نعرفهم - تا - ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ۱۴۰

برقست پایین بدنۀ غربی :

ان كانت الاصيحة - تا - اليكم يا بنی آدم ۱۴۱

برقست پایین بدنۀ شمالی :

ان لا تعبدوا الشيطان - تا - لهم فمنها ركوبهم ۱۴۲

باقی قسمت پایین بدنۀ شمالی صندوق به سرقت رفته است. ۱۴۳

برپایۀ دست چپ بدنۀ شرقی از بالا به پایین :

جعل لكم من الشجر - تا - اليه ترجعون ۱۴۴

برپایۀ دست راست بدنۀ شمالی از بالا به پایین :

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم كنت انا وعلی ابن ابی طالب نورأیین ایدی الله

قبل ان یخلق الله آدم علیه السلام اربعة عشر الف عام فلما خلق الله ذلك

قسم النور جزئین فجاء انا فجاء علی

برپایۀ سمت چپ بدنۀ غربی از بالا به پایین :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من احب ان یجیب بچیوتی ویموت میتتی

ویسکن جنة الخلد التی وعد ربی عزوجل [و] غرس قضبانها یدیه فلیتول

۱۳۸ - سورة یس ۲۳ از آیه یك تا آخر آیه ۳۸ . ۱۳۹ - سورة یس ۲۳ انتهای

آیه : ۴۱ . ۱۴۰ - سورة یس ۲۳ ، انتهای آیه : ۵۱ . ۱۴۱ - سورة یس ۲۳ ،

اواسط آیه : ۵۹ . ۱۴۲ - سورة یس ۲۳ ، اواسط آیه : ۷۱ . ۱۴۳ - از اواسط

آیه : ۷۱ تا آخر آیه ۷۸ و یك كلمه « الذی » از آیه ۷۹ به سرقت رفته است .

۱۴۴ - سورة یس آیه : ۷۹ تا آخر سوره .

علی بن ابی طالب .

برپایۀ طرف دست راست بدنۀ غربی از بالا به پایین :

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم فاطمة مهجت قلبی و ثمرة

فوادى ابناها و بعلمها نور بصیری والائمة من ولدها منا جبل ممدود

بین الله و بین خلقه من اعتصم بهم نجا ومن تخلف عنهم هوا .

برپایۀ سمت چپ بدنۀ جنوبی صندوق از بالا به پایین :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ان علیاً منی وانا من علی

هو ولی کل مؤمن و مؤمنة بعدی لایؤدی عنی الا انا وعلی وکل نبی

وصی و وارث و وصی و وارثی علی .

برپایۀ سمت راست بدنۀ شرقی از بالا به پایین :

قد اتفق الفراغ من اتمام هذا الصندوق المبارك فی شهر سنة

ثلث وثلثین بعد الف من هجرة النبوة المصطفویه علیه و وصیه

وبینته الصلوة والسلام والتحية كتبه المحتاج الفقیر الی الله الغنی

محمد الحسینی لاهیجی . (عکس شماره ۵۵)

چند سنگ گور در حیاط مشهد میر بزرگ به شرح زیر وجود داشت که

در بازدید سال ۱۳۵۶ شمسی نشانی از آنها نیافتم :

۱ - لپه سنگ مدوری که اطراف آن نامهای چهارده معصوم به این شرح حک

شده بود :

اللهم صلی علی محمد وعلی و فاطمه و حسن و حسین و السجاد و الباقر

و الصادق و الكاظم و الرضا و التقی و التقی و العسکری و القائم

صاحب الزمان .

وسط آن طرحی محرابی بادو خط تکر کرده بودند ولی نام متوفی در این

طرح محرابی کنده نشده بود . (عکس شماره ۵۶)

۲ - لپه سنگ رودخانه ای مدور دیگری که در وسط نام «محمد» حک شده

و اطراف این نام را به هشت قسمت تقسیم کرده و کلمات زیر را در آنها کنده اند :

سبحان - الله - والحمد - لله - ولا اله - الا الله - والله - اكبر -

بر حاشیه مدور سنگ قسمتی از آیه الکرسی و آیات دیگر به این ترتیب حک شده است :

الله الا اله الا هو الحي القيوم وهو الحي القيوم السم الله  
لا اله الا هو الحي القيوم هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة  
(عکس شماره ۵۷)

۳ - لپه سنگ رودخانه ای بیضی شکل دیگری که بر حاشیه اطراف آن

عبارات زیر حک شده است :

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك  
راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي .

بر بالای متن سنگ این حدیث خوانده می شود :

الدنيا سجن المؤمن

زیر این حدیث سه بیت شعر است و یائین تر از آنها مطالب دیگری به چشم

می خورد . قسمتهائی از این ابیات به این شرح خوانده شد :

بحکم ..... خدای جلیل      بسال سیصد ..... آخر تحویل  
بغرة مهدی الحجه روز آدینه      که سوی جنت جاوید کرده است رحیل  
(عکس شماره ۵۸)

۴ - سنگ سفید تراشیده دیگری که بر حاشیه آن صلوات کبیر بدین شرح

حک شده بود :

اللهم صل على النبي والوصي والبتول والسبطين والسجاد  
و الباقر و الصادق و الكاظم و علي و التقى و النقی و حسن و المهدي

در متن سنگ :

کل من علیها فان وفات مرحمت پناه غفر [ان] آثار کربلائی علی

دوتر (۴) بن مرحمت پناه . . . الصناع استاد حسن آملی سنة احدو

عشرین مائة والف من الهجرة . [کذا] . (عکس شماره ۵۹)

۵ - سنگ تراشیده مستطیل دیگری که چهار مصراع بر چهار طرف حاشیه

آن به این شرح نقر شده است :

افسوس که روح در بدن نیست مرا

آن بلبل مست در چمن نیست مرا

یاران و که خواهران مرا یاد کنید [کذا]

رفتم سفری که آمدن نیست مرا

بر متن سنگ عبارات زیر نقر شده است :

سکینه ولد [کذا] مرحوم مشهدی ابراهیم نیارستاقی زوج

شاطر محمد خسروی بتاریخ شانزدهم شوال المکرم سنه یک هزار و

سیصد و چهل و شش هجری سنه ۱۳۴۶ (عکس شماره ۶۰)

گلوله های ریختگی چدن به محیط ۸۵ سانتیمتر و بیشتر ، در حیاط

مشهد میربزرگ است ، معلوم نشد به چه کار می آمده اند .

امامزاده تقی

در گرجی محله آمل

بنای امامزاده و مسجد متصل به یکدیگر است و ایوانی سراسری جلو

بنای بقعه و مسجد است . داخل بقعه صندوقی چوبین مشبک قبر را پوشانیده

است بام سراسر بنا سفالپوش است .

مسجد گرجی محله معروف به مسجد امام

شبستان مسجد فضائی مستطیل شکل است که دوفیلپا در وسط آن است .

حیاطی کوچک در جلو این شبستان است . چون مخارج تعمیر آن را محمد رضا

داده است به نام «مسجد امام» معروف شده است . مهجوری در تاریخ

مازندران نام این مسجد را آورده است<sup>۱۴۵</sup>.  
در زمان رابینو این مسجد روی در خرابی داشته است<sup>۱۴۶</sup>.

خرابه های باغ و قصر شاه عباس  
در گرجی محله آمل<sup>۱۴۷</sup>

رابینو این خرابه ها را دیده و در سفرنامه خود یادی از آن کرده است.  
امروز اثری از آثار آنها دیده نمی شود.

آب انبار شاه عباسی  
در گرجی محله آمل<sup>۱۴۸</sup>

در آمل کسی از نام و نشان این آب انبار خبری نداشت.

آب انبار امیر مکرّم  
در گرجی محله آمل<sup>۱۴۹</sup>

از این آب انبار نیز اثری برجای نبود. شاید آب انبار امامزاده ابراهیم که  
شرح آن را نوشتیم آب انبار امیر مکرّم باشد.

خانه آقای شهرزاد  
در گرجی محله آمل کنار شهررود

خانه آجری سه طبقه است. بالای درها نورگیرهای مشبک کاری ظریف  
دارد. جرزها گچ بری رنگین و نقاشی دارد.

۱۴۵ - تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ و ص ۳۳۹ . ۱۴۶ - ترجمه  
سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۶۱ . ۱۴۷ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد  
رابینو ص ۶۱ . ۱۴۸ و ۱۴۹ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ .

خانه آقای مهربان

در گرجی محله آمل

برحاشیه بالای درهای طبقه دوم نقاشیهای قدیمی است.

خانه آقای هاشمی

در گرجی محله آمل

پنجره های نورگیر مشبک مدور بالای درها باشیسه های رنگین و آلتهای  
ظریف بسیار استنادانه ساخته شده است.

تکیه اسکینها

در محله اسپی کلای شهر آمل<sup>۱۵۰</sup>

این تکیه در خیابان فرهنگ مقابل اداره آموزش و پرورش برجای است  
قسمت اصلی آن را نوسازی کرده اند. از آثار قدیمی آن سکویی بلند است که  
جلو آن پنج ستون است. منبر تکیه سابقاً در اینجا بوده و محل معتبر تکیه به شمار  
می آمده است.

قسمتی از مسجد که پشت تکیه می افتد قدیمی است. باقی قسمتهای آن را  
نوسازی کرده اند.

حمام رفیع خان یاور

در محله اسپی کلای آمل<sup>۱۵۱</sup>

از این حمام قدیمی هیچگونه اثری برجای نیست.

مسجد ایرائیها = مسجد روحیه

در محله پل به یور شهر آمل<sup>۱۵۲</sup>

این مسجد بازدید شد، اثر تاریخی قابل توجهی نداشت و کوچک و ناچیز بود.

۱۵۰ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ . ۱۵۱ - همان کتاب  
ص ۶۱ . ۱۵۲ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ .

## مسجدی قدیمی

در محلهٔ پل به یور بالاتر از پل قدیمی هراز

مسجدی قدیمی کنار هراز بالاتر از پل در طرف دست راست آب وجود داشت که در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت. ظاهراً این مسجد معروف به مسجد آقا عبدالکریم بوده است.<sup>۱۵۳</sup> همچنین طرف دست چپ آب پایین تر از پل قدیمی مسجد قدیمی دیگر بوده که در همین نوسازیها خراب شد.

امامزاده قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام

در محلهٔ چاکسرا اهل

بنائی است هشت ضلعی از آجر که برجدار داخلی هر یک از اضلاع آن طاقنمایی ساخته شده است. پهنای هر ضلع از داخل ۱۷۵ سانتیمتر است. سه پنجره نورگیر در شمال و غرب و جنوب بنا است. (عکس شماره ۶۱) در ورودی بقعه شرقی است که در حیاط بقعه باز می شود. صندوقی وسط بنا، گور امامزاده را پوشانده است. صندوق شامل قطعات مختلف چوب است که در جهات مختلف به یکدیگر کمربانه شده اند. بریکی از این قطعات با مرکب سیاه و قلم نوشته اند:

عمل استاد حسین بن استاد خوشنام نوری

نوشته زیر بر طرف غربی صندوق بریکی از تخته ها حک شده است:

خادم قدیمی درویش محمد بن درویش کمال الدین

مسجد امامزاده را اخیراً تعمیر کرده بودند.

بقعهٔ شاه رضا

در آهل

مهجوری در تاریخ مازندران از این بقعه یاد کرده است. ظاهراً کنار هراز طرف دست چپ بوده و بر اثر سیل از میان رفته است. اراضی این قسمت معروف

۱۵۳ - ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱.

به چاک<sup>۱۵۴</sup> شاه رضا است.

بختیار کوتی

در آمل ۱۵۵

رابینو از بختیار کوتی در آمل یاد کرده ولی محل آن را مشخص نکرده است. در انتهای محلهٔ چاک سر نزدیک سلاخ خانهٔ قدیم، جاده ای فرعی است که به تپه ای بلند می رسد. این تپه در محل معروف به «کوتی» است و بالای آن چندین خانه است شاید این کوتی همان بختیار کوتی باشد.

کاروانسراهای شهر آمل

از کاروانسرای میرزا شفیع<sup>۱۵۶</sup> و کاروانسرای وزیر<sup>۱۵۷</sup> و کاروانسرای قیصریه<sup>۱۵۸</sup> و سایر کاروانسراهای قدیمی در شهر آمل اثری برجای نمانده است.

۱۵۴ - چاک در لغت محلی به معنی اراضی مرغزار و چمنزار است. ۱۵۵ - ترجمهٔ سفرنامهٔ مازندران و استرآباد ص ۱۵۳. ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ - جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۶۵.

## ۲- بناها و آثار تاریخی اهلیم رستاق

### مختصری از جغرافیای اهلیم رستاق

اهلیم رستاق یکی از دهستانهای اطراف آمل است. این ناحیه از شمال به دریا و از جنوب به دهکده‌های ناحیه مرکزی آمل، از غرب به رودخانه الشه رود و از شرق به رودخانه کیجا و زان که سامان میان اهلیم رستاق و هرازیبی است. محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره این ناحیه می‌نویسد.

اهلیم رستاق از دهات آمل در کنار ارش رود واقع است و این رودخانه حد غربی مازندران و حد شرقی رستمدرار، و حد شرقی مازندران رودخانه کربند کلباد است<sup>۱</sup>.

السه رود (ارش رود) سامان قدیمی نواحی دشت نور و بخشهای اهلیم رستاق و لیتکوه آمل است. نهرهای نامبرده زیر که به نام دهکده‌هایی هستند که آنها را آبیاری می‌کنند از سمت راست این رودخانه جدا می‌شوند. نامهای آنها به ترتیب از بالا به پایین به شرح زیر است:

۱- اسپنت<sup>۲</sup> ۲- تلی ران<sup>۳</sup> ۳- فشکه رو<sup>۴</sup> ۴- کاسم ده<sup>۵</sup> ۵- علی آباد ۶- سیری.

۱- التدوین ص ۳۴ به نقل از تاریخ مازندران شیخ علی گیلانی . ۲- بکسر الف و سکون سین و کسر پ و نون. ۳- بفتح تاء . ۴- بضم فاء. ۵- بضم سین.

## ۲- بناها و آثار تاریخی اهللم رستاق

امامزاده فضل بن موسی

در دهکده خشت سره اهللم رستاق

نیمی از بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی چهار گوشه با گنبدی هرم مربع القاعده بر روی مرقده ساخته بودند (عکس شماره ۶۲). صندوق قدیمی که ارزش تاریخی ندارد در میان ساختمان جدید مرقده را پوشانده بود. سنگهای قدیمی گورها که ارزش تاریخی زیاد نداشتند در بازدید تیرماه ۱۳۵۶ شمسی به سرقت رفته بود. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و درختان آزاد و شمشاد او جا دارد. گرداگرد تنه درختان آزاد به ترتیب ۱۹۶ و ۲۰۰ و ۲۴۶ سانتیمتر است و گرداگرد تنه او جای کهنسال بقعه بالغ بر ۳۴۶ سانتیمتر است. سایر درختان بقعه نیز قدیمی هستند. بیشه کوچکی نیز متصل به گورستان بقعه است که در آن درختان کهنسال می توان یافت. این مطالب بر سه سنگ گور که در بازدید اول به آنها برخوردیم خوانده می شد: برسنگ گور اول:

بطاعون درگذشت آن پاك عفت

بشد روح عقیقه سوی جنت

هذه مرقده عفت وعصمت وطهارت و خدارت دستگاه زبده

المخدرات والمستورات ماه بی بی خانم بنت عالیشان معلی مکان عالیجناب

حسنقلی دوانی لو بتاریخ سنه ۱۱۷۵ . (عکس شماره ۶۳)

برسنگ گور دوم:

الحکم الله [کذا]

هذا مرقده المرحوم

احمد خان ابن حسینعلی آقا ۱۲۶۰ (۴) (عکس شماره ۶۴)

برسنگ گور سوم که به درازای ۱۲۵ و پهنای ۳۵ و بلندی ۶۰ سانتیمتر در مسجد این بقعه بود عبارات زیر خوانده می شد:

بريك بدنه :

قال النبي صلى الله عليه وسلم الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر صدق يا

رسول الله قال النبي الامي القرشي الابطحى الزكى العربي.

بربدنه دیگر سنگ:

قال النبي صلى الله عليه وسلم الدنيا فناء و آخره بقاء الدنيا ساعة فجعلها

طاعة صدق يا رسول الله .

سید سه نور

در دهکده سولاخ موزی (سوراخ مازو) اهللم رستاق

بنای بقعه بسیار ساده و ناچیز بود. اطراف بقعه درختان پلت (افرا) و درختان آزاد و درختان شمشاد فراوان داشت. گرداگرد تنه درختان آزاد کهنسال آن به ترتیب ۲۵۸ و ۲۸۷ و ۳۳۸ سانتیمتر و درختان افرا ۲۴۵ و ۲۵۰ سانتیمتر بودند.

هفتاد و دو تن

در دهکده شومیا ۸ از دهکده های اهللم رستاق

بنائی است چهار گوشه ، بسیار ساده و ناچیز . در اراضی اطراف آن درختان شمشاد بسیار است .

گورستان سادات اهللم

در دهکده اهللم مرکز اهللم رستاق

سادات اهللم نبیره های سید فخرالدین بن سید قوام الدین هستند و در اهللم

۷- سوراخ مازو ده از دهستان اهللم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل نه کیلومتری نیمی

غرب آمل يك کیلومتری نیمی محمودآباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۸- شومیا

ده از دهستان اهللم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل هجده کیلومتری شمال غربی آمل

و شش کیلومتری غرب راه آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

گورستان خانوادگی داشته‌اند. روز چهارشنبه دوازدهم رجب ۸۹۲، سید نصیرالدین وعموزاده وهمشیره زاده سید ظهیرالدین مرعشی در این گورستان به خاک سپرده شده‌اند<sup>۹</sup> در محل تحقیق شد از این گورستان اثری برجای نبود.

#### تپه‌ای قدیمی

در بونده از دهکده‌های اهلم رستاق

برای رسیدن به بونده باید از اهلم به تچه رودکنار و از آنجا به بونده رفت. تپه‌ای که خاکریزی دستی است متصل به آبادی بونده است. بالای آن ۱۵۰۰-۲۰۰۰ متر اراضی جنگلی است. آقای عنایت‌الله رضا پور اخیراً خانه‌ای از بلوک بالای آن ساخته است.

#### قصاب کوتی ۱۰

یکی از دهکده‌های اهلم رستاق

نام ده یادآور کوتی قدیمی آن است که این دهکده بر آن بنا شده است.

#### قلاکوتی ۱۱

در دهکده هرب ده ۱۲ اهلم رستاق

خاکریزی است دستی که مساحت بالای آن در حدود سه هزار متر مربع و بلندی آن از سطح زمین اطراف بیش از ده متر است و فعلاً بالای آن کشت می‌کنند.

#### گنبدی قدیمی

در هرب ده اهلم رستاق

این گنبد امروز بر خاک ریزی است که در حدود یک متر از زمینهای اطراف

۹- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۶۲. ۱۰- قصاب کوتی ده از دهستان اهلم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل نه کیلومتری شمال غربی آمل و یک کیلومتری شوسه آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳). ۱۱- این قلاکوتی را گروهی به نام «قلاکوتی چهل دختر» می‌شناسند. ۱۲- در فرهنگ جغرافیایی این نام را با حاء حطی ضبط کرده‌اند. این نام بفتح هاء و راه تلفظ می‌شود.

بالاتر است. گنبدی مدور از آجر بوده است که نیم متر تا ۷۵ سانتیمتر از دیوار آجری آن باقی است. آجرهای آن راکنده و برای ساختمان به کار برده‌اند.

#### قلعه تنگله ۱۲ یا قلعه مزارکتی ۱۴

نزدیک دهکده برجنده ۱۵ اهلم رستاق

برای رسیدن به برجنده، از اهلم به تچه رودکنار<sup>۱۶</sup>، به بونده، به شرفنی<sup>۱۷</sup> و به برجنده می‌روند. نزدیک برجنده و شورستاق جنگلی عظیم از درختان آزاد و مازو است. داخل این جنگل قطعه زمینی است که از اراضی اطراف در حدود یک متر ارتفاع دارد و ابعاد آن در حدود بیست متر است.

#### امامزاده محمد

در شورستاق ۱۸ اهلم رستاق

بنائی است ساده با ایوانی جلو آن که پنج ستون چوبین چهارسو با سرستون دارد. دور ایوان از خارج و داخل، در زیر چکش گردانها، ایوانی از هفت بند محتمل کاشانی است.

برخوان غم چو عالمیان را صلا زدند

اول صلا به سلسله انبیا زدند

در آخر این ابیات عبارت زیر است:

استاد حبیب‌الله نجار ولد مشهدی قلی نوائی سنه ۱۳۱۷ یادگاری

مشهدی حسن یالورودی ۱۳۱۷، یادگاری مشهدی علی اکبر ۱۳۱۷

در جلو بقعه درخت موزی داریست که گرداگرد تنه آن ۷۳۶ سانتیمتر است.

۱۳- بفتح تاء و سکون نون و کسر کاف. ۱۴- بفتح میم و تشدید زاء و ضم کاف.

۱۵- بکسر باء و جیم و دال. ۱۶- بفتح تاء. ۱۷- بفتح شین و راه.

۱۸- بضم راء ظاهراً در اصل شورستاق بوده است.

## تپه آقا محله

در محمودآباد مرکز اهلم رستاق وهرزپی

تپه‌ایست که ظاهر آن شنی است و نزدیک پمپ بنزین امروزی است. این تپه در امتداد مسیر جاده بر طرف چپ راه محمودآباد به نوشهر است.

## آستانه

در دهکده اهلم از دهکده های اهلم رستان

ملگنوف<sup>۱۹</sup> از آستانه‌ای قدیمی در دهکده اهلم یاد کرده است. در محل تحقیق شد جز چند اصله درخت کهنسال چیزی دیگر نبود.

راه آهن حاجی محمد حسن امین الضرب

در امتداد راه آمل به محمودآباد

امین الضرب برای استفاده از معدن آهن ماهن امتیازاتی از ناصرالدین شاه گرفت و ناصرالدین شاه هم اراضی باغشاه و سبزه میدان آمل را به او فروخت نامبرده راه آهنی از سبزه میدان آمل در امتداد راه آمل - محمودآباد به محمودآباد و از آنجا به ماهن کشید. ظاهراً این راه آهن زیاد مورد استفاده قرار نگرفت.

خانه حاجی امین الضرب

در آهومحله محمودآباد اهلم رستاق

بنایی است از آجر، راهرویی در حدود دو متر در وسط و سه اتاق در هر طرف راهرو. طبقه دوم هم در هر طرف سه اتاق داشت از سقف و بام نشانی نبود. آجرهای آن را مشغول مصرف کردن هستند تا آخرین اثر آنرا نیز از میان بردارند و اراضی آن را متصرف شوند.

۱۹- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۹ ب.

## بقعه طاوس خاتون

در سرین کلاهی اهلم رستاق

بنایی است قدیمی با صندوقی ساده و دری چوبین. ایوانی در جلو بناست که شش ستون چهارسو با سرستونهای دهان اژدری دارد. سقائفاری بر مدخل محوطه بقعه است (عکس شماره ۶۵). اخیراً این بقعه را تعمیر و مرمتی کرده‌اند.

باقی بناها و آثار تاریخی اهلم رستاق

۱- گورستانی قدیمی در خراب محله<sup>۲۰</sup> اهلم رستاق.

۲۰- نام این ده امروز «آباد محله» است و از گورستان قدیمی اثری نبود تکیه‌ای نوساز بادر ورودی آهنین به جای ساخته بودند.

### ۳- بناها و آثار تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان لیتکوه

امامزاده عبدالله

در اسکومحله از دهکده‌های بالا خیابان لیتکوه

آستانه امامزاده عبدالله علیه السلام در دوازده کیلومتری جنوب غربی آمل در دهکده اسکومحله قرار دارد. در آبان ماه ۱۳۴۲ شمسی به دستور فرح دیبا در اختیار سازمان اوقاف قرار گرفت بنای قدیمی آن را خراب کردند و بنایی نوساز و با عظمت به جای آن ساختند (عکس شماره ۶۶). ضریحی به درازای ۴۶۳ و پهنای ۳۷۵ و بلندی ۲۷۵ سانتیمتر در وسط بنای اصلی مرقد را پوشانده است. این ضریح که از طلا و نقره است بوسیله هنرمندان ماهر اصفهانی ساخته شده است.

از آثار قدیمی آستانه امامزاده عبدالله حوض شفا و مرقد بی بی فاطمه و سقاخانه است که آنها را نیز سازمان اوقاف تجدید بنا کرده است. بیست و دو در زائرسرای درجه یک بسا و سایل لازم و ۱۲۵ در زائر سرای درجه دو، اطراف بنای اصلی بقعه احداث کرده اند (عکس شماره ۶۷).

علاوه بر زائرسراها و پنج در اطاق برای مدیران و مسؤولان، سالن بزرگ غذا خوری، ساختمان بانک اعتبارات تعاونی توزیع، دکانهای متعدد و بناهای دیگر برای آسایش و راحتی زائران ساخته شده است.

www.tabarestan.info  
نیرستان

امامزاده محمد و امامزاده مظفر

در اسکومحله از دهکده‌های بالا خیابان لیتکوه آمل

بنایی است چهار گوشه و ساده با صندوقی چوبین که مرقد را پوشانده است . در اصلی به ایوانی بازمی‌شود. در اراضی بقعه اطاقهایی ساده برای زائران ساخته‌اند. درختان آزاد کهن سال در حیاط بقعه است که گرداگرد تنه آنان به ترتیب از این قرار است : ۲۵۳ و ۲۷۵ و ۲۷۷ و ۴۰۰ سانتیمتر.

داود کیا سلطان

در دهکده اسپنت ۱ از دهکده‌های بالا خیابان لیتکوه آمل

بنایی است چهار گوشه ساده با دامی سفالپوش . صندوقی چوبین ساده در وسط بناست . در اصلی بقعه شرقی است و در کفش کنی بازمی‌شود. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که درختان شمشاد کهن و درختان جنگلی دیگر در آن دیده می‌شود .

عالی کیا سلطان

در جنگل اهواز و کتی بالا خیابان لیتکوه

برای رسیدن به این بقعه از راه اسکومحله باید به معدن و از آنجا به «وله کن» و سپس به جنگل اهواز و کتی رفت . بنایی است چهار گوشه ، سفال‌ساز با صندوقی ساده .

جبار کیا سلطان ۲

در جنگل فشمکه رواج ۲ بالا خیابان لیتکوه

بنایی چهار گوشه است و حلب سرائر تاریخی در آن دیده نشد .

۱- بکسر الف و سکون سین و کسر پ و نون . ۲- این بقعه جابریکیا سلطان نیز خوانده می‌شود . در طوماری که نام متولیان امامزاده‌ها در دوران صفوی در آن نوشته شده است، امامزاده‌ای به نام عبدالجبار در بلوک لیتکوه به تولیت شیخ علی الیکاری آمده است . ۳- بضم فاء .

بقعه عالی چنگه

در عالی چنگه بالا خیابان لیتکوه

بنایی ساده بود و از نظر تاریخی ارزشی نداشت .

امامزاده عباس

در سوته کلاهی ۲ بالا خیابان لیتکوه

بنایی است چهار گوشه مستطیل شکل در دو جهت قبلی و غربی ایوان دارد پانزده ستون چهار سو جای این دو قسمت ایوان است . بر دیوارهای این دو ایوان نقاشیهای مذهبی است. تمثال امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام با امام حسین و امام حسن و قنبر و ابوالفضل العباس با مشك آب سوار بر اسب و دو طفلان مسلم و امام حسین و حرریاحی .

بر حاشیه بالای ایوان میان سرستونها : بسم الله الرحمن الرحيم روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سر برهنه بر آمد ز کوهسار و پنج بیت دیگر مورخ سنه ۱۲۶۳ .

در گورستان اطراف بقعه درختان آزاد و شمشاد است . گرداگرد تنه درخت آزادی به ۵۲۵ سانتیمتر می‌رسید .

قلعه‌ای قدیمی

در چند محله بالا خیابان لیتکوه

این قلعه که خاکریز دستی آن برجای است ، برب رودخانه شلوت قرار دارد . سطح بالای آن در حدود دوهزار متر و بلندی آن تقریباً ده متر است .

۴- سوته کلا ده از دهستان بالا خیابان بخش مرکزی شهرستان آمل ۵ کیلومتری جنوب غربی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

## قلعه زکریا

## در جنگل زکریا در بالا خیابان لیتکوه

رشته کوهی که موازی با جاده هراز در سمت چپ رودخانه نرسیده به پسارک جنگلی امروز است معروف به جنگل زکریا است. بر بالای این کوه آثار قلعه‌ای قدیمی است دیواری سنگی داشته که بر اثر کند و کاو فعلاً هم سطح زمین اطراف شده است. در کند و کاوها آجر به دست آمده است. وسط آن آب انباری است که آثار ساروج بر دیوار آن دیده می‌شود. این قلعه پایین تر از کره سنگه<sup>۵</sup> به طرف آمل است.

## فرنگیس قلا

## در بالا خیابان لیتکوه

فرنگیس قلا در کوه‌های دورافتاده جنگلی است. در حدود ۲ شصدمتر از کره سنگ بالاتر راهی به دست راست جدا می‌شود و از جنگلهای ازدارسی<sup>۶</sup>، لو<sup>۷</sup>، سفید دره می‌گذرد و به شاه موزی بن می‌رسد. بالای این کوه قلعه فرنگیس است. کمی از آثار دیوار سنگی آن برجای است. کند و کاو در درختان جنگلی یکسره وضع قلعه را به هم زده است. آثار آب انباری در میان قلعه است. ابعاد آجرهایی که در بناهای داخلی به کار رفته بوده به سی سانتیمتر می‌رسد.

## دیوارها و خرابی‌های عمارت امیر مکرم لاریجانی

## کنار جاده هراز در محل عمارت در بالا خیابان لیتکوه

هنگامی که به طرف آمل می‌رویم، بردست چپ آب هراز و کنار این رودخانه دیوارهای بلند خشتی و چینه ایست. زیر دست دیوارها به طرف رودخانه آثار عمارت امیر مکرم است که مقداری از آن را سیل و مقدار بیشتر را مردم خراب کرده اند تا راهی آن را تصرف کنند.

۵- بفتح کاف. شاید قلعه کوره سنگ آمل که در نسخه خطی تاریخ مازندران ص ۸۲ ب و صفحات دیگر نام آن ذکر شده است قابل تطبیق با این قلعه باشد. ۶- بکسرالف و راه. ۷- بضم لام.

## پل سنگی

## در راه آمل به اسکومحله در بالا خیابان لیتکوه

این پل از آجر بود و روی آن سنگفرش داشت به این سبب به نام پل سنگی معروف شده است. این پل نیز در نوسازی جاده امامزاده عبدالله که در اسکومحله است از میان رفت.

## سرهنگ کوتی

## از دهکده‌های پایین خیابان لیتکوه

نام کوتی یادآور خاکریز دستی است که این آبادی بر روی آن ساخته شده است.

## امامزاده محمد

## در ولیس ده ۸ پایین خیابان لیتکوه

بنای مستطیل آجری است با مسجدی متصل به آن. در ورودی و صندوق چوبین آن ساده و بدون کنده کاری است. بنای بقعه در محوطه وسیع جنگلی است که درختان آزاد و بلوط و ممرز و اوجا در آن زیاد است. گرداگرد تنه درختانی که اندازه گرفته شد از این قرار است:

موزی (بلوط: مازو) ۳۰۰ و ۴۷۰ سانتیمتر، آزاد ۲۲۰ و ۴۷۷ سانتیمتر، اوجا ۲۳۰ و ۲۴۰ سانتیمتر.

## امامزاده قاسم بن عقیل بن موسی الکاظم علیه السلام

## دژ قجر محله پایین خیابان لیتکوه

بنای قدیمی امامزاده را خراب کرده و بنای جدیدی به همت حاج حسن غفار صالح (قاسم زاده) و کوشش فرزندش منصور ساخته شده است. این بنا در اسفند ۱۳۵۴ شمسی به خاتمه رسیده است. بنای جدید شامل دو در ورودی در شمال و

۸- ولیس ده از دهستان پایین خیابان بخش مرکزی شهرستان آمل ۵ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

جنوب . بر هر طرف درهای ورودی سه پنجره است یعنی در هر يك از اضلاع شمالی و جنوبی شش پنجره است (عكس شماره ۶۸) . این بقعه در وسط بیشه‌ای از درختان آزاد است (عكس شماره ۸۹) . گرداگرد تنه چند اصله از آنها بدین قرار است: ۴۰۰ و ۵۱۰ و ۵۳۵ و ۷۰۰ سانتیمتر .

باقی بناها و آثار تاریخی لیتکوه

- ۱- عباس کوتی در پایین خیابان لیتکوه<sup>۱</sup> نزدیک به دهکده انجیل .
- ۲- بار کوتی<sup>۱۱</sup> .
- ۳- کتّه خواست کوتی<sup>۱۱</sup> .

۴- بناها و آثار تاریخی چلاو = شلاو

مختصری از تاریخ و جغرافیای چلاو = شلاب

در دوران اسپهبد شاه غازی رستم (۵۳۳-۵۵۸) ، امیرشهریار در چلاو قیام کرد: صاحب تاریخ طبرستان درباره این قیام و دفع آن چنین نوشته است:  
اسپهبدشاه غازی رستم ، عم زاده خویش شهردار را به محاصره قلعه دارا پدید کرد و بعد از آن او به شلاب شد . چون مردم شلاب بدانستند که اسپهبد آنجا رسید ، زن و مرد و خرد و بزرگ همه به زینهار آمدند و روی بر خاک نهادند که ما همه بندگان و بنده زادگان تویم ما را عفو کن . اسپهبد جمله را بنواخت و تشریف داد و فرمود که بعد از این در خانه ها باشید که ما طلب قلعه می کنیم و گرد بر گرد قلعه کمین فرمود کرد . هر کس که به زینهار بیامدی بیاویختندی . کار بر شهریار صعب و دشوار شد و گفت کار دریابید و قاصد پیش اسپهبد فرستاد و امان طلبید . اسپهبد از او آزرده بود که بر او حقها داشت و گفت اول روز ادب کند اما چون بزرگان طبرستان شفیع شدند از سر اکراه برخاست و گفت تشریف و اقطاع فرمایند و عهد ارزانی دارم که باقی خطابی نکنم و اگر فرموده باشم باطل گردانم . . . اسپهبد ، سهراب بن رستم را که عم زاده بود به کوتوال فرستاد با خاصگان خویش و امیرشهریار با قلعه برد ایشان را و او به زیر آمد<sup>۱</sup> .

چلاو مرکز کیا افراسیاب و کیا اسکندر چلاوی است که پیش از قیام مرعشیان مدت‌ها در مازندران حکومت داشته‌اند. پس از حمله تیمور به مازندران و تسخیر قلعه ماهانه‌سر و بردن مرعشیان به ماوراءالنهر دوباره چلاویان سلطنت یافته‌اند تا بر اثر یاغیگری ایشان امیر تیمور شخصاً به مازندران آمد و این خاندان قدیمی را برانداخت. چلاویان پس از امیر تیمور در مازندران رونقی نیافتند.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره چلاو می‌نویسد:

چلاو از بلوکات طبرستان و مازندران است. الحال تیول منشی-

الممالک است. قلعه‌ای بسیار قدیم کهنه دارد. (مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۵۲).

از این قلعه بسیار قدیم کهنه در چلاو که اعتمادالسلطنه از آن یاد می‌کند نشانی نیافتم. چلاو دره‌ایست شرقی غربی که آب آن از شاخه‌های دست راست رودخانه هراز است و نزدیک منگل به هراز می‌پیوندد. این دره از شمال به ارتفاعات سنگ‌چال از طرف غرب به ساحل دست راست رودخانه هراز، از طرف جنوب به دره کندواکتی و از مشرق به لغور محدود می‌شود. نامهای دهکده‌های این دره از این قرارند:

پریمه<sup>۱</sup>، پاشا کلا، نجار کلا<sup>۲</sup>، تیار، گنگرج کلا<sup>۳</sup>، چم بن<sup>۴</sup>، زرخونی، سنگ‌چال. سنگ‌چال در تقسیمات جزء بالا چلاو و باقی دهکده‌ها جزء پایین چلاوند. دهکده‌های لهاش و الیمستان که کنار یکی از شعب هراز و بالاتر از آب چلاو از طرف دست راست به آب هراز متصل می‌شوند جزء چلاب به حساب می‌آیند.

تیره‌های قدیمی که در این دهکده‌ها ساکنند به نامهای زیر خوانده می‌شوند:

در گنگرج کلا خاندان: خانکدار<sup>۵</sup>.

در تیار خاندانهای: بندار<sup>۶</sup> و کنج<sup>۷</sup>.

در چم بن خاندان: روارج<sup>۸</sup>.

۲- بضم پ و فتح راه ۳- با تشدید جیم .

۵- بفتح ج و کسر میم . ۶- بفتح نون . ۷- بضم باء ۸- بفتح کاف

و کسر نون . ۹- بفتح راه اول و دوم .

در زرخونی خاندانهای: باتلقه<sup>۱</sup>، سالار.

در پاشا کلا خاندانهای: بغدادی، پاشا.

در نجار کلا خاندان: پیج که از پیچه کلا آمده‌اند.

در سنگ‌چال خاندان: عمران.

در پریمه خاندان: لطیف.

#### ۴- بناها و آثار تاریخی چلاو = شلاب

قلعه دارا

در دره چلاب = هج رودبار

حسن بن اسفندیار در فصل خصائص و عجایب طبرستان می‌نویسد که چون اسکندر بر زمین پارس مستولی شد، دارا از او بگریخت و به طبرستان پناه برد و نزد او پیام فرستاد که گیرم هفت کشور را بر من تنگ کنی، خاک فرشود جرودز دارا را چه کنی؟<sup>۱</sup>

با داستانی که ابن اسفندیار از دوران باستان نقل کرده است به این نتیجه می‌توان رسید که بنای این قلعه به دوران قبل از اسلام می‌رسد و باید آنرا یکی از قلاع قدیمی ایران دانست.

یاقوت از حصانت و استواری این قلعه یاد می‌کند و محل آن را در منطقه پهناور کوه‌های طبرستان قرار می‌دهد. عبارت او چنین است: «قلعه حصینه فی جبل طبرستان»<sup>۲</sup>. جای این قلعه کجاست؟

شحنه‌ای که جاولی در آمل تعیین کرده بود، پس از تسخیر آمل به دست اهالی، از آنجا فرار کرد و به قلعه دارا پناه برد.<sup>۳</sup> بنابر این قلعه دارا باید در حدود آمل جستجو کرد. از عبارات دیگر تاریخ طبرستان چنین برمی‌آید که قلعه دارا در حدود

۱۰- بکسر تاء . ۱۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲ . ۱۲- المشترك و ضمناً و

المفترق ص ۱۶۷ . ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۵ .

امیدوار کوه و چلاب است.<sup>۱۴</sup> از صفحات دیگر همین تاریخ به این امر توجه می‌شویم که قلعه دارا در رودبار هج است. از رودبار هج به منگول (منگل امروز) و آمل آمده‌اند.<sup>۱۵</sup> باز در یکی دو صفحه بعد یاد آور می‌شود که رودبار هج در لارجان است.<sup>۱۶</sup> با در دست داشتن این اطلاعات می‌توان به این نتیجه رسید که:

- ۱- امیدوار کوه و چلاب هم‌سامانند، یا چلاب قسمتی از امیدوار کوه است.
- ۲- رودبار هج همان دره چلاب است که از ارتفاعات لفور شروع می‌شود و به منگول (منگل امروز کنار آب هراز) ختم می‌شود و این رودبار هم در خاک لارجان است. بنابراین قلعه دارا در دره چلاب امروزی است و محل آن را باید در حدود دهکده‌های گنگرج کلا و سنگچال جستجو کرد.

مابین گنگرج کلا و ارتفاعات لفور، آثار سه قلعه برجای است که ظاهراً یکی از این قلعه‌ها باید قلعه دارا باشد ولی در محل به این نام شناخته نمی‌شد، از گذشته این قلعه اطلاع زیادی در دست نداریم. همین قدر می‌دانیم که این قلعه مدتی در دست شیرسوار بن شیراسفار بوده است و یکی دوبار برای جلوگیری از سربازانی که به طرف قلعه می‌آمده‌اند، لشکریان خود را به رودبار هج (دره چلاب) آورده است.<sup>۱۷</sup>

پس از آن این قلعه مدتی در دست امیر شهنشاہ بود<sup>۱۸</sup> و به برکت وجود شهنشاہ مال فراوانی در قلعه گردآوری شده بود<sup>۱۹</sup> و خود امیر شهنشاہ در همین قلعه فوت شده است.<sup>۲۰</sup>

شمس الملوك شاه غازی رستم دوم (۶۰۲-۶۰۷) پسر حسام الدوله اردشیر بن حسن بن رستم (۵۶۸-۶۰۲) به دستور پدر، مدتی در قلعه دارا زندانی بوده است.<sup>۲۱</sup>

این قلعه را علاء الدوله حسن (۵۵۸-۶۶۸) از پدر خود شمس الملوك شاه غازی رستم اول (۵۳۳-۵۵۸) بخواست تا بدانجا رود و با خیالی آسوده به تحصیل علم فقه و آداب دین مشغول گردد و دوران زندگی خود را در آنجا بگذراند شاه غازی رستم،

۱۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۲ و ۷۶. ۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۱.  
 ۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۲. ۱۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲.  
 ۱۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۷ و التدوین ص ۶۳. ۱۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۵.  
 ۲۰- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۲. ۲۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۳ و التدوین ص ۷۴.

در ابتدا از این تقاضای پسر متغیر شد و بر او خشم گرفت ولی بعداً بر اثر اصرار او، قلعه را بدویاز گذاشت.<sup>۲۲</sup> پس از مرگ اسپهبد علاء الدوله علی (۵۱۲-۵۳۳)، پسرش نصیر الدوله شاه غازی رستم (۵۳۳-۵۵۸) به حکمرانی طبرستان رسید. از آنجا که مردی با شهامت و باند پیرو و سختگیر بود، امر او حکام طبرستان از او حساب می‌بردند و گمان می‌رفت که در آتیۀ نزدیکی ملک از ایشان بگیرد. پنهانی پیش برادرش شمس الملوك مرداویج- که در مرز و به خدمت سلطان سنجر بود فرستادند و او را به حکومت طبرستان دعوت کردند. مرداویج با سپاهیان کمکی سنجر به فرماندهی امیر امیران قشمر به قلعه جهینه در آستار آباد که سلطان سنجر به او داده بود، آمد. در این وقت بسیاری از مردم مازندران روی به او آوردند.

اسپهبد شاه غازی با شنیدن این خبر به آرم آمد و از آنجا به کردآباد، بالای تنگه کولا رفت. راه‌دانان، قشمر و مرداویج را هنگام صبح به دشت کردآباد آوردند. خبر به شاه غازی رسید. از گرما به بیرون آمد و با تنی چند از خاصان به ساری رفت و از آنجا به مرزبان آباد و لینگمان آمد و خود را به قلعه دارا رساند و در محلی به نام «آهک-چاه» لشکرگاه کرد. پس از آنکه خبر بدو رسید که تمام مردم طبرستان به مرداویج پیوسته‌اند، به قلعه دارا در درون رفت.

مرداویج و قشمر به پای قلعه آمدند و قلعه را محاصره کردند. کار قلعه نشینان سخت شد. نجیب الزمان احمد بن محمد قصرانی از علم نجوم خبر داشت. دعوی کرد که بر سردوا زده روز جنازه‌ای از آن صاحب قلعه بیرون برند و هنگام درو، تنگی آب قلعه به فراخی رسد. امیر تاج‌الدین شهریار مریمض بود، پس از دوازده روز جنازه او را از قلعه بیرون آوردند و به آمل دفن کردند و به موسم گندم درو، از آسمان پانزده شبانه روز باران آمد و انبارهای آب لبال شد.

لشکر قشمر از باران و طوفان بترسید و از حوالی قلعه برخاست و پس او مرگ و میر چهار پایان، قشمر خود را به ترجی رساند. شاه غازی رستم از قلعه بیرون آمد و

۲۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۷. التدوین ص ۶۵.

در دوگاه خیمه‌زد و مثال به اطراف نوشت و مردم طبرستان را به اطاعت دعوت کرد.<sup>۲۳</sup> اسپهبد اسفندیار بن شهریار که خواهرزاده شاه‌غازی رستم (۵۳۳-۵۵۸) بود و شاه‌غازی به خواهر و خواهرزاده‌اش علاقه بسیار داشت، قلعه دارا را به ایشان واگذاشته بود. روزی علاءالدوله حسن (۵۵۸-۵۶۸) پسر شاه‌غازی در آمل دستور داد تا اسفندیار را دستگیر کنند و به قلعه دارا ببرند و در آنجا او را به قتل برسانند.<sup>۲۴</sup> کرده‌باز و پس از آنکه به‌کار اسماعیلیان زخمی شد، پدرش او را به قلعه دارا فرستاد و شرف‌الزمان یهودی را که طبیب‌خاصه خود بود نزد او فرستاد تا او را مداوا کند.<sup>۲۵</sup> اصفهید رستم پوره کله، کشوراه دار، پس از گریختن از کشاوره، نزد حسام‌الدوله اردشیر به قصر رودبار آمد. شاه اردشیر پس از ده شبانروز او را بند کرد و به قلعه دارا فرستاد.<sup>۲۶</sup> و همین شاه اردشیر (۵۶۸-۶۰۱) پسر خود شمس‌الملوک رستم دوم (۶۰۲-۶۰۶) را نیز بند بر نهاد و به قلعه دارا فرستاد.<sup>۲۷</sup> اکابر و اعیان با رکن‌الدوله قارن برادر کوچک شمس‌الملوک رستم - به قلعه دارا نزد شمس‌الملوک رفتند و از قلعه دارا به رودبار هج و منگول و آمل بازگشتند.<sup>۲۸</sup>

ظاهراً رکن‌الدوله قارن در زمان اقامت برادر در این قلعه، یا پس از آن به قلعه رفته و سکنا گزیده است. زیرا پس از اینکه حسام‌الدوله اردشیر، پادشاه افراسیاب اترپ را به کوتوالی قلعه فرستاد، رکن‌الدوله قارن از قلعه به‌زیر آمده است.<sup>۲۹</sup> با این وصف قلعه دارا چنانکه ابن اسفندیار گفته است تا تاریخ ۶۱۱ قمری آبادان بوده است.<sup>۳۰</sup>

## قلعه سامان

## در چلاو

از این قلعه و جای آن اطلاع زیادی نداریم در تاریخ خاندان مرعشی مازندران

- ۲۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ - ۲۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۷  
 ۲۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۰ - ۲۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۹  
 ۲۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۵ - ۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۱  
 ۲۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۲ - ۳۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲

محل قلعه سامان در چلاو یاد شده<sup>۳۱</sup> و همان مؤلف می‌نویسد که این قلعه در دست کیا-گرشاسب بوده است.<sup>۳۲</sup> محل این قلعه در چلاو شناخته نشد. در مرتع رستانک<sup>۳۳</sup> روبروی گنگرج کلا محلی به نام «قلعه سام» تا چندی پیش می‌شناختند.

امامزاده سیف‌الدین

در دهکده گنگرج کلا ۲۴ چلاو

بنائی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که داخل و خارج آن را سفیدکاری کرده‌اند. و مسجدی مستطیل متصل به این بنا است. محوطه‌ای جلو مسجد است که تکیه و سقافزار در دو طرف این محوطه ساخته شده‌اند، درها و صندوق بقعه قدمتی ندارد و آثار تاریخی و هنری بر آنها دیده‌نشد.

بنای تکیه نسبة قدیمی است (عکس شماره ۷۰) و از داخل و خارج یک چکش-گردان دارد. تیرهای چهارسوی سقف برسم چوب<sup>۳۵</sup> و این چکش گردانها استوار است. بالای تیرها تخته کوبی با درزپوش است. دهطاقچه و ده بالارف در سه طرف بنای تکیه است. درزیر چکش گردانها بسمله و آیه‌الکرسی تا آخر و بسمله و سوره توحید تا آخر با خطی بسیار خوش نوشته شده است و در آخر آنها سنه ۱۲۳۰ هجری قمری نوشته شده است. کارنجاری تکیه از استادالله قلی نجار تنکابنی چلاو مسکن است. بنیان این تکیه: آخوندحاجی ملا عبدالغفار و گل علی سلطان و ملا محمد امین و ملا محمد شفیق و مهر علی بوده‌اند.

سنگ قبری به دیوار تکیه نصب است این عبارات بر آن حک شده است:

تاریخ وفات مرحوم مغفور کربلائی آقابابا چلاوی گنگرج سنه ۱۲۶۳ .

- ۳۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۱۲ - ۳۲- همین کتاب ص ۱۱۷  
 ۳۳- بضم راه - ۳۴- گنگرج کلا ده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل چهل و نه کیلومتری جنوب شرقی آمل. نام این ده در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۷ آمده است.  
 ۳۵- بضم سین.

سنگی قطوری که بالای آن سه شاخه است و متولی می گفت که بالای سردر بقعه بوده. بر اثر خرابی زلزله فعلاً به دیوار امامزاده تکیه داده شده است عبارت (علی ولی الله) بر آن خوانده می شود و اطراف این عبارت نقش و نگار است. (عکس شماره ۷۱). در میدان جلو تکیه که خارج از محوطه امامزاده است، چناری که نسیال است که گرداگرد تنه آن به ۴ سانتیمتر می رسد. زمین بالادست تکیه به نام «آستانه کش» جزء موقوفات امامزاده است.

## گورستان نیال

در اراضی پشت گنجر کلا

در اراضی نیال بالای گنجر کلا گورستانی قدیمی است.

## امامزاده قاسم

در کوهستان دهکده تیار ۲۶ چلاو

در نه کیلومتری جنوب آبادی تیار بر قلعه کوهی بقعه ای به نام امامزاده قاسم است بنای آن از سنگ و گچ و روی آن سفیدکاری است و مسجدی مستطیل متصل به بنای اصلی است. اثر تاریخی یا هنری در این بقعه دیده نشد.

## قلاوردن

پایین تر از امامزاده قاسم در دامن کوه

در دامن کوه تیار طرف دست راست جاده ای که به امامزاده قاسم می رود آثاری از قلعه ای قدیمی است. آب انباری داشته که فعلاً پر شده است.

## قلاوش

در قلاوش دره

بر سر دو راهی گنجر کلا و تیار در محلی به نام قلاوش دره، قلعه ای به نام

۳۶- تیارده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل. پنجاه و هفت کیلومتری شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳)

«قلاوش» است که بر سر تپه ای خاکی منفرد قرار داشته و امروز آثار زیادی از آن برجای نمانده است.

قلاوش دیگری در اراضی زیر گنجر کلا بوده است که فعلاً برجای آن قلعه قدیمی کشت می شود و در تصرف آقای زمانی است.

## زاغه ای قدیمی

در سا بنه ۲۷ سنگ چال

در دامن کوهی در اراضی سابقه سنگ چال (عکس شماره ۷۲) زاغه ای کنده شده است که از اطرافهای سنگی دورانهای اولیه به حساب می آید که نظایر آن در دره بالا لاریجان و نیاک زیاد است.

## امامزاده یحیی

بالای اراضی ارشته سر ۲۸ زیر دهکده چم بن ۲۹

بنایی است مستطیل و ساده از سنگ و گچ آثار تاریخی و هنری در درودی و صندوق آن دیده نشد.

## دو چاه آب

بر سر کوهی در مرتع کلن ۴۰

این دو چاه ظاهراً در قلعه ای قدیمی بوده اند. اراضی کلن پایین تر از منگل طرف راست رودخانه هراز است. از بناها و دیوار قلعه اثری برجای نیست یکی از چاهها را می گفتند سابقاً بسیار گود بوده است.

## قلا پشت

رو بروی پنجاب پشت آهنه سر

از نام محل قلعه معلوم می شود که این قلا پشت، همان قلعه آهنه سر قدیم است. ۴۱

۳۷- بضم باء. ۳۸- بکسر الف و راء و فتح سین. ۳۹- بفتح ج و کسر میم.

۴۰- بفتح کاف و لام. ۴۱- تاریخ مازندران ص ۳۷۸. آخن سر (اسامی دهات کشور

ج ۱ ص ۱۵۷ و فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳)

سلطان شجاع‌الدین

در پریمه چلاو

درختان اوجا و آزاد که پنسال در محسوطه بقعه است بتازگی بنائی برای آن ساخته‌اند.

قلعه‌ای قدیمی

در بیهما پشت منگل

در اراضی بیهما در غرب منگل آثار قلعه‌ای بزرگ قدیمی است. در این قلعه حفاریهای غیرمجاز زیاد کرده و آن را زیر و زیر کرده‌اند.

خرابه‌های قدیمی

در جنگل مرعش پشت رزکه

جنگل مرعش دست چپ رود راز و پشت محل رزکه است. در اراضی این جنگل خرابه‌ای قدیمی است.

تیمور قلعه

در کوهستان چلاو

تیمور قلعه از بناهای تیمور شاه از گچ و آجر ساخته شده معتبرتر از قلعه‌های دیگر است هم‌لوازم را از حمام و غیره داشته سمت چلاو است و آثار آن باقی است<sup>۴۷</sup>

راه سیاه بیشه‌ها از به فیروز کوه

سیاه بیشه - لهاش - الیمستان - امامزاده قاسم - مراتع کنگلو - اسپرز سیوجی - ترکلی (بکسر تاء) ساختمان قدیمی دارد که روسها در جنگ بین الملل دوم تعمیر کردند) - سیاه کوه - رنان (بضم راء) - چرات - فیروز کوه .

آثار زیادی از دیوار و بنادر این قلعه باقی است.

امامزاده حسن

در دهکده لهاش ۴۲ چلاو

بقعه‌ایست هشت ضلعی با گنبدی کلاه درویشی از خارج و مسجدی مستطیل شکل متصل به در ورودی بقعه (عکسی شماره ۷۳) درها و صندوق بقعه ساده و بدون تزیین و کنده کاری است. بنا از داخل چهار گوشه و در هر ضلع آن طاقنمایی باطاق جناغی است. با ساختن این طاقنماها کمر بند گنبد را تبدیل به دایره کرده‌اند و گنبدی مدور بر این دایره زده‌اند. این گونه جمع کردن چهار ضلعی و زدن گنبد در نوع خود بی نظیر است.

تخته‌ای به پهنای ۱۱ و درازای ۹۳ سانتیمتر که باقیمانده صندوقی قدیمی است داخل بقعه است. این عبارات بر آن خوانده شد:

تحریرافی شهر جمیدی الاخر سنه ثمان ثمانین تسعمایه ساعی خیر کیا محمد... از لهاش به گلیران<sup>۴۲</sup>، دمی لرز<sup>۴۴</sup>، کنگلستان، نیراس، شالینگه چال، لهه<sup>۴۵</sup> و شیخ موسی می توان رفت.

امامزاده صالح

در دهکده پریمه ۴۶ چلاو

بنای مستطیل آن نوساز بود و از سنگ و گل ساخته بودند. صندوقی ساده و دری ساده داشت و بام آن حلب سربود.

۴۲- لهاش ده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل چهل کیلومتری جنوب آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) ۴۲- بفتح گاف. ۴۴- بفتح دال و لام. ۴۵- بفتح کاف. ۴۶- بکسر لام و هاء. در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۷: پاریس.

راه الیمستان به شیرگاه

الیمستان - چلاو - سنگک چال - آب کل منار - شیاره - پادشامیر - لفور -

شیرگاه .

## ۵- بناها و آثار تاریخی دشت سرآمل

### امامزاده صالح

دردهکده بورون (بوران) ازدهکده‌های دشت سرآمل

بنای اصلی بقعه چهارگوشه است . متصل به ضلع غربی مسجدی است که دودر مشیک دارد . صندوقی که مرقد امامزاده را پوشانده است از چوب آزاد است و در حاشیه بالای بدنه غربی آیات زیر حک شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم يس و القرآن الحكيم - تا هم غسافلون .

وفات مرحوم مغفور مشهدی قلی بیستم صفر المظفر در سنه ۱۲۹۳ .

بر حاشیه پایین صندوق عبارت زیر حک شده است :

عمل آسید عباس و استاد گل آقا لاسمی خداوند فرج الله را طول

عمر کرامت کند خدا را بحق عصمت فاطمه شرف نسارا بیامرز فرزندانش

را به بخش به امامزاده صالح .

بنا را نوسازی و سقف آن را آهن پوش کرده اند . محوطه اطراف امامزاده بسیار روح-

بخش است و درختان آزاد کهنسال و درخت لی ( = نارون) بزرگی که تنه محیط آن

۵۵۰ سانتیمتر است، سایه بر این محوطه انداخته اند . معروف است که زیر این درخت

۱- در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۷ این امامزاده به نام امامزاده صالح و امامزاده

محمود یاد شده است .

نارون، بی‌بی دفن است و شبها پای آن چراغ روشن می‌کنند.  
درخودآبادی آزاد کهنسالی بود که چراغ نفتی و شمعیهای متعددی پای آن روشن کرده بودند.

پلی قدیمی به نام شش‌پل  
بر روی خان رود در نزد محله

بر سر راه آمل به بارفروش است و این‌راه از بلوک ساری می‌گذرد.<sup>۲</sup> پلی به نام شش‌پل نیافتیم در قریه ساری گلون پلی سنگی به نام «سه‌پل» بوده است که آن را خراب کرده‌اند.

۳ لاک‌کتی

میان سامان کنسی و بازیرکلا از دهکده‌های دشت سر  
خاک ریزدستی کوچکی است که مساحت بالای آن به چهار صد متر می‌رسد.

تکیه‌ای قدیمی

در دهکده هندوکلا از دهکده‌های دشت سر

بنایی است قدیمی که جلو آن پنج ستون خوش تراش استوانه‌ای دارد. داخل بنا را دو چکش گردان روی هم زده‌اند و تیرهای نیم دایره‌ای سقف را بر روی چکش گردان دوم قرار داده‌اند. کار تراش چکش گردانها و تیرها بسیار ظریف است. سقافناری بسیار ظریف در مقابل تکیه است. بر روی تخته‌های سقف آن نقاشیهای بسیار ظریف از: خورشید، فرشته، مرغی که در لانه بر تخم خوابیده است، رفر، مناظر جنگی، مذهبی، کشتی، آهو، امام حسن و امام حسین. بریکی از تخته‌ها عبارات زیر خوانده می‌شود:  
خادم در گه شاه مردان حاجی قربان ابن کربلائی رمضان.

۲- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۶ الف.

۳- بکسرگاف و لام و کتی بضم کاف.

کتبه شفیع القاضی قزاق چاهی<sup>۳</sup> ۱۲۸۸

کرده نجاریش ..... برادر  
..... صادق و جعفر.

کرده نقاشی این رفیع بنای  
بنده خالص مخلص حق میرزا بابا

هر طرف سقافنار چهارستون بسیار ظریف و پرکار است. تیرهای سقف بر روی یک ردیف چکش گردان متکی است. لبه بیرون دارای دو چکش گردان و یک پشته است.

حمامی قدیمی

در اراضی هندوکلا دشت سر

حمامی اجری نسبة قدیمی با سربینه و گرمخانه و خزینه در اراضی این دهکده است که فعلاً مخروبه و متروک است. اراضی وقفی اطراف آن را تصاحب کرده و شالی زار کرده‌اند.

تکیه فیروزکلا

در دهکده فیروزکلا از دهکده‌های دشت سر آمل

تکیه‌ای نسبة قدیمی با گچ بریهای ظریف دارای یک در ورودی و یک سربخاری و دو اوزه طاقچه (عکس شماره ۷۴) بالای طاقچه‌ها کتیبه‌ای از اشعار محتشم کاشانی گچ بری شده است (عکس شماره ۷۵) و بالای هر طاقچه یک رف است. بالای رفهای سم کشی و شیرسکاری است. تیرهای سقف چهارسو است و روی شیرسرها قرار دارد. بالای تیرها تخته کوبی است. سه ستون چوبین با سه سرستون بسیار ظریف جلوبنا است. لبه بنا از خارچ شیرسردار و سه پشته است. بام بنا سفالپوش است. تاریخ ۱۲۸۹ میان کتیبه‌ها دیده شد.

۴- امروز «قزاق‌چای» یا «قزقان‌چای» گویند از نواحی فیروزکوه است.

## امامزاده عیدانگه

## در دهکده فیروزکلای دشت سرآمل

بقعه ایست که از خارج استوانه‌ای است. مسجدی کوچک که تاریخ بنای آن مؤخر بر تاریخ بنای امامزاده است. جلو در ورودی بقعه اضافه شده است (عکس شماره ۷۶). بالای در ورودی مسجد کتیبه کوچکی است که بر آن «عمل نجاری استاد مهدی ۱۳۰۶» و بر کنار همین کتیبه «سنه ۱۳۰۶» نوشته شده است. بنای بقعه از داخل هشت ضلعی دو بدو برابر است. اضلاع قبلی و شمالی و شرقی و غربی هر یک دارای طاقنمایی بزرگ است و اضلاع کوچکتر دارای طاقنماهای کوچکتری است. دو پنجره نورگیر بالای اضلاع قبلی و شرقی است. صندوقی که قبر امامزاده را پوشانده است، قاب و آلت کاری است قصاب و آلتها شامل هشت ضلعی‌های بزرگ و چهار ضلعی‌های کوچک میان آنهاست. هشت ضلعیها برنگهای سبز و قرمز و زرد و آبی رنگ آمیزی شده و چهار ضلعی‌ها را رنگ سفید زده‌اند.

## حمامی قدیمی

## در دهکده فیروزکلای دشت سرآمل

این حمام شامل سربینه و رختکن و سردخانه و گرمخانه است. دست راست سردخانه، مستراح و دست چپ آن نوره‌خانه بنا شده است.

## تکیه‌ای قدیمی

## در دهکده پاشاکلا از دهکده‌های دشت سرآمل

بنائی است مستطیل شکل دارای يك در ورودی. در این بنا دوازده طاقچه است که بالای هر طاقچه مصرعی از اشعار هفت‌بند محتشم است. بالای هر مصرع طاقنما مانند کوچکی است که داخل هر يك گچ بری دارد طرح این گچ بریهای با یکدیگر  
۵- در زیارتنامه داخل حرم، این امامزاده به نام امامزاده عباس خوانده شده بود.

اختلاف دارد (عکس شماره ۷۷). بالای این قسمت سم‌کشی و شیر سرکشی است. تیرهای سقف، روی این شیرسرها قرار گرفته است. بالای تیرها تخته‌کوبی با درز-پوش است. بام سفال‌سر است. چهار ستون چوبین چهارسو که سرستونهای دهان اژدری دارند، در جلو بنا است.

سقانفاری قدیمی و پوکار در محوطه حیاط تکیه است (عکس شماره ۷۸). سقاخانه چوبین بزرگی نیز در محوطه تکیه است. اضلاع بزرگتر دارای شش‌پنجره ارسی و اضلاع کوچکتر هر يك سه‌پنجره ارسی دارند (عکس شماره ۷۹).

## آب‌انباری قدیمی

## در دهکده پاشاکلا بالا از دهکده‌های دشت سر

آب‌انباری است از آجر که سردر پاشیر و پله‌ها و مخزن آب آن برجای است. اراضی اطراف آن را که وقف بوده است ابوالحسن سپهری فروخته و نعمت‌کردی خریداری کرده و تصاحب کرده است.

## خانم‌پل

## در راه پاشاکلا به شهنة کلا

پلی است آجری که بر روی رودخانه کاری بوده است. می‌گفتند خانمی این پل رازده و از بالای آن آب از طرفی به طرف دیگر رودخانه برای اراضی خود می‌برده است. سه طاق از این پل باقی است (عکس شماره ۸۰).

## درویش اسماعیل

## در اراضی کمانگرکلای دشت سرآمل

میان پاشاکلا و کمانگر کلا در زمینهای متعلق به دهکده کمانگر کلا بقعه قدیمی درویش اسماعیل قرار گرفته است. نمای خارجی بقعه چهارگوشه است. این چهار گوشه را بالاتر از تزئینات کشکولی و سینه‌کفتری گچی، بریده و هشت ضلعی به وجود آورده‌اند. گنبد کلاه‌درویشی آن هشت‌پر است و روی این هشت ضلعی بنا شده است.

در هر ضلع بالای طاقنمای وسط، دو مستطیل است که داخل آنها کاشیکاری است. بالای این قسمت کاشیکاری، دوازده قرنیس سینه کفتری و بالای آنها یازده نیم‌دایره تزیینی از گچ ساخته‌اند. طرف در ورودی بقعه، مسجدی نوساز بعداً اضافه کرده‌اند. (عکس شماره ۸۱).

داخل بقعه چهار گوشه است و صندوقی ساده چوبین در میان آن، مرقد درویش اسماعیل را پوشانده است. در مقابل بقعه سقائفی تازه‌ساز به چشم می‌خورد که ارزش تاریخی ندارد.

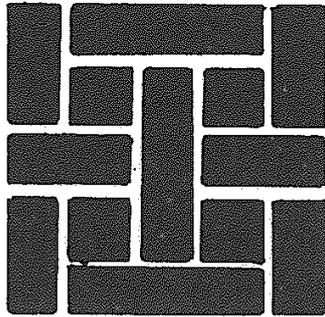
امامزاده عبدالله<sup>ع</sup>

در دهکده شهته کلا ۷ از دهکده‌های دشت سرآمل

بنای اصلی بقعه از خارج مستطیل و از داخل هشت ضلعی است (عکس شماره ۸۲). پهنای اضلاع میان ۲۲۲ - ۲۲۵ سانتیمتر است. نزدیک سقف بنا سم‌کشی و شیر سرکشی است. وسط بنا سرکشی (حمال) بسیار قطور چهارسو، میان شیرسرها است. تیرهای سقف بر شیرسرها و حمال متکی است و شامل یازده تیر چهارسو است که نسبت به عرض بنا کوچک و بزرگ می‌شود. بالای تیرها تخته کوبی با درزپوش است. کف بنا از کاشیهای مختلف با رنگهای متفاوت فرش شده است. ظاهراً این کاشیها روزی ازاره بنا و قسمتی از آنها کتیبه بوده است زیرا کلماتی روی پاره‌ای از آنها خوانده می‌شد.

ع- ظاهراً این همان امامزاده عبدالله است که در طومار، تولید آن با درویش محراب بوده است. ۷- شهته کلا ده ازدهستان دشت سرآمل دوازده کیلومتری مشرق آمل و سه کیلومتری جنوب راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۸ از این امامزاده یاد شده است.

در اصلی ورودی بقعه شرقی است. درازای هر لنگه آن ۱۳۷ و پهنای آن ۴۰ سانتیمتر است. بر هر لنگه سه طرح تکراری است. طرحها عبارت از قطعات چوبند که در جهات مختلف به یکدیگر کم و زیاد شده‌اند. اطراف طرحها زنجیره و حاشیه بندی دارد. شکل هر طرح از این قرار است:



صندوقی به درازای ۳۰۰ و پهنای ۱۳۲ و بلندی ۱۰۲ سانتیمتر در وسط بناست. بدنه دراز صندوق شامل پایه و قسمت مشبك و حاشیه است که به متن صندوق منتهی می‌شود. در این قسمت شش پاره کنده کاری جداست که به یکدیگر متصل کرده‌اند. در پهنای صندوق دو پاره از این کنده کاری است.

آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق است :  
 از: بسم الله الرحمن الرحيم انافتحنا لك فتحاً مبيناً ... تا - عليك ويهديك  
 آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه شمالی است :  
 از: صراطاً مستقيماً ... تا - ذلك عند الله  
 آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه شرقی است :  
 از: فوزاً عظيماً ... تا - غضب الله عليهم  
 آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه جنوبی صندوق حک شده است :

از: لعنهم واعد لهم جهنم ولله جنود السموات - تا - يدالله فوق عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری سوم و چهارم بدنه شمالی است :

اللهم صل على النبی المصطفى اللهم صل على المرطضى و على الزهرا والسبطین والسجاد والبا

عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری دوم و سوم بدنه شمالی است :

قروالصادق والکاظم والرضا والتقى والنقى والعسکرى

عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری چهارم و پنجم بدنه شمالی است :

والحجتك .... القائم الهادى المنتظر المهدي صاحب الزمان

مطالبی که بر حواشی پایین صندوق حک شده است :

عباراتی که بر حاشیه غربی پایین صندوق بوده است تراشیده شده بود و قسمتی از حروف دیده می‌شد .

قسمت حاشیه پایین غربی که تراشیده شده بود ظاهراً آیاتی از ابتدای آیه الکرسی بوده است .

آیاتی که در حاشیه پایین صندوق طرف غربی حک شده است :

عنده الا باذنه - تا - هو العلی العظیم<sup>۱</sup> مرقد منور مطهر بن حارس

موسی نورالله قبره تاریخ شهر رجب فی سنة ۹۴۵ یا الله یا محمد یا علی .

حواشی پایین بدنه های شرقی و جنوبی به علت مانع شدن تخته‌ای که جلو آیات کوبیده بودند خوانده نشد .

عبارات زیر بر تخته سمت راست که میان پایه صندوق و قسمت کنده کاری اول

غربی قرار می‌گرفت ، حک شده بود :

ساعی صندوق مبارک علی بن یا مولانا جمال

بر تخته سمت چپ که میان پایه صندوق و قسمت کنده کاری دوم غربی قرار داشت ،

عبارت زیر حک شده بود :

۸- در این قسمت گل و بوته‌ای میان آیات کلام الله مجید و قسمت بعد فاصله قرار می‌گرفت.

عمل استاد محمدخان گیلانی

مسجدی که زمان بنای آن مؤخر بر زمان بنای بقعه است متصل به بنای اصلی است . در ورودی این مسجد کنده کاریهای ظریف داشت . درازای هر لنگه آن ۱۵۸ و پهنای آن ۵۱ سانتیمتر بود (عکس شماره ۸۳) .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حک بود :

صاحب الخیرات درویش سید جلال

بر پاسار بالای لنگه چپ :

بن سید السادات سید حسن صدق رسول

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل شمس الدین ابن استاد اخند نجار

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

تحریراً فی ماه جمادى الاخرة سنة سبعة وتسعين وثمانمائة

متولی اظهار می‌کرد که این جفت در را سیل به رودخانه مجاور دهکده آورده و پس از گرفتن آن از آب، در اینجا نصب کرده‌اند .

در محوطه اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که نه اصله درخت آزاد که نسال

دارد که محیط تنه سه اصله آنها بدین ترتیب است ، ۵۰۰ و ۴۶۵ و ۴۰۰ سانتیمتر .

روز بیست و ششم نوروز ماه قدیم که مصادف با ایام اواخر مرداد ماه جلالی

است در اراضی اطراف امامزاده ، بازار برپا می‌شود و از اطراف و اکناف برای

کشتی‌گیری و تماشای آن می‌آیند .

قلعه خرابه‌ای عظیم و قدیمی به نام «کافر قلعه»

نزدیک دهکده قلعه‌کش ۹ از دهکده های دشت سر

اراضی قلعه خاك ریزی است دستی به ارتفاع بیست متر و بالای آن در حدود

۹- قلعه‌کش ده مرکز بلوک قلعه‌کش از دهستان دشت سر بخش مرکزی آمل دوازده کیلو-

متری شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

ده هکتار یعنی صد هزار مترزمین بایر است که بر آن علفهای هرز بسیار روئیده است. خندقی دورتادور قلعه کنده بوده اند که آثار آن تا امروز باقی است. اطراف این محوطه بزرگ دیواری و باروئی بوده است و آثار آن پیدا است. طرف شمالی این اراضی قسمتی تپه مانند است که ظاهراً قسمتی از ارگ قلعه بوده است. در شرق قلعه خاکریز دیگری است که با خندقی از اراضی اصلی قلعه جدا می شود. بلندی این قسمت از سایر قسمتهای قلعه بیشتر است. شاه نشین و ارگ اصلی قلعه ظاهراً در این جا بوده است. در ارگ اصلی و در اراضی پهناور قلعه دو حلقه چاه آب بوده است که آثار آنها تا کنون برجای است. چاه ارگ شرقی قلعه به علت ارتفاع اراضی آن از چاه اصلی قلعه عمیق تر بوده است.

معروف است که خاک خاکریز این قلعه را از اراضی «دزدک چال» بار فروش (= بابل) با توبره اسب دست به دست داده و بدینجا رسانیده اند.

#### امام قلعه

تقریباً در شمال «کافر قلعه» خاک ریز دیگری است که خاک آن با خاک کافر قلعه اختلاف دارد. در خاکریز کافر قلعه شن و ریگ دیده نمی شود، در صورتیکه در خاکریز امام قلعه، شن و ریگ غالب بر اجزای خاک است. معروف است که این شن را از گرم رود آورده اند. بالای این خاکریز تأسیسات کشاورزی است و اداره کشاورزی این اراضی را ضبط کرده است. شاید امام قلعه، پیش قلعه کافر قلعه بوده است.

#### امامزاده فضل

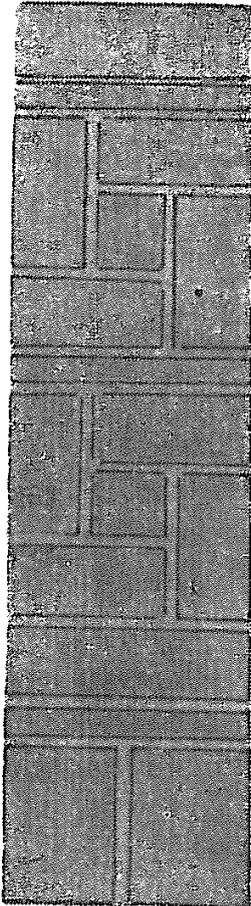
در دهکده زیارو از دهکده های دشت سر

راه دهکده زیارو، از کوچه لطفی در محله «پل به یور» آمل به بازیار کلا و

کنسی<sup>۱۰</sup> و بزمینان<sup>۱۱</sup> و کمکلا<sup>۱۲</sup> و از آنجا به زیارو می رود.<sup>۱۳</sup>

۱۰- بکسرکاف و نون. ۱۱- بضم باء. ۱۲- بضم هردو کاف رودخانه ای که از کمکلا می گذرد معروف به «کاری» است که به بابل رود می رسد. یکی از شعب این رود معروف به «بورود» است. ۱۳- از سرکوجه لطفی تا دهکده زیارو در حدود ۱۶ کیلومتر است.

بنای امامزاده فضل بنائی است مستطیل شکل که از مسجد متصل به آن به در



ورودی بقعه می رسیم. در ورودی دولنگه است و بر چهارچوب نیز کنده کاری کرده اند پاره چوبی مشبک و قطور بر روی کلنگی چهارچوب است که دو طرف آن چهار آویز دارد. هر دو آویز در مقابل یک لنگه قرار می گیرد. بلندی این در ۱۷۵ و پهنای آن ۵۳ سانتیمتر است.

برحاشیه بالای لنگه سمت راست این عبارت نوشته شده است:

هذا المشهد ابلفضل بن موسی

کاظم

بر بانی سمت چپ همین لنگه عبارت زیر است:

صاحب العماراة المشهد و

خادم کمینه حاجی زیاد مز بن محمد

بن داود بن سماع بن هدی بن اسمعیل<sup>۱۴</sup>

عمل ابراهیم نجار بن سلیمان نجار

ابن . . . . . سنه ثلاث و ثمانین و

تسعمائه .

این در دولنگه از قطعات تخته ساخته شده که به

یکدیگر کم و زبانه شده است طرح هر لنگه از

این قرار است:

صندوق مزار در وسط اطاقی چهار گوشه است درازی آن ۲۵۷ و پهنایش ۱۵۲

و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است.

۱۴- نام این خادم و نام پدر آن او غریب و ناشناخته است.

عبارات زیر بر حاشیه بالای بدنه جنوبی صندوق حک شده است :

هذه روضة منوره للامير الاعظم السعيد الشهيد المرحوم الامير محمد بن الامير الشهيد المغفور المبرور الامير افضل طابت ثراه وجعل الجنة مثواه في او ايل رجب سنة احدى اربعين وثمانمائه عمل استاد شمس الدين ابن جلال الدين النجار الانصاري

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لاله الا هو الحي - تا - الارض من ذی

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق :

الذی یشفع عنده - تا - هو العلی العظیم صدق الله العظیم خطه

مظهر الداعی الحسینی .

بر حاشیه بالای بدنه شرقی صندوق :

امر بعمارة هذه الروضة الشريفة السيد المعظم مالك رقاب الامم الامير علاء الدين خلدت مملكته مزارآله ولاخيه السيد المرحوم عبدالخالق الامير الاعظم . . . . المكرم مقيد اهل [كذا]

دو درخت کهنسال

در اراضی « آقادر » در دهکده بزمینان ۱۵ دشت سر

در میدان دهکده بزمینان دو درخت کهنسال است که به نام « آقادر » معروفند . یکی از آنها اوجا است که دورته آن به ۵۶۶ سانتیمتر و دیگری آزاد است که دورته آن به ۵۴۰ سانتیمتر می رسد .

امامزاده عباس ۱۶

در کم دره (= کیمره ۱۷) دشت سر آمل

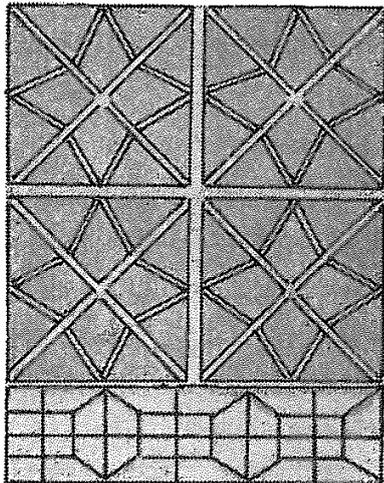
بنای اصلی بقعه قدیمی به نظر نرسید . مسجدی کوچک متصل به بنای بقعه است . پهنای در ورودی مسجد ۶۰ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است . در ورودی بقعه ۴۹ × ۱۶۲ سانتیمتر است و این عبارات بر پاساروسط لنگه سمت راست نقر شده است : تمام شدت جام در صحن متبرکه امامزاده عباس .

از يد اقل خلق الله آقا سيد الله قلی و استاد علی اکبر نیاکی بانی

در مشهدی حاجی [كذا] .

دو لنگه در ورودی از قطعات چوب تشکیل شده که به یکدیگر کم و زیادانه

کرده اند . طرح گل و بوته و حاشیه بندی آن چنین است :



صندوقی قاب و آلت کاری؛

مرقد امامزاده عباس و مادر و خواهر

اورا پوشانده است درازای آن ۵۲۸

و پهنایش ۱۴۰ و بلندی آن ۱۱۸

سانتیمتر است .

بالای در ورودی حیاط گچ-

بری است که نوشته های آن بسیار

بدخط و ناخوانا است . انتهای کتیبه

آن «عمل محمد علی امیری ۱۱۳۹»

نخوانده می شود .

۱۶- شاید امامزاده عباسی که در طومار نام آن آمده و در بلوک دشت سر به تولیت درویش مرد حاجی بوده این امامزاده عباس باشد . ۱۷- کم دره (بضم کاف) را اهالی « کیمره » (بتشدید راء) تلفظ می کنند . کم دره ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۷/۵ کیلومتری مشرق آمل سه کیلومتری جنوب شوسه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۸ از این امامزاده یاد شده است .

امامزاده محسن

در تمسک ۱۸ دشت سرآمل

بنایی است قدیمی، چهار گوشه، با گنبدی کوتاه. ضلع شرقی بقعه از داخل ۳۱۲ و ضلع قبلی آن ۳۴۷ سانتیمتر است، در طرف قبلی بنا دو طاقما است که بالای آنها دو پنجره نورگیر است. دیوارهای شمالی و غربی هر یک دو طاقما دارد. در ورودی در دیوار شرقی است و دو طرف آن از داخل، دو طاقنمای کوچک است. در کمر بند گنبد چهار مصراع شعر در چهار جهت است که بسیار بدخط و ناخواناست. مسجدی متصل به بنای بقعه است. درازای آن از داخل ۳۷۵ و پهنای آن ۳۶۰ سانتیمتر است. طاق وسط مسجد بر دو نیم فیلی پای جنوبی و شمالی متکی است و این طاق مسجد را به دو قسمت کرده است. در سه جانب مسجد هر یک در طاقنماست و در ورودی مسجد یکی از طاقنماهای قبلی است (عکس شماره ۸۴).

امامزاده قاسم

در اراضی کهکرون محله پایین هشتل ۱۹ از دهکده‌های دشت سر

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است که مسجدی متصل به آن است و ایوانی در جلو مسجد ساخته شده است (عکس شماره ۸۵). در اصلی بقعه کنده کاری بسیار ظریف دارد. پهنای هر لنگه ۴۲ و بلندی آن ۱۶۹ سانتیمتر است. عبارات زیر بر پاسار بالای لنگه سمت راست با خطی بسیار خوش حک شده است:

الدنيا ساعة وجعلها طاعة

۱۸- بفتح تاء وضم میم ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۱/۵ کیلومتری شرق آمل ۱/۵ کیلومتری راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) اهالی محل این دهکده را جزء دهکده‌های هرازی می‌دانستند. ۱۹- هشتل (بکسر هاء و تاء) ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل شش کیلومتری و نیم شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

الدنيا قطرة فاعبروها ولا يعمروها

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

عمل . . . . [به علت فرسودگی خواننده نشد]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

فی تاریخ خمس و ثلثین و ثمانمائه

بر بالای دماغه در باخط نسخ خوش:

الله مفتوح الابواب

باقی متن در، قاب و گره و حاشیه بندی و کنده کاری و گل و بوته دارد، صندوقی کنده کاری بسیار ظریف در وسط بنا مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۳۸ و پهنایش ۱۲۹ و بلندی آن ۱۰۴ سانتیمتر است این صندوق بر چهار چوبی قرار دارد که درازای آن ۲۵۳ و پهنای آن ۱۴۴ و بلندی آن ۱۸ و قطر آن ۷ سانتیمتر است. دو بدنه شرقی و غربی صندوق هر کدام یک قاب و بدنه‌های شمالی و جنوبی هر کدام دو قاب کنده کاری دارد.

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق آیات زیر از کلام الله مجید است:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو - تا - علمه الابماشاء

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

وسع كرسية السموات - تا - فمن يكفر

بر حاشیه بالای بدنه جنوبی:

بالطاغوت و يؤمن - تا - فيها خالدون هذا المرقد المنور

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق عبارات زیر حک شده است:

للشيخ الاعظم قدوة الاوليا والمحققين مظهر كلمات الله العليا

قاسم بن علی موسی انارالله برهانه فی سنة اربعین و ثمانمائه.

بر طرف دست چپ بدنه جنوبی صندوق:

عمل حسین بن استاد شمس الدین الانصاری

برپایین بدنه جنوبی صندوق :

عمل فخرالدین بن الاستاد جمال الدین الانصاری

بنای اصلی از داخل چهارگوشه است . در هر يك از اضلاع يك طاقنمای بلند است . با چهار گوشوار گود ، چهار ضلعی تبدیل به دایره کامل شده و بر روی این دایره گنبدی بلند نوک تیز زده اند .

نمای خارجی بنا چهار ضلعی است که میان هر يك از اضلاع طاقنمای بزرگی است . بالای هر يك از بدنه‌ها سیزده قرنیس سینه کفتری و کشکولی است . گنبد بنا از خارج کلاه درویشی است .

سه گنبد دیگر در گورستان متصل به بقعه است . گنبد اول به ابعاد  $۱۴۵ \times ۲۰۰$  سانتیمتر است . چهار گوشه تیز بنا را پخ زده اند . بالای دوضلع بلندتر شش کاشی و بالای دوضلع کوتاه تر پنج کاشی نیم دایره ای نصب کرده اند . در میان هر يك از اضلاع طاقنمایی ساخته اند . بالای این گنبد ، هرم مربع القاعده است و در ورودی ندارد . (عکس شماره ۸۶)

گنبد دوم

درازای این گنبد ۲۲۲ و پهنای آن ۱۶۴ سانتیمتر است . چهار طاقنما در چهار طرف بناست . بالای این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۷) .

گنبد سوم

این گنبد تقریباً چهار گوشه است درازای آن ۳۳۸ و پهنایش ۳۳۴ سانتیمتر است . در هر ضلع دو طاقنما ساخته اند . در فواصل انحناى طاق طاقنماها ، سه مربع کم عمق در آورده اند که جای خالی انحناى طاق طاقنما را پر کند . در بالای این سه مربع ، مربع مستطیل کشیده ایست که به شکل جای کنیبه است . بام این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۸) . درختان آزاد کهنسالی در اراضی گورستان متصل به بقعه است ، محیط دایره تنه آنها به ۶۰۰ و ۵۴۶ و ۵۳۳ سانتیمتر می رسد .

امامزاده محمد

در محله بالای هشتل دشت سر

بنائی است ساده با ایوانی جلو آن که دارای پنج ستون چهارسو با سرستون است . صندوقی ساده چوبین قبر را پوشانده است . بر حاشیه بالای آن آیه الکرسی با خطی بسیار بد و در آخر آن سنه ۱۲۸۶ قمری خوانده می شود .  
در محوطه اطراف بقعه درختان آزاد و درختان موزی است . گرداگرد تنه دو اصله از درختان آزاد ، ۲۸۲ و ۴۰۰ سانتیمتر و درخت موزی ۲۸۳ سانتیمتر است .

گنبرکتی

در گیل محله نزدیک دهکده کته پشت دشت سر

خاک ریز دستی و اثری قدیمی است . اراضی آن متعلق به عبدی و شرکاء رئیس - زاده است . گیل محله در جاده قدیمی آمل به بابل و در حدود پنج کیلومتری آمل است .

باقی بناها و آثار تاریخی دشت سر

۱- شرم کتی<sup>۲۰</sup> نام کتی یاد آور تپه های قدیمی و خاک ریز دستی است . و خود محل ، دهکده مخروبه ایست نزدیک کمانگر کلا .

۲- امامزاده ولی در جنگل بلبرون . بلبران نزدیک شهنه کلا (شحنه کلا) است . بلبران ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳/۵ کیلومتری شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۳- امامزاده شاه حمزه رضا واقع در بلوک دشت سر آمل به تولیت سید اجل و ورثه سید علی (طومار دوران صفوی) .

۴- امامزاده عبدالله رضا واقع در دشت سر آمل به تولیت درویش جاندار

۲۰- بفتح شین و راه و کسر میم و ضم کاف . این نام در فرهنگ جغرافیائی ایران به شکل شرمه کتی آمده و در باره آن نوشته است : نام آبادی کوچکی از دهستان دشت سر بخش مرکزی آمل که فعلاً مخروبه است .

(طومار دوران صفوی)

۵- امامزاده عبدالله علی واقع در بلوک دشت سرآمل به تولیت ملاحبادی  
(طومار دوران صفوی)

### ۶- بناها و آثار تاریخی هرازی

#### کوشک شاه اردشیر در رودبار، آمل

هنگامی که اسپهبد شمس الملوک رستم شاه غازی - پسر میانین شاه اردشیر - به مخالفت پدر برخاست ، همراهانش موافقت کردند تا او به قلعه دارا رود و قلعه را بگیرد . او از پدر اجازه خواست و به راه افتاد. در این وقت شاه اردشیر در قصر رودبار آمل بود و از این امر خبر یافت . کسان خود را به دنبال او فرستاد . پس از اینکه او را حاضر کردند ، شاه اردشیر دستور داد تا او را بند بر نهادند و به قلعه دارا فرستادند<sup>۱</sup>.

#### کوشهای حاجی محمد حسن امین الضرب در محمودآباد مرکز هرازی و اهلم رستاق

مرحوم امین الضرب قصد داشت در محمودآباد سرای بزرگی برای بندرگاه آن بسازد (عکس شماره ۷۹) و کارخانه‌ای بزرگ و سایر تأسیسات نظیر حمام در آنجا برپا کند (عکس شماره ۹۰) و اسکله بزرگی که راه آهن آمل - محمودآباد به آن

۱- رود بار ده از دهستان هرازی بخش مرکزی شهرستان آمل ده کیلومتری شمال آمل،

پنج کیلومتری شرق جاده آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) .

۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۴ و ۱۶۵ .

منتهی می‌شد برای بارگیری کشتیهائی که از روسیه می‌آمد آماده کند (عکس شماره ۹۱) و برای حمل و نقل کالاها، کشتی بادبانی به نام «اشگون طیقون سلامت‌رو» خرید و این شرح را با خط خود در بالای آن نوشته است: (عکس شماره ۹۲).

نقشه اشقون است که در تاریخ شهر ذی‌الحججه الحرام سنه ۱۳۰۳ کربلائی آقاسی بادکوبه‌ای از تنخواه حقیر بتوسط حاجی سعدالله<sup>۲</sup> خریداری شده است و این نقشه را فرستاده‌اند و جهش را از تنخواه جمعی محمود آباد هشت هزار منات بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند مابقی راهم ایضاً بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند و در حساب حقیر نوشته است... توضیحاً نوشته شد. درست‌راست این نقشه شرحی از لوازم «اشقون» آمده است که درست خوانده نمی‌شود.

#### امامزاده قاسم

در محمودآباد مرکز اهلم رستاق و هرازی

بنائی ساده و ناچیز کنار ساختمان دبستان بود و ارزش تاریخی نداشت.

#### تپه آق محله

در محمودآباد نزدیک پمپ بنزین

تپه ایست قدیمی که اطراف آن را کمی ریگ روان گرفته است.

#### نرگس کوتی

ابتدای راه محمودآباد به بابلسر

بردست راست جاده تپه‌ای بلند است که ظاهراً کوتی قدیمی است.

۳- حاجی سعدالله دماوندی مقیم بندرگز پدر حاجی یعقوب. ۴- آقا محمد حسین یزدی مقیم بادکوبه پدر محمد وکیل التجار، وکیل رشت در مجلس شورای ملی متوفی ۱۳۰۵ قمری (مطالب حاشیه درباره حاجی سعدالله و آقا محمد حسین را آقای دکتر اصغر مهدوی گفته‌اند و عکسها را هم ایشان لطف کردند. از مراحم ایشان متشکرم).

#### قلعه کوتی

در قلایند سرخ‌روده هرازی

دو کوتی نزدیک به یکدیگرند. یکی از آنها بزرگتر و در حدود چهار هکتار سطح بالائی آن است و دیگری کوچکتر و اراضی بالای آن به یک هکتار می‌رسد. قلعه کوچکتر طرف شرق قلعه بزرگ است.

عمارت و باغ حاکم لاریجان معروف به امیرمکرم (میرزا محمدخان)

در دهکده اوجی آباد هرازی<sup>۶</sup>

از عمارت و باغ امیرمکرم کوچکترین اثری برجای نبود و محل آن را ساختمانهای تازه کرده بودند.

تکیه اوجی آباد نیز قدمتی نداشت و اثر تاریخی در آن دیده نشد قسمتی از بنای تکیه به نام «ابوالفضل» خوانده می‌شد و احترام امامزده برای آن قائل بودند.

خانه عباسقلی خان سرتیب لاریجانی

در دهکده اوجی آباد هرازی

میان عکسهای آل‌بوم ناصرالدین شاه عکسی<sup>۷</sup> از سردر خانه عباسقلی خان است که در سال ۱۲۸۳ قمری مطابق بارس‌نیل از سمت جنوب انداخته شده است (عکس شماره ۹۳) از خانه و سردر آن کوچکترین اثری برجای نبود.

#### هفت پلکون (هفت پلکان)

در دهکده معلم‌کلای (ملاکلا) هرازی<sup>۸</sup>

تکیه ایست نسبتاً زیبا (عکس شماره ۹۴) باسقانفاری (عکس شماره ۹۵)

۵- درسرخ‌رود خاندانهای: پروین، شیروی، شیرزاد و گولی زندگی می‌کنند.

۶- متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۲. ۷- عکس شماره

۱۰- ۲۶۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ۸- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳،

معلم‌کلايه از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ذکر شده است.

در مقابل آن. منبری در تکیه است که متولی مدعی بود چون هفت پله دارد، این تکیه به نام «هفت پلکون» خوانده شده است. در صورتیکه خود منبر بیش از پنج پله نداشت. پنجره‌ای مشبک نورگیر بالای در ورودی است که نسبتاً ظریف است این نوشته زیر آن خوانده می‌شد:

بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله وفتح قريب يا علي ادر كني كتبه

طهماسبلی عمل زین العابدین سنه ۱۲۲۷.

در بازدید سال ۱۳۵۰ شمسی در محوطه روبروی تکیه درختان افرا و اوجا وانجیر و انار و تله‌زیتون (شال‌پستونک) و شوخس بود ولی در بازدید سال ۱۳۵۶ درخت افرايي که محیط تنه آن به ۶۰ سانتیمتر می‌رسید با نارنجی که سنسالی قدیمی باقی مانده بود.

درفر هنگ جغرافیائی ایران در این محل امامزاده‌ای نشان می‌دهد. در محل تحقیق شد امامزاده‌ای نداشت.

امامزاده عبدالله

در اراضی رودبار هرازی

بنائی است مستطیل با صندوقی چسبیده در وسط. دری‌کنده کاری حاشیه‌دار دارد پهنای در ۴۲ و بلندی هرلنگه ۱۷۰ سانتیمتر است. درخت چناری که سنسالی در اراضی بقعه بود که گرداگرد تنه آن ۴۹۰ سانتیمتر بود.

امامزاده قاسم

در اورته دشت هرازی

بنائی است مستطیل از آجر، دری ساده و صندوق چسبیده در وسط بناست. ایوانی در جلو بناست که چهارستون چهارسو دارد.

تپه‌ای قدیمی

در دهکده کتی، از دهکده‌های هرازی

فعالاً بالای کتی را خانه‌هایی چند ساخته و دهکده کوچکی بوجود آورده‌اند.

یوسف رضا

در اراضی دهکده کله‌کون (کلبکان) هرازی ۱۰

بنائی مستطیل ساده ایست بابامی شیروانی. درو صندوقی ساده دارد. سه اصله درخت آزاد که که سنسالی بودند در اراضی اطراف بقعه دیده می‌شد.

سید بهاء‌الدین

در گورستان دریا سر هرازی

این گورستان میان جنگل آزاد که سنسالی است. گور سید بهاء‌الدین در هوای آزاد بود و بنائی نداشت. سنگ قبری به این شرح در اراضی گورستان دیده شد:

الحکم لله الواحد القهار آرامگاه مرحوم مغفور مشهدی نادعلی قرقی خلف مرحوم مسلم ۱۳۳۵.

گرداگرد تنه درخت موزی (مازو، بلوط) که سنسالی به ۱۰۵۰ سانتیمتر درخت آزادی به ۴۲۰ سانتیمتر می‌رسید.

باقی بناها و آثار تاریخی هرازی

۱- مزار و گورستانی قدیمی در بسیار سر هرازی.

۲- مزار درویش خانسار واقع در الم‌نور هرازی به تولیت میر مرتضی (طومار دوران صفوی).

۹- کتی ده از دهستان هرازی بخش مرکزی شهرستان آمل دو کیلومتری شمال آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۱۰- هرازی شامل هشت محل به نامهای زیر است: ۱- بسیار سر (بکسر اول) ۲- مین کل مرز (بکسر میم و ضم یاء و فتح کاف و کسر لام) ۳- گنه کل مرز (بفتح کاف) ۴- دریا سر ۵- روپشت ۶- چهار افرا ۷- ویشکلا ۸- الهه (بفتح الف و لام).

## ۷- بناها و آثار تاریخی دابو

### مختصری از جغرافیای دابو

ناحیه دابو در شمال شرقی آمل است . حد غربی آن رودخانه هراز و ناحیه هرازی و حد جنوبی آن ناحیه دشت سر و حد شرقی آن سه ناحیه : ساسی کلام و لاله آباد و جلال ازرك از نواحی بابل است و حد شمالی آن دریاست .

صاحب تاریخ طبرستان می نویسد :

چون رستم بن قارن به پادشاهی بنشست ، رستم دابوی که قارن بن شهریار کور کرده بود ، اما روشنایی برجای بود و پوشیده نگاه می داشت و بر عهد علاءالدوله علی بود ، از آمل با لشکر بسیار با دابوی آمده و به قصر دونکا بنشست و ولایت خود با دست گرفت<sup>۱</sup> ممکن است که این اراضی به علت تملك رستم بن دابو ، در زمان او به این نام شهرت پیدا کرده است.

## ۷- بناها و آثار تاریخی دابو

قلعه ماهانه سر = ماهیه سری دز ( = ماهنه سردز)

در ناحیه دابوی آمل

حسن بن اسفندیار درباره قلعه ماهانه سر چنین می نویسد:

پادشاهی بود که او را « ماهیه سر » گفتندی. سری کوچک داشت و هیچ موی بر سر او نبود. تابستان و زمستان ابداً دستار بر سر پیچیده داشت چنانکه هیچ آفریده سرتوانست دید که چگونه است. جهودی بود نام او « بایی بن فرخ آدین » مادری داشت روزبنت خورشید نام، محتاله ساحره ای که در زمانه مثل او نبود. موضع ایشان به چهار فرسنگی آمل به کنار دریای پشه ایست که این ساعت (۶۰۶ قمری) او را « اسی ویشه » می گویند و قصر و سرای او به دیهی بود که اکنون نیز معمور است « ویلبر » می خوانند میان دیه کیلنگور و شیر اباد پشته ای عظیم بلند و تند است که اکنون « ماهیه سری دز » می خوانند و در حوالی او خندق ژرف و در او آب مطحلب بسیار که هر چه در او افکنی به زمین نرسد، و الا به زورق نشاید گذشت. اگر وحشی در آنجا افتد، هر چه حرکت بیش کند، بزمین بیشتر فرو شود، و از آن جانب که مهب شمال است، عرصه ای دارد که نرگس مفتوح فایق روید که در جهان به بوی آن نرگس نیست و به دیه ویلبر انجیر خسر هانی بودی بهتر از حلوانی. و ماهیه سر که پادشاه بود ظالمی جباری طاغی عاتی مستبدی که اهل ولایت از او ستوه شده بودند و مالهای بسیار جمع کرد و در زیر بناهای آن موضع دفن کرد و در عهد عبدالله بن محمود بن نوح، ابوالعباس که والی طبرستان بود، پیری صد ساله از آن ناحیه پیش او آمد و نشانها

۲- ظاهرأ : ماهیه سر. زیرا ماهن همان ماهین است که با یاء مجهول تلفظ می شود و به معنی همچون ماه است و چون سر این مرد ابداً موی نداشته به ماه تشبیه کرده اند.

داد. ابوالعباس جمله قیاسیان را با امنای خویش به ویلبر فرستاد تا آن گنجها بردارند و بسیار کوشیدند و مالها صرف کرده و روزگار درازبندان مشغول بود، هر وقت به موضعی رسیدندی که علامات آن ظاهر شدی، از جوانب در هم افتادی و مردم را هلاک کردی. هیچ علم و حیلت سودمند نیامد تا عاقبت ابوالعباس ترك فرمود. و آورده اند که بعضی از اکاسره معتمدی پیش ماهیه سر فرستاد که به خدمت ما آید و اگر نه با تو خطابهارود. رسول را بدان جایگاه فرود آوردند و فرمودند تا در تعهد مبالغت نمایند. و طلسمی ساخته بود که روز هیچ بزغ و بنات الماء و وحوش و طیور آواز ندادندی. چون شب در آمدی چندان آوازه های مختلف در دادند که صورت افتادی آسمان و زمین آن موضع در جنبش آمدند.

چون رسول کسری آن شب هول رستاخیز بشنید، چون بیهوشان سراسیمه پرسید که این حالت چیست؟ گفتند نگهبان ملک اند به شب. گفت به روز کجا باشند؟ گفتند به روز آسایش می کنند.

چون رسول کسری باز شد، این حال عرض داشت. او را گفتند تو این حالت به خواب دیدی و خیال بستی که به بیداری یافتی. و به تاریخ برامکه چنان است که این ماهیه سر صاحب انگشتری برمک عبدالملک بن مروان بود و در آن کتاب اول این حکایت نوشتند و نزدیک من دروغ است. سبب آن را که ماهیه سر پیش از عهد مبارک صاحب شریعت بود و عبدالملک از خلفای بنو امیه است. و بسیار حکایت یزدادی از ماهیه سر و پادشاهی او در کتاب خویش آورده است که همه خرافات و افسانه عجایز است. به سبب آنکه نامعقول بود، ترجمه آن نرفت.<sup>۲</sup>

میرظهرالدین کم و بیش مطالب تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار را در کتاب خود آورده است.<sup>۴</sup>

فاضل سمرقندی در ضمن وقایح یورش پنجساله امیر تیمور در مطلع السعدین

۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۴ و ۸۵، ۴- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۰۲.

فتح قلعه ماهانه را بدین ترتیب شرح داده است.

امیر تیمور از آستارآباد نهضت فرموده بعد از چند کوچ جنگلی عظیم پیش آمد. آن حضرت فرمود پیادگان سرراه بگشایند. آنها عرض يك تیر پرتاب را در میان جهت قبول و طرفین را برای برانگار و جو انغار گشودند و حکم شد سید غیاث الدین پیش پدر خود سید کمال الدین رود و او را نصیحت کند که لشکر در آمل تغار دهند. لشکر در آن حدود غله فراوان و چهارپایان فربه یافتند و به جانب ماهانه سرشتافتند و درختها از بیخ کنده و چوب و خاشاک بر لایها انداخته و نمدپلاس بر آنها افکنده چنان راه می ساختند که سوار می گذشت و بعضی جاها از روز تا شب به سعی بسیار نیم فرسنگ راه طی می شد و در فرود آمدن نیز زحمت بود در بیست و هفتم ذی قعدة قراولان طرفین جنگ سخت کردند و امیر شیخعلی بهادر زرمهای دلیرانه نمود. عاقبت سید کمال الدین و عماد الدین از قلعه ماهانه سر بیرون آمده، امان طلبیدند. امیر تیمور فرمود ملتمس را مبدول می دارم اما چون مهتران این ولایت یاغیگری کرده اند باید فرزندان خود را با مالیات چند ساله پیش ما فرستند تا پدران را امان دهیم. اهل قلعه این سخن شنیده فوراً نقاره جدال زدند.

و ماهانه سر قلعه ایست در چهار فرسنگی آمل به جانب دریا و نزدیک آن بر بلندی حصنی حصین ساخته اند که يك طرف به دریا پیوسته جانی که مغالک است از موج دریا پر آب شده، حکم دریا داشت نزدیک به میلی چنانکه از جمیع جوانب آب دریا قلعه را احاطه کرده بود و گرد قلعه درختهای بلند نزدیک به یکدیگر سر به هم فرو برده بودند و از شاخها که بر هم بافته بودند، درختها را به هم بسته و استوار ساخته حصارى دیگر بر افراخته.

امیر تیمور قشونها ترتیب داد. مردان جلد باتوق و علم و نقاره در کشتیها که پیر پادشاه و ارغونشاه و شیخ علی قراکولی گرفته و با غله که در آن بود آورده نشانده. روی دریا از برق شمشیر و سایر اسلحه چون

آفتاب می درخشید و نفیر و غریو کوس پرده گوش می درید و افواج لشکر چون امواج بحر اخضر اطراف و جوانب حصار را برآ بحرأ فرو گرفتند و آن روز جنگی شد که زبان از شرح آن قاصر است. حصار بیرون مسخر شد و خصمان به قلعه گریختند. امیر تیمور در غرة ذیحجه فتح قلعه را جاسازم گشت. لشکریان جنگهای سخت کردند و بعد از هشت روز محصورین عاجز شده، اهالی حصار روبه درگاه فلك اقتدار نهادند. نخست سید کمال الدین و سید رضی الدین و فرزندان بیرون آمده. در اول ملاقات بواسطه عقاید بد که بدیشان نسبت می دادند، امیر تیمور سخنهای درشت به آنها گفت و بعد به حسن اکرام و بذل انعام همه را نواخته، فرمود می باید معتقدات پدر را ترك کرده، بر طریقه سنت و جماعت زندگی کنید. . . . چون حکام ساری و آمل هر چه داشتند از ذخایر و نفایس و متمولان آن دیار و تجار که از اطراف بلاد و امصار رسیده بودند، به استظهار مناعت حصار به قلعه در آورده بودند لاجرم غنائمی که به دیوان اعلی رسید، هفتصد شتر بار نقره بود غیر طلا و آلات زر و نقره و رخوت از کتان و سقر لاط و غیرها و بعد از آنکه قلعه را به جاروب غارت پاک روفته و اطراف آن را کوفته بودند توده خاک ساختند و در تاریخ فتح قلعه ماهانه سر این رباعی ثبت افتاد:

ای آنکه تراست مکرمت خوی و خصال

وز قلعه ماهانه سرت هست سؤال

هشت از مه ذیحجه برو تادانی

تاریخ مه و سال گرفته به کمال<sup>۵</sup>

راینو عبارتی چند از تاریخ طبرستان ابن اسفندیار را در سفرنامه خود آورده

و مطلب تازه ای به آن نیفزوده است،<sup>۶</sup>

۵- مطالب از مطلع السعدین است به نقل از التودین ص ۱۱۰ و ۱۱۱. ۶- ترجمه سفرنامه مازندران و آستارآباد ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

## عمر کلاده

## در حدود ونه بن دا بو

ابن اسفندیار می نویسد که در زمان مهدی خلیفه پس از سعید بن دعلج، عمر بن العلاء نوبت دوم به مازندران فرستادند. دیه عمر کلاده را که به حد ونه بن نهاده او بنیاد افکند.<sup>۷</sup>

سید ظهیر الدین در این باره می نویسد: «قریه عمر کلاته در ولایت دابوی آمل ساخته عمر بن العلاءست و آنجا قصری و بازاری ساخت»<sup>۸</sup>.

## قصر دونکا

## در دابوی آمل

هنگامی که اسپهبد علاءالدوله علی در خدمت سلطان سنجر بود، خیر مرگ پدرش - شهریار - بدورسید. سلطان سنجر او را دلدهی داد و از عزا بیرون آورد. خیر مرگ برادرش را آوردند و بدو رساندند که برادرزاده‌ات به پادشاهی نشست. چون رستم - برادرزاده او - به پادشاهی بنشست، رستم دابوی که قارن بن شهریار او را کور کرده بود اما روشنائی برجای بود و پوشیده می داشت به دابوی آمد و در قصر دونکا بنشست و ولایت خود به دست گرفت.<sup>۹</sup> در صفحه ۱۰۸ تاریخ طبرستان باز سخن از قصر دونکا است که در دابوی است.<sup>۱۰</sup>

در این قصر است که فخرالدین گلپایگانی شیبی شراب خورد و بر اثر مستی خود رابه کشتن داد. داستان آن از این قرار است:

فخرالدین گلپایگانی هوای آن کرد که از خدمت اسپهبد فخرالدوله بگریزد و فتنه انگیزد. خدمتکاران او فخرالدوله را در سر این حال معلوم گردانیدند و فخرالدین اجازت می خواست که به گلپایگان خواهد شد. فخرالدوله را این سخن تحقیق پیوست تا شبی به قصر دونکا شراب خورد و نوبت بعد نوبت فخرالدوله را تشریف می داد. چون

۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۲. ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ و تاریخ رویان ص ۴۵. ۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲. ۱۰- همین کتاب ص ۱۰۸.

از مستی بی خبر شد و بیفتاد فخرالدوله فرمود که او را بر اسب نشانند و به رود بست از آن جانب رود باول وثاق معین بود. جماعتی رابه نیمه پل نشانده بود. چون به میانه پل رسید معتمدان شاه او را سرو پا گرفته و در جوی باول انداختند بامداد زیر دونکا به سیاه مجدها می به دام باز افتاده نهاده بود. از آنجا بیرون کشیدند و شاه را معلوم کرده که دوش مست بی خبر بوده است تکیه کرد و در باول افتاد بفرمود تا تعزیت داشتند.<sup>۱۱</sup> در صفحه ۱۶۷ باز سخن از قصر دونکا به میان آمده است.<sup>۱۲</sup>

## گور فخرالدین گلپایگانی

## در سیاه مجد دابوی

پس از اینکه اسپهبد فخرالدوله دستور داد تا فخرالدین گلپایگانی را از روی پل بابل به آب انداختند، بامداد روز بعد زیر قصر دونکا در محلی معروف به سیاه مجد جسد او در دام گشاده ماهی افتاده بود او را بیرون آوردند و در مسجد سیاه مجد به خاک سپردند و گور او تا حدود سال ۶۰۶ قمری برجای بوده است.<sup>۱۳</sup>

## قصر شاه غازی رستم بن علی

## در قراکلاده دابو

شاه غازی رستم مردی مدبر و عاقل و جنگجو بود جنگهای پیاپی او استندار کیکاوس و فخرالدوله گرشاسف را به ستوه آورده و علیه او قیام کردند. این داستان در تاریخ طبرستان چنین آمده است:

استندار کیکاوس با فخرالدوله گرشاسف به مصاف دهستان با یکدیگر بیعت کردند که من به رویان زمین در او عصیان کنم تا تو به گلپایگان عصیان کنی که ما از دست پیکار او ستوه افتاده ایم و طاقت برسید و یک روز

۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹. و در کتاب التدوین ص ۶۱ و ۶۲ شرح کاملتری از این قصه تاریخی است و مطالب دیگری در باره قصر دونکا دارد. ۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۷. ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹.

مارا از پادشاهی و عیش و تبع ولایت خویش تمتع نیست و عاقبت در میان لشکر او یا کشته یا گرفتاریم و نشان میان ما این است که تو استرآباد به دست گیری تا من آمل . هر دو به مقام [ خود ] رسیدند . استندار کیکاوس به آمل آمد و به قراکلاده<sup>۱۴</sup> قصر او بسوزانید و حشم آمل او را بیرون کردند و فخرالدوله به استرآباد آمد و غارت کرد و با گلپایگان شد...<sup>۱۵</sup>

در صفحه ۱۵۵ تاریخ طبرستان باز نام قصر قراکلاده یاد شده است این قصر در اول به دست حسام الدوله اردشیر ساخته شده بود و مدتها مقر اسپهبدان طبرستان بوده است.<sup>۱۶</sup> مولانا اولیاءالله در این باره چنین می نویسد:

حسام الدوله اردشیر بن کینخوار بن شهریار بن کینخوار بن رستم - بن دار بن شهریار مرکز حکومت را از ساری به آمل آورد و این خانه که در قراکلاده الی یومنا هذا (۷۶۴) مقرر ملوک بود و ایوان و بارگاه بربلجوی هر هز ساخته ملک اردشیر عمارت کرد.

وقتی در آنجا تفرج می کردم در تصویر کتیبه و نقش دیوار به خط طومار قصیده ای مطول از گفته سراج الدین قهری نبشته بود ملامع، مطلعش این بود .

وصل العبد الی مقدم کسری الثانی

ملک العادل ذی العزة والبرهان

باسط الجود علی الکاشح والخلان

صادق الوعد فلا یخلف کالاخوان

اردشیر آن شه بردل که گه بخشش و جنگ

نگذارد اثر از هستی دریا و نهنگ

۱۴- این قراکلاده ظاهراً با قراکلای امروز قابل تطبیق است. قراکلاده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال خاوری آمل ( فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ ).

۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۹۶ . ۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۵ .

آنکه بهرام فلک روی سوی گور نهد

چون وی از کیش بر آرد به گه جنگ خدنگ<sup>۱۷</sup>

دخمه شرفی خواهر اسپهبد شاه غازی رستم معروف به خانقاه مادر اسپهبد اسفندیار در قراکلاده دابو

در مخالفتی که اسپهبد شاه غازی رستم با امیر شهریار - امیر شلاب<sup>۱۸</sup> - کرد بزرگان طبرستان شفیع شدند و میانجیگری کردند شرح این قصه به قرار زیر است:

شاه غازی رستم، سید باعلی شجری و زین الدین را بدین مهم اختیار کرد و پیش امیر شهریار فرستاد. امیر شهریار به آمل فرستاد و قاضی القضاة تاج الاسلام ابو معمر و ناصر بزرگ و معارف و سادات را پیش اسپهبد فرستاد. گفتند اعتماد بر این است که دعا گویان گویند. دختر اسپهبد را به جهت شهریار بخواستند. اسپهبد با چمنو شد تا وعده بگذشت و سهراب - بن رستم را که عم زاده بود به کو توال فرستاد با خاصگان خویش و امیر شهریار با قلعه بردایشان را و او به زیر آمد و اسپهبد خواهر خود «شرفی» نام را بدو داد زنی بود که عفاف و ظلف و دیانت او در جهان مشهور است و آثار خیر او هنوز (حدود ۶۰۶) باقی و ولیکان ملک اوست به زر خریده و خلاف از این هشتاد پاره دبه بود به روستاق آمل و چهل پاره به دیگر نواحی و املاک حلالی که به عهد شاه غازی و حسن و اردشیر به تصرف ایشان بود و آسیا در شهر آمل هفت پاره و دکانها و گرما بهها که به عهد ما بود و جدا گانه عمل و مستوفی و مشرف و شحنه و جمله پولها و رباطها و سنگ بست که شاه غازی و دیگر ملوک کردند از محصول ملک حلالی این زن بود او را دو دختر بماند از این شهریار و یک پسر. اسپهبد علاءالدوله حسن، پسر را بکشت و شام اردشیر دختر را یکی به اسپهبد ابو جعفر اترب داد و یکی به پسر پادشاه هزبرالدین خورشید - گرشاسب نام - و بعد پدر شاه غازی از او دو ستر هیچ خواهر نداشت و چون به آمل بود هر روز پیش او آمدی و با او بنشستی و

۱۷- تاریخ رویان ص ۱۰۸ و ص ۱۲۵ . ۱۸- چلاب امروزی.

مشورت کردی. او از شاه غازی مهتر بود به سال ودخمة اوبه قراکلاته هنوز (حدود سال ۶۰۶ قمری) باقی است معروف به خانقاه مادر اسپهبد اسفندیار.<sup>۱۹</sup>

#### قلا

میان هکردکل ۲۰ و وولیک رود ۲۱ دابو

اراضی بالای کوتی در حدود شش هزار متر است. پاره آجرهایی به قطر ۵/۳ سانتیمتر و آجرهای کلفت تری به قطر ۵/۶ سانتیمتر بر بالای کوتی زیاد بود. سفال شکسته های بام که روزی بام بنا های قلعه را می پوشانده فراوان در این اراضی دیده می شد. مردم فری کنار سابقاً برای تهیه آجر به این قلعه می آمدند. آجر فراوانی از اینجا برده اند و در جاهای آب فری کنار کار کرده اند. راه رسیدن به این قلعه از طرف جاده محمود آباد به بابلسر بسیار مشکل و گل ولای آن به قدری بود که تا زانو در گل می نشست. یکی دوجا برای عبور از نهرهای پهن و فرعی هراز از ناو استفاده کردیم. احتمال می رود که این خرابه های قلعه ماهانه سر باشد که به علت عقب نشینی دریا، از حاشیه دریا دور افتاده باشد والله اعلم.

#### قلا کوتی

در شاه کوتی ۲۲ دابو

کلمه کوتی که با نام این دهکده ترکیب شده است یادآور خاگریهای دستی قدیمی است. احتمال دارد که دهکده کنونی بر محل قلعه ای قدیمی ساخته شده باشد.

#### تپه ای قدیمی

در محل شهرکتی ۱۲ از دهکده های دابو

نام این دهکده یادآور تپه های دستی این دشت است. ظاهراً این دهکده بر روی تپه ای قدیمی ساخته شده است.

#### قلعه کوتی

دهکده ای از دهکده های دابو

نام قلعه کوتی که ده کوچکی از دهکده های دابو است یادآور تپه های دستی دشت دابو است که قلعه های قدیمی بر آنها ساخته می شده است.

#### قلا کوتی = کافرکتی

در جزین ۱۴ از دهکده های دابو

راه جزین از آهنگر کلا یا از پیش محله است. دهکده جزین را گاهی جزء ناحیه جلال ازرك بابل به حساب می آورند. تپه ای قدیمی در اراضی این دهکده است که بالای آن در حدود یک هکتار زمین است. آثار آب انبار نیز دیده می شود.

#### تکیه و سقا نفار

در شیر محله ۲۵ دابو

بنای تکیه قدیمی را خراب کرده بودند و تکیه ای نوساز به جای آن ساخته بودند. از آثار قدیمی منبری در این تکیه بود که بر تکیه گاه آن این عبارات خوانده می شد:

۲۳- شهرکتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل سیزده کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳). ۲۴- جزین (بفتح جیم) ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۲ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳)  
۲۵- شیر محله ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل پانزده کیلومتر و نیم شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) شیر محله جزء شش آبادی «ده فری» است: ۱- نوائی محله. ۲- کوچک بیشه محله. ۳- بزرگ بیشه محله. ۴- شیر محله. ۵- پنه کنار. ۶- ده فری.

۱۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۶ و ۷۷. ۲۰- بکسر هاء و کاف و دال و کاف دو م.  
۲۱- ولیک ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۸ کیلومتری شمال شرقی آمل.  
(فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) ۲۲- شاهکتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل یازده کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳).

هو الواقف علی الضماير وقف لذریه حضرت خامس آل عبا نمود  
کربلائی محمد آقا خلف مرحوم کربلائی الله قلی بتاریخ محرم ۱۲۳۴.

سقانفار تکیه شیرمحلہ

سقانفارها معمولا دو طبقه اند. طبقه زیرین آنها گاهی بنا و ساختمان و زمانی پایه‌های قطور چوبین است که طبقه دوم بر آنها استوار است. از پلکانی از طبقه پائین به طبقه بالا می‌روند. پلکانها معمولا چوبی هستند. در محلی که پلکان وارد طبقه دوم می‌شود محفظه‌ای است جداگانه که در این سقانفار ۱۲۰ × ۳۰۰ سانتیمتر بود. وسط سقانفار محفظه ایست جداگانه مستطیل شکل که در این سقانفار به ابعاد ۳۰۵ × ۴۲۷ سانتیمتر بود دور این محفظه میانین غیر از محلی که پلکان وارد طبقه بالا می‌شود راهروئی به پهنای یک متر است. در این سقانفار چهار ستون در هر یک از اضلاع شمالی و جنوبی و سه ستون در هر طرف شرقی و غربی است. سقف آن دو چکش-گردان داشت که تیرهای خوش تراش نیم دایره‌ای بر آنها تکیه داشت.

تکیه و سقانفار

کاردگر محله = کاردی محله ۲۶ = از دهکده‌های دابو

از تکیه قدیمی اثری برجای نبود. سقانفار ظریف و قدیمی و پر کار آن در جلوی تکیه بود. بر طبقه دوم سقانفار نقاشیهای بسیار ظریف دیده می‌شد. منبری سیاه‌پوش در طبقه دوم بود و در و دیوار آنرا از داخل سیاه پوشانده بودند دوسه نفری در طبقه بالا نشسته بودند تا گره از کار فرو بسته ایشان گشوده گردد.

بقعه‌ای

در بامر کلاهی دابو

در این بقعه آثار تاریخی قابل ذکری نبود. بنای بقعه میان جنگلی از درختان کیش و او جاو گردواست. گرداگرد تنه یکی از درختان او جاو به ۳۱۷ سانتیمتر می‌رسید.

۲۶- کاردگر محله ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۸ کیلومتری شمال شرقی آمل ۶ کیلومتری جنوب فری کنار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

پلم کوتی ۲۷ - پلم کوتی ۲۸  
دهکده‌ای از دهکده‌های دابو

در جاده جدید آمل به بابل در محلی به نام دریا باری جاده پلم کوتی جدا می‌شود و به این دهکده می‌رود. اراضی دهکده در تملک غلامعلی خان ناصری است این تپه امروز به نام «قل تپه» شهرت دارد.

بقعه امامزاده مطهر

در دهکده مطهر دابو

از جاده جدید آمل به بابل به «الشا» و از آنجا به مطهر می‌روند. بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی نوساز هشت ضلعی دوبندو برابر به جای آن ساخته بودند. در و صندوق آن هم تازه بود (عکس شماره ۹۶).

بقعه امامزاده قاسم

در اراضی پهبین ۲۹ از دهکده کمانگر کلاهی ۲۰ دابو

در بررسی تیرماه ۱۳۵۶ شمسی در این امامزاده آثار تاریخی دیده نشد. در مقابل بنای بقعه، زبان گنجشکی بود که گرداگرد تنه آن به ۳۲۲ سانتیمتر می‌رسید.

بقعه سید نورالدین

در اراضی پمبه جار مرزنگوی ۳۱ دابو

بنائی است مستطیل شکل. در ورودی مسجد و حفاظ جلو آن چوبین و مشبك

۲۷- سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ترجمه ص ۱۵۳. ۲۸- پلم کوتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۹- بفتح پ. ۳۰- کمانگر کلاهی ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۶ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۳۱- بفتح میم و زاء: مرزنگوده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

است. در ورودی حرم نسبة قدیمی است. پهنای آن ۴۲ و بلندی آن ۱۵۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۹۷) صندوقی مشبك در وسط بنا است. سقف بنا دوچکش گردان دارد و تیرهایی که تراش نیم دایره‌ای دارند بر این چکش گردانها استوارند. بالای تیرها تخته کوبی است. لبه بنا سه چکش گردان و یک پشته دارد. بام حلب پوش است. سقائفاری ساده جلو بنا است.

چنانکه معروف است صومعه میر بزرگ در دهکده مرزنگو بوده است.

#### کوتی

#### در قیاس کلای دابو

بالای این کوتی به هزار متر مربع می‌رسد. آثار بنا در آن دیده نشد.

#### قلا

#### در دهکده جاله کلای دابو

اراضی بالای این خاک ریز بیش از هزار متر است.

#### باقی بناها و آثار تاریخی دابو

۱- گورستانی قدیمی در افراسرا نزدیک پل سرخ رود در جاده محمود آباد به بابلسر.

۲- گبر کوتی در شیر محله دابو.

۳- قلعه‌ای کوتی مانند نزدیک گالش پل در راه آمل به محمود آباد.

۴- قلا در مریج محله که از راه درویش خیل می‌روند.

۵- تکیه‌ای قدیمی در دیوکلای پائین.

۶- بقعه‌ای به نام درویش در دنگه پیا. از راه حسین آباد کنار راه جدید آمل

به بابل به دنگه پیا می‌رود.

۷- امامزاده‌ای در اشکار کلا. از راه مرزنگو می‌توان به اشکار کلا رفت.

۸- امامزاده طاهر بن موسی الکاظم علیه السلام در بانصر کلای دابو به تولیت

ملا محمد علی و مولانا عبادی (طومار دوران صفویه).

۹- امامزاده قاسم بن امام موسی الکاظم واقع در دابوی بزرگ به تولیت

درویش اسکندر دابوئی (طومار دوران صفویه).

بخش دوم  
بناها و آثار تاریخی بابل و اطراف آن

www.tabarestan.info  
تبرستان

مختصری از جغرافیای تاریخی شهر بابل

مامطیران = مامطیر = بارفروشه = بارفروش = بابل

ابن الاثیر (۶۵۰-۶۳۰) درباره ضبط مامطیر می‌نویسد «بفتح المیمین بینها الف ساکنه وبعدها طاء مهمله مکسوره و یاء ساکنه من تحتها وفي اخرها راء»<sup>۱</sup>  
چون اللباب ابن الاثیر تهذیبی از الانساب سمعانی است، بنابراین باید سمعانی (متوفی ۵۶۲) را نخستین کسی دانست که به ضبط مامطیر تصریح کرده است.<sup>۲</sup>  
ابن الاثیر می‌نویسد که مامطیر شهرکی در ناحیه آمل طبرستان است که از آن گروهی از اهل علم برخاسته‌اند.

ویاقوت درالمشترک درباره رودخانه باول (بابل) که نام فعلی این شهر از آن گرفته شده است از قول سمعانی می‌نویسد:

بیکنده قریة بطبرستان علی طرف باول و هونهر کبیر ذکرهما معاً

سمعانی.<sup>۳</sup>

ابوالفدا (متوفی ۷۴۲) در کتاب تقویم البلدان که در سال فوت خود به پایان رسانده است در بیان فواصل شهرهای مازندران می‌نویسد:

از مامطیر به ساریه که هر دو از خاک طبرستانند شش فرسنگ است  
و از مامطیر تا شهر آمل که بزرگترین شهر طبرستان است شش فرسنگ است

۱- اللباب فی تهذیب الانساب چاپ قاهره جزء ثالث ص ۸۹. ۲- شهر بابل ص ۱۱۵.  
۳- المشترک وضعاً والمفترق صفا ص ۷۸.

و از آمل تا الهم که بر ساحل دریاست چهار فرسنگ و از الهم تا چالوس که بر ساحل دریاست<sup>۴</sup> پنج فرسنگ و این آخر حد طبرستان از طرف غرب است. و آخر حد شرقی آن همیشه است و مجموعاً چهل فرسنگ طول تمام طبرستان است.<sup>۵</sup>

ظاهراً در زمان سیدظهیرالدین است که نام مامطیر به بارفروش ده تغییر پیدا کرده است. او در این باره می نویسد:

از مامطیر آن که اکنون (سنه ۸۸۲) به بارفروش ده مشهور است گذشتند و به کنار بول رود لشکرگاه کردند. از ساری به طرف آمل مسیر چنین است.<sup>۶</sup> گفته اند که ماده تاریخ بنای این شهر کلمات «کلاج مشهد» است که به حساب جمل سال ۵۴۰۳ ق. خواهد شد.<sup>۷</sup> اما این گفتار صحیح به نظر نمی رسد. زیرا این شهر از شهرهای قدیمی طبرستان است.

بارفروش از نظر ایت در سال ۱۲۶۰ ه. ق.

بارفروش مرکز مازندران است با اینکه ساری محل اقامت حاکم است پس از خواندن شرحی که فریزر درباره این شهر نوشته است، اگر مسافری این شهر را به آبادی زمان فریزر نبیند تعجبی نخواهد داشت. فریزر این شهر را در سال ۱۲۳۷ قمری = ۱۸۲۲ میلادی دیده است. مرض طاعون اخیر و دور افتادن این شهر از مسیر تجاری باید تغییراتی در آن داده باشد. اما این شهر هیچگاه بزرگتر از این نبوده است زیرا اطراف آن خرابه هائی نیست تا وسعت قدیم آن را نشان دهد. جمعیت کنونی از شش هزار خانواده بیشتر نیست و شهر به سی و دو محله تقسیم می شود. تمام شهر پوشیده از درخت است و کمتر منطقه ای از آن در یک نظر دیده می شود. شهر در زمینی صاف و هموار است و خیابانها و کوچه های

۴- چالوس ظاهراً هیچگاه بر ساحل دریا نبوده است. ۵- تقویم البلدان ص ۴۳۷. ۶- تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۶۰. ۷- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۷۹ ب.

نامنظمی دارد که در زمستان پر از گل و لای است و اسب تا زانو در گل می رود. بازار اینجا خیابانی صاف و مستقیم است، نه فراوانی نعمت دارد و نه زیباست. چهارصد تا پانصد دکان دارد که هفتاد دکان آن اجناس اروپائی و محلی می فروشند. تعداد تجار شهر بالغ بر صد نفرند. تجار اینجا نسبت به تاجران سایر شهرها کم مایه ترند. چهل یا پنجاه تن ایشان اهمیتی دارند. بیست و پنج تن ایشان با تجار هشتارخان ارتباط دارند. شهر دارای دوازده کاروانسرا است که چهار باب آن در بازار است و تجار در آنها مشغول تجارت اند. کاروانسراهای دیگر بارانداز کاروانیان است. گمرک خانه و راهدارخانه ندارد. شهر بارفروش زیاد قدمتی ندارد. سابقاً دهکده ای بیش نبود و اخیراً محل تجارت شده است. ساکنان اینجا مثل مردم آمل به بیلاق نمی روند. در این شهر شصت تا هفتاد خانوار یهودی است. خانه های بارفروش را از آجر ساخته اند و معمولاً باغ مرکباتی متصل به خانه هاست.<sup>۸</sup>

رضاقلی میرزا درباره بارفروش (بابل) می نویسد:

بارفروش در قدیم دیهی بوده و بارهائی که با کشتی از حاجی - ترخان به بندر مشهد سر می آورند، به آن دیه حمل و می فروخته اند. لهذا این قریه موسوم به بارفروش ده شد. بتدریج جماعتی از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد. در عهد محمدبن خالد بازار و عمارت یافت. در سال ۱۶۰ مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد کرد. مشتمل است بر مساجد و عمارات و مدارس و دکاکین و سراها و بیوتات. جمعیت آن زیاد و از ساری به دریا نزدیکتر است. این بنده مدت هفت سال در ایسام طفولیت در این شهر می زیسته ام<sup>۹</sup>

۸ - Abbott, K. E.: Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian sea to Tehran. PP. 39 & 37.

۹- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۳ ص ۴۲.

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به مازندران در سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره شهر بارفروش چنین نوشته است:

شهر بارفروش از بلاد معظمه مازندران و پر جمعیت و مرکز تجارت شده است و کاروانسرا و دکاکین معتبره دارد. در حوالی شهر دریاچه مانندی از آب رودخانه تشکیل یافته است. وسط این دریاچه جزیره ایست که بواسطه جسر ممتدی که پایه های آن از آجر و روی آن تخته است جزیره را وصل به ساحل سمت بارفروش می کند. در این جزیره درازمته سابقه و عهد سلاطین صفویه علی الخصوص شاه عباس، بناهای خوب نموده بودند اما مروردهور ویران و باز بدین سان کرده بود. سفر اول که اینجا آمدم، حکم به تعمیر بحر الارم نمودم حال (سال ۱۲۹۲) تمام شده است. عماراتی است مشتمل بر دیوانخانه عالی و حرمخانه و حمام و باغ وسیع و بیوتات متفرقه. در اینجا منزل شد. در این دریاچه بحر الارم انواع و اقسام طیور آبی موجود است. سطح دریاچه پوشیده از گل نیلوفر آبی است که بر گهای بسیار بزرگ و گل سفید معطر ی دارد.<sup>۱۰</sup>

سپس به مطالب بالا می افزاید:

شهر بارفروش چنانکه ذکر شد بسیار آباد است. تمام کوچه ها سنگ فرش و تمیز و خوب است.<sup>۱۱</sup>

در زمان ملکنوف شهر بارفروش (بابل) دارای بیست مدرسه بوده است و محلات و گذرگاههای شهر را چنین نام برده است:

سبز میدان، محله خیابان حرم، رودگر محله، سید جلال، چهارشنبه پیش، قصاب کلا، بی سرتکیه، اوجاق بند (= اوجابن)، دار شهدا، مراد بیک، زرگر محله، هفت تن، اغارود، آهنگر کلا،

۱۰- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۲.

۱۱- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.

نقیب کلا، پنج شنبه بازار، ازداربند، شاه زنگی، گلشان<sup>۱۲</sup>، طوقداربند (= توغ داربن)، پیاکلا، درویش خیل، دباغ خانه پیش، کوره سر، سرحمام آقاحسن، سید ذوالعبدین، حصیرفروشان، قراکلا<sup>۱۳</sup>، زینمکی، چوب باغ، باغ باد محله، میان کاتی، بیدآباد، میان دسه<sup>۱۴</sup>، قبرستان محمد، شمشیرگر محله، شاه کلا، هستکلا<sup>۱۵</sup>، کلاج مشهد، یهودمحله، بیج ناجی، رزیاکلا، آستانه، شعرباف محله، باب ناظر، محله میرزا-کوچک، قاضی کتی، درزی کتی، تکیه ارباب، ابومحله<sup>۱۶</sup>.

رابینو شرحی از محله ها و گذرها و سایر بناهای شهر بارفروش (بابل) به این ترتیب نوشته است:

شهر بارفروش سی و پنج محله دارد: ۱- سرحمام- ۲- بیج ناجی ۳- قصاب کلا ۴- قراکلا<sup>۱۷</sup> ۵- رزیاکلا ۶- چهارشنبه پیش ۷- رودگر- محله ۸- آهنگر کلا ۹- اوجاق بند ۱۰- آستانه ۱۱- نقیب کلا ۱۲- حصیر- فروشان ۱۳- سرحمام کاظم بیک ۱۴- شعرباف محله ۱۵- باب ناظر ۱۶- مراد بیک ۱۷- محله میرزا کوچک ۱۸- شاه کلا ۱۹- مسجد جامع شنجریه ۲۰- قاضی کتی<sup>۱۸</sup> ۲۱- یهود محله ۲۲- بیدآباد ۲۳- سید جلال ۲۴- طوق داربند ۲۵- ورز کتی<sup>۱۹</sup> ۲۶- سبز میدان ۲۷- شهدا ۲۸- تکیه ارباب ۲۹- پیاکلا ۳۰- درویش خیل ۳۱- دباغ خانه پیش ۳۲- هسکا کلا<sup>۲۰</sup> ۳۳- بی سرتکیه ۳۴- سرحمام نسائی ۳۵- ابومحله ۳۶- شمشیرگر محله اینها محلات و گذرهای بارفروش است.<sup>۲۱</sup>

۱۲- بضم گاف . ۱۳- بضم قاف . ۱۴- بفتح دال و تشدید سین.

۱۵- بفتح هاء و سکون سین و کسر تاء . ۱۶- ملکنوف متن روسی صفحات ۱۳۲ تا ۱۶۲ . در نسخه عکسی ملکنوف ص ۸۱ ب یادى از قاضی کتی و درزی کتی شده است.

۱۷- بضم قاف . ۱۸- بضم کاف . ۱۹- بفتح واو وراء و ضم کاف .

۲۰- بفتح هاء و کسر و تشدید سین . ۲۱- سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۱۷.

امامزاده شش آستانه، تکایا چهل و هشت باب، مسجد دوازده باب،  
مدرسه شش باب، حمام چهارده باب، کاروانسرا یازده باب، دکاکین  
چهارصد و شش باب.<sup>۲۲</sup>

#### محلات کنونی بارفروش = بابل

بی سرتکیه، مسجد جامع، گلشن، شاه کلا، افراداربن، کلیمیه، طوقسداربن،  
سرحمام، پنجشنبه بازار، باقر ناظر، پیر علم، بیدآباد، کاسه گرمحله، چاله زمین، سر-  
حمام آقا حسن، آهنگر کلا، رضی کلا، چهارشنبه پیش، سنگ پل، همت آباد، درویش-  
تاج الدین، مؤمن آباد، سید جلال، ابو محله، شمشیر محله، مراد بیگ.  
در سال ۱۳۰۶ شمسی به امر رضاخان شهر بارفروش به نام بابل خوانده شد.  
این نام ظاهراً از بابل رود گرفته شده که از کنار این شهر می گذرد.  
در تابستان ۱۳۰۹ دست به نوسازی این شهر زدند و خیابانهای تنگ آن را  
خراب کردند و خیابانی چون خیابان شاهپور و نظایر آن ساختند. (عکسهای شماره های  
۹۸ و ۹۹) دو منظره از این نوسازیها را نشان می دهد.

#### نهرهای بارفروش

#### و شبکه آبیاری آن

- ۱- نهر کبیر کاری که در کره سنگ از رودخانه هراز منشعب می شود، دوسوم  
زراعت بابل را آبیاری می کند.
- ۲- از نهر متالون که از رودخانه تالار جدا می شود مقداری استفاده می شود.
- ۳- کلارود که از ارتفاعات میان بند سرچشمه می گیرد مقداری از کشتزارها را  
آب می دهد.
- ۴- بابل رود و سجادرود (سجادرود) نیز مزارع زیادی را آبیاری می کنند.  
(شهر بابل ص ۷۶)

۲۲- سفرنامه مازندران و استرباد ص ۱۱۸.

اراضی زارعی بابل دارای دو آب بخشان است. یکی از آنها در قرآن نفار  
است که از جاده مشهد گنج افروز به بیمارستان دانشگاه و مرزی کلا و قرآن نفار  
می توان رفت. دیگری در شرق بابل در دهکده تروت (بکسر تاء) است.

## ۱- بناها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)

بازار قدیمی مامطیر (بارفروش)

محمد بن خالد که والی ولایت بود، بازار فرو نهاد و بیشتر عمارت فرمود.  
در سنه ۱۶۰ مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد نهاد و شهر گردانید.<sup>۲۳</sup>

پشته ازرق دون

در بارفروش ده (بابل)

سید ظهیرالدین می نویسد که پشته ایست در بارفروش ده، به نام ازرق دون که  
محل عمارت و خانه خاندان جلال ازرق است.<sup>۲۴</sup>

ظاهراً پس از اینکه مرعشیان خاندان جلالیان را برانداختند خود در همین  
عمارت سکنی گزیده اند. زیرا در جاهای دیگر سید ظهیرالدین می نویسد:  
پشته ایست که آن را ازرق دون گویند آن محل عمارت و خانه سید کمال الدین  
است.<sup>۲۵</sup>

۲۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۳ . ۲۴- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ  
درن ص ۳۷۷ . ۲۵- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۷۰ .

مشهد مبارك امام دادرس

در بارفروش ده

سید ظهیرالدین در فصلی که درباره حبس سید اسدالله و دادن حکومت آمل را به فرزندان سید حسن می نویسد که سید هیبت الله در ربیع الاول سال ۸۷۹ به مشهد امام دادرس آمد و از سید اسدالله خواست که برای مشورت در امری واجب بدانجا بیاید و این زیارتگاه گرداگرد آن آب می باشد، هر که اراده آستان بوسی دارد به کشتی نشسته می باید رفت. سید اسدالله و فرزندانش سید حسین و سید علاء الدین رکابی به کشتی نشسته به حرمسرای مبارك رفتند.<sup>۲۶</sup>

میدان بارفروش ده

میدان بار فروش (بابل) از میدانهای قدیمی صفحات مازندران است زیرا در تاریخ خاندان مرعشی دوسه بار از آن یاد شده است.<sup>۲۷</sup>

عمارت میرسلطان مراد خان با مسجد و حمام

در بارفروش ده (بابل)

میرسلطان مراد خان در بارفروش ده عمارتی داشت و مسجد و حمامی ساخته بود که وقف مشهد مقدس بود. در قیام غریب شاه و تسلط مردم مازندران بر رستمدریها، ملك سلطان محمد رستمدری که از فتح مردم مازندران خبر شد به آمل آمد و کوتوال تازه برای قلعه تعیین کرد. از آنجا به بار فروش ده رفت و عمارت و مسجد و حمام میرسلطان مرادخان را خراب کرد و به جای آن قلعه ای بساخت و مدت دو ماه به اتمام رسانید.<sup>۲۸</sup>

۲۶- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۷۷ و ۳۷۸. ۲۷- تاریخ خاندان مرعشی

مازندران صفحات ۱۳۰ و ۲۹۴ و ۳۲۳. ۲۸- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۳۱۵.

چلدر

در میدان بارفروش ده (بابل)

چلدر (= چهل در) دارالاماره میرعبدالله خان در میدان بارفروش ده بوده است.<sup>۲۹</sup>

کشک سرا

در کنار باول رود برپشته ای مرتفع

کشک سرا عمارت میرقوام الدین بن میرعبدالکریم در کنار باول رود است. در کنار این رود محلی مرتفع است. بر بالای آن میرقوام الدین عمارتی ساخت و در آن به عبادت پرداخت.<sup>۳۰</sup>

گذرگاه زیار

در باولرود نزدیک بارفروش ده (بابل)

گذرگاهی قدیمی و گداری بوده است که از رودخانه بابل در آنجا می توانستند عبور کنند.<sup>۳۱</sup>

باغ زاغان

این باغ ظاهرأ در بارفروش ده و در کنار باول رود بوده است.<sup>۳۲</sup>

آستانه کلاچ مشهد

نخستین بار نام این آستانه در تاریخ خاندان مرعشی آمده است. مؤلف می نویسد: «نعش میرسلطان مرادخان را در آستانه کلاچ مشهد به امانت گذاشته، بعد از چهل یوم که از مراسم تعزیه فارغ شدند، به مردم امین داده، به کربلای معلی فرستادند.»<sup>۳۳</sup> دمرگان طرحی از این آستانه را کشیده و آنرا «کلاخ مسجد» خوانده است.

۲۹- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱. ۳۰- تاریخ خاندان

مرعشی مازندران صفحات ۷، ۱۳، ۲۱، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۸۰، ۸۱،

۹۹، ۲۹۴. ۳۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۵۸. ۳۲- تاریخ

خاندان مرعشی مازندران نسخه عکسی ص ۱۲ الف. ۳۳- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۱.

مقبره درویش محمدرستم مشهور به لعل  
در کنار بابل رود

در کنار بابل رود، جانب غربی رودبار<sup>۲۴</sup> مقبره درویش محمدرستم قرار داشت و در سال ۱۰۴۲ که سال تألیف تاریخ خاندان مرعشی مازندران است برقرار بوده است. از این بقعه امروز نشانی نیست.

مقبره بهاءالدین الحسن بن المهدی الماطیری  
در شهر بارفروش (بابل)

نویسنده و حکیم قرن ششم هجری از ائمه کبار این شهر است و از جمله مفاخر شمرده می شود. وی رساله الهنود فی اجابة ذوی العنود را به سال ۵۷۹ نوشته است،<sup>۳۵</sup> مقبره او در ماطیر (بارفروش = بابل) بود و ابن اسفندیار آن را زیارت کرد.<sup>۳۶</sup> از این مقبره امروز نشانی برجای نیست.

ضرابخانه بارفروش  
در شهر بارفروش (بابل)

در شهر بارفروش ضرابخانه ایست که از دیوان اجاره است. حالتی غریب و بس عجیب دارد. شخصی را نشسته بینی و گویند استاد است. گاوی و مرغی چند در کارخانه بسته دارد. هم در آن حال که مقتول سیمین یا زرین در آتش است، به آذوقه دادن و چینه دادن گاو و مرغان مشغول است. دیگری بی آنکه نگاه کند سکه می زند به هر شکل و وضع که بیرون آید: چپ، راست، شکسته، درست، گرد، دراز. دو نفر دیگر پاسبان اویند که نذزدند و دودستی دیگر است بی صاحب که صاحب آنان پیدا نیست، صیقل چی هستند. هر کس در هر وقت خواهد آید. اگر زر و سیمی داشته

۳۴- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۸۱ و ۲۹۴. ۳۵- تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ج ۱ ص ۱۱۶. ۳۶- همین کتاب ص ۱۲۵.

باشد، سکه زنند.<sup>۳۷</sup>

قلعه توجی (= ترجی)  
در حوالی بارفروش ده (بابل)

قلعه توجی در دست کیاوشناسف جلال از حکمرایان سلسله جلالیان مازندران بود. در جنگی که سید کمال الدین مرعشی با او کرد، سید کمال الدین فاتح شد «پس از فتح امر کرد تا قلعه را بشکافتند و با زمین هموار کردند و مدتی همچنین خراب بود. در واقعه ماهانه سر و آمدن امیر تیمور به مازندران همچنان آباد بود و در این وقت آنرا خراب کردند. در عهد سلطنت سید علی بن سید کمال الدین بنیاد عمارت کردند، اما تمام نکرده بودند.<sup>۳۸</sup> و در عهد سید ظهیر الدین (۸۸۱ قمری) همچنان خراب بوده است. رابینو شهر تجری (ترجی) قدیم را نزدیک مشهد سبز دانسته و در باره آن می نویسد: «نزدیک مشهد سبز آثار دیوار و خندقهایی است که علف و بوته های فراوانی بر آنها روئیده است. این خرابه های شهر تجری (ترجی) است که محیط آن چهار میل بوده است.» رابینو پس از این شرح، نظر درن را درباره این شهر چنین نوشته است: «درن معتقد است این شهر در بندپی است و بر سر خرابه های آن بقعه نوامام بنا شده است.»<sup>۳۹</sup> سبز مشهد را تاجائیکه ما اطلاع داریم در شمال بارفروش ده بوده است.<sup>۴۰</sup>

باغ شاه بارفروش ده در زمان  
شاه عباس دوم (۱۰۶۴-۱۰۷۳)

شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۴ پس از گرم شدن مازندران از فرح آباد به ساری و از ساری متوجه علی آباد (شاهی) شد و از آنجا به بارفروش ده رفت و «چون تعریف بارفروش ده و عمارات آنجا که یکی از امصار مازندران است مکرر به سمع اشرف

۳۷- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲۸ الف. ۳۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۲۷۶ و ۳۷۷ و ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۱۷۵. ۳۹- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی ص ۱۱۸. ۴۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۷۰ و ۲۵۵ و ۲۸۴ و ۳۵۴.

رسیده بود، متوجه محل مزبور گشته سیرباغات و عمارات آنجا کرده، به سمت مقرر مراجعت کرده، روانه فیروزکوه گشتند»<sup>۴۱</sup>.

در سال ۱۰۷۳ شاه عباس دوم از قریه علی آباد (شاهی) به بارفروش ده آمده و از آنجا از راه قریه چپک رود به دریاچه کاله و فرح آباد رفته است.<sup>۴۱</sup> در سفر دیگر «از قریه علی آباد متوجه بارفروش ده گردیدند و در اوقات توقف گلچین سیر آن ازهار دایم بهار گشته، هر عصر سیر دریاچه که محیط دولتخانه مبارک است فرمودند.»<sup>۴۲</sup>

باغ شاه و بحرالارم بارفروش  
در زمان فتحلی شاه قاجار

ذکر نهضت موبک همایون شاهنشاه فلك جاه خاقان اكبر سلطان فتحعلي شاه

قاجار به بارفروش و نزول در عمارات بحر ارم ولایت مازندران در خوبی هوا و کثرت ماء و تراکم اشجار و وفور سبزه زار معروف است و به بسیاری نخجیرگاه و ازدیاد طیور موصوف. تماشاگاهی است زیننده و تفریح گاهی پسندیده و شاه عباس صفوی در بارفروش و اشرف البلاد و فرح آباد عمارات دلپسند بنیاد نهاده، از جمله درحوالی سبزمیدان قریب به بارفروش، آبخیری ژرف و شمیری است شگرف. در وسط آن عمارت رفیع و فضاهای وسیع مشتمل بر بیوتات اندرونی و بیرونی حتی گرمابه و مسجد مترتب است (عکس شماره ۱۰۹) و گرداگرد آن عمارات را آب احاطه کرده و در نهایت عمق است و معبر آن منحصر است به تخته پلی که شاه عباس پایه آنرا از قعر آب بنیاد نهاده و بر فراز آب ساخته و تا فضای محوطه رسانیده و سواره و پیاده از آن پل عبور و مرور کنند و انواع و اقسام طیور آبی در آن مرداب در نهایت توافر روزها و شبها در زورقهای کوچک نشسته با تفنگ و شبکه به اصطیاد مرغ و ماهی مشغولی

۴۱ و ۴۲ و ۴۳ - عباسنامه ص ۳۲۶. عمارات باغ شاه به دستور شاه عباس اول و به سر کاری سید جعفر وزیر ساروی ساخته شده است.

کنند. مع القصه مکانی است در غایت نزاهت و لطافت و حیزی در نهایت نضارت و خضارت. حضرت خاقان گیتی ستان و شاهنشاه صاحبقران که سالها در سن صباوت در آن بلاد به شکار و راحت معتاد بود، در این اوقات نشاط شکار مرغابی فرمود و در آن دریاچه که به «بحر ارم» موسوم، نزول گزیده شبانروز به شکار و عیش می گذرانید و شبها به افروختن شموع و چراغان و عکوس شعلات آتشبازی در آن بحر ارم سان، سطح زمین نمونه چرخ هفتمین همی بودی. بعد از فراغ از عیش و شکار در پنجشنبه پنجم جمادی الاول سال ۱۲۳۲ [به طهران رجعت فرمود.<sup>۴۴</sup>

باغ شاه و بحرالارم در سال ۱۲۶۰

هولمز می نویسد: «باغ شاه که در میان دریاچه ای مدور به قطر نیم فرسنگ در کنار بابل رود به فرمان شاه عباس بزرگ احداث گردیده بود، در این تاریخ قرارگاه اردشیر میرزا، برادر ناتنی محمد شاه محسوب می شد.»<sup>۴۵</sup> چارلز استوارت<sup>۴۶</sup> که هشت سال قبل از هولمز (در ۱۷۳۵) از این صفحات دیدن کرده است، در سفرنامه خویش تصریح می کند که در وسط باغ شاه که میان بحر ارم، واقع در چهار فرسنگی، ۱۶ میلی دریای خزر، قرار دارد، عمارت کلاه فرنگی زیبایی وجود داشت که «ماگوشه ای از آنرا برای اقامت برگزیدیم: این کلاه فرنگی به فرمان والی سابق - ملک آرا - احداث گردیده و بعضی از اطاقهایش بسیار عالی است. اما اکثر مسافرانی که پیش از ما گام به این کاخ نهاده بودند، اسبان و استران خود را در این اطاقها بسته بودند و از آنها برسبیل اصطبل استفاده می کردند ماینز به تبعیت از ایشان چنین کردیم. اندرون عبارت از چهار گوشه ای است با دیوارهای بلند

۴۴- روضة الصفاء ناصری ج ۹ ص ۲۲۹.

Holmes W. R. : Sketches on the Caspian London. 1845. P. 162 - ۴۵

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵.

Charles Stuart - ۴۶.

که صد یارد با کلاه فرنگی فاصله دارد. در این جزیره بحر ارم درختان نارنج و سایر انواع مرکبات کاشته‌اند و خود دریاچه مالمال از مرغابی و اردک و علف و مخصوصاً غولک است که این موجودات پیوسته با صدای قورقور خود مرا بکلی بی طاقت کردند.<sup>۴۷</sup>

باغ شاه عباس و بحر الارم از دیدگاه ملکنوف

ملکنوف می‌نویسد :

« این باغ همچون جزیره‌ای بوده بحر الارم نام . در طرف شمال آن مردابی . عمارات آن را محمد قلی میرزا خراب ساخته از آلات آن خانی دیگر ساخته که اکنون پدیدار نیست . اکنون در این باغ چهار اطاق کوچک است. عمارت اندرونی آن کمتر خراب است. حمامی نیمه ویرانه و ماززار دارد . آنچه ستونها که برای آب آبنار آورده بودند ، اکنون در هر گوشه پراکنده افتاده است . این ستونها شاید جزو عمارات مخروبه بوده باشند . این جایگاه طولاً و عرضاً ۲۲۰ قدم است . مرداب آن نیز از و نخجیر گاه بارفروشیان است .

در باره پلی که در این دریاچه بوده است می‌نویسد :

چون از شهر بارفروش گذرند به باغی دراز رسند که در پهلوی آن پلی است . چهل و شش ستون دارد سنگی و بزرگ به طول ۱۸۰ قدم که با عمارات شاه عباس ساخته شده ، اکنون ویرانه است . یک نفر با احتیاط از وی گذرد .<sup>۴۸</sup>

۲۷-Stuart Charles: Journal of A Residence in Northern Persia, London, 1954. P. 274.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵ و ۳۶ . ۴۸- نسخه عکسی ملکنوف ص ۷۹ ب و ۸۰ الف .

قصر بحرارم از نظر ناصرالدین شاه و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

نزدیک شهر بارفروش ( = بابل ) مردابی پیدا است . در وسط مرداب جزیره‌ای است . اشجار نارنج در آنجا غرس شده است . شاه عباس بزرگ قصری در آنجا بنا کرده موسوم به بحرارم . از جزیره تا به شهر پلی تعبیه شده است . بیست و نه پایه دارد از آجر و آهک . بر روی این پایه‌ها تخته افکنده‌اند که مردم از روی آن عبور و مرور کنند . در سفری که میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین شاه به بارفروش رفت در روزنامه سفر خود وضع بحرارم را این طور نوشته :

«جمعه نوزدهم شوال هزار و دویست و نود و دو، وارد بارفروش<sup>۴۹</sup>

شدیم . منزل اعلیحضرت اقدس شهریاری در بحرارم است . ابنیه شاه عباس و آنچه که خاقان مغفور طاب الله ثراه تعمیر کرده خراب شده بود . (عکس شماره ۱۰۲) در سنه هزار و دویست و هشتاد و دو که موکب پادشاهی به مازندران تشریف برده بودند ، حکم به ساختن عمارات مجددی در بحرارم فرموده بودند که مرکب از بیوتات عدیده و دیوانخانه و حرمانه و حمام و غیره باشد . این عمارات آلان تمام و مسکن خدام حضرت پادشاهی است . دور جزیره تقریباً هزار و پانصد ذرع است . عرض مرداب از جزیره الی کنار دریا، جاهای عریض هزار قدم است . در وسط مرداب علفهای آبی بخصوص نیلوفر زیادی روئیده است . ماهی آب شیرین و مرغابی زیاد در این مرداب موجود است . وسط مرداب سمت غربی ، پنج شش پایه از آجر بالا آمده است که با قایق آنجا باید رفت . ظاهراً آنجا شکارگاه مرغابی بوده است . تختی بالای این پایه‌ها بوده است . شاه عباس آنجا نشسته، شکارچی‌ها مرغابیها را پرانیده ، نزدیک می‌آوردند و صید می‌کرد.<sup>۵۰</sup>

ناصرالدین شاه روز شنبه بیست و ششم ذی‌الحجه سال ۱۲۹۲ بحرارم را دیده و در

۴۹- دراصل وارد اشرف شدیم . ۵۰- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۷ .

سفرنامه خود چنین توصیف کرده است:

« این بحر ارم دریاچه ایست دایره مانند گرداگرد آن بقدر میدان اسب دوانی طهران ، جزیره مانندی در میان دریاچه واقع که مسافت اطرافش تقریباً هزار قدم . از کنار دریاچه تا به جزیره تخمیناً صد و پنجاه قدم می شود . کارخانه قندسازی و سفید کردن شکرهم در حوالی دریاچه بود . در نزدیکی این کارخانه ، به عرض دریاچه ، پلی تخته پوش ساخته اند . الی جزیره که در وسط دریاچه واقع است ، پایه های زیر پل آجری است . تخته های پل کهنه و پوسیده است ، باید عوض شود . آب دریاچه از پس علف بیهوده و نیلوفر روئیده هیچ پیدا نیست . باید دریاچه را پاک نمود . و آن جزیره یکجا چمن ولجن بود . آمد و شد صعوبتی داشت . ملک آرای مرحوم در وسط جزیره کلاه فرنگی خوش وضعی ساخته که حال یکسره خراب است . باید دوباره ساخته شود . عمارت اندرونی نیز در پایان جزیره باقی است . قلدری خراب است . آن نیز مرمت و اصلاح می خواهد . در حیات اندرونی دودرخت نارنج خیلی خوبی بود .<sup>۵۱</sup> رضاقلی میرزا در سفرنامه خود به خوارزم چنین نوشته است:

« در خارج شهر میدانی است موسوم به سبز میدان و مردابی وسیع در آنجا واقع در وسط مرداب زمینی مشتمل بر عمارات عالیه رفیع و بدیع معروف به بحر ارم . اصل بنای آن از سلاطین صفویه و آیدایش از پادشاهان قاجاریه است .<sup>۵۲</sup> »

باغ شاه از دیدگاه وارد براون در سال ۱۳۰۶ هـ . ق

ادوارد براون که در سال ۱۳۰۶ هـ . ق ( سپتامبر ۱۸۸۹ ) برای دیدن قلعه طبرسی به بارفروش رفته است در سر راه این باغ را دیده و درباره آن چنین نوشته است:

۵۱- از سفرنامه ناصرالدین شاه به مازندران به نقل از مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۸ .  
۵۲- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۲ و ۴۳ .

روز ۲۵ سپتامبر ۱۸۸۸ ساعت ۵ بعد از ظهر از رود بابل گذشتیم و بعد از عبور از کنار یک مرتع بزرگ مخصوص چرای گاوان وارد بارفروش شدیم . وقتی که وارد شهر شدیم طرف راست ما دریاچه وسیعی دیده شد که جزیره ای در وسط آن بود و جزیره با ساحل دریاچه بوسیله پل مربوط می گردید و در آنجا کاخی است که به نام باغ شاه خوانده می شد و هر وقت شاه بارفروش می آید ، در آن کاخ منزل می نماید .<sup>۵۳</sup>

قصر دزدک چال از نظر استودارت

استودارت در سفرنامه خود می نویسد :

به شهر زیبای بارفروش ( بابل ) که سه فرسخ از مشهد سر فاصله داشت رسیدیم . در این شهر امامزاده ای به نام « امامزاده اسماعیل » است . در اینجا یکی از قصرهای شاه است که بسیار زیبا و در جوار شهر است و عمارت دزدک چال نام دارد . در اطراف این عمارت استخر قشنگ گردی قرار دارد که بسیار بزرگ است و عمارت کوچکی در وسط آن ساخته شده است که از آنجا شاه مناظر شکار را نگاه می کند . این استخر پر از ماهی است .<sup>۵۴</sup>

باغ شاه و بحر ارم در سال ۱۳۲۶ قمری

رابینو در سال ۱۳۲۶ قمری درباره باغ شاه و بحر ارم می نویسد :

« پل بیست و چهار چشمه ای آجری به باغی در میان جزیره که اکنون به صورت ویرانه ای در آمده است منتهی می شود . همچنین در اینجا بقایای کاخ ییلاقی به چشم می خورد که در اصل به امر شاه عباس پی ریخته شد و به امر ناصرالدین شاه آنرا مجدداً تعمیر نمودند . این عمارت هشت گوشه ، سقفش فرو ریخته بود و پلکانش بطرزی خراب بود که اگر شخص بر روی آن گام می نهاد ، احتمال داشت هر آنی فرو ریزد ... در قسمت جنوبی دریاچه بنای

۵۳- شهر بابل ص ۴۹ . ۵۴- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۹

جدیدتری وجود دارد که در زمان سلطنت آقا محمدخان قاجار احداث شد. آقا محمد خان مانند شاه عباس و جانشینان آن پادشاه علاقهٔ وافری به مازندران داشت و در این ایالت به احداث کاخهای متعددی کمر بست. آب دریاچه که هنگام تابستان درشالیزارها مصرف می‌شود از نهری موسوم به «آقرو» می‌آید که سرچشمه‌اش رود بابل است.

شنیده‌ام از موقعی که بحرارم به فروش رفته است تدریجاً بقایای کاخهای شاهی ناپدید می‌شود چه آجرها را متدرجاً برای احداث ابنیه به بارفروش منتقل می‌سازند.<sup>۵۵</sup>

سمت قبلةٔ بارفروش، آخر محله‌ها، يك میدان سبزه‌زار بی‌صفاو مقابلش باغ شاه است<sup>۵۶</sup> که دورتادورش آب می‌باشد. مگر از راهی که پل بسته‌اند يك صد و هشتاد و شش قدم در ازای تخته‌پل است که بیست و سه چشمه دارد که دوطرف آن چهل و شش پایهٔ آجر است که همه خراب می‌باشد. باید به احتیاط آمد و شد نمود، باغ شاه مدور و عرض و طولش یکی است که دو بیست و بیست قدم می‌باشد.

در وسط، عمارت هشت درهشت و شانزده در شانزده، کلاً خرابه است در این باغ چهل و دو درخت سرو و چهل و يك درخت نارنج و شش درخت گردو دارد. در سمت غربی دریاچه‌ای دارد عرضاً شش قدم و طولاً سی و دو قدم. مقابلش عمارت دیگری است که پایه‌های سمت شرقی آن در میان آب است، و اطاقهای تحتانی و فوقانی ارسی دارد و شربت‌خانه و خلوت‌خانه و غیره دارد و مربع می‌باشد. عرض و طول چهل و شش قدم است و حوض آب و آشپزخانه و فراشخانه و در پهلویش يك باب حمام خوب

۵۵ - سفرها و ماجراهائی در کرانه‌های خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۴۵۲. به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۶۷ و ۶۸.

۵۶ - سفرنامهٔ استرآباد و مازندران ص ۱۱۸.

است که الآن تعمیر می‌خواهد. بايك صد تومان می‌توان به مثل او تعمیر و مرمت نمود. هر گاه تا دو سال دیگر دستکاری نشود، آن هم به مثل عمارت وسط خرابه و ویران خواهد شد. با وجود این مبلغ پانصد تومان از بابت صرف تعمیر عمارت پادشاهی مازندران از دیوان اعلیٰ مقرر است. در سمت غربی در میان آب هیجده پایهٔ آجری می‌باشد و سمت جنوب باغ شاه، در وسط آب يك پل آجر میان خالی است و يك پل ایضاً آن طرف در خشکی بازمین مساوی است و یکی هم در باغ شاه که آب را از رودخانهٔ بابل آورده، از پلهای مذکور داخل باغ شاه می‌شد.

ایضاً سمت جنوب متصل به شرفی، سه درخت سرو بالای تپه است. مذکور شد که قبر پیرزنی است که خدمت آقا محمد شاه مغفور به عرض آمده بود عمرش کفایت نکرده وفات نمود، حسب اشاره پادشاه مغفور در آنجا دفن کردند تا به یادگار بماند.

آب این مردابچه به توسط آقرو، از شاخهٔ رودخانهٔ بابل است و به مصرف زراعت هم می‌رسد و در ایام زمستان شکارگاه خوبی است که باید با ناوهای کوچک دونفری نشسته و شکار نمود که مرغابی و چنگر و سایر مرغان در آن بسیار است و چند جور ماهی هم به عمل می‌آید که به اصطلاح اهلی مازندران: تلاجی، چکاب، تیل خس، اسپک گویند. بسیار جای با صفا و دلگشا است، چه فایده که مخروبه می‌باشد.<sup>۵۷</sup>

#### بحرارم یا دزدک چال از نظر بزرگ

از قدیم در حوالی سبزه میدان فعلی، دریاچه‌مانندی از آب رودخانه تشکیل یافته بود که در وسط آن جزیره‌ای بود. به دستور شاه عباس کبیر، میان جزیره و ساحل سمت شهر، پلی بنیان نهادند که دارای ۲۹ پایهٔ آجری و

۵۷ - سفرنامهٔ استرآباد و مازندران ص ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱.

روی آن تخته بود<sup>۵۸</sup> و نیز در جزیره، عماراتی مشتمل بر دیوانخانه عالی و حرمخانه و حمام و باغ وسیع و بیوتات متفرقه ساختند.<sup>۵۹</sup> بموجب دو کتیبه که یکی بالای در ورودی و دیگری در بالای محراب مسجد کاظم بیک است « عایدات دهات کاظم بیگی » دهک<sup>۶۰</sup> در لاله آباد، سنو (بفتح سین و ضم و تشدید نون) در جلال ازرك، قلعه کش و آقا ملک و گنجوروز (بفتح گاف و سکون نون و فتح جیم و سکون واو) وقف آن بوده است.<sup>۶۱</sup> قلعه کش همان قریه بزرگی است که اکنون آقای داود پیرنیا و بستگان، به عنوان ملک خصوصی متصرف هستند. قریه سنو را نشاختم . حتی خود رایینو در صورت اسامی دهکده‌های جلال ازرك (متن انگلیسی ص ۱۱۸) از آن نام نبرده است.

باری، در وسط دریاچه، سمت غربی، پنج شش پایه از آجر رابالا آورده اند. ظاهراً آنجا شکارگاه مرغابی بود. بالای این پایه‌ها تختی می‌نهادند و شاه عباس آنجا می‌نشست. شکارچیان پرندگان شکاری را پرانیده، نزدیک می‌آوردند و او صید می‌کرد.<sup>۶۲</sup>

در زمان شاه عباس این جزیره به باغ شاه معروف بود. فتحعلی شاه آنرا «بحرالم» نامید.<sup>۶۳</sup> عمارت جزیره رویه ویرانی می‌رفت تا اینکه ناصرالدین شاه در سفر اول خود به بار-فروش، امر به تعمیر آن کرد و چون در سفر دوم او (سال ۱۲۹۲ هـ. ق) تعمیرات پایان یافته بود، در همین عمارت اقامت گزید.<sup>۶۴</sup> او می‌نویسد:

«در این دریاچه بحرالارم انواع واقسام طیور آبی موجود است. سطح دریاچه پوشیده از گل نیلوفر آبی است که برگهای بسیار بزرگ و

۵۸- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۵ . ۵۹- سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ ص ۲۵۵ .  
۶۰- ده ازدهستان جلال ازرك بخش مرکزی شهر بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).  
۶۱- متن انگلیسی مازندران و استرآباد رایینو ص ۴۵ . ۶۲- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۶ .  
۶۳- فرهنگ اندراج ص ۵۶۲ . ۶۴- سفرنامه سال ۱۲۹۲ ناصرالدین- شاه ص ۲۲۶ .

گل سفید معطری دارد . . . به قایق نشسته در این دریاچه و اطراف جزیره به شکار مرغابی پرداختیم . انواع واقسام اردو و پرلا زدیم.<sup>۶۵</sup>  
در سال ۱۳۱۰ شمسی ، هنگام طرح ریزی و نقشه برداری شهر امروزی بابل دریاچه مذکور که باطلاق شده بود خشک و آن جزیره هموار گردید.<sup>۶۶</sup> اکنون قسمت شرقی دریاچه قدیم ، زمین ورزش شهر بابل می‌باشد و در قسمت غربی خانه‌های مسکونی بنا شده است.

#### دزدکل

در اثنای راه باغ شاه

دزدکل، در اصل دزد کچل است. در اثنای راه باغ شاه تپه ایست که آنجا دزدی مدفون است که در ایام آقامحمدخان قاجار بوده است. و آنجا را «دزد کچل» گویند.<sup>۶۷</sup> ملگنوف هم از زبان مردم عامی گرفتار لغت سازی عوامانه شده است . اینجا نه قبر دزدی است و نه آن دزد کچل بوده است. کلمه «دزد» در لغت محلی دشت و کوه مازندران به معنی « دزوقلعه » است و کل (بضم کاف) که به اشتباه اهالی یا ملگنوف بفتح کاف کرده اند شکل دیگری از «کول» است که به معنی تپه است و این نام یادآور قلعه‌ای قدیمی است که بر بالای این تپه بوده است.

کاروانسرای شاه عباس

در بارفروش ده

هنگامی که سید جعفر وزیرساروی به امر شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸) باغ شاه را می‌ساخت ، کاروانسرای هم در بساز فروش ده ساخته است که از آن اثری برجای نیست . محل آن در مقابل شیر و خورشید سرخ امروز بوده است .

۶۵- سفرنامه ناصرالدین شاه ص ۲۲۸ . ۶۶- تاریخ طبرستان برزگر ج ۲ ص ۴۱ .  
۶۷- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۰ الف .

## بند اسطخ میان بارفروش ده و ساری

در حدود سال ۹۱۰ که سیدعزیز بابلکانی در شکارگاه شاه اسماعیل اول حضور داشت، روزی در خدمت شاه بر زمین نشسته بود. با حرکتی که کرد صدائی از موزه او شنیده شد که اسباب شرمندگی او را فراهم آورد و حاضران به ریشخند و مسخره کردن او پرداختند. او با خود عهد کرد که اگر این صدا دوباره از موزه او شنیده شود این بند را بسازد و بنای امامزاده ابراهیم را تجدید بنا نماید. اتفاقاً این صدا دوباره شنیده شد و او به عهد خود وفا کرد.<sup>۶۸</sup>

## جاده شاه عباسی

## از علی آباد (شاهی) به بارفروش ده

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) در سفرنامه مازندران خود چنین می نویسد: جمعه نوزدهم شوال ۱۲۹۲ صبح هسوا صاف بود سوار شده از خیابان شاه عباس که خیابان عریض خوبی است و بعضی جاها خراب شده، یک فرسنگ و نیم کمتر که رفتیم به رودخانه تالار رسیدیم... خیابان همانطور گاهی خوب و گاهی گل بود تا کم راه خیلی بد شد که اسب و بار میان گل غرق می شد. این راه در سوابق ایام سنگ فرش بوده، به مرور دهور خراب شده است، این است که حالا باطلاق و بد است. سفر اولی که مازندران آمده بودیم از این راه عبور نشده بود و خرابی راه را نمی دانستیم به این شدت است حالا که دیدیم حکم شد بسازند.<sup>۶۹</sup>

خانه آقا سید محمد داماد حاجی ملامحمد اشرفی  
در شهر بارفروش

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۲ قمری که به بارفروش آمده میان بناهایی که نظر

۶۸- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۷۳. تاریخ دری که سیدعزیز بابلکان به امامزاده ابراهیم تقدیم کرده است ۸۴۱ است و با سنه ۹۱۰ یا یکی دو سال پیش و پس آن سازش ندارد.  
۶۹- سفرنامه مازندران ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

او را جلب کرده خانه آقا سید محمد است. او می نویسد:

از بناهای خوب که امروز دیدم خانه میرزا علینقی ملک التجار و خانه آقا سید محمد داماد حاجی محمد اشرفی و مدرسه میرزا شفیق صدر- اعظم مرحوم و مقبره امام زاده ای که گنبد مخروطی بزرگی دارد که از ابنیه قدیم است، تکیه خوبی هم در جنب این امامزاده است.<sup>۷۰</sup>

## پل محمدحسن خان

## بر روی رودخانه بابل رود نزدیک شهر

در قدیم، بر روی رودخانه بابل در نزدیکی شهر، پل چوبی وجود داشت. مسعود غزنوی با لشکریانش به سختی از آن عبور کرده اند. بیهقی می نویسد: «... پلی آمد چوبین بزرگ... و سخت رنج رسید لشکرا تا از آن پل بگذشت»<sup>۷۱</sup> بعدها به دستور نصیرالدوله شاه غازی (۵۵۸-۵۳۶) «زربه خروارها ریخته شد و پارو در میان زد،... پلی از «خشت و آهک» بنا کردند.<sup>۷۲</sup>

در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری، محمد حسنخان قاجار - جد آقا محمدخان - با صرف دوازده هزار تومان<sup>۷۳</sup> پل عظیمی بنا کرد که به نام وی به پل محمد حسنخان معروف گردید. این پل صد متر درازا و شش متر پهنا و هشت متر ارتفاع و هشت چشمه دارد.<sup>۷۴</sup>

ملگنوف در باره این پل می نویسد: «بر سر راه آمل به بار فروش پلی است ده چشمه. آب در او اثر نکند. در زلزله چهل سال قبل از این اندک عیبی در ستونهای آن به هم رسید.<sup>۷۵</sup>

مهجوری درباره این پل می نویسد: «در سال ۱۲۸۰ قمری سه تن به همدستی

۷۰- مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳. ۷۱- تاریخ بیهقی ج ۱ ص ۵۵۳.

۷۲- تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ج ۲ ص ۱۰۵ به نقل از شهر بابل ص ۶۸ و ۷۰.

۷۳- تاریخ طبرستان بزرگ ج ۲ ص ۴۳. ۷۴- جغرافیای تاریخی مازندران ج ۱

ص ۱۰۶. ۷۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۶ الف.

یکدیگر به سراغ گنجینه خیالی، زیر پایه‌های پل محمد حسن خان رامی‌کنند که قهار - قلی‌خان - حاکم بار فروش ده - به دستور کتبی محمدصادق خان - سرتیب قشون مازندران - آنها را به دست آورده. یکی رابه میانجیگری مرحوم حجة الاسلام آزاد کرد و دوتن دیگر را برای سیاست به ساری فرستاد.<sup>۷۶</sup> محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از پل ده چشمه‌ای محمدحسن خان نزدیک بارفروش یاد کرده است.<sup>۷۷</sup>

رابینو که در سال ۱۳۲۷ ه. ق. این پل را دیده می‌نویسد: «دوتا ازطاقهای آن بواسطه زلزله در حدود سال ۱۸۲۰ (۱۲۳۶ ه. ق) خراب شد و بعد از چندی آن را تعمیر کردند. در سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ه. ق) نیز دوتا از نه‌طاق پل را سیل برد و یکی از تجار بارفروش که فرزندی نداشت، قسمت زیادی از دارائی خود را صرف تعمیر آن پل کرده که اکنون در کمال درستی است.<sup>۷۸</sup>

پل محمدحسن خان در سه کیلومتری شهر واقع است و تا سال ۱۳۴۳، راه شوسه بابل به آمل از روی آن می‌گذشت. لیکن در این سال که راه جدید افتتاح گردید، در محل عبور از رودخانه، پل زیبایی دیگری از آهن و سیمان ساخته‌اند.<sup>۷۹</sup>

وضع فعلی پل محمدحسن خان به شرح زیر است:

بر سر راه قدیم آمل به بابل، در جنوب شهر بابل پلی است که امروز هشت چشمه آن باقی است و از آجر ساخته شده است. شش چشمه اصلی آن بزرگتر و دهانه هر یک ۷۵۵ سانتیمتر است. دو چشمه در دو طرف این شش چشمه کوچکتر و پهنای هر یک از آنها ۴۱۰ سانتیمتر است پهنای پل از پایین ۵۳۰ و از بالا در حدود شش متر است. درازای پل از ابتدا تا انتهای جان‌پناه ۱۴۰ متر است. این پل را در زمان رضا خان تعمیراتی کرده‌اند. از یکی دوتن از اهل تحقیق در محل شنیده شد که بانی پل محمدحسن - خان پسر علیقلی خان پسر فتحعلی شاه است. والله اعلم. (عکس شماره ۱۰۳)

۷۶- مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۷. ۷۷- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۵.  
۷۸- سفرنامه مازندران و آستارباد رابینو ص ۷۰. ۷۹- شهر بابل صفحات ۸۰ و ۶۸.

### کارخانه قند ریزی در بارفروش ده

در حدود هفتاد تا هشتاد سال قبل (سال تألیف کتاب ۱۳۴۵ شمسی است) جنب سبزه میدان کارخانه قند سازی ساخته بودند که وسایل آن را از روسیه آورده بودند و نیازمندیهای ساکنان را رفع می‌کرد. ولی همینکه صاحب کارخانه مرد، لوازم آن به غارت رفت و آنچه ماند ضبط دستگاه دولت شد.<sup>۸۰</sup>

### حمام بزرگ خان در سامان آسترآبادی محله بابل

حمام بزرگ خان در خیابان امام امروز نزدیک ساختمان شهرداری است که در سامان آسترآبادی محله قرار می‌گیرد. بنای قدیمی حمام یکسره از میان رفته است و به جای آن حمامی موافق احتیاجات روز ساخته‌اند. این حمام سابقاً به نام «حمام چپق» معروف بوده است.

### مسجد جامع در محله مسجد جامع بارفروش ده (بابل)

این مسجد را ابتدا مازیار بن قارن در سنه ۱۶۰ ه. ق. بنا کرد.<sup>۸۱</sup> در دوران صفویان این مسجد نوسازی شد. در دوران فتحعلی شاه بر اثر زلزله خراب شد و به فرمان این پادشاه در سال ۱۲۲۵ ه. ق. به مباشرت میرزا محمد شفیع صدراعظم، توسط میر - محمد حسین - متولی آن - دوباره بنا شد.<sup>۸۲</sup>

مسجد جامع امروز دارای دو سردر ورودی شرقی و غربی است که به دوسر پوشیده هشتی مانند ختم می‌شوند. بالای سردر غربی آیات و عباراتی برخشتهای کاشی نوشته شده است. کتیبه بالا به خط بسیار خوش ثلث است که از دیوار جنوبی شروع می‌شود و سپس به دیوارهای غربی و شمالی سردر می‌رسد. این آیات در این

۸۰- تاریخ مازندران مهجوری ج ۴ ص ۲۰۸. ۸۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۳.  
۸۲- شهر بابل ص ۵۹.

کتیبه است :

بسم الله الرحمن الرحيم سيح اسمك ربك الاعلى - تا - غناء احوى

آیاتی که بردیوار شرقی است :

سنقرتك فلانتسى الاماشاء - تا - بل تؤثرون الحيوۃ

آیاتی که بردیوار شمالی است :

الدنيا والاخرة خير - تا - صحف ابراهيم وموسى حرر الخطوط

محمد مهدى فى شهر صفر المظفر من شهر سنه ۱۲۳۰

پایین تر از این کتیبه اشعار و نوشته‌هایی بدین شرح است :

کتیبه سردر مسجد جامع عتیق بارفروش<sup>۸۴</sup> با خشت کاشی کنده

شده می‌باشد .

ستوده میر محمد حسین پاك نهاد

که هست تولیت کعبه زین نشاد جهان [کذا]<sup>۸۶</sup>

بعهد دولت خاقان عصر فتحملی

چه شد ز زلزله این محترم بنا ویران

به اهتمام تمام و کمال سعیش گشت

هزار بار فزونتر ز اول آبادان<sup>۸۷</sup>

در سمت چپ این کتیبه کاشی کاری، سنگی است که این عبارت بر آن حک شده است:

۱۲۵۱ هوالله

در روز کاری همایون که دست ستم در زنجیر عدل بسته بود فرمان

۸۳- سورة الاعلى ، ۸۸ ، آیات : يك تا نوزده . ۸۴- اصل : بارفروشی .

۸۵- منظور از خشت کاشی کنده شده ظاهر آکاشی معرق است . ۸۶- کز اوست تولیت

این مکان کعبه نشان (سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی قسمت کتیبه ص ۱۷ع)

ظاهرأ پوران دخت حسین زاده در کتاب شهر بابل از متن رابینو استفاده کرده است .

۸۷- هزار بار ز اول نکوتر آبادان (سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی

قسمت کتیبهها ص ۱۷ع) عین این مصراع در شهر بابل پوران دخت حسین زاده آمده است .

پادشاه جم خدم محمد شاه قاجار عالیجاه فضلعلی خان حاکم مازندران شد

اجاره خبازی را بخشید هر کس مطالبه نماید لعن ابد گرفتار شود مشقه

محمد تقی

درازای حیاط مسجد شرقی غربی است و در طرفین شمال و جنوبی آن ساختمان است .

شبستان اصلی مسجد در ضلع جنوبی حیاط است (عکس شماره ۱۰۴ و ۱۰۵) . درازای

آن ۳۳ و پهنای آن دوازده متر است . در طول مسجد در وسط بنا متصل به دو دیوار

جنین دوجرز است . در فاصله‌ای از این دوجرز دو ستون آجری است و در فاصله‌ای از

این دو ستون دوجرز دیگر چیده‌اند . ایوان که فعلاً جلو آن را پنجره‌های بلند آلومینوم

گذاشته‌اند میان این دوجرز قرار می‌گیرد و پشت ایوان به طرف جنوب گنبد اصلی مسجد

و محراب آن است . در دو طرف ایوان و گنبد اصلی هشت گنبد کوچک است که سه طرف

هر يك از گنبدها طاق‌های جناغی است که بر ستونها و جرزها متکی است . در غرب

محراب قدیمی و در دیوار جنوبی مسجد دو محراب نوساز کاشی کاری است .

طرف شمال مسجد نیز ساختمانی است که درازای آن مطابق با درازای شبستان

مسجد و پهنای او در حدود ۵ متر است که آبدارخانه شبستان کوچک دیگری است .

محراب اصلی قدیمی نیمه خراب و خشته‌های کاشی آن در هم و بر هم است . آنچه از آیات

و عبارات خوانده شد از این قرار است :

آیاتی از سمت راست محراب از پایین به بالا شروع می‌شود و دور می‌گردد

و سمت چپ به خاتمه می‌رسد :

... قد نرى تقلب وجهك فى السماء - تا - اوتوا الكتاب ليعلمون

انه الحق من ربهم وما لله بغافل عما يعلمون<sup>۸۸</sup> سبحان ربك رب العزة عما

يصفون و سلام على المرسلين<sup>۸۹</sup> والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

خير خلقه محمد وآله اجمعين وسلم تسليماً كثيراً كثيرا .

۷۸- سورة البقره ۲ ، آیه : ۱۴۴ و قسمتی از آیه ۱۴۵ . ۸۹- الصافات ۳۷ ، آیات

در آخر این قسمت مربعی است که این عبارات بر خشتهای کاشی آن نوشته شده است:  
 حرره العبد الاقل الاحقر الائم الجانی محمد مهدی الطهرانی غفرله  
 و ستر عیوبه فی سنة ثلث وثلثون و مأتین بعد الف.  
 وسط همین محراب با گچ بری:

عمل استاد ابراهیم اصفهانی  
 بر حاشیه بالای ایوان بر اضلاع غربی و جنوبی و شرقی:  
 آسمان راستی در این همایون روزگار  
 راستی تیغ کج شاه زمین آموزگار  
 تا جور فتحعلی شه زیور اورنگ جم  
 آفتاب شهر یاران سایه پروردگار  
 آنکه ملک و جاه او را خالق تن پاسبان  
 آنکه تاج و تخت او را جان امت پاسدار  
 اندرین دولت که اختر را بغمخواری بود  
 اندرین دوران که گردون را بهمواری مدار  
 صدراعظم آنکه کلکش ملک شه را پایمرد  
 بدر عالم آنکه رایش حق دین را دستیار  
 دست او چون بر در عادات پاکان حلقه زن  
 پای او چون در ره طاعات یزدان استوار  
 گنج بگشود او بمعماران اقلیدس هنر  
 سال بفشاند او به بنایان ابراهیم کار  
 داد فرمان کاین همایون مسجدافرازند باز  
 کز تصاریف زمانش نی عماد و نی جدار  
 لوحش الله گشت از فرمان آن صدرجهان  
 با حرم از پایه توأم با ارم از زیب یار

هان چه مسجد روشنان چرخ را بومش مسیر  
 هان چه مسجد طایران عرش را بامش مطار  
 الغرض چون مکه دویم شد از صدرجهان  
 چون حرم محکم بنا و چون ارم دلکش نگار  
 منشی طبع صبا از بهر تاریخش نوشت  
 شد بنای مکه دویم ز صدر روزگار  
 بر بالای مدخل ایوانی که از آنجا به زیر گنبد اصلی مسجد می رود ایات زیر است:  
 هوالحی الذی لایموت

حرر سنه ۱۲۲۷

این نکو مسجد بی مثل صبور<sup>۹۱</sup> که سزد خلد برینش خوانی  
 معبدی گشت که ماندش نیست مسجدی شد که ندارد ثانی  
 گسر بانصاف نمائی نظرش بهتر از قصر جهانش خوانی  
 هست بنایش سنمار زمان اوستاد عبدل اصفاهانی  
 بالای این ایوان در دو طرف کلمات: الله، محمد، یا علی که از متن آجر طاق گودتر  
 افتاده است خوانده می شود. این نوشته ها به خط کوفی بنائی است. عین این کلمات  
 در دو طرف غربی و شرقی مسجد داخل گنبد های کوچک طرفین نیز دیده می شود با  
 این فرق که کلمات «یا علی» را در جهت عکس نیز نوشته اند.  
 سنگ قبری در شبستان مسجد است. این عبارات بر آن خوانده می شود:

سنه ۱۲۴۰

بر سنگ مزارم بنویسید پس از مرگ

ای وای ز محرومی دیدار و دگر هیچ  
 هذا المرقد المرحوم الممغفور فاطمه بنت آقانی فی عشر ثانی ربیع الثانی.

۹۰- این ماده تاریخ بحساب جمل برابر سال ۱۲۲۷ ه. ق. است. ۹۱- این مصراع مفهوم درستی ندارد. ظاهراً بی مثل و نظیر صحیح است.

سنگ قبری در سر پوشیده در غربی است کسه مورخ ۱۲۳۴ است، دو سنگ مرمر به ابعاد ۵۵ × ۶۶ در شبستان مسجد است که عین فرمان مورخ ۱۱۰۶ و به خط نستعلیق است (عکس شماره ۱۰۶). این فرمان را در مطلب مربوط به مسجد جامع آمل در صفحات ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ همین مجلد یاد کردیم. به این صفحات نگاه کنید.

مقبره و مسجد سعیدالعلماء

روبروی جامع در محله مسجد جامع بارفروش (بابل)

سعیدالعلماء بارفروشی از علمای معاصر محمدشاه و ناصرالدین شاه است و شاگرد ملامحمد شریف بن ملاحسینعلی آملی ملقب به شریفالدین است. سعیدالعلماء در قلعه و قمع ملاحسین بشرویه و با بیان قلعه طبرسی نقش عمده‌ای داشت.<sup>۹۲</sup> خاندان سعیدی از نسل او هستند.

مقبره سعیدالعلماء بنائی است شامل يك حیاط و يك پیش‌صحن و صحنی پنج ضلعی متصل به همین پیش‌صحن. داخل هر يك از اضلاع بزرگ و دو طرف غربی و شرقی يك صفة بزرگ و يك صفة کوچک عمیق است. بردیوار مقابل در ورودی دو طاقنا، دو طاقچه و يك محراب است؛ مقبره سعیدالعلماء در قسمت بالای صحن اصلی است و سنگ مرمری زرد رنگ بدون هیچگونه نوشته و تزیین گور او را پوشانده است (عکس شماره ۱۰۷). اخیراً دکانهای شیرینی‌فروشی و بلورفروشی راهی به حیاط این مقبره پیدا کرده‌اند و لوازم و وسایل زیادی خود را در ایوانهای حیاط چیده‌اند. دیری نخواهد گذشت که دکانداران اراضی این مقبره را متصرف شوند.

۹۲- در کتاب شهر بابل ص ۵۱ آمده است: مؤلف ریحانة الادب درج ۲ ص ۲۰۱ و ۲۰۲ شرح حال سعیدالعلماء را بدقت از المآثر والاثار ص ۲۸۲ نوشته و تصریح کرده است که او سال ۱۲۷۰ وفات یافته است. ۹۳- روضة الصفاى ناصرى ج ۱ ص ۴۳۱.

مقبره حاج ملامحمد بن مهدی اشرفی و مقبره میرزا محمود رئیس  
در محله مسجد جامع بارفروش

حاج ملامحمد اشرفی معروف به حجة الاسلام معاصر ناصرالدین شاه است. شاه در سفر سال ۱۲۸۲ ه. ق. در بارفروش به منزل وی رفت.<sup>۹۴</sup> میرزا محمود رئیس فرزند حاج سیدمحمد رئیس از سادات مرعشی و اهل بارفروش بود. از طرف مادر نوه حجة الاسلام ملامحمد اشرفی است. مردی ادیب و آشنا به ادبیات عربی و فارسی بود. مردی خلیق و درویشی وارسته بود و شعر فارسی را خوب می‌گفت و در سن هشتاد سالگی در سال ۱۳۱۵ شمسی وفات یافت و در مقبره جدش ملامحمد اشرفی به خاک سپرده شد.<sup>۹۵</sup> مقبره ملامحمد اشرفی بنایی است بزرگ که دو فیلیا وسط آن خورده است و بالای فیلیاها فرسبها است. تیرهای نیم گرد سقف بر فرسبها و شیرسرهای اطراف متکی است. بالای تیرها تخته کوبی است. قبر این دو تن سنگ‌نوشته‌ای ندارد.

حمام ۳ تاش

پهلوی مسجد چهارسوق در پنجشنبه بازار قدیم

در نوسازیهای زمان رضاخان از میان رفت.

مسجد چهارسوق

در چهارسوق در محله بازار

این مسجد در دوران صفویان ساخته شده و در سال ۱۲۱۱ ه. ق. به دست حاجی- حسین نامی تجدید بنا شده است. شامل حیاطی کوچک است. محرابه مسجد در طرف قبلی است. يك ستون آهنی در وسط بنای محرابه<sup>۹۶</sup> است و فرسبی بر آن متکی است. سقف مسجد تیرکشی و لمبه کوبی است. کتیبه‌ای بر سنگ بردیوار غربی مسجد بود که

۹۴- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۶ به نقل از شهر بابل ص ۵۲. در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ شهر بابل اطلاعاتی درباره حاج ملامحمد اشرفی آمده است. ۹۵- میرزا محمود رئیس ظاهراً در سال ۱۳۱۵ قمری فوت شده است. (شهر بابل ص ۱۳۰ و ۱۳۱) ۹۶- محرابه اصطلاح محلی و به معنی شبستان است.

در تعمیرات آن را برداشته و در دیوار جنوبی حیاط که دیوار اصلی محرابه است کار گذاشته‌اند. این ابیات بر آن حك شده است:

هوالباقی

بسم الله الرحمن الرحيم بهنستین

حاجی حسین آنکه بمیدان روزگار

دایم سمند طاعت پروردگار ساخت

آن نیکبخت پاك سیر کز ره کرم

در دهر هر دقیقه بسی بینوا نواخت

وان پاکباز کسو بحریف ضمیر خویش

نبرد محبت نبی و بوتسراب ساخت

بر خصم نفس سرکش اماره در جهان

تیغ خلاف خواهش او بیخلاف آخت

کرده ز نو بنای خویش آینده مدرسه [کذا]

الحق خجسته مدرسه بی نظیر ساخت

از آن چراغ خانه عقبای خود فروخت

وز آن لوای نیکی خود در جهان فراخت

زد سکه بر عمل خیر نام خویش

ابلیس را بپوته هم زین سبب گداخت

بهر تمام گشتن این نیک مدرسه

رفعت رقم نموده ز «حاجی حسین ساخت»

۱۲۱۱

مسجدچال - مسجد حاجی میرزا بابا

در محله چهار سوق بابل

حیاطی است که دوازده باب حجره در آن است و محرابه مسجد در ضلع جنوبی

حیاط است. بر سردر ورودی مسجد (عکس شماره ۱۰۸) این مطالب گچ بری شده است:

صانعه مشهدی استاد حاجی آقا

گشت مسجد همت علامه چون خلدبرین

هذه جنات عدن فادخلوها خالدین

فی سنة ۱۳۲۳

قائله و کاتبه شیخ محمد رضا متولی المسجد شریف آقا علی

کاروانسرای امین الملک

در کنار رود بابل

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود درباره این کاروانسرا می نویسد:

کاروانسرائی که امین الملک مرحوم به حکم ما ساخته بود، در کنار

این رودخانه (بابل رود) واقع است. يك برج آن را طغیان آب خراب کرده،

جاهسای دیگرش هم تعمیر لازم دارد. قرار شد امین الملک مرتب نموده به

اتمام برساند. بعضی از تجار روسی در کاروانسرا منزل دارند که باساری و

بارفروش و شاهرود تجارت می کنند.<sup>۹۷</sup>

کاروانسرای ملک

در محله بازار

کاروانسرای ملک را حاجی میرزا علینقی ملک التجار ساخت. این کاروانسرا

به شکل اصلی خود باقی است بیست و دو حجره در این کاروانسرا است که در حدود

پانزده در آنها با ارسیه‌های قدیمی برجای است. در طرف غرب کاروانسرا قسمتی پیش

آمده، بناهای این قسمت دو طبقه است. طبقه بالا هم با ارسیه‌های قدیمی باقی است. این

کاروانسرا ملکی است و سهام وقفی ندارد.

۹۷- سفرنامه ناصرالدین شاه (سال ۱۲۹۲ ه.ق.) به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۶.

کاروانسرای معتمد  
در محله چهارسوق بازار

کاروانسرای کوچکی است کنار خیابان امام امروز. دوازده در حجره دارد که بیشتر آنها نوسازی شده است. قسمتی از کاروانسرا که در ضلع شمالی قرار می‌گیرد دو طبقه است و شکل قدیمی را تا امروز حفظ کرده است. این قسمت از کاروانسرا یازده حجره در طبقه بالا و نه حجره در طبقه پایین دارد. مدخلهای جنوبی و شرقی جای دو حجره طبقه پایین را گرفته‌اند. تمام حجره‌های طبقه بالا و پایین این قسمت از کاروانسرای معتمد دارای پنجره‌های ارسی با قاب و آلت است.

سه دانگ این کاروانسرا وقف بر عزاداری حسین بن علی علیه السلام است و سه دانگ دیگر را آقایان حاجی سیدیحیی اوصیا، حاجی محمد ابراهیم خردمند، حاجی علی اکبر طهماسبی، غلامعلی جهانیان و حاجی محمدجعفر معتمد مالک هستند.

کاروانسرای حضرت  
در محله چهارسوق بازار

کاروانسرای حضرت شامل دو قسمت است یک قسمت آن پاساژ مانند است که دو طرف آن دکان است. قسمت دیگر شامل خیاطی است که اطراف آن حجرات است قسمت شمالی آن دو طبقه است. قسمت پاساژ مانند نوسازی شده و دکانهای جدید جای حجره‌های قدیم را گرفته‌اند و قسمت خیاط هم تبدیل به چوب‌فروشی شده است. سه تن از تاجران قدیمی هر یک دو دانگ از کاروانسرا را وقف عزاداری حسین بن علی کرده‌اند. نامهای ایشان از این قرار است: حاجی محمد اسماعیل سعیدی، حاجی ملا آقاجان، حاجی ملا عبدالکریم.

کاروانسرای سه راه چال  
در محله چهارسوق بازار

تمام کاروانسرا شکل اصلی خود را از دست داده و فروشگاه آهن شده است عایدات این کاروانسرا وقف روشنائی مرقد مطهر حضرت امیر مؤمنان است و وقف

آن معروف به «وقف قرآن» است.

کاروانسرای قیصریه  
در محله چهارسوق بازار

وضع قدیمی کاروانسرا، جز در قسمت جنوبی، باقی به هم خورده است. در قسمت جنوبی هنوز ارسیهای قاب و آلت دار قدیمی بر جای است. مقداری از سهام این کاروانسرا ملکی است. احمد آقاسی اوصیا یک دانگ و مرحوم صادق شهیدزاده سهمی و محمد رضا راشدی نیز سهمی مالک هستند باقی عایدات آن وقف عزاداری حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام است.

کاروانسرای حاج محمدحسن  
در محله بازار

شامل حیاطی کوچک و ده در حجره است.

کاروانسرای ارس

شامل دوازده حجره تحتانی و شش حجره فوقانی. طرف جنوبی آن دو طبقه است. مال بندی در طرف شمال دارد.

کاروانسرای حاجی علیرضای بلورچی  
در محله بازار اول خیابان شهدا

شامل حیاطی مستطیل شکل و دوازده حجره فوقانی و دوازده حجره تحتانی است.

کاروانسرای لعلی  
در خیابان بیسرتکیه جنب مسجد

این کاروانسرا در خط کمربندی افتاد و تقریباً از میان رفت فقط دو در حجره از انتهای کاروانسرا بر جای است.

کاروانسرای حاجی علی اکبر سبزه‌علیان  
در بازار شهدا

طرف شرق و غرب این کاروانسرا دو طبقه است. طبقه شرقی هفت درحجره و غربی شش درحجره دارد. زیر این دو طبقه مال‌بند است و طرف قبلی آن انبار بارانداز قدیمی است.

کاروانسرای شه‌میری  
در سه‌راه مسجد جامع

شامل حیاطی است چهار گوشه که چهار طرف آن حجره‌های يك طبقه است. مجموع حجره‌های دور به ۳۲ دربالغ است. قسمت وسط این حیاط نیز در چهار جهت حجره‌های يك طبقه دارد و مجموع آنها به دوازده حجره می‌رسد.

کاروانسرای حاجی محمد علی ایمانی  
در سبزه میدان

شامل فضائی است که پانزده درحجره يك طبقه دارد و فضای مال‌بند آن تبدیل به مغازه‌های جدید شده است.

کاروانسرای حاجی کریم کریمی الاشتی  
در محله چهارسوق بازار

از میان رفته است و اثری از آن برقرار نیست.

کاروانسرای حاجی طالبیان  
در محله اوجابن

سه‌دانگ از عایدات این کاروانسرا وقف بر عزاداری حسین بن علی علیه السلام است و يك دانگ و نیم آن را مرحوم سید نعمت الله تهرانی و يك دانگ و نیم دیگر حاجی محمد تقی طالبیان مالک هستند. امروز این کاروانسرا طرح اصلی خود را از دست داده و مرکز فروش آهن شده است.

کاروانسرای مفتخر الممالک

سراسر نوسازی شده و آثاری از قدیم در آن نیست. این کاروانسرا در خیابان شهریارپور جدیدالتأسیس افتاده است. تمام عایدات آن وقف بر عزاداری حضرت سیدالشهدا حسین بن علی است.

کاروانسرای دقیق  
در سنگ پل

از حالت کاروانسرا بیرون آمده بناهای آن را خراب کرده‌اند و تبدیل به اراضی بیاض کرده و در معرض فروش قرار داده‌اند.

مسجد و مدرسه میرزا شفیع صدراعظم

پشت مسجد چهارسوق در محله پنجشنبه بازار قدیم بارفروش

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود می‌نویسد:

از بناهای خوب که امروز دیدم مدرسه میرزا شفیع صدراعظم

مرحوم است.<sup>۹۸</sup>

محمد حسن خان اعتماد السلطنه نیز از این مدرسه یاد کرده است.<sup>۹۹</sup>

ملگنوف نیز از این مسجد به نام «مسجد صدر» یاد کرده است.<sup>۱۰۰</sup>

خانم حسین زاده می‌نویسد:

میرزا محمد شفیع به عمران و آبادی بارفروش توجه بسیار داشت. مدارس و مساجد و تکایا را تعمیر کرد و به خرج خود مدرسه‌ای ساخت که به مدرسه صدراعظم معروف است.

مسجدی نیز متصل به این مدرسه است. این دو بنا در سال ۱۲۲۱ ساخته شده‌اند. پس از اتمام، دهکده نقیب‌دشت را که میان راه علی آباد به بارفروش (بابل) است و

۹۸- سفرنامه مازندران سال ۱۲۹۲ ه. ق. به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.

۹۹- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۵. ۱۰۰- متن روسی ملگنوف صفحات ۱۳۲-۱۶۲.

در باره مازندران است.

مزرعه خشک شوار و املاک دیگری را وقف این مدرسه کرده است. نام امروزی آن مدرسه صدر است.<sup>۱۱</sup>

وضع کنونی مدرسه صدر:

در محله پنجشنبه بازار سابق بارفروش، پشت چهارسوق قدیم، مدرسه بزرگ و آباد صدر است. درازای حیاط مدرسه چهل و پهنای آن سی متر است. بنای مدرسه دو طبقه است (عکس شماره ۱۰۹). در ضلع جنوبی مدرس و در ضلع شمالی مدخل است که بالای هشتی آن ۵ اتاق بزرگ به نام «عرش» است که فعلاً کتابخانه مدرسه است (عکس شماره ۱۱۰).

جوانی سی و اندساله به نام «رضا متولی» خود را متولی مدرسه صدر معرفی می کرد و نسبت خود را بدین ترتیب به میرزا محمد شفیع صدراعظم می رساند:

رضا متولی پسر میرزا محمدعلی پسر میرزا هدایت پسر میرزا نصرالله پسر میرزا محمد شفیع.

تا جائیکه اطلاع داریم میرزا محمد شفیع صدراعظم بلاعقب بوده است و فرزندی به نام میرزا نصرالله نداشته تا متولی امروز جانشین ایشان باشد. پدران آقای رضا متولی به نامهای میرزا حسن و میرزا محمدعلی مشهور بوده اند. اما میرزا محمدعلی از نوکرهای میرزا محمد جان علامه بود. میرزا محمدجان از حاکم بند پی که تولیت مدرسه صدر زیر نظر او بود و تعیین خادم و مؤذن و سایر امور مدرسه با نظر او اداره می شد، خواست تا میرزا محمدعلی را خادم مدرسه تعیین کند و حاکم هم چنین کرد. اگر در شروط وقفنامه سمت خادم ارثی تعیین شده باشد. رضا متولی می تواند خادم باشد نه متولی.

رضا متولی رونوشت وقفنامه مدرسه را در دست داشت که با اصرار تمام چند سطری از مقدمه و سطر آخر آن را که تاریخ وقف است رونویس کردیم. اما شروط وقف را که مسلماً شرطی از آن درباره تولیت بود نگذاشتند رونویس شود. و اظهار

کردند مسائل شخصی و فردی است. در صورتیکه موقوفات میرزا محمد شفیع وقف عام بود و مسائل شخصی و فردی نباید در آنها آمده باشد. مطالب وقفنامه از قرار زیر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الوقف وسيلة لنيل السعادة و الارض بساطاً لوقف العباد بالعبادة خالق النور في النور و منزل النور على الطور الواقف على ما يخفى الصدور والصلوة والسلام على شفيع المذنبين و حجة الله على الخلق اجمعين سيد الانبياء و السبب ايجاد ارض و السماء و على وصيه و ابن عمه المخصوص بمواخاته ليوم الاخاء و هو بمنزلة هارون من موسى والمشكور سميه في هل اتى وصل عليهما الائمة الهدى و مصابيح الدجى و اعلام التقى و كهوف الورا صلوة الله و سلامه عليه و عليهم الى يوم الجزا اما بعد چون جناب مجدت و مناعت و جلالت مآب عظمت و حشمت و نالت اكتساب و وزارت و فخامت و بسالت انتساب مؤسس اساس نصفت و احسان بانی مبانی بر و امتنان متمم مهام الانام بالراى الصائب ناظم امور جمهور الخاص و العام بالفكر الثاقب و زير ارسطو تدبير ملك آراى و مشير مشترى نظير نكور اى اعتماد الدوله البهيه السلطانيه و اعتضاد السلطنة العلية الخاقانيه دستور معدلت دستور مكرم صدر اعظم ديوان قضا نشان قدر توأم ميرزا محمد شفيع شيد الله بنیان دولته که همواره همت بتشييد مبانی جنات مصروف و تعمير مساجد و مدارس و ابنيه خيريه همچو مهمات ملكت و مملكت برأى سعادت آئينش موقوف در اكثرى از بلاد و امصار از معماری رأى سعادت اقتضابش بناهاى سپهر آسا که هر يك مصدوقه اصلها ثابت و فرعها فى السما است آشكار و عيان از جمله آنها مدرسه محموديه در طهران و مدرسه صدر آباد واقعه در دارالخلافة طهران است که از غایت صفا و حجرات چون غرفات جنات مصداق و مقام ربه جنتان است و در صحن دلگشاشان از جداول كوثر نشان نمودار فيها عينان تجريان و من دونهما جنتان و مسجد جامع و مدرسه آصفيه واقعه در بارفروش مازندرانست که هر که حياض و انهار عنبر شميم چون سلسبيل و

تسبیم آنها ببیند گوید فیها عینان نضاحتان لهذا مدرسه مبارکه آصفیه که باغرات متینه سمائی است ذات ابراج و سلسال دریاچه اش را اگر با فرات ودجله بمقیاس مذاق سنجی هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج فضای سرایش چون ساحت مینو نشاط - بخش هر شیخ و شابست و حجراتش مرطلاب ذوالعلوم و الاطیاب را جناب عدن مفتحة لهم الابواب. اگر از مساجدس که مساجد اربعه را خامس آمد وضعی خواهند مسجداسس علی التقوی و آرمیدگان زوایایش که چون مهر روشن است که خورشیدش عنكبوت زوایای روزن است در آن بیتون لر بهم سجداً و قیاما از شمسه ایوان مدرسش مهرانور چون از روی قمر مستنیر و با کریاس او نهمین سپهر که برترین اساس است سرهمسری بودی اگر چون او مزین بدی بزینتهای دلپذیر طیلسان دارچرخ برای استفادات در جوار جدارش جائی جدید جسته و درجدیرش تازه نهالی از نارنج و ترنج که فلك البروج از غیرتشان برنج است رسته چون از معماری رأی رزینش همو کارلشکر و کشور ساخته و چون مهمام جمهور خاص و عام پرداخته آمد خالصاً لوجه الله و طلباً لمرضاته وقف مؤید نموده اند بر طالبان علم دین و خوانندگان کتب ایمان و یقین که در حجرات آن بمفاد و هم فی الغرفات آمنون منزل گزین و بتحصیل علم و دانش با فراغت و آسایش قرین گردند بشروطی چند که مرقوم می گردد (آقای رضا متولی قسمتی از وقفنامه را که ظاهراً به منافع ایشان لطمه می زد اجازه رونویس ندادند).

وكان ذلك في اواسط العشر الاخر من شهر ذي قعدة الحرام سنة ست وعشرين و مأتان بعد الف من الهجرة النبويه المصطفويه عليه و على آله آلاف الثناء و التحية . ۱۲۲۶

متولی کنونی دهکده خشکه رو آر و چند باب دکانهای اطراف مدرسه را جزء رقبات موقوفات مدرسه معرفی کرد.

## مسجد زرگر محله

در خیابان چراغ برق قدیم در زرگر محله

حیاطی است که طرف قبلی آن محرابه مسجد است (عکس شماره ۱۱۱). سه فیلپا در وسط محرابه است که فرسبها بر آنها متکی است. دورتادور سقف یک چکش گردان، سقف تیرکشی و تخته کوبی است. محرابی کاشی کاری دارد. بر بالای محراب عبارات است:

ان الله و الملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه

و سلموا تسلیما ۱۳۱۶ مهدی

باقی قسمتهای کاشی کاری مناظری از خانه های مسکونی و بل و رودخانه و گل و بوته و مرغ است. بردست راست و چپ و محراب کتیبه ای بر کاشی با خط نستعلیق بدین شرح نوشته شده است:

ابیاتی که بردست راست محراب است:

## هو الله تعالی

حبذی توفیقت ای بانی که خوش آراستی

آن مکانی را که از حق در ارادت خواستی

مدرس و محراب و مسجد هر سه کاینجا ساختی

جای ذکر ساکنان عسالم بالآستی

سجده گاه اهل اسلام است این عالی بنا

زیبداز گوید کسی کاین با جان همتاستی

این مکان پاک کانددر تبه بیت المقدس است

معبد موسی محل طاعت عیسی استی

سرنهد بر سجده گر عاصی در این دارالامان

ایمن از عصیان خود در محشر کبراستی

مسجد الاقصی اگر خواهد کسی بیند بچشم  
گویاید کاین نشان مسجد الاقصی استی  
ابیاتی که بردست چپ محراب نوشته شده است:

شأنه العزیز

عروة الوثقی هران جوید بدین بیت الشرف  
باگذارد کزسرایش عروة الوثقی استی  
مرکز غبرا خندا را بیت معموری نبود  
بیت معمور است کاین در مرکز غبراستی  
جای تسبیح است و تهلیل است آری این بنا  
کعبه ثانی است کاین اینجا و آن بطحاستی  
یادگار خویش خواهد هر که بعد خویشتن  
سیدالسادات از من یادگارت نحواستی  
خواستی تاریخ مسجد کت بماند جاودان  
جاودان مانی که این تاریخ بس زیباستی  
طبع ناظم از پی تاریخ مسجد خوش سرود  
نیک مسجد این بنا یا جنت الماواستی

۱۳۱۴

عباراتی که در داخل محراب بر کاشی نوشته شده است:

یا قاضی الحاجات [دوبار] بانی آن جناب مستطاب سلافة السادات  
الاعز آقای حاجی سید حسن تاجر بارفروشی ساعی عالیجناب خیرالحاج  
حاج عباس قمی فی بانزدهم شهر جمادی الثانی ۱۳۱۶ یا قاضی الحاجات [دوبار].

تکیه زرگر محله

در میدان زرگر محله

بنای تکیه قدیمی و در سمت غرب میدان است . شامل ایوانی است که پنج

ستون چوبین چهارسو در جلو آن است و دو اطاق در دو طرف بناست بر تخته‌های  
سقف بنا نقاشی و گل اندازی و شکل جانوران است. گلدسته‌ای بر طرف دست راست  
بناست اگر روبه بنا ایستاده باشیم. اطاقهای دیگر تکیه دکان نجاری شده است.

برزیر سرنال تکیه عبارات زیر است:

عمل نجاری مال استاد سعید پازواری ، حاجی آقا محمد و  
حاجی ابراهیم و کربلائی آقا جان و اغفر لهم ولو الدیهم جمیعا. عمل نقاشی  
مال استاد آقا بزرگ و محمد ابراهیم ولد مرحوم حاجی اسماعیل .

مرقد بی بی آسیه خاتون

در محله چراغ برق قدیم

بنای این مرقد در خیابان افتاد و یکسره از میان رفت . قبر بی بی آسیه خاتون  
کنار هلال میدان نزدیک نرده، پهلوئی درخت نارنج باقی است و شبها شمعی بر آن  
می افروزند.

مسجد مولانا

دور زرگر محله بارفروش (بابل)

این مسجد را سید حسن مولانای تاجر ساخته است . حیاطی کوچک دارد  
که چند اصله درخت مرکبات در آن است. در یک طرف حیاط اطاقی برای خادم  
مسجد ساخته‌اند . ضلع شمالی حیاط محرابه مسجد است . دوقلبا وسط بنای  
محرابه است . سقف تیرکشی و تخته کوبی است . بام مسجد سفالپوش است.

حمام میرزا یوسف

در محله سرحمام بارفروش (بابل)

سربینه و رختکن عظیم این حمام تا امروز باقی است . نگارنده سربینه‌ای  
به این عظمت در حاشیه دریای خزر ندیده است . این سربینه بنائی است هشت  
ضلعی دوه دو برابر . چهار صفه در چهار ضلع بزرگ و چهار صفه در اضلاع کوچکتر  
است که جلو یک در آن را امروز چیده‌اند . دهانه صفه‌ها هر کدام سه متر و در سه

طرف آنها سکوئی به پهنای یک متر است . قطره‌هشت ضلعی وسط هشت متر تمام و بلندی مدور آن بیش از ده متر است (عکس شماره ۱۱۲) بر اثر کشیدن آب زیاد از چاه قدیمی لبه زمین حرکت کرده و با آب بیرون آمده فضای زیر بنیاد حمام را خالی کرده و یک طاق صاف شکست برداشته است . گرمخانه قدیمی را تبدیل به حمامهای فردی جداگانه کرده اند. از بینة قدیمی هیچگونه استفاده نمی‌شد و محل لوازم اضافی حمام شده بود . پهلوی دوسر در قدیمی حمام که به دو کوچه مجاور بوده است دو کتیبه بر سنگ مرمر بدین شرح است:

بر کتیبه اول که به درازای ۷۵ و پهنای ۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۱۳)

ابیات زیر حک شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

بعهد خسرو خورشید چتر عرش سریر

که هست نه فلك اورا نمونه ز خيام

سپهر فتح و ظفر شاه دهر فتحعلی

که خواند خطبة شاهنشاهی چرخ بنام

جناب آصف ایام میرزا یوسف

که شد به بندگی شاه شهره ایام

بشهر دلکش عشرت سرشت بال فروش<sup>۱۰۲</sup>

که رشک برده باو ملک مصر و خطه شام

ز روی صدق و صفاریخت طرح حمامی

که آفتاب و مه آنجا بود چو طشت و چو جام

پسند طبع خواص و عوام جائی ساخت

برای عشرت خاص و برای راحت عام

۱۰۲- نخستین باری است که نام شهر بارفروش را بالام ضبط کرده اند.

گر این مکان مشرف بهشت نیست چرا  
کنند جلوه در او حوریان سیم اندام  
نمود نصف از آن وقف سیدالشهدا  
که صرف تعزیت او کنند در هر عام  
بوقف نصف دگروا گذاشت بر اولاد  
که تا قیام قیامت بماند از وی نام  
چو شد تمام رهی گفت بهر تاریخش  
فزود رتبه بمازندران ازین حمام<sup>۱۰۳</sup>

۱۲۱۶

بر کتیبه دوم که به درازای ۸۹ و پهنای ۴۰/۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۱۴)

ابیات زیر حک شده است:

هو الواقف علی الضمایر

بعهد دولت فتحعلی شه خسرو عادل

که مولای موالی آمد و فخر معالی شد

ملك قدری که در خوف ملك شد... کش

مثال روح معصومی که در جسم مثالی شد

جلال الملك والمله جمال السدين والدوله

که حق از جمال اوعیان نور جلالی شد<sup>۱۰۴</sup>

بامید کف گوهر فشان و دست در پاشش

حجر در کان گهر گشت و مطرد دریم لثالی شد

بسایل بسکه گوهر بار شد دست در بارش

ز گوهر کان تهی آمد ز لوء بحر خالی شد

۱۰۳- ماده تاریخ با سال ۱۲۱۶ می‌خواند و برابر است . ۱۰۴- ظاهراً: که از نور

جمال اوعیان نور جلالی شد .

پی نذر دوام دولت شه میرزا یوسف  
 برین حمام بانی از ره نیکو خصلی شد  
 هم از او بر حسین بن علی شد وقف جاویدان  
 بخلقی از کرم سرمایه فرخنده حالی شد  
 بیادش ارادت هم از آن دارای دریا دل  
 چنان در مرتبت والا و در آفاق والی شد  
 که ناهیدش قدم پیوسته در جرگ جوارى زد  
 که بهرامش عیان همواره در سلك موالی شد  
 ز بس بانی بنا شد سقف و پرتو بخش کلجامش  
 شهپرو مهر رازان سقف و آن کلجام خالی شد  
 غلط گفتم خجل گردون از آن سقف رفیع آمد  
 خطا کردم سیه خورشید از آن کلجام خالی شد  
 چو کام اژدهای موسوی شد گلخنش ز آتش  
 و یا چون سینۀ فرعون از آشفته حالی شد  
 بنام ایزد چنان آمد بسوخت عرصۀ صحنش  
 که آن را قیروان تا قیروان حد و حوالی شد  
 تعالی الله درون چاهی عیان از بهر آب آمد  
 که هفت اختر سحابش گشت و نه گردون دوالی شد  
 ز رفعت طایر اندیشه کسرد اندیشه بسامش  
 ز اول مایه آن شرمسار از سست مالی شد  
 ز قمر چاه و اوج بسام آن کامد خرد حیران  
 اعالی چون اسافل گشت و سافل چون اعالی شد  
 ز هر فواره حوضش که دایم درفشان بادا  
 بدامان فلك هر دم نشاری از لآلی شد

[شکستگی و فرسودگی]. ان گفتا

جهانی پاک از آرایش از این حمام عالی شده<sup>۱۰۵</sup>

مدرسه و مسجد کاظم بیک

در میدان محله سرحمام بارفروش (بابل)

این مدرسه و مسجد به سال ۱۰۹۲ توسط حاج کاظم بیگک ساخته شد. بعد ازیں او آقا محمد رضا در سال ۱۱۰۱ و مولانا میر نظام الدین محمد در سال ۱۱۶۹ آن را تعمیر کرده اند. ۱۰۶

مسجد کاظم بیک شامل حیاطی بزرگ مربع شکل است. در دو طرف شرقی و غربی حیاط ایوانهایی است که جلو هر یک هشت فیلباست. سقف این دو ایوان تیر-کشی و بام آنها سفالپوش است. ضلع شمالی حیاط در ورودی و اطاق نشمین خادم است. محرابه مسجد طرف قبلی است. بنای محرابه به سه قسمت اصلی تقسیم می شود. قسمت وسط بزرگتر و زیر گنبد اصلی است. چهار طاق جناغی بر چهار فیلبای وسط زده و گنبدی بر این چهار طاق اصلی ساخته اند. یکی از این طاقها بالای محراب و طاقی بالای در ورودی و دو طاق دیگر در دو طرف شرقی و غربی مسجد است که به زیر دو گنبد طرفین گنبد اصلی می رود. سمت چپ و راست محراب دو پنجره است که پشت آنها دیوار است و به جایی راه ندارد. طرف غرب مسجد محلی است که جلو آن را با چوب شبکه بندی کرده و پشت آن محلی برای زنان است. طرف شرقی مسجد اطاقی است که مقبره دوسه تن از علما است. منبری چوبین پرکار در زیر گنبد اصلی است (عکس شماره ۱۱۵). بر بالای دو طرف محراب دو سنگ است. بر سنگ دست راست این ابیات با خط نستعلیق حک شده است:

۱۰۵- این ماده تاریخ معادل ۱۰۱۴ است که با ماده تاریخ قبلی که معادل ۱۲۱۸ است ۲۰۲ سال اختلاف دارد. ۱۰۶- تاریخ طبرستان بزرگ ج ۲ ص ۴۳.

هو

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

قصر خیر را بانی کاخ جود را معمار

قبله هنرمندان کعبه نکوکاران

ملك عقل را حاکم شهر شرع را رونق<sup>۱۰۷</sup>نور بخش هفت انجم شمع بزم را ایوان<sup>۱۰۸</sup>

صبح گلشن دولت مهر مشرق قاجار

گلبن حلاوت را رنگ و بو محمد خان<sup>۱۰۹</sup>

با دل صفا پرور طرح مسجدی افکند

کز شکوه او شد تنگ راه جلوه بر کیوان<sup>۱۱۰</sup>

معبدی که هر طاقش جفت گنبد گردون

مسجدی که محرابش رشک...<sup>۱۱۱</sup>کرد امر سرکاری برد و صافدل تفویض<sup>۱۱۲</sup>

هر یکی گل دیگسر در حدیقه احسان

فخر صدر دینداری زبده شیخ اسلامی

کز قدش برازنده گشت خلعت ایمان

گلشن قضا پرور خاصه قاضی عسکر

کز نسیم خلق او گل شگفت در بستان

شد چسو این بنا بر پا از توجه بسانی

سر بر آسمان کردن گشت خلق را آسان

۱۰۷- ملك وعقل را حاکم شهر شرع را رونق (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۴۱۴ و ۱۵ع).  
 ۱۰۸- شمع بزم برایوان (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۴ع).  
 ۱۰۹- نیک بومحمدخان (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۴ و ۱۵ع).  
 ۱۱۰- نیک راه خیر بر کیوان (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ع).  
 ۱۱۱- رشک اذفری خویان (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ع).  
 ۱۱۲- بروصاف خان تفویض (سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ع).

وسعتش از آن افزون کش جهان توان گفتن

رفعتش از آن برتر کش نهم فلک بتوان

شد قیام هر طاعت از ستون او قایم

شد تمام ز ارکانش هر نماز را ارکان

بسکه معرفت خیز است خاک آن بهشت امن

بسکه طاعت انگیز است صحن آن فلک سامان

از هوای صحن او تربیت اگر باید

سجده باز می آرد نخل قامت جانان

چون ز عقل کل طوفان خواست سال تاریخش

گفت قبله آفاق مسجد محمد خان<sup>۱۱۳</sup>

۱۱۶۹

بر سنگ دست چپ این ابیات با خط نستعلیق حک شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سپهر جاه و جلال آفتاب مشرق جود

طراوت چمن دولت جهانبانی

چراغ انجمن دودمان قاسم خان

بچرخ حشمت قاجار مهر نورانی

طراز مسند فرماندهی محمدخان

که حکم او بقضا داده خط فرمانی

نمونه ز محیط سخاوتش عمان

کفی ز ابر عطایش سحاب نیسانی

یگانه که شد از یمن عدل او معمور

بسان خانه دل کعبه مسلمانی

۱۱۳- ماده تاریخ با سال ۱۱۶۹ می خواند و برابر است .

زروی صدق و صفا طرح مسجدی افکند  
 که گشته مطلع انوار فیض سبحانی  
 زهی اساس که باشد ز عرش سامانی  
 نخست پایه او بارگاه کیسانی  
 بروی چرخ بود نقش سجده بر کوکب  
 ز بسکه سوده بر این آستانه پیشانی  
 برای کسب شرف خازن انداز فردوس  
 درین حرم کند از روی شوق دربانی  
 خلیل وار بسر کاریش دو والا قدر  
 شدند مظهر آثار فیض ربانی  
 سمی خامس آل عبا کزیشان یافت  
 مثال جان بتن احکام شرع بنیانی  
 بهار گلشن ایمان شیخ الاسلامی  
 ضیا شمسه ایوان میرمشاقی [کذا]  
 فروغ انجمن عقل قاضی عسکر  
 که شمه ایست ز وصفش کمال انسانی  
 تمام گشت چو این بارگاه عرش اساس  
 ز لطف حضرت معبود و همت بانی  
 نوشت خامه اقدس بسال تاریخش

زهی بنا که شد از یمن کعبه ثانی ۱۱۴

سنگی بر سر در مسجد کاظم بیگک بوده است که این ابیات بر آن حک بوده است :  
 محمد خان آن سرور نیکبخت  
 کزو یافت امر حکومت نظام

۱۱۴- این ماده تاریخ برابری ۱۱۷۰ هجری قمری است . ظاهراً يك سالی بنای مسجد طول کشیده است والله اعلم .

همان مظهر عز و شان و شرف  
 که شد حامی شرع خیر الانام  
 چو نوشیروان شد باو عدل ختم  
 چو حاتم باو گشت همت تمام  
 برآمد ز فیض سحاب عطاش  
 نهال امید خواص و عوام  
 نموده بنائی که در وصف آن  
 خرد خوانده ثانی بیت الحرام  
 ز اقبال بانی و الطاف حق  
 چه از ملك و دین یافت عز تمام  
 خرد بر حسین گفت و تاریخ شد  
 شود ثانی کعبه حق بنام  
 از این سنگ امروز نشانی نیست . اشعار آن از روی عکس این کتیبه در شهر بابل ص  
 ۱۴۰ خوانده شد . ۱۱۵

مقبره متصل به بنای مسجد کاظم بیک

در ضلع غربی محرابه مسجد کاظم بیک دو پنجره ارسی بزرگ است که به اطاقی  
 گشوده می شود . در این اطاق که در ورودی از حیاط نیز دارد ، مرقد ملا محمد حمزه  
 و فرزندش شیخ محمد حسن و مرقد آق شیخعلی شریعتمدار و مرقد شیخ محمد حسن  
 شریعتمدار است . دو مرقد بدین شرح سنگ قبر دارند :

وفات مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان جناب محقق العلما

آخند شیخ محمد حسن شریعتمدار بتاریخ یازدهم شهر رمضان المبارک

سنه ۱۳۱۹

بر سنگ قبر دیگر عبارات زبر است :

آرامگاه مرحوم مغفور خلد مقام حجة الاسلام آقای آق شیخعلی

شریعتمدار که در تاریخ پنجم محرم هزار و سیصد و چهل و پنج ۱۳۴۵ قمری

بر حمت ایزدی پیوست .

مسجد کاظم بیک دارای سردر دیگری در کوچه باقر ناظر است که بالای آن نیز کتیبه ای

بر سنگ آهکی سفید کننده شده است . بالای آن حدیث : انا مدینه العلم و علی بابها

۱۱۵- این کتیبه با اختلافاتی در سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۱۴ ع ۱۵ ع

آمده است .

## انا مدینة العلم وعلی بابها

حك شده است و ذیل آن نه بیت شعر در وصف محمدخان و مسجد کاظم بیگک کنده شده است که به علت فرسودگی خوانده نشد.

خانم حسین زاده درباره مسجد کاظم بیگک مطالب زیر را نوشته است:

حاجی کاظم بیگ در حدود سال ۱۰۹۲ مسجد کاظم بیگ را دربار-

فروش بنا نهاد. خانواده کاظم بیگی منتسب به او هستند.<sup>۱۱۶</sup>

مولانا میر نظام الدین محمد، بانی تعمیر مسجد کاظم بیگک در

سال ۱۱۶۹ است و قبر او در پادشاه امیر بندپی است.<sup>۱۱۷</sup>

پسر کاظم بیگک، آقا محمد رضا در سال ۱۱۰۱ این مسجد را مرمت

کرد دو کتیبه بر سنگ بر دیوار این مسجد است ماده تاریخ تعمیر آن

است.<sup>۱۱۸</sup>

این مسجد در سال ۱۳۴۲ شمسی توسط متولی آن آقای محمد

جعفر کاظم بیگی تحت تعمیر قرار گرفت و سردر ورودی شمالی را از نو

ساخت. بر دیوار این مسجد کتیبه زیر است:

محمدخان آن سرور نیکبخت کزو یافت امر حکومت نظام

[پنج بیت از این قطعه به طور ناقص و آشفته در این کتاب آمده است]

در بالای محراب دو کتیبه پهلوی هم است. کتیبه سمت راست

چهارده بیت و سمت چپ پانزده بیت است.

در بسالای این دو کتیبه نزدیک سقف سه کتیبه چوبی در عرض

یکدیگر است.<sup>۱۱۹</sup>

در این مسجد سه کتیبه سنگی دیگر نیز وجود دارد. یکی بر بالای

در ورودی جنوب مسجد (طرف کوچه باقر ناظر) و اشعاری درباره محمد-

خان بانی تعمیر است.

۱۱۶- شهر بابل ص ۴۹. ۱۱۷- شهر بابل ص ۵۰. ۱۱۸- شهر بابل ص ۵۸.

۱۱۹- از این کتیبه‌های چوبین امروز اثری بر جای نیست.

دو کتیبه دیگر بر سطح سکوها ی سنگی دو طرف در شمالی بود. در تعمیر

اخیر سکوها از جای خود حرکت داده شده و به کناری افتاده است. بر یکی

از این دو سنگ هفت بیت حک شده است که به علت سائیدگی زیاد حتی

یک بیت آن به طور کامل قابل خواندن نیست. پاره‌ای از بیت اول بدین

ترتیب است:

... بخت جهان ای قبله اسلام کز رفعت

شد دلیل لامکان از عالم امکان

سنگ دیگر از مرمر و سنگ قبر است این عبارات بر آن حک شده است:

فخر جهان نسا خانم بنت مرحوم ملا شیر محمد صفر المظفر سنه

۱۲۰۱. ۱۲۰

ملگنوف<sup>۱۲۱</sup> و مهجوری<sup>۱۲۲</sup> از مسجد کاظم بیگک یاد کرده‌اند.

تکیه و مسجد مراد بیگ<sup>۱۲۳</sup>

در محله مراد بیگک بارفروش

این مسجد و تکیه امروز به نام مسجد و تکیه پیر علم معروف شده است و مابعداً

در جای خود به شرح آن خواهیم پرداخت.

مقبره بیگانیها

در میدان محله سرحمام بارفروش (بابل)

نزدیک مسجد کاظم بیگک و تقریباً متصل به آن در حیاطی کوچک مقبره و مسجد

و مدرسه ایست. مقبره بیگانیها شامل سه در اطاق است که در آنها اشخاص مختلف از

زن و مرد به خاک سپرده شده‌اند. بر مدخل اطاق میانین اشعار زیر را با قلم بر کاغذی

نوشته و بر دیوار نصب کرده و روی آن را شیشه گرفته بودند:

۱۲۰- شهر بابل ص ۱۳۸ و ۱۳۹. ۱۲۱- متن روسی ملگنوف ص ۱۳۲-۱۶۲ در

باره مازندران است. ۱۲۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۷. ۱۲۳- مراد بیگک

برادر کاظم بیگک بانی مدرسه و مسجد کاظم بیگک است.

## کل من علیها فان

این دو تن خوابیده در یکجا برادر خواهرند  
 هر دو ناکامند و از یک باب و از یک مادرند  
 سی و سه ساله محمد سی و هفت ساله بتول  
 هر دو از نسل بتول و زاده پیغمبرند  
 سید عبدالله بیکائی بود نام پدر  
 هر دو بیکائی لقب از دودمان اطهرند  
 اولی در ماه خرداد و دوم اردیبهشت  
 چشم بسته مرتحل زین نشئه دوز پرورند  
 حیف اندر نوبهار عمر با صد آرزو  
 آرمیده زیر گل اندر پناه داورند  
 سال تاریخ وفات هر دو در یکسال نیست  
 گرچه اکنون خفته با هم مونس یکدیگرند  
 سوخت از داغ برادر خواهر او چند سال  
 آگهند از حال او آنانکه بینی خواهرند  
 شد محمد در هزار و سیصد و بیست از جهان  
 هشت سال بعد خواهر حال در یک مقبرند  
 سائل یک فاتحه از مؤمنین و مؤمنان  
 مستحق رحمت و لطف خدای اکبرند  
 در اطاق دیگر سنگ قبر نفیسه سادات بیکائی است که در ۲۰ صفر ۱۳۲۷ فوت شده است.

## مدرسه سقا باشی

طبقه بالای مقبره بیکائیهها اطاقهای چوبین است که روزی طلبه نشین بوده است  
 و فعلا نیمه مخروبه است. این قسمت بنا به نام مدرسه سقا باشی است.

## مسجد حاج خان بیگ

در میدان سرحمام بارفروش

در حیاط مقبره بیکائیهها روبروی حجرات مقبره، مسجدی کوچک و ناچیزی  
 است که به نام مسجد حاج خان بیگ شهرت دارد.

## مدرسه قدیمی باقر ناظر

در محله سرحمام بارفروش (بابل)

این مدرسه قدیمی را در سال ۱۳۱۹ شمسی خراب کردند و به جای آن دبستان  
 سعدی امروز را ساخته‌اند. مدرسه باقر ناظر به نام مدرسه قاضی نیز معروف بوده است.

## تکیه باقر ناظر

در محله سرحمام بابل در گذر باقر ناظر

این تکیه امروز برجای است. تکیه ایست کوچک و ناچیز و آثار تاریخی ندارد.

## سید زین العابدین

در وسط میدان محله پنجشنبه بازار جدید

بنای اصلی شامل دو اطاق است که یکی اطاق مقبره و دیگری اطاق نشیمن  
 خادم است. قبر سید زین العابدین در حدود ۱۲۰ سانتیمتر از سطح اطاق مقبره بالاتر  
 است و تمام سفید کاری شده است. ضریح چوبینی قبر را پوشانده است.  
 سقف بنا دارای دو رده شیر سر است. لبه بام یک پشته و بام سفالپوش است.  
 تنها اثر قابل ذکر در مقبره سید زین العابدین، در کنده کاری است که میان دو اطاق  
 قرار دارد. بر بالای این در از طرف اطاق مسکونی خادم نوشته شده است:

جنات عدن مفتحة لهم الابواب ۱۳۱۳

بر بالای در ورودی جنوبی بقعه گچ بری زمینه قرمز است که این کلمات بر آن خوانده  
 می‌شود:

الله و محمد و علی فاطمه حسن و حسین ۱۳۱۲

بر بالای در ورودی دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا علی ادرکنی [با خط عکس] ۱۳۱۲

زیارتنامه کوچکی بر روی ضریح است که تاریخ ۱۳۱۸ بر آن دیده می شود. قبل از سال ۱۳۱۲ این بنا قبر مختصری بود. در این تاریخ حاج میرهدایت اوصیا آنرا ساخته است.

مسجد محله طوقداربن (توغداربن)

حیاط مسجد دارای دو در ورودی است. یک در به میدان طوقداربن و دری دیگر به خیابان گشوده می شود. محراب مسجد در ضلع جنوبی حیاط است. جلو محراب چهارحفاظ بلند شیشه ایست که قسمت وسط آنها دری ورودی به محراب دارد. بالای محراب و اطراف آن کاشیکاری است و این آیات از کلام الله مجید با خط نستعلیق بر کاشیه است:

بسم الله الرحمن الرحيم هل اتی علی الانسان - تا - یدخل من

یشاء فی رحمته والظلمین اعد لهم عذاباً الیما .

بر دست چپ محراب در بالا قسمتی کاشیکاری است که این عبارات بر آن نوشته شده است:

بنای تعمیر این مسجد حاج محمدعلی ایمانی فرزند محمد مهدی

در سال ۱۳۴۹ شمسی التماس دعا و مغفرت دارم .

حمام شاهزاده

در محله طوقداربن بارفروش

این حمام قدیمی متصل به مسجد است که روی در خرابی دارد و هیچگونه استفاده ای از آن نمی شود .

امامزاده مالک و محسن

در محله طوقداربن

اطاقی است آجری و ساده که گور دو تن در آن است. سقف بنا تیرکشی و بام آن سفالپوش است. زیارتنامه های متعدد تازه نویس در این امامزاده بود.

بارگاه سیدجلال

در محله سیدجلال شهر بارفروش (بابل)

بنائی تقریباً چهار گوشه از داخل به ابعاد ۵ × ۶ متر، نمای آن آجری و بام آن سفال-سراست. قبری به درازای دو متر و پهنای ۱۷۵ و بلندی ۸۰ سانتیمتر در وسط بناست. مقداری از این قبر کاشیکاری و باقی سفیدکاری است. بر بالای قبر پنجه ای آهنین است که روی آن پس از صلوات بر ائمه اطهار، در قسمت وسط چنین حک شده است:

وقف حضرت امام حسین کرد جلال الدین ابن حسین چپکرودی  
هیچگونه اثری که هویت صاحب قبر را نشان بدهد در این بنا نیست. تنها کتیبه ای که در این بناست کتیبه زیر است:

بنای حضرت امامزاده سید جلال علیه السلام را حاجی محمد

علی ایمانی ولد مرحوم آقامحمد مهدی ایمانی نموده در سال ۱۳۳۶ شمسی

مطابق با سال ۱۳۷۷ قمری.

بنابر تحقیقات آقای اردشیر بزرگر این مقبره یکی از کبائیان جلالی است که از

سال ۷۶۳-۷۵۰ در شهر بارفروش حکومت داشته است.<sup>۱۲۴</sup>

مسجد سید جلال

در محله سیدجلال

بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی نو سازه جای آن ساخته بودند.

تکیه سید جلال

در محله سیدجلال

بنای تکیه نزدیک بارگاه سیدجلال بود. بنای قدیمی را خراب کرده بودند

و بنای نو سازی به جای آن ساخته اند.

۱۲۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۳ به نقل از شهر بابل ص ۱۴۸.

## ارباب تکیه

در میدان محله سیدجلال

ارباب تکیه در محوطه میدانی نزدیک بارگاه سیدجلال است. قدمتی دارد، اما از نظر تاریخی ارزشی ندارد.

## امامزاده قاسم

در محله آستانه بارفروش (بابل)

در طومار متولیان دوران صفوی امامزاده قاسم واقع در بلده بارفروش فرزند امام محمد تقی علیه السلام است و تولیت آن با مولانا علی نقی بوده است.

ناصرالدین شاه آنجا که در سفرنامه خود می نویسد:

از بناهای خوب که امروز دیدم مقبره امامزاده ایست که گنبد مخروطی بزرگی دارد که از ابنیه قدیم است. تکیه خوبی هم در جنب این امامزاده است.<sup>۱۲۵</sup>

منظورش همین امامزاده قاسم بارفروش است.

راینو در سفرنامه خود از کتیبه دری در بارفروش که ظاهراً متعلق به امامزاده قاسم است و کتیبه دیگری در همین امامزاده یاد کرده است و نوشته های آنها را به این شرح خوانده است.

الله مفتح الابواب الله ولی التوفیق

عمل استاد احمد نجاربن حسین فی التاریخ محرم سنة سبعین وثمانمائه.

## ایضاً

عمل سید علی ابن سید کمال الدین آملی غفر الله ذنوبهما<sup>۱۲۶</sup>

۱۲۵- سفرنامه ناصرالدین شاه در سفر دوم سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳. ۱۲۶- سفرنامه مازندران و استرآباد متن انگلیسی قسمت کتیبه ها صفحات

۱۷ ع و ۱۸ ع.

دیرگان در کتاب خود از این امامزاده به نام «مسجد بارفروش» یاد کرده است.<sup>۱۲۷</sup> ملگنوف نیز نام این امامزاده را در میان آثار تاریخی مازندران آورده است.<sup>۱۲۸</sup> در سفارش نامه انجمن آثار ملی نیز از این امامزاده بحثی به میان آمده است.<sup>۱۲۹</sup> مهجوری نیز از این امامزاده یاد کرده است.<sup>۱۳۰</sup>

خانم حسین زاده درباره این امامزاده چنین نوشته است:

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است که دره ریک از اضلاع خارجی آن طاقنمایی باطاق جناغی ساخته اند. مسجد متصل به ضلع شرقی است. در ورودی مسجد شرقی است و در گورستان اطراف امامزاده بازمی شود. در بالای این دریک قالب کاشی است که بر آن عبارات زیر خوانده می شود. عمل سید علی ابن کمال السدین آملی غفر الله ذنوبهما. در ورودی بقعه دولنگه است و کنده کاریهای ظریف دارد. بر لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است:

الله مفتح الابواب الله ولی التوفیق عمل استاد احمد بن نجار بن حسین و بر پایین لنگه سمت چپ:

فی التاریخ محرم سنة سبعین وثمانمائه

در وسط صحن بقعه صندوقی کنده کاری ظریف مرقد امامزاده را پوشانده این عبارات بر آن حک شده است:

چهارده حاشیه از صندوق آیات کلام الله مجید است. در دو حاشیه

وسط بدنه شمالی عبارات زیر است:

قال النبی صل الله علیه وسلم الدنیا مزرعة الاخرة صدق یارسول الله

۱۲۷- J. de Morgan: Mission scientifique en Perse, Etude Geographi que T, I, p, 170, Fig.73.

۱۲۸- ملگنوف متن روسی صفحات ۱۳۲-۱۶۲ درباره مازندران است. ۱۲۹- سفارش نامه انجمن آثار ملی شماره ۳۹ ص ۴۰ و ۲۹. ۱۳۰- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۲۴۳.

قال النبي صلى الله عليه وسلم الدنيا ساعة فاجعلها طاعة

درحاشیه بالای طرف شرقی صندوق :

صاحب هذه الصندوق المرقد المبارك الشريفه وهو اولاد رسول الله

امامزاده معصوم عليه السلام .

و درحاشیه پایین همین بدنه :

فی التاريخ شعبان المعظم سنة ثمان وثمانين وثمانمائه .

ضریحی مشبک چوبین اطراف صندوق است .

در سال ۱۳۳۳ شمسی حاج محمدعلی ایمانی این امامزاده را تعمیر و آئینه کاری کرد

و آثار قدیمی آن را یکسره از میان برد.<sup>۱۳۱</sup>

عباس شایان بنای بقعه را مرقد امامزاده قاسم و برادرش حمزه فرزندان امام

موسی الکاظم علیه السلام می داند و درباره آن می نویسد :

بنای آرامگاه امامزاده قاسم عبارت از مسجدی مربع مستطیل که

در ورودی آن از طرف مشرق در قبرستان آستانه است و در بالای این درختی

از کاشی است که عبارت زیر بر روی آن نوشته شده است .

عمل سید علی ابن سید کمال الدین آملی غفر الله ذنوبهما از طرف

مشرق منتهی می شود به در دوم که در مدخل بقعه امامزاده واقع است و این

در از شاهکارهای قرن نهم هجری است و دارای دولنگه می باشد.<sup>۱۳۲</sup>

در زیرلنگه طرف راست این عبارت حک شده است : الله مفتح

الابواب الله ولی التوفیق عمل استاد احمد نجار بن حسین.<sup>۱۳۳</sup>

در زیرلنگه طرف چپ این عبارت خوانده می شود: فی التاريخ

۱۳۱- شهر بابل ص ۵۶ و صفحات ۱۳۳-۱۳۸ . ۱۳۲- جغرافیای تاریخی و اقتصادی

مازندران تألیف شایان ج ۱ ص ۲۹۵ . ۱۳۳- الله مفتح الابواب بر تنگه بالای لنگه

راست والله ولی التوفیق بر تنگه بالای لنگه چپ است و عمل استاد احمد نجار بن حسین

در تنگه پایین لنگه راست است و آقای شایان به اشتباه آنهارا در یک لنگه گنجانده است.

محرم سنة سبعین وثمانمائه.<sup>۱۳۴</sup>

در وسط صحن صندوق نفیسی است که بدنه و اطراف آن کنده.

کاری است و حاشیه آن با آیات قرآنی به خط نسخ اعلی حک شده است.

و در تاریخ ۸۸۸ به دست استاد احمد نجار ساروی ساخته شده است .

ضریح مشبک دیگری اطراف صندوق را گرفته است . در پهلوی این

ضریح صندوق کوچک دیگری است که کار همان نجار و مورخ به تاریخ

سابق است.<sup>۱۳۵</sup>

چند سال قبل آقای حاج محمدعلی ایمانی بنای این امامزاده را

تعمیرات اساسی کرده است.<sup>۱۳۶</sup>

مشکوتی ثبت تاریخی این امامزاده را به شماره ۳۴۲ ضبط کرده و درباره آن

می نویسد :

بنای امامزاده قاسم از ساختمانهای تاریخی است که متعلق به

قرن نهم هجری می باشد. در این بقعه تاریخ سال ۸۹۰ هجری ثبت است.

این بقعه که مدفن امامزاده قاسم فرزند حضرت امام موسی الکاظم است

مشهور به بقعه آستانه است. این بنا شامل مسجد مسقف آجری و گنبدی

هرمی شکل می باشد . در زیر گنبد دو صندوق چسوبی نفیس قرار دارد .

صندوق اصلی به سال ۸۸۸ هجری است که به دست استاد احمد نجار

ساروی ساخته شده است.<sup>۱۳۷</sup>

وضع کنونی بقعه امامزاده قاسم از قرار زیر است:

بنای اصلی بقعه هشت ضلعی است . در هر ضلع يك طاقنما است . يك

ردیف طاقنما در پایین و يك ردیف در بالاست . بالای طاقنماهای ردیف دوم را

جمع کرده و گنبدی گرد بر آن زده اند . بنا از خارج نیز هشت ضلعی است و گنبدی

۱۳۴- جغرافیای تاریخی و اقتصادی مازندران ج ۱ ص ۲۹۵ . ۱۳۵- تاریخ بر

صندوق کوچک دیده نشد . ۱۳۶- خرابکاری حاجی مرحوم بیش از تعمیر و آبادانی

است . ۱۳۷- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۶ .

کلاه درویشی به شکل هرم مئمن القا عده دارد. (عکس شماره ۱۱۶)

مسجد زیبائی قدیمی متصل به بنای اصلی است که ابعاد آن ۴۹۱ × ۴۸۲ سانتیمتر است. این بنای چهار گوشه را با چهار گوشوار جمع کرده و بالای آن گنبدی بلند زده اند و پنجره های نورگیر مشبك چوبین زیر پایه گنبد تعبیه کرده اند. میان چهار گوشوار چهار کنج چهارطاقی است، به جای طاقنمای جنوبی دو ورودی مسجد و به جای طاقنمای شمالی دو ورودی اصلی بقعه است. ازاره مسجد کاشیکاری و مسابقی جدارهای داخلی آئینه کاری است. سردر ورودی این مسجد را نیز آئینه کاری کرده اند. (عکس شماره ۱۱۷) در ورودی مسجد نوسازی شده و فعلاً دری است با ورق نقره و تیرهای آهنین. عبارات زیر بر لنگه سمت راست است.

وقف آستانه امامزاده قاسم در بابل ۱۳۴۶ خورشیدی سازنده  
و یانی حاج مهدی رهروان و حاج عباس انیسی نقش و قلم کاری از استاد  
ابراهیم استکی.

عین این عبارت بر لنگه سمت چپ نیز نقر شده است. بلندی این در ۱۹۴ و پهنای هر  
لنگه ۶۲ سانتیمتر است.

دروودی اصلی بقعه از طرف مسجد، دری ظریف و پرکار است که بالای آن  
پنجره ای نورگیر مشبك بزرگ قرار داده اند. بر بالای این در، بر متن آئینه کاری که  
دور آن قاب سنگی دارد عبارات زیر نوشته شده است:

آئینه کاری مسجد امامزاده قاسم علیه السلام را حاج محمد علی  
ایمانی فرزند مرحوم محمد مهدی نمود در سال ۱۳۳۳ شمسی مطابق با  
۱۳۴۷ قمری .

زیر این کتیبه آئینه کاری بر متن کاشیکاری عبارات زیر نوشته شده است:

کاشی کاری و تعمیر مسجد و امامزاده قاسم را حاج محمد علی  
ایمانی فرزند مرحوم محمد مهدی اصفهانی نمود در سال ۱۳۳۳ شمسی  
مطابق با سال ۱۳۶۳ قمری.

بر جدار خارجی سمت راست چهارچوب دروودی بقعه که بلندی آن ۲۰۶ و پهنای

هر لنگه اش ۶۱ سانتیمتر است صلوات کبیر با خطی خوش حک شده است :

اللهم صل علی محمد المصطفی وصل علی علی المرتضی وصل  
علی فاطمة الزهرا وصل علی حسن المجتبی وصل علی حسین الشهید الکر بلا  
وصل علی علی زین العابدین وصل علی محمد الباقر وصل علی جعفر الصادق  
وصل علی موسی الکاظم وصل علی علی بن موسی الرضا

بر جدار خارجی کلنگی چهارچوب عبارات زیر است :

وصل علی محمد التقی و وصل علی علی التقی وصل علی حسن -

العسکری وصل علی محمد المهدی صاحب الزمان

بر جدار خارجی سمت چپ چهارچوب دنباله این عبارت چنین است:

و خلیفة الرحمن صلوات الله علیه وعلیهما اجمعین و سلم تسلیماً  
کثیراً کثیراً برحمتک یا ارحم الرحمین وصل الله علی محمد نبینا و آله  
اجمعین الطیبین الطاهرین قال النبی صلی الله علیه وسلم دنیا ساعة فاجعلها  
طاعة قال النبی صلی الله علیه وسلم دنیا مزرعة الاخرة صدق بالله رسول<sup>۱۳۸</sup>  
کتبه العبد محمد

بر تنگه بالای لنگه سمت راست :

الله مفتح الابواب

بر تنگه پایین لنگه سمت راست :

عمل حسین بن استاد احمد نجار

بر تنگه بالای لنگه سمت چپ :

الله ولی التوفیق

بر تنگه پایین لنگه سمت چپ :

فی التاريخ محرم سنة سبعین وثمانمائه

ازاره داخلی حرم کاشیکاری است. بالای این ازاره کاشیکاری کتیبه ای به این ترتیب

۱۳۸ - ظاهراً : صدق الله وصدق رسوله صحیح است .

دور می چرخد:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم - تا - على العظيم  
و صدق رسوله النبي الكريم و من يتقى الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث  
لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل  
شيء قدرا.

بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله والفتح - تا - ان كان  
تو ابا . بسعی و اهتمام آقای حاج محمد علی ایمانی فرزند مرحوم محمد -  
مهدی اصفهانی کاشیکاری و تعمیر حرم مطهر امامزاده قاسم فرزند حضرت  
امام محمد تقی علیه السلام در سال ۱۳۷۳ قمری مطابق ۱۳۳۲ شمسی پایان  
یافت کتبه محمد صانع خوانساری .

بر دیوار صفت قبلی حرم:

طراح سید یحیی عمل حسین آ. ابراهیم

بر دیوار شرقی صفت جنوبی:

الله نور السموات والارض مثل نوره - تا - والله بكل شیء علیم  
صدق الله العلی العظيم سنة ۱۳۷۳ بسعی و اهتمام حاج محمد علی ایمانی  
فرزند مرحوم محمد مهدی اصفهانی کاشی کاری و تعمیر حرم مطهر امامزاده  
قاسم فرزند حضرت امام محمد تقی علیه السلام در سال ۱۳۷۳ قمری مطابق  
۱۳۳۲ شمسی پایات یافت.

بر بالای در ورودی حرم از داخل آیات زیر نوشته شده است :

بسمه تبارك و تعالی شأنه

این بهین بقعه به بابل که ندارد ثنایی

بود سرتاسر آن در شرف ویرانی

شکر ایزد که شده بانی تعمیراتش

اشرف الحاج محمد علی ایمانی

سقف و دیوار و درش گشت بلوری چوبهشت

لك با دقت و سعی و عمل طولانی

کرده گلدسته و هم تکیه و سقاخانه

جنب این بقعه بنا با کمک یزدانی

لوحش الله بر این حاجی عالی همت

شادمان گشت ز کسارش علی عمرانی

بیش از پیش شتابند به این روضه کنون

شیعان پیر و جوان بهر زیارت خوانی

بیژنی حضرت حق در عوض این خدمات

داده بر بانی این کاخ جنان ارزانی

۱۳۳۳

در قسمت پایین آئینه کاری این عبارت خوانده می شود:

آئینه کاری یادگار سید محمد باقر

تا کنون در هیچ بنائی نام بانی تا این اندازه تکرار نشده تا چه رسد به نام تعمیر کننده  
بنا. سنت اسلامی بر این جاری است که در بناهای عظیم کوچکترین یادی از بانی و  
معمار و سایر هنرمندان که در آن بنا دست در کار بوده اند نشده است. عمل خیر و کرم  
و گشاده دستی خود را نباید در گوشه و کنار به چشم مردم کشید.

تونیکی می کن و در درجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

صندوقی چوین ظریف و پرکنده کاری در وسط بنای اصلی ، مرقدا امامزاده را

پوشانده است. آیات و عبارات زیر بر جدار شمالی آن با خطی خوش حك شده است:

بر حاشیه بالای بدنه شمالی:

بسم الله الرحمن يس والقرآن - تا - اغلا لاهوی الا

بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :

ذقان فهم مقمحون - تا - من خلفهم سدا فاغشينا هم فهم لا يبصرون

برپایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :  
 وسواء عليهم ءانذرتهم - تا - اتبع الذكر وخشى الرحمن  
 برحاشية پایین بدنه شمالی :  
 بالغيب فبشره بمغفرة - تا - فكذبوهما فعزنا  
 برحاشية بالای جدار شرقی صندوق:  
 صاحب هذه الصندوق المودة المبارك الشريفه وهو اولاد رسول الله  
 امامزاده معصوم عليه السلام  
 برپایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :  
 بثالث فقالوا انا اليكم - تا - وما انزل الرحمن  
 برپایه سمت چپ همین بدنه :  
 من شيء ان انتم - تا - اليكم المرسلون و  
 برحاشية پایین بدنه شرقی :  
 ما علينا الا البلاغ - تا - منا عذاب  
 برحاشية بالای بدنه جنوبی صندوق :  
 اليم قالوا طائر كم معكم - تا - فظرنى واليه ترجعون  
 برپایه دست چپ همین بدنه :  
 ءاتخذ من دونه الهة - تا - شفاعتهم شيئاً ولا ينقدون  
 برپایه دست راست وحاشية پایین همین بدنه :  
 انى اذاً لفى ضلال مبين - تا - يا حسرة على العباد  
 آیات زیر بر جدار غربی صندوق حک شده است:  
 برپایه سمت راست جدار غربی از پایین به بالا :  
 وما كنا منزلين انت - تا - يا حسرة على العباد  
 برحاشية بالای جدار غربی :  
 ما يأتيهم من رسول الا - تا - انهم اليهم لا يرجعون

برپایه سمت چپ همین بدنه :  
 وان كل لما جميع لدينا - تا - اخرجنا منها حباً  
 برحاشية پایین همین بدنه:  
 فممنه ياكلون - تا - فجرتنا فيها من العيون ۱۳۹  
 صندوق چوبین کوچکی کنار ضریح امامزاده قاسم است . معروف است که زیر آن  
 مرقد بانی اصلی بناست .

مقبرة قرشی  
 در محله آستانه بارفروش

در محله آستانه کنونی وزیر زنجیره بن سابق چهار دیواری است که مقبره چند  
 تن از علما در آن است : از آنهاست : سید حسن محقق بهشتی فرزند سید اسماعیل و  
 مرحوم سید محمد باقر حجتی و مرحوم سید رسول صدرائى .

خانه میرزا علینقی ملک التجار  
 در محله زنجیره بن بارفروش (بابل)

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود می نویسد:

از بناهای خوب که امروز دیدم خانه میرزا علی نقی ملک التجار

است . ۱۴۰

این خانه امروز برجای است ولی در روزهایی که اینجانب در بابل مشغول  
 بررسی بود چندین بار بدانجا مراجعه کرد . دوقفل بزرگ آهنین بر در خورده بود و  
 می گفتند صاحب آن در تهران است . سردر گچ بری آن تا امروز باقی است (عکس شماره  
 ۱۱۸) اما بواسطه بالا آمدن سطح کوچه تا سکوهای آن در خاک فرو رفته است . باغ  
 اطراف این ساختمان وسیع و شامل بناهای اطراف بوده است که فعلاً ساختمان ملک.

۱۳۹- سورة يس ۳۶ ، آیات يك تا سی و چهار . ۱۴۰- سفرنامه ناصرالدین شاه  
 ص ۲۳۳ و شهر بابل ص ۴۱ و تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳ .

التجار دريك چهارديوارى محدودى باقى مانده است. از بام همسايه از ساختمان موجود عكسى گرفته شد. بنائى است دو طبقه از آجر كه طاق درها و پنجره هاى آن هلالى است لبة بام از خارج داراى دوچكش گردان و يك پشته است. بام آن تا امروز سفالپوش است. (عكس شماره ۱۱۹) در نزديكى اين خانه دالان نسبتاً تنگ با درى كوچك است كه به نام «دالان ملك» يا «كوچه ملك تنگه» معروف است (عكس شماره ۱۲۰).

## دو كنيساي قديمى

## در يهودى محله بابل

كنيسائى كه امروز (سال ۱۳۵۶ شمسى) در آن عبادت مى شود به نام كنيساي خشنود است. اطاقى است چهار گوشه كه وسط آن سكو مانندى بلندتر از كف اصلى ساخته اند. بالای این سكو صندوقى قاب و آلت كارى است كه توراتى قديمى به شكل طومار در آن نگهدارى مى شود. چهار طرف اين سكو نيمكت و جاى نشستن عبادت-كنندگان است.

كنيساي ديگرى متصل به اين كنيسا است كه امروز از آن استفاده نمى شود.

## مسجد پير علم = مسجد مراد بيگك ۱۴۱

## در محله پير علم يا محله مراد بيگك بابل

در محوطه ميدان پير علم نزديك تكيه، مسجدى است كه در سال ۱۳۴۷ شمسى حاج محمد على ايمانى بانى تجديد بناى آن شده، بناى قديمى را از ميان برده و در ضلع شرقى حياط محرابه اى نو ساز و ضلع شمالى آن آبدارخانه و منزل خادم ساخته است.

## تكيه پير علم يا تكيه مراد بيگك

## در محله مراد بيگك بابل

بنائى است كه نماى آن سه پنجره بزرگ چوپين است كه هر کدام چهار لنگه

دارد لبة بام داراى دوچكش گردان و يك پشته است. سقف بنا تير كشى و تخته كوبى است. علمى در جلو تكيه است كه بر حاشيه اطراف دايره وسط، نامهاى چهارده معصوم حك شده و وسط اين نامها دو «ياعلى» كنده شده است. و قفلهائى متعددى به بازو هاى علم زده اند (عكس شماره ۱۲۱). صندوقى مخصوص نذورات نزديك علم بر ديوار نصب است. بر فضاي قسمتى از ميدان سقفى بلند و آهني زده اند. اين قسمت نيز از نوسازيهاى حاج محمد على ايمانى است.

## مسجد گلشن

## در محله گلشن بابل

در حاشيه درياى خزر به مسجدها و حمامهاى كه به نام «گلشن» معروفند زياد برخورد ام. اين مسجدها و حمامها ظاهراً در زمان صفويان به دستور ساخته شده اند. مسجد گلشن بابل نيز يكي از آنهاست. اين مسجد يكسره نوسازى شده است و از آثار قديمى آن گلدسته ايست كه مأذنه آن خراب شده و سر و پوشش ندارد.

## مسجد پنجشنبه بازار = مسجد حاجى ميرزا هدايت

## در محله پنجشنبه بازار قديم

شامل حياطى است تقريباً مربع شكل كه طرف قبلى آن محرابه مسجد است. دو فيلپا در وسط صحن محرابه است. سقف مسجد تير كشى و لمبه كوبى است. در طرف شمال حياط نيز اطاقهائى است كه جلو آنها دو پنجره بزرگ ارسى است. طرف شرق و غرب نيز بنا و ساختمان و آبدارخانه وساير لوازم است. اين مسجد داراى دو گلدسته است. (عكس شماره ۱۲۲)

## تكيه پنجشنبه بازار

## در محله پنجشنبه بازار قديم

بنائى است قديمى از آجر و پنجره هاى بلند چوبى با جامه هاى شيشه.

تکیه اوجابن با يك گلدسته (عكس شماره ۱۲۳)

طبقه بالا شامل سه پنجره بزرگ با جامهای شیشه است. در دو طرف این قسمت دو در بزرگ است که قسمتهای میانین آنها باز بسته می شود. طبقه زیرین شامل دو راهرو در طرفین و اطاقی بزرگ در وسط و علمی در جلو همین اطاق سمت چپ در ورودی، بردیوار تکیه کرده است.

این ابیات و نامها در دو طرف این در ورودی بر کاشی نوشته شده است:

۱۲۴۸ شمسی

۱۳۸۸ قمری

ای شیعیان بزم عزا یاد ما کنید

غفران ما همیشه طلب از خدا کنید

ما هم غلام درگه این شاه بوده ایم

اکنون همه بزییر احد آرمیده ایم

پیر مردان تکیه اوجابن

کربلائی حسین آقاری، مشهدی غلام یزدانی، سید محمد انتظاری،

سید محمد ناظری، سید احمد امیر بندر، سید محمد امیر بندر، مشهدی ملا-

یحیی خلیل اف، حاجی طبرستانی، حسین طبرستانی، حاج ابراهیم

طبرستانی، حاج مهدی بابا پور.

نام آخری در شش خشت کاشی و نامهای دیگر هر يك در يك خشت

کاشی نوشته شده است.

مسجد بیسر تکیه

در محله بیسر تکیه بابل

شامل حیاطی کوچک است که محرابه مسجد در ضلع جنوبی آن است. وسط

صحن محرابه، شش فیله‌ای شش ضلعی آجری است و طرف شرق آن قسمت زنانه

است که متصل به صحن محرابه مسجد است. این مسجد گلدسته‌ای زیبا دارد (عکس شماره ۱۲۴).

مسجد محدثین = مسجد شیخ کبیر

در محله طوقدارین (توغدارین) بارفروش

مسجد محدثین شامل حیاطی بزرگ است که در جانب جنوبی آن محرابه مسجد است. درازای محرابه سی متر و پهنای آن هفت متر است. این مسجد به دست ملا نصیرا ساخته شده است و گور خود او در حیاط همین مسجد است. بر بالای محراب آن سه کتیبه گچ بری بدین شرح است:

کتیبه اول:

عمل محمد هادی قزوینی

در قسمت بالای وسط محراب:

شهر شعبان النبی ۱۱۳۶

کتیبه‌ای که پایین تر از این دو قرار می گیرد:

لقد امر الشمس الخفی خاتم المعصومین ببناء هذا و سماه بمسجد

المحدثین کتبه العبد نعمت الله ابن الجعفر<sup>۱۴۲</sup>

عبارت قسمت آخر کتیبه یاد آور این امر است که قبله این مسجد با هیچ محاسبه‌ای

راست در نمی آمده است. ملا نصیرا در عالم شهود یا در عالم خفا حضرت ولی عصر

امام زمان را دیده و او دستور ساختن محراب را به وضع موجود داده است و ظاهر آ

نام این مسجد را نیز امام زمان بدان داده است.

این مسجد تقریباً خراب شده بود و آقای علی حقوقی آنرا تعمیر و مرمت کردند.

مقبره ملا نصیرا و مقبره آقا شیخ محمد حسن معروف به شیخ کبیر  
در مسجد محدثین در محله طوقدارین بارفروش (بابل)

طرف غربی حیاط مسجد محدثین دو اطاق متصل به یکدیگر است. اطاق عقب  
چهار گوشه است و در هر جدار آن یک در ورودی و دو طاقچه در طرفین آن است.  
ضریحی مشبک در وسط این اطاق گور ملا نصیرا را پوشانده است. برگور و ضریح  
او هیچ گونه نوشته‌ای ندیدم.

اطاق دیگری متصل به اطاق مقبره ملا نصیرا است که در آن آقا شیخ محمد  
حسن معروف به شیخ کبیر به خاک سپرده شده است. سنگی ساده برگور اوست و  
نوشته‌ای ندارد.

ناصرالدین شاه در سفرنامه سال ۱۲۹۲ قمری خود درباره این مرد می‌نویسد:  
شیخ محمد حسن مردی آسوده فهیم معروف به شیخ کبیر است.  
رفتیم خانه شیخ محمد حسن. در آن حین که من آنجا بودم شیخ را تب و  
لرزی شدید گرفت.<sup>۴۲</sup> شیخ کبیر از مخالفان مشروطیت ولی مورد احترام  
بسیار بود.<sup>۴۳</sup>

این مقبره را آقای علی حقوقی همچون مسجد محدثین مرمت کرده است.

در ایوانی که جلو اطاق مقبره ملا نصیرا و اطاق مدفن شیخ کبیر است کتیبه‌هایی  
به این شرح دیده می‌شود:

انا فتحنا لك فتحاً مبیناً ۱۲۹۵ - عمل رمضان علی نوائی حرره عباس

۱۲۹۵

قبر حاجی ملا محمد علی بارفروشی معروف به حضرت قدوس  
در مدرسه زکی خان در محله حصیر فروشان بارفروش

حاجی ملا محمد علی بارفروشی معروف به «حضرت قدوس»، کسی است که  
بیست هزار بیت شرح بر «الله الصمد» نوشته است.<sup>۴۵</sup> این مرد پس از تسلیم شدن در  
قلعه طبرسی (۱۲۶۵ ه. ق) او را به سبزه میدان آوردند و در آنجا مثله کردند. پس  
از قتل در مدرسه زکی خان دفن کردند.

مدرسه مذکور در حدود سال ۱۳۱۰ شمسی از طرف وزارت فرهنگ تجدید  
بنا شد و در آن دبستان دولتی دایر گردید. یکی دو سال بعد دکتر اسدالله شریف که  
منتسب به مذهب بهایی بود، دبستان مذکور را از اداره فرهنگ گرفت و در عوض  
مکان فعلی مدرسه هفده دی (واقع در خیابان امام) را که دارای ارزش بیشتری بود  
به فرهنگ واگذار کرد. مدرسه زکی خان اکنون صورت منزل به خود گرفته و محل  
سکونت است. حیاطی است نسبتاً وسیع و مشجر. در ورودی فعلی در جنوب خانه  
و در کوچه ابراهیمی است و در ورودی سابق آن در غرب و در کوچه حصیر فروشان بود.  
حجره‌های قدیمی که دورتادور حیاط بود، هنگام ساختمان دبستان، از طرف اداره  
فرهنگ خراب شده است. فعلاً در قسمت مشرق و جنوب ساختمانی وجود ندارد.  
ساختمان سمت مغرب شبیه انبار است. عمارت اصلی که مرکب از چند اطاق و مهتابی  
زیبا است در قسمت شمالی واقع شده است. هیچگونه اثری از قبر حاج ملا محمد  
علی بارفروشی دیده نمی‌شود و ظاهر آنکه کسی نمیداند که قبر مذکور در کدام نقطه خانه  
فعلی بوده است. آثار و نوشته‌های او در بریتیش میوزیم لندن است.<sup>۴۶</sup>

۱۴۵ - نقطه الکاف ص ۱۳۹ به نقل از شهر بابل ص ۵۱.

۱۴۶ - این آثار به شماره «Or. 5110» است. مطالب بالا از کتاب شهر بابل ص ۵۱ و

۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ نقل شده است.

۴۳ - سفرنامه ناصرالدین شاه به قلم خودش ص ۲۳۲ به نقل از شهر بابل ص ۵۲.

۱۴۴ - شهر بابل ص ۵۳.

حمام خان «کوچک»  
در محله مسجد قهاریه

بانی این حمام قدیمی حسن خان پسر قهارقلی خان بوده است که پدر بزرگ شهریارپور امروزی است. این حمام قدیمی نوسازی شده و از آثار قدیمی آن چیزی برجای نبود.

مدرسه قهاریه  
در محله مسجد قهاریه

در سال ۱۳۱۲ ه. ش. که به امر رضاخان بازار بارفروش خراب شد، این مدرسه نیز از میان رفت. مقداری از اراضی آن در «دبستان بدر» امروز باقی است.

مسجد قهارقلی خان  
در محله مسجد قهاریه بابل

شامل حیاطی کوچک است و محرابه مسجد در جنوب این حیاط است. سه پنجره بلند و عریض جلو مسجد است. این مسجد اخیراً تعمیر و تجدید بنا شده است.

مسجد چاله زمین  
در محله چاله زمین  
مسجد کوچکی است. آثار تاریخی در آن دیده نشد.

امامزاده عبدالله  
در محله چهارشنبه پیش

این بنا که در خیابان شاهپور کنونی جنب درمانگاه شماره دو است، به دست آقای ثقفی تجدید بنا شده و آثار قدیمی آن از میان رفته است.

مقبره شهدا

در چهار راه شهدای امروزی

مقبره کوچکی بود در زمان نوسازیهای رضاخان به سال ۱۳۱۲ ه. ش. در وسط

چهارراه واقع شد و از میان رفت.

هفت تن یا هفت تنان  
در اراضی علمدار بابل (بارفروش)

بنای بقعه از آجر و قدیمی است. در وسط بنای اصلی هفت قبر پهلوئی یکدیگر است. بالای این گورها یک متر از سطح زمین بلندتر است و درازای آن حدود هفت متر است. ظاهراً این محل گورهای هفت پسر و یشتاسب جلالی است که در جنگ با میرکمال الدین بن میرقوام الدین کشته شدند. ملکنوف نیز از هفت تنان یاد کرده است. ۴۷

آقای مهدی فضل الله زاده مقبره ای خانوادگی پهلوئی بنای هفت تن دست و پا کرده و ظاهراً دستی به سر و گوش بنای اصلی کشیده است این اشعار بر خشتهای کاشی است که بر دیوار شمالی بقعه نصب شده است:

بسم الله

چه خوب این آستان را کرد تعمیر

ز نو مهدی فضل الله زاده

دریغا در جوانی رفت ناکام

ز ساقی اجل نوشیده باده

حبیب الله بابش با دو صد غم

چنین رعنا جوان از دست داده

هزار و سیصد و هفتاد و شش دان

بود تعمیر این دار العباده

زهی بر همت والای بانی

چه نیکو یادگار از خود نهاده

۱۴۷- برای شرح بیشتری درباره پسران و یشتاسب و جنگ میرکمال الدین با ایشان به تاریخ طبرستان و رویان و مازندران میرظهور الدین چاپ عباس شایان صفحات ۲۶۰-۲۶۷ نگاه کنید.

جواد بیژنی گوید که الحق

در جنت بروی خود گشاده

مرداد ماه ۱۳۳۵ شمسی

کافرکتی

در اراضی علمدار بابل

در جنوب بقعه هفت تن، کتی بلند و درازی است. بلندی آن میان ده تا پانزده متر است. اراضی بالای آن را چون افراد ضبط کرده و به باغستان تبدیل کرده بودند، درست دیده نشد و نتوانستیم وسعت سطح بالای آن را حدس بزنیم. مردی به نام عباس گرجی زاده کوره آجرپزی در این تپه احداث کرده و مقداری از اراضی آن را خراب کرده و خشت زده است. دیری نخواهد گذشت که این تپه قدیمی از میان برود.

آرامگاه یا قبرستان شهر بابل

در شمال غربی شهر نزدیک دروازه قدیم شاهی

بانی خیر این گورستان حاجی محمد تقی معتمدی است که در سال ۱۳۲۱ شمسی این اراضی را وقف گورستان شهر بابل کرده است. بر بالای در ورودی آن نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم ان الينا اياهم ثم ان علينا حسابهم هو الذي  
يحبيكم ثم يميتكم ثم يحييكم ثم اليه ترجعون باني این قبرستان عمومی  
الحاج محمد تقی معتمد المازندرانی غفر ذنوبه ۱۳۶۱ قمری ۱۳۲۱ شمسی .  
مسجدی به نام مسجد «چهارشنبه پیش» در اراضی آرامگاه است .

باقی بناها و آثار تاریخی شهر بارفروش

- ۱- درویش تاج الدین پشت شهرداری نزدیک مدرسه حافظ.
- ۲- امامزاده یحیی در کاسه گرمحله پشت اداره پست کنونی.
- ۳- مسجد ضرابی در محله طوقدار بن (توغ دار بن) کوچه ضرابی، مسجدی قدیمی

بود که حاجی ایمانی و دیگران نوسازی کردند و آثار قدیمی آن را از میان بردند .

۴- مرقد عبدالمعصوم در محوطه ای نزدیک تکیه باقر ناظر .

۵- از مسجد رحیمیه که ملکتنوف از آن یاد کرده است اثری نیافتیم .

۶- مسجد قدیمی محله نقیب کلارا ظاهراً دکتر طهماسبی تجدید بنا کرده است .

۸- کاروانسرای سید ذبیح الله طبری در اول محله چهارشنبه پیش بابل امروز

مقداری از اراضی آن خانه های مسکونی و باقی محل توقف ماشین شده است و طرح اصلی خود را از دست داده است .

۸- کوتی یا تپه جنید نزدیک شهر بابل .

۹- کاروانسرای پلنگ در شهر بابل .

۱۰- درویش علم بازی در بازگیر کلاکه از راه آرامگاه به آنجا می توان رفت .

## ۴- بناها و آثار تاریخی مشهدسر (بابلسر)

شامل نواحی: رودبست و پازوار و بانسر

مختصری از جغرافیای طبیعی بابلسر

مشهدسر (بابلسر) و تقسیمات آن

بابلسر شامل سه ناحیه رودبست و پازوار و بانسر<sup>۱</sup> است.

رودبست در جنوب بابلسر و مغرب راه بابلسر به بابل است و نه دهکده آن از شاخه های نهرکاری و رود بابل مشروب می شود و دهکده های مهم آن: کله بست<sup>۲</sup> و گاوزن- محله و کاری کلا و اوچاکسر است.

پازوار در دو طرف جاده بابل به بابلسر است و هفده دهکده به این نام خوانده می شوند. دهکده های مهم این قسمت: امیرکلا و احمدکلا و فوکلا و سرحمام است. بانسر (بضم سین) در شمال شهر بابل است و از طرف شمال به حومه بابل و از جنوب به ناحیه بیسه سر و از مشرق به رودخانه تالار و از مغرب به رودخانه بابل محدود می شود. آب دهکده های این ناحیه از شاخه های تالار و بابل رود است. دهکده های مهم آن: بهنمیر<sup>۳</sup> و ازیزک<sup>۴</sup> (عزیزک) و خردمرد<sup>۵</sup> و روشندان است.

۱- بضم سین. در فرهنگ جغرافیایی ایران باصا ضبط شده است. ۲- بفتح کاف و سین.

۳- بکسر باء و فتح نون. ۴- بفتح الف. در فرهنگ جغرافیایی ایران با عین ضبط شده

است. ۵- بضم خاء و سکون راء و کسر دال.

مشهدی سر (= بابلسر) از نظر ایت در سال ۱۲۶۰ هجری

ایت از بارفروش (بابل) به مشهدی سر (= بابلسر) رفته و مطالبی را که یادداشت کرده است از این قرار است:

از بارفروش به مشهدی سر رفتیم که بندری در مصب بابل رود است. کالاهائی که از راه دریا می آید در مشهدی سر پیاده می کنند و از آنجا به بارفروش می برند. در دو میلی بارفروش به حمزه کلا رسیدیم و انتهای فاصله چهار میلی به امیر کلا آمدیم. قصبه ایست که دکانهای زیادی دارد. اینجا جمعه بازار است. در فاصله پنج میلی به بازار رسیدیم که ملک حاجی میرزا آقاسی است. این صدر اعظم بیست و پنج دهکده در مازندران دارد. از بازار به مشهدی سر وارد شدیم که دوازده میل فاصله از بارفروش دارد. صد و بیست خانوار در مشهدی سر ساکن هستند و خانه های ایشان پراکنده نزدیک مصب بابل رود ساخته شده است. مشهدی سر تنها بندر مازندران است اما بندرگاه ندارد. کشتیها در مصب رودخانه لنگر می اندازند و کالاهای را با کرجی حمل می کنند.<sup>۶</sup>

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره مشهدی سر می نویسد:

این مکان را مشهدی سر به این جهت می نامند که رأس مبارک امامزاده ابراهیم بن موسی الکاظم ملقب به ابوجواب در این مکان مدفون است.<sup>۷</sup> اعتماد السلطنه گمان کرده است که «مشهدی سر» به معنی مدفن سر است و توجهی به ترکیب زبان طبری نکرده است که اگر منظور نام گذار چنین بود، باید بگوید «سری-مشهد». کلمه «سر» با بسیاری از نامهای جغرافیائی این صفحات ترکیب است و به معنی محل و جای و کانون است. در کلمات «سخت سر» و «رودسر» و «گچسر» کلمه

۶- Abbot, K. E : Narrative of a journey from Tabriz along the Shores of the Caspian sea to Tehran PP, 43, 44.

۷- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۹.

سر به معنی سر در مقابل پای نیست.

## ۲- بناها و آثار تاریخی بابلسر و اطراف آن

### قلعه مشهدسر (بابلسر)

ملگنوف از قلعه مشهدسر یاد کرده و محل آن را در بالای تپه می داند. ظاهر آن این قلعه در حوالی تپه ای که آستانه امامزاده ابراهیم و بقعه بی بی رقیه بر آن ساخته شده است قرار داشته و چنانکه او می نویسد به دست استنک رزینه ویران شده و آثار آن از میان رفته است.<sup>۸</sup>

کوئی خرد مرد<sup>۹</sup>

تپه بزرگی که در اراضی این دهکده است باید از آثار تاریخی دانست.

بنائی قدیمی

در کاله عرب خیل ۱۰ بابلسر

سرا راه بابلسر به بهنمیر که به طرف مشرق بابلسر می رود در اراضی کاله عرب-خیل آجرهای قالب بزرگ نظیر آجرهای دوران ساسانی از زیر خاک بیرون می آید.

مسجد حاجی کریم

در دهکده امیر کلا از دهکده های بازار مشهدسر

بنای مسجد قدیمی به نظر نرسید. بر بالای محراب آیات و عبارات زیر گچبری شده است:

۸- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۳ الف. نام استنک رزینه به روسی Stenki Razina است.

۹- بضم خاء و فتح میم، ده از دهستان بانصر بخش بابلسر شهرستان بابل ۱۰ کیلومتری شمال بابل دو کیلومتری شرق راه بابل به بابلسر (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۱۰- کاله عرب خیل، ده از دهستان حومه بخش بابلسر شهرستان بابل ۹ کیلومتری بابلسرا راه بابلسر به بهنمیر (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳):

الله جل جلاله

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد رسول الله على ولي الله

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد

حسن وحسين

۱۳۴۵ فاطمه

برحاشیة دوطرف :

یا معطی المسئلات - یا مجیب الدعوات - یا ولی الحسنات -

یا رافع الدرجات - یا غافر الخطیئات - یا عالم الحقیقات

تکیه‌ای نسبتاً قدیمی نزدیک همین مسجد است .

مسجد و حمام و تکیه

در دهکده امیرکلای پازوار

ناصرالدین شاه درباره دهکده امیرکلا و تکیه آن می نویسد :

ده امیرکلا در دست شیخ الاسلام بارفروش (بابل) است عجب

ده معتبر بزرگی است . بقدر نیم فرسنگ طول ده بود . خانه های سفالی

خوب خوش اسلوب و مساجد و حمامهای مرغوب داشت . تکیه آجری

خوش طرح عالی در آنجا دیدم خیلی ممتاز.<sup>۱۱</sup>

تکیه‌ای که ناصرالدین شاه از آن یاد کرده است ظاهراً تکیه قدیمی نزدیک مسجد

چهل ستون است . این تکیه را نوسازی کرده بودند و مسجد چهل ستون امروز هم

چهل ستون چهارتراش ناصاف داشت . حمام قدیمی این محل هم تجدید بنا شده بود .

بقعه کریم و رحیم

در اراضی دهکده مقری کلا از دهکده های پازوار

بنائی است ساده با ایوانی در جلو و دو طرف آن ، این ایوان در سه جهت

۱۱ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۷ .

هشت ستون چهارسو دارد . لبه بام يك شیرسر و يك پشته دارد . سراسر بام سفالپوش است .

سروی کهنسال در اراضی گورستان بقعه است که گرداگرد تنة آن ۱۶۰ سانتیمتر و بلندی آن به ۲۴ متر می رسد (عکس شماره ۱۲۵) .

دین سر ۱۲

نزدیک بقعه کریم و رحیم در اراضی مقری کلا

تپه بزرگی کنار رودخانه نزدیک این بقعه است . بلندی آن در حدود ده متر و سطح بالای آن در حدود سه هکتار است .

کوثر دین

تپه دیگری که کوچکتر از تپه دین سر است . کنار جاده اصلی بابل بیه بابلسر قرار دارد که به نام «کوثر دین» معروف است .

قلعه پازوار

سرراه بابلسر به بابل (بارفروش)

میان کیلومتر هشت و نه این جاده کوتی بزرگی بود که بر اثر ساختن جاده در زمان رضاخان بیشتر خاکریز آن از میان رفت و امروز مقدار کمی از آن باقی مانده است .

تکیه ای قدیمی

در دهکده کله بست پازوار

قسمتی از تکیه به شکل قدیمی آن برجای است . نمای خارج تکیه دارای سه جرز قدیمی است که بر آن گچ بری دارد . میان جرزها ، پنجره های بلند نوساز است که ظاهراً به جای پنجره های قدیمی ارسی کار گذاشته اند (عکس شماره ۱۲۶) .

بر بالای جرز سمت راست سنه ۱۳۲۷ قمری خوانده می‌شود. در طاقچه‌های داخل تکیه و در رفهای بلند آن گچ‌بریهای جالب دارد (عکس شماره ۱۲۷ و ۱۲۸). بر بالای جدار تکیه که متصل به آبدارخانه است، پنجره ارسی است که قاب و آلت‌های ظریف دارد. این پنجره تنها پنجره قدیمی است که به وضع اصلی خود باقی است. جلوتکیه سقافاری قدیمی است که باید همزمان با خود تکیه ساخته شده باشد. قسمتی اخیراً به سقافار افزوده‌اند و آن را از حالت مربع به شکل مستطیل درآورده‌اند.

#### آستانه امامزاده ابراهیم ابوجواب

نخستین بار در کتاب تاریخ‌خاندان مرعشی مورخ ۱۰۷۳ از این امامزاده یاد شده است. مؤلف در این باره می‌نویسد:

نقل است که سید عزیز بابلکانی چون در شکارگاه در مجلس بهشت. آیین (شاه اسماعیل اول ۹۳۰ - ۹۰۷) در آمده، با موزه رفت بنشیند و در وقت حرکت که به زانو درآید، صدایی از موزه برآمد مثل شرطه و باد که جدا می‌شود، چنانچه کسل حضار را تحقیق شد این معنی. نواب همایون به طرف دیگر التفات نموده، در تکلم آمد و دیگران به تبسم خفی خود را نگاه داشتند. اما سید بغایت خجل و منفعل گشته، در دل خود نذر کر اگر نوبتی دیگر این صدا از این موزه برآید و مردم را ظاهر شود برائت من از آن قباحت، من آستانه امامزاده ابراهیم ابوجواب را ببند اصطلاح ما بین ساری و بار فروش ده را نیز بسازم. در حین نذر نواب همایون متوجه سید شده، احوال مازندران پرسید. سید به حرکت آمده که سر فرو آورد که باز همان قسم صدا از موزه ظاهر شد به نوعی که حضار را رفع شبهه شده، از آن اداها نادم گشتند. اما نواب اشرف فرمودند که حقا تو سیدی از اعجاز حضرات بود که سر ظاهر شد که

تو از خجالت بیرون آئی. سید سر به سجده گذاشته، شکر ایزدی ودعای پادشاه بجا آورده، سه عرض رسانید که حقا بنده به صدق به این آستان ولایت نشان آمده‌ام، حاشاکه مرا شرمنده و منفعل بگذارند. پادشاه از این جواب بسیار محظوظ شده، سید را تحسین نموده، به خلایق فخره سرافراز ساخت.

اما چون سید به وطن رفت به نذر وفا کرده آن بند را ساخت و به اسم او مشهور شد. اما آستانه‌ها هر چند بنا نهادند در شب فرود می‌آمد. دانشمندان گفتند که کسی عادل باید که مرتکب حرام نشده باشد تا آن بنای عالی بنهد تا فرود نیاید. سید مزبور که پیوسته پسران امرود متعدد داشتی و به امر لواطه مشهور بود، گفت «پس به دست خود بنا گذارم با ببینم چه می‌شود.» چون بنا گذاشت صباح به سروقتش رفتند، ثابت و قایم بود. مردم تعجب کردند. سید مزبور به غلاظ و شداد قسم یاد کرد که هرگز مرتکب افعال حرام از زنا و لواط فاعلاً و مفعولاً نشده، بند ازار به حرام نگشودم. این پسران همه فرزند منند، جهت زینت و آداب خدمت اینها را تربیت می‌دهم. بر این امامزاده وجد او که به راستی به خلق آمده است ظاهر است و بر این معنی شاهد. از مشاهده این حال و استماع این مقال تعجب متحیران زیاد گردیده و او را تحسین نمودند و آن بنا الان که سنه ثلث و سبعین و الف است موجود است.<sup>۱۳</sup>

در سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ از این امامزاده با نام «آفاسید ابراهیم ابوجواب» یاد شده و یاد آور می‌شود که با خواهرش در بازار محله مشهدسر به خاک سپرده شده.<sup>۱۴</sup> ملگنوف این امامزاده را به نام «ابراهیم ابوجواب بن امام موسی» خوانده و می‌نویسد که سید شمس الدین بابلکانی بقعه او را ساخته است.<sup>۱۵</sup>

۱۳- تاریخ‌خاندان مرعشی ص ۷۳ و ۷۴ و ۷۵. ۱۴- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۱۲. ۱۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۳ ب.

در رمضان سال ۱۲۹۲ قمری ناصرالدین شاه این امامزاده را در سفر دوم خود به مازندران زیارت کرده و درباره آن می نویسد:

« به چمن احمدکلا الی محاذی امامزاده سلطان سید ابراهیم - برادر امام ثامن امام رضا علیه التحیه و الثنا رانندیم. در امامزاده پیاده شده زیارت کردم. گنبد مخروطی دارد. آقاالله قلی خان - مباشر گمرک مشهد سر-مرمت کرده و الا منهدم و خراب شده بود. صحن بزرگ بسیار خوبی دارد. بنای این گنبد خیلی قدیم است. چهارپنجه در بزرگ و کوچک که از حیث نجاری و منبت کاری کمال امتیاز را داشت دیده شد. تاریخ درها و شرحی که نوشته شده و به خط تعلیق خوب بود گفتیم امین الملک خواند.

عبارت آن از این قرار است:

در درب غربی نوشته شده:

امرهنه العمارة الشریفه سید السادات سید شمس الدین بن سید عبدالعزیز بن بابلکان فی تاریخ جمادی الاولی سنة ثمان و خمسين و ثمانمائه عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی . فی تاریخ ذی حجه سبع و خمسين و ثمان مائه.

باب شرقی که نسبت به سایر درها چندان اعتبار نجاری ندارد: صاحب الخیرات هذا الباب و العمارة المسمی به بی بی فضه خاتون بنت امیر ساعد عمل استاد حسن بن استاد بایزید نجار رازی سنة خمسين و سبعة مائه .

درب شمالی که بهتر و بزرگتر از همه درها است:

امر هذا الباب المزار المتبرک سید عزیر بن سید شمس الدین معروف به بابلکان عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی فی تاریخ شهر محرم احدی و اربعین و ثمان مائه.

ضریح فلزی شبیه به فولاد از قدیم در مقبره امامزاده است.

خطوطی که بر این ضریح محکوک بود از این قرار است:  
اللهم صل علی محمد و آله و صل علی امیر المؤمنین و همچنین از فاطمة علیها السلام الی قائم عجل الله فرجه . در هر کتیبه ضریح منبت کرده اند بر دیوار غربی بقعه خشتی از کاشی نصب است که تاریخ وفات صدرا نام بر آن نقش است . این کاشی طبیعت چینی دارد با لعاب بسیار شفاف خوب روی خشت سفید و خطوط سیاه است . در اطراف و حواشی آن دعا نوشته و در متن ماده تاریخ صدرا است.

صدرا که جهان علم از او یافت بکام

از رتبه چون کرد صدر فردوس مقام

تاریخ وفاتش این رقم زد یحیی

گلزار بهشت جای او باد مقام ۱۰۴۴

کاشیهای ازاره های گنبد هم کاشیهای معرق بسیار خوب بود مثل

چینی بسیار عالی .

در بیرون گنبد پنجره کهنه بود به دیوار نصب کرده بودند. بر آن پنجره هم شرحی نوشته بودند . در يك سمت ناد علیاً مظهر العجائب الی آخر. در طرف مقابل عمل استاد محمود گیلانی بدون تاریخ . از قراری که گفتند در مدفن امامزاده سلطان ابراهیم اختلاف است من جمله اعتقاد جمعی بر این است که این نقطه و بقعه مدفن سر امامزاده است و جسد مبارکش در قریه ناچر که جور مدفون است.<sup>۱۶</sup>

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره امامزاده ابراهیم می نویسد:

بقعه امامزاده عالی است. گنبد مرتفع کهنه ای دارد و آثار کهنه در حوالی بقعه مبارک پیدا است. در و پنجره بقعه چوب منبت بسیار اعلی است

۱۶- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

و آیات قرآنی در آن نقش شده است. در یکی از درها منقور است که در زمان سلطنت شیخ عزیز نامی، پانصد سال قبل تقریباً این در ساخته و آنجا گذاشته شده است.<sup>۱۷</sup>

رابینو از دری دیگر یاد می‌کند که کتیبه آن بدین ترتیب بوده است :

صاحب الخیرات هذا الباب و عماراة المسماة بی بی فضه خاتون بنت امیرصاعد - عمل حسن بن استاد بایزید نجار فی التاریخ سنة خمس و تسعمایه کتبه تقی الآملی - عمل علی بن استاد اسمعیل نجار الآملی المعروف برازی غفر الله علیهم اجمعین .

وضع فعلی بقعه امامزاده ابراهیم

ساختمان بقعه بنایی است هشت ضلعی با گنبدی کلاه درویشی که ساختمان مسجدی بزرگ با کفش کن و بنائی برای آبدارخانه یا نظایر آن به آن افزوده اند. در هر ضلعی از خارج دو طاقنمای بلند است که به جای کتیبه‌ای مستطیل شکل ختم می‌شود. بالای جای کتیبه‌ها در هر ضلع هشت قرنیس است (عکس شماره ۱۲۹). داخل بنای اصلی و برج‌ها مسجد کوچ بسریهای ظریفی است که در نوع خود بی نظیر است (عکس شماره ۱۳۰).

وضع امروزی درهای آستانه امامزاده ابراهیم بدین شرح است :

بر در ورودی مسجد امامزاده ابراهیم که بلندی آن ۲۳۸ و پهنای آن ۸۲ سانتیمتر است عبارات زیر حک شده است :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی هذه العمارة الشریفة علیا حضرت سیده النساء<sup>۱۸</sup> بیی فضه -

خاتون بنت امیرصاعد

۱۷- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۰ . ۱۸- رابینو در سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۲۱ ع نوشته‌های این در را نقل کرده و کلمه «النساء» را نخوانده است .

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

حرم سلطان الاعظم سلطان امیر شمس الدین طاب ثراه و جعل  
الجنة مئواه

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد علی بن استاد فخرالدین بن استاد علی نجار کتبه احمد  
ابن حسین سیاه پوش<sup>۱۹</sup>

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

تمت فی شهر محرم الحرام فی سنة ست و تسعمایه هجرة النبویه  
علیه السلام (عکس شماره ۱۳۱)

هر لنگه شامل سه قسمت اصلی و دو بائو در طرفین است. در دو تنگه بالا و پایین و قسمت وسط قاب و گره است و در اطراف آنها حاشیه کنده کاری است. بر پاسارها و دو بائوی طرفین لنگه و بر دماغه و چهارچوب در کنده کاری است.

دری که به سخن حرم تشوده می‌شود

بلندی این در دو لنگه ۲۴۸ و پهنای آن ۸۹ سانتیمتر است .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است :

امر هذه الباب المزار المتبرک مرتضى الاعظم

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

سید عزیز بن سید شمس الدین المعروف ببابلکان

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد محمد بن استاد علی النجار الرازی

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

فی التاریخ شهر محرم سنة احدی اربعین وثمانمائه<sup>۲۰</sup>

۱۹- کلمه «سیاه پوش» را رابینو نخوانده است. ۲۰- این کتیبه در سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۱۹ ع ۲۰ ع آمده است .

هرلنگه از این جفت در شامل سه قسمت اصلی است بسا دو بائو در طرفین .  
بائوی سمت راست و چپ کنده کاری است . در قسمت وسط قاب و گره و در بالا و  
پایین کتیبه است (عکس شماره ۱۳۲) .

در بالای این در پنجره نورگیر مشبك بزرگی است . در زیر آن عبارات زیر  
حك شده است :

اللهم صل على الحسين صلوات الله عليه وعليهم اجمعين كتبه تقي  
الآملی عمل علی بن استاد اسمعیل نجار الاملی المعروف برازی غفرله  
بر قسمت راست این خفنگك مشبك عبارات زیر حك شده است :

الشهيد المظلوم بكر بلا اللهم صل على بن الحسين زين -  
العابدين في البقيع اللهم صل على محمد الباقر في البقيع اللهم صل على  
جعفر بن محمد

بر قسمت بالای خفنگك:

الصادق في البقيع اللهم صل على موسى الكاظم في بغداد اللهم  
صل على بن موسى الرضا في طوس اللهم صل على محمد التقي في بغداد<sup>۲۱</sup>  
بر قسمت چپ این خفنگك دنباله صلوات چنین است :

اللهم صل على بن علي النقي الهادي في سامره اللهم صل على الحسن  
العسكري في سامره اللهم صل على الخلفه الحججة القائم المنتظر [شكستگي  
دارد]

در غربی حرم

دری است دولنگه که بلندی هرلنگه آن ۱۷۹ و پهنایش ۴۹ سانتیمتر است شامل  
تنکه بالا و قسمت وسط و تنکه پایین ، بالا و پایین تنکه بالا دو پاسار و بالا و پایین تنکه  
پایین نیز دو پاسار است .

۲۱- جزء دوم بغداد یعنی «داد» به قسمت چپ خفنگك آمده است .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

امر هذه العمارة الشريفة سيد السادات

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

والاشراف سيد شمس الدين بن سيد عبدالعزيز بابلكان

قسمت پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی

قسمت پایین لنگه سمت چپ :

في تاريخ ذوالحجة سنة تسع و خمسين و ثمانمائه هجريه<sup>۲۲</sup>

(عکسهای شماره ۱۳۳ و ۱۳۴)

در شمالی حرم

در طرف شمالی حرم نیز دری باکنده کاریهای ظریف است. متن دو تنکه هر  
لنگه با قسمت وسط در، قاب و گره است و بر بائوها و چهارچوب کنده کاری دارد .  
بلندی هرلنگه ۱۷۸ و پهنایش ۵۱ سانتیمتر است.

این عبارات بر این جفت در حك شده است :

بر بالای لنگه سمت راست :

امر هذه العمارة الشريفة سيد السادات

بر بالای لنگه سمت چپ :

سيد شمس الدين بن سيد عبدالعزيز بابلكان

بر قسمت پایین لنگه سمت راست :

في تاريخ جمادى الاول سنة ثمان و خمسين و ثمانمائه<sup>۲۳</sup>

بر قسمت پایین لنگه سمت چپ :

۲۲- این کتیبه در سفرنامه مازندران و استرآباد را اینو ص ۲۰ ع آمده است. خواننده کتیبه  
کلمه ذوالحجه را ذیحجه خوانده است . ۲۳- متن این کتیبه در سفرنامه مازندران  
و استرآباد را اینو ص ۲۰ ع آمده است .

عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی (عکس شماره ۱۳۵)

و ۱۳۶)

در وسط حرم صندوقی چوبین است که این عبارت بر بدنه‌های آن حک شده است:  
بر حاشیه دست راست بدنه شمالی صندوق :

امر هذه الروضة الميمون المبارك الشريف المنور المطهر المقدس  
سيد الاعظم سلالة السادات سيد مرتضى بن المرتضى الاعظم افتخار آل طاه  
ويا سين سيد شمس الدين ادام الله سيادتهما ابن سادت المرحوم سيد حسين  
كيا بن سيد عبدالله بن سيد علي كيا ببابلكان طاب ثراهم عمل استاد فخر-  
الدين واخوه محمد بن علي بن اسماعيل بن علي النجار الآملي المعروف  
بالرازي في تاريخ شهر رمضان المبارك سنة خمس ثلثين وثمانمائه.

آیات و عباراتی که بر بدنه شرقی صندوق حک شده است :

بر بازوی سمت راست:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - له مافی السموات

بر حاشیه بالای بدنه شرقی :

وما فی الارض من ذا الذی - تا - یحیطون بشیء من

بر بازوی سمت چپ همین بدنه :

علمه الا بما شاء - تا - وهو العلی العظیم

عبارات و مطالبی که بر بدنه جنوبی صندوق حک شده است:

بر بازوی سمت راست:

اللهم صل علی محمد المصطفى و علی المرتضى و فاطمة الزهرا

و حسن الرضا و حسین شهید

بر حاشیه بالای صندوق:

بکربلا و علی بن الحسین زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق

و موسی کاظم و علی بن موسی الرضا و محمد تقی و علی نقی و حسن

الزکی العسکری و حجة القائم و خلف

بر بازوی سمت چپ بدنه جنوبی :

الصالح امام المنتظر محمد بن الحسن المهدي صاحب الزمان

صلوات الله عليه و عليهم اجمعين .

احادیث و مطالبی که بر بدنه غربی صندوق حک شده است :

بر بازوی سمت راست:

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم الا و من احب آل محمد امن

من الحساب الميزان

بر قسمت بالای همین بدنه :

و الصراط الا و من مات على حب آل محمد فانا كقبله بالجنة مع

الانبيا الا و من ابغض .

بر بازوی سمت چپ بدنه غربی :

آل محمد جاء يوم القيمة مكتوبا عينه آيس من رحمة الله تعالى

صدق يا رسول الله

ضريح تقديمي محمدرضا بهلوی اطراف این صندوق را پوشانده است درازای

آن ۲۴۳ و پهنایش ۱۹۴ و بلندی آن ۱۹۹ سانتیمتر است که در آن صد مثقال طلا و

دویست مثقال نقره صرف شده است .

در صنفه شمال شرقی حرم خشتی کاشی به دیوار است که اطراف آن صلوات

کبیر به این ترتیب نوشته شده است:

اللهم صل علی النبی و الوصی و البتول و السبطین و السجاد و الباقر

و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و العسکری و المهدي هادی

صاحب الزمان صلوات عليه و عليهم اجمعين .

در متن کاشی این رباعی نوشته شده است:

صدرا که جهان علم از او یافت نظام  
از رتبه چو کرد صدر فردوس مقام  
تاریخ وفاتش این رقم یحیی زد  
گلزار بهشت جای او بساد دوام<sup>۲۴</sup>

بقعه بی بی رقیه  
نزدیک مرقد امامزاده ابراهیم ابوجواب

ملگنوف این بقعه را به نام «بی بی سکینه» می خواند و تاریخ بنای آن را در ۸۹۳ قمری ضبط کرده است.<sup>۲۵</sup>

بقعه بی بی رقیه بنایی است هشت ضلعی از آجر که در هر ضلع آن طاقنمایی با طاق جناغی است. سقف بنا از داخل گنبدی و بام آن سفالپوش است. مسجدی متصل به بقعه است. در ورودی شمال بقعه کنده کاریهای ظریف داشت ولی به علت بارندگی فرسوده شده بود و مطالب آن درست خواننده نمی شد صندوقی ساده چوبین مرقد بی بی رقیه را پوشانده بود که ارزش هنری و تاریخی نداشت. این بنا در شمال غربی بقعه امامزاده ابراهیم در بابلسر است و بر تپه های شنی که مسلط بر دریاست ساخته شده است (عکس شماره ۱۳۷).

#### چهل شهیدان

در دهکده بابل پشت ۲۶ مشهدسر (بابلسر)

ملگنوف از این مرقد یاد کرده و محل آن را در بابل پشت نشان می دهد<sup>۲۷</sup> بابل پشت شامل: یورمحل، پایین محل، اله کله و بابل پشت است در تحقیقی که در این صفحات به عمل آمد نشانی از چنین مرقدی نیافتیم.

۲۴- کلمات این مصراع به حساب جمل معادل ۱۰۴۴ هجری قمری است.

۲۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۳ ب. ۲۶- ده از دهستان پازوار بخش بابلسر شهرستان بابل ۳ کیلومتری جنوب بابلسر کنار راه بابل به بابلسر (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۷- نسخه عکسی سفرنامه ملگنوف ص ۸۴ الف.

#### دخمه سادات

در دهکده رود بست مشهدسر (بابلسر)

در قصبه رود بست مقابل جامع، گنبد دخمه سادات است. کلاخی راکه به لهجه فصیح می گفت «اقول محمد رسول الله» و طغرل برای شاه اردشیر فرستاده بود، بعد يك سال زندگی در طبرستان بر در آن دخمه به خاک سپردند.<sup>۲۸</sup> از دخمه سادات در رود بست امروز اثری باقی نیست.

#### امامزاده احمد

در رود بست مشهدسر (بابلسر)

بنای این امامزاده نسبتاً قدیمی است. بنای بقعه و مسجد رویهم به شکل بنائی مستطیل است. ایوان قبلی آن دارای یازده ستون چهارسو است که سرستونهای آن نقش دهان اژدر دارد ولی برشی به آن نداده اند در غرب بنا ایوانی کوچک است.

#### امامزاده حسن

در اراضی قادی محله رود بست مشهدسر

بر سر جاده ای که از دریا کنار (در راه بابلسر به فری کنار) به کله بست می رود طرف دست چپ جاده، در اراضی قادی محله بقعه ایست چهار گوشه با بامی سفال-سر، در محوطه ای باز که گورستان است. اثر تاریخی در آن دیده نشد.<sup>۲۹</sup>

#### بقعه سید محمد

در فری کنار (فریدون کنار) بابلسر

بقعه سید محمد امروز به نام «آسونه سر» معروف است و در گورستان قدیمی است. بقعه ایست ساده که هیچگونه اثر تاریخی و هنری در آن دیده نشد. این بقعه

۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۶. ۲۹- در نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۳ الف از این امامزاده به نام تربت حسن در رود بست مشهدسر یاد شده است.

ظاهراً در زمان صفویان اهمیتی داشته زیرا در طوماری که نام متولیان امامزاده‌های مازندران آمده به نام امامزاده سید محمد برمی‌خوریم که در فری کنار بوده و تولیت آنجا را اولاد درویش فضل الله وسید بهاء الدین داشته‌اند .

#### مسجد قدیمی فری کنار

مسجد قدیمی فری کنار را در سال ۱۳۵۰ شمسی دیده بودم و کتیبه و قننامه آن را رونویس کرده بودم . در سال ۱۳۵۶ در بازدید مجدد این بنا را خراب کرده بودند و از نو ساخته بودند . این کتیبه شامل رقبات موقوفات مسجد است که ارباب محمود فری کناری (پدر خاندان بهرامی) وقف کرده است . مطالب آن بدین قرار است :

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله اول بلا اول كان قبله والآخر بلا آخر يكون بعد والحمد لله الذي من علينا بحبيبه محمد صلى الله عليه وآله دون الامم الماضية وبعد حسب المفاد مصدوقه كريمه انما الدنيا لعب ولهو وان الدار الاخرة لاهي الحيوان از آنجائیکه حیات مستعار دنیوی در گذراست و محل باقی در سرای دیگر است و خردمند را تحصیل توشه برای مکان ابدی تقدیم در معرض لزوم است فعليهذا ابتغاء لوجه الله وطلباً لمرضاته عمدة الاعيان العظام آقا محمود ولد مرحوم آقا لر آقا فریدون کناری دو باب دکان در جنب مسجد بنیان کرده و کرایه هر دو باب را و منافع آن مفوض داشت بجهات مستحسنة منفصله بمسجد فلاجرم وقف مؤبد نمود تمامت این دو باب را بغرض حقانی و تولیت آن را موکول نمود بنفس خویش در مادام الحیات وبعده لاولاده بطناً بعد بطن بتقدیم الذکور علی الاناث و تقدیم الاصلح علی غیره فی کل البطن غیر مؤتمنین فی انجام امر الوقف و عمل بمقتضای آن مینمایند از قید تولیت خلع و انجام امر موقوف و مفوض است بریش سفیدان و صالحان خیر اندیش فریکنار که قبض منافع موقوفه نمایند و بمقتضای آن عمل نمایند و اگر اعتقاد تغییر شیوه دادند و بشایستگی و صلاح پیوستند ایضاً عمل احراز

عمل وقف بایشان مرجوع است اما تفصیل مخارج مصروفه اولاً شش تومان برای اجرت مؤذن معین است و چهار تومان برای خادم مسجد و الباقی وجه از بابت حصیر مسجد و ذوغال که در مسجد ایام شتا صرف شود و هر چه باقیمانده بعد از روشنائی در ید متولی امانت باشد تاهنگامی که مسجد را مخارجی توجه کرد از بنائی و غیره یا دکان موقوف را خرجی لزوم یافت از هر قسمی باید متولی بآن جهات صرف نماید و اگر هم وجهی باقیمانده بواعظ مسجد و سایر وجوهات بره مع لحاظ عنوانات الشریعه مصروف دارد و منافع موقوفه هر قدر و هر مبلغ در رسیده دو عشر آن حصه خود متولی است در هر بطن که تصرف نماید و صبیغه آن بنحو المرقوم سمت جریان پذیرفت اللهم تقبل من الواقف بمحمد وآله و كان ذلك فی شهر ذیقعدة ثمان حلت منه من شهور ۱۳۲۴

صیغه

الامر كما سطر فی الكتاب و وقع ما وقع من الواقف المؤید من التفصیل المرقوم لدى اقل الطلاب عبده احمد بن ابوطالب<sup>۳</sup> فی ۱۳۲۴ [مهری با سجع : عبده احمد بن ابی طالب]

حمام قدیمی فری کنار

حمامی قدیمی در فری کنار مورخ ۱۲۴۰ قمری بود که در بازدید سال ۱۳۵۶ شمسی آن را خراب کرده بودند و حمامی نوساز به جای آن ساخته بودند.

هکرده کل

در پل بهیر فری کنار میان آبندهان و مزرعه قلاکوتی

سفال و پارچه‌های آجر در این اراضی زیاد است.

۳۰- این مرد معروف به آقا میرزا احمد شاه کلائی است که در جنب دهکده سرخ رود منزل داشت .

## خمسه بازار

در صحرای فری کنار طرف غربی رودخانه

در هر سال، چهل روز بعد از عید نوروز سلطانی، از ولایات برای داد و ستد در این صحرا می‌آیند که این صحرا و سبزه‌زار پراز آدم می‌شود و پنج‌روز بازار است که خمسه بازار می‌گویند و از جانب حاکم مازندران شصت و پنج نفر سواره و پیاده از جهت حراست و نگهبانی بازار موکل‌اند و شب تا صبح گردش می‌نمایند که مبادا دزدی و یا دعوا و معرکه بشود شخصی تعریف کرد که يك سال يك نفر تاجر از دست سه نفر زن کتان فروش مبلغ هشتصد تومان کتان مازندرانی خرید. از این قبیل زیاد اهل داد و ستد از هر صنف می‌آیند و این بازار شبیه بازار مکاریه است.<sup>۳۱</sup>

ملگنوف نیز از خمسه بازار یاد کرده و می‌نویسد: «در چمن‌زار مشهدسر چهل روز از عید گذشته این بازار برپا می‌شده است»<sup>۳۲</sup>

باقی بناها و آثار تاریخی بابلسر و اطراف آن

۱- امامزاده بی‌بی خاتون در دهکده روشن‌دان<sup>۳۳</sup> بانصر بابلسر.

## ۳- بناها و آثار تاریخی ناحیه جلال ازرك

مرقد درویش فخرالدین حاجی

در موزی‌رچ از دهکده‌های جلال ازرك

بنای بقعه درویش فخر از خارج استوانه شکل است که بر بالای آن حاشیه برجسته‌ای از آجر است. بالای این حاشیه قرنیسهای کشکولی سینه‌کفتری است. میان هر دو قرنیس در بالا کاشیهای نیم دایره‌ای آبی رنگ کار کرده‌اند. بالای کاشیها کتیبه دندانهای دایره‌ای و بالای این دایره، هشت ضلعی است. بالای این هشت ضلعی بامی هرمی شکل مثنی القاعده است. بالای هر يك از اضلاع هشتگانه مربعی از کاشی کاری است (عکسهای شماره ۱۳۸ و ۱۳۹).

بنا از داخل دایره ایست به قطر ۴۶۵ سانتیمتر. در ورودی شرقی است در طرف جنوب بنا پنجره‌ای نورگیر است. بالای استوانه بنا از داخل گنبدی مدور نوك تیز زده‌اند.

صندوقی چوبین پر کار وسط بنا است درازای آن ۲۴۵ و پهنايش ۱۰۸ و بلندی

آن ۱۰۶ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۴۰).

این آیات بر حاشیه بالای ضلع شرقی حک شده است:

۱- موزی رچ ده از دهستان جلال ازرك بخش مرکزی شهرستان بابل ۱/۵ کیلومتری

غرب بابل کنار بابل رود (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۳۱- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۳۱ و ۱۳۲. ۳۲- نسخه عکسی ملگنوف

ص ۸۳ الف. ۳۳- روشن‌دان ده از دهستان بانصر بخش بابلسر شهرستان بابل ۱۷

کیلومتری شمال شرقی بابل ۲ کیلومتری شرق راه فرعی کیا کلا به بهمنیر (فرهنگ جغرافیائی

ایران ج ۳).

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله - تا - ما في الارض

بر حاشیه بالای جدار جنوبی:

من ذا الذي يشفع عنده - تا - هو العلي العظيم اللهم صل على  
المصطفى والمرضى والزهراء والسبطين والسجاد والباقر والصادق والكاظم  
والرضا والتقى والنقی وا

بر حاشیه بالای ضلع غربی :

لذكي العسكري والحجة القائم المنتظر المهدي محمد بن حسن  
صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم الاجمعين الطيبين والطاهرين سبحانك

بر حاشیه بالای جدار شمالی :

يا لا اله الا انت عمل استاد فخر دين بن علي بن استاد اسماعيل  
نجار آملی المعروف رازی بامثالک درویش شمس الدين زردن ولایت (؟)  
رحل سلطان المحققين مفخر الفقراء الصالحين درویش فخر دين حاجی  
طاب ثراه وجعل الجنة مثواه بن حسن حاجی فی تاریخ سنة ثلاث وثلاثين  
وثمانمائه الحقیقیر خادم الفقرا والصلحا الضعیف نظام بن علی جو بکلاه

جدارهای بزرگتر که شمالی و جنوبی است هر کدام از سه قسمت تشکیل شده  
و جدارهای کوچکتر که شرقی و غربی است هر کدام از یک قسمت ساخته شده است.  
میان قسمتهای جدارهای بزرگتر سه زنجیره است که زنجیره وسط بزرگتر از زنجیره  
های دو طرف است. دور هر جدار حاشیه بندی جداگانه دارد.

سید علی کیا

در تیچینک جلال ازرك

از این بقعه در طومار متولیان دوران صفوی یاد شده است. در این طومار این بقعه  
به نام امامزاده سید علی کیا در جلال ازرك آمده است. ظاهراً در این زمان این بقعه اهمیتی  
داشته است. نام متولی آن درست خوانده نمی شود. این بقعه امروز بنائی است ساده

چهار گوشه بابامی سفال سرود و صندوقی ساده که هیچگونه آثار تاریخی و هنری ندارد.

آقا سید رضا

در مهلبون ۲ (مهلبان) جلال ازرك

گذشتگان از این بقعه یاد کرده اند. بقعه مختصر و ناچیزی است و هیچگونه  
اثر هنری و تاریخی ندارد -

تپه تالاسر

در مهلبون (مهلبان) جلال ازرك

در اراضی شالی کاری دهکده مهلبان تپه ایست که در حدود دو متر از سطح  
زمینهای اطراف بلندتر است و سطح بالای آن به دو هکتار می رسد. اخیراً بقعه ای از  
خشت و گل به نام «غریب آقا» بر بالای آن ساخته اند.

امامزاده دریس

در سوته جلال ازرك

بقعه ایست ساده و مختصر و ناچیز بر بالای تپه ای که در حدود دو متر بلندی دارد و  
پانصد متر سطح بالای آن است.

قلعه کنش

در سوته جلال ازرك

این تپه در غرب آبادی سوته است. بلندی آن در حدود سه متر و سطح بالای آن  
در حدود هزار متر است.

قلاکوتی ۳

در منگارپی ۴ (منقارپی) جلال ازرك

برای رسیدن به منگارپی از فری کنار ( فریدون کنار) به بنه کنار و کاردی -

محلّه و شیرمحلّه و ویشه محلّه باید رفت از ویشه محلّه مستقیماً به منگاری می‌رود . کوتی منگاری در وسط آیش (زمینهای کشت) است . بلندی خاکریز آن به دو متر و سطح بالای آن به هزار متر می‌رسد . بر اراضی آن هر سال محصولات نظیر پیاز و باقلا کشت می‌شود . چندی پیش سکه «ضرب بارفرو شده» در این تپه پیدا شده است .

تپه و سرا ۵

در دهکده و سرای جلال ازرك

میان آبندان و سرا تپه ایست که بلندی آن در حدود دو متر و نیم و سطح اراضی بالای آن به هزار و پانصد متر می‌رسد .

شاه عبدالله ۶

در دهکده شاه عبدالله جلال ازرك

دهکده شاه عبدالله در ضلع شرقی دهکده اسبه شورپی و نمار کلا است . از راه بیجی کلا به اسبه شورپی و شاه عبدالله می‌توان رفت . راه دیگر این دهکده از زرگر محلّه است که در جاده سپاه دانش قرار دارد . جاده سپاه دانش از راه آمل به بابل جدا می‌شود و پس از رسیدن به زرگر محلّه ، از دست چپ راه شاه عبدالله جدا می‌شود و پس از دو کیلومتر به دهکده مزبور می‌رسد . در این دهکده بقعه شاه عبدالله دارای مشخصات زیر است :

بنایی است مستطیل شکل که قسمتی از آن تکیه است که بنای آن مؤخر بر قسمت‌های دیگر است و سطح آن بالاتر از سطح بقعه است . پس از آن مسجد کوچکی است که به کفش کن بیشتر شباهت دارد (عکس شماره ۱۴۱) . در ورودی اصلی بقعه در این مسجد است که دولنگه بوده و به سرقت رفته است . جدار اطراف این دولنگه ساده ، کنده کاری است . قسمت دست راست این کنده کاریهای ظریف ، شبکه بندی

۵- بکسر واو . ۶- در طومار متولیان دوران صفوی نام «امامزاده شاه عبدالله واقع در جلال ازرك» آمده و تولیت آن با درویش محمد خورشید بوده است .

است که نیز دست خورده به نظر می‌رسد (عکس شماره ۱۴۲ و ۱۴۳) . بر بالای این دولنگه در ورودی که به سرقت رفته عبارات زیر است :

نادعياً مظهر العجائب - تا - یاعلی یاعلی یا علی . زیر « نادعلی » چهار قسمت مشبك کاری است و زیر قسمت‌های مشبك عبارات زیر است :

تمام کرد در زیارت متبرك را سیادت نما<sup>۶</sup> رفعت‌ناب مرتضوی نساب سید امیر - محمد بن سید علی بهاء الدوله فی تاریخ ۹۵۰ (عکس شماره ۱۴۴) .

بر حاشیه دست راست چهار چوب همین دراز پائین به بالا :

خادم آستانه درویش مؤمن شاه الله لاله الا هو الحی القيوم - تا -  
وسع کرسیه السموات والارض  
بر چهار چوب دست راست از بالا به پائین .

ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم اللهم [صل] علی محمد المصطفی  
و علی المرتضی و البتول و السبطین و السجاده و الباقر و الصادق و الکاظم و  
الرضا و النقی و النقی و العسکری و حجة القائم المنتظر المهدی محمد بن حسن  
صاحب الزمان صلوات الله علیه و علیهم اجمعین .

در اطاقی چهار گوشه صندوقی چوبین با کنده کاریهای ظریف و پرکار گور شاه - عبدالله را پوشانده است درازای آن ۲۵۳ و پهنایش ۱۷۳ و بلندیش بدون پایه ۱۰۳ سانتیمتر است . صندوق بر سکوئی تخته ایست که پهنایش ۲۷ سانتیمتر است و تخته‌های این سکو نیز کنده کاری دارد .

بر سطر اول بالای جدار غربی آیات و عبارات زیر حک شده است :

الله لاله الا هو الحی القيوم - تا - یعلم ما بین ایدیهم وما

آنچه بر سطر دوم بالا حک شده است :

خلفهم ولا یحیطون بشیء - تا - لا اکراه فی الدین

بر سطر یکی که در پایین صندوق حک کرده اند :

۷- ظاهر آ: انتا .

قد تبين الرشد من الغي - تا - الله ولي الذين آمنوا يخرجهم  
قسمت وسط صندوق با چهار تخته عمودی به پنج قاب تقسیم شده است. بر  
این تخته‌ها صلوات کبیر به ترتیب زیر حک شده است.

بر تخته اول دست راست :

اللهم صل على سيدنا محمد المصطفى و صل على علي المرتضى  
و صل على فاطمة الزهرا و صل على امام

بر تخته دوم دست راست :

حسن الرضا و صل على امام حسين كربلا و صل على امام زين -

العابدين و صل على محمد الباقر

بر تخته سوم نامهای زیر حک شده است :

و صل على جعفر الصادق و صل على امام موسى الكاظم و صل على

علي بن موسى الرضا

بر تخته چهارم نامهای زیر است :

و صل على امام محمد تقی و صل على امام حسن عسكري و صل

على امام محمد المهدي (عكس شماره ۱۴۵ و ۱۴۶)

آیات زیر بر جدار قبلی صندوق حک شده است :

بر نخستین سطر حاشیه بالای صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - باذنه يعلم ما بين

بر سطر دوم حاشیه بالا :

ايديهم وما خلفهم - تا - على العظيم والمستعان

بر چهار تخته عمودی وسط همانند جدار غربی صلوات کبیر عیناً حک شده است .

بر حاشیه پایین این جدار دوبیت شعر فارسی است که قوافی آنها عنبرین و چین

و خلد برین است . مفردات این چهار مصراع چنین خوانده شد :

ای سوادت بر رخی احام مالی عنبرین

دو فرشی و رشك نگارستان چین

پیش در گاهت گشاده یا ام الکتاب

زیر ایوانت نهاده نسخه خلد برین

آیات و عباراتی که بر جدار شمالی صندوق حک شده است:

سطر اول بالا:

و كيف اخاف ما اشر كنتم ولا تخافون انكم اشر كنتم بالله ما لم

ينزل به عليكم سلطاناً فای الفریقین احق بالامن ان كنتم تعلمون<sup>۸</sup> الانيسن

آمنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك لهم الأ

سطر دوم بالا

من وهم مهتدون<sup>۹</sup> و تلك حجتنا اتيناها ابراهيم على نومه نرفع

درجات من نشاء ان ربك حكيم عليم<sup>۱۰</sup> و وهبنا له اسحق ويعقوب كلا

هدينا و نوحاً هدينا من قبل من ذرية داود و سليمان<sup>۱۱</sup>

قسمت وسط با چهار تخته به پنج قاب تقسیم شده است. بر این چهار تخته ، درست

همانند تخته‌های میانین جدار غربی صلوات بر چهارده معصوم حک شده است.

بر سطر پایین دوبیت شعر فارسی است که خوانده نشد.

آیات و عباراتی که بر جدار شرقی صندوق حک شده است:

بر نخستین سطر بالا:

و ايوب ويوسف وموسى وهارون وكذلك نجزي المحسنين<sup>۱۲</sup> و

زكريا ويحيى و عيسى والياس كل من الصالحين<sup>۱۳</sup> واسماعيل واليسع<sup>۱۴</sup>

مطالبی که بر سطر دوم حاشیه بالا است:

۸- سورة الانعام ۶، آیه: ۸۱. ۹- همین سوره، آیه: ۸۲. ۱۰- همین سوره آیه

۸۳. ۱۱- همین سوره قسمتی از آیه: ۸۴. ۱۲- سورة الانعام ۶، دنباله آیه: ۸۴.

۱۳- همین سوره آیه: ۸۵. ۱۴- همین سوره ابتدای آیه: ۸۶.

تمام کرد فی بهذه القبر حضرت شاه عبدالله کاظم را سیادت مآبی مرتضوی امیرسید حسین تاخالدون له بن امیرسیدخواجه مرحوم سنه ۹۵۱ (عکس شماره ۱۴۷ و ۱۴۸) .

بر تخته عمودی جدار وسط که این قسمت را به پنج قاب تقسیم کرده است ، صلوات کبیر همانند جدارهای قبلی حک شده است .

بر سطر پایین که در حاشیه پایین صندوق است :

التمولیت لا استانیت الی حضرت امام زاده معصوم شاه عبدالله علیه السلام درویش حمزه بن سید اسکندر خورشید و درویش بهلوان جاری عمل استاد میرخان بن استاد حسین گیلانی

#### تپه و لیکرو

نزدیک دهکده شاه عبدالله در جلال ازرك

نزدیک دهکده شاه عبدالله تپه ایست که بلندی آن سه چهار متر و سطح بالای آن در حدود هزار متر است .

#### هشتاد تنان

در خشکرو در جلال ازرك

برای رسیدن به دهکده خشکرو در راه است : از راه بابلسر و سه راهی کله - بست می توان به خشکرو رسید یا از جاده سپاه دانش ، سه راهی خشکرو به طرف خشکرو می رود .

بقعه هشتاد تنان خود بر بالای کوتی است که از سطح زمین ها و آبندان اطراف در حدود دو متر ارتفاع دارد . بنائی است از آجر که ایوانی به پهنای ۲۶۰ و درازای ۵۰۰ سانتیمتر جلو آنست (عکس شماره ۱۴۹) دور بنا دارای یک شیرسر است سقف تیرکشی و تخته کوبی است و بام سفال سر است . جلو ایوان بقعه چهارستون با سر - ستونهای دهان اژدری است . بر بالای چرخ دست راست بالای سروی نقاشی شده نوشته اند :

عمل عبدالکریم ابن شیخ الاسلام از زائرین التماس دعا دارم بر بالای چرخ دست چپ بالای سر و نقاشی شده دیگری نوشته شده است :

بتاریخ بیست و سیم ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۱۸

بر تخته بالای سرستون عبارت زیر نوشته شده است :

بتاریخ نهم ربیع الآخر سنه ۱۳۰۴

ظاهراً بنا در سال ۱۳۰۴ ساخته شده و در سال ۱۳۱۸ نقاشی و رنگ آمیزی شده است .

#### دین سر ۱۵

در میان دستة جلال ازرك

لغت «دین» که در حدود گرگان به شکل «دوین» تلفظ می شود به معنی «کتی» صفحات گیلان و به معنی تپه های دستی است که بیشتر بازمانده آثار پیش از تاریخ است که در دشت مازندران و گرگان فراوانند .

«دین سر» به معنی «سر دین» و اضافه مقلوب است و منظور سر تپه ، محل تپه ، جای تپه است . دین سر میان دسته در حدود ۱۲ متر ارتفاع دارد و سطح آن در حدود یک هکتار و نیم است .

#### کتی سر ۱۶

دهکده ای از دهکده های جلال ازرك

این کتی (= تپه) در شرق دهکده کتی سر است . بلندی آن در حدود دو متر و سطح آن نظراً بالغ بر یک هکتار است . به علت روئیدن نی فراوان در اطراف آن به داخل آن راهی نبود .

در این دهکده بقعه ای به نام سید شمس الدین است که قدمتی ندارد .

دین سر

نزدیک دهکده جارگلای جنوبی جلال ازرك

این تپه را می‌توان جزء بلوک دابو نیز به حساب آورد. بلندی آن در حدود ده متر و سطح بالای آن به سه هزار متر می‌رسد.

کتی سر

در اراضی اسبه شورپی جلال ازرك

ارتفاع این کتی در حدود هشت متر و سطح بالای آن در حدود دو هکتار است. این تپه که ارتفاع زیادی داشته و سطح بالای آن نیز بیش از سطح کنونی بوده است. باگسترده شدن خاک آن در اراضی شالیزارهای روز به روز رو به کمی می‌رود. گروهی حدس زده‌اند که این تپه آثار بازمانده «مشهد سبز» است.

امامزاده ابراهیم

در آستانه سرموزی رج جلال ازرك

این بقعه سابقاً به چاله زیارت موسوم بود. سالهای پیش که طاعون کشتار زیاد می‌کرد، گورهای حاضر در این بقعه برای مردگان بود. مثل معروف «بکنده گورخوانی بشوچاله زیاره» از اینجا سرچشمه گرفته است. بنای سابق را خراب کرده بودند و بنائی عظیم به جای آن ساخته بودند. صندوقی قاب و آلت رنگین در کنار مرقده بود و کارکاشیکاری مرقده را در شهریور ۱۳۵۶ شمسی تمام کرده بودند و قصد داشتند صندوق را روی مرقده‌گذارند. اثری تاریخی و قدیمی در این بقعه دیده نشد.

شهر تجری قدیم

سر راه بارفروش (بابل) به آمل در فاصله دوازده میلی

نزدیک دهکده تجری اسبه شورپی<sup>۱۷</sup> که به نام کار دگر نماور در اسناد مالیاتی

۱۷- اسبه شورپی ده از دهستان جلال ازرك بخش مرکزی شهرستان بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

شهرت دارد، آثار دیوار و خندق قدیمی است که بوته‌ها و علفهای هرز آنها را پوشانده است. اینجا ظاهراً شهر تجری قدیم است که باروی آن دو حدود سه میل بوده است. درن می‌گوید که این شهر قدیم، در بندپی و در محل «نوامام» امروزی است،<sup>۱۸</sup> اما حدس او ظاهراً صحیح نیست.

باقی بناها و آثار تاریخی جلال ازرك بابل

۱- تپه قدیمی جلال ازرك، برای رسیدن به این تپه می‌توان از سه راه بابل، به بابلسر به خط زرگر محله و دریا کنار افتاد. از زرگر محله به تلی کران و از آنجا به بیچی کلا و از آنجا به تپه جلال ازرك می‌رود.

#### ۴- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد بابل

مختصری از جغرافیای لاله آباد

لاله آباد جزء بخش مرکزی شهرستان بابل است که در جنوب غربی بابل در دو طرف راه بابل به آمل واقع شده است. آب این ناحیه از رودخانه کساری است که از هراز جدا شده است و در حدود سی و هشت پاره آبادیهای این ناحیه را آبیاری می کند.

لاله آباد از مشرق به ناحیه دابوی آمل و از شمال به رود بست و پازوار بابلسر و از غرب به ناحیه بیشه و گنج افروز و از جنوب به ناحیه ساسی کلام محدود می شود.

#### ۴- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد

چناری کهنسال

در دهکده کاظم بیگی لاله آباد

ملگنوف از چناری بسیار بزرگ یاد می کند و می نویسد:  
در دهکده کاظم بیگ بر طرف چپ راه آمل به بابل چناری بسیار بزرگ است که از آنجا به هراز روند که پلی دوازده چشمه دارد.<sup>۲</sup>

۱- کاظم بیگی ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۸ کیلومتری جنوب غربی بابل، کنار راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲- نسخه عکسی سفرنامه ملگنوف ص ۸۶ الف.

مرقد سید شمس الدین بابلکان<sup>۳</sup>  
در دهکده بابلکان لاله آباد بابل

بابلکان که به لهجه محل «بلوکان»<sup>۴</sup> گویند شامل دهکده‌های زیر است :

۱- ورمتون<sup>۵</sup> ۲- بلوکان ۳- خجیر کلا<sup>۶</sup> ۴- پایین بلوکان .

مرقد سید شمس الدین که ظاهراً پدر سید عزیز است در بلوکان است بنائی است ساده چهار گوشه از آجر و داخل بنا هیچگونه آثار قبر نیست .

امامزاده عبدالله

در دهکده چمازین ۷ لاله آباد

بنائی است ساده شامل اطاقی چهار گوشه که چهار در در چهار جهت دارد . سقف بنا قاب بندی است . گیلوئی لبه سقف گچ بری است . ضریحی مشبک چوبین مرقد را پوشانده است . این بقعه دارای تکیه و مسجد و سقائفار است ولی هیچیک اثر هنری و تاریخی نیست .

امامزاده حمزه رضا

در دهکده حمزه رضای لاله آباد نزدیک یاغی کلا<sup>۸</sup>

بنای اصلی بقعه چهار گوشه است. يك ضلع آن متصل به مسجد کوچکی است که فعلاً به جای کلاس درس از آن استفاده می شود و ضلع مقابل متصل به تکیه است. صندوقی مشبک وسط بنای اصلی است که نوشته‌ای بر آن نیست . لبه بام سراسر بنا دوپشته و بام آن سفال سر است .

سنگ قبری به دیوار مسجد است که این عبارت بر آن خوانده شد :

۳- بضم باء دوم . ۴- بضم باء . ۵- بفتح واو و کسر میم . ۶- بضم خاء و فتح کاف . ۷- چمازین، ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۰ کیلومتری جنوب غربی بابل دو کیلومتری راه بابل به آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) . ۸- یاغی کلا، ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۹ کیلومتری جنوب غربی بابل ۵ کیلومتری جنوب راه بابل به آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله تاریخ وفات مرحوم

مغفور کربلائی داداش ابن مرحوم الند بائی کلائی

تاریخ سنگ زیر کف مسجد رفته بود .

سنگ قبر دیگری در حیات مورخ ۱۳۰۴ هجری قمری بود .

بیرون از محوطه بقعه ، گورستانی است که یازده اصله درختان آزاد کهنسال در اراضی آن دیده می شد .

برای رسیدن به دهکده حمزه رضا به جاده کهنه آمل به بابل باید رفت و پس از رسیدن به بازارچه بالا امجال پی (احمدچال پی) به راه دهکده حمزه رضا افتاد .

دین کتی

نزدیک بالا امجال پی (احمدچال پی) لاله آباد

بر سر جاده کهنه بابل به آمل میان دو دهکده بالا امجال پی (بالا احمدچال پی) و پایین امجال پی (پایین احمدچال پی) به طرف دست راست جاده، تپه‌ای قدیمی است. بلندی آن از سطح زمینهای اطراف در حدود سه متر و سطح بالای آن سه هزار متر است.

سید عزیز الله

در داودکلا از دهکده‌های لاله آباد

برای رسیدن به داودکلا از جاده کهنه بابل به آمل باید رفت. نرسیده به بازارچه پایین امجال پی (احمدچال پی) دست راست راه داودکلا جدا می شود و پس از طی دو کیلومتر به داودکلا می رسد. در محلی معروف به «آسونه سر» در این دهکده بنائی از آجر و چهار گوشه است. صندوقی ساده در بناست و دری ساده دارد. لبه بام دارای دو چکش گردان و یک پشته است . بام سراسر سفال است . در گورستان اطراف بقعه درختان کهنسال آزاد و اوجا است .

دین چاره زار

در دهکده اسبوکلای لاله آباد

اسبو کلا در جاده کهنه بابل به آمل است . در این دهکده تپه ایست که بلندی آن در حدود سه متر از سطح اراضی اطراف است و سطح زمین بالای آن به دو هزار متر می رسد.

## ۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه بابل

مختصری از جغرافیای ناحیه بیشه

ناحیه بیشه جزء نواحی مرکزی شهرستان بابل است که در شرق شهر بابل در دو طرف راه بابل به شاهی (علی آباد) قرار گرفته است. آب دهکده‌های این ناحیه از رودخانه‌های تالار و جنید و بابل رود تأمین می‌شود. در حدود سی پاره ده جزء این ناحیه است. در مازندران و استر آباد راپینو متن انگلیسی ص ۱۱۸ فهرستی از نامهای دهکده‌های این ناحیه آمده است.

## ۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه

سلطان محمد طاهر

در دهکده سلطان محمد طاهر بیشه بابل

ملگنوف دوبار نام این امامزاده را یاد کرده است. نخست می‌نویسد:  
از رودخانه تالار که بگذریم ده سیدمحلله است از آنجا تا امامزاده سلطان محمد طاهر دو فرسنگ است.<sup>۱</sup>

باز می‌نویسد:

۱- نسخه عکسی ملگنوف ص ۷۹ الف.

در آنجا [در بقعه سلطان محمد طاهر] امام موسی نامی در سال

۸۷۵ به خاک سپرده شده است.<sup>۲</sup>

راینو کتیبه صندوق امامزاده سلطان محمد طاهر را بدین شرح یاد کرده است :

صاحب اختیار هذه العمارة مشهد منور مقدس مطهر امام اعظم سلطان طاهر ابن امام موسی کاظم علیه التحية والرضوان و بناء العمارة بامر امير اعظم شاه معظم امير كبير خلاصة اولاد سيد المرسلين امير مرتضى الحسينی طاب ثراه وجعل جنة ثواه بعد از شاه مرحوم امير اعظم امير محمد الحسينی نورالله قبره مدد دريغ نداشتند و بعد از مغفورين ساختن قبر پر نور از اميرزاده گان عظام امير عبدالکریم و امير عبدالرحيم طاب الله ثراهما و طاب ثواهما و اتمام رسانيدن مشهد مقدس و نهادن قبر پر نور از اميرزاده اعظم اميررضی الدين الحسينی خلدالله ملكه و سلطانه و اوضح على العالمين برهانه حق باریتعالی باد معمار هذه المجاور استاد مولانا شمس الدين ابن نصرالله المطهری بتاريخ سنة خمس و سبعين و ثمانمائة<sup>۳</sup>

مشکوتی درباره سلطان محمد طاهر مطالب زیر را نوشته است :

سلطان محمد طاهر چهار کیلومتری بابل به شاهی ثبت تاریخی ۶۷ بقعه سلطان محمد طاهر فرزند حضرت امام موسی کاظم از لحاظ ساختمانی مانند امامزاده یحیی ساری می باشد . در این مقبره صندوق چوبی نفیسی بر روی مرقد نصب گردیده که مورخ به سال ۷۸۵ هجری است. بانی این بقعه و صندوق بر طبق کتیبه ، امیر مرتضی الحسینی بوده است . معمار بنا استاد شمس الدين ابن نصرالله مطهری می باشد . ساختمان این برج کثیر-الاضلاعی دارای گنبد هرمی شکل می باشد . ارتفاع آن در حدود ۲۲ متر است. در روی يك در آن تاریخ سال ۸۹۶ هجری حك شده است. در داخل صحن يك قطعه سنگ قبر وجود دارد که در اطراف آن آیات قرآنی به خط

۲- نسخه عکسی ملگتوف ص ۸۲ ب. ۳- سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۸ ع ۱۹ و ع.

نسخ ممتاز نقر شده است.<sup>۴</sup>

مهجوری درباره این بقعه چنین نوشته است :

آرامگاه این سید در سه کیلومتری بیرون شهر (بابل) قرار دارد و [دری ورودی دولنگه دارد] طول و عرض این دو لنگه در ۲/۳۰ و ۱/۳۰ متر می باشد که هر لنگه آن در عرض ۶۵ سانتیمتر است . بر بالای در صحنه ایست از جنس در به شکل مربع مستطیل به طول ۱/۲۵ متر و عرض ۷۵ سانتیمتر . این درها از شاهکارهای سده نهم هجری است. بر قسمت زیرین يك لنگه «عمل استاد علی بن استاد فخرالدین نجار رازی»<sup>۵</sup> و بر لنگه دیگر «معمار هذه العمارة مولانا ذا الشمس الدين طهنيه»<sup>۶</sup> و تاریخ ۸۹۵ هجری کنده شده است . خود گنبد کثیرالاضلاع است ولی از بام به بالا شکل هرم دارد و ارتفاع گنبد نیز ۲۲ متر می باشد . در درون صحن گنبد سنگی است ظریف به شکل مکعب مستطیل که طول آن پنجاه سانتیمتر و عرض چهل سانتیمتر و قطر ده سانتیمتر و روی آن آیاتی از قرآن و تاریخ ۸۷۵ هجری نقر شده است . و در صحن گنبد بر روی قبر صندوقی است چوبی از جنس درها که مثبت کاری<sup>۷</sup> است و عبارت زیر بر آن نقر شده :

نویسنده عین کتیبه صندوق را که راینو نقل کرده آورده است . اما در دو سه مورد با آن اختلاف دارد . ۱- صاحب اختیار به جای صاحب اختیار . ۲- جعل الجنة به جای جعل جنة . ۳- دريغ نداشته اند به جای دريغ نداشتند . ۴- اميرزادگان به جای اميرزاده گان . ۵- حق باریتعالی به جای حق باریتعالی باد .

ساختمان این مقبره به وسیله امیر مرتضی الحسینی (پسر سید علی نواده میر بزرگ) شروع شد. پس از او پسرش امیر محمد الحسینی و پس از امیر محمد پسرانش ، امیر عبدالکریم و امیر عبدالرحیم ساختمان آنرا ادامه

۴- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۶ . ۵- در متن کتیبه در باضاد است و ظاهراً غلط است . ۶- آنچه مهجوری خوانده درست نیست نام این مرد «شمس الدين مطهری» است . ۷- مثبت کاری نیست کنده کاری است .

داده‌اند تا در دوران امیر رضی الدین الحسینی به سال ۸۷۵ به اتمام رسیده است. وضع کنونی بقعه سلطان محمد طاهر:

بنائی است که از داخل و خارج هشت ضلعی است. در هر ضلع از داخل طاقنمایی کم عمق بلند است و بالای هر یک از آنها طاقنمایی کوتاه است. بالای این طاقنماها سقف مدوری از داخل زده‌اند. شمشه‌ای رنگین در وسط طاق است (عکس شماره ۱۵۰).<sup>۸</sup> داخل بنا سفیدکاری است که بر اثر افروختن شمع کمی سیاه شده است. صندوقی وسط بنا، گور سلطان محمد طاهر را پوشانده است. در ازای آن ۲۶۵ و پهنایش ۱۱۵ و بلندی آن با نظر گرفتن قسمت پایه ۱۳۸ سانتیمتر است. این صندوق قاب و آلت کاری است. ضریحی مشبك به دور این صندوق است. عباراتی که بر آن حك شده است در صفيحات قبل نقل کردیم.

در هر يك از اضلاع خارج يك طاقنمای بلند کم عمق است بالای آن دو کتیبه - دندانان آجری و دو ردیف کاشی کاری است بالای آنها قرنیسهای سینه کفتری و بالای قرنیسها، کتیبه دندانان است. بام بنا کلاه درویشی است.

این بنا دارای دو در ورودی است. در قبلی ظاهراً به سرقت رفته و دری تازه ساز به جای آن گذاشته‌اند. دری شرقی دارد که در قدیمی آن برجای است ولی رنگی سبز روی آن کشیده و نمای زیبای در را از میان برده‌اند. بالای هر دو در دو خفنگ نورگیر مشبك بسیار ظریف و پر کار است.

در شرقی بسیار ظریف است و کزده کاریهای زیبا دارد. هر لنگه دارای چهار پاسار و دو تنکه و یک قسمت میانین است.

بر پاسار دوم لنگه سمت راست این عبارات حك شده است:

عمل استاد علی بن استاد فخر الدین نجار راضی سنة تسع و ثمانمائه

(با واوی اضافی)

۸- عکسی از این بنا در مجله امریکائی زیر به نظر رسید:

Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology,  
1937, P. 115, fig. 6.

بر پاسار دوم لنگه سمت چپ این عبارت خواننده می‌شود:

معمار هذه العمارت مولانا شمس الدین نصر الله مطهری

دین سر

در دهکده سلطان محمد طاهر یبشۀ بابل

بر سر راه رمنت<sup>۹</sup> بر طرف دست چپ جاده، تپه ایست بزرگ و بیضی شکل که گرداگرد آن خندقی دارد و بالای خندق سطحی افقی به پهنای پنج شش متر دور خاکریز می‌گردد. در فاصله ده متری این کمر بند افقی، سطح خاکریز است. بلندی این خاکریز بیست متر و سطح بالای آن ۷۵ × ۳۵ متر است. پاره آجر و سفال ساده و لعاب‌دار در خود تپه و اراضی اطراف آن دیده شد.

دین سر

در پایین محله رمنت یبشۀ بابل

در پایین محله رمنت مسلط به آبندان، تپه ایست که بلندی آن ده متر و سطح بالای آن ۵۰ × ۶۰ متر است. قسمتی از اراضی دامنه آن باغ مرکبات شخصی است و قسمتهای دیگر جنگل است. سفالهای ساده در این تپه دیده شد.

تکیه ای قدیمی

در رمنت یبشۀ بابل

بنای تکیه تماماً از آجر است. قسمت وسط فضائی است به درازای ده متر و پهنای پنج متر در این قسمت ده طاقنما با طاق جناغی گوشه‌دار است و جلو آن پنج ستون بلند با سرستونهای زیبا است. دو اطاق در دو طرف قسمت اصلی است که کفش کن تکیه محسوب می‌شود.

سقانفاری در یک طرف این بنا است که ده ستون چهارسوی پنج‌زده با سرستونهای

دهان‌اژدری دارد. لبۀ خارج بنا دارای دوشیرسر و یک پشته است ولی از داخل دارای

۹- بفتح راء و کسر میم و نون.

يك شیرسر است سقف آن پلور کشی و تخته کوبی است .

بریکی از تخته‌های سقف مطالب زیر با مرکب سیاه نوشته شده است :

عمل استادی صناعت دستگاہا استاد دوست محمد و استاد ولی محمد

لاسمی بشاگردی استاد علی

بر تخته دیگر :

و كان من الهجرة النبويه في يوم الاثنين من شهر صفر المظفر بتاريخ

سنه ۱۲۹۵ يادداشت آخوند ملا نصر الله غفر الله له

بر تخته ای جداگانه که به سقانفار کوبیده اند :

بفدای تارك محمد [علی] يد رمضان ۲ صفر ۱۲۹۵

کیجا تکیه

در حمزه کالی بیشه بابل

قسمت اصلی تکیه را نوسازی کرده‌اند و از نظر تاریخی و هنری ارزشی ندارد. اما سقا تالار آن بسیار زیباست و به جرأت می‌توان گفت که زیباترین و پرکارترین سقا تالاری است که تاکنون دیده شده است (عکسهای شماره ۱۵۱ و ۱۵۲). این سقا تالار شامل دو قسمت اصلی بالا و پایین است. قسمت بالا فضائی است به پهنای ۳ و درازای چهار متر که اطراف آن چهارده ستون لاج لنگری مارپیچ بسیار ظریف است. شش سرستون آنها دهان اژدری است و در مابقی به جای نقش دهان اژدری کلمات «باقاضی الحاجات» را با خط عکس حک کرده‌اند (عکس شماره ۱۵۳). سقف این قسمت دو رده شیرسر ظریف پرکار تراش دار دارد (عکس شماره ۱۵۴) و بالای آنها هشت پلور نیم گرد با نقش تراشیده‌ای در وسط کشیده‌اند بالای پلورها تخته کوبی است. بر تخته‌ها نقاشیهای مختلف بدین شرح است :

جبرئیل - خورشید - دیو - بدنهای انسانی با سرهائی نظیر سنگ و شغال -

ماهی - پرنندگان مختلف - اژدها - سه طبال که یکی از آنها سبیلی بزرگ دارد -

سه سرناچی که یکی از آنها سبیلی بسیار بزرگ دارد - چهار تفنگچی - شیری که

بر پشت آهوجمله کرده است - جن - مردی قلیان بدست - شکارچی با تفنگی سرپر - دو اژه کش که با اژه‌ای کنده‌ای را اژه می‌کنند - مالک عذاب - پرنده‌ای که دنبال ماهی بزرگی را در دهان گرفته - ماهی گیر - رستم و دیوسفید - دختری که گاو می - دوشد - اسرافیل مشغول دمیدن در صور - سرو - بچه - اسب - نامه عمل خوب که به دست فرشته ایست و بر آن نامه نوشته است « مشهدی محمد علی خان و کربلائی یوسف و کربلائی تقی » - فرهاد کوهکن - چوپان با گوسفندان - زارع در حال درو - شیرین بر سر جان کندن فرهاد - زن زیبایی که برگردن او مار پیچیده است - فیل - ماری که دور مرغی پیچیده است .

بریکی از تخته‌های سقف با خطی خوش نوشته است :

بانی این سقا تالار مشهدی علی خان

عمل نجاری از مشهدی داداش نوائی

سنه ۱۳۰۶

گرداگرد این فضای اصلی راهروئی است که پهنای آن در حدود يك متر است. قسمت زیرین این سقا تالار را چون روغن زده بودند بسیار تروتازه بود. نقش و نگار این قسمت کمتر از قسمت بالا است. این قسمت شامل ده ستون است که دوه‌دو نقشیهای کنده کاریهای آنها یکی است. دوعده از آنها لاج لنگری مارپیچ و دوعده لاج لنگری هفت و هشت و مابقی ستونهای چهارسوی پخ زده است که وسط آنها نقش کنده کاری دارد. سرستونهای چهارکنج، دهان اژدری است که اژدهای آن را از داخل رنگه. آمیزی کرده‌اند و سرهر اژدهائی شاخی از چوب دوسه شاخه نظیر شاخ گوزن است. شاخهای اژدهاها به طرف پایین است.

بر تخته‌ای از سقف با خط خوش نستعلیق نوشته شده است :

حرره القاضی حاجی آقا بارفروشی سنه ۱۳۰۶

باقی بناها و آثار تاریخی بیشه بابل

۱- درویش عابدین، از رمنت که به طرف دریا می‌روند این مقبره در کنار راه

است . درمحل بررسی شد آثار تاریخی و هنری نداشت .

۲- ملگنوف از تریبتی در کبودکلا از دهکده‌های بندپی بابل نام می‌برد (نسخه خطی ترجمه ملگنوف ص ۸۴ ب) ولی در بندپی دهکده‌ای به نام کبودکلا نیافتیم ، ظاهراً از دهکده‌های پیشه است . در (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) آمده است : کبودکلا ده از دهستان پیشه بخش مرکزی شهرستان بابل شش کیلومتری جنوب شرقی بابل ، دو کیلومتری جنوب راه بابل به شاهی (علی‌آباد) .

#### ۶- بناها و آثار تاریخی ناحیه مشهدگنج افروز بابل

مختصری از جغرافیای مشهدگنج افروز = گنجوروز

مشهدگنج افروز ناحیه ایست که از شمال به ناحیه پیشه و از غرب به ساسی کلام ولاله آباد و از جنوب به بندپی و از مشرق به بالاتجن و علی‌آباد محدود می‌شود. بیشتر دهکده‌های این ناحیه در دشت است . آبش از رود خانه سرچه رود (= سجه‌رو = سجادرود) و بابل رود است . محمد شاه ایل عمران‌لو را از قرا باغ و قراداغ به گلوگاه بندپی کوچانده است<sup>۱</sup> و طایفه عمران بازماندگان آنان است .

#### ۶- بناها و آثار تاریخی مشهدگنج افروز

عمارت تپه

در طرف راست رود خانه بابل رود ، نزدیک به دهکده گلوگاه تپه‌ای به نام «عمارت تپه» است که بالای آن عمارتی بزرگ بوده است .<sup>۲</sup>

مشهد سرا<sup>۳</sup>

از دهکده‌های مشهدگنج افروز

محمد شاه قاجار در این دهکده چشم به جهان گشود .

۱- نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۰ الف . ۲- نسخه عکسی ملگنوف ص ۳۸ ب .  
۳- مشهد سرا ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۷ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳) .

## قلعه و لوکلاته ۴

## در دهکده و لوکلای مشهدگنج افروز

نویسنده تاریخ خاندان مرعشی این محل را «محل حصینی» دانسته، ظاهراً دهکده‌ای مستحکم و قلعه مانند بوده است.

## کوشک سرا

## در مشهدگنج افروز

ظاهر آکخی قدیمی در این محل بوده است.

## خانه آقای ناصر امیر سلیمانی پسر احمد

## در کلافر محله ۶ مشهدگنج افروز

بنائی است شامل دو اتاق و دو صندوقخانه و یک تالار. دو اتاق در دو طرف بناست. صندوقخانه اول در سمت چپ اتاق سمت راست و صندوقخانه دوم در سمت راست اتاق دست چپ است. جلسو صندوقخانه‌ها راهروهای است که به دو اتاق طرفین می‌رود. تالار در وسط است و دوجدار آن به دو صندوقخانه منتهی می‌شود. جلو تالار باز است. تالار دارای پنج در به طرف شمال است که بالای آنها پنج پنجره مشبک باشیشه‌های رنگی است. هر اتاق دارای هشت باب در که به خارج گشوده می‌شود و یک باب در ورودی که از جلو صندوقخانه بدان وارد می‌شوند. تالار دارای دو در ورودی در راهروهای جلو صندوقخانه‌هاست (عکس شماره ۱۵۵).

در یکی از اتاقهای طرفین بنا، سربخاری ظریفی با گچ بری و نقاشیهای زییاست (عکس شماره ۱۵۶ و ۱۵۷).

۴- لوکلاد ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۴ کیلومتری جنوب بابل ۲ کیلومتری غرب راه فرعی بابل به بابل کنار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).  
۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۴۸. ۶- بفتح کاف کلا نوعی کوزه بزرگ را گویند در مثل گویند: گت تر از کلا دوشن دی کته. بسزرگتر از کلا دوشن نیز هست. به جوانی گویند که در میان پیران اظهار لحنیه کند.

## درویش فخر

## در اراضی بالا سرست مشهد ۷ گنج افروز

نمای خارجی بقعه چهار گوشه است. در هر جدار دوطاقما است بالای هر طاقما جای کتیبه است. بالای جای کتیبه‌های مستطیل، قرنیسهای سینه کفتری است و بالای قرنیسها، کاشیهای نیم دایره، میان هر دو قرنیس نصب کرده‌اند. بالای آنها کتیبه دندان است. با جمع کردن گوشه‌های بنا، هشت ضلعی به وجود آمده است. بالای این هشت ضلعی گنبدی به شکل هرم مثنی القاعده زده‌اند (عکس ۱۵۸ و ۱۵۹). ابعاد داخلی بنا ۲۸۳ × ۲۸۳ سانتیمتر است. در جدار شمالی یک جاچراغی است و در جدار جنوبی پنجره‌ای نورگیر به ابعاد ۴۶ × ۴۴ نزدیک به دست راست این جدار است. در جدار شرقی یک جاچراغی و یک در ورودی است. جاچراغی طرف دست راست و در ورودی طرف دست چپ این جدار است. با چهار گوشوار دهانه چهار گوشه گنبد را جمع کرده و به هشت ضلعی تبدیل کرده‌اند و از داخل گنبدی مدور بلند بر آن زده‌اند. در ورودی بقعه به پهنای ۹۶ و بلندی ۲۲۰ سانتیمتر است.

## مقبره ملا محمد شهر آشوب

## در دهکده بنجر کلا از دهکده‌های مشهدگنج افروز

مسلماً این مقبره مرقد شیخ رشیدالدین ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب السروی نیست که از فحول علمای قرن ششم و اهل ساری بوده و در زمان الممتقی (۵۵۵ - ۵۳۰) در بغداد بر منبر می‌رفت.<sup>۸</sup> زیرا وی به حلب مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا بود و در شعبان سال ۵۷۹ رخت به سرای باقی کشید و همانجا در دامنه کوه جوشن در مشهد محسن السقط بن حسین بن علی به خاک سپرده شد.<sup>۹</sup>

۷- بکسر سین و راه، بالا سرست ده از دهستان مشهدگنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۰/۵ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۸- مجمع البیان طبری ج ۱ ص ۳۰۱. ۹- طبقات المفسرین سیوطی ص ۳۷ و معالم العلماء تألیف ابن شهر آشوب با مقدمه عباس اقبال ص ۷-۱۰ به نقل از شهر بابل.

شاید ابن مقبره مرقد پدر او باشد که علی نام داشت و پسر شهر آشوب بود. با شخص دیگری از مردان این خاندان است که معروف به شهر آشوب یا ابن شهر-آشوب بوده‌اند.<sup>۱۰</sup>

بنای بقعه در اراضی دهکده بنگر کلا در وسط فضائی باز و دلگشا است. دیواری در اطراف اراضی بقعه کشیده‌اند. بنای اصلی مرکب از سه اطاق است که مرقد شهر آشوب در اطاق وسط است. قبر هموار و هم سطح زمین است. صندوقی چوبین روی قبر اوست و اطراف صندوق ضریحی مشبک به درازای ۲۵۰ و پهنای ۱۷۵ و بلندی ۲۰ سانتیمتر قرار داده‌اند. این ساختمان و ضریح را حیدرخان معروف به معز السلطان کلاگر محله‌ای در سال ۱۳۲۳ ساخته است. این تاریخ به بالای درهای ورودی شمالی و جنوبی دیده می‌شود، قبل از این تاریخ مقبره کوچکی بدون ضریح و صندوق بوده است. از دوران قبل از تعمیر تنها اثر مورخی که باقی مانده زیارتنامه‌ای است که در ۱۵ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۰ نوشته شده و ابتدای آن چنین است:

السلام عليك يا محمد بن شهر آشوب.....

اما در زیارتنامه جدید که تاریخ آن چهارم شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۷۱ است چنین نوشته شده است:

زیارت می‌کنم این آقای بزرگوار محمد بن شهر آشوب را...

السلام عليك ايها العالم الرباني... السلام عليك ايها الشيخ العالم العامل يا

محمد بن علي بن شهر آشوب.....

تشابه این نام با اسم شیخ رشیدالدین ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب ساروی سبب شده است که عده‌ای این هردو اسم را يك شخصیت بدانند. لوحه‌ای دیگر بر ضریح نصب است که بر يك روی آن زیارتنامه ملا محمد بتاریخ ذی‌الحجه توشقان ٹیل

۱۰- جغرافیای تاریخی مازندران ص ۳۱۳. به نقل از شهر بابل پوراندخت حسین‌زاده. ملکنوف تربت ملا محمد شهر آشوب را در دهکده‌ای به همین نام در مشهد گنج افروزمی‌داند (نسخه عکسی ملکنوف ص ۷۴ ب).

۱۳۴۵ به امضای « اقل السادات میرزا سید حسین جان دبیر قاجار » است و بر روی دیگر آن عبارات زیر نوشته شده است :

بتوفیق یزدان پاك در زمانی که اقل السادات در خدمت حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم بندگان آقای مشیر السلطنه دامت شوکتہ بمازندران آمده بودم دیدم حضرت معظم الیه در چند سال قبل سدی بر رودخانه مطالان<sup>۱۱</sup> بسته‌اند و ناتمام مانده ، جداً محض ترفیه حال عامه رعایا از حضرت معظم خواستار شدم که سد مزبور را به اتمام برسانند تلافی فرموده استدعای حقیر را قبول فرمودند و اقدام مجدانه در اتمام سد مزبور نمودند تا بحمد الله والمنة بمراحم حضرتش در نیمه ذی‌الحجه توشقان ٹیل سد مذکور بنام نامی مبارکش اتمام یافت از باطن حضرت ملا محمد بن شهر آشوب نور مضجعه بقای او را خواستاریم ۱۳۴۵ هجری قمری .

وضع کنونی مرقد ملا محمد شهر آشوب

بنای بقعه ملا محمد شامل سه اطاق است که در اطاق وسط مرقد اوست و ایوانی گرداگرد بنا می‌چرخد . اطاق وسط ۴۲۰ × ۶۰۰ سانتیمتر است . در هر يك از دوجدار قبلی و شمالی این اطاق چهارطاقی است که در ورودی در وسط آنهاست. در هر يك از دوجدار غربی و شرقی دوطاقی است و وسط آنها يك طاقچه است که بالای آن رف است . سقف بنا قاب کوبی است .

در دو طرف این اطاق دو اطاق دیگر است . هر يك از اطاقها دو در شمالی و دو در جنوبی دارند. اطاق غربی يك در به طرف غرب و اطاق شرقی يك در به طرف شرق دارد که هردو، در ایوانهای شرقی و غربی گشوده می‌شوند .

ایوانی دور این سه اطاق می‌چرخد پهنای آن ۳۰۰ سانتیمتر است و دو ایوان شمالی و جنوبی به درازای ۱۹ متر است . ایوانهای شرقی و غربی بازده متر درازا

۱۱- این رودخانه را به تلفظ محلی «متالون» گویند .

دارند. جلو هریک از ایوانهای شمالی و جنوبی هشت فیلبای مربع آجری است و جلو ایوانهای شرقی و غربی ۵ فیلباست. (عکس شماره ۱۶۰) در وسط اطاق وسطی صندوقی با قاب و آلت کاری قبر ملامحمد را پوشانده است. ضریح مشبکی این صندوق را احاطه کرده درازای آن ۲۴۸ و پهنایش ۱۵۷ و بلندیش نیز ۱۵۷ سانتیمتر است.

#### قلعه کتی

نزدیک بقعه ملامحمد در بنگر کلاهی گنج افروز در فاصله کمی از بقعه ملامحمد خالک ریزی است که ظاهراً روزی قلعه‌ای قدیمی بر آن بوده است.

#### اما مزاده محمد

در اطاق سرای ابوالحسن کلاهی گنج افروز

بنائی است هشت ضلعی بزرگ و بلند. پهنای جدار خارجی هریک از اضلاع ۴۶۵ سانتیمتر و در چهار جدار چهار طاقنمای بلند است. در ورودی اصلی بنا، شمالی بوده است که فعلاً از خارج جلو آن را با آجر چیده‌اند. پهنای این در ۴۹ و بلندی آن ۱۵۷ سانتیمتر است.

مطالب زیر بر پاسار بالای لنگه سمت راست خوانده می‌شود:

عاملها و صانعها محمد تقی ابن محمد رفیع بوده است که ...

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

۱۲- این قسمت از کتیبه بدون ذکر تاریخ در سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی قسمت کتیبه‌ها ص ۱۹ ع آمده است و مهجوری در تاریخ مازندران خود ج ۲ ص ۳۴۴ عیناً آن را بدون ذکر مأخذ نقل کرده است و پوران دخت حسین‌زاده در کتاب شهر بابل خود عین کتیبه را با ذکر مأخذ آورده اما ابوالحسن کلا را به ابوالحسن آباد تبدیل کرده است (شهر بابل ص ۶۱).

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم الدنيا جيفة وطالبها كلاب

بر پاسار پایین لنگه سمت راست همین در :

بحسب الفرمودة سعادت پناه محمد کاظم مشهدبان کاتب الفقیر

عبدالعظیم مهدی<sup>۱۳</sup>

اللهم صل علی و محمد و سلم آل محمد آل صلی الله علیه و [كذا]

در ورودی کنونی بقعه در مسجد تازه سازی است که متصل به بقعه است. قسمتی از این مسجد قدیمی است و پنجره‌های ارسی قدیمی جلو این قسمت از بناست. در ورودی ظاهراً در این قسمت قدیمی مسجد بوده است. پهنای این در ۵۷ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده می‌شود:

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

لاتأخذنه سنة ولا نوم - تا - ما فی السموات وما فی الارض

بر باثوی سمت چپ لنگه سمت راست :

من ذا الذی یشفع عنده - تا - هو العلی العظیم لا اکراه فی الدین

بر پاسار پایین لنگه سمت راست که وارو نوشته‌اند :

قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن

بر باثوی سمت راست لنگه سمت راست :

بالله فقد استمسک بالعروة - تا - اولئك اصحاب النار هم

بر باثوی سمت چپ لنگه سمت چپ :

فیها خالدون بسم الله الرحمن الرحيم سبح اسم ربك الاعلی - تا -

یعلم الجهر وما یخفی وینسرك بالانثی

۱۳- این قسمت از کتیبه در سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو متن انگلیسی قسمت کتیبه‌ها ص ۱۹ ع آمده است و در متن انگلیسی ص ۱۱۸ کاتب را به اشتباه عبدالعزیز مهدی نوشته است.

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

[عبارات خواند نمی‌شود]

بر باثوی سمت راست لنگه سمت چپ:

یصلی النار الکبری ثم لایموت - تا - صحف ابراهیم و موسی

بر پاسار بالای لنگه سمت راست:

آمد که بسم الله الرحمن الرحیم یس الرحمن الرحیم است [کذا]

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

موام اینمرغ رحیم یس ذکر کریم است [کذا]

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

نچارباشی ولد استاد میرحسن بحسب الفرموده درویش حسین

آهنگر در غره محرم الحرام سنه ۸۲ [ریختگی دارد]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

قدتمت الباب بعون الملك الوهاب علی یدافقر عبادالله استاد

حاجی محمود.

متن در، قاب و گره کاری بسیار ظریف است (عکس شماره ۱۶۱).

بنا از داخل نیز هشت ضلعی است که پهنای هر ضلع آن به ۳۳۵ سانتیمتر

می‌رسد (عکس شماره ۱۶۲) در میان بنا ضریحی مشبك چوبین مرقد را پوشانده

است پهنای آن ۲۲۶ و درازایش ۳۱۶ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است.

سقف بنا شامل سه فرسب است که تیرهای چهار سو بر بالای فرسبها انداخته‌اند

و بالای تیر تخته کوبی است. لبه بنا از خارج دارای يك چکش گردان و يك پشته

است. بام بنا سفالپوش است.

نزدیک به بقعه امامزاده محمد، آثار شهری خراب است که آجرهای فراوان

به اندازه‌های مختلف از آن محل به دست می‌آورده‌اند. این اراضی را چندیست

شخم زده و کاشته‌اند و امروز تبدیل به مزرعه شده است.

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیه گنج افروز

۱- سید ذوالفقار در دهکده حاجی کلای گنج افروز.

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی بابل

### مختصری از جغرافیای بندپی

بندپی از بخشهای تابع شهرستان بابل (بارفروش) است که در جنوب آن قرار دارد. این بخش از شمال به نواحی گنج افروز و ساسی کلام و لاله آباد و از مشرق به ناحیه سواد کوه که جزء شاهی (علی آباد) است و از غرب و جنوب به بخش لاریجان که جزء شهرستان آمل است محدود می‌شود.

بخش بندپی را می‌توان به سه قسمت متمایز تقسیم کرد: قسمت دشت و قسمت جنوبی آن که میان بند است و شامل کوههای جنگلی است و قسمتی که در جنوب میان بند قرار می‌گیرد و منطقه‌ای کوهستانی و خاس کوه (کوههای بدون درخت) است. رود خانه‌های این بخش از غرب به شرق به نامهای زیر خوانده می‌شوند:

۱- کلارود که سرچشمه‌های آن در میان بند است و پاره‌ای از دهکده‌های دشت را آبیاری می‌کند و مازاد آب آن نزدیک پل محمدحسن خان به رودخانه کاری می‌ریزد.  
۲- رودخانه سرچهرود (= سچهرود، سجادرود) که سرچشمه‌های آن مرتفعات جنوبی شیخ موسی معروف به کوه تنگه است و پس از آبیاری بیشتر دهکده‌های دشتی بابل در حدود ولو کلا به بابل رود می‌ریزد.

۳- شکرالله رود که سرچشمه آن مرتفعات سیاه کوره‌سر (میان بندپی و لاریجان) است و پس از آبیاری برخی از دهکده‌ها به رودخانه هراز منتهی می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳.

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی بابل

قلعه پیروزی = قلعه فیروزجاه = قلعه فیروزشاه  
در کنار سرچه رود (سجادرود)

ظاهراً این قلعه در حدود سال ۹۶۸ ه. ق. در دوران حکمرانی میرعلی خان از خاندان مرعشی مازندران خراب بوده و او تصمیم می‌گیرد که آن را از نو آباد کند. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

در این وقت میرعلی خان به موضعی که به ولو کلاته مشهور است  
و محل حصین است نزول نموده، قلعه پیروزی را که در کنار بابل رود در  
بالای کوه است عمارت می‌نمود.<sup>۴</sup>

میر عبدالکریم و آقا محمد که در تعقیب او بودند، جاسوسان فرستاده و معلوم کردند که او با معدودی چند مشغول تعمیر قلعه است. با سپاهیان خود به او حمله بردند. اما یکی از طرفداران میرعلی خان او را خبر داد و او خود را به قلعه کشاند. پس از رسیدن ایشان و طلب ملاقات کردن، او از قلعه بیرون نیامد و فرزند خود - میرزین - العابدین - را با طعام و وسایل پذیرائی بیرون فرستاد.<sup>۵</sup>

پس از میرعلی خان نیز این قلعه در دست بازماندگان او باقی بود ولی دیری نپایید که به دست میرسلطان مراد خان افتاد. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

اما قلعه فیروزجاه که از مشاهیر قلاع آن ولایت (مازندران) بود،  
در تحت تصرف اولاد میرعلی خان بود. بعد از قتل میرزین العابدین و فرار

۲- میرعلی خان بن میرقوام الدین بن میرعلی خان بن میرقوام الدین بن سیدمحمد بن سید مرتضی بن سیدعلی بن سیدکمال الدین بن میرقوام الدین مرعشی. ۳- ولو کلاته ده از دهستان مشهد گنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۴ کیلومتری جنوب بابل ۲ کیلو- متری غرب راه فرعی بابل به بابلکنار (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳). ۴- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۵ و ۹۶. ۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۶ و ۹۷.

میرقوام الدین (فرزندان میرعلی خان)، تحت تصرف گماشتگان میرعبداللہ خان درآمد. در این وقت به نوازریق - برادر جلال الدین پروانچی - که از طفولیت مربی تربیت او بود، سپرده بود و اعتماد کلی بر او داشت. آن نامرد مردود جهت قلیلی که برای او فرستاده بودند، فریفته گشته، قلعه را به معتمدان میرسلطان مرادخان سپرد. این خبر ملالت اثر بر پیشگاه ضمیر میرعبداللہ خان تاخت، آتش غضب قیامت لهب مشتمل گشته، به حضور جلال الدین که مهر آسمان خوبی و صباحت او مثل زدندی فرمان داده، بعد از حضور به دار عبرت آویختند.

برادر خواجہ شرف الدین قطب را که به منصب وزارت قیام می‌نمود - جلال الدین نام - اراده گریختن نمود. خبردار شده بگرفت وینی بریده رها کرد. بدین سبب کسانی که در خدمت او بودند نا امید شده، به اندک فرصت خود را از قلعه بیرون می‌انداختند. تا آنکه چند نفر از غلامان نیز فرار نموده، به خدمت میرسلطان مراد خان رفتند.

در این اثنا از قضای آسمانی آتشی در قلعه افتاد. هر چند سعی کردند حتی خود متکفل اطفاء آن شدند و آنچه مایعات بود از گلاب و عرق بهار و آبلیمو جمیع را صرف نموده، به جای آب بر آتش ریختند مفید نیفتاد. اکثر عمارات قلعه محترق شد. چون اثر بخت برگشتگی را مشاهده نمود، عزم رفتن اردوی معلی نمود. کوچ و متعلقان را به رستمدر به‌خانه ملک کیومرث نور که پسرخال او بود فرستاد. دست دو پسر خود - میر عبدالکریم و میر عزیز - را گرفته و شمشیر در گردن انداخته، روانه قزوین شدند.<sup>۶</sup>

پس از اینکه قلعه فیروزجاه به دست میرسلطان مرادخان افتاد، او توانست بعدها میرعلی خان را دستگیر و در قلعه زندانی کند.<sup>۷</sup>  
میرعلی خان مدتها در قلعه فیروزجاه به زندان بود. باسید مرتضای حسام که با او

۶- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۴۳ و ۱۴۴. ۷- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۷۱.

هم‌زنجیر بود قرار می‌گذارند که اگر روزی یکی از ایشان آزاد شود، بدون دیگری از زندان بیرون‌نرود و در صورت آزاد شدن هردو از زندان، میرعلی‌خان والی مازندران وسید مرتضی و کیل او باشد. بالاخره طرفداران این‌دو، نزد سلطان مرادخان شفاعت کردند و ایشان را از زندان قلعه فیروزجاه آزاد کرد.<sup>۸</sup>

پس از مدتی مخالفان میرزاخان سربلند کردند و از در مخالفت با او درآمدند. میرزاخان پس از فرار از دست مخالفان، می‌خواست خود را به قلعه فیروزجاه برساند، چون راه را نمی‌دانست، روز تاشب و شب تاصبح اسب خود را راند تا از شیرگاه سربه درآمد. پس از استراحت در شیرگاه بلدراه گرفت و خود را به قلعه فیروزجاه رسانید.

کوتوال قلعه از او پذیرائی کرد و سربازان پراکنده او کم‌کم در قلعه جمع شدند.<sup>۹</sup> چون میرزاخان در قلعه مستقر شد و میرعلی‌خان از حال او خبردار گشت، پس از کسب تکلیف از دربار سلطان محمد خداپنده صفوی مصمم شد که به محاصره قلعه برود. سربازان خود را جمع کرد و به راه افتاد. خبر به ساکنان قلعه رسیده، پریشان حال گشتند و سران قوم به شور نشستند. سرانجام نظر زین العابدین افراسیاب را پسندیدند و قرار شد که او با تفنگچیان زبده، در دره سرچهرود، همراه بر میرعلی‌خان بگیرد و قبل از رسیدن به قلعه کار او را بسازد. ساکنان قلعه قرار گذاشتند که پنجاه تن سرباز و زبده به زین العابدین افراسیاب و پنجاه تن دیگر به گودرز آهنگر آملی بدهند و دوطرف تنگه را بگیرند و میرعلی‌خان را قبل از رسیدن به قلعه از پای در آورند. جاسوسان فرستادند تا مشخصات لباس وزین و برگ و اسب میرعلی‌خان را دریابند و خبر آورند. جاسوسان نیز به وظیفه خود عمل کردند.<sup>۱۰</sup>

فردای آن روز که میرعلی‌خان به قصد محاصره قلعه به راه افتاد، در اثنای راه خواجه افتخار که از علمای وقت بود و می‌خواست در اردو میرعلی‌خان را ملاقات کند، در راه او را دید و لباس خود را برای تیمم و تبرک از تن خویش بیرون آورد و بر میرعلی‌خان پوشاند و اسب خود را نیز بدو داد و سواره در خدمت میرعلی‌خان رکاب به رکاب

۸- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۶ و ۱۹۷ . ۹- همین کتاب ص ۲۲۹ و ۲۳۰ .

۱۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۲۳۵-۲۳۷ .

به راه افتاد. چون به تنگنای دره رسیدند از دوطرف صدای شلیک تفنگ بلند شد و زین العابدین افراسیاب و گودرز آهنگر آملی، به جای میرعلی‌خان خواجه افتخار را زدند و میرعلی‌خان سالم ماند اما سه تفنگدار دیگر سه تیر به طرف میرعلی‌خان رها کردند ولی هیچک از گلوله‌ها مؤثر واقع نشد.<sup>۱۱</sup>

زین العابدین افراسیاب که مأمور قتل میرعلی‌خان بود به خیال اینکه او را از پای در آورده است، به قلعه بازگشت و خبر رسانید. ساکنان قلعه شادبها کردند. اما طولی نکشید که خبر آوردند میرعلی‌خان زنده است و به طرف قلعه می‌آید. یأس اهالی قلعه را گرفت و به تهیه اسباب قلعه‌داری پرداختند. مدت سه ماه جنگ برقرار بود و کاری از پیش نرفت «جهت آنکه قلعه در بالای کوه بود و حصار قلعه و بروج آن با حصن حصین «سبج‌شداد» دعوی همسری می‌نمود.» بالاخره ساکنان قلعه به فکر شبیخون افتادند.

زین العابدین افراسیاب نوبت دیگر به میرزاخان گفت که بار اول اجل میرعلی‌خان نرسیده بود که با آن همه تیر تفنگ از مهلکه سالم بیرون آمد. این بار کریم زیار را که دربان کله بست و چپر است می‌بینم و او را می‌فریسم و راه را برای ورود قلعه نشینان باز می‌کنم.

زین العابدین پنهانی از کریم زیار دیدن کرد و با او قرار گذاشت که هنگام حمله قلعه نشینان او میرعلی‌خان را از میان بردارد یا راه رسیدن به خانه او را نشان بدهد تا زین العابدین کارش را بسازد.

ایشان در وقت موعود از قلعه بیرون آمدند و داخل کله بست شدند. اما میرعلی‌خان هر کس را که به خانه او نزدیک می‌شد با تیر تفنگ از پای در می‌آورد. زین العابدین افراسیاب و هفت تن دیگر را که به او حمله کردند همراه گشت و خود فاتح و مظفر شد.<sup>۱۲</sup> میرعلی‌خان دست از محاصره قلعه برداشت و با اینکه از قزلباشان و سربازان دربار صفوی برای فتح قلعه به او یاری می‌کردند، باز کمک معجزه خواست و سلطان

۱۱- تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۳۷ - ۲۳۹ . ۱۲- تاریخ خاندان مرعشی

صفحات ۲۳۸ - ۲۴۴ .

محمد خدا بنده شاهرخ خان را با فوجی از سربازان و چند تن از سرکردگان قشون به یاری او فرستاد.

چون مدت محاصره به درازا کشید قرار شد آب را بر قلعه نشینان ببندند. پس از بستن آب قلعه نشینان به تنگ آمدند و تسلیم شدند و با وعده و امان یافتن از قلعه به زیر آمدند و نیمه شب بود که راه خود گرفتند و رفتند و هنگام صبح سپاهیان میر علی خان قلعه را خالی دیدند و به تصرف آن پرداختند. ولی میرزاخان در قلعه بماند و قصد مقاومت و ایستادگی داشت. فردای آن روز به او وعده دادند که او را به خدمت سلطان محمد خدا بنده خواهند برد و درخواست جرایم او را خواهند کرد. سرانجام میرزاخان از قلعه به زیر آمد و همراه شاهرخ خان و پیرمحمدخان به اردوی سلطان محمد خدا بنده رفت. قلعه در تاریخ شنبه دهم شهر شوال ۹۸۵ به محاصره درآمد و روز پنجشنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۹۸۷ فتح شد.

در قلعه از نقد و جنس شصت هزار تومان بود سوای کتابخانه که مملو بود از کتب نفیس که آن را به مبلغ شش هزار تومان تقویم کردند و تمام را سیاه کرده به درگاه سلطان محمد خدا بنده فرستادند و سایر امرا و لشکریان نیز از غنایم این قلعه سهمی و بهره ای یافتند.

رابینو درباره این قلعه چنین می نویسد:

پس از فوت شاه طهماسب سراسر مازندران زیر فرمان سلطان محمود بن سلطان مراد معروف به میرزاخان درآمد. وقتی دختر میر عبد الله خان ملکه ایران شد، سلطان محمود را به قزوین فراخواند. او از آمدن امتناع کرد و به قلعه فیروز شاه پناهنده شد. مأموران شاه که برای محاصره قلعه اعزام شده بودند، به او اطمینان دادند که قصد کشتن او را ندارند. بالاخره او را به قزوین بردند و به عهد خود وفا نکردند و او را کشتند.<sup>۱۳</sup>

۱۳- تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۴۵ - ۲۵۵ . ۱۴- ترجمه سفرنامه مازندران و آسترآباد ص ۱۹۰ .

مرقد مولانا میر نظام الدین محمد معروف به پادشاه میر در دهکده پادشاه میر بندپی

در طوماری که از دوران صفویان باقی مانده و در آن نام بقاع متبرک مازندران و نامهای متولیان آن آمده است ، این بقعه را به نام « شاهراده پادشاه امیر » ضبط کرده اند، اما نامی از متولی آن نبرده اند .  
برزگر می نویسد :

مولانا میر نظام الدین محمد بانی تعمیر مسجد کاظم بیگک در سال

۱۱۶۹ می باشد . قبر او در پادشاه امیر بندپی زیارتگاه مردم است .<sup>۱۵</sup>

ملکنوف نیز ارتربت پادشاه میر در بندپی یاد کرده است .<sup>۱۶</sup>

مقبره میر نظام الدین در اطافی چهار گوشه است که مسجد بزرگی متصل به آن است . در ورودی اصلی اطافی که گور میر نظام الدین در آن است ۱۹۴ سانتیمتر درازا و ۵۹ سانتیمتر پهنا دارد . بر این در دو لنگه آیات و عبارات زیر حک شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم

بر باثوی دست چپ لنگه طرف چپ از بالا به پایین :

الله نور السموات والارض - تا - ولا شرقية ولا غربية

بر باثوی سمت راست لنگه سمت چپ :

یکاد زیتها - تا - هو السميع علیم

بر دو پاسار میانین :

قال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

انا مدینه العلم وعلی بابها

بر پاسار زیرین لنگه سمت چپ :

بلغ العلی بکماله کشف الدجی بجماله

۱۵- تاریخ طبرستان برزگر به نقل از شهر بابل پوراندخت حسین زاده ص ۵۰ .

۱۶- نسخه عکسی ملکنوف ص ۸۴ الف .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بسم الله الرحمن الرحيم وبه

بر بانی دست چپ لنگه سمت راست :

الله لا اله الا هو الحي القيوم الرحيم الله لا اله الا هو العليم الكريم

الله لا اله الا هو القدوس القديم الله لا اله الا هو السبوح الحكيم

بر بانی دست راست لنگه سمت راست از پایین به بالا :

الله لا اله الا هو الواحد القهار الله لا اله الا هو الملك الغفار

الله لا اله الا هو الخالق السيار الله لا اله الا هو الحكيم الواحد الجبار

بر پاسار وسط همین لنگه :

حسنت جميع خصاله صلوا عليه وآله

بر پاسار پائین لنگه سمت راست :

عمل نجاری استاد علی اکبر ومشهدی عنایت ورزنی

تحریراً فی شهر صفر ۱۳۲۸ .

میان اطاق مقبره ومسجد بزرگ متصل به آن دری قاب وگره است که بسیار

پرکار و ظریف است پهنای هر لنگه آن ۷۳ و بلندی آن ۲۱۲ سانتیمتر است . عبارات

ونوشته‌های آن بدخط و ناخواناست وهمین نکته از ارزش اصلی در بسیار می‌کاهد .

این عبارات بر آن خوانده می‌شود :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی این درکه واجب التعظیم است سيف الله مرتضى تقى

ابراهيم يد الله پسر حسین پسر حاج آقا

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

بود بر سرم . . . . نیایش

که سيف الله حاجی است نامش

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

عمل استاد علی اکبر ومشهدی آقای ورزنی

کتابه موسی ابن ابراهیم فیروزجاهی ۱۳۲۰

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

حیدر و خلیل سر تکریم قربان حمد و ذکر او است [کذا]

يعقوب است شفيع ولى الله ذکر قسم باد [کذا]

ضریحی مشبک چوبین گور میر نظام الدین را پوشانده است که بر چهار طرف حاشیه

بالای آن آیاتی از کلام الله مجید به این شرح حک شده است :

بر حاشیه بالای طرف جنوبی ضریح :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - وسع كرسيه السموات

والارض

بر حاشیه بالای طرف غربی :

ولا يؤده حفظهما - والله سمیع علیم

بر حاشیه بالای طرف شمالی :

الله ولى الدين آمنوا - تا - فيها خالدن الله نور

السموات والارض مثل نوره

بر حاشیه بالای طرف شرقی ضریح :

كمشكوة فيها مصباح - تا - يكاد زيتها يضيء

در جدار قبلی ضریح دریچه‌ای دولنگه بسیار ظریف است این عبارات در قسمت بالای

این دریچه حک شده است :

عاملها و صانعها كربلائی غلامرضا و كربلائی علیرضا نوائی سنه

۱۲۸۸ راقم الحروف محمد ابن كربلائی علیقلی فیروزجاهی اللهم اغفر له

ولو الدیه .

بر دریچه ظریف ضریح :

سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين

تخته پاره‌ای که ظاهراً مربوط به صندوق مرقد بوده است که امروز از آن اثری نیست

بر بالای جدار غربی ضریح کوبیده شده است این عبارات بر آن حک شده بود :

السلطان اعظم عدل سلطان نظام الدین صاعد ابن سلطان المرحوم  
سعید صاعد حسینی خادم الفقرا نادعلی شاه ابن اباده اسکندر مجاور غفر  
الله ذنوبه . . . . یا رب .

## قلعه کتی

در میان دهکده‌های بزودی ۱۷ و شاه تراس بندپی

خاک ریزی است دستی مدور بزرگ ، بلندی آن در حدود ده متر از سطح زمین اطراف است . طرف شرقی آن برآمدگی بیشتری است که ظاهراً ارگ قلعه بوده است . سطح اراضی بالای این خاک ریز بیش از سه هکتار است . سابقه این قلعه به نام شرك یا شهرک معروف بوده است .

## میری کتی

در سفید تور بندپی

تپه ایست دراز و مرتفع ، بلندی آن از سطح زمین بیش از بیست متر است و سطح اراضی بالای آن صرف نظر از برآمدگیها و فرورفتگیها به هشت هکتار می‌رسد .

## قلعه کتی

در بالای کلای بندپی

بلندی این خاک ریز دستی به ۱۲ متر و سطح اراضی بالای آن به یک هکتار می‌رسد .

## تکیه ای قدیمی

در مقری کلای بندپی

تکیه ایست بسیار زیبا با نقاشیها و کنده کاریها و گچ بریهای ظریف ، دارای اطاقها و تالار بزرگی در وسط . دو در ورودی شمالی و جنوبی دارد که از دو

راهر و وارد فضای اصلی تکیه می‌شود . دو اطاق در دو کنج این فضا در آورده و میان آن دورا شاه نشینی ترتیب داده‌اند . دو اطاق دیگر در طبقه دوم بالای این دو اطاق ساخته‌اند . شاه نشین نیز دو طبقه است . در دو طرف راهروهای طرفین تالار اصلی ، دو اطاق است و بالای این دو اطاق نیز دو اطاق دیگر است . (عکس شماره ۱۶۳) .

بالای دیوارهای فضای اصلی تکیه زیر سقف اشعاری از هفت بند محتشم کاشانی است که بر چوب حک کرده‌اند و در فواصل آنها عبارت «یا ابا عبدالله الحسین» تکرار شده است . جلو اطاقهای طبقه بالا پنجره ارسی است . ارسیها تمام قاب و آلت ظریف دارد .

در بالای درهای ورودی اصلی ایباتی را گچ بری کرده‌اند در انتهای این گچ بریها تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ دیده می‌شود .

دو ستون چوبین جلو تکیه خوش تراش و دارای سرستونهای زیبا با نقاشیهای رنگارنگ است .

لبه بیرونی بنا یک چکش گردان و یک پشته است . زیر این چکش گردانها نیز کنده کاریهایی بر چوب دیده می‌شود . انتهای این اشعار کنده کاری شده فی شهر محرم الحرام سنه ۱۱۷۹ خوانده می‌شد .

مرقد سید مهدی کروب<sup>۱۸</sup>

در مقری کلای بندپی

ملگنوف این مرقد را به نام «سید میر کرام» می‌شناسد<sup>۱۹</sup> . بنائی است ساده با مسجدی در جلو . راهرو مدخل بقعه هم سطح زمین است که سطح مسجد را به دو قسمت تقسیم کرده که در حدود هشتاد سانتیمتر از کف راهرو بالاتر است . بر دیوار

۱۸- در طومار متولیان دوران صفوی نام این امامزاده «سید شرف بن معد یکر» ذکر شده و تولیت آن در آن تاریخ با سید شرف الدین بوده است . ۱۹- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۴ الف .

راهروی بقعه، در این مسجد چهار سنگ قبر است مطالب دوتای آنها از قسار زیر است:

لااله الاالله محمد رسول الله علسی ولی الله تاریخ وفات مرحوم  
 مشهدی حسین قلی ولد مرحوم مشهدی ابراهیم کلاشی ۱۲۲۰. لااله الاالله  
 محمد رسول الله علی ولی الله تاریخ وفات مرحوم کر بلائی محسن ولد  
 مرحوم آقا عباسقلی فکچالی یوم پنجشنبه غره محرم الحرام سنه ۱۲۹۶.  
 ضریحی مشبک در وسط اطاق مقبره گور سید را پوشانده است درازای آن ۲۷۷  
 وپهنایش ۱۲۸ وبلندیش ۱۴۶ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده شد:  
 بر بالای جدار شرقی ضریح:

الله لااله الا هو الحی - تا - مافی السموات

بر بالای جدار جنوبی:

ومافی الارض - تا - مابین ایدیهم وما خلفهم ولا

بر بالای جدار جنوبی قسمت دوم:

یحیطون بشیء من علمه - تا هو العلی العظیم وهو الغنی بسم الله

الرحمن الرحیم

بر بالای جدار شمالی: یارب یارب یارب یارب یارب.

بر جدار جنوبی بریکی از پایه‌های وسط ضریح:

باعث وبانی این ضریح گردید عالیشان معلی مکان آقا محمد حسین

زمدان.

سنگ قبری در گورستان بقعه است که نام «حلال خوار» که از خاندانهای

قدیمی مازندران است بر آن دیده می‌شود. عبارات آن از این قرار است:

۱۲۵۲

لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی الله کل من علیها فان تاریخ

وفات مرحمت و مغفرت پناه عباس ابن مرحوم قربان بك حلال خوار.

قلعه جخرود = موزی کتی<sup>۲۰</sup>

در لمسوکلای بندپی

قلعه جخرود که امروزه نام «موزی کتی» شهرت دارد از کوتیهای بسیار بزرگ و بلند است. بلندی آن در حدود سی متر و اراضی بالای آن در حدود دوازده هکتار. این اراضی دراز و کشیده است. در زمان ناصرالدین شاه آثار بنا بر این کوتی بوده است. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «قلعه جخرود در لمسوکلای از گنج و آجر ساخته شده حمام و حوض دارد، در قلعه کوه است. آثار آن باقی است (مجموعه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۲۹ الف). عین این مطالب را محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۴ و ۲۱۵ آورده است.

فک چال کتی<sup>۲</sup>

در دهکده فک چال بندپی

خاک ریزی است دستی در حدود سه تا پنج متر ارتفاع و سطح اراضی بالای آن به پنج هکتار می‌رسد. در سالهای اخیر خانه‌هایی بر بالای آن ساخته‌اند.

قلعه کوپی سرا

در اراضی دهکده کوپی سرای بندپی

کوپی سرا کنار رودخانه «سجهرود»<sup>۲۱</sup> است. بر بالای کوهی که مشرف به این آبادی است، آثار قلعه خرابه‌ای پیداست. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «از قلعه‌های بند پی قلعه کوپی سرا است در قلعه کوه از گنج و آجر ساخته شده و همه لوازم را دارد.»<sup>۲۲</sup>

قلعه ای قدیمی

در دهکده عموان بندپی

این قلعه از گنج و آجر در قلعه کوه است.<sup>۲۳</sup>

۲۰. بکسر فاء و کاف. ۲۱- بکسر سین. اهل دیوان به نام «سجاد رود» می‌شناسند.

۲۲ و ۲۳ - مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۹ الف.

قلعه‌ای قدیمی

در خشت رود پی

در خشت رود پی بند پی قلعه ایست که از گچ و آجر ساخته شده است.

باغ عبدالحسین خانی

در نشل ۱۲۴ از دهکده‌های بندپی

باغی است با درختان کهنسال میوه و دیواری بلند از سنگ و گچ که فعلاً اراضی آن محدود شده و روی در خرابی دارد. بانی این باغ منصور لشکر است که حاکم این صفحات بوده است. نشل در تابستان مرکز حکومت بیلاقی بوده است. منصور لشکر<sup>۲۵</sup> باغ را به یعقوب بیگ و مشهدی جعفر فروخت و فعلاً در دست وارث ایشان است.

میان این باغ بنائی مستطیل شکل از چوب است که اطراف آن پنجره‌های ارسی دارد. درازای اطاق پنج دهانه پنجره ارسی و در پهنای آن سه دهانه پنجره ارسی است. درازای بنا ۵۷۵ و پهنای آن ۳۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۶۴ و ۱۶۵).

مسجد جامع یا مسجد محمد تقی خان

در نشل از دهکده های بند پی

برجرزهای دو طرف مسجد گچ بریهای ظریف است (عکس شماره ۱۶۶). مقداری از کتیبه قدیمی مسجد به خط نستعلیق در دو ردیف بر دیوار غربی بدین شرح باقی است:

.... جایگاه بسالت انتباه محمد تقی خان بند پی وقف نمود ملک و انده و نصفه ملک میدانک که از منافع صرف خرج این مسجد شود به لعنت خدا گرفتار شود که ضبط موقوفات مزبور می نماید. بسر کاری امامقلی بیگ و به استادی اسمعیل

۲۴- بکسر نون و شین ۲۵- میرزا علی خان پدر میرزا ابوتراب خان سرتیب معروف به منصور لشکر.

ابی سمت انجام [بندیرفت] تحریرا فیشهر رجب المرجب ۱۲۵۷ مشقه میرزا محمد قاضی . برزیلوی مسجد نیز نام «مسجد محمد تقی خانی» دیده می شود که مخصوص این مسجد یافته اند .

دفتر لی ۲۷

در يك كيلومتری شمال دهکده نشل

بر سمت راست آب نشل<sup>۲۸</sup>، رشته کوهی بلند و پر پرتگاه است . تقریباً سراسر این رشته بند است و گذرگاه ندارد . در میانه بند غاری است که در محل سه نام «دفتر لی» شناخته می شود . معروف است پادشاهی کتب و نوشته‌های خود را برای حفاظت در آنجا قرار داده است .

سه کاروانسرا

بر سر راه نشل به لزور (لزیر)

راه نشل به لزور از راههای قدیمی است. این راه از نشل به گروه (بکسر گاف)، برزنه (= ورزنه) (بفتح باء و زاء) ، اسکندر بن (بکسر الف و فتح کاف و کسر راء و فتح باء) ، رباط اول که در اراضی کتوزان (بفتح کاف و واو) که آبریز آن به طرف نشل است و جزء اراضی این دهکده به حساب می آید . میهون رباط (میان رباط) در اراضی «وردواو» (کنار دو آب) است و میان این دو گمبوج بیش از دو کیلومتر فاصله نیست . رباط سوم نیز در اراضی «وردواو» است ، وردواو، زرسر (بفتح زاء و کسر راء و فتح سین) ، چفت (بفتح ج) ، دله میون (بفتح دال) ، پنیرون ، کاریز ، لزور (= لزیر) ، اهنز ، شاد میهن ، ارجمند ، ظاهراً این راه قدیمی از مشهدسر (بابلسر) به بارفروش ده (بابل امروز) و از آنجا به بندپی و از آنجا به شیخ موسی و از شیخ موسی به برزنه و لزور و ارجمند و فیروز کوه می رفته است. این سه رباط یا گمبوج بر سر این

۲۷- بفتح دال و سکون فاء و کسر راء به معنی دفتر و کتاب است و «لی» در لغت محلی به معنی سوراخ و غار است . ۲۸- شعبه‌ای از این رودخانه از بیلاق رسم در جنوب و شعبه دیگر از مراتع وازک در مشرق نشل می آید .

راه قدیمی ساخته شده بوده است. مسیر این جاده بیشتر در کنار آبی بوده که به بندپی می رود و به سرچه رود و سپهرود «سجادرود» (بفتح سین و کسر دال) معروف است.

قلعه پیل پاهان

بر سر کوه پیل پاهان

بر سر راهی که از نشل به لزور (لزیر) می رود و از رباطها (کمبوجها) می گذرد، بر سمت راست این راه کوهی سرکشیده است بر بالای آن آثار قلعه ای قدیمی است. امروز کوه بی بی گویند.

خانه های قدیمی

در دهکده نشل بندپی

در دهکده نشل، خانه های قدیمی با تالارها و پنجره های ارسی نسبتاً زیاد است از آنها می توان منزل جمشید سلیمان تبار را نام برد که پنجره های ارسی تالار آن تقریباً سالم بود (عکس شماره ۱۶۷). منزل قوام الدین سلیمان تبار نیز پنجره ارسی همانند منزل جمشید سلیمان تبار داشت.

راه نشل به لاسم

نشل، خرم، ۲۹ پر در، ۳۰ رسم، ۳۱ لاسم ۳۲.

راه نشل به بایجان از راه لوت

نشل، پر در تنگه، ۳۳ کتوچال، ۳۴ موزون، الفش، ۳۵ و یارک، تله، ۳۶، لوت، بایجان که کنار آب هراز است.

۲۹- بکسر خاء و راه. ۳۰- بفتح پ و دال

سین. ۳۳- بفتح پ. ۳۴- بفتح کاف.

۳۶- بفتح تاء. ۳۵- بفتح الف و فاء. ۳۲- بکسر

نمش خانه

در گورستان دهکده نشل

بنائی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که هر ضلع آن ۱۱۵ سانتیمتر است. دری کوچک دارد که قفل بود و از کلید آن نیز نشانی نبود از این جهت داخل بنا دیده نشد. سقف بنا گنبدی توسی خورده است (عکس شماره ۱۶۸).

گورستان

در دهکده نشل

سنگ قبری که حاکی از زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی است در این گورستان بدین

شرح دیده شد:

۱۳۳۶ شمسی

آرامگاه ایرج ولد مرحوم مشهدی عنایت سلیمان تبار نشلی در سال زلزله زیر حواری [آوار] بیست ونهم بهمن ماه قدیم به رحمت خدا پیوست.

۱۲۹۰

مشهدی سایمان انزابی لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله

۱۳۳۰

نهال عمر جوانی زدم به خاک سیاه اقول اشهد ان لا اله الا الله

تاریخ وفات مرحوم غلامعلی ولد مرحوم استاد حسن رضائی.

سنگ دیگری مورخ بیست رمضان ۱۳۲۲ شمسی بود.

سنگهای سائیده و فرسوده مورخ ۱۲۴۱ و ۱۲۵۹ و ۱۲۶۵ و ۱۲۹۲ نیز در این

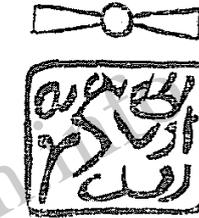
گورستان بود که مطالب آن درست خوانده نمی شد.

خرابه شهری قدیمی در آبدان

بر سر راه دهکده شیخ موسی به نشل پس از اینکه از تنگ خارج شدیم طرف دست چپ تپه عظیمی است که بردامنه های آن و سمت راست آب این دره سفال و آجر فراوان دیده می شود. از قبوری که در این تپه است، دستبند و گردن بند و کوزه های سفالین بیرون آورده اند. سنگ قبری در لیسر که نزدیک آبدان است دیده شد. این سنگ را از آبدان بدینجا آورده بودند. طول این سنگ ۷۷ و پهنای آن ۴۶ سانتیمتر است بزرگ طرف آن این علامت و طرف دیگر آن خطی بود که هیچ خواننده نشد (عکس شماره ۱۶۹).

امامزاده عبدالله

در دهکده شیخ موسی از دهکده های بندپی



مرقد امامزاده عبدالله در بنائی هشت ضلعی با بامی سفالپوش است (عکس شماره ۱۷۰) صندوقی به درازای ۲۴۴ و پهنای ۱۲۳ و بلندی ۱۳۸ سانتیمتر مرقد را پوشانده است. بر قسمت بالای بدنه شرقی این صندوق آیات و عبارات زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انافتحنالك فتحاً مبيناً اللهم اغفر لنا راقم الحروف كلب آستان امامزاده واجب التعظيم محمد فيروز جاهي برحاشية بالای بدنه جنوبی صندوق:

لا اله الا الله هو الحي القيوم - تا من علمه الابماشاء

برحاشية بالای بدنه غربی:

وسع كرسيه السموات والارض - تا والله سميع عليم

بر میان بدنه جنوبی:

بسعی و اهتمام سعادت مآبان آخوند ملاخلیل الله متولی و آخوند

ملا آقا متولی مزار و به حمایت طایفه فیروز جاهی و بهنجاری استاد عباسقلی

نجا رباشی تمام شد حرره ابراهیم فیروز جاهی ۱۳۰۶ .  
نیمه ای از صندوق کنده کاری دارد و خط کتیبه های آن خط نستعلیق خوش است.  
در ورودی بقعه دولنگه ای است و بلندی آن به ۱۱۵ سانتیمتر می رسد بر پائوها  
کنده کاری و منن در قاب و گره است. بر قسمت بالای لنگه سمت راست عبارات زیر  
حک شده است:

عمل استاد عباسقلی و استاد علی اکبر غفر الله

بر پاسار پایین همین لنگه:

حرره موسی ولد ابراهیم فیروز جاهی فی سنه ۱۳۱۸

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

نصر من الله وبشر المؤمنین

بر پاسار پایین همین لنگه:

البانی الحقیق آقا اکبر فضل الله کاظم بن رضا قلی .

زیارت شیخ موسی ۲۷

در دهکده شیخ موسی از دهکده های بندپی

زیارت شیخ موسی نزدیک امامزاده عبدالله و تقریباً متصل به آن است . مرقد  
شیخ موسی در اطاقی مستطیل شکل است که یکی از درهای آن به مسجدی بزرگ  
باز می شود. ضریح مشبکی در وسط اطاق است که بر چهار حاشیه بالای آن آیه الکرسی  
به خط نسخ حک شده است . در آخر آیات این عبارات خوانده می شود:

این ضریح<sup>۲۸</sup> منور مطهر حاجی شیخ موسی راقم الحروف<sup>۲۹</sup>

آ محمد ۱۳۱۰

بر در دولنگه ای ورودی شیخ موسی آیه الکرسی از ابتدا تا انتها حک شده و

۳۷- ملگنوف از بقعه شیخ موسی نام برده است (نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲ ب)

۳۸- اصل: ذریح . ۳۹- اصل: الحرف .

برلنگه سمت راست وحاشیه بالای آن این عبارات خوانده می شود :

بسم الله الرحمن الرحيم هو الله تعالى و انه الله نستعين الامر اليه

[کذا]

برپاسار وسط لنگه سمت چپ عبارات زیر حک شده است :

البانی آقا کبر و فضل الله و کاظم ولد آقارضاقلی فیروزجاهی عمل

استاد عباسقلی و علی اکبر و ابراهیم سنه ۱۳۱۸ کاتب از لطف خداوند کریم

هست موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی ۱۳۱۸

در مسجد متصل به بقعه شیخ موسی سنگ قبری بردیوار نصب است. درازای

آن ۴۵ و بهنایش ۳۰ سانتیمتر است. این عبارات بر آن خوانده می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم لاله الا الله محمد رسول الله على ولي الله

کل من عليها فان تاریخ وفات مرحوم شرف الحاج حاجی باباخان سلطان

ولد مرحوم آقا جان سلطان فیروزی سنه هزار و سیصد و پنجاه فی شهر

فروردین قدیم

محلهای اطراف شیخ موسی

۱- لهه (بکسر لام و هاء) ۲- لتی (بکسر لام) ۳- پریجون (بفتح پ) ۴-

استهچال (بکسر الف و تاء) ۵- تراجه (بفتح تاء و تشدید راء) ۶- سبزخمن (بکسر

زاء و ضم خاء و فتح میم) ۷- شاه لینگهچال ۸- نیراسب (بکسر نون و سکون یاء) ۹-

دزدآقابن (بضم باء) ۱۰- چلیاسر (بکسر چ و تشدید لام) ۱۱- اینیجدان (بفتح الف)

۱۲- سلهبن (بکسر سین و لام و باء) ۱۳- ونهبن (بفتح واو و کسر باء) .

حشم جای (الف چرها)

۱- شالدرگا (بفتح دال) ۲- اسبو (بکسر الف) ۳- کمرپشت (بفتح کاف و میم

و کسر پ) ۴- کتیوگک (بفتح کاف) ۵- وسیه (بکسر واو) ۶- کت بلی (بفتح کاف و

پ) ۷- خینو (بفتح خاء) ۷- کتر اچال (بکسر کاف و سکون تاء) ۹- سیوچی .

امامزاده حسن بن موسی الکاظم علیه السلام

بر بالای کوهی به نام وسو ۴۰ از کوههای بندپی

راهی که از آلاشت به امامزاده حسن می رود، از نقاط ییلاقی زیر می گذرد :

زیهون، زرشت بکوش، ۴۱ هلمن، ۴۲ سنگهرچ ۴۳ که آبادی کوچکی است

گردنه وسو، کمرپشت، ۴۴ تورکش، ۴۵ و امامزاده حسن .

بنای این امامزاده هشت ضلعی و گنبد آن کلاه درویشی است . مصالح اصلی

بنا سنگ و گچ است که از تو و بیرون سفیدکاری کرده اند. محیط این هشت ضلعی بالغ

بر نوزده متر است. کفش کنی به طرف شرق دارد . در کفش کن و در ورودی امامزاده

شرقی است (عکس شماره ۱۷۹). صندوقی چوبین ساده در وسط بناست . در قدیمی

بنا را در سال ۱۳۵۰ شمسی کنده بودند و به جای آن دری آهنین گذاشته بودند (عکس

شماره ۱۷۴). مطالبی که بر این در دولنگه چوبین حک شده است از این قرار است :

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

انا فتحنا لك فتحاً مبيناً

برپاسار بالای لنگه سمت چپ :

وينصرك الله نصراً عزيزاً

برپاسار دوم لنگه سمت راست :

بعهد خسرو جمجاه ناصرالدين شاه

برپاسار دوم لنگه سمت چپ :

تمام شد در این آستان عرش پناه

برپاسار سوم لنگه سمت راست :

کرده نجاریش عباسقلی

۴۰- بفتح واو و ضم سین و تشدید آن . این کوه شامل بازویی است که آبریزگری آن به

طرف لفور و آبریز شرقی آن به طرف آلاشت است. ۴۱- بکسر زاء و راه و فتح باء.

۴۲- بفتح هاء و لام. ۴۳- بفتح راء. ۴۴- بکسر پ. ۴۵- بفتح کاف.

برپاسار سوم لنگه سمت چپ :

هست استاد مبارك مقدم

برپاسار پایین لنگه سمت راست :

در آن دم که بوده است ایام خوش

برپاسار پایین لنگه سمت چپ :

هزار ودویست بود وهفتاد وشش

بربائوی سمت چپ وبائوی سمت راست لنگه سمت راست:

ای درت قبله ارباب کرم

پشت گردون پی تعظیم تو خم

هرسحر بیرکشد از شرق علم

نشناستند سر از پا و قدم

فخر برخیل عرب تا بهجم

روز وشب بسته کمرهمچوخدم

بربائوی سمت راست وبائوی سمت چپ لنگه سمت چپ :

خارجی را نبود ره به حرم

چشمه بارگهت چون زمزم

چون فقیران و اسیران بدرم

کرده میرزاتی از صدق رقم ۱۲۷۶

ای شهنشاه جهان فخر اوم

هست چون کعبه حریم تو ولی

بارگاه تو بود همچو صفا

پادشاهان بدرت محتاجند

شعر ونقاشی وخطرا ای شه

بانی در شده حاجی جعفر

کتابه این دولنگه به خط خوش نستعلیق است وهردولنگه کنده کاریهای ظریف

دارد (عکس شماره ۱۷۳).

مسجدی نظر کرده

در فیل بند بندپی

فیل بند از دهکده های تابستان نشین است ومانند بیشتر مراکز گله داری در فصل

تابستان پر جمعیت ودر فصل پائیز وزمستان کمتر کسی در این دهکده باقی می ماند.

نزدیک این دهکده مسجدی است که کالشان و گله داران تمام وسایل مورد نیاز تابستانی خود را از چادر و ظروف مسینه و سفالینه در این مسجد بی در ودر بند می گذارند و خود به دشت مازندران می روند و معتقدند کسی از این مسجد نمی تواند چیزی بدزدد و اگر کسی چنین کرد جان سالم به در نخواهد برد (عکس شماره ۱۷۴).

باقی بناها و آثار تاریخی بندپی

۱- قلعه لمسر کلا<sup>۴۶</sup> در دوفر سنگی شیخ موسی کنار آب رو به شمال.

۲- قلعه باقلعه دریک فرسنگی لمسر کلا رو به شمال کنار آب.

۳- سد قدیمی پادشامیر نزدیک قلعه باقلعه.

۴- امامزاده ابوالحسن در گنج کلا<sup>۴۴</sup> بندپی.

۵- امامزاده ای در سنگوش محله بندپی.

۶- امامزاده ای در خواجه کلا<sup>۴۸</sup> بندپی.

۷- قلا بالای سرده نشل بندپی.

۸- امامزاده هزار خال نزدیک انده وار بندپی.

۹- امامزاده ای در کبود کلا از دهکده های بندپی.

۱۰- امامزاده عباس در دهکده ای به همین نام از دهکده های بندپی (نسخه

عکسی ملگنوف ص ۸۴ ب)

۱۱- امامزاده شاه رضا در احمد کلا<sup>۴۷</sup> بندپی. از راه پادشامیر به احمد کلا

می روند.

۱۲- امامزاده خوجه در سلوک بندپی به تولیت سید نورالله (طومار متولیان)

صفوی).

۱۳- برجی قدیمی در گریوده بندپی.

۴۶- بفتح لام و سکون میم وفتح سین. ۴۷- گنج کلا<sup>۴۷</sup> از بخش بندپی بابل ۲۶

کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۴۸- خواجه کلا، ده از

بخش بندپی شهرستان بابل ۳۷ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۱۴- برجی قدیمی در ورزنه بندپی .

۱۵- تپه شاه نشین در دهکده آری بندپی کنار سرچهرود (سجادرود) بر سر راه این تپه آجرهای قالب بزرگ نظیر آجرهای دوران ساسانی است .

۱۶- تپه ای قدیمی در ضلع دار کلاهی بندپی کنار جاده جدید.

۱۷- قلعه مرزناک نزدیک مرزناک و گردرودبار (گردرودبار ده از بخش بندپی

شهرستان بابل ۴۳ کیلومتری جنوب بابل ، فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۱۸- تپه صورت در دهکده صورت . از راه قدیم آمل به حمزه کلاهی شش پل

و از آنجا به صورت می رود . صورت ، ده از بخش بندپی شهرستان بابل ۲۱ کیلو-

متری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) اراضی اطراف تپه شالی زاری

اسفندیارخان پهلوان داماد امیرمکرم است .

بخش سوم

بناها و آثار تاریخی شاهلی (علی آباد) و اطراف آن

#### مختصری از جغرافیای شاهی (قائم شهر)

شهرستان شاهی از شمال به دریای مازندران، از مشرق به شهرستان ساری، از مغرب به شهرستان بابل و از جنوب به رشته جبال البرز محدود می‌شود. این شهرستان به دو بخش مرکزی و سوادکوه تقسیم می‌شود. بخش مرکزی شامل ده دهستان به شرح زیر است:

۱- علی آباد، ۲- بالاتجن، ۳- بابل کنار، ۴- تالارپی، ۵- کیاکلا، ۶- نو- کندکا، ۷- بیشه‌سر، ۸- کارکنده، ۹- گیلخواران، ۱۰- مشک‌آباد.

شهر علی‌آباد (شاهی) که سابقاً دهکده‌ای بیش نبود از اتصال آبادی‌های: کوچک‌سرا، کتی‌سرا، آب‌پندان‌سر، حسین‌آباد، سید محله، بربر محله، مجاور محله (ترک‌محله، کبریت محله) تبدیل به شهری نسبتاً آباد شد و در سال ۱۳۱۴ نام آن به دستور رضاخان از علی‌آباد به شاهی تغییر کرد.

سوادکوه از شمال به بخش مرکزی شاهی و از جنوب به فیروزکوه و از مشرق به بخش دو دانگه ساری و از مغرب به بخش بندپی بابل محدود می‌شود و شامل پنج دهستان است به این شرح:

۱- ولویی، ۲- راستویی، ۳- لفور، ۴- کسلیان، ۵- شیرگاه.

## ۱- بناها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی آباد) و تالار پی

قصر شاه عباس

در بازار علی آباد

شاه عباس در اینجا قصری ساخته و آنرا بوسیله باغی آراسته بود. راه پشته‌های عمده این قصر از میان علی آباد می‌گذشته است.<sup>۱</sup>

امامزاده‌ای

در علی آباد (شاهی)

سید ظهیرالدین در این دهکده (امروز شهری است) از بقعه‌ای نام می‌برد که زیارتگاه اهالی اطراف آن بوده است. این زیارتگاه تا امروز باقی است.<sup>۲</sup> (زمان رابینو ۱۳۳۰ قمری)

امامزاده‌ای که قدمت آن تا زمان سید ظهیرالدین (۸۸۱ قمری) برسد در شهر شاهی امروز شناخته نشد.

میر تیمور نیز از امامزاده‌ای در علی آباد یاد می‌کند که نام و جای آن شناخته نیست.<sup>۳</sup> در طومار متولیان دوران صفوی در شمال ایران نامی از «مزار درویش محمد واقع در علی آباد» به میان آمده است. در محل پرسش کردیم چنین بقعه‌ای را نمی‌شناختند. ظاهراً در طول زمان از میان رفته است.

امامزاده یوسف رضا<sup>۴</sup>

در محل هلال احمر علی آباد

بنای اصلی بقعه در نوسازیهای زمان رضاخان از میان رفت. چنانچه قدیمی آن باقی است که فعلاً در محوطه شیر و خورشید سرخ است و مردم شهر هنوز برای زیارت به پای چنار می‌آیند این چنار عظیم را، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران با شماره

۱ و ۲- سفرنامه مازندران و آستارآباد رابینو متن انگلیسی ص ۱۲۰ . ۳- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۹۳ . ۴- در طومار متولیان دوران صفوی از این

امامزاده یاد شده و تولیت آن در آن تاریخ با مولانا مرتضی بوده است .

محلی يك و شماره عمومی شانزده جزء ثبت درختان کهن آورده است .

امامزاده حمزه

در بربری محله شاهی

بنای قدیمی را خراب کرده‌اند و بنائی نوساز به جای آن ساخته‌اند از آثار هنری و تاریخی چیزی در این امامزاده نیست . در گورستان اطراف بقعه يك اصله درخت آزاد و يك اصله درخت موزی است .

امامزاده اسماعیل

در گورستان شهر شاهی (علی آباد)

امامزاده اسماعیل در وسط فضای وسیع گورستان شهر است در این محوطه درختان شار و گردو و انگور و آزاد و درختان دیگر است . درخت آزاد کهنسالی که گرداگرد تنه آن ۵۳ سانتیمتر است نزدیک بقعه است. در این بقعه آثار تاریخی و هنری وجود نداشت .

قلعه علی آباد

در مجلد پنجم از مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی شرحی از این قلعه آمده است ولی از جای قلعه یاد نکرده است .<sup>۵</sup> در محل تحقیق کردیم اطلاعی نداشتند . آقای نصرالله علی آبادی حدس زدند که جای آن بر سر تپه نزدیک به «چاله زمین» بوده است. خاک ریز این قلعه تا امروز برجای است و قسمتی از اراضی آن باغ مرکبات آقای ناصرعلی آبادی است . ارتفاع این خاکریز در حدود هشت متر و سطح بالای آن به ۲۵۰۰ متری رسد . قسمت جنوبی آن کنار خیابان افتاده ، خاک آن را کنده و برده‌اند. طبقه‌ای سوخته که ظاهراً بر اثر آتش سوزی قلعه به وجود آمده است باخشتهای کلفت قدیمی دیده شد .

در طومار متولیان امامزاده‌های مازندران در دوران صفوی از « امامزاده سید

۵- مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف .

نصر بن سید محمد نام برده اند و محل آن را «واقع در بالا دشت علی آباد» یاد کرده اند. از این امامزاده امروز اثری برجای نیست و دهکده ای به نام «بالا دشت» در حومه علی آباد نمی شناسیم. تولیت این امامزاده در آن تاریخ با «مولانا علی» بوده است.

امامزاده اسماعیل

درسارو کلا از دهکده های علی آباد

در حدود ده سال است که بنای اصلی را به هم زده و نوسازی کرده اند.

سید محمد

دردقادی کلای بزرق از دهکده های علی آباد

بنائی ناقص بدون سقف بود و هیچگونه آثار تاریخی و هنری نداشت. درختان آزاد کهنسال اراضی اطراف آن به ترتیب ۴۸۰ و ۵۱۰ و ۵۱۵ و ۵۵۰ سانتیمتر گرداگرد تنه آنها بود.

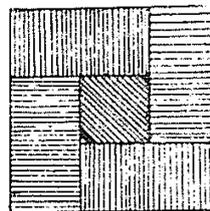
سید حیدر

درباغ دشت (باغشت) علی آباد

بقعه ایست چهار گوشه با بامی سفالپوش. صندوقی که ساختمان آن از قاب و آلت است در وسط بناست که این نقش بر بدنه های آن تکرار شده است:

مسجدی متصل به بقعه است که پنجره های

ارسی رنگین دارد. پنجره ها و محفظه های بالای آنها قاب و آلت است. قابهای چهار گوشه پنجره ها رنگهای آبی و نارنجی و سفید و سیاه دارد. در قابهای محفظه ها رنگ سیاه به کار نرفته است. درختان آزاد و موزی کهنسال در محوطه پشت بقعه زیاد است.



درویش موسی

بر تپه بیشه ملازن کاج حومه علی آباد (شاهی)

تپه ای که بقعه درویش موسی بر آن ساخته شده است، از تپه های قدیمی و بلند حومه علی آباد (شاهی) است. در شمال غربی بقعه، این تپه ارتفاع بیشتری داشته است که در سال ۱۳۳۹ ه. ش. مرحوم حاجی رحمت اعظمی علی آبادی بدون کسب اجازه از مقامات صلاحیت دار این قسمت تپه را با «بولدزر» تخریب و صاف کرده است. آجرهای فراوان دوران ساسانی از این قسمت به دست آمده که دو سه قالب ناقص آنها در زیر درخت آزادی که در بالای تپه است دیده شد. قطر آجرها ده سانتیمتر و جانب سالم آن ۳۳ سانتیمتر و جانب دیگر ظاهراً درازتر و شکل مستطیل داشته اند. ترکیب نام این تپه عجیب و نامفهوم است. ظاهراً نامی قدیمی بوده که بر اثر از دست دادن معانی اجزاء کلمه بدین شکل در آمده است. نود هکتار زمین تپه و اراضی زیر دست آن ملک وقف درویش موسی است. بر بالای تپه در حدود ۲۵ اصله درخت آزاد قطور است و در جنوب تپه توسکاگله ایست که در وسط شالی زار می افتد و جزء موقوفات این بقعه است.

بقعه درویش موسی شامل بنای اصلی و مسجد و ایوان است (عکس شماره ۱۷۵).

بنای اصلی بقعه چهار گوشه است و صندوقی به درازای ۲۳۰ و پهنای ۱۰۴ و

بلندی ۷۷ سانتیمتر وسط بناست.

بدنه شمالی صندوق شامل هفت قسمت است که چهار قسمت کتیبه و سه قسمت

نقش کننده کاری است.

بر کتیبه دست راست عبارات زیر حک شده است:

السلام علی اهل لا اله الا الله والتحیه علیهم

بر کتیبه دوم:

عمل استاد علی بن حسن نجار فی سنه سبع اربعین وثمانمائیه

بر کتیبه سوم:

هذا مرقد المرحوم موسی ابن احمد من سلطانیه

بر کتیبه چهارم:

اللهم ارحم واغفر لاهل لاله الا الله لفضلك (عکسهای شماره ۱۷۶

و ۱۷۷).

عبارات و کنده کاریهایی که بر بدنه شرقی است، شامل دو کتیبه در دو طرف و نقشی در وسط است.

کتیبه اول:

اللهم اغفر سیئاته و ادخله تحت جنبانه

کتیبه دوم:

اذا تحيروا فی الامور استعينوا اهل القبور

بدنه جنوبی شامل هفت قسمت است که دو قسمت طرفین مشبك کاری و مابقی نقوش کنده کاری است.

بدنه غربی شامل سه قسمت است که دو قسمت طرفین مشبك کاری و وسط نقش کنده کاری است.

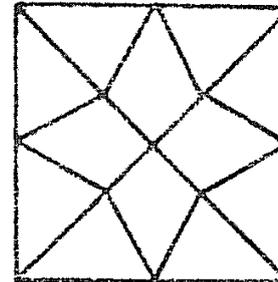
چهار قبه صندوق را با اینکه کهنه‌های آن در رف بقعه بود، تعویض کرده و قبه‌های نو به جای آنها گذاشته بودند.

در ورودی بقعه قدیمی و از تخته‌های قطور ساخته شده است که به هم کم و زیاد کرده‌اند.

این نقش در تمام سطح دولنگه تکرار می‌شود. مسجدی جلوبنای اصلی است و ایوانی

که در طرف راست و چپ آن سکو مانند است در جلو مسجد ساخته شده است.

بالای سردر ورودی پنجره نورگیر مشبك چوبین است (عکس شماره ۱۷۸).



مشهد چمنو = مشهد چمنو - مشهد چمنون

در دهکده چمنون (جمیان) از دهکده‌های علی آباد

این بقعه امروز به نام امامزاده چمنان معروف است. سید ظهیرالدین روز یکشنبه پانزدهم شعبان سال ۸۹۲ این محل را زیارت کرده است و در باره آن می‌نویسد «روز یکشنبه پانزدهم شعبان به ولایت علی آباد (شاهی) نزول واقع شد. و مشهد مبارک چمنو را زیارت کرده و آستانه رفیعه را به لب ادب ملثوم گردانیده آمد.»<sup>۶</sup>

سید ظهیرالدین در جای دیگر می‌گوید:

چمنو دهی است از ولایت ساری و مشهدی از سادات عظام آنجاست

و آن مقام را زیارت می‌کنند.<sup>۷</sup>

سید ظهیرالدین باز می‌گوید:

از ساحل بحر به چمنو رسیده<sup>۸</sup>

در تاریخ طبرستان منسوب به ابن اسفندیار آمده است:

آرم و چمنو و تلار و اهلم را به نان او پدید کرد.<sup>۹</sup>

در تاریخ خاندان مرعشی این نام دوبار به شکل «چمنو» و سه بار به شکل «چمنون»<sup>۱۱</sup> یاد شده است.

رابینو می‌نویسد:

مشهد چمنو یا چمنو چنانکه سید ظهیرالدین نوشته است بقعه ایست

که مدفن سادات است و زیارتگاه اهالی است.<sup>۱۲</sup>

۶- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۶۴ . ۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص

۲۰۴ و تاریخ رویان ص ۶۷ . ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۰۶ .

۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ . ۱۰- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۸۶ و ۱۲۴ .

۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۷۹ و ۸۱ و ۱۶۴ . ۱۲- سفرنامه مازندران و

استرآباد متن انگلیسی ص ۱۲۲ .

زیارتگاه جمنان چنانکه امروز می گویند در کنار شهر شاهی در فاصله دو کیلو متری است و در فاصله پانصد متری دهکده جمنان، دهکده فولادکلا است. در اطراف زیارتگاه جمنان درختان کهنسال آزاد است که دال بر قدمت زیارتگاه است. داخل بنای زیارتگاه آثاری که دلالت بر هویت صاحب یا صاحبان قبر کند نیست. معروف است که اینجا قبر سید نظام است. بنا شامل يك اطاق اصلی و يك ایوان است و سقف آن تخته کوبی و بام سفال سراسر است.

مهجوری می نویسد:

چمنو یا جمنان دیهی نزدیک شهر شاهی است.<sup>۱۳</sup>

در بازدیدی که در شهریور ۱۳۵۶ از این بقعه به عمل آمد، بنای قدیمی را یکسره خراب کرده بودند و با سیمان و موزائیک و درهای آهنین بنای نوسازی ساخته بودند که شباهت به همه چیز داشت جز بنائی مذهبی و مقبره ای قدیمی. این بنای جدید در محوطه بسیار وسیعی است که در حدود صد و بیست اصله درخت اطراف آن است. درختان آزاد این محوطه قدیمی است. قدیمی ترین آنها سه درخت نزدیک به بنای بقعه است که بترتیب ۴۰، ۵۶ و ۷۰ سانتیمتر گراگردتنه آنهاست.

#### پل چمنو

در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیر الدین از پل چمنو یاد شده است.<sup>۱۴</sup> در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار این پل به نام پل چمنویه آمده است:

برای پل چمنویه و باول رود زر به خروارها ریخته بود و پارو در میان زده تا بر عمارت صرف کنند تا به هیچ موضع که آن آب رود به جمله طبرستان کوه و دشت و شهر و رستاق نگذاشت که از خشت و آهک پل نکرد.<sup>۱۵</sup>

۱۳- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۸۲ . ۱۴- ص ۲۰۵ .  
 ۱۵- خشت به معنی آجر است. تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵ .

این پل که ظاهراً در ایام گذشته از میان رفته بود، به جای آن سه تیر انداخته بودند و بعدها معروف به پل سه تیر شده است و امروز از آن پل سه تیر هم نشانی برجای نیست.

#### حمام قدیمی جمنان

حمامی است از آجر، سربینه ای چهار گوشه با چهار صنفه که بر سر هر صنفه طاقی با هلال شکسته زده اند. گرمخانه دارای خزانه آب گرم و خلوت خانه ها و نوره- کش خانه و مستراح است.

سه دین در امتداد یکدیگر

در اراضی پایین جمنان علی آباد (شاهی)

دین اول بلندی آن در حدود سی متر از سطح اراضی اطراف و اراضی هموار بالای آن در حدود یک هکتار است.

دین دوم که معروف به «گردکوه» است، بالای آن کندی شکل و نوك تیز است. در بالا اراضی صاف و هموار ندارد و ارتفاع آن به هفتاد متر می رسد. کمی پایین تر از قلّه آن حلقه چاهی است که عمق آن معلوم نشد. از این تپه آجرهای قالب بزرگ ساسانی بیرون می آورده اند. سفال پاره های بدون لعاب در شیب آن دیده شد. این قسمت ظاهراً شاه نشین و ارگ بوده است و احتمال آن است که زیر این قسمت نوك تیز بنا و ساختمانی باشد.

دین سوم در کنار سیاه رود است. بلندی آن پانزده متر و اراضی هموار بالای آن در حدود پنج هزار متر است.

این دینها ظاهراً با هم مرتبط اند و اراضی دامنه های آنها را افراد ضبط کرده و کشت می کنند و به میل خود خاک اطراف آنها را هموار می کنند. اخیراً مردی که نام او را با کوشش زیاد نیافتم کوره آجری ساخته و از خاک دین اول چهل هزار آجر بیرون داده است. طولی نخواهد کشید که این تپه قدیمی محو و نابود خواهد شد.

## کارخانه‌های نیشکر

نزدیک علی‌آباد (شاهی) در دو طرف راه ساری به علی‌آباد

نزدیک علی‌آباد طرفین راه بعضی اطاقهای چپری ساخته بودند که در آنجا شیرۀ نیشکر می‌کشیدند. از چوب هیأت مثلثی ساخته به‌گردن گاو بسته، طفلی روی چوب نشسته گاورا می‌راند. در وسط آن اطاق، کنده‌ای از چوب نصب کرده، میان‌کنده‌ها معجوف نموده، از سقف اطاق چوبی به جوف کنده گذاشته شده. نیشکر را ریز ریز کرده در آن گودی کنده می‌ریزند. بعد آن چوبی که از سقف آویخته است بر روی خرده‌های نیشکر گذاشته، بواسطه طنابی که به این چوب بسته است و سر دیگر آن طناب منتهی و متصل به آن چوب مثلث شکل شده، آن طفل گاورا رانده، نیشکرها خرد شده آب نیشکر از پایین کنده از لوله که نصب به آن است به طرف دیگر می‌ریزد.<sup>۱۶</sup>

## هفت تنان

در نیم فرسنگی پل سیاهرود علی‌آباد (شاهی)

صاحب طرائق الحقایق در رجب سال ۱۳۱۵ درباره این بقعه نوشته است:  
«نیم فرسنگی پل سیاهرود است، بواسطه مدفن معصوم زادگان هفت تنان نام دارد.»<sup>۱۷</sup>

## امامزاده زکریا ۱۸

در دهکده واسکس علی‌آباد

بنائی است چهارضلعی که سمت چپ آن اطاقی جداگانه است. ضریحی مشبک چوبین در وسط بنا مرقده را پوشانده است. دری کنده کاری ظریف با اشکال هندسی دارد. ایوانی در جلو بنای اصلی بقعه است. گورستانی قدیمی اطراف بقعه است. در

۱۶- سفرنامه ناصرالدین شاه سفر دوم سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱. ۱۷- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۷. ۱۸- در طومار متولیان دوران صفوی از امامزاده زکریا و محل آن یعنی دهکده واسکس نام برده شده است و تولیت آن در آن تاریخ با سید محمدی بوده است.

محوطه گورستان درختان شار و آزاد و درختان سرو دست کاشت و دو اصله درخت چنار کهنسال است. بنای بقعه در سمت چپ دره ایست، طرف دست راست دره نزدیک به بقعه چشمه آبی گواراست.

## امامزاده یحیی

بر بالای تپه‌ای در دهکده جهنه (جنید) ۱۹ تالارپی

بلندی تپه‌ای که امامزاده یحیی بر آن است در قسمت وسط به پانزده متر می‌رسد و سطح بالای آن بالغ بر پنج هزار متر مربع است. قسمتی از اراضی بالای تپه و شیب آن ملک آقای احمد باوند است.

بنای اصلی بقعه چهارضلعی است و کفش کنی در جلو در ورودی است (عکس شماره ۱۷۹). صندوقی در وسط بنای اصلی است که درازای آن ۲۲۵ و پهنایش ۱۲۵ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است. بر دو بدنه پایه‌های چهارسوی چهارکنج کنده کاری ظریف است که میان گل و بوته‌ها را رنگ زده‌اند. بدنه‌های صندوق قاب و آلت ظریف است. اطراف بقعه گورستان است. در این گورستان درختان کهن گرد و آزاد و انار فراوان است.

از مردی شنیدم که در کفش کن امامزاده پلنگی دفن است. ابتدا پلنگ را زیارت می‌کنند و سپس به زیارت امامزاده یحیی می‌روند و العهده علی الراوی.

## پلی قدیمی

میان دهکده‌های پایین رستم و آسترآبادی محله از دهکده‌های تالارپی

این پل سر راه قدیم ساری به بارفروش (بابل) بوده است (عکس شماره ۱۸۰). مسیر این راه از کوچک سرای به کلاگر محله<sup>۲۰</sup> و پریجا و پایین رستم و آسترآبادی محله و اوش تالار و کله میدان<sup>۲۱</sup> و نقیب کلا و موزی گله<sup>۲۲</sup> و سلطان محمد طاهر و سپس

۱۹- جنید، ده ازدهستان تالارپی بخش مرکزی شهرستان شاهی ۵ کیلومتری غرب شاهی سه کیلومتری غرب راه شاهی به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۰- بفتح کاف. ۲۱- بفتح کاف. ۲۲- بضم کاف.

به بارفروش (بابل) می‌رسد .

این پل آجری قدیمی شامل سه دهانه است . دهانه اصلی بزرگتر و در وسط و دودهانه کوچکتر در دو طرف است . درازای پل ۲۵ متر و پهنایش دو متر . در دو طرف پل جان پناه است . بلندی دهانه وسط از سطح آب در شهریورماه ۱۳۵۰ پنج متر تمام است . گذرگاه پل سنگ فرش قدیمی است .

سقانفار تکیه اسیوسر

سراه دهکده بالا رستم ۲۳ تالارپی

این سقانفار، ده ستون لاج لنگری دارد . داخل سقانفار نقاشی و رنگ کاری است و مورخ ۱۳۷۴ ه . ق . است .

سید زینوا = سید محمد زرین نوائی

در جمازگتی علی آباد شاهی ۲۴

مصالح اصلی بنا آجر و گچ است . بنائی است چهارگوشه که ابعاد آن ۵ × ۵ متر است . بالای بنا را با پرکردن چهارگوشه ، تبدیل به هشت ضلعی کرده اند و گنبدی کلاه درویشی هشت ضلعی بر آن زده اند . سراسر بدنه اصلی بنا گچکاری است . درزیر لبه گنبد غیر از قرنیسهای دو کنج هر ضلع یازده قرنیس سینه کفتری است و در بالا میان هر دو قرنیس ، کاشی نیم بیضی آبی رنگ است . زیر قرنیسها در دو ردیف افقی جدا از هم کاشی کاری است . سقف داخلی بنا نیم کره و گچکاری است . (عکس شماره ۱۸۱) .

داخل بنا صندوقی مرقد را پوشانده است درازای آن ۲۷۶ و پهنایش ۱۴۴ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است . صندوقی است قاب و گره پر کار و ظریف و خوش نقش .

۲۳- بالارستم ، ده ازدهستان تالارپی بخش مرکزی شهرستان شاهی ۷/۵ کیلومتری شمال

غربی شاهی ۱/۵ کیلومتری غرب راه شاهی به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۲۴- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ امامزاده زرین نوائی در دهکده هر دورود علی آباد

شاهی در سه کیلومتری شمال غربی علی آباد (شاهی) یاد شده است .

بدنه جنوبی آن به دو قسمت اصلی تقسیم شده است . بر تخته ای که سمت چپ قسمت چپ است آیات و عبارات زیر است :

غفرانك ربنا واليك المصير الله لا اله الا هو الحى القيوم - تا -

من ذا الذی

بر تخته وسط میان دو قسمت اصلی بدنه جنوبی :

یشفع عنده الا باذنه - تا - لا یؤده

بر تخته سمت راست از پایین به بالا :

حفظهما وهو العلی العظیم لله مافی السموات ومافی الارض ...

بر تخته راست بدنه غربی از بالا به پایین :

شیء قدیر هو الاول والاخر - تا - هو السميع البصیر

بر تخته چپ بدنه غربی از بالا به پایین :

بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو - تا - الخیر وهو

بر تخته راست بدنه شمالی صندوق از بالا به پایین :

بسم الله الرحمن الرحیم کل من علیها فان ویبقی ....

بر تخته سمت چپ بدنه شمالی از بالا به پایین :

فی ماه ... رمضان المبارک سنة خمس وخمسين وثمانمائه

من عمل استاد فخرالدین بن محمود معروف به .....

بر بدنه شرقی فقط کنده کاری بسیار ظریف است و نوشته ندارد .

اطراف بقعه گورستان قدیمی و ده اصله درخت آزاد که تنسال است . روزهای

عید در این محل بازار عمومی و پررونقی برپا می شود .

سید قائم الدین و سید زین الدین

در روستای شهرود گلای علی آباد شاهی

بقعه ایست ساده و بنائی مستطیل که بر بالای تپه ای بلند بنا شده که از یک طرف

مسلط به دره تالار و از یک طرف مسلط به دهکده های وستی کلا و واسکس است .

دری دولنگه دارد که از مسجد به بقعه باز می‌شود. پهنای هر لنگه ۴۸ و بلندی آن ۱۵۶ سانتیمتر است. برپاسارها و بئوهای آن کنده کاری بسیار درشت است. بر بئوی راست لنگه راست :

صاحبه بنت شیرزاد قادی غفرالله له لا اله

بر بئوی چپ لنگه چپ :

قیمت رنگ از دررا مسمات

صندوق بقعه مشبك و بدون تاریخ است. اطراف بقعه درختان آزاد کهنسال و گورستانی قدیمی است.

امامزاده موسی

در روستی کلا ۲۵ علی آباد (شاهی = قائم شهر)

بقعه‌ای ساده بوده است که اخیراً نوسازی کرده‌اند. تنها اثر تاریخی آن در ورودی بقعه است که پهنای هر لنگه ۴۸ و بلندی آن ۱۹۲ سانتیمتر است و کنده کاریهای درشت و ناهموار و بدخط دارد. عبارات زیر بر تنگه وسط لنگه چپ است :

اللهم صل على مصطفى محمد والمرضى على والبتول فاطمه

والسطين الحسن والحسين وصل على زين العباد على والباقر محمد و

والصادق جعفر.

زیر این قسمت از صلوات کبیر عبارت زیر است :

در رمضان المبارک سنه ۱۰۸۶

بر تنگه پایین همین لنگه :

قیمت رنگ در علی بن محمد قادی داد .

بر تنگه وسط لنگه راست :

والكاظم موسى و الرضا على و محمد تقى و على نقى والحسن

۲۵- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ این دهکده به نام وسطی کلا و تلفظ عربی کلمه ضبط شده و ظاهراً غلط است. و متی بکسر واو است چنانکه اهالی محل تلفظ می‌کنند.

العسکری وحجة القائم المنتظر المهدي صاحب الزمان صلوات الله عليه

وعليهم اجمعين

بر لنگه راست بالای صلوات کبیر :

عمل این در استادی

بر لنگه راست زیر صلوات کبیر :

درویش روح الله آهنگر شهری

بر لنگه سمت چپ بالای صلوات کبیر :

کاتب محمد یوسف ابن قاسم آهنگر غفر الله .

اطراف بقعه گورستان قدیمی و درختان آزاد کهنسال زیاد است.

باقی بناها و آثار تاریخی ناحیه علی آباد (شاهی)

۱- مسجد قدیمی در فولاد کلا<sup>۲۶</sup>.

۲- حمام قدیمی و دین تپه و ساقی نغار در دهکده متان کلا<sup>۲۷</sup> علی آباد .

۲۶- فولاد کلا ده از دهستان علی آباد بخش مرکزی شهرستان شاهی ۳ کیلومتری شرق شاهی

(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۷- متان کلا ده از دهستان علی آباد بخش مرکزی

شهرستان شاهی ۵ کیلومتری جنوب شاهی کنار راه آهن شاهی به تهران (فرهنگ جغرافیائی

ایران ج ۳) .

مختصری از جغرافیای گیلخواران و چپک رود

ناحیه گیلخواران از شمال به دریا از مغرب به اراضی نفت چال از جنوب به سامان جویبار و از مشرق به رودخانه سیاه رود لاریم محدود می شود. چپک رود که جزء ناحیه گیلخواران است شامل دهکده های: ازنوا - انارمرز - پیت رود - دینه چال - کردکلا - میون ملک - لاریم - شاهرضا - کوی خیل است. جاده فرح آباد به بهمینیر و جاده تلارک به چوباغ از اراضی گیلخواران می گذرد.

۲- بناها و آثار تاریخی گیلخواران و چپک رود شاهی (قائم شهر)

تکیه ای قدیمی

در کالاسر محله دهستان گیلخواران شاهی (قائم شهر)

قدمت تکیه بیش از اواسط دوران قاجاری نیست. سطح تکیه بیش از یک متر از سطح زمین بلندتر است. فضای اصلی مربع مستطیل است که جلو آن ده ستون چوبین چهارسوی پنخ زده است که پایین آنها کلفت و بالای آنها نازکتر می شود. سقف بنا پلور کشی و پل کوبی است. پس از سرستونها به طرف خارج سه چکش گردان و یک پره به بهنای ۶۰ سانتیمتر است. دو طرف دو اطاق است که ارسپهای

چوبی دارد. درهای ارسی قاب و آلت است که قابهای آنها به جای شیشه های رنگین تخته های نازک است. بام سراسر بنا سفال سراسر است.

درویش محمد شاه

در پایین رودپشت ازدهستان گیلخواران شاهی (علی آباد)

روز سوم مرداد ۱۳۶۳ که به سروق وقت این محل رفتیم. قسمت شمالی بقعه را پیش از یک متر ونیم کنده بودند و قسمتهای صندوق تکه و پاره در وسط بقعه پراکنده افتاده بود. از پاره های صندوق معلوم بود که صندوق آن کنده کاری داشته، در جستجوی میان پاره ها تاریخی نیافتیم.

دری دو لنگه داشته که اهالی می گفتند تیمساری برده است. آنچه باقی بود چهار چوبی بلند و پنجره چوبین مشبک بالای در ورودی بود. چهار در و پنجره دنباله یکدیگر است.

برچوب چهار تراش سمت راست چهار چوب در و پنجره از پائین به بالا صلوات کبیر به این ترتیب با خطی خوش حک شده بود:

اللهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی فاطمة الزهرا و صل علی خدیجة الكبرى و صل علی حسن مجتبی و صل علی حسین شهید کربلا و صل علی امام زین العابدین و صل علی محمد باقر و صل علی جعفر صادق و صل علی موسی کاظم و صل علی علی بن موسی الرضا.

توضیح اینکه دنباله صلوات کبیر برچوب چهار تراش سمت راست پنجره مشبک نیز پیش می رود.

برچوب بالای چهارچوب پنجره:

وفا نامه درویش الفقراء والصلحا درویش محمد شاه تمام شان

[کذا] پنجشنبه بیستم ربیع الاول سنه ست و خمسين وثمانمائه.

با خطی ریز در گوشه سمت چپ بالای پنجره که کلمات آن درهم رفته شعر زیر حک شده است:

ما ندیدیم شادکامی ز جهان      گر تو دیدی سلام من برسان  
برچوب چهار تراش سمت چپ پنجره مشبک و چهار چوب در اصلی دنباله صلوات کبیر به این ترتیب حک شده است:

وصل علی محمد تقی وصل علی علی النقی وصل علی حسن  
العسکری وصل علی حجت القائم خلف دایم خلیفه روی زمین محمد مهدی  
صاحب الزمان صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین.

پلی قدیمی

در سراج کلا از دهکده های جویبار گیلخواران شاهی (قائم شهر)

پلی است آجری که یکی از دهانه های کوچک آن شکسته و پلی آهنی موقت به جای آن بسته اند. کتیبه ای هم دارد و نشان می دهد که در سنه ۱۳۲۴ شمسی مرمت شده است. (عکس شماره ۱۸۲)

تکیه ای قدیمی

در کردکلا از دهکده های گیلخواران شاهی

فضای اصلی تکیه مستطیل است. در ضلع بلند داخلی آن شاه نشینی دارد. دو اطاق در دو طرف این فضا است که درهای آن به داخل این قسمت باز می شود. در دو طرف اطاقها پلکان است که به طبقه بالا می رود. در طبقه بالا در ضلع طول بنا هشت در ارسی و در طرفین هر یک سه در ارسی دارد. جلو فضای اصلی تکیه شش ستون پخ زده با سرستونهای زیباست. سقف بنا دوچکش گردان و یک پره هفتاد سانتیمتری دارد. بالای پلورکشی سقف، پل کوبی است و پلها رنگ آمیزی و نقش و نگار دارند.

درویش اولیاء

درقادی محله رودپشت گیلخواران شاهی (قائم شهر)

در ورودی این بقعه از ظرائف هنری این منطقه است. دری دولنگه است که

پهنای هر لنگه آن ۶۰ و بلندی آل ۱۹۰ سانتیمتر است.  
 یرپاسار بالای لنگه سمت راست کلمات زیر حک شده است:  
 قال النبی الا العربی [کذا] علیه السلم.

یرپاسار بالای لنگه سمت چپ:

ترك الدنيا رأس كل عبادة صدق

یرپاسار پایین لنگه سمت راست:

عمل استاد رستم بن استاد حاجی نجار.

یرپاسار پایین لنگه سمت چپ:

باهتمام درویش علاه الدین [کذا] کاردگر ۹۲۰

بنائی صندوقی مانند بر مرقد ساخته و بالای آن را با کاشیهای محلی کاشیکاری کرده بودند.

#### شاهرضا

در دهکده شاهرضای جویبار گیلخواران

بقعه ایست نسبة قدیمی که اطاق اصلی آن ۴ × ۵ متر است. طرف غرب این اطاق، سرپوشیده عریضی است که سقف آن پرکار و ظریف است. شامل ده شیر سر ظریف تراش دار است که دور می گردد و بالای آنها پلورهای نیم گرد انداخته اند که وسط آنها را با تراش نقش داده اند. اطاق اصلی بقعه ایوانی جنوبی و شرقی نیز دارد که دو در ورودی آن به این دو ایوان و یک در آن به ایوان غربی باز می شود. درها از داخل نمای مشبک دارند و از بیرون پشت قسمتهای مشبک تخته کوبی است که بر این تخته های یک پارچه، تخته های نازکی که اشکال هندسی دارند با گل میخهای برنجی کوبیده اند. این نحوه کار یکی از کارهای زینتی این صفحات است - بالای در ورودی غربی که به سرپوشیده عریض بازمی شود خفنگی است که آلت بندی است

۱- شاهرضا ده از دهستان گیلخواران بخش مرکزی شهرستان ساری ۱۱ کیلومتری شمال شرقی جویبار (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳)

و شیشه های رنگین دارد.

در شرق این بنا تکیه ای قدیمی است که جلو آن شش ستون چهار سوی پنج زده با سرستونهای دهان اژدری است.

چندین اصله درختان او جاوازدار در محوطه اطراف بقعه است.

#### دینه چال

نزدیک دهکده پیت رود گیلخواران

نزدیک دهکده پیت رود که از دهکده های چپک رود گیلخواران است تپه بزرگی است که بالای آن کشت می شود. اگر خاک سطح تپه را در اراضی اطراف پهن نکرده باشند، شکل اصلی تپه باید به شکل مثلث بوده باشد که یک زاویه آن قسمت اصلی ساختمان تپه بوده است که ارتفاع این قسمت در حدود ده متر است. در دو کنج دیگر مثلث برآمدگیهایی به چشم می خورد که بلندی آنها در حدود پنج شش متر است. میان تپه نسبت به سه کنج آن گودتر است و سطح اراضی آن به دو هکتار و نیم می رسد. بر این تپه سفالهای ساده و رنگین زیاد است.

#### دین کوی خیل

در دهکده کوی خیل گیلخواران

تپه ایست در اراضی متصرفی سید باقر سید صالح لاریمی ساکن جویبار. اطراف تپه را تراش داده و به شکل دیواری بلند در آورده و خاک آن را در اراضی اطراف پهن کرده اند و بالای تپه را باغ گرفته و درختان کاج کاشته اند. اطراف اراضی تپه ملک زراعی است و چپر و پرچین دارد. بلندی تپه در حدود پانزده متر و سطح اراضی بالای آن به یک هکتار می رسد. در اراضی اطراف تپه سفال ساده و لعاب دار زیاد است.

#### شاه ابراهیم ادهم

در پیت رود چپک رود گیلخواران

محل شاه ابراهیم را گروهی در میون ملک جویبار می دانستند. مرحوم اعتماد-

السلطنه مقبره ابراهیم بن ادهم را در چپکه رود ضبط کرده و می نویسد:

چپکه رود یکی از شعبات تالار است و اسم قریه ای که در ساحل اوست همان چپکه رود است و اصل رودخانه از میان بسوک بهنمیر و گل خواران می گذرد. چنین معروف است که مقبره ابراهیم بن ادهم در چپکه رود است.

سخن اعتماد السلطنه و دیگران سبب شد که به دیدن این محل برویم پس از راه پیمائی دراز به دو درخت نارون کهنسال رسیدیم که ظاهراً همسال هستند زیرا گرداگرد تنه هر یک سه متر تمام است. تنه درختی کهنسال پوسیده و بر زمین افتاده بود و به علت تقدس آن را به مصرف سوخت نرسانده اند.

به سر زبان ساکنان اطراف داستانی به این شرح درباره شاه ابراهیم ادهم بود که او پادشاه این صفحات بوده و چهل دوشیزه در خدمت او بوده اند و بدن او را مشت و مال می داده اند. روزی اینان به خدمت و پرستاری همسر او مشغول شدند. شاه ابراهیم به همسر خود خشم گرفت و قصد کشتن او کرد. مادرش بدو گفت که این دوشیزگان با همسر تو محرم اند و مانعی با نزدیک بودن ایشان با او نیست اما تو چگونه اجازه میدهی که چهل تن نامحرم به تو نزدیک شوند مگر ترسی از آتش دوزخ نداری؟ شاه ابراهیم از سخن مادر بیدار شد و ترک خانمان کرد و به عبادت پرداخت. سالها گذشت. همسر و فرزندان و مادرش دلتنگ شدند. همسرش شتری از جواهر بار کرد و به دست یکی از نوکران خاصه داد تا به کسی دهد که نشانی از شاه ابراهیم بگوید. شاه ابراهیم در شهری به دکان سلمانی نشسته بود و استاد سلمانی به علت بیسرو سامانی بدو توجهی نکرد اما شاگردش مشغول به ستردن موی او شد. نوکر جار می زد و به دنبال ابراهیم ادهم می گشت. صدای او به ابراهیم رسید. به شاگرد سلمانی گفت به این مرد بگوی که من محل ابراهیم ادهم رامی دانم. شاگرد چنین کرد و پس از ستردن موی، نوکر، شاه ابراهیم را شناخت. با هم به منزل شاگرد رفتند و بار جواهر را به شاگرد دادند و ابراهیم با نوکر خاصه خود به شهر خسود نزد همسر و

فرزندان رفت .

دین شوركار

نزدیک به دهکده شورك او گیلخواران

این تپه کنار محل چهارشنبه بازار چپک است که تا امروز هم بازار چهارشنبه آن برپای است. بلندی آن در حدود بیست متر و اراضی بالای آن بیش از دو هکتار ونیم است.

دینه بن

در اراضی دهکده لاریم چپک رود گیلخواران

ظاهراً کلمه «دینه بن» بر اراضی اطراف این تپه اطلاق می شده که بعداً نام خود تپه شده است. این تپه در کنار جاده لاریم است بلندی آن ۸-۷ متر و اراضی بالای آن به دوهزار متر می رسد. اراضی اطراف آن پنبه کاری و متعلق به شاهپور غلامرضا است.

امامزاده محمود

در مرتع دهکده لاریم گیلخواران

در طومار متولیان دوران صفویه این بقعه به نام «درویش محمود» یاد شده است و به اشتباه محل آن را به جای گیلخواران، کینخواران نوشته است.<sup>۲</sup>

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. این بقعه به نام «امامزاده محمود» است. و محل آن در ربیع فرسنگی لاریم در راه فرح آباد به مشهد سر ذکر شده است.<sup>۳</sup>

بقعه ایست نسبتاً قدیمی. در دو طرف شرقی و غربی آن دویوان است که پهنای آنها ۵ متر و درازای آنها نیز ۵ متر است. جلوه رایوان چهار فیلی پای آجری است. (عکس شماره ۱۸۳) سقف ایسوانها یک رده شیر سر دارد که بالای آنها پلورهای تراش دار کشیده و بالای پلورها را تخته کوبی کرده اند. سقف بقعه نیز پلور کشی و تخته کوبی است. ضریحی مشبک چوبین وسط بقعه است این بقعه دارای دو در به دو ایوان

۲- طومار دوران صفوی. ۳- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۱۱.

شرقی و غربی است. در شرقی از داخل مشبك و از خارج تخته کوبی است. در غربی که در ورودی اصلی است نسبتاً پسرکار است و کنده کاریهای نسبتاً ظریف دارد. داخل نگارهای کنده کاریها را رنگ آمیزی کرده اند. این آیات و عبارات بر این درجك شده است:

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

بتاریخ ۲۵ شوال سنه ۱۳۴۴

برپائوی سمت راست همین لنگه :

خوش منزل با صفاست اینجا یا الله محمد  
بسم الله الرحمن الرحيم ناد علیاً مظهر العجايب  
الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة  
فيها زجاج الزجاج زيتها يضيء ولولم تمسسه نار  
برپائوی سمت چپ همین لنگه :

گویا نظر خداست اینجا یا علی  
تجده عون لك في النوائب كل هم وغم سينجلي يا حسين  
في زجاجه الزجاجه كانها كوكب دري يو [باقی بر بائوی سمت

راست]

نور علی نور یهدی الله لنوره من يشاء

برپاسار وسط :

استاد در منور ابراهیم خروس و رزنی

برپاسار پایین :

کاتب علی جان ولد اخو

آیات و عباراتی که بر لنگه سمت راست حك شده است :

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی مشهدی محمد چوپان نوائی

برپائوی سمت راست:

رضوان .... هست این عمارت یا فاطمه  
بعظمتك يا الله بنبتك يا محمد ص به ولايتك يا [علی] يا حضرت  
حسين - قدمن شجرة مباركة زيتونة لا شرقية  
بشاء ويضرب الله الامثال

برپائوی سمت چپ همین لنگه :

گل بر سر خارهاست اینجا یا حسین  
علی یا علی یا علی ادرکنی یا اباالحسن ادرکنی  
لا غریبة یکاد  
للناس والله بكل شیء علیم

برپاسار وسط :

متولی بقعه مبارکه مشهدی میریعقوب

برپاسار پایین :

استاد دیگر ملاغلامعلی رضای و رزنی لاریمی (عکس شماره ۱۸۴).  
درخت اوجای کهنسالی نزدیک بقعه است. (عکس شماره ۱۸۵)

کلاه فرنگی

بر روی رودخانه تالار

استودارت در سفرنامه خود از این کلاه فرنگی یاد کرده است :

از فرح آباد در کنار دریا حرکت کردیم تا به قصبه ای رسیدیم که  
چپک رود نام داشت. جای بسیار زیبایی است و به فاصله نیم تیررس از  
دریا قرار دارد. در محلی به نام آب تالار در عمارتی که از تیر و چوب بر روی  
رودخانه ساخته شده بود استراحت کردیم. چهار فرسخ راه طی کرده بودیم.<sup>۴</sup>  
شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۳ ه. ق) در سال ۱۰۷۳ از قریه علی آباد (شاهی) به چپک

۴- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۹ ج ۸ ص ۱۹۸ و ۱۹۹.

رود آمده است. صاحب عباسنامه می‌نویسد:

در سال ۱۰۷۳ از قریه علی آباد (شاهی) به بارفروش ده (بابل) و بعد از انقضاء ایام توقف به قریه چپک‌رود و چون دریاچه کاله در قرب آن واقع و رود تالار از جنب آن محل به دریا می‌ریزد، مکرر به سیرکشتی و سیر سررود و شکاررود و شکار ماهی رغبت فرمودند و یک نوبت با امرا و بندگان متوجه سیر کاله و شکار مرغابی شدند و سپس به فرح آباد رفتند.<sup>۵</sup>

سید زین العابدین

در دهکده سید زین العابدین گیلخواران شاهی (قائم شهر)

بنائی است مکعب مستطیل شکل، ایوانی در جلو در ورودی است که در سه طرف آن هشت ستون چهارسوی پخ زده با سرستونهای دهان‌اژدر است که فرسبهای سقف ایوان را نگاه داشته‌اند. سقف ایوان و اشان‌کشی است و پره‌هایی به پهنای ۹۰ سانتیمتر از لبه شیرسرها پیش آمده است. بر تخته‌های پل کوبی و بر بدنه اشانها ابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی با خطی متوسط نوشته‌اند که تاریخ ۱۳۲۷ قمری در دو جای آن خوانده شد.

در ورودی بقعه قابل ذکر است. پهنای دولنگه آن از چهارچوب به چهارچوب ۱۰۴ و بلندی آن ۱۹۲ سانتیمتر است. زیر کارلنگه‌ها تخته صافی است که روی آنها با آلت کوبی نقش و نگار در آورده و داخل آنها را بارنگهای مختلف رنگین کرده‌اند. چهارچوب در مشبك کاری است به این معنی که بر صفحه صاف چهارچوب، تخته‌های نازک را که جدا مشبك کاری کرده‌اند با گل میخهای ظریف کوبیده‌اند. (عکس شماره ۱۸۶).

در جنوبی بقعه نیز نوعی مشبك کاری بود. ابتدا طرحی را بر تخته‌ای نازک پیاده کرده و بعد از مشبك سازی بر تنگه وسط کوبیده بودند.

صندوق بقعه تخته و آلت بود و زیاد ظرفیتی نداشت. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و چند اصله درخت آزاد کهنسال در این محوطه است.

باقی بناها و آثار تاریخی گیلخواران شاهی (قائم شهر)

- ۱- امامزاده سید زین العابدین در دهکده سید زین العابدین<sup>۶</sup> گیلخواران.
- ۲- امامزاده حسن رضا در دهکده شیب‌آب‌بندان<sup>۷</sup> گیلخواران. هر سال اول مرداد ماه بازار مفصلی در این دهکده دایر می‌شود.
- ۳- پل آجری رودخانه سیاهرود در پایین رودپشت<sup>۸</sup> از دهکده‌های گیلخواران.

۶- سید زین العابدین ده از دهستان گیلخواران بخش مرکزی شهرستان شاهی سه کیلومتری شمال جویبار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۷- شیب‌آب‌بندان ده از دهستان گیلخواران ۴/۵ کیلومتری جنوب جویبار، کنار راه جویبار به شاهی. ۸- پایین رود پشت ده از دهستان گیلخواران ۵ کیلومتری شمال شرقی جویبار دو طرف رودخانه (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

### ۳- بناها و آثار تاریخی کیاکلا و نوکندکای شاهی (قائم شهر)

حسن رضا

در اراضی دیوکلائی کیاکلائی شاهی (قائم شهر)

اثر تاریخی این بقعه در دولنگه در شمالی بوده که ظاهراً به سرقت رفته است. پنجره چوبین مشبك چهار گوشه بالای چهارچوب در قدیمی باقی است که ظریف و خوش نقش و رنگین است. گورستانی با درختان آزاد در سه طرف بقعه است و يك طرف آن جاده جویبار می گذرد.

قلعه کیاکلا

در کیاکلائی علی آباد (= شاهی = قائم شهر)

ظاهراً در یکی از دهکده های کیاکلا قلعه ای قدیمی بوده است. در مجلد پنجم مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی در صفحات ۴۶ ب و ۴۷ الف ذکر می شود از این قلعه هست. محل این قلعه را نیافتیم.

امامزاده قاسم

در روستای المشیر از دهکده های نوکندکای شاهی (قائم شهر)

در این دهکده تکیه ایست که يك سوم غربی بنا، مرقد امامزاده است. در ورودی مزار بسیار ظریف و پرکار و خوش نقش و خوش خط است. پهنای دولنگه آن از چهارچوب به چهارچوب ۱۲۰ و بلندی آن ۱۹۲ سانتیمتر است. عبارات زیر بر آن حک

شده است :

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

قربان مشهد مقدس و مرقد اقدس نورالله تمالی

برپاسار بالای لنگه سمت چپ :

عمل شمس الدین بن استاد احمد نجار بلده ساری

برپاسار پایین لنگه سمت راست :

صاحبه الخیرات درویش محمد ابن کیا فلنجه

برپاسار پایین لنگه سمت چپ :

بتاریخ شهرشوال سنه احد و تسعین و ثمانمائه (عکس شماره ۱۸۷)

سقانفاری نسبتاً پرکار و خوش رنگ در جلوتکیه است که تاریخی بر آن دیده

نشد. در تکیه نیز آثار تاریخی موجود نیست. شمال تکیه و مرقد فضایی باز است که

گورستان قدیمی است و چهار اصله درختان آزاد قدیمی دارد که در حال خشک شدن

هستند.

مزار حسن رضی

در اراضی زاهدکلای نوکندکای شاهلی (قائم شهر) نزدیک سیاهرود

بنای بقعه قدمتی نداشت و هیچگونه اثر تاریخی در آن دیده نشد. فقط دو

درخت عظیم اوجا (نارون وحشی) جلب نظر کرد. محیط دایره تنه یکی ۷۲۰ و

دیگری ۶۲۴ سانتیمتر بود. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

باقی بناها و آثار تاریخی کیاکلا و نوکندکای علی آباد (شاهی)

۱- تپه‌ای قدیمی در قادی کلا از دهکده‌های نوکندکای علی آباد بر اثر کاوش

در آنجاسفال و پاره آجر یافت می‌شود.

۱- قادی کلا ده از دهستان نوکندکای بخش مرکزی شهرستان شاهلی ۸ کیلومتری شمال

شاهی. کناره شاهلی به جویبار.

۲- نشاکوتی، پشته‌ایست به طرف شرقی نوکندکای (تاریخ خاندان مرعشی

ص ۳۳۲).

۳- امامزاده عباس علی در دهکده صلح‌دار کلا از دهکده‌های کیاکلا شاهلی.

۲- صلح‌دار کلا ده از دهستان کیاکلا بخش مرکزی شهرستان شاهلی ۱۶ کیلومتری شمال

شاهی ۳ کیلومتری غرب جاده شاهلی به جویبار. (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

#### ۴- بناها و آثار تاریخی بالانجن علی آباد (شاهی = قائم شهر)

امامزاده سید حسین

درخطیرکلاهی بالانجن علی آباد (شاهی)

ازبنای بقعه و بارگاه نشانی نیست. محلی برای افروختن چراغ نفتی ساخته‌اند که مجموعاً از یک متر مکعب تجاوز نمی‌کند. سه طرف دیوار دارد و سقفی بر آن زده‌اند. این جای چراغی درگورستانی وسیع است. درخت بلوطی در این محوطه است که گرداگرد تنه‌اش به هشت متر بالغ است. پنج اصله درخت آزاد کهنسال در این محوطه است.

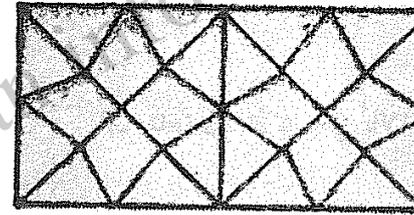
امامزاده ابراهیم

درخطیرکلاهی بالانجن علی آباد (شاهی)

بقعه‌ایست ساده مستطیل شکل با مسجدی که متصل به آن است. چهار کنج بنای اصلی چهارگوشوار دارد که فعلاً بالای گوشوارها خالی است ولی می‌گفتند کاشیهای با ارزشی بوده که به سرقت رفته است. صندوقی تخته‌ای ساده در وسط بناست بر روی آن پاره هائی از صندوق قدیمی است که بسیارکنده کاریهای ظریف دارد. این بقعه ظاهراً کاشیکاری بوده است. زیرا خشتهائی از کاشی به شکل صلیب و ستاره‌ای هشت‌پر بر روی صندوق است.

لنگه دری کهنه قاب و آلت دار و کنده کاری در کنار مسجد بقعه افتاده است این عبارت برپاسار بالای آن خوانده می شود:

عمل استاد علی بن استاد فخرالدین بن استاد علی مازندرانی  
سنة ست وسبعین و ثمانمائه



این لنگه در شامل دو قسمت است. قسمت پایین که دارای یک شمسه ستاره ای و اطراف آن قاب و آلت و حاشیه بندی است. قسمت دوم بالای پاسار است که تنگه بالاست و شامل این دو نقش است:

#### حمام قدیمی خطیر کلا

این حمام قدیمی که از آجر ساخته شده است فعلاً متروک است. شامل یک سربینه با حوض آب است که چهار طرف این سربینه چهار صفه باطاق هلال شکسته است. در گرمخانه خزینه آب سرد سمت راست و خزینه آب گرم در وسط است. توره کش خانه و مستراحها راه به این گرمخانه دارند.

#### سید جلال

در دهی کلای بالاتجن علی آباد (شاهی)  
در محل مورد بررسی قرار گرفت، آثار تاریخی ندارد.

#### پلی قدیمی

بر آب تیلن دره در خرما کلای بالاتجن  
پلی آجری قدیمی یک دهانه بزرگ بر روی رود تیلن دره است که بر راه قدیمی کاروانی است.

قلعه شیخ طبرسی = قلعه طبرسی  
در نزدیکی قریه قراخیل از دهکده های بالاتجن علی آباد

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود می نویسد:

از علی آباد به بار فروش راهی است که از حوالی قلعه شیخ طبرسی می گذرد. راه بسیار خوب گل نبوده بعضی که از آنجا آمده بودند تمجید می کردند.<sup>۱</sup>

مهجوری محل قلعه شیخ طبرسی را نزدیک دهکده افرا نوشته است.<sup>۲</sup>

#### تاریخچه قلعه شیخ طبرسی

مقارن با اوقات محمد شاه (۱۲۶۴ ه. ق) ملاحسین بشرویه که بعداً از طرف پیروان باب به «سیدالشهداء» موسوم گردید با «جماعتی در حدود دویست نفر وارد بار فروش شد».<sup>۳</sup>

میان ایشان و مردم بارفروش، مختصر زدو خوردی روی داد. تا اینکه «ملاحسین با اصحاب از شهر بارفروش برآمدند و در میدان سبز در کاروانسرا منزل گرفتند».<sup>۴</sup> برای متفرق کردن آنان، عباسقلی خان سردار لاریجانی وارد بار فروش گردید و پس از مذاکرات زیاد موفق شد آنها را به طرف تهران حرکت دهد. لکن هنوز چند فرسخ نرفته بودند که برائوقایعی که بیش آمد.<sup>۵</sup> دچار خوف شدند و به بقعه شیخ طبرسی که در آن نزدیکی بسود رفتند و «آنجا را به شکل قلعه مستحکمی در آوردند».<sup>۶</sup> اندکی بعد حاج محمد علی بار فروشی معروف به «حضرت قدوس» نیز وارد قلعه شد و سرپرستی جماعت را که در حدود چهارصد تن بودند، به عهده گرفت.<sup>۷</sup> این کار که ابتدا کوچک می نمود، اندک اندک بالاگرفت و قوای محلی از عهده قلع و قمع آن برنیامد. لاجرم از تهران مهدیقلی میرزا را به نام حاکم مازندران با قوای کمکی و توپخانه اعزام داشتند و عباسقلی خان لاریجانی را نیز مأمور همراهی او کردند.<sup>۸</sup>

- ۱- سفر نامه ناصرالدین شاه سفر دوم به سال ۱۲۹۲ ه. ق. به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۲
- ۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۶۵
- ۳- نقطه الکاف ص ۱۵۵
- ۴- نقطه الکاف ص ۱۵۷
- ۵- روضة الصفای ناصرلی ج ۱۰ ص ۴۳۰-۴۴۷ و
- ۶- ترجمه سفرنامه دیولافوآ ص ۸۳
- ۷- نقطه الکاف ص ۳۸ و ۳۹
- ۸- نقطه الکاف ص ۱۶۲

اینها نیز کاری از پیش نبردند. بالاخره بعد از مدت‌ها زد و خورد، ملا حسین بشرویه مقتول شد و چندی بعد از آن، اهل قلعه پس از قریب ده ماه مقاومت، امان یافته، تسلیم گردیدند. حاج محمد علی بارفروشی، در سبزه میدان بارفروش مقتول شد و وی را در مدرسه خرابه‌ای دفن نمودند<sup>۹</sup> که در محله حصیرفروشان بابل واقع بود.

تفصیل این واقعه را کنت دوگوبینو در کتاب خود آورده است<sup>۱۰</sup> و انعکاس آن بحدی بود که ادوارد براون در مسافرتی که به ایران کرد اختصاصاً به بارفروش آمد تا قلعه طبرسی را ببیند. وی می‌نویسد:

«روز ۲۵ سپتامبر ۱۸۸۸... ساعت ۵ بعد از ظهر از رود بابل گذشتیم... قبل از ورود به شهر، از مقابل کاروانسرای خرابی گذشتیم. این کاروانسرا جنبه تاریخی دارد زیرا در همین جا بود که بابیه‌ها به ریاست ملا حسین بشرویه علیه سکنه بارفروش از خود دفاع کردند و این جنگ قبل از جنگ قلعه طبرسی اتفاق افتاد<sup>۱۱</sup>. براون پس از یک شب استراحت فردای آن روز ساعت ده و نیم صبح به قلعه رسید و می‌نویسد: «در آنجا من جز عمارت مزار شیخ طبرسی و ساختمان دیگری که در دروازه ورود به صحن بود، چیز دیگر ندیدم.»<sup>۱۲</sup>

فرقه بابیه از ذی‌قعدة ۱۲۶۴ تا اوایل شعبان ۱۲۶۵ در قلعه طبرسی در مقابل قوای دولتی ایستادگی کرده‌اند و مسلماً بدون استحکاماتی نبوده‌اند امروز از این استحکامات جنگی و برج و خندق و باره آن اثری برجای نیست. این استحکامات بمرور زمان از بین رفته یا از میان برده‌اند. زیرا بعید به نظر می‌رسد که عده قلیلی بدون داشتن استحکاماتی بتوانند قریب ده ماه از خود دفاع کنند. زعیم الدوله تبریزی می‌نویسد:

بشروئی [ملاحسین] وقتی به آنجا آمد وضعیت آن محل را چنین مناسب دید

۹- نقطة الکاف ص ۱۹۸.

۱۰- Les Religions et les Philosophies dans L'Asie Centrale P. 543

۱۱- A Year among at the Persians P. 614.

۱۲- متن انگلیسی کتاب براون ص ۶۱۷ و ۶۱۸.

که آنجا را مرکز جنگ هولناک خود قرار دهد. پس شروع بساختن پناهگاهها و کمینگاهها و بلند ساختن برجها و دیوارها کرد. ابتدا شروع بساختن قلعه هشت‌گوشی نمود که دارای هشت برج بلند بود. بالای هر برجی پناهگاه محکمی از شاخه‌های درختهای بزرگ بنا کرد و در دیوار آن پناهگاهها سوراخی قرار داد که سرتفنگ را در آن سوراخها بگذارند و تیسراندازی کنند و نیز از آن روزنها مهاجمین را ببینند. آنگاه دور قلعه خندقی بعمق ده زراع و عرض ده زراع کردند و خاکهای آن را میان دیوار قلعه و خندق روی هم انباشتند، چنانکه يك تل مستطیلی را تشکیل داده بود<sup>۱۳</sup>. «بعد از ختم غائله که مدافعین بابی امان یافته تسلیم شدند، شاهزاده مهدیقلی میرزا، فرمانروای مازندران و فرمانده قوای مهاجم «بقلعه آمد تا استحکامات آنها را بازدید کند و چون مراکز آنها را بازدید کرد، در عجب شد که چگونه مردی که درس هندسه نخوانده و فنون جنگی تحصیل نکرده است چنین استحکامات هندسی را در این قلعه بوجود آورده...»<sup>۱۴</sup> از این استحکامات امروز اثری برجای نیست.

این قلعه سمجی نیز داشته است و چنانکه معروف است از نزدیک بنای سردر نقبی به دهکده مجاور «دیزه وا» داشته و جبار نامی از اهل همین دهکده برای قلعه نشینان از طریق نقب مخفیانه لوازم و آذوقه می‌آورده است.<sup>۱۵</sup>

برگور کشته شدگان در این قلعه که در اراضی اطراف بقعه شیخ طبرسی به خاک سپرده شده‌اند هیچ نوشته و نشانی نیست. ملاحسین بشرویه نیز «امر کرد تا جسدش را با لباس و شمشیر در زیر دیوار قلعه دفن کنند و آثار قبر او را محو نمایند مبادا مسلمین از محل دفن او مطلع شوند و جسدش را بیرون بیاورند.»<sup>۱۶</sup>

بهاء الله و قلعه طبرسی (= طبرسی)

هنگامی که بهاء‌الله (میرزا حسینعلی تاکری نوری) به قلعه طبرسی می‌رفت او را

۱۳- مفتاح باب الابواب تألیف میرزا مهدی خان زعیم الدوله ص ۱۴۱. ۱۴-

همین کتاب ص ۱۴۸ به نقل از شهر بابل ص ۱۵۳ و ۱۵۴. ۱۵- شهر بابل ص ۱۵۲.

۱۶- مفتاح باب الابواب ص ۱۴۶. به نقل از شهر بابل ص ۱۵۳.

دستگیر کردند و او را با یازده سوار به آمل به تکیه و مسجد نیاکیها آوردند. همراهانش ملا باقر تبریزی، حاجی میرزا جانی کاشی، ملا زین العابدین و میرزا یحیی بودند. سپس او را به چوب بستند، بقدری زدند که از پاهای مبارک خون جاری گردید. ملا زین العابدین - عموی مبارک - خود را روی پاهای حضرت بهاء الله انداخت، بقدری چوب خورد که از حال رفته و بیهوش گردید. این واقعه در سال ۱۲۶۵ قمری واقع گردیده است و حکومت آن موقع در آمل با عباسقلی خان سردار لاریجانی بود که به امر ناصرالدین شاه و دستور مهدیقلی میرزا - حاکم مازندران - برای محاصره و جنگ در قلعه طبری رفته بوده است.<sup>۱۷</sup>

مرحوم مهجوری می نویسد که قلعه شیخ طبرسی در اراضی دهکده شیخ کلی از دهکده های بالاتجن علی آباد است.

ادوارد براون و متقدمین و متأخرین او این مقبره را مرقد «شیخ ابومنصور احمد ابن علی بن ابی طالب الطبرسی» از فحول علما و نقهای قرن ششم هجری می دانند و آقای عباس شایان<sup>۱۸</sup> نیز به پیروی از بیشتر تذکره نویسان من جمله صاحب روضات الجنات<sup>۱۹</sup>، شیخ طبرسی (بفتح طاء و باء و سکون راء) را منسوب به طبرستان و اهل ساری می شمارد. مسلماً طبرستانی بودن او مطلقاً صحیح نیست و او اهل تفرش است نه طبرستان.

مرحوم احمد بهمنیار در تعلیقات تاریخ بیهق ابن فندق<sup>۲۰</sup> و دکتر حسین کریمان در طبرسی و مجمع البیان<sup>۲۱</sup> مفصلاً در باره «طبرسی» بحث کرده اند. حاصل سخن آنکه طبرسی (بفتح طاء و سکون باء و کسر راء) منسوب به تفرش است نه طبرستان و منسوب به طبرستان را جز طبری نمی گفته اند.

البته پس از رواج نام تفرش و مهجور ماندن کلمه «طبرسی» (بفتح طاء و سکون

۱۷- اقلیم نور ص ۵۰ و ۵۱ . ۱۸- جغرافیای تاریخی مازندران ج ۱ ص ۲۵۱ .

۱۹- روضات الجنات ص ۱۸ . ۲۰- تاریخ بیهق ص ۳۴۷ تا ۳۵۳ . ۲۱-

طبرسی و مجمع البیان ج ۱ از ص ۱۶۵ به بعد .

باء و کسر راء) بعضی از علمای دو قرن اخیر که اهل طبرستان بوده اند خود را طبرسی (بفتح طاء و باء و سکون راء) خوانده اند. این اشخاص از قرن یازدهم هجری تا کنون بدین نام خوانده شده اند و اسامی چهارتن از ایشان از این قرار است:

۱- ملا محمد صالح طبرسی مازندرانی متوفی به سال ۱۰۸۱ که داماد مجلسی بود و در بقعه مجلسین مدفون است.<sup>۲۲</sup>

۲- محمد قاسم بن محمدرضا الطبرسی، از شاگردان مجلسی و از علمای دوره افشاریه و زندیه است.<sup>۲۳</sup>

۳- سید العلماء اسمعیل بن احمد العلوی العقیلبی الطبرسی اهل نور و مؤلف کفایة الموحدين فی عقاید الدین که در پایان قرن سیزدهم می زیست .

۴- میرزا حسین بن محمد تقی الطبرسی وی نیز اهل نور و مؤلف مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل است که در سال ۱۳۲۰ در نجف اشرف وفات یافت و مزار وی به سمت در قبله صحن واقع است.<sup>۲۴</sup>

بنابراین اگر دلائل کافی برای صحت انتساب مقبره طبرسی به مدفن شیخ ابومنصور طبرسی که مدتی هم در طبرستان اقامت داشت، پیدا نکنیم و اگر اسم مقبره صحیح ضبط شده و به همین شکل باشد، می توان حدس زد که مدفن یکی از چهارتن مذکور در بالا است که البته با توجه به اینکه مدفن دو نفر اول و چهارم معلوم و مشخص است و با توجه به اینکه وقایع بایه در اواسط قرن سیزدهم در مقبره شیخ طبرسی روی داده و متأخر از زمان زندگی نفر سوم است که در پایان قرن سیزدهم می زیست، در نتیجه این مقبره ممکن است مدفن نفر دوم باشد اگرچه زمان وی نیز با کهنگی بنای مقبره متناقض است.

لازم به یادآوری است که مؤلف نقطه الکاف این مقبره را به نام «بقعه شیخ

۲۲- هدیة الاحباب ص ۱۷۶ . ۲۳- بحار الانوار چاپ امین الضرب ج ۱ ص ۱۵۰ .

۲۴- ریحانة الادب ج ۲ ص ۴۴۰ .

طبری»<sup>۲۵</sup> و «قلعة طبریه»<sup>۲۶</sup> ذکر نموده است.<sup>۲۷</sup>

رضا قلی میرزا درباره شیخ طبرسی می نویسد:

اگر مقصود از شیخ طبرسی ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی است، گور او در موضع مطهر غسل گاه از مشهد مقدس رضوی است و صاحب مجالس المؤمنین زیارت کرده است.<sup>۲۸</sup>

قدیمترین زیارتنامه‌ای که بر روی ضریح نصب است بتاریخ ۱۳۰۱ است. و بدین شکل شروع می‌شود:

«السلام عليك يا بحر العلوم...» از سطر ۱۳ به بعد نوشته شده است «روح پرفتوح شیخ بزرگوار احمد بن ابی طالب طبری شاد... حسب الفرمودة جناب مستطاب علام فہام افتخار الحاج والعمار حاجی ملا محمد کاظم خلف مرحمت وغفران پناه ملا محمد هاشم اتمام یافت... تحریر فی یوم الاحد سنة ۱۳۰۱.»<sup>۲۹</sup>

وضع کنونی مقبره شیخ طبرسی

نام مقبره شیخ طبرسی به علت قلعه‌ای که در این محل در سال ۱۲۶۴ به دست بایبه ساخته شد، بیشتر بر سر زبانها افتاد. ۳۰ امروز از این قلعه اثری نیست و سردر بقعه و محیط اطراف آن نوسازی شده و تغییرات زیادی کرده است. (عکس شماره ۱۸۸).

مقبره شیخ طبرسی در اطاقی به درازای ۵/۵ × ۶/۵ متر مربع است صندوقی

۲۵- نقطه الکاف ص ۱۷۲. ۲۶- همین کتاب ص ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰. ۲۷- شهر بابل صفحات ۶۲-۶۶. ۲۸- مسافرت رضا قلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱ و مجالس المؤمنین ص ۴۹۰. ۲۹- شهر بابل ۱۴۸-۱۵۳. ۳۰- برای شرح بیشتر درباره واقعه قلعه شیخ طبرسی نگاه کنید به: فتنه باب ص ۲۱ تا ۲۳ و ناسخ التواریخ ج ۳ ص ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ تا ۵۴۹ و تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۶۴ تا ۱۷۷ و شهر بابل صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴.

قاب و آلت تخته‌ای دارد. قابهای صندوق مستطیل شکل است و کاری نسبه ظریف است. درازای صندوق ۲۴۲ و پهنایش ۱۵۴ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است.

ضریحی مشبك چوبین صندوق را احاطه کرده است و درازای آن ۳۵۰ و پهنایش ۲۳۱ و بلندی ۱۹۴ سانتیمتر است. این ضریح مشبك کم وزبانه‌ای است. کف اطاق سابقاً با کاشی فرش بوده است و امروز جلومدخل این اطاق چند خشتی از این کاشیها دیده می‌شود.

مسجدی متصل به بناست که دارای سه پنجره مشبك چوبین و یک پنجره مشبك نورگیر گچ کاری است. سراسر بنا سفالپوش است. دری قطور و پاشنه‌ای درمدخل مسجد است.

امامزاده سید رضی

در دیو دشت بالاتجن علی آباد

بنای اصلی با مسجد متصل به آن مستطیل شکل است. در بنای اصلی سه جا- چراغی در سه جهت بنا ساخته‌اند که خالی از ظرافتی نیست. در ورودی شرقی است که به مسجد بازمی‌شود. سه پنجره مشبك آجری در سه جهت اصلی است که نور- گیر است و بالای جا چراغیها قرار می‌گیرند. صندوق مرقد و در بقعه و مسجد ساده و چوبی است. سنگ قبر کوچکی در بقعه بود این عبارات بر آن حک شده بود:

یا علی... وفات مرحوم آقا برار پهلوان ابن قربانعلی چراتی

سنه ۱۲۵۲.

با يك بيت شعر فارسی و گنجشکی که زیر این بیت حک شده بود.

بنای بقعه بر کوتی کوچکی است که دور آن خندقی کنده‌اند. اطراف بقعه بیشه‌ایست در حدود ده هزار متر که درختان اژدار و شار و موزی در آن زیاد است و منظره‌ای جالب دارد.

## باقی بناها و آثار تاریخی بالاتجن

- ۱- میر تیمور از راهی قدیمی به نام «راه بندبن» نامی برد که از بالاتجن به آمل می‌رفته است. (تاریخ خاندان مرعشی ص ۵۹).
- ۲- از راههای شاه عباسی راهی فرعی از شیرگاه به بارفروشده (= بارفروش = بابل) می‌رفته است. این راه از نزدیک دهکده قراخیل<sup>۳۱</sup> از دهکده‌های بالاتجن علی‌آباد (= شاهی) می‌گذشته است.
- ۳- امامزاده سید یعقوب و سید هاشم در دهکده سوخته‌کلا از دهکده‌های بالاتجن علی‌آباد (= شاهی) قائم‌شهر).

## ۵- بناها و آثار تاریخی بیشه‌سر شاهی (قائم شهر)

امامزاده حمزه

در سیاه‌رودپی دشت آهنگر کلاهی بیشه‌سر

بنایی قدیمی و ساده است. در وسط این بنای چهارگوشه صندوقی است به درازای ۱۸۱ و پهنای ۱۵۲ و بلندی ۱۱۱ سانتیمتر. این آیات و عبارات بر بدنه‌های آن حک شده است.

آیاتی که بر تخته‌های بدنه جنوبی است از پایین به بالا :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لاله الا - تا - ما بين ايديهم وما خلفهم  
والذين كفروا اولياؤهم - تا - فيها خالدون  
بسم الله الرحمن الرحيم يسبح لله ما في السموات  
وهو العزيز الحكيم ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء  
مثل الذي حمل التورة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل الاسفار

آیاتی که بر تخته‌های بدنه غربی است :

فانه ملائیکم ثم - تا - الصلوة يوم الجمعة فاسمعوا  
وما في الارض الملك القدوس العزيز الحكيم  
هو الذي بعث في الاميين - تا - كانوا من قبل لفي  
ضلال مبين - تا - ان كنتم تعلمون فاذا قضيت الصلاة

۳۱- قراخیل ده از دهستان بالاتجن بخش مرکزی شهرستان علی‌آباد (شاهی) ۷ کیلومتری غرب علی‌آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

فانتشروا فی الارض - تا - تفلحوا و اذاراوا

تجارة اولهو انفضوا - تا - الله خير الرازقين

بسم الله الرحمن الرحيم الرحمن - تا - علمه البيان

فی السموات والارض استعظم ان تنفذوا<sup>۱</sup>

فبأی آلاء ربكما تكذبان يستله<sup>۲</sup>

مكتئين علی رفر ف خضر - تا - فبأی آلاء ربكما تكذبان<sup>۳</sup>

دو بدنه دیگر صندوق کنده کاری و نقش است (عکس شماره ۱۸۹). در ورودی بقعه دولنگه و کنده کاری است.

مسجدی متصل به بنای اصلی بقعه است که دارای در دولنگه و کنده کاری است. بر قسمت وسط لنگه راست صلوات بر چهارده معصوم با صلوات کبیر است. بر بایوی سمت راست این لنگه:

بحق علی ولی خدا قیامت مصطفی همه این درد نباشد تراشده

در کربلائی روح الله ذو القرنین

بر بایوی سمت چپ لنگه چپ:

هو الفتح امید به درگاه خدا محب دیگر ملک جهان بخش نمار کاتب

القبر خاک قدوم درویشان اسماعیل

تخته ای کنده کاری در بقعه بود. ظاهراً روزی در پیچه ای بسوده است. (عکس شماره ۱۹۰).

محوطه ای وسیع و گسترده اطراف بقعه است که درختان آزاد در آن زیاد است. گرداگرد سه اصله درخت که قدیمتر بود بدین ترتیب است: ۵۱۸ و ۵۲۰ و ۵۸۸ سانتیمتر.

۱- نه تنها آیاتی که بر تخته هاست ترتیب و تنظیمی ندارد بلکه قسمتی از آیه سوره ای را با قسمتی از آیه سوره دیگر روی یک تخته کنده شده است و این ظاهراً اشتباه کنده کار و نجار است. ۲- سوره الرحمن ۵۵ آیه ۲۸ و یک کلمه از ۲۹. ۳- سوره الرحمن ۵۵، آیات ۷۶ و ۷۷.

### سقانفار تکیه آهنگر گلای

بنای تکیه دست خورده و تجدید بنا شده است و آثار تاریخی و هنری ندارد. سقانفار تکیه نسبتاً قدیمی است. (عکس شماره ۱۹۱) این عبارات و اشعار بر تخته های سقف آن خوانده می شود:

کاتب احقر هدایت ابن آخوند ملا علی تاریخ سنه ۱۳۲۹ یا ابوالفضل یا امیر المؤمنین یا حیدر کرار ادر کنی.

یسار بانی شو که تاریخ نبار	حرف ابجد را شمر از غمگسار <sup>۴</sup>
این بنای عالیه گشته تمام	حب سقاس شهید تشنه کام
شد تمام از سال هجرت این تبار	سیصد و بیست ونه از بعد هزار
آفرین بر بانی و استاد باد	تا قیامت خاطرشان شاد باد
بانی اش شد کربلائی ابراهیم	خرج و اخراجات او گشته خدیم
چون که هم نام خلیل الله بود	این بنا چون کعبه را بر پا نمود
زوجه اش هم از پی خدمت دوید	طبخ نجاران بسی زحمت کشید
بانی تالار کربلائی ابراهیم	باقی اهل محل هر کس بهمت خود

عمل نجاری یادگاری استاد غلامحسین لاسمی با استاد فضل الله

خانقائی با استاد اسدالله غائی عمل نقاشی غلامحسین لاسمی.

این سقانفار چهارده ستون ظریف با سرستونهای دهان اژدری دارد دو ستون آنها لاج لنگری مارپیچ و باقی لاج لنگری هفت و هشت است.

### درویش داود

در دهکده آهنگر گلای پیشه سرشاهی

بنای اصلی بقعه قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی آجری نیمه تمام (در شهریور ۱۳۵۶) به جای آن ساخته بودند. بنای کنونی مربع مستطیل است و صندوقی

۴- کلمه غمگسار با حساب ابجد ۱۳۲۱ هجری قمری می شود که با سال ۱۳۲۹ هشت سال فاصله دارد. ظاهراً از مهم به حساب می آید.

در قسمت بالای، آن گوردرویش داود را پوشانده است. این صندوق در نوع خود بی نظیر است زیرا رقبات موقوفاتی برای عزاداری ابا عبدالله الحسین بر چهار بدنه آن حك شده است و تعداد این رقبات نیز زیاد است. چون این رقبات بر تخته‌های وسط صندوق و حواشی آنها کنده شده بود و ترتیب و تنظیم آنها روشن نبود، هر چه بیشتر وقت صرف کردیم کمتر از ارتباط میان قطعات خبردار شدیم بنابراین نمونه‌ای از این وقفنامه بزرگ را در اینجا ذکر کردیم.

درازای این صندوق بمانند ۱۸۰ و پهنایش ۸۲ و بلندی ۱۲۱ سانتیمتر است. این عبارات به عنوان نمونه از بدنه شمالی آن نقل شد:

زمان شاه سلیمان مالیه بخشیده شد بشاه مردان وقف این ملک و جاشد درویش علی شاه امام معصوم شهید مظلوم یعنی ابا عبدالله الحسین عليه السلام دو قفیز منجمله آبدان پی شرقیاً ورثه شاه رخ گاوزن، غربیاً حاجی محمد علی آهنگر جنوبیاً ورثه یعقوب گته کیشمالیاً ورثه محمد حسین کاردگر قطمه ثانیه یک قفیز و پنجدهو منجمله آب سیاه رود پی...

ابتدای این وقفنامه بر بدنه شرقی است که بدین ترتیب شروع می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الحمد لله الواقف على الضمائر

وقف نمود بدین طریق .....

بر همین بدنه این عبارت با تاریخ وقف حك شده است:

العبد الاثم محمد يوسف بن کربلائی محمد قاسم آهنگر کلائی

سنه ۹۹۱.

بر سایر بدنه‌ها عباراتی از وقفنامه است که خواندن و مرتبط کردن آنها فراغت

بیشتری می‌خواهد. (عکس شماره ۱۹۲).

اطراف بقعه زمینی باز و گشاده است و در حدود ۵۰ اصله درختان مختلف در

آن است. گردگرد تنه درختان آزاد قدیمی بدین ترتیب است:

۴۷۰ و ۵۳۳ و ۶۶۵ سانتیمتر.

### امامزاده عباس رضا

در کوتنا از دهکده‌های بیشه سرشاهی

بنائی است بر بالای تپه‌ای کم ارتفاع که اطراف بنا را خندق مانندی حفر کرده‌اند. بنای اصلی بقعه چهار گوشه است. (عکس شماره ۱۹۳) در این اطاق چهار گوشه صندوقی به درازای ۱۷۲ و پهنای ۹۸ و بلندی ۱۱۴ سانتیمتر مرقد را پوشانده است. این صندوق کنده کاری است. بر تخته‌های بدنه شمالی آیاتی از سوره مبارکه الرحمن حك شده است.

بر تخته‌های بدنه غربی از بالا به پایین عبارات زیر حك شده است:

عامل درویش روح الله آهنگر غفر الله له

کاتب ملامحمد یوسف ابن کربلائی قاسم آهنگر [کذا] رمضان المبارک ۹۳۱ هـ. بر لبه بالای بدنه قبلی صلوات بر دوازده امام حك شده است و در تخته‌های وسط آیاتی از سوره مبارکه الرحمن و نادعلی است، به اضافه عبارات زیر:

کاتبه محمد ابراهیم آهنگر

حاضر را کوفت کربلائی اسکندر آهنگر نمقه العبد ملامهدی آهنگر

بر بدنه شرقی آیاتی از سوره مبارکه الرحمن است.

در ورودی بقعه کنده کاری بسیار ظریف است که اخیراً با رنگ روغنی، که بر آن زده‌اند شکل اصلی آن را از میان برده‌اند. (عکس شماره ۱۹۴) اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که درختان انجیر و موزی و شارو آزاد و سرو دست کاشته در آن است.

سنگ قبری در بقعه است که این عبارات بر آن حك شده است:

آرامگاه مرحوم سید رمضان ابن سید علی محمد کمالیان نوائی

نچار که در تاریخ ۱۲۹۶ فوت شد.

## سید ابوصالح

در اراضی دهکده ۶۴ه از دهکده های بیشه سر علی آباد

بنائی است چهار گوشه با مسجدی بزرگ متصل به آن. (عکس شماره ۱۹۵).  
 نمای بیرونی بنا را با گچ نقش و نگار کرده اند (عکس شماره ۱۹۶ و ۱۹۷)  
 صندوقی به درازای ۱۶۸ و پهنای ۸۲ و بلندی ۱۳۹ سانتیمتر مرقد وسط را پوشانده  
 است. ضریحی به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۳۷ و بلندی ۱۴۸ سانتیمتر صندوق را احاطه  
 کرده است. بر بدنه شرقی آن عبارات زیر حک شده است:  
 بر حاشیه بالای این بدنه:

الله لاله الا هو الحی - تا - له مافی السموات.

بر حاشیه پایین همین بدنه:

موفق و بانی شده است خیر الزائرین کربلائی هدایت چراتی  
 سواد کوهی بدست یاری متولیان شرعی جنابان آخوند ملا محمد رضا و  
 آخوند ملا آقا بزرگ:

بر تخته ای در همین بدنه:

بانی کربلانی هدایت چراتی.

بر تخته دیگر: سنه ۱۳۲۴.

بر بدنه جنوبی ضریح عبارات زیر حک شده است:  
 بر حاشیه بالای این بدنه:

وما فی الارض - تا - السموات والارض ولا

بر حاشیه پایین همین بدنه

با الوراثه جارو بکش بقعه متبرک حضرت سید ابوصالح نورالله

مضجعه بودند این ضریح مطهر منور ساخته شد بید صنعت دستگامی

۶- مله ده از دهستان بیشه سر بخش مرکزی شهرستان شاهی چهارده کیلومتری شرق شاهی  
 (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

استاد مهدیقلی بندپی ورزنتی صورت اتمام پذیرفت حرره العبد المذنب  
 الاثم عباس ابن احمد ابن نصرالله با یح<sup>۷</sup> سواد کوهی.  
 بر بدنه غربی صندوق عبارات زیر حک شده است:  
 بر حاشیه بالای این بدنه:  
 یؤده حفظها و هو - تا - فمن یکفر بالطا.  
 بر حاشیه پایین همین بدنه:

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمی باشد بقائی  
 بماند سالها این نظم ترتیب [کذا] ز ما هر زره خاک افتاده جائی  
 عباراتی که بر بدنه شمالی ضریح حک شده است:  
 بر حاشیه بالا:

غوت فیؤمن بالله فقد - تا - فیها خالدون

کاتب الحروف عباس بن احمد با یحی کلائی<sup>۸</sup>

بر حاشیه پایین همین بدنه:

یارب نگاهدار تو ایمان کسی بر خط من بخاند<sup>۹</sup> و بر من دعا کند  
 قال النبی ﷺ الدنيا اولها و آخرها جیفه و اوسطها جیف و طالبها کلاب  
 اللهم اغفر لی و لوالدی تحریر افی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۲۲.  
 بر تخته های قسمت وسط صندوق در جهه شمال سوره الرحمن و در جهه  
 جنوب سوره یس با خطی متوسط نسخ حک شده است.  
 در ورودی بقعه تمام کننده کاریهای محلی دارد بلندی آن ۱۷۲ و پهنای آن ۶۲  
 سانتیمتر است. این عبارات بر آن حک شده است:

۷- صحیح این کلمه «بائی» است که از خاندانهای قدیمی مازندران هستند. بائی کلای  
 بندپی و بائوده هرازی و بائوچ خیل لنگا دهکده هائی است که به نام ایشان نامیده شده اند.

۸- بالای «با یح» صفحه قبل با یح کلائی که اصل آن: «بائی کلائی» است. ۹- صحیح. بخواند.

بربائوی راست لنگه سمت راست:

اللهم ارزقنا اولاد صالحا بعد بر رأی دوستان و شیعیان علی بن ابی طالب مخفی نماناد چون توفیق آثار ملا اسمعیل و زوجه..... عفت پناه را توفیق شد بقدر مقدور قیمت رنگ دادند.

بربائوی چپ لنگه چپ:

که بانئ ونجاری این درو صندوق روضه عنبر سرشت بید کربلائی روح الله آهنگر صورت گرفت اللهم وفقه واولاده.

مسجدی متصل به بنای بقعه است که دری کنده کاری دارد بلندی آن ۱۷۲ و پهنایش ۶۲ سانتیمتر این عبارات بر آن حک شده است: بربائوی سمت راست لنگه سمت چپ:

استاد شاه نظر جور و سایرین هذا البيت صلى الله عليه وآله..... کرده است.

اللهم وفقهم راقم الحروف محمد بن محمد صالح بتاريخ سنه ۱۱۱۴. بربائوی سمت چپ همین لنگه.

دیگر توفیق و مکتب دستگاه جلال الدین بن میرزا..... و سایر

محبان مثل ملا محمد ولد حاجی زین العابدین و حاجی عبدالله بن حاجی محمد.

در اراضی بقعه سید ابوصالح سروی که نسیال است که بلندی آن بالغ بر ۱۵/۵ متر است. (عکس شماره ۱۹۸).

تکیه مله

در میان دهکده مله از دهکده های بیشه سر

تکیه ایست قدیمی شامل نه پنجره ارسی قاب و آلت دار. طرف دست راست این پنجره ها اطاقی است که بر جرز آن سرو و نقوش دیگر گچ کاری شده است. (عکس شماره ۱۹۹).

بائی کتی

قلعه ایست در اراضی جنگلی به همین نام

این قلعه مسلط بر اراضی زیر دست است معروف است که قدیم شاه نشین بوده است. اطراف ارگ دیواری و حصار دارد که آثار آن برجای است. از چاهی که در اراضی قلعه است به اطاقهای زیر زمینی و سمج قلعه می توان رفت.

امامزاده علی

در کرچنگ از دهکده های بیشه سر

بنائی است چهار ضلعی که صندوقی در وسط آن به درازای ۲۴۸ و پهنای ۱۳۴ و بلندی ۶۹ سانتیمتر مرقد را پوشانده است. ساختمان صندوق از قاب و آلت است. دری نسبتاً قدیمی و کنده کاری دارد. بر لنگه سمت چپ در سه تنگه بالا و پایین و وسط کتیبه دارد که بر اثر فرسودگی و ریختگی و بد خط بودن قابل خواندن نیست. سنگ قبری مورخ ۱۳۴۶ ه. ق. نزدیک بنای بقعه است. اطراف بقعه پیشه ای از درختان آزاد است که تعداد آنها در حدود پنجاه اصله است گرداگرد تنه که نسیال ترین آنها بدین ترتیب است:

۵۳۸ و ۵۸۳ و ۵۸۶ و ۶۰۹ سانتیمتر. بنای بقعه و بیشه بر بالای بلندی است که مسلط بر اراضی اطراف است ولی ارتفاع آن زیاد نیست. از راه سارو کلا به کوتنا و از آنجا به کرچنگ می توان رفت. بقعه دور از محل در میان اراضی شالی زار است.

بیرافضل

در ری کنده از دهکده های بیشه سر

بنائی تازه است و اثر تاریخی و هنری ندارد.

۶- بناها و آثار تاریخی بابلکنار و کارکنده شاهی (قائم شهر)

تکیه وسقائفار وقرآن تالار

در دهکدهٔ ساوان کلا بابلکنار شاهی (قائم شهر)

تکیه شامل دو اطاق است که پنج ستون پخ زدهٔ هشت سو در جلو یکی از اطاقهاست. چهار ستون آن دارای سرستون دهان اژدری و یک ستون وسط سرستون آن مقرنس کاری است. پایین ستونها تکائیل مشبك به ارتفاع چهل سانتیمتر است. سقف بنا پلورکشی و پل کوبی است. بر هر تختهٔ پل نقاشی قدیمی بوده که بیشتر آنها بر اثر رطوبت بام از میان رفته است. بر یکی از تخته‌ها «عمل استاد میرزا بابا علی» خوانده می‌شود. اطاق دوم فقط یک در ورودی و یک پنجرهٔ کوچک دارد.

سقائفار

سقائفار نزدیک تکیه است و دارای چهارده ستون پخ زدهٔ هشت سو است با دستک تکائیل. برگوشه‌ای تاریخ ۱۲۷۸ دیده می‌شود. برجکش گردان تکیه وسقائفار اشعاری از محتشم کاشانی است، و پاره‌هایی از هفت بند او را با خط خوش نوشته‌اند. بر دولنگهٔ سقائفار این عبارات خوانده می‌شود: بانی این تالار غریب رضا - عمل نیجاری استاد علی درونی<sup>۱</sup> به تاریخ ۱۳۶۵.

۱- درونی ظاهراً منسوب به درون کلای بندی است.

## قرآن تالار

بنایی است چهار گوشه که قدمت زیادی ندارد. بر چهار باثوی در دو لنگه ورودی آیه الکرسی از الله لا اله الا - تا - هو العلی العظیم حک شده است. برپاسارهای در عبارات زیر است:

بانی این در آمار بنت میرزا جان - عمل استاد علی و استاد شعبان یا کلام خدا ۱۳۴۶.

امامزاده قاسم معروف به امامزاده ابراهیم  
در عیسی خندق ۲ کارکنده شاهی (قائم شهر)

بدنه اصلی بنا استوانه ایست که از آجر و گچ ساخته و روی آن را با پوششی قطور از گچ پوشانده اند. محل اتصال بدنه اصلی بنا با اول بام، قرنیه های سینه- کفتری و بالای آنها یک کمر بند گچکاری به پهنای ده سانتیمتر و بالای آن میان هر دو قرنیه های نیم دایره است که منتهی به بام هر می هشت ضلعی می گردد. یک متر زیر قرنیه های سینه کفتری نوارهای افقی کاشیکاری منفصل از هم است. در جهت شمال نزدیک به پایه استوانه بنا، دری کوچک به داخل باز می شود. (عکس شماره ۲)

صندوقی ظریف و پر نقش در میان بنای اصلی مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۷۶ و پهنایش ۱۳۴ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است. آیاتی چند از کلام الله مجید و عباراتی دیگر به این ترتیب بر آن حک شده است:

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق:

بسم الله الرحمن الرحيم يس - تا - تنزيل العزيز

بر پایه سمت راست بدنه غربی از بالا به پایین:

و نکتب ما قدموا و آثارهم و کل شیء

بر پایه سمت چپ:

۲- عیسی خندق ده از دهستان کارکنده بخش مرکزی شهرستان شاهی ۶ کیلومتری غرب ساری (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

بر حاشیه مربع وسط صلوات کبیر یعنی صلوات بر چهارده معصوم.  
بر حاشیه راست این مربع:

هذا الروضة المباركة المنورة المطهرة الامام قاسم

بر پایه سمت چپ از پایین به بالا:

السلام من حضرة الله الملك العلام.

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق:

الرحيم لتندر قوماً - تا - فهم مقمchon

بر پایه سمت چپ بدنه شمالی:

وجاء من اقصى المدينة رجل يسعى

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

وجعلنا من بين ايديهم - تا - فاغشيناهم

بر پایه سمت چپ بدنه شرقی:

الا البلاغ المبين - تا - لئن

بر تخته ای در همین بدنه از بالا به پایین:

في تاريخ ربيع الاخر سنة تسع وخمسين وثمانمائه

بر تخته دیگر از بالا به پایین:

عمل استاد شمس الدين بن محمد دين توزا (۹)

بر حاشیه بالای بدنه جنوبی:

لا يبصرون وسواء - تا - امام مبین.

مرحوم مهجوری درباره این امامزاده و محل آن چنین می نویسد:

دهکده عیسی کنده در پنج کیلومتری غربی شهر ساری است. بر

صندوق چوبین آن این عبارات حک شده است:

في تاريخ ربيع الاخرى سنة تسع وخمسين وثمانمائه.

نام سازنده ضریح: استاد شمس الدين بن محمد.

بر در ورودی این تاریخ‌کنده شده است : رجب المرجب سنه تسع وثمانین وثمان مائه<sup>۳</sup>.

از در ورودی و عباراتی که بر آن حک بوده است فعلاً نشانی نیست .

عیسی خندق را مهجوری عیسی‌کنده خوانده و ظاهراً در ایام سابق چنین می‌گفته‌اند . اهالی محل نام آبادی خود را « ایساندو » یا « ایساندوق » می‌خوانند و ضبط دمرگان ظاهراً صحیح‌تر از نامهای تازه به دوران رسیده است . او نقشی باسیاه قلم از این امامزاده کشیده وزیر آن نوشته است :

۴. Imam - zada , près du village d'issando (عکس شماره ۲۰۱)

تپه‌های تاریخی حومه شاه‌ی (قائم‌شهر)

دین توکلی در باغلو مشهور به جویبار قصبه مرکزی دهستان گیلخواران ۲۱ کیلومتری شمال شاه‌ی ، ۱۸ کیلومتری شمال غربی ساری .

تپه دین در شورکا از دهستان گیلخواران ۵ کیلومتری شمال شرقی جویبار .

دین کربلائی نعمت در جمال کلا از دهستان گیلخواران ۸ کیلومتری غرب جویبار .

تپه دین در حیدرآباد از دهستان گیلخواران در دو کیلومتر و نیمی شمال شرقی جویبار .

دین جمال الدین در جمال کلا از دهستان گیلخواران ۸ کیلومتری غرب جویبار .

تپه دین در اسماعیل کلا از دهستان کیا کلا ۱۹ کیلومتری شمال غربی شاه‌ی ، کنار جاده کیا کلا به جویبار .

تپه سید محله در سید محله از دهستان کیا کلا ۱۶/۵ کیلومتر شمال غربی شاه‌ی ، کنار جاده کیا کلا به جویبار .

ملاعلی کتی در جاده شاه‌ی به کیا کلا ، سه کیلومتری میدان شاه‌ی .

دین اکوک در سوخت‌آب‌بندان از دهستان کیا کلا ۱۶/۵ کیلومتری شمال غربی شاه‌ی کنار راه کیا کلا به جویبار .

۳- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۱ . ۴- نگاه کنید به Fig. 01 کتاب دمرگان :

هیأت علمی فرانسه در ایران .

سنگ پل کتی در فوتم از دهستان کیا کلا ۱۸ کیلومتری شمال غربی شاه‌ی ، کنار راه کیا کلا به جویبار .

دین کش در المشیر از دهستان نو کندکا ۱۰ کیلومتری شمال شاه‌ی چهار کیلومتری غرب جاده شاه‌ی به ساری .

دین سر در قادی کلا از دهستان نو کندکا ۸ کیلومتری شمال شاه‌ی ، کنار جاده شاه‌ی به جویبار .

دین کتی در پریجان در کمربندی شاه‌ی به ساری .

سه تپه به نام گردکوه در جنوب شاه‌ی در جمنان .

دین کتی در جنید از دهستان تالارپی .

امامزاده کتی در علی‌آباد بخش مرکزی شاه‌ی ۵ کیلومتری غرب شاه‌ی .

شال کتی در علی‌آباد بخش مرکزی شاه‌ی در غرب شاه‌ی .

قلعه کتی در پایین لموک نو کندکا بخش مرکزی شاه‌ی ۶ کیلومتری شمال شرقی شاه‌ی .

تپه ذبیحی در حاجی کلا بالانجن بخش مرکزی شاه‌ی ۹ کیلومتری جنوب غربی شاه‌ی .

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه سوادکوه علی آباد

### جغرافیای تاریخی سوادکوه

سوادکوه شامل دابلوک و صد پاره ده است. از جنوب محدود به کوههای شلفین، مونگی چال، قدمگاه، پیازمرک، شاراق و گدوک شاه است. از شرق و غرب به دویال کوه که مسلط به رودخانه بابل و تجن است و از شمال به علی آباد (شاهی) قائم شهر) محدود می شود.

تقسیمات این ناحیه را محمد حسنخان اعتماد السلطنه در حدود صد و بیست و سه سال پیش ذکر کرده است (امسال محرم ۱۴۰۵ است) و ما برای حفظ جغرافیای تاریخی این منطقه به شرح آن می پردازیم.

### آبادیهای سوادکوه

#### راستویی

بلوک سرخ رباط (بکسر خاء) : عباس آباد سامان ولایت فیروز کوه، وند چال، مالیه دره (ضبط امروز مالی دره)، بیم دره، انارکله (از این دو دهکده در فرهنگ جغرافیائی ایران یاد نیست).

بلوک دو آب بالا : اوریم، گرزالدین خیل، سنگ سرك (بکسر گاف)، ارفه ده، شورک چال (بکسر کاف)، ملرد (بکسر میم و لام).

بلوک خاتقاه پی : کرمان، بایخ کلا (= بائی کلا)، برنت (بکسر باء و نون)

کرد آسیاب (بضم کاف)، آریم، فلورد (بضم فاء ولام)، که رود (بضم کاف و سکون میم) سامان شامرزا (= شه میرزاد)، از رود (از این نام در فرهنگ جغرافیایی ایران اثری نیست).

بلوک خانقاه: رجه، آسه (فرهنگ جغرافیایی ایران این نام را ضبط نکرده است)، کوه استبل (درفهنگ جغرافیایی: کوه اصطبلخ)، ده میان، انارم (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است).

بلوک راستویی: تاله (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است)، شور-مست، میار کلا، از انرو (ذکری از این نام در فرهنگ جغرافیایی نیست)، کمرو (بضم کاف و سکون میم).

#### آبادیهای ولویی

بلوک چرات: چرات.

بلوک انند: (بفتح الف و نون) تابستان نشین اهالی زیر آب است. انند، وسیه کش (بفتح واو و کاف)، دوراه استله (از این نام امروز نشانی نیست)، واله بالا و پایین، شش رودبار، کاکران، پالند، بیم دره (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیست).

بلوک الاشت: الاشت، سواد رودبار، سنکرخ (از این نام یاد نیست)، لرزنه، لیند، سرین، کلیان (از این نام در فرهنگ جغرافیایی اثری نیست).  
بلوک کارمزد: کارمزد، ممشی (بکسر میم)، اسل (بفتح الف و سین، فرهنگ جغرافیایی عسل ضبط کرده است)، شیر کلا.

بلوک کالاریجان و کهنه دین: کالاریجان، مومجی خیل، کمند، زنگیان، ایرات بن، اوات، تام (از این سه نام در فرهنگ جغرافیایی یاد نیست).

بلوک زیر آب: شیردره، دیولیم (تقاطع آب ولویی و راستویی)، خورمند چال (بکسر دال، در فرهنگ جغرافیایی: خرمندیچال)، نرگس جار (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است)، خلیل کلا، عالی کلا، خواجه کلا، کلیج کلا (این

نام در فرهنگ جغرافیایی نیست) کرد آباد، کلا، چندلا، چارسون، نخ کلا (چهار نام اخیر در فرهنگ جغرافیایی نیامده است)، سرخ کلا.

بلوک کسلیان: بهمنان، پاشا کلا، مته کلا (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیست)، سنگ نیش (بکسر کاف و یاء)، پیر نعیم، لولاک، سی پی، آتو (درفهنگ جغرافیایی اتو بضم الف)، امیر کلا، کجید (درفهنگ جغرافیایی نیست)، ولوکش، امیر کلا (مکرر)، سوته سره، لوبه یور (دو نام اخیر در فرهنگ جغرافیایی نیست).

سوادکوه در نظر ناصرالدین شاه

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۲ ه. ق، راه فیروزکوه به سوادکوه را طی کرده و درباره ناحیه سوادکوه می نویسد:

در اصل بالای گردنه که راه شاه عباسی از آن می گذرد، سمت جنوبش بلوک فیروزکوه و سمت شمالش سوادکوه است، کاروانسرای بزرگی از شاه عباس می باشد. از گردنه که به طرف سوادکوه پایین می آیند، در طرف دست چپ راه، در سر کوه قلعه ای دیده می شود که آن را قلعه اولاد دیو می نامند و بر سر کوه های سمت دست راست هم قلاع محکم خراب زیاد هست. سدی نیز در تنگه این دره ساخته بوده اند تا آبی که از بالای گردنه می آید، آنجا جمع گشته کسی نتواند عبور نماید، لکن سد بکلی منهدم بود و از آثار می نمود که بنای محکمی بوده و آن آب هر چه از گردنه سرازیر می شود، رو به زیادتی می گذارد، همین آب است که رودخانه تالار نامیده می شود و مصب این رودخانه دریای خزر است. از گردنه به منزل اول که سرخ رباط است، از تنگه معروف به «چهل در» باید عبور کرد. از سرخ رباط به منزل دیگر که بخواند بروند، به خاک سوادکوه وارد شده و در جاده شاه عباسی راه پیموده، می روند به پل سفید و راه پنج فرسخ است و معبر در کنار رودخانه تالار و از جنگل عبور می شود. پل سفید از بناهای شاه عباس است و سه چهار چشمه دارد. منزل دیگر

سرخه کلاست و آن قریه ایست در بالای کوه واقع و درین راه رودخانه‌ای از سمت دیولیم از طرف دست چپ راه به رودخانه تالار می‌ریزد و خود دیولیم نیز در سمت چپ راه واقع شده است. اعتقاد عوام اینستکه محبس کیکاوس در دیولیم بوده است. امامزاده عبدالحق طرف دست چپ، آن سمت رودخانه واقع است. از پل سفید تا سرخه کلا دو فرسخ است و دهانی که در این مسافت در دو طرف راه واقع شده عبارت است از: نخعی کلا، کردآباد، خواجه کلا، نرگس جاسر، لایج کلا. اما این قراء غالباً در بالای کوهها و در میان جنگل است و دیده نمی‌شوند. از سرخ کلا که مسافر به طرف شیرگاه حرکت می‌کند، اول آبادی که می‌بیند سرکلا و بن کلا است و تا پل کسلین بلوک داود است. این پل سرحد سوادکوه و شیرگاه است و رودخانه‌ای از سمت کسلین جاری و داخل تالار می‌شود. پلی مرتفع طولانی دارد و معروف به پل دختر است و اگر این پل نباشد، راه عبور و مرور سوادکوهی و مازندرانی مقطوع می‌شود. به‌اندک مسافتی آن سمت پل، دشت شیرگاه پیداست و کوههای بلند پست می‌شوند و حالت جلگه پیدا می‌کنند. فی الحقیقه از شیرگاه به آن طرف سرحد مازندران است و از خاک سوادکوه خارج می‌شوند. از شیرگاه که به طرف علی‌آباد می‌روند اول از رودخانه «اوتی جان» می‌گذرند. این رودخانه هم داخل تالار می‌شود و بعد از رودخانه دیگر می‌گذرند که پلی يك چشمه‌ای دارد و از بناهای شاه‌عباس است. این پل معروف به پل بشل می‌باشد. دهات دست راست: سروکلا و متن کلا و هیو کلا است و جزو بلوک علی‌آباد<sup>۱</sup>.

#### ۸- بناها و آثار تاریخی کسلین سوادکوه علی‌آباد (قائم شهر)

##### مختصری درباره نام کسلین

کسلین یکی از دهستانهای بخش سوادکوه علی‌آباد (شاهی = قائم شهر) است که در مشرق دهستان زیر آب قرار دارد و منطقه‌ای کوهستانی است. حسن بن اسفندیار درباره این ناحیه می‌نویسد:

کسلین نام به عهد اکاسره، پناه به طبرستان کرد و بدین موضع که قلعه کسلین است خانه ساخت و به طبرستان «کیه» خانه را گویند و این قلعه بدو موسوم است. از آن تاریخ تا به عهد ما سنه ثلاث عشر و ستمایه (۶۱۳) این قلعه معمور بود.<sup>۱</sup>

اشتقاق واژه کسلین (که امروز کسلین می‌گوئیم) آنچنانکه حسن بن اسفندیار نوشته، به نظر صحیح نمی‌آید. نخست اینکه از دوران ساسانیان تا کنون، ماکسی را به نام «سلین» نمی‌شناسیم. دوم اینکه در نشان دادن ملکیت در زبان طبری، مضاف الیه مقدم و مضاف در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و باید گفت «سلین کیه» (بکسر نون) یا به شکل قدیمتر «سلین کیه» نه «کیه سلین» چنانکه در فارسی امروز می‌گوئیم. به نظر نگارنده این اسم بسیار نزدیک به کلمه «کسیل» است که نام دهکده‌ای در ناحیه «لورا» است و امکان آن دارد که این نام محل از نام تیره‌ای کوهستان نشین

مازندران متأثر باشد و کسلیان، همان نام با اضافه کردن الف و نون مکان است که به معنی محل و جای کسپیل است. چون گیلان و دیلمان.

۸- بناها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه

قلعه‌های کوزا و کسلیان و روهین

ظاهراً این سه قلعه در درهٔ کسلیان یا در مراکز نزدیک به این دره بوده‌اند. چون این سه قلعه مدتی به پادشاه ابوجعفر سپرده شده بود.<sup>۲</sup>

بهرام بن شهریار پس از شکست از برادرش - علاء الدوله علی بن شهریار - (۱۱۵ تا ۵۳۴) به قلعهٔ کسلیان پناه برد.<sup>۳</sup>

خبر به اسپهبد علاء الدوله علی بن شهریار آوردند که فرامرز برادرزاده‌اش - با عمویش بهرام ساخته است. علاء الدوله علی به پایان قلعهٔ کسلیان شد و منجنیقها راست فرمود و دو ماه آنجا نشسته بود. برادر بهرام زینهار خواست و امان طلبید. شیر بمکوب را که اهل سنور هزار جریب بود به کوه توالی قلعه فرستاد و بر این عهد و قرار از پایان قلعه دور شد.<sup>۴</sup>

هنوز قلعهٔ کسلیان از آن اسپهبد بهرام بود.<sup>۵</sup>

ظاهراً اسپهبد علاء الدوله علی میل داشت که خود بر قلعهٔ کسلیان حاکم باشد و اسپهبد بهرام بن شهریار سرفرود نمی‌آورد. هر دو مجبور شدند به درگاه سلطان محمود بن محمد بن ملک‌شاه (۵۱۱ تا ۵۲۵) به ری روند.

اسپهبد علاء الدوله علی، دعوی‌دار بن سهراب که مردی پیر و مقبول‌القول بود پیش بهرام و فرامرز فرستاد که دست از خود سری بردارند و به درگاه سلطان محمود نروند و به خانه بنشینند چون به درگاه سلطان محمود کسی حرمت شما ندارد. ایشان نشنودند و رفتند. و با علاء الدوله علی به درگاه سلطان محمود رسیدند. سلطان،

۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۴. ۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۹. ۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۰. ۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۱.

علاء الدوله علی را بسیار احترام کرد و به بهرام و فرامرز دستور داد تا اطاعت از او کنند. بهرام مجبور شد قلعهٔ کسلیان به علاء الدوله علی سپارد.<sup>۶</sup>

پس از سپردن قلعهٔ کسلیان به رودبار کارمزد رفته و از آنجا به دماوند افتادند.<sup>۷</sup>

محل قلعهٔ کوزا زیاد روشن نیست. در یک مورد در تاریخ طبرستان می‌نویسد:

از راه هی و سرجه رجه به پایان فصیل کوزا رسیدند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۴).

این راه امروز شناخته شده نیست. در جای دیگر می‌نویسد:

تالیور در پریم دیهی است به پایان قلعهٔ کوزا (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۶).

اگر این سخن درست باشد باید به دنبال قلعهٔ کوزا به پریم دودانگه ساری برویم. بهر حال برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این قلعه نگاه کنید به تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۶ و ۵۰ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۶۷ و ۱۷۲.

قلعه‌ای قدیمی

در دهکدهٔ لاجیم کسلیان سوادکوه

راه لاجیم از زیر آب کنار راه آهن سوادکوه سربالا می‌رود تا به سرگردنهٔ مرتفعی می‌رسد. ناگهان چشم مسافر به دریایی از سبزه می‌افتد که در وسط آن محلی بدون علف مانند شبه جزیره‌ای نمایان می‌شود. این نقطه از سه طرف مشرف بر پرتگاههای عمیق است. در دماغهٔ این مکان، برجی تنها بادسته‌ای از درختان نمودار است. در حاشیهٔ پرتگاه خندقی است که دیوارهایش کاملاً عمودی است و جای دیواری

۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۴. ۷- التدوین ص ۶۴. برای اطلاع بیشتر از سرگذشت این قلعه نگاه کنید به تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و التدوین ص ۶۳. ۸- لاجیم ده از دهستان کسلیان بخش سوادکوه شهرستان شاهی ۱۳ کیلومتری خاور زیر آب (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳). در فرهنگ جغرافیایی ایران از این قلعه خرابه یاد شده است.

عظیم نمودار بوده که به بنیان برجی بزرگ منتهی می‌شد که ظاهر آمدور بوده است این برج، نظربه اهمیت تپه‌ای که روی آن واقع بوده، معتبرترین قسمت قلعه محسوب می‌شده است. از اثر خاکی که رویهم انباشته شده بود، معلوم شد که دیوار در آن سمت تپه و برج امتداد داشته است و درست گرداگرد دماغه‌ای را که به شبه جزیره تشبیه کردیم، احاطه می‌کرده است. در داخل این حصار، چند تل هست که نشان می‌دهد این قلعه در واقع شهر مستحکمی بوده است.

#### برج لاجیم

در کسلیان سوادکوه علی‌آباد (شاهی)

این برج در عداد بناهای دوره تسلط آل‌زیار بر طبرستان (۳۱۶ تا ۴۴۳) هجری است و به نام مقبره امامزاده عبدالله شهرت دارد. برج لاجیم در داخل از یک سقف مدور و در خارج از یک گنبد مخروطی ساده و ظریف پوشیده شده است (عکس شماره ۲۰۲). مدخل این بنای آجری در سمت شرق قرار دارد و پایه گنبد آن به وسیله یک ردیف طاقنا مزین گردیده و در زیر آن دو کتیبه به خط کوفی و پهلوی در روی هم قرار گرفته و به دور برج پیچیده است. این دو کتیبه با آجرهای تراشیده در زمینه‌ای از گچ سفید نصب شده و کتیبه کوفی نام کیا اسمعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس، صاحب بنا، و تاریخ آن را که ۴۱۳ هجری است مشخص می‌کند. (عکس شماره ۲۰۳ و ۲۰۴)

اهمیت این برج مانند برج رسکت بیشتر از لحاظ دارا بودن کتیبه پهلوی در جوار کتیبه کوفی است که نشان می‌دهد در این قسمت از ایران همانطوریکه به هنر قبل از اسلام توجه داشته‌اند، به خط دوره ساسانی نیز علاقه‌مند بوده‌اند.<sup>۱</sup>

در فهرست بناهای تاریخی آمده است:

برج لاجیم در قریه لاجیم سوادکوه ثبت تاریخی ۱۸۵، این برج آجری مدور که به نام مقبره امامزاده عبدالله شهرت دارد، دارای گنبد

۱- تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی تألیف دکتر عباس زمانی ص ۱۳۴.

مخروطی شکل است که در نهایت ظرافت و سادگی ساخته شده است. در روی بدنه این برج، دو کتیبه آجری به خط پهلوی و کوفی نصب شده. تاریخ کتیبه کوفی آن سال ۴۱۳ هجری است. خط کتیبه کوفی آن که در نهایت سادگی باقی مانده است، می‌رساند که این برج مدفن کیا اسمعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس می‌باشد. اهمیت این دو برج (لاجیم و رسکت) بیشتر از لحاظ دارا بودن دو کتیبه پهلوی ساسانی و کوفی است. بدین ترتیب بنای برج یا مقبره لاجیم در عداد ابنیه دوران آل‌زیار (۳۱۶ تا ۴۷۰ ه. ق) محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

مرحوم شهاب طاهری در گنجینه‌های تاریخی مازندران در باره برج تاریخی لاجیم چنین می‌نویسد:

بنائی استوانه شکل است که از داخل گنبد مدوری بر آن زده‌اند و از خارج بامی مخروطی بر این گنبد مدور ساخته‌اند. این برج که از آجر منقش ساخته شده، محیط قاعده آن ۲۶۸۰ سانتیمتر و قطر فضای داخل آن ۵۴۷ سانتیمتر است. دری شرقی به پهنای ۱۱۲ سانتیمتر دارد. قسمت بالای برج را با ناوهای کوچک زینت داده‌اند و در زیر آنها دو کتیبه است که خطوط آنها از آجر تراش خوش رنگ است. متن کتیبه‌ها سفید و گچ کاری است. خط کتیبه پهلوی را تاکنون نخوانده‌اند. کتیبه کوفی کامل و دست‌نخورده است. جز در طرف غرب که از سایش شاخ و برگ درختان فرسوده شده است. در این کتیبه نام والقب مدفون در این مرقد، درست خوانده می‌شود. فقط اسم شخصی که به دستور او این بنا ساخته شده است، روشن نیست. ولی از روی حدس و به قریبه اجزائی که از کلمات باقی است، این اسم با تاریخ بنا هم معلوم می‌شود. اصل کتیبه کوفی

۱۰- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۴۰. در کتاب اسامی دهات کشور ۱۳ ص ۱۸۹ و کتاب پوپ ۸ ج شماره ۳۳۹ شرح و عکس این بنا هست.

به ترتیب زیر است :

بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القيم الكيا الجليل ابوالفوارس شهریار بن العباس بن شهریار مولى اميرالمؤمنين رحمه الله امر ببنائه .... فى سنة ثلاث عشر واربعمائه - عمل الحسن بن على بنا براین کتیبه ، گنبد لاجیم درست همزمان گنبد را دکان غربی است . و متعلق به دوره ایست که فاصله سقوط نخستین سلسله باوندی و ظهور دومین سلسله این خاندان است . در این دوره فترت که قریب هفتاد سال دوام یافت (۳۹۷ تا ۴۴۶) تمام ناحیه سهل مازندران، در دست آل زیار بود . ولی این طایفه بر کوهستان دستی نداشته اند . بقایای دودمان باوندی در آنجا مأمّن گزیده و منتظر فرصت بودند که ملک خود را به دست آورند . بنا بر روایت ابن اسفندیار، در عهد الب ارسلان (۴۵۵ تا ۴۶۶) سپهبد قارن بن سرخاب تا اندازه ای موفق شد که بر مازندران مستولی گردد و قدرت خاندان و شمشگیر رو به زوال نهاد . محل اقامت حکام باوندی ، در کوهستان جنوب ساری - یعنی پایتخت سابق ایشان - واقع بوده است . معلوم نیست این ابوالفوارس شهریار ، در میان بزرگان دوران باوندی چه رتبه و مرتبه ای داشته و با شهریار بن داراکه به دست و شمشگیر کشته شد و سرخاب بن شهریار و قارن بن سرخاب و حسام الدوله شهریار این قارن سرسلسله شعبه دوم باوندیه چه نسبتی داشته است ؟<sup>۱۱</sup>

#### تعمیر برج لاجیم

برج تاریخی لاجیم که نام محلی آن امامزاده عبدالله است از آثار تاریخی بسیار مهم قرن پنجم هجری می باشد که مقبره اسپهبد شهریار باوندی است و کتیبه هائی به خط کوفی و پهلوی متوازیاً بر بالای آن تعبیه شده است . به سبب واقع شدن این بنای تاریخی در جنگلهای سوادکوه مازندران و دور از دسترس بودن محتاج توجه مخصوص

۱۱- گنجینه های تاریخی مازندران ص ۹ و ۱۰ .

بود و گزارشهای اداره فرهنگ مازندران و علاقه مندان دیگر خرابی آن بنا و لزوم تعمیر فوری آن را تأیید و تأکید می کرد .

انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۷ ه. ش. مبلغی برای تعمیر آن بنا منظور نمود و معمار اداره کل باستان شناسی چند بار برای بازدید و ترتیب تعمیر آن به محل رفت اما به علت خرابی راه و عدم مساعدت هوا و وضع جنگل، رسیدن به آن محل ممکن نبود . سرانجام با مساعدت اولیای کارخانه «تراورس سازی شیرگاه» موفق به بازدید آن گردید و چون لازم بود که آجر و مصالح دیگر بنا هم از تهران فرستاده شود، مقدمات امر فراهم شد و تعمیرات بنا در سال ۱۳۳۸ ه. ش. آغاز گردید<sup>۱۲</sup> .

برج لاجیم که در محل آن را به نام امامزاده عبدالله می شناسند از کتیبه های آن معلوم می شود که آرامگاه کیا اسماعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس از پادشاهان آل باوند است و مورخ به سال ۴۱۳ ه. ق. است<sup>۱۳</sup> .

مرحوم مهجوری می نویسد:

برج لاجیم یا امامزاده عبدالله در دهکده لاجیم از دهکده های کسلیان سوادکوه شاهی (علی آباد = قائم شهر) است . دیوار و برجهایی نزدیک آن است که کاخ حکمروایان بوده است<sup>۱۴</sup> .

۱۲- کارنامه انجمن آثار ملی ص ۷۴۹ . ۱۳- سفارش نامه انجمن آثار ملی شماره ۴۹

ص ۳۹ و ۴۰ . ۱۴- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۱۵۲ .

## ۹- بناها و آثار تاریخی شیرگاه و زیراب سوادکوه علی‌آباد

### شیرگاه سوادکوه علی‌آباد

شیرگاه یکی از دهستانهای بخش سوادکوه شهرستان علی‌آباد (=شاهی = قائم شهر) است. این دهستان در جنوب شاهی و در دو طرف درهٔ تالار واقع شده است. مرکز این دهستان، شهرک شیرگاه است که نخستین ایستگاه راه آهن در مسیر شاهی و زیراب است.<sup>۱</sup>

### بناها و آثار تاریخی شیرگاه و زیراب سوادکوه

#### پل شاه عباسی

#### در شهرک شیرگاه سوادکوه

درازی این پل ۵۷ متر و پهنای آن بدون در نظر گرفتن جان پناهها ۵ متر. شامل دو دهنه است. دهنهٔ بزرگتر شمالی و دهنهٔ کوچکتر جنوبی است. این پل در مسیر جادهٔ قدیم شاه‌عباسی بوده و بر روی رودخانهٔ کسلیان که معروف به «روشن تار» است بنا شده است. مصالحو اصلی آجر و ساروج و گچ. (عکس شمارهٔ ۲۰۶)

۱- فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳.

پل آجری شکسته به نام «بالو»  
داخل جنگل با اودر افرایی

سراهِ زیراب به شیرگاه پلی آجری بر روی رودخانه تالار بوده است. این پل ظاهراً در مسیر راه قدیم لفور بوده است. این راه ظاهراً از راه اصلی شاه عباسی بر سمت راست رودخانه تالار جدا می‌شده و به طرف لفور می‌رفته است. بیشتر بدنه غربی آن برقرار و پابرجاست و داخل آن اطاقک‌هایی برای استراحت چهارپا داران دارد. از پایه شرقی، بنیاد و شالوده آن باقی مانده است. از روی این پل سه ورچال<sup>۲</sup> و لرزله<sup>۳</sup> و لفور می‌رفته‌اند.

راه قدیمی شاه عباسی به آق مشهدساری

از پل بالوراهی به طرف شمال شرقی از جاده اصلی کنار تالار جدا می‌شود و پس از گذشتن از جنگل شهموزی به آق مشهد کلیجان رستاق‌ساری منتهی می‌گردد. رضا قلی خان هدایت در سفر خوارزم از این راه گذشته است.

قلعه‌ای قدیمی در جنگل قلک<sup>۴</sup>  
در کنار رودخانه کسلیان سوادکوه

این قلعه در سمت غربی جنگل کندبن یارعلی بیک است. برای رسیدن به آن از شیرگاه به جنگل قلک و حسن‌بور زیر آب و شاه‌کوه باید رفت. پاره‌های سفال و آجر در محل زیاد است و آجرهای قالب بزرگ دوران ساسانی نیز در آن یافت می‌شود.

کیچاپل = پل دختر

خارج از شهرک شیرگاه در سمت شمال

ناصرالدین شاه در سفر نامه خود در سال ۱۲۸۲ ه. ق. از این پل یاد کرده و آن را پل دختر خوانده است.<sup>۵</sup>

۲- بفتح واو. ۳- بفتح لام و کسر زاء. ۴- بفتح قاف و کسر لام. ۵- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از آلتدوین ص ۳۴.

حاجی زین‌العابدین شیروانی در رجب ۱۳۱۵ ه. ق. این پل را دیده و در باره آن نوشته است که بعد از میان‌کلا قرار دارد. ولی نگارنده به‌دهکده‌ای به نام میان‌کلا در این صفحات برخورد کرده است.

درازای این پل ۶۳ متر و پهنایش بدون در نظر گرفتن جان پناها ۴۵۰ سانتیمتر است. این پل یک دهنه بر آب دره کسلیان نزدیک به پیوستن آن به تالار زده شده است و با اینکه در مسیر جاده شاه عباسی است ولی بنای آن قدیمی تر به نظر می‌رسد. مصالح آن سنگ و ساروج است.

هفت‌کونی

در اراضی دهکده چالی در حاشیه جنگل

تپه‌ایست طبیعی که سفال پاره‌های فراوان در آن دیده می‌شود. مسلماً روزی بنائی بر بالای آن بوده است. فعلاً آقای دکتر زاویه بر بالای آن منزل مسکونی ساخته است.

امامزاده قاسم

در دهکده چالی شیرگاه

سراسر بنای قدیمی نوسازی شده است. مسجدی کوچک در جلو بقعه اصلی است و ایوانی ساده در جلو مسجد است؛ اطراف بقعه گورستان است و در گورستان درختان کهنسال افرا و آزاد است.

امامزاده یونس رضا معروف به منگل آقا

در منگل از دهکده‌های شیرگاه سوادکوه

بر بالای تپه‌ای منفرد، بر ساحل چپ رودخانه تالار که اطراف آن بیشه عظیمی از درختان آزاد است، بقعه‌ایست، شامل اطاقی به ابعاد پنج متر در پنج متر و نیم، با صندوقی ساده تخته‌ای که چهارستون چوبین چهارسوی بسیار قطور طرف قبلی آن

۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۷.

است و مسجدی متصل به این بناست. در ورودی بقعه از داخل مسجد است. در ورودی مسجد، دری است کزنده کاری که زیاد ظرافت و دقت ندارد. درازای هر لنگه ۱۶۶ سانتیمتر و پهنای آنها ۴۵ سانتیمتر است. این عبارات بر دولنگه آن حک شده است: بر قسمت وسط لنگه سمت راست:

بسم الله الرحمن الرحيم صل على المصطفى محمد والمرضى

على والبتول فاطمه والسبتين وزين العباد على والباقر محمد.

بر قسمت وسط لنگه سمت چپ:

والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا على والنقى على والنقى

محمد والحسن العسكري ومحمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله

عليه وعليهم اجمعين.

بر باثوی سمت راست لنگه راست:

تراشنده این در درویش روح الله بن ذوالقرنین آهنگر شاگرد

عالی یعقوب بتاریخ فتورات مازندران.

بر باثوی سمت چپ لنگه راست:

سنه ۹۹۱ کتاب العبد احقر محمد يوسف ابن کربلائی قاسم

آهنگر بیشه سری سنه ۹۹۱.

بر باثوی سمت راست لنگه چپ:

این در آستان متبرکه منوره امام زاده مظلوم یونس رضا علیه-

التحیه والثنا قیمت رنگ.

بر باثوی سمت چپ لنگه چپ:

آخوند ملا محمد طالب ابن حاجی حسین علیا [با] دی الملقب

مشهدبان [داد] نمقه حاج الحرمین.

بر پاسار بالای لنگه چپ:

حاجی محمد یوسف بن حبیب الله مشهدبان.

بر پاسار بالای لنگه راست:

یا علی یا علی.

بر پاسار پایین همین لنگه:

یا الله یا محمد. (عکس شماره ۲۰۷)

امامزاده حمزه

سمت راست جاده ماشین رو شیرگاه به علی آباد (شاهی = قائم شهر)

بنائی است مستطیل که درازای داخلی آن دوازده متر و پهنایش شش متر است.

صندوقی ساده چوبین مرقد را پوشانده است. بنا را نوسازی کرده و دری ظریف از

آلمینیوم در مدخل آن کار گذاشته اند. در دولنگه چوبین قدیمی را به داخل آورده و در

قفسه مانندی جای داده اند. درازای این در ۱۷۰ سانتیمتر و پهنای هر لنگه ۴۵ سانتیمتر

است. کنده کاریهای آن درشت و بدخط است و ظرافتی ندارد.

عباراتی که در وسط لنگه راست میان دو باثوی در حک شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على النبي المصطفى محمد

والمرتضى على والبتول فاطمه والسبتين حسن وحسين والسجاد على

آنچه برون وسط لنگه چپ میان دو باثو حک شده است:

والباقر محمد والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا على و

التقى محمد والنقى على وحسن العسكري ومحمد بن الحسن صاحب الزمان.

بر نیمه پایین باثوی سمت راست لنگه چپ:

صلوات الله عليه وعليهم اجمعين.

بر قسمت پایین باثوی سمت راست لنگه راست:

قیمت رنگ ملا عبدالله بن حاجی

بر باثوی سمت راست لنگه سمت چپ:

آهنگر تراشیده در درویش روح‌الله بن ذالقرنین آهنگرسنه ۱۱۱۹.

بر پاسار بالایی لنگه چپ:

کاتبه محمد یوسف بن قاسم

بر پاسار دوم لنگه چپ:

شاگرد عالی یعقوب

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

امامزاده همزه (= حمزه)

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

محمد رود بست

بر پاسالار بالای تنکه بزرگ سمت راست:

یا الله یا محمد یا علی

سقانفاری نسبة قدیمی جلو امامزاده است. اطراف بقعه گورستان با یازده اصله درخت آزاد بسیار کهنسال. محیط تنه یکی از درختان ۴۸۰ و دیگری ۵۰۰ سانتیمتر است.

حمامی قدیمی

در آبدنگ سر شیرماه

در محل معروف بود که حمام شاه عباسی است اما به حمامهای محلی بیشتر شباهت داشت. مدخل درستی نداشت. از بالا سه گنبد آجری نسبة بلند و چهار گنبد آجری کوچک دیده می‌شد. مصالح بنا، آجر و ساروج و گچ بود.

آب انبار شاه عباسی

در آبدنگ سر شیرماه

سردر ورودی این آب انبار در جاده فرعی افتاد و اداره راه آنرا خراب کرد و

فعلاً مدخلی ندارد. آنچه از بالا دیده شد بام آن و چاهی بادخانه گشاد، نزدیک آن بود. کسی که اراضی آن را ضبط کرده و خانه ساخته بود اظهار می‌کرد که در زیر، بنای آب انبار محفوظ و سالم است.<sup>۷</sup>

تپه‌ای از خاک دستی

در آبدنگ سر شیرماه

وصل به چاه آب انبار تپه‌ای بلند از خاک دستی است. معروف است که از این تپه نقبی به آب انبار و چاه بوده است. اگر چنین سخنی درست باشد، احتمال دارد که حمام و آب انبار و چاه با آبادانی بالای این تپه ارتباط داشته باشد.

تپه چکوت<sup>۸</sup>

داخل جنگل روستای سرآب سردان شیرماه

از بالا و دامنه‌های این تپه گنگهایی سفالین به درازای سی سانتیمتر بیرون می‌آید در محل معروف بود که در بالای تپه چکوت شیرگا و گوسفندان را می‌دویدند و از داخل این گنگها به شاه زیارت می‌آمده. شاه زیارت هم درختان کهنسال دارد و داخل شالیزار «کلیج خیل» و متصل به آبندان کوچک می‌باشد.

تپه شاه نشین

در پالین خریم ۱۰ جزء مرتع زیولا<sup>۹</sup>

بر این تپه پاره‌های سفال و آجر پاره‌های کاشی دیده می‌شود.

پلی که از قدیم معروف به پل شاهپور بوده است

کنار راه شیرماه به علی آباد

پلی است دو دهنه که ظاهراً جاده قدیم از روی آن می‌گذشته است. مصالح آن سنگ و ساروج است.

۷- در فرهنگ جغرافیائی ایران این آب انبار به نام آب انبار تپه سر یاد شده است.

۸- بکسر ج. ۹- بفتح کاف. ۱۰- بکسر خاء و راء. ۱۱- بکسر واو.

## امامزاده زین العابدین

بر سر کوهی در روستای قادی کلای متروک زیر آب

ساکنان قادی کلا مدتی است که روستای خود را ترک کرده و به زیر آب رفته‌اند. علت این نقل و انتقال معلوم نشد. ولسی امامزاده‌های این دهکده برقرار است. با اینکه محل امامزاده زین العابدین برقله کوه است و راه سربالا و ناهموری دارد، اما هنوز محل دفن شهدا و مردگان زیر آب است. متن بنا از سنگ و گچ است که چندبست روی آن را گچ کاری کرده‌اند. بنای اصلی هشت ضلعی است که از داخل پس از دو متر ارتفاع حالت تدویر پیدا می‌کند و گنبد آن از خارج کلاه درویشی است مسجدی متصل به بناست که در ورودی بقعه داخل این مسجد است. دری است دولنگه پهنای آن از چهار چوب به چهار چوب یک متر و بلندی هر لنگه ۱۶۰ سانتیمتر است.

این عبارات بر آن حک شده است:

بر پاسالار بالای لنگه سمت راست:

بانی این در آعیسی ابن

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

آحسن خان قادی ۱۲۹۴

بر پاسار میانی لنگه سمت راست:

خوش منزل باصفاست اینجا

بر پاسار میانی لنگه سمت چپ:

گویا نظر خداست اینجا

عمل آسید محمد نوائی

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

ای مرگ هزار خانه ویران کردی- در ملک بدن [تو]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

غار ت جان کردی- هر دانه قیمتی که آمد بوجود - بردی و بزیر

[خاک پنهان کردی]

صندوقی میان بنای اصلی بقعه مرقد را پوشانیده است. این ابیات و عبارات بر آن خوانده می‌شود:

تا دفع دشمنانش کنی یساری حسین

در کربلا بما نشدی همسر دریغ

افتاده تشنه لب بسر دجله فرات

فرزند ناز پرزور خیر البشر دریغ

با یک هزار و نهصد و پنجاه زخم کین

حسرت بخاک برد حسین ای گذر دریغ (۹)

عباس نوجوان تو را شد ز هم جدا

دست از بدن سلاح ز تن تن ز سر دریغ

در خون طپیده قاسم پا در خضاب حیف

شد پاره پاره اکبر والا گهر دریغ

بر لبه بالای طرف غربی صندوق:

مردان شهید ستم پیره زنان اسیر [کذا]

یک ره نکرده آه اسیران اثر دریغ

عریان بخاک خفته شهیدان بسی کفن

باشد کفن بجسم شهیدان مگر دریغ

آنگاه رو بمادر شوریده حال کرد بر یزید لعنت

بر قسمت میانی بدنه شمالی صندوق:

زان کاروان چه آه اسیران عنان گرفت

خون شهید چند ره کاروان گرفت

هفت بیت دیگر با همین ردیف و قافیه بر کمر بدنه جنوبی صندوق و بر کمر

بدنه غربی صندوق حك شده است.

بر لبه بالای بدنه شمالی صندوق:

شد بر ستان چو [سرو] سر سروان بلند

يا الله محمد يك نيزه شد غبار زمین زاسمان بلند

خیل نجوم سر زده از مطلع بروج

سرزد چسه شد سر شهدا بر ستان بلند

آه از دمی که تف گرمای کربلا

گردید بانك العطش کسودکان بلند

آمد بگوش دختر زهرا صدای کوس

گر خصم شد بدست امام زمان بلند

دستی بدل گرفته و دستی بر خ حجاب

شد چون فغان اهل حرم از میمان بلند

دو بیت دیگر با همین قافیه و ردیف بر بدنه شمالی حك شده است بر لبه بالای بدنه شرقی صندوق:

شاه بخساك خفته و از پرچم شعاع

خورشید کرده بر سر او سایبان بلند

با دو بیت دیگر با همین وزن و قافیه.

بر قسمت میانی بدنه شرقی صندوق:

بانی صندوق عنایت الله ابن مهدیقلی سلطان قادی

عمل آقاسید محمد نوائی ساکن قادی کلا

کاتب ملاحیب فولاد ۱۲۹۴

اطراف امامزاده داخل حصار و بیرون آن گورستانی قدیمی است. شهدا و تازه

بخاك سپردگان در این گورستان زیاد است. دواصله درخت آزاد که نسال کنار جاده

در محوطه امامزاده است.

امامزاده ابوظالب بن موسی الکاظم علیه السلام

در بالا زیرآب

بنایی ساده با مسجد کوچکی جلو و در ورودی که فعلا مسجد و صحن امامزاده خانه مسکونی متولی است. صندوقی ساده چوبین وسط بنای اصلی است. در ورودی کنده کاری نقر شده دارد. عرض این در يك لختی هشتاد سانتیمتر و بلندی آن ۱۶۰ سانتیمتر است. این عبارات بر بالای آن منقور است:

لااله [الا] الله محمد رسول الله علی ولی الله کلب آستان امام زاده

استاد صالح مهرانى سنه ۱۰۱۲.

اطراف امامزاده گورستان و يك اصله درخت افرا و سه اصله درخت آزاد در

محوطه آن است.

رضا قلی خان در سفرنامه خوارزم خود از این امامزاده یاد کرده و محل آن را

کنار رود تالار پس از پل سفید و نرسیده به شیرگاه ضبط کرده است.<sup>۱۲</sup>

امامزاده عبدالله حق فرزند امام موسی الکاظم علیه السلام

در روستای زیرآب سوادکوه

بنائی است نوساز با کفش کن و مسجدی بزرگ متصل به آن و حسینیه و اطاقهایی

برای استراحت و بیتوته زائران. آنچه از قدیم باقی مانده در ورودی کنده کاری است

که فعلا پشت جعبه آئینه گذاشته و ضریحی است که مرقد را پوشانیده. پهنای هر لنگه

در ورودی چهل و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است این عبارات با خط خوش بر آن

حك شده است:

بر حاشیه داخلی لنگه سمت راست از بالا به پایین:

بسم الله الرحمن الرحيم در سنه هزار و دو بیست و بیست و چهار

از قضای کردگار و حضرت آفریدگار و صانع لیل و نهار و رزاق نور و نار

۱۲- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱.

زلزله عظمی و سوانح کبرا درین ولایتها واقع گردیده بحدیکه اکثر بناهای قدیم را.

برحاشیه بیرونی لنگه سمت راست از پایین به بالا:

منهدم و ویران نموده از آنجمله این آستانه متبرکه منوره مطهره را نیز بالمسره خراب کرده بود و بعد توفیق آثار کربلائی ابوطالب با اتفاق درویش اسمعیل و درویش حسین باعث و بانی این بنای عالی شده اند که تا عموم خلائق از ثواب زیارت این بزرگوار [منتفع شوند].

برتنکه پایین لنگه سمت راست از پایین به بالا:

یا قاضی الحاجات

برتنکه وسط :

نادعلیاً مظهر العجایب تجده عوناً لك فی النوائب.

برتنکه بالا از پایین به بالا:

یا سابق الدعوات

برپاسار بالای لنگه سمت راست:

بی ادب بر در مردان خدا پای منه

برپاسار پایین لنگه سمت راست:

زانکه روح القدس اینجا به ادب می آید

برتنکه وسط لنگه سمت چپ:

کل هم و غم سینجلی - تا - یا علی و یا علی و یا علی

برتنکه بالای لنگه سمت چپ از پایین به بالا:

یا رفیع الدرجات

برتنکه پایین لنگه سمت چپ از پایین به بالا:

یا غافر الخطیئات.

برحاشیه بیرونی لنگه سمت چپ:

بنیعی عربی و رسول مدنی و اخیه اسدالله مسمی به علی و بزهر او بتول و بام ولدیه و بسطیه و شبلیه همانجل زکی و بنی العابد و الباقر و الصادق...

ضریحی مشبک مرقد امامزاده را که کاشیکاری است پوشانده است این عبارات بر بدنه شمالی آن حک شده است:

این حزه (حظیره) مرقد این مزار کثیر الانوار حضرت امام زاده واجب التعظیم و لازم التکریم عبدالحق در یوم الجمعه پانزدهم شهر جمادی الاخر سنه ۱۱۲۱ فی عمل مادام العمری استاد سلطان محمد طهرانی. این ضریح به درازای ۳۶۰ و پهنای ۱۹۰ و بلندی ۱۴۰ سانتیمتر است. ناصرالدین شاه در سفرنامه سال ۱۲۸۲ خود محل امامزاده عبدالحق را در «دیولیم» سوادکوه ذکر کرده است<sup>۱۳</sup> و ظاهراً اشتباه است.

حاجی زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ ه.ق. می نویسد که محل امامزاده عبدالحق بر سر راه پل سفید به میان کلا است.<sup>۱۴</sup>

مرحوم مهجوری می نویسد که گور عبدالحق در زیراب سوادکوه است و مسجد و بارگاه و صندوق و درهای آن از آثار باستانی است.<sup>۱۵</sup>

باقی بناها و آثار تاریخی سوادکوه در سرخ کلا و کردآباد زیراب:

۱- سید مهدی در کنیج کلا روبروی امامزاده عبدالحق بر بالای تپه با پانزده اصله درخت آزاد کهنسال.

۲- کمال الدین در پشت قسمت جدید التاسیس سرخ کلا با درختان آزاد.

۳- امامزاده عبدالله در وسط ده قدیمی سرخ کلا.

۴- درویش کلیم در سه کیلومتری سرخ کلا با درختان کهنسال آزاد.

۵- درویش دریک کیلومتری سرخ کلا در جنگل.

۶- جمال الدین در کردآباد. در محوطه آن درختان آزاد کهنسال است.

۱۳- التدوین ص ۳۴. ۱۴- طرائق الحقائق ج ۳ ص ۶۴۷.

۱۵- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۷۰.

۷- امامزاده طاهر در کردآباد .

در چاریون بالا و پایین :

۸- درویش مارو در لووار دهکده ویرانه بالا چاریون.

۹- امامزاده حسن که سه برادر در یکجا به خاک سپرده شده اند در پایین چاریون

ویرانه.

۱۰- راه قدیم شاه عباسی در بورخیل از دهکده های شیرگاه سوادکوه

(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴).

۱۱- تپه های قدیمی در کتی لته از روستاهای شیرگاه سوادکوه (فرهنگ

جغرافیائی ایران ج ۳)

۱۲- راه سواتکوه و کالیدرجه و کندی آب (التدوین ص ۵).

۱۳- راه اجدان کوه = راه چرات و اجدان کوه (تاریخ خاندان مرعشی ص

۸۹ و ص ۹۹ .

۱۴- سید تاج الدین در سراب گردان شیرگاه.

۱۵- هفت تن در چالی شیرگاه.

### ۱۰- بناها و آثار تاریخی ولویی و راستوپی سوادکوه

۴۷

چرات ، تابستان نشین میرعلی خان

چرات از دهکده های قدیمی و آباد تابستان نشین ولویی سوادکوه است که در غرب آلاشت قرار گرفته است . پیش از زلزله ۱۳۳۶ شمسی که خرابی بسیار به صفحات مازندران وارد آورد، این دهکده بسیار آباد بود و خاندانهای راجی والوندی و سارویی در آن زندگی می کردند. در بازدید تابستان سال ۱۳۵۶ شمسی هفت خانوار در این دهکده ساکن بودند و خانه های خراب و نیمه خراب در آنجا زیاد بود. در فصل تابستان حدود پانزده هزار گوسفند در کوهستان این دهکده علف چر دارند و زمستان را بیشتر در دهکده ها و زمینهای ناحیه گیلخواران ساری ساکنند. شاید تاریخ خاندان مرعشی مازندران قدیمترین سندی باشد که در آن از چرات یاد شده است . نویسنده آن می نویسد :

در سال ۹۲۷ در بیلاق چرات عارضه ای به میرعلی خان روی داده

از راه اجدان کوه متوجه مازندران شد که خود را به کشک سرا برساند .

روز بروز مرض شدت می نمود و اطبا از علاج عاجز گشته ، در قریه بندپی

دعوت حق را لبیک گفت <sup>۱</sup>.

شرح مفصلی از کوههای اطراف چرات را محمد حسن خان اعتماد السلطنه ذکر کرده است <sup>۲</sup>.

۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۹۹ . ۲- مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۵ .

سنگ قبری در بلفت ۳

پشت گردنه شلفین ۴ سر راه لزیر به چرات

برای رسیدن به بلفت یا چراگاه اسکنک (بکسر الف و کاف و فتح نون) از دهکده لزور (لزیر) از دهکده‌های فیروز کوه به کهریز، دولتی‌مار، ورز اخسون، چاسر (بفتح سین)، مراد تپه، مسا، اسکنک باید رفت. در این علف چرسنگ قبری به شرح زیر است:

بر روی سنگ:

تاریخ وفات اسبوخان ابن بهرام ۱۰۹۱

بر پشت سنگ:

یا الله یا محمد یا علی الاعلی (عکس شماره ۲۱۰)

این راه از اسکنک به شلفین و شلفین گردن (بکسر نون اول) و شلفین چال (بکسر نون) در اطراف شلفین چال محلی به نام اسبوخان است که ممکن است به نام این مرد نامگذاری شده باشد.

این راه از شلفین چال به اسبی‌او، تلم چال (بکسر تاء و لام)، سوت چال (بکسر تاء)، گت سره (بفتح گاف و کسر سین و راء)، فلتون (بکسر فاء)، انند (بفتح الف و نون اول)، برابن (بفتح باء اول و کسر باء دوم) و چرات (بکسر چ) می‌رسد. چرات جزء ولویی سواد کوه است و آب آن به رودخانه تالار می‌ریزد.

امامزاده سید شریف

در دهکده تابستان نشین چرات از دهکده‌های ولویی سواد کوه

بر بالای دهکده چرات سمت راست رود خانه، در محوطه‌ای محصور بنایی مستطیل شکل است که دیوارهای آن را با گچ سفید کرده‌اند. بام بنا چندیست حلبه پوش شده است. نزدیک به بنای امامزاده مسجدی مستطیل شکل است که یک قسمت

۳- بلفت بضم باء و سکون لام و فتح فاء. ۴- شلفین بکسر شین یاد آور نام شروین که حکمران جبال شروین بوده است.

آن ایوان دارد. (عکس شماره ۲۱۱).

قلعه شاه نشین قدیم

نزدیک دهکده چرات از دهکده‌های ولویی سواد کوه

در رشته کوه سنگی بلند پر پرتگاه، کوهی سوزنی جدا است، بر بالای این کوه آثار قلعه‌ای قدیمی از سنگ و گچ است. در دیوار شرقی قلعه آجر به کار رفته است. (عکس شماره ۲۱۲).

چرات پس از زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی

زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی چرات را زیر و رو کرد. اغلب خانه‌ها خراب شد و دهکده‌ای عظیم که یکی از مراکز عظیم پرورش گوسفند بود از میان رفت. در سال ۱۳۵۶ شمسی فقط شش خانوار زمستان نشین داشت و بیشتر گوسفنددارها نیز از این آبادی آواره شده بودند. (عکس شماره ۲۱۳ و ۲۱۴)

راه چرات به شیخ موسی

راه چرات به شیخ موسی از نقاط کوهستانی و بیلاقی زیر می‌گذرد: مرگین<sup>۵</sup>، کلاج خونی<sup>۶</sup>، تخته‌گاه، سربج<sup>۷</sup>، شلمه جار<sup>۸</sup>، آبندان<sup>۹</sup>، وسیه<sup>۱۰</sup>، شاتاخ، اینجدان<sup>۱۱</sup>، شیخ موسی.

تختگاه

در شمال غربی دهکده چرات

محمد حسن خان اعتماد السلطنه می‌نویسد که تختگاه محل حکمرانان قدیم سواد کوه بوده است.<sup>۱۲</sup>

۵- بفتح میم. ۶- بکسر کاف. ۷- بکسر سین. ۸- بفتح شین و لام. ۹- بفتح باء. ۱۰- بکسر واو. ۱۱- بفتح الف. ۱۲- مجموعه کتبخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف.

## قلعه سوات

بر بالای سنگ سوات در جنوب شرقی کوه لی پشت

اطراف چرات که از دهکده های ولویی سواد کوه است کوههایی به نامهای زیر خوانده می شوند :

در غرب این دهکده کوه نارم ، در شمال کوه زرد و در جنوب کوه لی پشت .  
رودبارچرات در شرق این دهکده افتاده است .

در جنوب شرقی کوه لی پشت ، سنگ سوات است . چنین می گویند که سواد کوه در اصل سوانه کوه و نام آن یادآور این سنگ است . بر بالای این سنگ حوضی از سنگ و ساروج است و بنیان قلعه ای دیده می شود.<sup>۱۲</sup>

سنگهای قبور بالای گردنه شاپین (شلفین)

نرسیده به سرگردنه شاپین ، طرف آبریز شمالی دوسنگ ، قبر محمد حسن خان اعتماد السلطنه دیده است که بر آنها نامهای زیر بوده است :

خاتم بن بهرام ۱:۹ - کیومرث بن بهرام ۱:۶

و از حوض و اطاقهایی مربوط به بشر اولیسه در دامنه ای که مسلط به چرات است یاد کرده است .

غار لی پشت = سرخ غار ۱۴

در دامنه کوه لی پشت در جنوب دهکده چرات

از بلوک ولویی سواد کوه

از دامنه کوه لی پشت تا غار تقریباً یک ساعت راه است . هزار ذرع به غار مانده پیاده به صعوبت بالا می رود . در غار عرضاً ده ذرع و طولاً طرف مشرق ده ذرع و طرف مغرب چهار ذرع است . در غار روبه شمال است . داخل غار که می-

۱۳- مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۶ . ۱۴- در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۷ ب این غار به نام سرخ غار خوانده شده است .

شوند ، به قدر پنج شش ذرع و ده ذرع طول فضایی است . سقف مثل طاق است و شش هفت ذرع ارتفاع دارد . همه جای طاق داغ آب هست . مقابل در ، سمت جنوب منفذی است که سر بالا می رود و سنگهای قوی رویهم سوار شده و داغ آب دارد . گویا در زمان بهار و برف ، آبی از این منفذ جاری بوده . به قدر چهل ذرع که بالا می رود فضایی است که باید با چراغ رفت . به قدر پنج ذرع در پنج ذرع بالاتر از آن فضایی است مثل فضای اول . از طاق آن آبی جاری است قطره قطره ، هر قطره منجمد شده ، لوله تشکیل داده ، بعضی که زیادتر شده ، به شکل پنجه چند شاخه متشکل شده ... اطراف مرتبه بالائی خاک سفیدی دارد . اما آنچه از سقف متقاطر است ، بعد از انجماد شبیه به مرمَر است . بلکه مرمَر صاف سفید خوبی است . ارتفاع جلگه چرات از شمیران هشتصد پاست . جلگه چرات محدود است از سمت شمال به کوه زرد که فاصله مابین سواد کوه و بندپی است .<sup>۱۵</sup>

قلعه ایلال = قلعه اولاد سواد کوه

در دوران سلطان سنجر (۴۹۸-۵۱۹)

در اختلافی که میان شاه غازی و تاج الملوك مرداویج - برادرش - پیدا شد . سلطان سنجر به امرا دستور داد تا مازندران را میان شاه غازی و تاج الملوك قسمت کنند . برای انجام این امر امیر قشتم را با ده هزار مرد مأمور و روانه مازندران کردند تا به شاه غازی از جهت مرگ پدر تعزیت گویند و صلح او را با برادرش به میان گذارند . پس از رسیدن تاج الملوك و امیر قشتم با سربازان ترك به تمیشه ، مردم این صفحات از پیر و جوان به استقبال اورفتند و به هواداری او برخاستند .

چون فرستاده سنجر پیغام سلطان سنجر را به شاه غازی رسانید . شاه غازی در جواب گفت « اگر مرداویج برادر من بود می باید توقع نعمت از من داشته باشد و به من خدمت کند . چون به خدمت سلطان سنجر پرداخته باید توقع نعمت هم از او

۱۵- مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۶ و ۲۱۷ .

داشته باشد .»

فرستادهٔ سنجر به تمشیه بازگشت و سخن شاه غازی را به امیرقشتم رسانید . تاج الملوك و امیرقشتم چون دیدند کار بسا ملایمت پیش نمی‌رود ، از استندار و مرزبان لارجان مرد ومدد خواستند . ایشان نیز به جان و دل به یاری تاج الملوك و امیرقشتم آمدند .

خبر به شاه غازی رسید . خود را به ساری رساند و از آنجا به مشك آباد و بهنمیر و قصبهٔ بازارگان رفت . در آنجا نیز نماند و به قریهٔ دونکا آمد و ابوالفضل دابورا گفت برای مصلحت ترك را ببین (مقصود امیرقشتم سردار سلطان سنجر است) . ابوالفضل رستم به راه افتاد و شاه غازی از آنجا به مرزبان آباد آمد و خود را به قلعهٔ دارا رساند . استندار و مرزبان لارجان با تاج الملوك به پای قلعهٔ دارا آمدند و قلعه را محاصره کردند و اسپهبد رستم را که سپهسالار آمل بود لشکر دادند و به پای قلعهٔ سوادکوه فرستادند . چون به پای قلعه رسید اهل قلعه تسلیم شدند و سواته کوه به تصرف اسپهبد رستم درآمد .

در این وقت علاء الدوله حسن - پسر شاه غازی - با خواهر خود در قلعهٔ ایلال بود . امیرقشتم با قسمتی از لشکریان خود به پای قلعهٔ ایلال رفت . علاء الدوله حسن چون از آمدن امیرقشتم و لشکر خبردار شد ، خواهر را در قلعهٔ ایلال گذاشت و خود از قلعه بیرون آمد و به طرف ساری رفت . امیرقشتم قلعهٔ ایلال را تسخیر کرد و دختر اسپهبد را که خواهر علاء الدوله حسن باشد دستگیر کرد و تاج الملوك کس فرستاد و آن دختر را از امیرقشتم گرفته ، نزد خود برد .

اسپهبد شاه غازی ، پسر تاج الدین تورانشاه ابن زردستان قلعهٔ چناشك را به گروگان می‌داشت . از بیرون قلعه آواز دادند که ماده بگیرید و نر بدهید یعنی دختر شاه غازی را بگیرید و پسر تورانشاه را بدهید . پسر تورانشاه را گردن زدند و سر او را به پایین انداختند . لشکریان ترك بادیدن سراو بیشتر از جای بشدند و به خرابی پرداختند ولی کاری از پیش نبردند و تاج الملوك هم از این کار فائده‌ای نبرد و مردم هم روی به

شاه غازی آوردند و شاه غازی دوباره بر سراسر مازندران مسلط شد .<sup>۱۶</sup>

#### قلعهٔ ایلال = اولاد در دوران مغول

در سال ۶۱۷ هـ که سلطان محمد خوارزمشاه از جلوقشون مغول فرار می‌کرد ، عیال و تمام خزینه و دفینهٔ خود را به قلعهٔ ایلال که اکنون اولاد می‌گویند و در سوادکوه است فرستاد و خود به قلعهٔ جزیرهٔ آبسکون متحصن شد و بعد از دو سال تحصن بمرد و خزاین و دقایق او را بواسطهٔ حصانت قلعهٔ اولاد ، مغولان نتوانستند تصرف کنند.<sup>۱۷</sup> در سال ۹۲۳ به عرض شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰) رساندند که آقا محمد روز-افزون سر از رقبهٔ اطاعت بر تافته است . بنا بر این حکم شد دورمیش خان شاملو با فوجی از دلاوران روانهٔ مازندران گردد . دورمیش خان با لشکر متوجه شد . آقا محمد اطلاع پیدا کرد و قلعهٔ اولاد و کلین را مضبوط ساخت . لشکریان دورمیش خان در پانزدهم ذیحجهٔ سال ۹۲۳ قلعهٔ کلین را محاصره کردند و پس از سه روز فتح کردند . آنگاه دورمیش خان با سپاهیان به قلعهٔ اولاد روانه شد . قاضی جهان به امر خان به قلعه رفت و با عهد و پیمان آقا محمد را از قلعه بیرون آورد .

دورمیش خان پس از فتح قلعهٔ اولاد به طرف ساری روی آورد . امیر عبدالکریم - والی ساری - پسر خود - سلطان محمد - را با دو هزار تومان تبریزی نزد خان فرستاد . در همین وقت سید حسن هزارجریبی و حکمرانان رستم‌دار - ملک کاوس و ملک بهمن - با پیشکش فراوان به اردوی خان آمدند و پس از اظهار عبودیت بازگشتند .<sup>۱۸</sup>

میر عبدالله خان بن میر سلطان محمود بن میر عبدالکریم از سادات مرعشی مازندران به دستور شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) والی سوادکوه و دشت یعنی ساری و آمل و بار فروش گشت . چون بی‌اندازه سفاک بود ، بزودی معزول شد و پسر -

۱۶- التذوین ص ۶۷ و ۶۸ . ۱۷- تاریخ مازندران ملا شیخ علی گیلانی ص ۵۰ و التذوین ص ۱۲۶ . ۱۸- احسن التواریخ وقایع سال ۹۲۳ به نقل از التذوین ص ۱۲۲ .

عمش میرزا سلطان مراد خان به جای او منصوب گردید .

میر عبدالله به قزوین آمد و مبلغی از بقایای سنوات ماضیه را متقبل شد. علی خان بیگ تکلورا شاه طهماسب مأمور کرد که با اورفته وصول بقایا نماید . بر اثر سخت گیری علی خان بیگگ ، میر عبدالله خان توهم نموده، راه فرار پیش گرفت. اما گرفتار شد و در قلعه اولاد سواد کوه اورا حبس کردند. اربابهای مازندران به قلعه اولاد ریخته میر عبدالله را به قصاص یکی از خویشان که او کشته بود مقتول ساختند و دوباره میر سلطان مراد خان حاکم مازندران شد.<sup>۱۹</sup>

پس از میر عبدالله خان و میر سلطان مراد خان ، در دوران سلطان محمد خدا بنده صفوی (۹۸۵-۹۸۹) ۲۵ هج و مرج در مازندران حکمفرما شد و در هر سری سودایی پدید آمد ، تا سرانجام قلعه اولاد و نصف مازندران را آقا الوند دیو و نصف دیگر را سید مظفر مرتضائی که از امرای مازندران بودند به تصرف در آوردند.<sup>۲۱</sup>

اسکندربیک منشی در تاریخچه قلعه اولاد در سال ۱۰۰۶ ه. ق. می نویسد :  
ذکر فتح و تسخیر قلعه اولاد مازندران که از قلاع مشهوره جهان است از سوانح اقبال که در این سال خجسته مآل به ظهور آمد ، فتح قلعه اولاد است از قلاع مشهوره مازندران.

تبیین این مقال و تفصیل این اجمال آنکه در سال گذشته که فرهاد خان به مازندران رفته بود ، اکثر محال مازندران را به حیطة تسخیر در آورده ، الوند سلطان - برادر خود - را در مازندران گذاشته بود و قلعه اولاد که از آثار قدیمه پادشاهان فرس و محکمترین قلاع طبرستان است، در تصرف الوند دیو بود و او سر به چنبر اطاعت در نمی آورد و بعضی از مازندرانیان دیوسار، به تحریک الوند دیو ، مفسدان آن ولایت که چاشنی حکومت در

۱۹- تاریخ مازندران ملا شیخعلی ص ۶۰ و التدوین ص ۱۲۶ . ۲۰- در این فاصله چند ماهی سلطان امیر حمزه سلطنت داشته است . ۲۱- تاریخ عالم آرای عباسی

مذاق ایشان جایگیر شده ، دل از آن بر نمی داشته ، با الوند سلطان یاغی شده ، اطاعت شایسته به تقدیم نمی رسانیدند و الوند سلطان به مصلحت وقت با الوند دیو و آن جماعت مدارایی می کردند . چنانچه بعضی از ارباب غرض اورا به مخالفت برادر و موافقت یاغیان مازندران متهم ساختند. اگرچه مشارالیه اندک بهره ای از جنون داشت و اعمال و افعالش موافق قانون عقل نبود . اما این معنی که جز مقتضی جنون کامل نتواند بود از او دور می نمود .

بالجمله چون رایات جلال از سفر لرستان عود نموده به مقر سلطنت نزول فرمود (یعنی شاه عباس اول به اصفهان وارد شد) ، فرهاد خان را رخصت رفتن مازندران دادند که الوند دیو و قلعه اولاد را به تصرف در آورده ، ساحت آن ولایت را از خار تعرض ارباب طغیان و عصیان پاک سازد . فرهاد خان تکیه بر اقبال بی زوال شاهی نموده، روانه آن صوب شد. نخست برادر خود را که متهم به یاغیگری شده بود ، به پایه سریر اعلی فرستاد و چون بر ضمیر اشرف ظاهر بود که این معنی نسبت به او تهمت و افتراء است و اگر ارتکاب بعضی امور خلاف آمیز کرده باشد ، از سفاهت و بی عقلی و نشای جهل و جنون است و یا تواند بود که به حسب ضرورت چند روزی که با دشمن مدارائی کرده باشد. بهر تقدیر اورا مطلق العنان ساختند و فرهاد خان در کمال شوکت و اقتدار متوجه انتظام مهام کل طبرستان شده ، میانه او و الوند دیو نخست مراسلات به وقوع پیوست و از حال ملک بهمین قیاس حال خود نموده ، اصلاً از خوف جان راضی به ملاقات فرهاد خان نمی شد. فرهاد خان از اطاعت او مأیوس گشته ، متوجه محاصره قلعه اولاد شد. الوند دیو چون بالفعل معین و ناصری که اورا از مضیق محاصره قزلباش خلاص سازد ، گمان نداشت ، خود را محصور نساخت . اولاد و اتباع و فرزندان را در قلعه گذاشته . خود با معدودی از مدافعان روی به جنگلستان

آورد. فرهاد خان به محاصره قلعه پرداخته، به حسن سعی و تدبیر، کار بر محصوران تنگ ساخت و جمعی از اهل قلعه را به دانه انعام و احسان رام ساخته، چاره بجز بیرون آمدن و قلعه سپردن نیافتند و به یمن اقبال بی‌زوال شاهی فتح قلعه تیسیر پذیرفت، تمامت اموال و اسباب و ممتلكات الوند دیو و اولاد و اتباع به دست درآمد و حقیقت این فتح مبین را به خدمت اشرف (شاه عباس) عرض کرد و در وقتیکه رایات جلال از قزوین به رسم سیر و صحبت به اصفهان توجه نموده، به کاشان رسیده بودند، خبر فتح قلعه اولاد رسید و فرهادخان به خلع فاخره و جایزه و جلدوی متکثره سرافرازگشت و الوند دیو بیسر و سامان در جنگل و بیشه گردیده، هر شب درجایی و هرروز درمقامی با کمال بی‌آرامی مقام نداشت.<sup>۲۲</sup>

در سال ۱۰۰۷ ه. ق. شاه عباس پس از فراغت از امور استارباد جهت به دست آوردن الوند دیو و دیو ساران مازندران که هنوز در بیشه خلاف و طغیان مانده بودند، عزم توجه آن صوب جزم کرد و قرار داد خاطر اشرف آن بود که اگر در این زمستان در مازندران توقف لازم آید طرح قشلاق انداخته، اقامت فرمایند که چون بیشه و جنگل از برگ و بارعریان گردد، اورا با هر کس که هوای یاغیگری و طغیان در سر داشته باشد، بدست آورند و تا عرصه آن ولایت از ارباب طغیان و متغلبان پاك نگردد به جانب عراق حرکت ننمایند و اعیان مازندران را نیز به وعده و وعید متنبه گردانیده، به پیدا کردن الوند دیو و یاغیان مکلف ساختند و جمعی را پیشتر از موکب همایون بتفحص و تجسس ایشان مأمور کرده روانه نمودند.

این اخبار به الوند دیو رسیده، راه نجات منحصر در استیمن و آمدن به درگاه فلک نشان یافت. نخست کس خود به درگاه معلی فرستاده

۲۲- تاریخ عالم آرای عباسی ج ۲ و قایع سال ۱۰۰۶ ص ۵۴۲ و ۵۴۳ و التدوین ص

به شهزاده پاك طینت نیکو سریرت یعنی عمه محترمه حضرت اعلی توسل جسته که اگر از خدمت اشرف درخواست گناهان این گنه کار فرموده، متقبل عفو تقصیرات من گردند از سر قدم ساخته، به درگاه عالم پناه می آیم. شاه عباس از این حال آگاهی یافته، پیغام داد که هرگاه الوند دیو از روی اخلاص به درگاه ما آید، به جان و مال و عرض و ناموس در امان است و الا دانسته باشد که تا دفع شر او نشود، حرکت از مازندران به هیچ طرف ممکن نیست.

الوند دیو از نوید عطف و جان بخشی مستظهر گشته، تکیه بر مروت شاهی نموده، روی امید به درگاه جهان پناه آورده، خود را به در دولت سرای همایون انداخت و حضرت حسب الوعده اورا نوازش نموده، رقم عفو بر زلات او کشیدند. مشروط بر اینکه هوای سوادکوه و آرزوی حکومت آنجا از سر به در کرده، با فرزندان و اهل و عیال به عراق آمده، مرفه الحال در ظلال دولت ابد قرین به سر برد و از بیم آفت و مس مخافت ایمن باشد. مشارالیه از این عاطفت و جان بخشی کلاه شادمانی به آسمان انداخته، حیات چند روزه را غنیمت شمرده، با فرزندان و متعلقان به عراق آمد و به توطن دارالملک شیراز رغبت نمود.<sup>۲۳</sup>

در سفرنامه ناصرالدین شاه درباره قلعه اولاد آمده است:

قلعه اولاد از سرگردنه فیروزکوه که به طرف سوادکوه سرازیر

شدیم طرف دست چپ سرکوه است.<sup>۲۴</sup>

اگر نشانی ناصرالدین شاه درست باشد قلعه اولاد قابل تطبیق با «قلعه گردن»

یا «دیو قلعه» است که در چپ جاده فیروزکوه به طرف سوادکوه است. اگر خلاف

این مسیر را طی کنیم یعنی از پل سفید به طرف ورسک حرکت کنیم، دو قلعه نوك تیز

۲۳- تاریخ عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۵۸۵ و ۵۸۶ و قایع سال ۱۰۰۷.

۲۴- سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۸۲ (به نقل از التدوین ص ۳۳).

که دامنه شمالی آن جنگل است دیده می‌شود. بر قلعه‌ای که مسلط به جاده است، قلعه‌ای قدیمی است. سه برج بر طرف شرقی آن دیده می‌شود. آثار باروی آن هنوز باقی است. (عکس شماره ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷). آب انبار دارد و لوله‌های مسی به قطر شش هفت سانتیمتر که درازای آنها به نیم متر می‌رسد، در قلعه یافت شده است که ظاهراً بوسیله این لوله‌ها، آب را از نقاط دور دست به قلعه می‌رسانیده‌اند. مصالح اصلی آجر و سنگ و گچ و آجرهای قالب بزرگ است که خود علامت قدمت این قلعه است. در فاصله کمی از این قلعه دو غار است که در محل معروف به زندان است و ظاهراً روزی از آنها استفاده زندان می‌شده است. آقای پروفیسور شروین باوند اظهار کردند که در حدود هفتاد سال پیش شاهد حفاری درویشان قلابی در این قلعه بوده‌اند و کاسه‌های نقش‌دار زیادی بیرون آمده است.

#### آثار تاریخی در اراضی «یا»

در حدود پنج کیلومتری ورسک در محلی به نام «یا» حمام قدیمی و گنگ و آجر فراوان است.

#### قلعه‌ای متصل به پل ورسک

در داخل دهکده عباس آباد

پل ورسک داخل خاک قصبه عباس آباد است و ورسک مقابل قصبه عباس آباد است. ظاهراً این نام چون خوش آهنگ بوده است به این پل داده‌اند. وصل به پایه جنوبی آن کوهی است که بالای آن قطعه زمین صاف شیب‌داری است. بر روی این قطعه زمین آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است که می‌توان آن را قلعه عباس آباد خواند. (عکس شماره ۲۱۸).

#### قلعه‌ای قدیمی

بالاسر قلعه عباس آباد بر سر کوه بزگوش

آثار بارو و حصار قلعه و باقیمانده اطاقها و پایه‌های برجهای آن برقرار است.

مصالح به کار رفته سنگ و گچ و آجر و ساروج است.

سدی بر آب تالار

میان سامان اوریم و عباس آباد

آثار این سد زیر دست قلعه گردن = دیو قلعه بريك طرف آب است.

#### قلعه‌ای قدیمی

بردست راست تونل آخری از فیروزکوه

نزدیک به جاده راه آهن دو گل بر سر کوهی منفرد آثار قلعه‌ای قدیمی است که فعلاً مقداری از يك برج آن بر قلعه کوه باقی است. مصالح آجر و گچ و ساروج. (عکس شماره ۲۱۹).

#### آثار سدی قدیمی

نزدیک غاری در سمت چپ تالار

باقیمانده دیوار آن در بدنه غربی کوه برجای است ولی طرف شرقی را کوه بری کرده و راه شده است. (عکس شماره ۲۲۰).

#### برج و باروی قلعه‌ای قدیمی

قبل از تونل اول در راه سمودک به ورسک

بر کوهی منفرد بارو و برجهای قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود (عکس شماره ۲۲۱).

#### رباط شاه عباسی

بر سر سمودک عباس آباد

دارای اطاقها و صنفه‌های متعدد دو طرف شمالی و جنوبی، در عرض کاروانسرا که ۳۰ متر است مالیند است. از در اصلی که وارد می‌شویم صنفه‌های متعدد در چپ و راست است. روبروی در اصلی سه اطاق منفرد جدا و ظاهراً شاه نشین است کاروانسرائی عظیم و پروسعت است ضلع شرقی آن ۵۰ متر است.

در سفرنامه رضاقلی میرزا بهخوارزم از رباط سرگدوگ یاد شده و محل آنرا در چهار فرسنگی راه فیروزکوه به سوادکوه بر بالای گدوگ فیروزکوه نوشته است.<sup>۲۵</sup> حاجی زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ ه. ق. این کاروانسرا را دیده و از آن یاد کرده است.<sup>۲۶</sup> (عکس شماره ۲۲۲).

#### برج دیوکلای

در راستویی بر سر دوراهی سرخابادکنار جاده ورسک به پل سفید

برجی قدیمی از سنگ و گچ بر سر چکادی منفرد ساخته بوده اند ظاهراً مأمورین راه این برج را خراب کرده بوده اند. پروفیسور شروین باوند بر سر بنیاد اصلی برجی هشت ضلعی به قطر چهارمتر و ارتفاعی در حدود سه متر و نیم باکنگره های مستطیل ساخته اند. از سه پنجره کوچک که در این برج است سه جهت دیدبانی می شود سقف آن هم مخروطی دارد که می توان به بام رفت. پله های سنگی از کف جاده ما را به مدخل برج می رساند. (عکس شماره ۲۲۳) نظیر این برج در ورسک بود در راهسازی از میان بردند.

اطراف برج دیوکلای گورستانی بود. برای اینکه اطراف برج زمینی صاف شود، پروفیسور باوند دستور داد تا کسانیکه در این گورستان عزیزی دارند استخوانشان را ببرند. عده ای استخوانهای پوسیده مردگان خود را بردند. سپس دستور صاف کردن دادند. طبق اظهار ایشان بیشتر جمجمه ها سوراخ و اثر تیر در آنها بود و چند پیکان هنوز در استخوانهای دنده ها باقی بود. ظاهراً در دوران تیسر و کمان جنگی هولناک در این منطقه روی داده است.

۲۵- مسافرت رضاقلی میرزا بهخوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۰.

۲۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۶.

#### آثار تاریخی در ارفهده (= ارفح ده) سوادکوه

ارفهده که در فرهنگ جغرافیایی ایسران، ارفح ده ضبط شده است، از دهکده های راستویی سوادکوه است که در طرف چپ آب سرخاباد قرار دارد. در جوارده محلی به نام «مچدر» (= مسجد سر) است. در دوران حکومت شعاع الملک باوند دوسه نفر درویش نمای یهودی الاصل پیدا شدند و ادعا کردند که در مسجد سر بنا نشانهایی که در دست دارند گنجی نهفته است. شعاع الملک دستور داد سی چهل نفر کارگر حاضر کردند که و شروع به حفاری نمودند. بعد از خاکبرداری سه ستون گچی کله قندی خیاره دار و مجمری مفرغی که دایره آن در حدود یک متر بود یافتند. درویشان یهودی گنج یاب که از گنج نشانی نیافتند اظهار کردند که گنج اصلی زیر این ابن قسمت است بعد از کندن غیر از روغن دانه های متعدد چیزی نیافتند. با از میان بردن اثری تاریخی راه خود را گرفتند و رفتند. این محل ظاهراً آتشکده قدیمی دهکده بوده است که امروز خرمن گاه شده و گندمهای ده را پس از کوبیدن در آنجا بادمی دهند. بر بالای قلعه ای که مسلط بر این آبادی است محلی به نام قدمگاه دلد علی بن ابی-طالب علیه السلام است که آثار و علائم آن نشان می دهد که آتشکده عظیمی بوده است<sup>۲۷</sup> در محلی به نام «دیوکلای»<sup>۲۸</sup> که پایین تر از قلعه ارفح کوه و میان این قلعه و مسجد سواست، طبق نظر ساکنان محل، خروس طلائی است که روزهای معین از سال بیرون می آید و آواز می کند و پنهان می شود.

قله ارفه کوه با تنگ سرخاباد و چپرخانه بوسیله آتشگاهها در ارتباط بوده اند و احتمال می رود که کنار آتشکده ها که جنبه تقدیس داشته آتشگاههای ارتباطی و مخابراتی نیز برپا می کرده اند.

بالای ارژنگ پارك - خانه شکاری پروفیسور شروین باوند - خمره ای دهان تنگ که انتهای آن نوک تیز و باریک است که قطر دایره دهانه آن در حدود ۲۰ سانتیمتر و

۲۷- از افادات پروفیسور شروین باوند که خود شاهد و ناظر بوده اند.

۲۸- بکسر دال و کاف.

و درازی آن در حدود يك متر و قطر دایره شكم آن در حدود ۶ سانتیمتر است سالم و صحیح یافت شده است.<sup>۲۹</sup> آقای نصرالله علی آبادی اظهار کردند دو سنگ تراشیده از دوران شاه عباس در ارفه کوه بر جای است و ایشان خود دیده بودند نگارنده در محل آنها را نیافت.

غارى به نام «دیولیل»،<sup>۳۰</sup>

در دوراهی شاهمهر (= آزادمهر کنونی) منطقه زیر آب ولویی سواد کوه غاری در دل تپه، در حدود چهل متر درازا و يك متر و نیم پهنا دارد. چون بر بالای تپه مقرر پاسداران انقلاب بود اجازه بازدید ندادند.

پل سفید

در ایستگاه پل سفید راه آهن از دهکده‌های راستویی سواد کوه

در ازای پل ۲۵ متر و پهنای آن ۴۵۰ سانتیمتر است. پلی است دودهنه بر روی رودخانه تالار که يك دهنة آن بزرگتر و دهنة دیگر کوچکتر است. با گذشتن از روی این پل جاده شاه عباسی از طرف چپ آب تالار به طرف راست می آمده است.

این پل بر روی رودخانه تالار ساخته شده و به قول رضا قلی میرزای هدایت «پلی وسیع و محکم است».<sup>۳۱</sup>

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۲ ه. ق. که سفر اول او به مازندران بوده است، این پل را دیده و می نویسد که این پل در دهکده پل سفید سواد کوه است و از بناهای شاه عباس است.<sup>۳۲</sup>

۲۹- از افادات آقای پروفیسور شروین باوند .

در مجموعه‌های کتابخانه سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب ۴۷ الف به نام قلعة دیو در لیل قشلاق اهالی راستویی سواد کوه یاد شده است. ۳۱- مسافرت رضا قلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱ . ۳۲- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از التدوین ص ۳۳ .



حاجی زین العابدین شیروانی در سال ۱۳۱۵ ه. ق. پل سفید را دیده و درباره آن نوشته است :

از کاروانسرا تا سرپل هفت فرسنگ است و از پل سفید به پایین جزء زیراب است.<sup>۳۳</sup> (عکس شماره ۲۲۴)

برج پیرشهریار

در دهکده لمزر راستویی سواد کوه بر کنار جاده ده میان

برجی است گرد با بامی کله قندی، قطر داخلی آن ۲۳۵ سانتیمتر و قطر دیوار آجری آن ۷۰ سانتیمتر است. در و صندوقی داشته که به سرقت رفته است. یکی از سرشناسان محل می گفت که این بقعه سنگی داشت که بر آن عبارت « درویش علی شهریار بن درویش محمد شهریار » حک شده بود ولی نمی دانست که فعلاً در اختیار کیست.

گور مدفون در این بقعه در دل سنگ تراشیده شده و بر سر آن لب سنگ گذاشته اند و خود بنا بر چکاد یا صخره سنگ است. بنا سراسر از آجر و گچ و اطراف بنا پاره‌های کاشی دیده می شود که ظاهراً پوشش گنبد بوده است. دری آهنی بجای در چوبین قدیمی آن نصب کرده اند و پنج شش پاره چوبهای صندوق به درازای هفتاد سانتیمتر و پهنای شش هفت سانتیمتر بیرون و داخل بقعه ریخته بود. اطراف بقعه گورستان است که در این محوطه يك اصله درخت ون (= زبان گنجشک) و پنج اصله درخت آزاد است که دو اصله آنها بنا را در بغل گرفته است. (عکس شماره ۲۲۵)

نویسندگان Corpus در سال ۱۳۵۰ ه. ش. از این مزار بازدید کرده اند و نام دهکده متصل به آن را « لمزر » (بفتح لام و زاء) ضبط نموده اند در صورتیکه ما این نام را بکسر لام و زاء شنیدیم. این هیأت درباره مرقد پیر محمد شهریار نوشته اند :

این مزار در سواد کوه، پنج میلی پل سفید است. در روی نقشه

Adamec محل و نام دهکده لمزر آمده ولی در شرح سفرش از این محل

ذکری به میان نیامده است. بارگاهی است که برگور درویشی ساخته شده است. ظاهراً از فرنگیان کسی پیش از Mary Borkett متوجه این گور نبوده است. او در سال ۱۹۶۲ میلادی این محل را بازدید کرده، در آن وقت در ورودی و صندوق بقعه وضع بسیار خوبی داشته‌اند. اما به علت تاریکی درون بقعه، او نتوانسته است شرحی درباره کتیبه‌های آن بنویسد.<sup>۳۴</sup> نویسندگان Corpus در باره راه آن می‌نویسند که راه آن به رسگت می‌رود و از آنجا دنباله راه تا لمزر ادامه پیدا می‌کند.

هنگام بازدید نامبردگان، صندوق کنده کاری آن تکه پاره و آشفته بوده، اما بدنه و کتیبه‌های فارسی آن برقرار بوده که عسکبرداری کرده‌اند. در بازدید بعدی که همراه Dr. Gerd Gropp بوده‌اند، اثر کمی از صندوق باقی مانده بود و می‌نویسند از وضع فعلی آن اطلاعی نداریم.<sup>۳۵</sup>

در بازدیدی که نگارنده روز بیستم تیرماه ۱۳۶۳ کرد، اثری از در نمانده بود و به جای آن دری آهنی گذاشته بودند و چهار پنج پاره از تخته‌های نقش دار صندوق بیرون و داخل بقعه افتاده بود.

عکسهای کتیبه صندوق که نویسندگان Corpus گرفته‌اند قابل بررسی و دقت بیشتری است. با اینکه متن آن خوانده شد ولی معنی آن بر ما روشن نیست. ظاهراً کلمات قصار درویش محمد شهریار به لهجه محلی بوده است. نگارنده از آقای عبدالرحمن عمادی خواست تا این گره را به ناخن گره‌گشای خویش بگشایند. آنچه نگارنده خوانده است:

بسم الله [الرحمن الرحيم]

لا یستوی اصحاب النار واصحاب الجنة هم الفائزون \* لوانزلنا

34- Mary E. Burkett, Tomb towers and inscriptions in Iran, oriental Art N. S. XI, No 2, 1965, 101 and Fig. 4. 35- Corpus, P. 6.

هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعاً متصدعاً من خشية الله...<sup>۳۶</sup>  
 شریار گفت خوزنه مسامله وادل مبند جورطلب کنی خدا و فرشته  
 را که سروم اجراه می‌دا که بون طلب کنی خدا انرا که درد بوطلب کنی ذفا  
 اتفاق افتاد در عهد درویش صالح زاهد عابد درویش محمد شهریار در وقت  
 اوفن در بیستم آبان ماه قدیم بمبارکی بیستم بود در تمام شده این کار انشاء  
 الله تعالی بتوفیق حق جلی جلاله ابتدا کار بدست درویش علی خرومه زاهد  
 عابد شد بدعاء خیرباد ثمانین و سمانته هجرة محمد علیه  
 شیخ سلطان بالوکیا سلطان فرماید علیه الرحمة والتحیة والرضوان  
 هر دل که به ایمان نکیر کاف و رایه سودارین علم شناوش  
 آهن که نبین کله گره تاوش پرسونکن سک شونکاوش  
 خط نوشتیم تا بماند یادگار من نمانم خط بماند روزگار  
 کاتب حروف علامه بن قاضی بن فانقک.

باز شناخت دوشعر عارفانه از دوشاعر درویش برچوب گورخانه‌ای در طبرستان

تلاشهای ارزشمند منوچهر ستوده پژوهنده و گردآورنده دانشمند آثار باستانی و فرهنگی مردم شمال ایران پیوسته مایه غنای بیشتر مجلدات کتاب او (از آستارا تا آستارباد) شده که تاکنون جلدهای اول و دوم و سوم و ششم و هفتم آن چاپ و نشر گردیده و جلدهای چهارم و پنجم نیز در دست چاپ است.  
 یکی از صدها و صددها نمونه این کوشش بارزش او، موضوع همین یادداشت است که میخوانید. اودر روستای کوچک لمزر = Lamzar سوادکوه (در دامنه دره تالار در پنج میلی پل سفید) آرامگاهی باستانی یافته که بر روی گور آرامگاه در و سر-پوشی صندوق مانند از چوب بسوده. بر آن نوشته‌ای را کنده و نقر کرده بودند.

۳۶- سورة الحشر آیه ۱۹ و قسمتی از ۲۰.

عکس‌هایی روشن از آن نوشته فراهم آورده و خود نوشته را تا آنجا که میشد خوانده است. چون واژه‌هایی از نوشته و خط آن خوب خوانده نمیشد و مطالب روشن نبود و گمان لفظ محلی میرفت، از نگارنده ناچیز خواست که عکس و نوشته را بررسی کنم تا پرده از روی معمای آن برداشته شود.

یکی دوهفته کار روی نوشته، خوشبختانه حاصلی بیار آورد که یگمان این ناچیز خود سندی است برای گنجینه بی‌پایان فرهنگ مقدس ایرانی. اینک حاصل آن کار که بکشف چندین گوشه ناشناخته از تاریخ و فرهنگ و از جمله درباره شیخ بالوی آملی و معنای باز یافته از رقه‌ای از واژه‌های کهن ایرانی انجامید.

آنچه را که من از روی عکسها خوانده‌ام چنین است:

شریار گفت کی خوزند مسامله وا زعل میند چرا طلب کنی خدا فرشته را و مهزوما جراء می واکه بون طلب کنی خدا آنرا که در دبو طلب کنی دقا.

اتفاق افتاد در عهد درویش صالح زاهد عابد: درویش محمد شریار در وقت اوغان در بیستم آبان ماه قدیم. بمبار کی بیستم بود. در تمام شده. این کار انشاء الله تعالی بتوفیق حق جل جلاله. ابتداء کار بدست درویش علی خرومه زاهد عابد شد. بدعاء خیر باد.

ثمانین و ثمانمئه هجرت محمد علیه.

شیخ سلطان بالوکیا سلطان فرماید. علیه الرحمة والتحیة والرضوان: هر دل که بایمان نگیره کاف و رایه سودا بردش علم مشناوش آهین که نبین کله کوه کاوش پرسونکن بسنگ سوکن میکاوش خط نوشتم تا بماند یادگار من نمانم، خط بماند روزگار کاتب حروف: علامه بن قاضی بن فانقک

بررسی نوشته بالا

اکنون که همه خط خوانده شد، حاصل بررسی آنرا در زیر می‌آوریم:

الف: ساختمان صندوق شکل چوبی آرامگاه و نوشته‌کننده کاری شده آن، در عهد (درویش صالح زاهد عابد، درویش محمد شریار) و آغاز و پایان کارش بدست (درویش علی خرومه زاهد) شده.

خرومه زاهد یعنی: پارسای نیکو و بسیار خوب و نازنین. واژه خوروم = Xorum بصورت صفت پیش از موصوف هم امروز نیز درگیلی و دیلمی و گویش‌های البرزبان زبانزد است.

ب: تاریخ پایان صندوق آرامگاه: هنگام اوغان Avqan یعنی: افغان و زاری، در ماه محرم بروزهای سوگواری، برابر با بیستم آبان ماه قدیم فارسی از سال ۸۸۰ هجری قمری بوده است.

پ: نوشته‌ای بد خط که بر روی صندوق گورخانه کنده کاری شده، پاره‌ای بشعر از دو شاعر بنامهای (شریار) و (بالوکیا) و پاره‌ای به‌نثر است که علامه پسر قاضی پسر فانقک نوشته. (فانقین Fanaqin امروزه نام روستائی است از رودبار الموت: شاید فانقک منسوب بدانجا بوده است).

ت: از دو شاعر، سه بیت از شریار و دو بیت از بالوکیا یادگار نوشته شده است.

۱- بالوکیا، یا بنوشته متن: شیخ سلطان بالوکیا سلطان که زمانی پیش از ۸۸۰ هجری قمری در گذشته بوده، چنانکه گمان میبرم، همان بالوی زاهد یا شیخ بالوی آملی است که از روستای بالو از ناحیه کوهپرا کجور طبرستان بوده، در آمل، مرکز طبرستان آن زمان، میزیسته، رهبری آن گروه از درویشان را داشته که يك شاخه آن بعدها رهبر روحانی سرداران و شاخه دیگرش سادات مرعشی‌مازندران بودند که بفرمانروائی رسیدند.<sup>۲۷</sup>

شیخ بالوی زاهد آملی یا شیخ سلطان بالوکیان سلطان، بنوشته میرز ظهیرالدین

مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، از پیران پیشوای درویشان طبرستان بود که با یازده واسطه رشته رهبری معنوی خود را به بایزید بسطامی میرسانید. همان بایزید بسطامی نامداری که پدر بزرگش مجوس بود و بدست امام هشتم شیعیان، امام رضا (ع) مسلمان شده بود.

بنوشته ظهیرالدین مرعشی، شیخ خلیفه مازندرانی، خرقه رهبری درویشی را از بالوی زاهد یا بالوکیا دریافت کرده بود. زیرا زمانی نزد وی در آمل آموزش می‌یافت. شیخ خلیفه سپس از استاد و پیر خود جدا شده نزد رکن الدین علاء الدوله سمنانی فرزند ملک شرف الدین سمنانی که از شیخان نامدار زمان بود رفت. سپس از او هم جدا شد و شالوده مکتب دینی و سیاسی سربداران را پی‌نهاد. شیخ حسن جویری فرقه رهبری را از شیخ خلیفه گرفت. چون شیخ خلیفه در ۲۲ ربیع الاول ۷۳۶ هجری کشته شد، ناگزیر بتفریب زمان زندگی و رهبری بالوکیا یا بالوی زاهد آملی باید حدود ۶۵ تا ۷۲۰ - ۷۳۰ هجری قمری بوده باشد. از این رو میان شریار که در ۸۸۰، بهنگام درست کردن صندوق چوبی گورخانه زنده بوده با (بالوکیا) حدود ۱۷۰ تا ۲۰۰ سال فاصله است.

زمان بالوکیا دوره ایلخانان مغول (مانند دوره ابوسعید بهادر خان) بود که ستمهای بی‌پایان آن وحشیان و ویران‌گران در ایران مردم را کارد باستخوان رسانده زمینه شورش‌ها را در گوشه و کنار و از جمله در شمال ایران فراهم میساخت. از این دید با لوکیا را باید از سردستانان فکری جنبش درویشان انقلابی آن زمان، که جنبش سربداران یکی از اشکال آن بوده بشمار آورد.

شاید: روستای بالو محله پیرامون ساری که امروزه بهمین نام برجا است و مسجد بالو که بنوشته علی‌لاهیجی، در تاریخ خانی، در دهستان ناتل مازندران بوده<sup>۳۸</sup> یادگاری از بالو و پیروان او باشد.

معناهای بالو چیست؟ در تاریخ و فرهنگ ایران به نام بالو در جاهائی برمیخوریم.

۳۸- تاریخ خانی - بکوشش منوچهر ستوده ص ۸۳.

بنوشته فردوسی: بالو - بالوی از بزرگان ایران بود که خسرو پرویز ساسانی بسفارت نزد قیصر روم فرستاد<sup>۳۹</sup>.

بالو، بالوی، بالویه: نام تیره و خاندانی است ایرانی که در بیهق قدیم (سبزوار و پیرامون آن) در سده‌های سوم و چهارم هجری کسانی که دردانش دین و حدیث پرورده نامدار ساخته است.

در واژه شناسی بالودارای معناهای زیر است. از میان معناهای چندی که برای بالو آورده شده، اینها که در زیر می‌آورم برای نام پارسا و عارفی چون بالو برازنده است:

درفرنگهای فارسی: بالو یعنی: برادر - برادری که از یک پدر و مادر باشد - آواز اندوهبار و حزین - بالو، ریشه فعل بالودن در فرهنگها یعنی: بالودن - افزودن - بالیدن - نمو کردن - بزرگ شدن - آلودن - آلوده کردن<sup>۴۰</sup>. از این رو بالو یعنی: پالایش - افزونی - بالیدگی - بزرگی - آلودگی.

بالو و بولو = Bolu در گیلی و دیلمی نام گونه‌ای بیل دسته دار کوچک و سرکیج در کشاورزی است.

(بال) در فرهنگها بهمین معنی آمده و پیشینه آن بسیار قدیم است.<sup>۴۱</sup>

گذشته از اینها بالو در طبری و دیلمی بمعنی: نوعی اسلحه و گاه نام همگانی گروهی از جنگ افزارهای قدیمی بوده که بدست می‌گرفته و می‌جنگیده‌اند. باین معنی در فرهنگها نیامده، در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ظهیرالدین مرعشی بکار رفته و گواه دارد. چنانکه در ۷۹۵ هجری قمری در جنگ سادات مرعشی مازندران بر رهبری سید کمال‌الدین، که در دژ ماهانه‌سر در برابر تیمور تاتار خونخوار

۳۹- شاهنامه. بکوشش آ- برتلس ونوشین ج ۹ ص ۷۶ - ۷۷.

۴۰- لغت‌نامه.

۴۱- البیان والتبیین ج ۱ ص ۲۳۲ ونشوه اللغه ص ۱۳۷ ولغت‌نامه دهخدا.

می‌جنگیدند، چون شکست بر مرعشیان افتاد، میر، یعنی رهبر سادات در دژ بنشانه تسلیم اسلحه را بزمین انداخت و در پی آن چارچیان بزبان طبری بانگ برآوردند که: بالو بینگن که میر بینگو Bâlu bingen ke Mirbingu یعنی: اسلحه را بزمین بیندازید که میر نیز انداخت<sup>۴۲</sup>. این گفته طبری تا زمان درازی برای سرکوفت و ریشخند، دستاویز و ضرب‌المثل مردم عادی بود.

واژه کیا که معنی بزرگ و فرمانروا و گرمی داده و میدهد و بویژه از القاب دیلمیان و طبرستانیان بود روشن است. بنا بر آنچه که در بالا آوردم بالو: برادر - بزرگ - آواز اندوهبار - فزونی - بالیدگی - آلودگی - پالودگی - سلاح جنگ - بیلچه کشاورزی، معنی میدهد.

همه این معناها می‌توانند یادآور سرگذشت دودمانی یا زادگاه یا ویژگیهای درویش عارفی چون بالو کیا باشند.

ت: شریار = Sharyâr :

گمان می‌کنم شریار همان است که در متن نوشته صندوق آرامگاه، بار دیگر بنام درویش محمد شریار آمده و گفته شده است که ساختمان در عهد آن درویش پارسا و فرمان او ساخته شده است. شریار نیز گویا، سر دسته و رهبر گروهی از درویشان آن زمان بوده که کسانی مانند درویش علی، سازنده گورخانه پیرو او بوده‌اند. چنین نامی برای درویشی شاعر، در تاریخهای سرزمینهای شمالی ایران برنخورده‌ام. واژه شریار در لغت‌نامه‌ها نیامده است. ولی در دیلمی و گویش‌ها زبانزد است.

شریاری تلفظی است از شهریار. چنانکه در دیلمی شهربانورا شربانو - شادبانو و شهر آگیم را شراکیم و ماه شهریور را درگاه‌شماری دیلمی (در لفظ نه در جای آن در تقویم) شریر یا شریر Sherir می‌گویند. ...

واژه شر = SHR جداگانه نیز در فرهنگها بمعنی نامی از نامهای آفتاب آمده است. از این رو شریاری یعنی: شهریار - مهربار - خورشیدیار.

تیره شهریارهایی که از کهنه‌ترین و بلند آوازه‌ترین دودمانهای ریشه دار و باستانی فرمانروای بخشی از البرزکوه بوده‌اند که بسیاری از آنها پیش از اسلام و پس از قرن‌ها، بویژه در همین نواحی شمال فیروزکوه پیرامون رشته کوهستان شروین و سوادکوه و بخش‌های دودانگه و کوه‌های جنوب ساری فرمان می‌راندند. سر دودمان این تیره قارن از خاندانهای اشرافی تراز نخست زمان ساسانیان، باو بوده که باوندان طبرستان یا اسپهبدان آن خاندان در تاریخها فراوان یاد شده‌اند. در اینجا برای نمونه از کتاب با ارزش و کهن و نامداری که حدود العالم نام یافته و در ۳۷۲ هجری قمری نوشته و تا کنون دوبار بکوشش منوچهرستوده چاپ گردیده است تکه‌ای را بگواه می‌آورم. نویسنده ناشناخته آن کتاب که از منجیل تا نزدیک‌های گرگان را در آن زمان جزء دیلم بشمار می‌آورده نوشته است:

«کوه قارن: ناحیتیست که مرآورده هزار و چیزی دهست. و پسادشای او را اسپهبد شهریار کوه خوانند. و این ناحیتیست آبادان. و بیشتر مردم وی گیرکانند و از روزگار مسلمانی باز، پادشایی این ناحیت اندر فرزندان باو است. پریم: قصه این ناحیتیست. و مستقر سپهبدان بلشکر گاهی است برنیم فرسنگ از شهر و اندر وی مسلمانان‌اند. و بیشتر غریب‌اند، و پیشه ور و بازرگان. زیرا که مردمان این ناحیت جز لشکری و برزیگر نباشند. و بهر پانزده روزی اندر وی روز بازار باشد. و از همه این ناحیت مردان و کنیزکان و غلامان آراسته بازار آیند و با یکدیگر مزاح کنند و بازی و رود زنند و دوستی گیرند. و رسم این ناحیت چنان است که هر مردی کی کنیزکی را دوست گیرد، او را بفریید و ببرد و سه روز بدارد، هر چون کی خواهد. آنگه بر پدر کنیزک کس فرستد تا او را بزنی بوی دهد. و اندر نواحی وی چشمه‌آبست کی یکسال اندر، چندین بار بیشترین مردم این ناحیت آنجا شوند. آب آسته، تا نبیید و رود و سرود و پای کوفتن و آنجا حاجتها خواهند از خدای و آنرا چون تبعدی دارند. و باران

خواهند بوقتی، کشان باید و آن باران بیاید.<sup>۴۳</sup>

چنانکه خواهیم دید، بهنگام خواندن و اندیشیدن درباره شعر شریار برخی از نوشته بالا بیاد انسان می آید.

گورخانه این نوشته در همان ناحیه شهریار کوه باستانی و در منطقه ای است که برج های رسگت و لاجیم ساخته شده و هنوز هم کم و بیش برجای اند. برجهایی از هزار سال پیش و همانند گنبد قابوس و شمگیر زیاری. بسا نوشته هایی بخط کوفی و پهلوی.

در برج لاجیم، پایین نوشته ای که بخط پهلوی بوده، بخط کوفی متن عربی زیر کار گذاشته شده بود.

«بسم الله الرحمن الرحيم. هذا قبر القيم الكيا اسمعيل ابوالفوارس شهریار بن العباس بن شهریار، مولی امیر المؤمنین رحمه الله. امر بنائه .... فی سنة ثلاث عشره وار بعماثة. عمل الحسن بن علی»<sup>۴۴</sup>.

یعنی: (بنام خداوند بخشنده مهربان. این گور پادشاه، کیا اسمعیل، ابوالفوارس، شهریار پسر عباس، پسر شهریار، چاکر خلیفه (= امیر المؤمنین) است. خدایش بیامرزاد. فرمان ساختمانش را .... در سال ۴۱۳ داد و حسن پسر علی آنرا ساخت.)  
نشانه های بالا این گمان را پدید می آورند که نکند شریار شاعر و درویش سال ۸۸۰، که او نیز مانند بالوکیا به درویشی پناه برده بوده، از دودمان پرشاخ و بال و بازماندگان انبوه باوندان شهریار کوه بوده و در جای ساختمان کهن کسانی از همان خاندان برای پیران خود و درویشان دسته خویش مزاری ساخته است؟

۴۳- حدود العالم. بکوشش منوچهر ستوده چاپ اول ص ۱۲۷-۱۲۸.

۴۴- مازندران. نوشته عباس شایان. چاپ دوم - تهران ۱۳۳۶ ج ۱ ص ۳۱۰.

### شعرها و معنای آنها

شعر شریار:

شریار گفت: کای خوزند  
مسامله وا ز عمل میند  
چرا طلب کنی خدا  
فرشته را و مهر و ماجرا؟  
می وا، که بون طلب کنی خدا  
آترا، که دردبو، طلب کنی دقا.

برگردان گسترده شعر:

شریار گفت: ای خواهنده و جوینده آرزومندی که به مهمانی و جشن و عروسی فراخوانده شده ای، ای زند خوی و زند آتین خرم دین! ای خوزندا  
مانند مس، یا: زنجیر و بندی که پر پای بزهاران محکوم بزندان جاوید، می بندند، و آن حلقه را بر زمین نشین گاه یا (= مله) زندان استوار، و زندانی را زمین گیر میکنند، خود را همه عمر، به بند و عقد ناگستنی زال زمان، عروس هزار دامساد جهان (= زعل) میند. [کودکان و سبکسران بازی دوست، در دیلم، گرد هم آمده، جایی را، شادمانه، بنام ماره (= ماله، مله) مرکز دایره بازی خود میسازند و سراسر بازی (سرماره) را در آنجا می نشانند و بدستور او کار میکنند و پس از هر دور بازی، باز بهمان (ماره = ماله) بر میگردند. درست مانند فلک گردون، که زمین، ماله و مرکز بزرگ آن، و (سرماره = سرماله) یا مهر ماره، زال زمان و گرداننده این چرخ بوقلمون نشان، و بازی دهنده زمینیان است]. پس بخواهش کام دل گرفتن از نوعروس جهان، بندی بندهای زال زمان مشو و بهروسی با اوتن درمده که نوش ظاهرش نیشی است همانند زهر (مله بزرگ). ای (خوزندا)!

چرا [مانند مغان زند خوان، که در جشن‌های زندیان، یشت مهر و یشت ماه و یشت فرشتگان می‌سرایند، و یا مانند گروه‌های نهران گرا، چون خرم دینان و مراغیان رودبار و مهرپرستان، درس‌سال، نزدیک زمستان، در نهران جشن پیوند زنان و مردان برپا می‌دارند] تونیز خدا را از فرشته و مهر و ماه طلب میداری؟ ای خوزند!

می‌باید خدا را از بون، یعنی: بنیاد و اصل و اساس و شالوده بودن و شدن طلب کنی. ای خوزند!

می‌باید، برای برآورده شدن نیازت در آن کس را بکوبی که دارای (در و درگاه) با همه جلوه‌ها، یا درد، با همه نمودهایش باشد!

شعر بالوکیا:

هر دل که بایمان نگیره کاف و رایش<sup>۴۵</sup> (= کرایش)  
سودا، بردش، علم مشناوش  
آهین که نبین کله کوه کاوش  
پرسونکن، بسنگ سوکن، میکاوش

برگردان:

هر که دلش را توان و مراد (= کر، کرا) ایمان فرا نگیرد  
ناگزیر آنرا سودا بچنگ خود میگیرد  
آنگاه آنچه میگوید دانش نیست. باو گوش فرا مدار.  
آهن، که نوك کوه کاوش بر ندگی کاوش نداشته باشد  
باوسخن مگو و ازوی مپرس. سرش را باسنگ سائیده، تیز و برنده کن  
پس سنگ و کوه را میکاوا!

\* \* \*

برای پی بردن بمعناهای فلسفی و دلکش و پرمایه این شعرها باید بمعناهای

۴۵- در متن: کاف و رایه (= کرای، کر) آمده. نویسنده فانکی ش قافیه شعر را در کنده کاری انداخته.

جالب واژه‌های خوزند - مسامله - زعل - ماج - می‌وا - بون - دقا - کرا - شناو - آهین - نبین - پرسو کردن - سو، سو کردن و... نگریست.

#### گزارش واژه‌ها

الف: خوزند: Xuzand: این واژه که در لغت نامه‌های فارسی نیامده معنای گوناگون دارد:

۱- مانند مادینه‌ای که سخت شور و خواهش نرینه دارد و مردی که بسیار خواستار زناشوئی است، کسیکه جوینده و خواهنده عیش و خوشی و مهمانی و جشن و عروسی است فرا خواننده به جشن و شادمانی و مهمانی و فراهم آورنده بساط عروسی برای خود.

۲- سخت دوستدار سماع و جشن‌های آنچنانی.

۳- مانند خنیاگران و دوستداران رود و سرود - بسیار خواهنده شاد خواری - باین معناها (خوزنه) از ریشه خوز = Xuz و اسم و اسم فاعل است مرکب از (خوز + اند، پسوند نسبت و اتصاف).

در دیلمی و گیلی لاهیجان کله خوز = کله خوس: Kala - Xuz(s) به زن و دختری زیبا و خوش تن و بدن گویند که شور زناشوئی دارد.

در دیلمی شاغوزی = شاخوزی: حالت کسی است که به خود نمائی برای خواست و خواهش نفسانی خود پرداخته. در ادب فارسی و فرهنگ‌ها گواهای زیر برای معنای یاد شده یادآوری میشوند:

خوزیدن: طلبیدن - خواندن - بهمانی و عروسی طلبیدن و دعوت کردن.  
خوسه: لاس مست. خوسه شدن: فحل آمدن سگ ماده. خوسیدن: جمع کردن.  
گرد کردن - فراهم آوردن. خوستن: خواستن - خواهیدن - پرسش کردن. خوسانیدن:  
خواستن - آرزو داشتن - راغب شدن. خوز = نیشکر. خوزه = خوازه: طاق نصرت  
اطاقی که عروس در آنجا منتظر داماد میشود - حجله. خوزه بخت: خوش بخت<sup>۴۶</sup>

۴۶- به لغت نامه دهخدا بنگرید.

۴- از همین ریشه خوز (= هوز، خوس) است واژه‌ها و نامهای خوزان - خوزستان - خوزیان که از روزگار باستان، از دوران مشترک ایلامی - سومری، گرامیداشت زهره (= ناهید)، سرپرست خنیاگری و جشن و شادی و عشرت دوستی و عروسی و جشن و سست پیمانیهای شاد خواران و زال صفتی‌های گوناگون که شرح آنرا در کتاب دیار شهبازان (تالیف احمد اقتداری - نشریه شماره ۹۱) انجمن آثار ملی - بخش دوم - پیوست دوم) در مقاله خود با عنوان: (ریشه‌شناسی برخی نامهای جغرافیائی خوزستان) در گزارش نامها و مظاهر سوس - خوز (از صفحه ۸۷۶ تا صفحه ۱۲۸۶) یاد کرده‌ام. اینک در اینجا، در شعر شاعری عارف از البرز کوه برای آن مفاهیم گسترده، گواهی دیگر دیده میشود.

۵- خوزند بمعنی: زندخوی - زند آئین - دارای خوودین و روش زندبافان است. یعنی: آن گروه از مغان و مجوسان باستان و بازماندگان آنان یا آن دسته از زردشتیانی که بارهبران رسمی و دولتی زردشتیگری بر روزگار ساسانیان هم آواز نبوده نوشتارهای دینی را تأویل و تفسیر میکردند که مزدکیان پیش از اسلام و باطنیان و گروههای نهان بین و نهان کار و رازدار گوناگون در تاریخ دراز اجتماعی ایران کم و بیش پیرو همان جهان بینی بوده‌اند. روشن است که در میان دسته‌های فراوان درویشان نیز چنین شیوه‌ای رایج بوده است. یعنی: شیوه تأویل و تفسیر پدیده‌های جهان و ارزیابی آنان بر پایه معیارهای خودشان.

واژه زندخو که در فرهنگها نیامده، در اینجا، باین معانی مرکب از زند، با همه معنای فراوانش در ادب مزدیسنان و خو یعنی: عادت و شیوه است. خوزند، ترکیب دستوری گویش‌های شمال ایران را دارد که در آن صفت و موصوف پس و پیش بکار می‌روند.

۶- خوزند در این شعر شهریار بمعنی و کنایه از سماع دوستان و آن دسته از صوفیان است که سماع را اصل و پایه‌ای برای خدا جوئی نیز می‌شمرده‌اند. در اینجا باید یادآوری کنم که واژه سماع، برخلاف گفته و نوشته رایج عربی -

تراشان از ریشه سومما در سانسکریت و (سوما = سما) در طبری و دیلمی است. بمعنی: رقص و همه حالت‌های وجدآور و شادی انگیز که بنیاد آن تا دوران ودائی - اوستائی، بالا میرود.

ب- مسامله: Masāmale: این واژه جالب ایرانی نیز در فرهنگها نیامده است. این واژه عبارت است از دوجز مس = mas و مله = mala.

۱- مس در پهلوی و گاهی برخی از گویش‌ها و پاره‌ای از واژه‌های فارسی بمعنی: مه، بزرگ، مهتر و برتر است. مانند مس مغان بمعنی: مه مغان که خاندانی از فرمانروایان پیرامون دماوند در کوه البرز بودند و از روزگار اساطیری آزی دهاک و فریدون تا دوره تاریخی سده‌های نخست پس از اسلام بر آن بخش فرمان میراندند. چنانکه ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم (چاپ اول همائی صفحات ۲۵۷ - ۲۵۸) در جشن سده بآن اشاره کرده است. فردوسی گفته:

هنر نزد ایرانیان است و بس ندارند شیرزیان را به مس

۲- مس در فرهنگهای فارسی بمعنی: بندی که بر پای بزهکاران نهند - پای بندی که از آن رهائی دشوار است، آمده. مس mos: مانعی بود که بدان کسی بجائی نتواند رفت (فرهنگها).

۳- مله: واژه‌های: مله - ماله - مال - مر - مره - ماره - مثره در کردی و لری و دیلمی و طبری و برخی گویش‌ها بمعنی: نشیمن گاه - جای سکونت - مرکز اصلی کاری مانند بازی است که بازی از آنجا آغاز و بدانجا ختم میشود - بنگاه و پایگاهی که مرکز آغاز کار و سکونت است - ده و روستا و جایگاه زندگی گروهی و آبادی مردم - خانه است. مال در طبری: اثر و جای چیزها است (واژه‌نامه طبری صادق کیا). مال در گویش زهرون چالی زنجان در زمان فتحعلیشاه قاجار بمعنی: خانه آمده (مجله آینده - آذر و دی ۱۳۶۲ نقل از کتاب ویلیام پرایس). در لری مال بهمین معانی است. مانند مال میر - مال امیر و...

در دیلمی ماله خانی - مالگه بمعنی: جای سکونت چشم و خاندان - جایگاه

سکونت برای دامداری است در دیلمی: مثره *ma,ra* و گاه مثل *ma,la*، ماله، جائی را گویند که روستائیان برای گردآوری هیزم و برگ از درخت آنجا را بعنوان پایگاه و مرکز اصلی برگزیده هریک بسوئی رفته هیزم و برگ گرد آورده به (مثره - مثله، ماله) آمده سرانجام از آنجا باهم براه میافتند. و نیز در یک بازی کودکان و نوجوانان نخست مرکز اصلی بازی بنام (مثره - مثله، ماله) بر میگزینند و رئیس و سردستهای بنام (سر مثره - سرمثله) میگیرند و او را در آن مرکز می‌نشانند و بدستور او بازی آغاز میشود. بازیکنان میکوشند در دایره ای دور آن مرکز بدوند و کسی را که باید بگیرند بدست آورند. همینکه آن کس را میگیرند او میسوزد نزد سردسته آمده بازی را از سر میگیرند. بطور کلی در موارد چندی این واژه کاربرد دارد. بهنگام اندیشیدن در این باره آدم بیاد فلک گردون و گرداننده چرخ بوقلمون که بگمان قدیمیان زمین در مرکز اصلی آن همچون (مثره - ماله) جای داشت، میافتد که چگونه گمان میبردند سرنوشت زمینیان باز بچه دست آن گردش و گرداننده یا گردانندگان است؟

مره: در تداوم عوام قزوین جائی است که بازی از آنجا آغاز میشود (دهخدا. لغت نامه).

مره در لری نیز بمعنی: جای و مکان و نشیمن گاه است. چنانکه در نام لمره - صمره - قمره ... دیده میشود.

مله در نام دسته‌ای از روستاهای کردنشین و یک دوروستای مازندان بهمین معنی آمده است. مانند: مله (دهی در سنندج) - مله ابوالعباس (دهی در پیرامون اهواز) - مله امیرخان (دهی در گوران کرمانشاه) - مله بید (دهی در کرمانشاه) مله تخت (دهی در خرم‌آباد لرستان) - مله سرخ (دهی در کرمانشاه) و نیز مله سرخه - مله شیخ - مله قربانی - مله قلندر - مله کبود - مله گاله - مله متکا (در مازندران) - مله هار - مله هیان در نامهای روستاها و گواهای دیگر...<sup>۴۷</sup>

۴- مله، مل در دیلمی: مردی را گویند که نرینه است. اما مانند فرشتگان

۴۷- باین نامها در لغت نامه نگاه کنید.

یا پسران نابالغ یا مردان خنثی و از کار افتاده، توانائی آمیزش با ماده را ندارد. (مسامله) باین معنی میتواند رمز و کنایه از تیر (= عطار) نیز باشد که در باور- های نجوم باستان سرپرست روز چهارشنبه و ستاره پاسدار دبیران و نویسندگان و خورد و حکمت و نجوم بوده خنثی بشمار می‌آمد. با سعد سعد و با نحس نحس بود. بسته بگوه و خوئی هر کدام که با وی می‌پیوستند درمی‌آمد. چنانکه می‌بینیم باین مفهوم نیز در شعر شهریار جور درمی‌آید.

۵- مله: در فرهنگهای فارسی و برخی گویش‌ها نام گونه‌ای حشره کوچک، اندکی بزرگتر از ساس، همانند عنکبوتی کوچک است که گزنده و خونخوار بوده، گونه‌ای از آنرا در برخی جاها (غریب گز) می‌نامند. نیش و زهر او مایه تب و درد سخت و گاهی مرگ میشود. برج سرطان برابر با ماه کنونی تیر در معنی لفظی خود با این گونه حشره سازگاری کنایه آمیز دارد!

بنا بر این از روی آنچه که در بالا آوردم از مسامله معنای زیر برمی‌آید:

نشیمن گاه و خانه و جای سکونت بزرگ - نشیمن گاه و جای سکونت و خانه و روستا و شهری که مانند بند و زنجیر و غل دست و پای زندانیان گناهکار، رهائی از آن دشوار است - خانه و جایگاه و مرکز اصلی زندگی که کار و زندگی و عمر آدمی از آن جا آغاز و به همانجا پایان می‌یابد. هم گرامی و بزرگ است و هم مانند بند و زنجیر جاویدان بر دست و پای ساکنان است - کنه و غریب گز بزرگ - کنه و غریب گزی که مانند بند و زنجیر است.

باین معنا کنایه از جهان مادی هستی و این دنیا است که خانه و زادگاه و گور آدمیان است.

از مسامله معنی تیر یا عطار بر می‌آید که دبیر سرنوشت آدمیان گمان میشود - خنثی بودن از صفات او بود.

پ - و : Vā : با - به .

ت - زعل = Zāl : تلفظی است از زال. زهل با تکیه روی حرف وسط .

زال در ادب فارسی معنای زیر را دارد: پیرفروت سفید موی و کمان اندام چه مرد، چه زن، اما بیشتر زن. در اوستائی Zār یعنی: پیر شدن. در هندی باستان Jara یعنی: پیر شد. در بلوچی Zār: زن - همسر. در افغانی و یسودغا Zor: پیر مرد<sup>۴۸</sup>.

زال، صفت دهر و روزگار و زمان کهن و قدیم است. زروان، ایزد جاودان زمان و مکان که با صفت (درنگ خدای) یا (زروان اکرن) یعنی: زروان که ایزد دهر گونه درنگ و دیر و دیرپائی و بی کرانگی و بی کناره گی است در ادب پهلوی یاد شده است. در شعر شاعران، عروس شوی کش و سیدل لقب گرفته. ناصر خسرو گفته:

این زال شوی کش، چوتو، بس دیداست  
از وی بشوی دست ز ناشوئی  
بنده مشو ز بهر فزونی را  
آنرا که همچنوی به از اوئی  
یا در جای دیگر آورده:

چشم همیدارم تا در جهان  
گر نئی آگه تو از این گنده پیر  
تاج نهد بر سر آنگاه باز  
سیرت او نیست مگر جادوئی  
وز چه پدید آورد این زال را؟  
نوحه پدید آید از این دهر زال  
منت خبر گویم از این بدفعال  
خود بکوبدت بزیر نعال  
عادت او نیست مگر احتیال  
جز که از این دختر کی با جمال<sup>۴۹</sup>

مدتهاست پژوهندگان آگاه شده اند که مظاهر زروان و زال زمان و نامهای او بشمار و فراوان است. در کتب فارسی و در تتبع کتب پهلوی معلوم شده که: زال - زار - زروان - زرفان - زرهان - زرهون - زربان - زرمان همه از یک ریشه و بمعنی: پیر و صاحب موی سپید است<sup>۵۰</sup>.

زال، در دیلمی گذشته از پسر فروت سفید موی نیرنگ باز روزگار دارای معنای زیر است:

۴۸ - برهان - حاشیه . ۴۹ - دیوان شعر ص ۵۰۹ - ۲۵۲ . ۵۰ - لغت نامه دهخدا در شرح لغت زال .

مغز و هسته درونی میوه هائی مانند بادام و آلوچه که هنوز نرسیده و شبیه سفیده نیم پخته تخم مرغ و غشاء باشد - گوشت سرخ رنگ درون ابزار مادینگی و شرم زن - زهره، کیسه صفرا و آب زرد و تلخ آن - دلبر و گستاخ و بسیار هوشیار و نیرنگ باز. داستان زال پدر رستم و پرورش او در البرز کوه بوسیله سیمرغ و دانائیهها و عمر درازش نمونه ای از اسطوره کوچک و زمینی و داستانی زال زمان است. لقب زال (دستان زند) نیز بوده است.

در کردی زال بمعنی: چیره - مسلط - غالب نیز هست.

واژه زالک = Zahlok بمعنی: پیش بها و بیعانه در سوداگری که در دیلمی و گیلی خاوری بکار می رود، از همین ریشه زال و صفت سوداگری او است.

در دیلمی زال نام گونه ای بیماری، مانند تشنگی و بیماری کیسه صفرا و جگر است که گاو و گوسفند را تب دار و نزار میسازد. اگر در گاو باشد، دامداران ورزیده و دانا ته گوش گاورا بانخ سرخ استوار می بندند و او را زمانی در آفتاب تشنه و گرسنه نگه میدارند تا گوش او ورم کند. پس بانوک چاقو و تیغ سطح گوش را تیغ میکشند. همراه خونابه آب زرد رنگی نیز روان میشود که گمان میکنند همان مایه درد بوده است. و اگر در گوسفند باشد رنگ زیربانش را میبرند تا خون جاری شود.

در جزایر جنوب ایران در خلیج فارس، مانند جزیره هنگام، خودم در سال ۱۳۳۰ دیدم که بومیان برخی بیماریهای مزمن، مانند تب و لاغری را که زمانش دراز شود زار مینامند و مراسمی برپا کرده مانند جادوگری و رقص سیاهان با زدن و کوفتن بر بدن بیمار و در آوردن عرق او گمان میکنند که زار را میگیرند. گرچه زار در این جا میتواند صورتی از آزار بمعنی: درد و رنج باشد اما بهر شکل اینها یاد آور همان داستانی است که از زمانهای بسیار کهن برای آغاز آفرینش و سرگذشت زروان با زال زمان گفته اند. چون رشته سخن دراز شده بهمین اشاره ها بسنده میشود. و گرنه درباره زال و زروان باید همه داستان آئین زروانی را بیاد داشت که خود کتابی بزرگ است!

بنابراین هنگامی که شهریار (= شریار) میگوید: ای خوزند! مسالمه را بازال میند، درچند واژه، یکی از پرمعناترین مطالب حکمت کهن را باز میگوید. از این رو مسالمه با زال بستن (یا: نبستن) بمعنی: پیوند زناشوئی نافرخته بستن با زال زمان از روی خواهش نفسانی و دنیا دوستی است که خود بخود به بند و زنجیر جاودانی و ناکامی می انجامد!

یادآوری این نکته بجا است که (زحل) را میتوان بمعنی: زحل، ستاره کیوان و پیرستارگان و شیخ آسمان نیز گرفت که در نجوم باستان نمونه شومی و رمزی از نامرادی جنسی نیز بود. در نجوم باستان زحل خصی و خایه بر کشیده دانسته میشد. شریار میگوید پیوند مسالمه با زحل مانند پیوند عطار دختی است با زحل خصی! از این رو پیروان آئین شادخواری که خود را بزنجیر خوشباوری بهروس هزار داماد جهان می بندند مانند پیوند عطار با زحل، عمل میکنند که در کار زناشوئی و باروری جنسی کاری یکسره بهوده و بی بار و بر است.

ث: ماچ māj واژه‌ای است از ماه، در ادب قدیم بکار رفته.

فردوسی گفته:

فروغ از تو گیرد همه مهر و ماچ

ج: می ۱۹: می بایست - همانا در بایست است - حتماً. در دیلمی در اصطلاحی بمعنی: حتماً بکار رفته.

ج: بون BUN در پهلوی BUN در فارسی بن. در گویش‌ها بون بمعنی: بیخ و ریشه و بنیاد و اساس واصل است. در دیلمی نیز همین معناها را دارد. بمعناهای زیر هم هست: يك واحد بزرگ که از آن پاره‌های جزئی جدا میشود. چنانکه در مساحت کشتزارها و یا تقسیم اموال بون گودن یعنی: همه را بچند واحد اصلی و اساسی تقسیم کردن - خمیر گرد و گلوله ماندی که آنرا وردنه زده پهن کرده بصورت دایره درآورده نان لواش میسازند، آنرا هم بون گویند - بمعنی: بودن و شدن هم است که قانون هستی و پیدایش و تکامل آنرا میرساند.

بون مطلب گردن: روش شریار یعنی: بیخ واصل و اساس و شالوده واحدی که آبشخور چیزهای دیگر است.

طلب کردن - آنچه را که پایه و مایه بودن و شدن است جستجو کردن - خدای یکتا را خواستن.

ح: دردبو Dar - Dabuon ۱-: از مصدر دردبوئن = Dar - Dabuon که در برخی جاها مانند رودبارکنار شاهرود در دیشن = Dar - Dabyien از دو جزء در و دبو (از فعل: دبوئن). در، در فارسی معناهای فراوان دارد. از جمله در و درگاه آستانه کاخ بزرگان و الا جایگاه است. دبوئن = Dabuon یعنی: موجود بودن - وجود داشتن - درجائی سکونت داشتن - پابرجا و برقرار بودن - در برداشتن - محتوی بودن - در خود چیزی را داشتن. این فعل در دیلمی زیاد بکار میرود.

پس (دردبو) یعنی: دارای در درگاه و آستانه و الا جایگاه باشد - وجود و هستی واقعی داشته باشد.

۲- دردبو = Dard - bu: در شعر شریار این ترکیب را بمعنی: درد باشد - رنج باشد نیز میتوان خواند و پذیرفت. مرکب از درد و بو = BU بمعنی: باشد از فعل بوئن = BU - ON یعنی: بودن - شدن.

از آنجا که شریار در برابر جهان بینی و جمال شناسی (شادی‌گزینی و خرم‌دینی) فلسفه درد و رنج مطلق را قرار میدهد و می‌پذیرد، و از آن راه خواست خود را هدف راستین می‌نماید، میتوان آنرا بمعنی: درد هم گرفت.

خ: دقا DAQA = اسم و معرفه‌ای است از دق و دک = DAK فارسی و دیلمی.

دک یادق ضربه‌ای است که بر جائی بکوبند - مانند کوفتن بر در و دق الباب کردن در دیلمی دکو = DAKKU بهمین معنی کوفتن و ضربه زدن کوچک (مانند

زدن با انگشت و چوبی کوچک، نه کوفتن با تخماق) کاربرد دارد و زبانزد است - دق در فرهنگها بمعنی: گدائی و درخواست و در یوزگی و مرادخواستن از صاحبان درودرگاه - گونه‌ای جامه پشمی درویشی - اعتراض برسرخنان مردم - نوبت و داو بازی در شطرنج هم هست.

د: نگیره: NAGIRA: نگیرد. در دیلمی بکار میرود. از مصدر منفی نگیهتن: نگرفتن.

ذ: کاف و راه یعنی: کر، کرا: در فرهنگهای فارسی بمعنی: زور و تاب و توان و مراد و مقصود - خواهش و اقبال و کار است.

ر: پردش می‌برد او را: در دیلمی بردن BARDAN گویند. در فارسی بردن BORDAN تلفظ میشود.

ز: هشناوش: باوگوش فرامدار و می‌پذیر. از مصدر دیلمی اشناوستن: EŠNAVASTAN = OŠNAVĀSTAN: شنیدن - شنودن - بگوش دل پذیرفتن.

ژ: آهین: AHIN در پهلوی آسین. در دیلمی آهین در فارسی آهن است. س: نبین = NABINA ۱- نبرد - برندگی نداشته باشد. بهمین صورت در دیلمی زبانزد است.

از مصدر بئن = BEEN که منفی آن NA - BEEN = نبریدن، میشود. ۲- بمعنی: نبیند هم است. در دیلمی: نبین یعنی نمی‌بیند - نبیند. ش: کله = KALLA در دیلمی و گویش‌ها و نیز در متون فارسی بمعنی: سروتارک سر است.

ص: پرسونکن: یعنی: پرس کردن = پرس کردن = پرسیدن - بازپرسی کردن - بگفتگو و سخن گفتن، بصورت پرسش و پاسخ پرداختن.

ض: سو SOW: در دیلمی و گیلی عمل سائیدن و سودن چیزی سا چیز دیگر برای صاف و تیز کردن یکی از آنها یا هردو است سو کردن: سو کردن،

سائیدن. مانند تیز کردن چاقو و تبر و ابزار آهنی و فلزی است. مصدر دیگر آن در دیلمی: [ساوسن = ساوستن = سوسن = سوستن] است.

\* \* \*

بگواه واژه‌های: مله - زال - می‌وا - بون - دردبو - شریار - بالو - بالوکیا - دک - خرومه زاهد - نگیره - بردن - آشناو - آهین - نبین - کله - پرسو - سو - که واژه‌هایی دیلمی هستند، هر دو شعر را به دیلمی نیز میتوان نزدیک شمرد.

#### پایان سخن

در این چوب نوشته، دو شاعر البرزکوه، که یکی پس از دیگری تن بخاک سپرده‌اند، پاره‌ای از سایه روشن جان و خرد خود را در تبلور واژه‌های شعر پر معنای خویش برای آیندگان زنده و خواننده برجا گذاشته‌اند. این پاره‌های اندیشه آنها در کنار هم جای گرفته‌اند. نمیدانم کالبد آنها نیز پهلوی هم بوده‌اند یا نه؟ بالوکیا که پیشتر از شریار در گذشته بوده زند و پازند را سفارش میکند. بالوکیا میگوید: متنه آهین دانش و خرد هر کس باید چنان تیز و کاونده باشد که تن کوههای سنگی نادانی را بشکافد و بدرود رود. و گرنه بیدرننگ و بی گفتگوسر آهینش را با سوهان سنگی سائیده و تیز کن. آنگاه سنگ و کوه بیدانشی و معماها را میکاوا!

این تعبیر یکی از معنای واژه زند و پازند است، نوشته‌اند: زند آهنی را گویند که چون بر سنگ زند از آن آتش بجهد و خراطان دو چوب بر میدارند. یکی را راست بر دیگری می‌نهند. چوب زیرین را مانند برماه بچرخش و گردش تند و میدارند. از آن گردش و سایش آتش بهم میرسد. چوب بالا را زند و چوب پائین را پازند می‌گویند. این است پند بالوکیا.

اما شریار، که روزگار تیره و نار تاخت و تازهای سهمگین و وحشیان خونخوار مغول و تاتارچنان او را بی‌تیمار ساخته بوده که جز چیرگی تیرگی نمیدید، همه کوشندگان امیدوار و پرکار و دلدادگان دلدار را شاد خوار و زند خو و دنیا دار انگاشته، یکسره بزرگای ناامیدی و سیاهی پناهیده تاجائیکه چشم تن و جاننش فرمانفرمائی جهان‌هستی را جز برای درد بیدرمان ندیده است. دو جهان بینی: یکی درمان یکی درد! بجای اینکه در برابرهم باشند، برادرهم شده در کنارهمدیگر آرمیده‌اند!

تهران - ۱۳۶۳/۱۰/۲۰

عبدالرحمان عمادی

#### غار زنگیان

دorzنگیان و لوپی سوادکوه

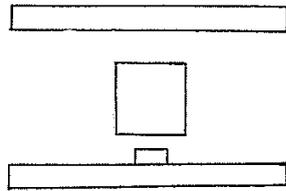
غار طبیعی است و هیچگونه دستکاری در آن دیده نشد. از ساکنان دهکده که داخل رفته بودند می‌گفتند در حدود یک کیلومتر درازا دارد. به علت ریزش آبهای آهک دار از سقف آن استلاگمیت و استلاگتیت زیاد در آن دیده می‌شد. در دهکده زنگیان دو امامزاده به نامهای: امامزاده مطهر و آقاسیدعلی برپاست که آثار تاریخی در آنها دیده نشد. در این دره امامزاده‌های دیگری به نامهای زیر به نظر رسید که آثار تاریخی در آنها نبود:

- امامزاده محمد در دهکده تيلم (بفتح لام) و لوپی.
- امامزاده یوسف در پالن (بکسر لام) دره و لوپی.
- امامزاده حسین در پالن و لوپی.

شاه بالو = خنه و ا = خانقاه

در ده میان راستوی سوادکوه

بنائی است هشت ترک با گنبدی هشت ترک گچکاری شده، داخل بنسا نیز



هشت ضلعی است که به گنبدی مدور ختم می‌شود، در ارتفاع ۳۳۶ سانتیمتری هر ضلع یک رده کاشیکاری است و بالای این رده مربعی و بسالای آن رده دیگری کاشی است این رده بالا نزدیک محل

جمع شدن هشت ضلعی و ابتدای گنبد است. (شکل بالا)

مسجدی وصل به مدخل بناست که چهار طرف آن ازاره‌ای به ارتفاع ۶۳ سانتیمتر کاشیهای شش ضلعی گلدار دارد که قطر هر یک ۱۳ سانتیمتر است. ابعاد این مسجد ۵۵۰ × ۵۵۰ سانتیمتر است (عکس شماره ۲۴۱). این مسجد دری ورودی کنده کاری دارد. پهنای لنگه‌ها از چهارچوب به چهارچوب ۹۶ سانتیمتر و بلندی هر لنگه ۱۷۸ سانتیمتر است.

بر پاسار بالای لنگه سمت راست عبارات زیر است:

صاحب الخیرات افتخار الامرا فی الزمان

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

شجاع‌الدین آقا سهراب ابن آقا رستم روزافزون

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

فی التاريخ شهر رجب سنة سبع وتسعمائة

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

عمل محمد بن استاد حسین نجار سارنی

تمام در قاب و آلت است و بر چهارچوب کنده کاری دارد. بر بالای در، پنجره چوبین مشبك نورگیر است که بلندی آن ۱۱۶ و پهنای آن ۱۰۵ سانتیمتر است. (عکس شماره ۲۴۲) و (عکس شماره ۲۴۳).

از در دومی که در ورودی بقعه است چهارچوبش باقی مانده و دو لنگه آن به سرقت رفته است. متولی اظهار می‌کرد که مقامات مسوول در را گرفته‌اند و تحویل

موزه ایران باستان داده‌اند و فعلاً در آنجا محفوظ است. برپایین چهارچوب این در يك سطر نوشته دارد که به علت فرسودگی خوانده نشد. بالای این درنیز خفنگی مشبك نورگیر با درازا و پهنای خفنگ اول نصب است. این دو خفنگ از نظر طرح یکسانند. زیر این خفنگ ناد علیاً مظهر العجایب تا آخر حرك شده است. در زیر گنبد اصلی صندوقی قاب و آلت کاری است که درازای آن ۲۶۴ و پهنای آن ۱۱۹ و بلندی آن ۱۲۵ سانتیمتر است. این عبارات بر آن حرك شده است:

برحاشیة روی صندوق طرف قبلی:

الله لا اله الا هو الحی - تا - ما فی السموات وما فی الا

برحاشیة روی صندوق طرف غربی:

رض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه

برحاشیة روی صندوق طرف شمالی:

يعلم ما بين ايديهم - تا - السموات والارض

برحاشیة روی صندوق طرف شرقی:

ولا يؤده حفظهما - تا - هو العلی العظيم

بر لبة بالای بدنة قبلی صندوق:

امر بتجدید قبر والصندوق شیخ الجلیل متابع الخلیل

قطب الملة والدين الحسن بن محمد المعر

بر لبة بالای بدنة غربی:

وف ببالویة قدس الله روحه ملك

بر لبة بالای بدنة شمالی:

الامرا عز الدولة والدين تاج الاسلام والمسلمين

عماد السلوك سهراب مازندرانی ورستم

بر بالای بدنة ضلع شرقی:

بن شهر و لاش ادام الله معاليه فی تاریخ ذی الحجہ سنة

ثلث وستین و تسعمایه .

ضریحی چوبین با شبکه‌های درشت اطراف صندوق است. این آیات از کلام الله مجید بر آن حرك شده است:

بر پایه شمال غربی ضریح از بالا به پایین:

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الله لا اله الا هو الحی القيوم

بر لبة بدنة شمالی:

لا تأخذه سنة ولا نوم - تا - ولا يحيطون

بر پایه شمال شرقی:

بشيء من علمه - تا - والارض ولا يؤده

بر بدنة شرقی قسمت لبة بالا:

حفظهما وهو العلی - تا - فمن يكفر با

بر پایه جنوب غربی از بالا به پایین:

لطاغوت ويؤمن - تا - والله سمیع علیم

بر لبة بالای بدنة جنوبی:

الله ولي الذين - تا - اصحاب النار هم فيها خالدون

بر مكعب چوبین بالای پایه جنوب غربی:

عمل علی بن حسین<sup>۵۲</sup>

پلی از سنگ و ساروج

در اراضی جوارم ۵۳ سوادکوه

پلی است يك دهنه بر روی یکی از شعب کوچک طرف راست تالار. درازای آن

۵۲- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ ذیل ده میان از این بقعه یاد شده است. -۵۳

جوارم بضم جیم و کسر راء .

نه متر و پهنای آن چهار متر و نیم. ظاهراً در مسیر جاده اصلی شاه عباسی بوده، خود پل نیمه خراب است و جان پناههای آن فروریخته است.

آرامگاه کارگران مقتول در تونل راه آهن  
در دو آب راستوی سوادکوه

محوطه ایست با دیوار سیمانی روکش دار و چندین قبر در آن. در ضلع شرقی آن میلی سیمانی برپا کرده و سنگی کبود که این عبارات بر آن حک است به بدنه آن نصب نموده اند:

آرامگاه اخوت

کارگران و مستخدمین راه آهن دولت ایران دو آب ۲۸ دی ماه  
۱۳۱۱ یادگار ابدی به کارگران صدیق از طرف لونیچر.

عایشه گرگیلی دز = غار اسپهبد خورشید

پس از آنکه اسپهبد خورشید بن داذمهر (۱۳۳ تا ۱۴۱ ه. ق) بر منصور خلیفه<sup>۵۴</sup> عاصی شد، منصور برای دست یافتن بدو، راهی جز خدعه و حيله نیافت و از او خواست تا برای بر انداختن عبدالجبار بن عبدالرحمن که در خراسان قیام کرده بود، حشم خلیفه را یاری کند و بسه پسر خویش - مهدی - که درری حکومت داشت نوشت که پیش اسپهبد فرستد و بگوید:

امسال قحط و تنگی است و لشکر ما اگر به يك طریق گذرند، علوفه وفا نکند، بعضی را به راه طبرستان خواهیم فرستاد تا اسپهبد غمخوارگی منزل ایشان فرماید.<sup>۵۵</sup>

اسپهبد رضاداد، مهدی ابوالخصیب مرزوق السندی را از راه زارم و شاه کوه به طبرستان فرستاد و ابو عون بن عبدالملک را سوی گرگان تا بدو پیوندد.

۵۴- ابو جعفر عبدالله المتصور بن محمد (۱۳۶ تا ۱۵۸ ه. ق). - تاریخ طبرستان

اسپهبد ساکنان صحرا و هامون را به کوهها نقل کرد تا از گذر لشکر آسیبی نبینند و ندانست که نیت ایشان قلع و قمع اوست.

ابوالخصیب، عمر بن العلاء را که از راهها و معا بر طبرستان اطلاع داشت، به آمل فرستاد. او مرزبان آمل را بشکست و در آمل بنشست.

اسپهبد خورشید جمله اعزه و اولاد و حرم را با دیگر متعلقان که از خواص و بطانه و معتمدان او بودند، با خزانه، بالای دربند کولا، به راه آرم طاقی است که این ساعت (۶۰۶ ه. ق) آن را «عایشه گرگیلی دز» می گویند، بر دو در آن طاق ده ساله آب درختها کرده و غله و نان و دیگر ذخیره معد بود و ساخته، و دری بر آن طاق نهاده که به پانصد مرد برگرفتندی و به پانصد مرد فرو نهادندی، از سنگ خاره که چون در بر او گذاشتندی، هیچ آفریده موضع در نتوانستی دانست و آنجا بنشانند و غم ملبوس و مشروب ایشان بخورد و او اند خروار زر برگرفت و با حشمی که مانده بود، به طریق لاریجان عزم دیلمان کرد که بشود و مدد گیرد و لشکر بیرون کند.

لشکر اسلام چون رفتن او بدانستند، به دنبال تاختن بردند و بعضی مردم و چهارپای را از او بریده. او به رویان شد و از رویان به دیلمان به «فلام رودبار»<sup>۵۶</sup> بنشست و آنجا مقام ساخت و ملکهها می خرید به طبرستان می فرستاد و دقاین نهانی می فرمود آورند.

و لشکر اسلام دو سال و هفت ماه بکلی جمع شده، زیر طاق خانهها ساختند و به محاصره آن نشسته، تا خورشید پنجاه هزار مرد از گیل و دیلم جمع کرد و خواست عزیمت آمدن کند. در طاق و بادر افتاد به يك روز چهار - صدتن ببردند و همه را بر سر یکدیگر نهادند، تا از گند، عوارت و مابقی مردم فریاد بر آوردند و از ضرورت امان طلبیدند. مسلمانان عهد کردند بر آنکه خلیفه رضا دهد و آن جماعت را به زیر آوردند و هفت شبانروز مسال

نقل می کردند. بعد از آن جمله حرم را عزیز و مکرم باستر و عفت به حضرت خلیفه بردند. آزر می دخت و ورمجه را تکلیف کرد که به حکم من شوند تا نکاح کنم. هر دو ابا کردند. دختران خورشید را که به حسن ماه بودند، یکی را به عباس ابن محمد الهاشمی داد و أمه الرحمن نام نهاد و از او ابراهیم ابن العباس آمد و بعد از شوهر هم زن و هم پسر بماندند. و یکی را خلیفه به حکم خویش کرد. و اسپهبد راسد پسر بودند: یکی را که هر مزد نام بود، ابوهارون عیسی خواندند و نداد هر مزد را موسی و داد مهر را ابراهیم. و دختران دیگر را به فرزندان و خویشان داد. و چون ادب و حسن معاشرت و وفا و همت ایشان بدیدند، جمله خلیفه را بر آن داشتند که ملک طبرستان با پدر ایشان دهد و خلیفه راضی شد و مثال نوشتند و رسول تا به حلوان برسید خبر دادند که چون خورشید حال طاق گرفتن و سببی حرم و فرزندان بشنید، گفت «بعد از این به عمر و عیش رغبتی نیست و به چنین ننگ و شین، مرگ، عین راحت و آسایش است، زهر بخورد و بمرد. رسول از حلوان بازگشت و معلوم گردانید.<sup>۵۷</sup>

به این ترتیب باوندیان خاندان جاماسب که بر این صفحات حکمروائی داشتند بر افتادند و والیان عرب جانشین ایشان شدند.

چون دسترسی به داخل غار برای نگارنده مقدور نبود، مجبور شد از کوششهایی که غارشناسان و کوهنوردان برای دست یابی به این دژ استوار کرد اندیاری جوید. باید گفت که اینان که تعدادشان در حدود سیصد تن بوده است خبر دقیق و مفیدی از این غار برای ما نیاورده اند و یادداشتهای ایشان در مجلات مختلف<sup>۵۸</sup> بیشتر درباره شرح

۵۷ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۵۸ - شکار و طبیعت شماره ۳۵ مه ماه ۱۳۴۱ و کیهان ورزشی شماره ۲۹ شنبه اول مرداد ۱۳۳۹ (و شماره ۳۱ شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۳۹ و مجله نیرو و راستی سال هشتم شماره ۳۰۲ چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۲۹).

مسافرت و نوع صعود و گرسنگی و تشنگی و هوای ملایم جنگل و سقوطها و کشته شدن یکی از افراد و نظایر آنهاست که در شناسائی داخل غار تأثیر زیادی ندارد آنچه پراکنده از زیر قلم آنان درباره این دژ آمده به شرح زیر است:

موقعیت جغرافیایی و نظامی غار اسپهبد خورشید، در حد فاصل دو ایستگاه راه آهن پل سفید و سرخاباد، ناحیه ای به نام دو آب وجود دارد. این ناحیه که وجه اسمی آن ناشی از پیوند دو رو خانه سولا و عباس آباد است، از لحاظ طبیعی به نحوی قرار گرفته که دو قسمت مازندران را از هم جدا می کند.

پس از مختصر تلاش یا کوبیدن میخ سوم خود را به پلکان رسانیدیم این پلکان به عرض یک متر و نیم می باشد ولی به علت پوسیدگی ساروج ریزش و غیر قابل اطمینان است.

تاکنون طی بررسیهایی که می شد، به نظر می رسید ساختمانی که معمولاً از پایین دیواره به شکل اطاق مانند است، آخرین و مرتفع ترین بنای موجود در غار است. ولی حال که ما خود را در کنار آن می بینیم، مشاهده می کنیم که فضائی بزرگتر از آنچه به نظرمان می رسید وجود دارد. چند اطاق بدون سقف، تعداد زیادی پلکان فروریخته و بالاخره بالاتر از همه و چسبیده به دیوار غار، اطاق بدون سقفی است که در حکم شاه نشینی می باشد. از داخل این اطاق کلیه فعل و انفعالاتی که در تنگه و دره انجام می شود، می توان دید. خود مانیز و وسایل حفاری و گمانه زنی را به سختی و مرارت تا انتهای غار بردیم و در یکی دو محل که احتمال وجود اشیائی می رفت حفاری کردیم ولی هر چه بیشتر جستیم کمتر یافتیم، تنها در این میان چند تکه سفال بدون لعاب و دو سه قطعه آجر که سخت فشرده و جوش خورده بود یافتیم.

قبل از همه باید بگویم که غار اسپهبد پراز مجهولات است و بطور

قطع و یقین به جرأت می‌توان گفت، مجهولات آن بمراتب از معلوماش زیادتر و ارزنده‌تر است. هنوز با تلاش نزدیک سیصد نفری در روی دیواره و تختهای غار، فقط يك راه که در برخی از قسمتها دوشاخه می‌شود، برای صعود تشخیص داده شده است. دیگر آنکه در بیرون غار و اطراف آن تجسّسات کافی و دقیق نشده است. چه بسا که معماهای درون را شواهد بیرونی و خارج از غار مشخص و معین نماید.

نکته دوم که از گفتار آن‌گیزی نیست، مسئله صعود و بررسی غار از سمت راست می‌باشد. برج ریزشی تنسند سمت راست خیلی زود کوهنوردان را از صعود مأیوس می‌کند.

دهانه طاق به پهنای ۸۵ متر و بلندی آن نیز در همین حدود است و یکی از عظیمترین طاقهای طبیعی دنیا شمرده می‌شود (عکس شماره ۲۴۴) طاق مزبور در محل به نام «لاپ کمر» معروف است. لاپ به زبان بومی به معنی شکاف و بریدگی و چیز از هم باز شده می‌باشد.

از ابتدا که کوهنوردان به بازدید غار اسپهبد خورشید می‌رفتند، در قسمت راست طاق، نزدیک به انتهای سقف، دهانه وسیع حفره تاریکی را مشاهده می‌کردند که جلو آنرا دیوار ساروجی ضخیمی فرا گرفته بود و پشت آن در پس تاریکی ناپیدا بود. این دخمه تاریک و مرموز، از همان هنگام مورد توجه بینندگان غار اسپهبد خورشید قرار گرفت و تقریباً قریب به اتفاق بر این بودند که در غار اسپهبد خورشید هر چه هست همین است و تنها نقطه‌ای که می‌توان از نظر غاری و اکتشافی بدان امیدوار بود همین جاست.

محلی که ما در روی آن مستقر شده و به عنوان تکیه‌گاه از آن استفاده کردیم، مسطحه کوچکی است به ابعاد ۴ × ۱/۵۰ متر که در روی يك پایه نیمه خراب سنگ و ساروجی به ارتفاع پنج متر بر بدنه دیواره زده

شده است.

میان مقالات متعدد که درباره غار اسپهبد خورشید نوشته شده مقاله چنگیز شیخلسی مطالب بیشتری دارد. او در انتهای مقاله طولانی خود این اطلاعات را به ما می‌دهد:

غار به صورت تالار ساده و تقریباً به شکل دایره است. درازای آن ۱۹/۷۵ و پهنای آن ۱۴/۳۵ متر و بلندی آن تخمیناً ۱۵ متر است. جنس سنگ آن از نوع سنگهای املاح دار رسوبی رنگین و بسیار خرد و ریزشی است و بمرور ریزش و واریز کرده و اینک قشر ضخیمی از خاک و شن، آثار و ساختمانهای داخل غار را در زیر خود پوشانده است و در بعضی نقاط شدت ریزش چندان بوده که تپه‌های بلندی به ارتفاع دو متر به وجود آمده است.

جلو دهانه غار با دیوار سنگ و ساروجی ضخیمی به ارتفاع یازده متر از پایین چیده شده و تا جلو مدخل غار بالا آمده است. قسمت فوقانی آن فرو ریخته و مسلماً چندمتری بلندتر از امروز بوده است. دیوار مزبور به منزله پایه یا پیش‌بند غار بوده است و بسا بالا آوردن آن شکاف طولانی زیر دهانه را پر کرده، فراز آنرا مسطح کرده و ساختمان نموده‌اند. بطوریکه اشاره رفت قسمت عمده کف غار در زیر آوار سقف و ریزش کوه مدفون گشته است. از اینرو نمی‌توان شکل صحیح آنرا طرح نمود، ولی با مطالعه در روی بقایا و آنچه پایدار مانده می‌توان تصویری کلی از آن مجسم نمود.

از جلو مدخل غار راهروی باریکی شروع می‌شده و به آخر تالار امتداد داشته و در دو طرف آن طاقهای متعدد قرار داشته، دو طاق بزرگ در دست راست و چند طاق کوچک در جانب چپ و در قسمت انتهائی نیز بناهایی بوده که استفاده‌های گوناگون از آنها می‌شده، ولی امروز بطور

تحقیق بر ما معلوم نیست که وضع آنها از چه قرار بوده است. اطاقها سقف داشته و با درختان قطور جنگلی تیرکشی بوده است. تیری به درازای سه متر و نیم و به قطر ۸۰ سانتیمتر در گوشه یکی از اطاقها افتاده است که خود برهان گویائی بر اثبات این نکته است.

جالبترین بخش غار بناهای قسمت چپ راهرو است که نسبتاً سالم مانده است و با دقت در آنها می توان به وضع معماری این دژ قدیمی پی برد. در کنار دهانه راهرو پلکانی است که پس از خاکبرداری آن به یکی از شاهکارهای ساختمانی غار برخوردیم.

این راهرو به عرض ۱/۱۵ و دارای هفت پلکان کوتاه به ارتفاع ۲۷ سانتیمتر است و پله ششم پاگرد است و از آنجا با گردش به چپ داخل بناهای فوقانی می شده اند. این قسمت با دیوار ساروجی ضخیمی که مانند «بتن آرمه» قالب گیری شده است ساخته شده و در لب پرتگاه وحشت آوری قرار گرفته است. در کنار راهرو طاق هلالی درگاه اطاقی است که خوشبختانه برجای مانده و نمونه خوبی از سبک معماری دژ می باشد طاق مزبور به عرض ۱۸۰ سانتیمتر و اکنون ۹۰ سانتیمتر باز و باقی در زیر آوار مدفون شده است.

در انتهای هلال دهنه، ازاره بندی ظریفی به عرض ۲/۵ سانتیمتر شده و سقف بدون استفاده از تیر رومی زده شده است.

پیکره بنا سنگ و ساروج است که روی آن با گچ ظریف کاری شده و بیشتر بنا قالب گیری است.

بنای این دژ مسلماً در دوران فراغت صورت گرفته و دقت و هزینه و کارگر زیادی صرف بنای آن شده است. بنای این دژ به احتمال قسوی متعلق به پیش از اسلام و اواخر دوران ساسانی است و حفاریات علمی و

اساسی این نکته را روشن خواهد کرد<sup>۵۹</sup>. (نقشه شماره ۲۴۵)

### غار میجا کچال

در بالای رشته کوه سنگی شرق ایستگاه دو آب سوادکوه، دهانه غاری از دور نمایان است (عکس شماره ۲۴۶). کیجا در زبان محلی به معنی «دختر» و «کچال» بشدید حرف ج به معنی دستگاه چوبین بافندگی است. شاید سرچشمه این نام از داستانی قدیمی است که در باره این غار بر سر زبان اهالی است و شرح آن به قرار زیر است:

در روزگاران گذشته، دختری از نژاد پریان که از آدیان می ترسید در این غار که کسی بدان دسترسی نداشت مسکن گزیده بود و برای سرگرمی، کارش بافندگی بود و هنوز چوبهای دستگاه بافندگی او در جلو غار افتاده است. شبها روز شد و روزها شب تا روزی چوپانی همراه گوسفندان خویش به این غار نزدیک شد و شکل و شمایل دختر را در دم غار دید و در دل عاشق او شد.

روزها به پای غار می آمد و به نی زدن می پرداخت تا ترس این پری پیکر از آدیان کم شد و کم کم به او نزدیک شد و سر بر شانه چوپان نهاد. چوپان که دلبر را در اختیار خود دید، کام دل از او بگرفت. دختر که از شور و هیجان عشق به خود آمد، دید کار از کار گذشته است و از هوش برفت. چوپان جوان، دختر را که دامنش آلوده به خون بود بردوش گرفت تا به آبی برساند و شست و شو کند. چند قطره از خون او بر خاک دامنه غار، نزدیک رودخانه ریخت و خاک سرخی که اکنون در آنجاست یادگار آن است. سرانجام چوپان، دختر را به چشمه ای رساند و او را نظافت و طهارت کرد. این چشمه امروز به «پری چشمه» مشهور است و آب زلال و گوارای آن به رودخانه تالار می ریزد.

دختر پس از بهوش آمدن رضایت داد که با پسر چوپان به خانه او رود. پسر

چوپان که اهل شامرزا (شهمیرزاد) بود از دل و جان راضی شد و قدم در راه نهادند. راه دو آب به شامرزا از قدیمی ترین راههای این ناحیه است. هنوز برسختون و بندهای کوه آثار سنگ چین و طاقهای گذرگاه این راه باقی است. در پایان خود را به شامرزا رسانیدند.

در شامرزا تا امروز تیره ای به نام «اپری»<sup>۶</sup> هستند که بازماندگان نسل اینان هستند. دختران این طایفه از زیبایی بسیار برخوردار هستند بطوریکه در شهر سمنان و دهکده های اطراف زبازند هستند. معروف است بهاران که درخت سنجد به گل می افتد تمایل اینان به معاشقه و معانقه بجائی می رسد که مجبور می شوند پای ایشان را بخو کنند تا از خانه بیرون نروند.

پر پرو تاب مستوری ندارد چو دربندی سر از روزن بر آرد

اما وضع کنونی غار کیجا کچال:

غار در بدنه يك دیواره شصت متری آهکی در فاصله ۲۳ متری از سطح زمین واقع است. وضع دیواره کلاهکی است بطوریکه دهانه غار در زیر نقابی به طول چهار متر و نیم قرار گرفته است. از این گذشته زیر دهانه غار نیز کلاهکی است. در واقع طبیعت قدرت اعجاز خود را در بوجود آوردن این شاهکار طبیعی به کار برده است و همین وضعیت خاص و کم نظیر است که دسترسی به این غار را از هر طرف غیر ممکن ساخته است و جز با استفاده از وسایل، رسیدن به آن غیر مقدور است. همین نکته است که جلب نظر ساکنین این ناحیه را نموده و آن را دژ تسخیرناپذیری می دانند.

دهانه غار به عرض ۶ و به ارتفاع ۴ متر است و چشم انداز بسیار زیبا و دل انگیزی در برابر آن گسترده شده است.

عمق غار چندان نیست و با وجود کوچکی و سادگی دارای شکل و وضع دلپسندی است. تمام غار عبارت از يك تالار ساده بیضی به طول

۱۲ و عرض ۱۰ متر است طاق آن گنبدی است و حداکثر ارتفاع آن تا سطح فعلی ۷۰ متر است. با ساختن دواطاق بزرگ در پهلوئی هم تمام سطح غار گرفته شده و جز این دواطاق بنای دیگری در آن نبوده است. بنای شمالی یا اطاق بزرگ به طول ۶ و عرض ۴/۷۵ متر و جهت آن شمالی جنوبی است و بنای جنوبی یا اطاق کوچک به درازای ۷/۵ و پهناى ۴/۱۰ متر است و در جهت شرقی غربی است. میان این دواطاق دیواری است که آن دورا از هم جدا می کند.

راه ورود آنها از ایوان جلو غار بوده و هر يك دارای مدخلی جداگانه است. دیوار اطاقها جز قسمتی از دیوار اطاق جنوبی که باریکتر است، به پهناى ۶۵ سانتیمتر است و برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به داخل بنا، گرداگرد تالار و وصل به بدنه غار دیوار کشیده شده است تا علاوه بر آن، حمالها و تیرهای سقف بر آنها استوار شود.

امروز جز قسمتی از دیوارها که شالوده بنا را مشخص می سازد، چیزی نمانده و سقف و پیکره آنها بر اثر زلزله یا سایر لطمات طبیعی فرو ریخته و از میان رفته است. از اینرو کف اصلی و وضع تحتانی غار از نظر مستور مانده است و نمی توان روی چگونگی آن نظر داد. به همین جهت، تجسس ما برای بدست آوردن آثار و علائمی که بتواند راهنمای قدمت و تاریخ سکونت در غار باشد به جایی نرسید و جز سنگ آسیائی که در جلوه دهانه غار افتاده است، نشانه دیگری از لوازم زندگی ساکنین آن دیده نمی شود. با اینکه در حدود يك متر کف غار گودبرداری و گمانه زنی شد، هیچگونه آثاری بدست نیامد. احتمالاً باید تا حدود دو متر خاکبرداری نمود تا به کف غار رسید و این کار مستلزم فرصت و شرایط لازم می باشد تا کار به صورت صحیح و علمی انجام گیرد. بدیهی است این زحمت بی اثر نبوده و تا حد زیادی ما را به کیفیت و چگونگی زندگی و وضع معماری ساکنان غار آشنا

خواهد ساخت .

با مطالعه دروضع غاروتخمین ارتفاع دیوارها و بلندی سقف، این حدس پیش می آید که شاید بنای غار و طبقه بوده است . چون درغیر این صورت بالا بردن دیواری درحدود پنج مترغیر لازم به نظر می رسد . ولی این نیز نکته ایست که تا حفریات کامل انجام نگیرد محرز نخواهد شد .

تیرهای بلند و قطوری که در گوشه و کنار ریخته است، نشان می دهد که سقف بنا ضخیم و بار سنگینی را روی خود داشته است . آنچه در روی خاک آشکار است ۱۸ اصله تیر است و به حدس قوی تعدادی نیز در زیر خاک آوار می باشد .

تیرهای مزبور از درختان جنگلی است و پس از گذشتن قرن ها با وجود هوای مرطوب غار، هنوز سالم و محکم است و در روی بعضی از آنها کار شده و برای استوار ساختن آنها به یکدیگر کم وزبانه در آورده اند . یکی از این تیرها به طول ۵ متر و به قطر ۹۲ سانتیمتر می باشد که در روی دیوار پیش بند غار و از گون افتاده است و انسان از مشاهده آن به فکر فرو می رود که چگونه آنها را با این وزن و هیكل عظیم از این ارتفاع وحشت آور به داخل غار کشیده اند و شاید مردانی در این ماجرا جان خود را از دست داده باشند .

از دیوارهای غربی اطاق بزرگ که در ورودی در آن قرار دارد ، تا لب دهانه غار فضائی است به طول شش و عرض ۲/۵ متر که به منزله ایوان غار بوده و حکم سرسرای آن را دارد .

مصالحی که در ساختمان بناهای غار به کار رفته سنگ و بلك نوع گل بسیار سخت از خاک رس می باشد که در پای ارتفاعات کیجا کچال وجود دارد .

چون هیچگونه آثار و علائمی که معرف قطعی تاریخ و قدمت غار

باشد به دست نیامد ، نمی توان بطور محرز در این مورد اظهار نظر نمود . ولی از سبک ساختمان و نوع مصالح و بعضی قرائن می توان آنرا همزمان با غار « اسپهبد خورشید » و مربوط به صدر اسلام دانست که از دژهای تدافعی اسپهبدان طبرستان در برابر مهاجمین عرب ، یا پناهگاه سلاطین و حکمرانان محلی بوده است .

آنچه امروز از غار کیجا کچال دیده می شود، باقی مانده دژ معتبری است که بمرور زمان درهم ریخته است ، ولی باغور و دقت در این شالوده از هم گسیخته می توان تا حد زیادی به پیکره و ساختمان اولیه آن پی برد .

با توجه به بقایائی از قبیل شالوده های سنگ و گچ که در زیر درختان جنگل مستور مانده و قسمتهائی که بر بدنه دیواره به جا مانده است این طرح در نظر مجسم می گردد که پایه قلعه تقریباً به عرض سی متر یعنی سراسر پهنای قسمت فرورفتگی دیواره زیر غار را گرفته بوده است . و از دو قسمت ، بدنه های بلند و غیر قابل عبور کوه را در میان داشته است .

بلندی حصار و بنای اصلی قلعه در حدود پانزده متر یعنی تا ۸ متری زیر غار بوده است و از اینجا بوسیله نردبان داخل غار می شده اند و در موقع لزوم با بالا کشیدن آن ، ارتباط غار با قلعه قطع می شده است . ولی باید به خاطر داشت که این عبور و مرور کار ساده ای نبوده و مستلزم تهور و جسارت زیادی بوده است .<sup>۶۱</sup> (نقشه شماره ۲۴۷ و نقشه شماره ۲۴۸)

قلعه ای قدیمی بر سرپوزه دو آب

حاجی زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ هـ . ق . این قلعه را دیده و درباره آن می نویسد :

۶۱- شکار و طبیعت ۲۶ دی ماه ۱۳۳۰ . نقل از مقاله چنگیز شیخلی عضو هیأت غار شناسان ایران .

يك فرسنگی کاروانسرای شاه عباسی<sup>۶۲</sup>، سر سه راهی که يك راه آن به شامرزا (شهمیرزاد) می‌رود قلعه دیوسفید است.<sup>۶۳</sup>

قلعه‌هایی که در این صفحات است و رویهمرفته تعداد آنها زیاد است، اغلب به خاندان دیومنسوب هستند. علت آنستکه آخرین بار این قلعه‌ها در دست این خاندان بوده که به امر شاه عباس برافزوده‌اند و گرنه ساختمان این قلعه‌ها به دوران قبل از اسلام می‌رسد. احتمال می‌رود این قلعه از قلعه‌های ارتباطی «عایشه گریلی دز» یا «غار اسپهبد خورشید» بوده است.

## مرقد درویش

در دهکده امامت ۶۴ راستویی سوادکوه

بنائی است با گنبدی مخروطی و مسجد کوچکی متصل به دروودی آن پشت بنای بقعه يك اصله درخت آزاد کهنسال است. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است.

## امامزاده عباسعلی

بر قلعه کوهی که مسلط به دهکده‌های ملرده ۶۵ و کرمان ۶۶ است

بنائی است با گنبدی مخروطی و مسجد کوچکی متصل به دروودی. بنازگی دستی سر و گوش آن کشیده و تعمیر و مرمت و سفید کاری تازه کرده بسودند. درختی ناشناخته در محوطه بقعه است که می‌گفتند درخت فلقل است.

## قلعه کنگه لی ۶۷

در اراضی دهکده کنگه لی راستویی سوادکوه

قلعه کنگه لی دورافتاده‌ترین و آبادترین قلعه‌ای بود که در صفحات سوادکوه به آن برخوردیم. از دو آب سوادکوه در جاده‌ای که مشغول احداث آن هستند و به چاشم

۶۲- ظاهر آکاروانسرای «دو گل» (بفتح گاف) است که امروز خرابه‌های آن باقی است.  
 ۶۳- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۷. ۶۴- بکسر الف و سکون فاء. ۶۵- بکسر میم و لام. ۶۶- بکسر کاف. ۶۷- بفتح کاف.

می‌رود چهارده کیلومتر پیش می‌رویم و به رودخانه آریم می‌رسیم که باید از آن بگذریم راه چاشم دست راست و راه کنگه لی دست چپ است. از رودخانه تا کنگه لی شانزده کیلومتر است.

قلعه کنگه لی قلعه‌ایست قدیمی از سنگ و گچ که تقریباً همه قسمتهای بنا بر جای است و بر سر کوهی منفرد برب آب «آریم تنگه» بردست راست آب قرار دارد. بر سر این کوه کله قندی پرشیب، دوبازو باروی بلند است که با زاویه‌ای گشاده دستها را باز کرده تا واردین را در آغوش گیرد و مانع دخول آنان به ارگ قله بشود. در انتهای این دوبازو، دو برج توپر، برای پایداری و استواری باروها ساخته‌اند. این دو بازو، از این دو برج طرفین به برجی مدور وسیع منتهی می‌شوند که ارگ اصلی قلعه است و مدخلی نسبتاً کوچک در پایین آن است. قسمتی از دیوار خارجی این برج شکاف برداشته که احتمال فرو ریختن دارد. باروها بلند و سالم فقط قسمتی از کنگره‌های آنها فرو ریخته است (عکس شماره ۲۴۹) نام دهکده «کنگه لی» «کنگلو» نیز ضبط شده است.<sup>۶۸</sup> ارتفاع محل دهکده کنگه لی از سطح ایستگاه راه آهن دو آب ۱۱۸۴ متر است.

در دره دو آب به دوائر تاریخی و قدیمی برخوردیم: یکی در «گندی آب»<sup>۶۹</sup> پنج کیلومتری دو آب که در حین خاک برداری و جاده سازی به خمهایی برخوردند که ظاهراً برای ذخیره آب و سایر مواد غذایی بوده است.

دیگر در چهارده کیلومتری ایستگاه دو آب که راه چاشم از راه کنگه لی جدا می‌شود، بر سینه کوه سنگی مقابل، بر سمت چپ رودخانه، آثار جاده سازی چارواداری قدیمی است که همان راه قدیمی دو آب به چاشم و شامرزا (شهمیرزاد) بوده است که اکنون نیز در همان مسیر، مشغول راه سازی ماشین رو هستند. (عکس شماره ۲۵۰).

۶۸- فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳. ۶۹- بفتح گاف.

شهریار کوه = کوه قارن = سوادکوه امروز

شهریار کوه لقب حکمرانان محلی کوه قارن بوده است. صاحب حدود العالم می‌نویسد:

کوه قارن پادشاه وی سپهد شهریاره کوه خوانند . . . . .  
 و از روزگار مسلمانی باز پادشاهی این ناحیت اندر فرزندان باو است.<sup>۷۰</sup>  
 تا زمان ما خاندان باوند در سواد کوه تابستان نشین و علاقه ملکی اجدادی  
 دارند. در صورتیکه نویسنده حدود العالم این نامهارا صحیح و دقیق ضبط کرده باشد،  
 شهریاره کوه یا شهریار کوه و کوه قارن با سوادکوه و سواته کوه امروز یکی است.

راه اصفهان به سیاه‌کوه کاشان و مازندران

حدود سال هزار قمری که پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان منتقل شد، شبکه راههای ایران نیز تغییراتی پیدا کرد و بر مسیر راههای قدیمی راههای تازه‌ای ایجاد کردند از آنهاست: راه اصفهان به مازندران و خراسان که از راه سیاه‌کوه کاشان<sup>۷۱</sup> آمد و رفت می‌کرده‌اند. این راه در هبله رود دو راهی داشت که یک‌راه آن به طرف شمال به فیروزکوه و سوادکوه می‌رفت و راه دیگر رو به مشرق به بسطام می‌رسید.<sup>۷۲</sup> شرح راه سازی مازندران را اسکندر بیک منشی چنین نوشته است،

در سال ۱۰۳۱ ه. ق. رأی جهان‌آرا (شاه عباس بزرگ) بدان متعلق گشت که در وسعت شوارع و همواری راههای مازندران توجه فرموده نوعی سازند که شتران قطار به فراغ بسال، بی‌خوف و خطر عبور نموده، آسیبی از آن ممر به مترددین نرسد و همت عالی نه‌مت بدین امر شگرف که در نظر خلایق دشوار بل محال می‌نمود، گماشته جناب دستوری میرزا

۷۰- حدود العالم ص ۱۴۷ ۷۱- عالم‌آرای عباسی ج ۲ ص ۸۴۰.

۷۲- در عالم‌آرا ج ۲ ص ۸۵۰ و ۸۵۱ شرحی درباره‌ی توسیع راه سوادکوه آمده است.

تقی خان - وزیر طبرستان - را به انجام این خدمت مأمور فرمودند و مقرر شد که اهالی مازندران در آن امر خیر به‌مرد و مدد همراهی کنند و کارکنان اجرت واقعی از خالص مال خاصه شریفه ستانند و جناب دستوری پذیرای فرمان‌گشته، به‌عون عنایت الهی و نیروی اقبال شاهی، دامن همت بر میان، شروع در انجام این خدمت کرد و نهایت سعی و بذل جهد در آن امر شگرف به‌ظهور آورد. اعظم شوارع مذکور راه سوادکوه است که به‌الکاء خوار و هبلرود و فیروزکوه به مازندران می‌رود و تردد مترددین اردوی معلی از آن‌راه است و تا فرح‌آباد قریب هشت نهم‌رحله است و هر مرحله تخمیناً پنج فرسخ بلکه زیاده است.

القصة استادان خارا تراش چابک دست و تبرداران و بنایان و عملة آن کار را از هر طرف جمع آورده، مصالح سرانجام داده، بر رودخانه‌ها که بر سمت راه واقع بود، بنای عالی استوار، بقدر طغیان هر رودخانه به سنگ و آجر و آهک تعمیر و ترتیب دادند و در ممر سیلابهای عظیم که در وقت بارندگی از قلل جبال می‌ریزد، نقبهاکنده، هر جا مظنه آن بود که در ایام از آسیب سیلاب منهدم و خراب گردد، به سنگ و آجر ممر را انجام داد و به رودخانه ملحق گردانیدند و در همواری خیابانها طرح کرده، هر چه جنگل بود، تبرداران از درختان سطر عالی خالی کردند و ریگ از جاهای دوردست آورده، ماهی پشت بلند گردانیدند و در دو طرف آن‌جویها کنده شد که آب باران از شوارع به جویها ریخته، به رودخانه‌ها جاری گردد، چنانچه در میان راه که محل مترددین است، اصلاً از گل و لای، سم ستوران‌آلوده نگردد. و مضایق جبال را به فنون غریبه توسیع داده، بعضی جاها را چوبهای قوی انداخته، آنچه سنگ خاره بود، سنگ بران خاره تراش تراشیده و صنایع بدایع به‌ظهور آوردند.

چنانچه ناسخ کارهای فرهادی که در نظر عقل دور از کار می‌نمود

گردیده، در اندک زمانی این کار خیر به نیروی همت والا و مددکاری اقبال، به نوعی که مکتون خاطر انور و پسندیده خاص و عام بود، صورت انجام یافت و اکنون شتران باردار قطار قطار پهلوی یکدیگر به فراغت عبور می نمایند و همچنین در کسل شوارع مازندران در توسیع طرق و شوارع به طریق سایر، ممالک مترددین از خوف برکنار گشته اند. .... و از اتفاقات حسنه «کارخیر»<sup>۷۳</sup> تاریخ این کار خیر انجام است.<sup>۷۴</sup>

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره راه سوادکوه چنین نوشته است:

راه شاه عباسی که به سرکاری میرزا تقی خان وزیر مازندران و مهندسی هلندیها ساخته شده است و از اصفهان تا فرح آباد امتداد داشته است، از بلوک راستویی می گذرد و ماده تاریخ بنای این راه «امر خیر» است.

بنابر این راه مزبور در سال ۱۰۵۱ هجری که سال آخر سلطنت شاه صفی یا سال جلوس شاه عباس ثانی است ساخته یا تمام شده است.<sup>۷۵</sup>

علی بابا عسکری درباره این راه نوشته است:

در سال ۱۰۳۱ به فرمان شاه عباس، میرزا تقی - وزیر مازندران - معروف به «ساروتقی» مأمور شد راهی از فیروزکوه به طرف سوادکوه، ساری، اشرف، فرح آباد، استراباد بسازد. راه فرعی از گلوگاه به طرف نیالا در هزار جریب تیز مقارن همین وقت ساخته شد. کاروانسراهائی نیز در طول این راه ساخته اند. در هشت کیلومتری جنوب گلوگاه، محلی به نام «شاه نشین» است که ظاهر آیکی از این بناهاست.<sup>۷۶</sup>

۷۳- کارخیر به حساب جمل مطابق سال ۱۰۵۱ ه. ق. است.

۷۴- تاریخ عالم آرای عباسی ج ۳ ص ۹۹۰ و ۹۹۱ و التذوین ص ۱۰۷.

۷۵- التذوین ص ۳۱. ۷۶- بهشهر ص ۱۴۸.

راه اصفهان به مازندران

اصفهان - باطان دو فرسخ و نیم  
 باطان - ریجه سه فرسخ  
 ریجه - سردهن که کاروانسرائی محقر است هشت فرسخ  
 سردهن - تاج آباد<sup>۷۷</sup> سه فرسخ  
 تاج آباد - بادرود شش فرسخ  
 بادرود - آب گرم<sup>۷۸</sup> ده فرسخ  
 آب گرم - سفیداب<sup>۷۹</sup> (خانه ای برکنار تپه) هفت فرسخ  
 سفیداب - سیاه کوه<sup>۸۰</sup> (کاروانسرائی زیبا) هشت فرسخ  
 سیاه کوه - رشمه هشت فرسخ  
 رشمه - گزوار شش فرسخ  
 گزوار - هبلرود شش فرسخ  
 هبلرود - فیروزکوه شش فرسخ  
 فیروزکوه - شیرگاه شش فرسخ  
 شیرگاه - جیره = جیر هفت فرسخ  
 جیره - علی آباد (شاهی) هفت فرسخ

باقی بناها و آثار تاریخی راستویی و ولویی سوادکوه

۱- دخترپاک در آلاشت ولویی سوادکوه.

۲- سید احمد و سید مهدی در بالا آلاشت سوادکوه.

۳- سید محمد و سید جعفر در پایین آلاشت سوادکوه.

۷۷- باغ تاج آباد (عباسنامه ص ۹۴ و ۲۶۴) باغ مبارکه تاج آباد نطنز (عباسنامه ص

۳۲۳ و ۳۳۳) ۷۸- گرماب (عباسنامه ص ۹۶ و ۲۸۷)

۷۹- سفیداب (عباسنامه ص ۲۸۷) ۸۰- سیاه کوه (عباسنامه ص ۹۶)

- ۴- معصوم زاده‌ای در اراضی جنگلی کار مزد که از سه راه به آن دسترسی است: از راه کارمزد، از راه نفت و بورخانی و از راه وچاد که از راه سوم تانیمراه ماشین رو است.
- ۵- امامزاده در دهکده چشمه نزدیک سلس از شعب تالار ( استراباد نامه ص ۲۴۰) امامزاده و دهکده چشمه و سلس در محل شناخته نشد.
- ۶- ملگنوف یادی از امامزاده سفید در دهکده‌ای به همین نام کرده است. (عکسی ملگنوف ص ۸۵ الف) از هر کسی پرسیدیم خبری نداشت. شاید قابل تطبیق با سفید چاه باشد.
- ۷- در طومار متولیان دوره صفویه نامی از مرقد شیخ بابوکیا در سواد کوه برده شده و تولیت آن در آن تاریخ با درویش صادق بوده است. مرقدی به این نام نیافتیم. شاید قابل تطبیق با شاه بالو در ده میان راستویی سواد کوه باشد.
- ۸- قلعه ده گردن و سون آباد و شورک چال و وورسک جزء دژهای گدوک عباس آباد نام برده شده‌اند. در وورسک پنج شش قلعه دیدیم که نام آنها با این نامها قابل تطبیق نبود.
- ۹- ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ ه. ق. در سفرنامه خود از سد سواد کوه نام می‌برد و محل آن را نزدیک قلعه اولاد و پایین تر از آن می‌داند و می‌نویسد «برای ذخیره آب و بستن راه به کار می‌آمده»<sup>۸۱</sup> به علت نوسازی و راهسازی اثر کمی از این سد برجای است.
- ۱۰- برجی قدیمی در برابر کوه چرات راستویی سواد کوه.
- ۱۱- از رباط شاه عباسی پای گدوک عباس آباد که نام آن در اغلب سفرنامه‌ها آمده است نشانی برجای نیست. در سه فرسخی راه فیروز کوه به سواد کوه پایین گدوک فیروز کوه.

۸۱- سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۸۴ به نقل از التدوین ص ۳۳.

- ۱۲- سرخ رباط شاید قابل تطبیق با رباط خرابه‌ای باشد که در ایستگاه دو گل<sup>۸۲</sup> زیر دست پل راه آهن امروز برقرار است.
- ۱۳- از برج سرخ رباط در راستویی سواد کوه اثری پیدا نکردیم.
- (مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف)
- ۱۴- امامزاده‌ای در ارفه ده (= ارفح ده) هجده کیلومتری جنوب پل سفید و یک کیلومتری غرب راه سواد کوه برپای است ولی ارزش تاریخی ندارد.
- ۱۵- امامزاده حمزه در شور مست راستویی سواد کوه، از سنگ و گل است و اثر تاریخی ندارد.
- ۱۶- در قدمگاه و کوه هزارخاتون خطیر کوه در کمرو در راستویی سواد کوه آثاری تاریخی است. در قدمگاه گورستانی قدیمی، آب انبار و آجرهای قالب بزرگ دوران ساسانی، در مرتع چالمش (یکسرمیم) پناهگاههای غارمانند که دستی کنده شده است. از خطیر کوه تا چاشم که فعلا (تیر ۱۳۶۳) مشغول ساختن راه هستند دوازده کیلومتر است.
- ۱۷- امامزاده حمزه در فلورد (= پلورد) از دهکده های راستویی سواد کوه، آثار تاریخی نداشت.
- ۱۸- حمام و عمارت علی محمد خان در برنت راستویی سواد کوه (مجموعه کتابخانه سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف).
- ۱۹- قلعه شاه عباسی در دهکده عباس آباد راستویی، آثار آن باقی است. (مجموعه کتابخانه سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف)
- ۲۰- قلعه گردن در وسط دهکده عباس آباد راستویی.
- ۲۱- تپه‌ای قدیمی در کتی لته شیرگاه سواد کوه، تپه طبیعی است ولی پاره‌های سفال در آن فراوان یافت می‌شود.
- ۸۲- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۰. مهجوری در ج ۲ تاریخ مازندران ص ۱۳۳، این کاروانسرا را به نام رباط اول خوانده است.

## ۱۱- بناها و آثار تاریخی لفور سوادکوه

در قدیم ناحیه لفور را سیزده قریه و پس از آن ۱۷ قریه دانسته‌اند. امروز بیش از بیست و یک پارچه آبادی جزء لفور است. این دهستان در جنوب غربی شیرگاه و قسمت بالای دهستان بابل کنار است. آب این ناحیه از سه رودخانه پی‌رود و کرسنگ و از (بفتح الف و زاء) تأمین می‌شود. این ناحیه از دهستانهای بخش سوادکوه شهرستان شاهی (قائم شهر) است.

۱- سه معصوم زاده در بورخانی و نفت‌چال به نامهای: سید عالی کیا و بوبل کیا سلطان که در محل بویی کیا سلطان گویند و امامزاده کمال الدین. در مرتع و ساله (بکسر او) از توابع نفت‌چال گورستان قدیمی و پاره‌های آجر و تکه‌های کاشی پیدا می‌شود.

۳- گورستانی قدیمی در وردشت (بفتح او) که استخوانهای فراوان از آنجا بیرون می‌آید.

۴- گورستانی قدیمی در از (بفتح الف و زاء) از توابع نفت‌چال.

۵- سنگ آسیاب و تونلها و راههای زیرزمینی که با چاه به هم مربوط است در ییلاق لاکوم الاشت (بکسر الف).

۶- گورستان گبری که سمت دفن اسلامی ندارد در لاکوم و لرزنه (بفتح لام و زاء).

۷- مقبره سید عالی کیا در شاه کلا (امام کلای امروز).

- ۸- امامزاده یحیی در پاشاکلا و امامزاده عسکری در جنگل این دهکده .
- ۹- در اسبوکلا آجرهای کاشی سه گوشه با نقش شیر و پلنگ بر آنها و تونلها و راههای زیرزمینی دور و دراز.
- ۱۰- درگالش کلاکاشی شش ضلعی که بر آن تمثالهایی نظیر سلاطین صفویه است .
- ۱۱- برجهای دیدبانی در تورهن<sup>۱</sup> و پاپک<sup>۲</sup> و ورشت<sup>۳</sup> و وساله<sup>۴</sup> و قاضی کلا و نم‌نم<sup>۵</sup> و سیدکلا و چاشت خوران .
- ۱۲- سه قبر در چارسوران .
- ۱۳- در حدود دو هکتار زمین آثار آبادانی قدیم و سه قبر در گزو .
- ۱۴- معروف است که قبر اسپهبد خورشید در چاشت خوران است<sup>۶</sup>.
- ۱۵- معروف است که منزل مازیار در چاشت خوران بوده است و بعید به نظر می‌رسد .
- ۱۶- قلعه کره سنگ در لفور است. (تاریخ خاندان مرعی مازندران ص ۳۶۸)

۱- بفتح هاء. ۲- بفتح پ دوم. ۳- بفتح واو وراء. ۴- بفتح واو.

۵- بکسر ه و نون

۶- اسپهبد خورشید خود را در پلام رودبار رود سر مسموم کرد .

#### بخش چهارم

### بناها و آثار تاریخی ساری و اطراف آن

## جغرافیای شهرستان ساری

ساری یکی از شهرستانهای مازندران شرقی است که از طرف شمال به دریای مازندران، از جنوب به رشته اصلی کوههای البرز که حد طبیعی میان ساری و کومش (سمنان و دامغان) است، از مشرق به گرگان و از مغرب به شهرستان علی آباد (قائم شهر) محدود می شود.

شهرستان ساری دارای بیست دهستان به شرح زیر است:

بخش مرکزی شامل: گیلخواران، ساری رودپی، شهر خواست، قره طغان، مز کوره، میانرود، کارکنده، اسفیورد و شوراب، کلیجان رستاق، بخش اشرف (بهشهر) شامل: پنجهازه، کلباد، یخکش.

بخش چهاردانگه شامل: سورتیجی، هزارجریبی، شهریار.

بخش دودانگه شامل: نرم آب، فریم، بندرج، پشتکوه، بنافت.

رودخانه هایی که در پهنه خاک ساری جاری هستند، از غرب به شرق به این

نامها خوانده می شوند:

۱- رودخانه لاجیم سرچشمه آن از ارتفاعات شمالی رسگت است. پس از طی

سی کیلومتر به رودخانه تجن می ریزد.

۲- رودخانه فریم، سرچشمه های آن: شیرین رود، اشک رود، عروس داماد است

درازای آن چهل کیلومتر در اراضی افراچال به رودخانه تجن می رسد.

۳- رود خانهٔ تجن، سرچشمهٔ آن کوه دیز آباد و شاخه‌های: شلی، پرور، رودبارک، گلخواران و کاردکلا به ترتیب به آن می‌پیوندند. جریان آن در جهت شمال است و در هشت کیلومتری ساری از کوهستان خارج می‌شود، از مشرق ساری می‌گذرد و در فرح آباد به دریای مازندران می‌ریزد. زارم رود در شانزده کیلومتری و گرماب رود در سی کیلومتری ساری به تجن می‌ریزد.

۴- گرماب رود، سرچشمهٔ اصلی آن در بادله کوه و چشمه‌های شورکاو نزدیک آبادی «کوات» است. پس از عبور از کوهستان پشتکوه و زیر کوه چهار دانگه در حدود باباکلا به طرف غرب منحرف می‌شود و در اراضی میان گردش و تاکام وورند به تجن می‌ریزد. در ازای رود خانه از سرچشمه تا محل اتصال به تجن ۷۵ کیلومتر است.

۵- زارم رود، سرچشمهٔ آن کوه چنگی و حدود پابند از دهستان هزار جریب است نزدیک آبادی «درم» با رود خانهٔ «ارم» متصل می‌شود. در حدود سنکور به طرف غرب می‌پیچد با گرماب رود در شانزده کیلومتری جنوب ساری به تجن می‌ریزد.

۶- رود نکا، سرچشمهٔ اصلی آن شاه کوه واقع در جنوب گرگان و تنگ شمشیر بر است رو به غرب جریان دارد، از دهستان شهر یاری و یخکش می‌گذرد به طرف شمال می‌پیچد و از غرب قصبهٔ نکا می‌گذرد و در نوذر آباد به دریا می‌ریزد. در ازای آن در حدود صد کیلومتر است.

#### جغرافیای تاریخی و انسانی شهر ساری

ابن الاثیر از ساریه یاد کرده و آن را شهری از شهرهای مازندران می‌داند.<sup>۱</sup>

ابوالفدا (متوفی ۷۳۲) از قول ابن سعید می‌نویسد:

از شهرهای طبرستان ساریه است و در ساحل آن بندرگاه عین الهم است که طولش عربی و عرض لطل .... و در شرق آن خوارری است که بر سر راه است و میان آن دوشصت میل است.<sup>۲</sup>

۱- اللباب فی تهذیب الانساب ذیل کلمه «ساریه». ۲- تقویم البلدان ص ۲۳۷.

سپس طول و عرض ساری را یاد کرده است.

سهراب می‌نویسد که مدینهٔ ساریه نزدیک دریاست.<sup>۳</sup>

حسن بن اسفندیار دربارهٔ گذشتهٔ بسیار دور شهر ساری می‌نویسد:

بنیاد ساری در قدیم «طوس نوذر» که سپاه دار ایران بود افکند به موضعی که این ساعت «طوسان» می‌گویند و چنان بود که به عهد کیخسرو چون از اوخیانتی در وجود آمد که فریبرز، کاوس را برگزیده بود، بترسید و بگریخت و با آل نوذر بدین موضع التجا کرد. تا رستم زال بالشکر هفت اقلیم بیامد، او را بگرفت، پیش کیخسرو برد، گناه او را عفو کرد. درفش و کفش بدو سپرد و قصر مشید و مقر منیعی که او ساخته بود هنوز (سال ۶۰۶ قمری) تودهٔ آن باقی است «لومن دوین» می‌گویند و این موضع که اکنون ساری است محدث است.<sup>۴</sup>

فرخان بزرگ که ذکرش برود، پادشاه طبرستان بود. «باو» را که از مشهوران درگاه بود فرمود تا آنجا که دیه «اوهر» است، شهری بنیاد نهد، برای بلندی آن موضع و بسیاری چشمه‌های آب و نزهت جایگاه. مردم اوهر، باو را رشوت دادند تا ترک آن بقعه کرد و اینجا که امروز ساری است بنیاد نهاد. چون عمارت تمام شد، شاه بیامد تا مطالعهٔ شهر کند. معلوم شد که «باو» با اوخیانت کرده، محبوس فرمود و به طریق آمل به دیه «باو جمان» او را بیاویخت. نام این دیه «باو آویجمان» از این سبب نهادند و از آن زر رشوت دیهی بنیاد افکند و چون تمام شد «دینار کفشین» نام نهاد. تا این ساعت (۶۰۶ قمری) هم دیه معمور ماند هم نام

۳- عجایب الاقالیم السبعه ص ۳۳. ۴- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۵۸ و ۵۹. ملکنوف می‌گوید: ساری قدیم در محل دیه شعبان بوده است در سال ۹۶۳ بواسطهٔ سیل یا زلزله خراب شد. ساکنان جایگاه خود را در دامنهٔ کوه ساختند (نسخهٔ عکسی ترجمهٔ ملکنوف ص ۶۰ ب). ۵- بفتح الف و کسروا و هاء.

برقرار.<sup>۶</sup>

ابن اسفندیار دوباره یاد آور می‌شود که «ساری را اصفهید فرخان بزرگ بساخت»<sup>۷</sup> منظور اینست که نوسازی و مرمت نمود.

و درباره خندق ساری می‌نویسد:

ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن علی الناصر عمارت خندق ساری

بفرمود.<sup>۸</sup>

سیدظهیرالدین درباره تجدیدنمای شهر ساری در زمان سید کمال‌الدین بن میرقوام‌الدین مرعشی (۷۶۰ تا ۷۸۱) می‌نویسد:<sup>۹</sup>

چون خاطر میر کمال‌الدین از کیایان جلال آسوده گشت، به اجازه

پدر متوجه ساری گشت. ساری را سارویه ساخته بود، اما فیما بین دو سه نوبت خراب گشته بود. چون نوبت به جلالیان رسید، اندک عمارت ساخته بودند. اکثر شهر قدیم خراب بود. چنانکه در پای منار کهنه که الحال (۸۸۱ قمری) بعضی از آن باقی است، در آن حین که مردم مسن بودند می‌گفتند که ما اینجا بیشه و جنگل دیده‌ایم که شکار می‌کردند و گوزن و خوک می‌گشتند.

سید کمال‌الدین به تعمیر آن مقام مشغول گشت و بنیاد خندق فرمود

و درون آن خندق عظیم کوشک و خانه و عمارات عالیه و حمام و سایر عمارات ضروریه فرمود ساختند و چاههای آب حفر کردند و بیرون قلعه بنیاد شهر و بازار و حمام و مسجد طرح انداختند و سرکاری هر موضعی را به یکی از امرا و ارکان دولت و برادران خود سپردند و در سنه ۷۶۹ ابتدای این عمارت بود و در سنه هفتصد و هفتاد به اتمام پیوست.<sup>۱۰</sup>

۶- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۵۸ و ۵۹ . ۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۷ .

۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۷۱ . ۹- تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۷۱ .

۱۰- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۷۸ و ۳۷۹ چاپ درن .

## شهرسازی از نظر ایت در سال ۱۴۶۰ قمری

ایت در سفرنامه خود می‌نویسد:

ما را در ساری در کاخ آقا محمد خان که مانند بیشتر از کاخها روی درخراپی دارد، جای دادند. در یکی از حیاطها درخت خرما می‌بزرگی است، تنها درخت خرمایی است که من در این سرزمین دیده‌ام. هنوز ما مهمان اردشیر میرزا هستیم و از ما پذیرائی به عمل می‌آورند.

شهرسازی خندقی باریک و کم عمق دارد و خاکریزی دارد که روی آن دیواری کوتاه دور تا دور شهر بوده است. چندین دروازه نیمه خراب داشت و وضع دفاعی شهر نیز خراب بود. علت این خرابی را می‌گفتند از زلزله است.

محیط شهر دومیل است و شهرش محله دارد که سه هزار خانوار در آنها ساکن اند. کف کوچه‌ها سنگفرش ریزاست. هفتاد مدرسه در این شهر است و وضع شهر از وضع سایر شهرها که در این صفحات دیده‌ام، بهتر است. کوهها منظره زیبایی به شهردادند ورشته کوههای بلند به جنوب شرقی ساری ختم می‌شود.

نزدیک کاخ باغی است که درختان نارنج و لیمو دارد که در میان آنها سرو و کاج کاشته‌اند. کلاه فرنگی و حوض بزرگی در این باغ است. پایه این باغ‌زرا ملک آرا که یکی از پسران فتحعلی شاه است گذاشته و حالا محل ولگردان ساری است. باغی با همین وصف در این شهر بوده که آقا محمدخان آن را به وجود آورده بوده است. در آن باغ نیز کلاه فرنگی وجود داشته حالا اثری از آن نیست بلکه تپه‌ای از خرابه‌های آن برجای است.

بازار ساری از بازار بارفروش پر رونق تر است. داد و ستد در این بازار زیاد نیست ولی عظمت و جنبش در آن بیش از حد توقع است. در حالیکه منظره آن از خارج خراب است. چهار کاروانسرا دارد که یکی از

آنها تاجر نشین است و پنجاه تن تاجران طبقات مختلف در آن است .

از ساری تا تهران هفت روزه در تابستان و نه روزه در زمستان می‌روند . فقر در ساری زیاد است و فقیر زیادی در این شهر دیده می‌شود . ارزانی قیمت و حضور حاکم و خربی هوا مردم را به این شهر می‌کشد . در این شهر در اویزش زیادی نیز هستند . آب انبارهای فراوانی با گنبد های گرد در این شهر دیده می‌شود که تمام آنها موقوفه است .

رود تجن در شرق شهر و در فاصله یک میلی آن است و پلی هفده چشمه آجری دارد که آقامحمدخان ساخته است . راه سنگفرش (راه شاهی) صد یارد پایین‌تر از رودخانه است . سرچشمه رود تجن ، فریم و برنت است . دو یا سه عمارت بزرگ در فاصله ای از شهر ساری دیده می‌شوند که آنها هم امامزاده هستند . گنبد قدیمی سلم و تور برپا نیست . در حدود هفده سال پیش (۱۲۴۳ قمری) از زلزله خراب شد و مصالح بنا را از همان وقت نقل و انتقال دادند .<sup>۱۱</sup>

#### ساری از نظر مکنزی

مکنزی در سال ۱۲۷۵ ه . ق . در سفرنامه گیلان و مازندران خود درباره ساری

می‌نویسد:

شهر ساری پنج مدرسه و سه امامزاده و چهارده حمام و چهار کاروانسرا دارد . یکی از کاروانسراها را اخیراً ساخته‌اند و بهترین کاروانسرای مازندران است . در این شهر چهارصد و ده دکان و هزار و هفتصد خانه و هشت هزار جمعیت است .

مسجد جامع سابقاً آتشکده بوده و معروف است که قبر فریدون نزدیک آن است . امروز اثری از گور او باقی نیست . از بناهای تاریخی

۱۱- یادداشت‌های تایپ شده «اب» ص ۴۶ .

دیگری که اثر زیاد از آن باقی نمانده ، گنبد سلم و تورا است ، دو برج مدور با گنبد های مخروط که کتیبه های عربی دارند در اینجا است و این دو محل امامزاده یحیی و سید زین العابدین است .

سنگ فرش کوچه های ساری خراب است و با شیب تندی بوسط کوچه می‌رود . قصر شاهزاده عظمتی دارد ولی اقلان نصف آن خراب است و من دیدم که پاره ای از زیباترین قسمتها غیر قابل سکونت است و حیاط آن بیش از يك پا در خاك فرورفته .<sup>۱۲</sup>

نزدیک جنوب ساری تپه هایی است که انحنای آنها از W.N.W. به N.S.E. است . این تپه ها در حدود يك يا دو ميل از باغ شاه درختان زیاد و شکار فراوانی دارد . روزانه شکار می‌کردند و می‌آوردند و به قیمت ارزان می‌فروختند . (باغ دیگری از شاه عباس نزدیک دروازه ای بود که ما از آن وارد ساری شدیم) . آب انبارهای ساری خنک و آب آن سرد است . از دروازه خراب ساری بیرون آمدیم و دوباره به جاده شاه عباسی افتادیم . و کوره های آجر پزی طرف راست ما بود .<sup>۱۳</sup>

#### ساری در زمان ظل السلطان

مسعود میرزا ظل السلطان درباره ساری می‌نویسد:

شهر ساری چهار دروازه دارد: یکی دروازه نقاره خانه که هم دروازه دولت و هم دروازه باغ شاه می‌گویند . منظور از این سه اسم همان دروازه ایست که از خارج شهر تا خیابان طولانی که به باغ شاه از ابنیه سلاطین صفویه است وصل می‌شود و این دروازه به طرف جنوب شهر است .

دوم دروازه فرح آباد است که طرف شمال شهر است . از فرح آباد

۱۲- سفرنامه مکنزی صفحات ۶۴ تا ۶۷ . ۱۳- سفرنامه مکنزی ص ۶۸ .

تا دریا درست يك فرسنگ است. خیابان عریض و طولانی و سنگ فرش، در آن باتلاق و گل مازندران، سلاطین صفویه ساخته اند در کمال خوبی. دروازه دیگر به طرف شرق است که دروازه استراباد می گویند که به اشرف و استراباد از این راه می روند.

دروازه دیگر هم بیرون دروازه استراباد است. آن وقت که من دیدم (۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲) مخروبه بود.<sup>۱۴</sup>

شهر ساری دارای همه نوع ابنیه لازم است متعدده، کاروانسراها و آب انبارها و غیره و غیره. همرا نسبت به سلاطین صفویه داده اند. مگر يك دیوانخانه بزرگ که آن را نسبت به کریم خان زند داده اند.

آب انبارهای این شهر وقت تابستان که آنجا یخ و برف هیچ نیست، یکی از نعمتهای بزرگ الهی است. بسیار بسیار سرد و خنک و خوب است.<sup>۱۵</sup>

ساری در سال ۱۲۹۱ هجری قمری

نی پیه در سال ۱۲۹۱ ه. ق. درباره شهر ساری می نویسد:

شهر ساری پایتخت حکومت میرزا مسیح معزالدوله، در این زمان بمراتب آبادتر از دوران سفر فریزر است. غرض از این عبارت آن نیست که حصار سوراخ شهر یا دیوارهای ریخته را مرمت کرده بودند. از ملاحظات نی پیه پیداست که ظواهر شهر ساری چندان تغییری نکرده بود و از چهار دروازه شهری یعنی بارفروش، استراباد، فرح آباد و چهل دختران، فقط دروازه استراباد سالم و برجا مانده و به خوبی تعمیر شده بود. در این باره می نویسد:

دروازه استراباد، يك پاسدار خانه و دو برج دارد که سقف آنها به همان اسلوبی که در نقاشیهای تبت یا چین دیده می شود، تزیین شده است.

۱۴- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۲۷ و ۲۸.

۱۵- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۲۸.

در داخله شهر ظواهر همه چیز نظیف و مرتب است و جنب و جوش و ثروتی به چشم می خورد که در ایران غیر عادی است.<sup>۱۶</sup>

ساری در سال ۱۳۳۶ هجری قمری

راینو در سال ۱۳۳۶ قمری درباره شهر ساری می نویسد:

ساری در میان دشتی قرار گرفته است و محیط آن در حدود سه میل است. در ایام پیشین دور تا دور شهر دیوار و خندقی قرار داشت که اکنون بقایای آن در بعضی نقاط به چشم می خورد.

قلاع و استحکامات این شهر را آقا محمد خان قاجار بنیاد نهاد و آنچه در عهد سلطنت وی احداث گردیده بود، در دوران فتحعلی شاه تعمیر شد. کوی مهم شهر «میرمشهد» نام دارد. مسجد جمعه آن در ایام گذشته آتشکده ای متعلق به گبرها بوده است. مشهور است که در نزدیکی آن آتشکده، قبر فریدون قرار داشته است. اما اکنون اثری از آن برجا نمانده. شهر ساری که والی نشین ایالت محسوب می شود، اصلا به امر آقا محمدخان ساخته شد. بر اثر حریق قسمتی از این شهر از میان رفت و سپس به فرمان محمد قلی میرزا ملک آرا - یکی از فرزندان فتحعلی شاه - از نو در آنجا تعمیرات فراوانی نمودند.<sup>۱۷</sup>

16- Napier, G. C. : Collection of Journals and Reports on A Special Duty in Persia, London, 1874, P. 49.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۵۶.

۱۷- سفرها و ماجراهای در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ میلادی ص ۴۵۱ و ۴۵۲. به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۶۸.

## دیدار فریزر از ساری

فریزر در سال ۱۳۲۷ ه. ق. درباره ساری می‌نویسد:

از علی آباد (شاهی = قائم شهر) راه زیر سایه درختان جنگلی است<sup>۱۸</sup> ساری را ایرانیان قدیم ساخته‌اند.

چهار آتشکده گبری آتش پرست در اینجا است. این گبران سابقاً در تمام این ساحل اقامت داشته‌اند. این ساختمانها گنبد دارد و گنبد آنها مدور است. جسای تعجب است که این آتشکده‌ها را پس از میان رفتن مذهب زردشتی بر پا نگاه داشته‌اند. قطر آنها در حدود سی فوت و ارتفاع آنها صد و بیست فوت است.<sup>۱۹</sup>

معلوم نیست فریزر کدام بناها را شرح می‌دهد و منظور او از این آتشکده‌ها چیست. ظاهراً آب انبارها را به جای آتشکده گرفته است!

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره ساری می‌نویسد:

ساری، ساریه، سارویه، از بلاد قدیمه است. گویند «طوس نوزد» بنیاد نهاد و «طوسان» نام کرد. چون خراب شد ثانیاً ساختند و ساری نامیدند. فرخان بزرگ و مازیار در آبادی آن کوشیدند. شهر کی است دلنشین مشتمل بر بیوتات و عمارات پادشاهی، حمام و بازار و مساجد و مدارس. آبادانی این بلده در این اواخر از شاه شهید و خاقان مغفور است و ملک-آرا و اولاد او بر آن افزوده‌اند.<sup>۲۰</sup>

ملگنوف بناها و محلات شهر را چنین یاد کرده است:

گنبد سه تن = سه گنبد، قبر خاتون، شاطر گنبد، دیوانخانه،

۱۸- قسمت III فصل ۴۳ ص ۱۹۸. ۱۹- قسمت III فصل چهل و سه ص ۲۰۱.

۲۰- مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۲.

## کلاه فرنگی.

دروازه‌ها: دروازه بارفروش، دروازه فرح آباد، دروازه استراباد، دروازه نقاره خانه = ارگ = دیوانخانه.

محلات: سبزه میدان، نقاره خانه، اوصانلو محله، بلوچی محله، کرد محله، بلوچی خیل، اصفهانی محله، افغون محله، چاله باغ، شپش-کشون، باغ شاه کهنه، قلیچ لی محله، میرسرروضه، میرمشهد محله، بیرامتر<sup>۲۱</sup>، درمسجد، پای چنار، شیشه گر محله، نعل بندان، بهار آباد، شاهزاده حسین، امامزاده عبدالله.

کاروانسراها: کاروانسرای وکیل، کاروانسرای میرزا آقا، کاروانسرای حاجی عباسعلی.

مساجد: مسجد جامع، مسجد حاج مصطفی خان، مسجد حاج درویش علی، مسجد حاج رضا خان.

مدارس: مدرسه مادرشاهزاده، مدرسه سلیمان خان.

حمامها: حمام میرزا یوسف، حمام سه شنبه، حمام یکشنبه،

حمام صادق خان، حمام حاج درویش علی، حمام باغ شاه.<sup>۲۲</sup>

محله‌ها و گذرهای کنونی شهرساری

سبزه میدان، چاله مسجد، سروینه باغ، کوی لسانی، کوی ارتش، کوی کارمندان، نقاره چی محله، میرسرروضه، قلیچ محله، اوصانلو محله، اصفهانی محله، حاجی آباد، نومل، کارمندان دولت، تجن کنار، جهان نما (محمدتقی خان) چراغ برق، آب انبارنو، مختار محله، ملا آقا بابا، افغانی محله، پیرتکیه، بربری محله، مهدی آباد، خزائلی، هنرستان بهرامتر، میرمشهد، شهر بند، کوچه صفدری، چهار تکیه، نعلبندان، میرزای مجتهد.

۲۱- بهرام اتر (بضم الف و تاء) امروز.

۲۲- ملگنوف متن روسی صفحات ۱۱۴-۱۳۱ درباره این ناحیه است.

## ناصرالدین شاه درساری

دهم شوال (سال ۱۲۹۲ قمری) نزدیک پل تجن سواراسب شدم. از دروازه استرآباد داخل شهر شده، جمعیت زیادی از مرد و زن بودند. کوچه‌های سنگ‌فرش شهرآباد وقشنگ است. رسیدیم به سبزه میدان، جمعیت زیادی آنجا بود. از سبزه میدان الی باغ ملک آرائی که منزل ما است علی خان مرحوم که سابقاً از جانب عضد الملک نایب الحکومه مازندران بود، خیابانی احداث کرده است. تمام اشجار این خیابان مرکبات است و تقریباً دوهزار و پانصد ذرع طول این خیابان است. جنبین این، فانوس زیادی آویخته بودند.<sup>۲۳</sup>

## سیل و زلزله درساری

حسن بن اسفندیار درباره سیل سال ۳۲۳ هجری قمری می‌نویسد:  
درسال ۳۲۳ آب درساری افتاد و جمله ساری خراب کرد و بنیادی که پیش از آن بود هیچ برقرار نگذاشت و مردم ساری جمله با پایان کوهستان شدند تا خدای تعالی آب باقرار آورد.<sup>۲۴</sup>  
زلزله عظیم طبرستان درساری و سایر شهرهای مازندران نیز خرابی به بار آورد اما کانون آن در فریم و زارم بوده است. در تاریخ طبرستان آمده است:  
در این سال (۵۶۰ ه. ق) در طبرستان زلزله‌ای بادید آمد در نواحی شهریار کوه زلزله عظیم بود. شهر فریم فروشد. رستاق کنیم و زارم تمامت آنچه بالای آسیای او است جمله خراب شد و دیهی بود «دولیت» نام، از جای برآمد و به آن سوی جوی شد و خرابی تمام در شهریار کوه پدید آمد.<sup>۲۵</sup>

۲۳- سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۹ و ۱۹۰. ۲۴- تاریخ طبرستان ص ۲۹۶. ۲۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۵.

مهجوری از سیل دیگری یاد می‌کند که در سال ۳۲۶ و ۳۲۷ ساری را خراب کرده است اما چون منبعی را که از آن نقل کرده است نشان نمی‌دهد، نمی‌دانیم این همان سیل سال ۳۲۳ است یا سیل دیگری است که سه سال بعد از آن آمده است.<sup>۲۶</sup> قشون سلطان تکش بن ایل ارسلان در سال ۵۹۸ ساری را به آتش کشیده است. در تاریخ طبرستان منتسب به حسن بن اسفندیار چنین آمده است:

در سال ۵۹۸ قشون سلطان تکش بن ایل ارسلان به مازندران آمد به ساری و جمله قصرها و مقام جای شاه سوخته و شهر را آتش زده و قتل و غارت کرده. اصفهبد اردشیر در لهور بود.<sup>۲۷</sup>  
مؤید ای ابه نیز ساری را آتش زده است.<sup>۲۸</sup>  
آتش سوزی بزرگ ساری هنگامی که آقا محمدخان در دامغان بود. در حدود سال ۱۲۰۰ قمری اتفاق افتاد.

## حصار و شهر بند ساری

حسن بن اسفندیار می‌نویسد:  
عمارت حصارهای آمل و ساری را عبدالملک بن القعقاع مرمرتها کرد و سور پدید آورد تا آن وقت که مازیار خراب فرمود.<sup>۲۹</sup>  
همین مؤلف در جای دیگری می‌نویسد:  
حصارهای آمل و ساری را مازیار پست کرد و به کوهستانها قلعه ساخت.<sup>۳۱</sup>

در جنگی که میان رافع و عمرو لیث واقع شد، رافع حصار ساری را محکم کرد.<sup>۳۲</sup> سید کمال‌الدین مرعشی در شهر ساری حصار و خندق و کوشک و مسجد و خانه

۲۶- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۱۲۶. ۲۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۹. ۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۶. ۲۹- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۳۶. ۳۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹. ۳۱- همین کتاب ص ۲۱۱. ۳۲- همین کتاب ص ۲۵۵.

و گرمابه ساخته است.<sup>۳۳</sup>

دیوار و شهر بند ساری گلی و دارای برجهای آجری مربع می باشد که محیط آن بیش از دو میل نیست.<sup>۳۴</sup>

شهر ساری از نظر فریزر در سال ۱۴۳۸ ه. ق

جیمز فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی مطابق با ۱۲۳۸ هجری قمری از شهر ساری به طرف گرگان عبور کرده و درباره آن نوشته است:

شهر ساری شهر کهنه ایست. فردوسی در شاهنامه از آن نام برده است. معروف است که این شهر را تهمورس دیوبند - سومین شاه پیشدادیان ساخته است. مورخین اخیر آن را مرکز مازندران می دانند. مدتی محل اقامت آقا محمد خان قاجار بود که پس از مرگ کریم خان و فرار از شیراز، در اینجا اقامت داشت. این شهر سابقاً آبادتر و پر جمعیت تر بوده است. حصار و خندق آن مدت ها است که رنگ تعمیر به خود ندیده است. برجهای مربع شکل و باروی دو آجری در فواصل مختلف ساخته اند و یکی دو برج برای حفظ دروازه ها بنا کرده اند. بازار شهر سه شنبه بازار است و روی هم رفته رونقی ندارد.<sup>۳۵</sup>

برج و بارو و خندق شهر ساری در سال ۱۲۵۱ ه. ق،

حصار و برجهای متعدد و خندقی که در عهد آقا محمد خان قاجار، احداث یا مرمت گردیده بود، بر اثر مرور زمان و بی مبالائی مسؤولان چنان ویران و بی ثمر بود که دیگر نمی توانست مردم ساری را از شر ایلغار ترکمانها برهاند، چه رسد به آنکه دژ پایداری از برای دلاوران مازندران در برابر هجوم لشکریان بیگانه باشد.

استوارت می گوید:

۳۳- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹. ۳۴- با اطلاعات دیگر درباره ساری مهجوری ج ۲ ص ۱۵۹. ۳۵- سفرنامه فریزر ص ۴۰.

دیوار شهر در پاره ای نقاط ریخته بود و در جاهای دیگر بر اثر ریزش خاک کف خندق بالا آمده بود و در مشرق شهر که کف خندق تا حدودی مرطوب بود، هزاران لاک پشت در آن می خزیدند.<sup>۳۶</sup>

ایلات و طوایفی که در ساری و اطراف آن سکونت داده شده اند

طایفه گرایلی از ترکمانان که در گرایلی محله اشرف (به شهر) ساکن اند، آقا محمد خان قاجار ایشان را از کالپوش بدینجا کوچانیده است.<sup>۳۷</sup>

و طایفه گرایلی که در قزلی از دهکده های شمال ساری نشسته اند، محمد شاه از کناره گرگان و کالپوش آورده است.<sup>۳۸</sup>

طایفه های اصائلو و بلوچ و کورد که در محله سبزه میدان محمد شاهی در ساری سکونت داده شده اند قریب به صد و پنجاه خانوارند.<sup>۳۹</sup>

طایفه قلیچلو از طوایف ترکمان در قلیچ لومحله ساری سی خانوارند.<sup>۴۰</sup>  
طایفه عبدالملکی از کلاردشت به زاغمرز پایین از دهکده های بلوک میان دورود کوچانیده شده اند.<sup>۴۱</sup>

طایفه گرجی در گرجی محله از دهکده های غربی اشرف (به شهر).<sup>۴۲</sup>  
عبدالملکی ها از نور و کجور به دهکده «چارامام» از دهکده های میان دورود

کوچانیده شده اند.<sup>۴۳</sup> در سال ۱۲۷۷ ه. ق. در مازندران دوست خانوار بوده اند.<sup>۴۴</sup>  
افغانان قرا تبه از دهکده های بلوک میان دورود اشرف (به شهر) در ایام نادر شاه بدینجا کوچانیده شده اند. پس از قتل او همگی به استرآباد به همسایگی گوکلان یا

36- Stuart, Charles: Journal of a Residence in northern Persia, London 1854, p. 265.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۳۷.

۳۷- نسخه عکسی ترجمه ملکنوف ص ۵۸ ب. ۳۸- همین نسخه ص ۷۷ ب.

۳۹- همین نسخه ص ۹۳ الف. ۴۰- همین نسخه ص ۹۳ الف. ۴۱- همین

نسخه ص ۱۵۹ الف. ۴۲- همین نسخه ص ۵۹ ب. ۴۳- همین نسخه ص ۱۵۹ الف

۴۴- همین نسخه ص ۹۰ الف.

به ولایت خود رفتند. آقا محمد خان قاجار دوباره ایشان را به ساری و قراچه آورد. در زمان ملگتوف یعنی در سال ۱۲۷۷ ه. ق. صد خانوار آنان در قراچه بوده‌اند.<sup>۴۵</sup> تالش در تالش محله از دهکده‌های غرب اشرف (بهشهر) سکونت داده شده‌اند. معروف است که آقا محمد خان قاجار ایشان را از لنکران آورده است.<sup>۴۶</sup> در سال ۱۲۷۷ در مازندران هشتاد خانوار بوده‌اند.<sup>۴۷</sup>

از طایفه عمرانو در سال ۱۲۷۷ قمری در مازندران صد خانوار بوده‌اند.<sup>۴۸</sup> جان بیگلر از طوایف کرد با طایفه مدانلو در سال ۱۲۷۷ قمری در مازندران پنجاه خانوار زندگی می‌کردند.<sup>۴۹</sup> عثمان لوی گرایلی و بلوچ و اصانو در همین سال در مازندران پانصد خانوار بوده‌اند.<sup>۵۰</sup>

خواجehوند هم در همین سال در مازندران بالغ بر ۴۵۴ خانوار بوده‌اند.<sup>۵۱</sup>

#### افغانه در ساری

مؤلف تاریخ گیتی گشا می‌نویسد:

محمد حسن خان بعد از استیلای ارومی و استیصال آزادخان افغان خانواری جمهور افغانه را که کوچانیده بود، روانه مازندران کرد و یوسف خان هوتکی سرسلسله ایشان بود. محمد حسن خان ایشان را در ساری جا داد.<sup>۵۲</sup>

ملگتوف می‌نویسد:

در افغان محله شهر ساری سی خانوار افغانی سکونت دارند.<sup>۵۳</sup> برای آگاهی بیشتر در باره ایلات و طوایف کوچانیده شده به مازندران نگاه

۴۵- نسخه عکسی ترجمه ملگتوف ص ۵۹ الف . ۴۶- همین نسخه ص ۵۹ ب .  
 ۴۷- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۴۸- همین نسخه ص ۹۰ الف . ۴۹- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۵۰- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۵۱- همین نسخه ص ۹۰ الف .  
 ۵۲- تاریخ گیتی گشا ص ۶۸ . ۵۳- نسخه عکسی ترجمه ملگتوف ص ۹۳ الف .

کنید به گزارشهای دیپلماسی و کنسولی رابینو شماره ۴۸۱۲ ص ۲۱ تا ۲۴ .

درفر هنگک جغرافیائی ایران درباره شهر ساری مطالب زیر آمده است :

طول جغرافیائی شهر ساری ۵۳ درجه و پنج دقیقه و عرض آن ۳۶ درجه و چهار دقیقه است. این شهر در بیست و هفت کیلومتری دریای مازندران و بیست و یک کیلومتری علی آباد (قائم شهر) و صد و سی و هشت کیلومتری استراباد (گرگان) است. آبادی آن به دست طوس پسر نوذر بوده است و تجدید بنای آن به دست فرخان پسر دابویه از ملوک گاو باره می‌باشد که معروف است به نام پسر خود آن را «سارویه» نامید .

در دوران ساسانیان و صدر اسلام از شهرهای آباد شمال ایران بوده است . در طول تاریخ خود از زلزله‌ها و سیلابهای تهن و وبا و طاعون و یکی دوبار آتش سوزی و هجوم مغولان و سایر ایلات صدمات بسیار خورد به امر شاه عباس شهر آباد شد و بناهای عمومی در آن ساخته شد . اوایل دوران قاجاری نیز روی در پیشرفت داشت ولی در اواخر این دوره دچار وقفه شد . با گذشتن راه آهن از کنار شهر و ساختن بناهای دولتی جدید در آن رونقی تازه پیدا کرد .

## ۱- بناها و آثار تاریخی شهر ساری آثار ساسانی در ساری

در ماه نوامبر ۱۹۵۴ (۱۳۷۴ قمری) کارگری در کارگاه آجرپزی در کنار خط راه آهن ساری به تهران سه ظرف نقره ساسانی پیدا کرد. (ف ک ۷) روی زیباترین آن آن سه ظرف، نقشی از منظره شکارگاه شاهنشاه ساسانی دیده می‌شد. احتمالاً این نقش یکی از پسران شاپور دوم یا شاپور است که قصد شکار دو شیر را دارد (لوحة ۷ الف). دو ظرف دیگر عبارتست از يك بشقاب نقره و يك جام شراب که شکل مخصوصی دارد و از پنج قسمت تشکیل شده در همین ناحیه اخیر اشیاء دیگری از عهد ساسانی خصوصاً از قرن پنجم و ششم میلادی پیدا کرده‌اند مانند سه جام (لوحة ۱۷ ب ج د) که روی یکی از آنها منظره‌ای از مهمانی دیده می‌شود و نیز دو چنگال نقره خالص در همین محل پیدا شده است که روی آنها نام «هرمز پس نرکش» نقش شده است (ف ک ۸)

سه گنبدان = گنبد سلم و تور

در شهر ساری

میر ظهیر الدین در سال ۸۸۱ درباره این بنا می‌نویسد:

سه گنبدان، شاه منوچهر اساس افکنند جهت مدفن سرای ایرج و تور و سلم

و به عهد اصفهید خورشید خلل یافته بود: باز مرمت کردند. مقدر بشر نیست که از آن عمارت خشتی جدا کنند از استواری و محکمی آن.<sup>۲</sup>

گنبد سلم و تور در سال ۱۲۳۷ ه. ق.

فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی در شهر ساری بوده و درباره گنبد سلم و تور نوشته است: بنایی که در ساری قابل ارزش و دقت است، گنبد سلم و تور است که شکل استوانه‌ای دارد. بام آن مخروطی است و بلندی آن به صد فوت می‌رسد و محیط داخلی آن کمی کمتر از سی فوت است. سراسر حجم درونی خالی است و هیچ وسیله‌ای برای بالا رفتن در آن تعبیه نشده است گنبدی داخلی دارد که بالای آن باز است. بام مخروطی آن به یک نقطه واحد نمی‌رسد و کمی نامنظم است که نشان می‌دهد زمانهای بعد به آن افزوده‌اند. قسمت داخلی برج با روشنایی روز روشن می‌شود ولی هیچگونه سوراخی برای ورود نور ندارد. مدخلی با طاق هلالی دارد. متصل به آن هنوز خرابه‌های کفش کن مرتفعی دیده می‌شود که با فاصله زیادی از برج ادامه داشته است. این ساختمان زیبا با آجر و ساروج بنا شده است و با مهارت تمام در آن کار کرده‌اند. آجرها مربع شکل و رنگ سرخ تیره دارند و بسیار خوب پخته شده‌اند و ساروج با این آجرها طوری به هم چسبیده‌اند که جز با شکستن آجرها نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. شاید ماندن این برج به علت این استحکام بوده است. برای اینکه ممکن بود مدتی پیش برای مصالح آن را خراب می‌کردند. اهالی معتقدند که ساروج را به جای آب با شیر شتر مخلوط کرده‌اند<sup>۳</sup>، به این سبب تا این حد استحکام پیدا کرده است. شکافهای چندی داشت که بر اثر زلزله پیدا شده بود. می‌گفتند آقا محمد خان قاجار سعی داشت آن را به ضرب گلوله توپ خراب کند. چند گلوله

۲- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱.

۳- سفرنامه فریزر ص ۴۲.

انداخت اما اثری زیادی نداشت. سوراخهای بدنه آن که آثار تمایل شیطانی اوست تا امروز باقی است. سبک بنا و معماری این برج شبیه سایر برجهایی است که من در مسافرت خود در صفحات خراسان شرح داده‌ام. نظیر گوری که در دامغان است. خصوصاً نظیر گنبد قابوس در گرگان. دو کتیبه کمر بندی با حروف کوفی بر کاشیهای سبزرنگ پر جلاست که دور تادور گنبد می‌گردد. یکی تقریباً بالای آن و یکی کمی پایین تر از کمر و میان بناست. این دو کتیبه هم تزیین بوده و هم تاریخ و موضوع بنا را شرح می‌دهد. لعاب کاشیها در بیشتر قسمتها از بین رفته و کارخواندن کتیبه را مشکل کرده است اهالی می‌گفتند این کتیبه‌ها خوانده شده و از آنچه ایشان نقل می‌کردند می‌توان به این نتیجه رسید که این بنا بر گور حسام الدوله یکی از بزمندگان خاندان دیلمیان است که در قرن پنجم هجری فوت شده است. من این شرح را ندیدم و میرزا و کسان دیگری که در ساری بودند این کتیبه را نخوانده بودند اما دلیلی برای شك و تردید هم ندارم.<sup>۴</sup> قسمت مخروط بام ریزی با کاشیهای مربع شکل پوشانده شده بوده است. اما در بیشتر جایها کاشیها افتاده بود. این بنا با اینکه شباهت تام به گنبد قابوس دارد ولی به حد کمال او نرسیده است. قسمت داخل شیشه‌گر خانه شده و بطریقه‌های ناهموار و اشیائی نظیر آن می‌سازد. آتشی که قسمت بالا را سوزانده است می‌گفتند از کوره این شیشه‌گرخانه اثر کرده است.

سپس فریزر شرحی راجع به طلسم این بنا و افسونگر هندی که این طلسم را کشف کرده بوده است می‌دهد که مربوط به تاریخ و شرح بنا نیست ولی این مطلب را می‌رساند که از قدیمترین ایام افسونگران هندی، مأمور تخریب بناهای تاریخی بوده‌اند.<sup>۵</sup> فریزر دنباله سخن را چنین ادامه می‌دهد:

کمی دارم که این گنبد با گنبد سلم و تور که هنوی آتشکده

۴- سفرنامه فریزر ص ۴۳. ۵- سفرنامه فریزر ص ۴۴.

دانسته یکی باشد. او می نویسد که این گنبد از بالای دیوارهای خانه‌ها از فاصله دوری پیداست. بنای دیگری در محل نیست که این وصف در مورد آن صادق باشد. من زیاد تحقیق کردم ولی چنین بنائی در شهر و اطراف آن نیست.

تا جائیکه نگارنده تحقیق کرده است گنبد سلم و تور بسا گنبد حسام الدوله شهریار ارتباطی ندارد. گنبد سلم و تور از بناهای دوران ساسانی است و گنبد حسام الدوله شهریار از بناهای باوندیان است. احتمال می رود تا زمان فریزر نشانی از گنبد سلم و تور برجای نبوده است.

گنبد سلم و تور در سال ۱۲۵۱ قمری

از نوشته‌های چارلز استوارت معلوم می شود که يك سال پیش از سفر وی به مازندران یعنی همان سالی که فتحعلی شاه چشم از جهان فرو بست، وقوع زلزله شدیدی در نواحی شمالی ایران باعث ویرانیهای زیادی گردید. احتمال دارد که یکی از قدیمترین اماکن تاریخی شمال، یعنی مکانی که به مزار سلم و تور مشهور بوده بر اثر همین زلزله بکلی نابود شده باشد. مزار سلم و تور همان است که چوناس هنوی آنرا معبدی متعلق به گبرها خوانده و جیمس بیلی فریزر آن را مقبره یکی از وزیران دیالمه دانسته است. استوارت مدعی است که بلاشک این مزار بر اثر زلزله از بین رفته و والی سابق مازندران - ملک آرا - بر روی ویرانه‌های گنبد سلم و تور خانه‌ای بنا نموده بود.<sup>۶</sup>

ملگتوف درباره این گنبد می نویسد:

قبر سلم و تور مناره‌سان و مدور و راه آن مسدود بود.... حسام الدوله

6-Stuart Charles: Journal of a residence in northern Persia, 1854, pp. 254, 255.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۳۸.

حکمران دیلمان در سال ۵۰۰ آنجا مدفون شد. این گنبدها به پایه‌ای استوار بودند که محمد شاه آنچه خواست با توب منهدم سازد نتوانست.<sup>۷</sup> در سفرنامه‌ای که ظاهراً یکی از همراهان درن در سال ۱۲۷۵ قمری نوشته است راجع به گنبد سلم و تور مطالب زیر آمده است:

گنبد سلم و تور در پشت سر امامزاده یحیی و سید زین العابدین برقرار بود که الان (سال ۱۲۷۵ ه. ق.) مخروبه است.<sup>۸</sup> مهجوری درباره گنبد سلم و تور می نویسد:

این دو گنبد سنگی قدیمی را که گذشتگان از آن یاد کرده‌اند، نزدیک مسجد شادغازی و دخمه خاندان سپهبدان باوندی است و به نقل سینه به سینه این دو گنبد نیز در حدود صد متر آن طرف مقابر اسپهبدان و در اول کوچه آقا سید اسماعیل عمادیان بوده است. پارهای از سیاحان خارجی در ساری هفت گنبد دیده‌اند که چندانای آنها نیمه ویران بوده است.<sup>۹</sup>

گنبد حسام الدوله

در شهر ساری

مشهور است که در ساری گنبد حسام الدوله برقرار بود. مغفور آقا محمد شاه دو سه توب به گنبد زد خراب نشد تا اینکه چهل سال قبل از این (سال ۱۲۳۵ قمری) محمد قلی میرزا ملک آرا آن را خراب نمود و اکثر بناهای عمارت ساری آجر گنبد حسام الدوله است.

زمانی که گنبد حسام الدوله برقرار بود، دایم الاوقات باد زیادی در شهرساری می وزید. بعد از خراب نمودن گنبد موقوف شده است.<sup>۱۰</sup>

اگر منظور از این حسام الدوله، حسام الدوله شهریار باشد کاخی در «سکارو»

۷- نسخه عکسی ملگتوف ص ۶۱ الف.

۸- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۸.

۹- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۲۲۳.

۱۰- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۷.

داشته است. در تاریخ منتسب به ابن اسفندیار چنین آمده است:

در سکارو خانگاہه حسام الدوله شهریار برادر کهنین اسپهبد است  
و در این وقت (۶۰۶ قمری<sup>۱۱</sup>) خانگاہه حسام الدوله گویند.<sup>۱۲</sup>

گاو پوستی

مدرسه ودخمه اسپهبدان باوندی در ساری

گور اسپهبد علاء الدوله علی در باغ گاو پوستی است در تاریخ طبرستان منسوب  
به حسن بن اسفندیار آمده است:

گاو پوستی در ساری باغی بود. اسپهبد علاء الدوله علی را در آنجا  
به خاک سپردند و فعلا مدرسه و دخمه ایشان آنجاست.<sup>۱۳</sup>

نصیر الدوله شاه غازی رستم بن علی که در باغ قصر اسپهبد حسام الدوله شهریار  
بن قازن جان بداد، جسد او را در باغ این محل به خاک سپردند.<sup>۱۴</sup> در جای دیگر همین  
کتاب می نویسد:

اسپهبد شاه غازی رستم در دیه زینوان یک فرسنگی ساری فوت  
شد<sup>۱۵</sup> تابوت او را به مدرسه ای که مرقد علاء الدوله علی بود آوردند و دفن  
کردند.<sup>۱۶</sup> در سال ۵۵۸ قمری.

و در جای دیگر درباره نحوه قتل شاه غازی می نویسد:

اصفهد شاه غازی در صحرای ولیکان، میان راه ساری به آمل

به دست دو ملحد که سرباز او بودند کشته شد.<sup>۱۷</sup>

درباره مرقد کرده بازو در همین کتاب آمده است:

جسد کرده بازو را پهلوی شاه غازی رستم دفن کردند.<sup>۱۸</sup>

۱۱- تاریخ ۶۰۶ تألیف مجلد اول تاریخ طبرستان است.

۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۸. ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰.

۱۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰. ۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵.

۱۶- تاریخ طبرستان ج ۴ ص ۱۰۶. ۱۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۸.

۱۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۷.

در تاریخ طبرستان منسوب به حسن بن اسفندیار چنین آمده است:

پس از مخالفت ملاحده با اسپهبدان، طغانشاه لشکر کشید و به  
ترشیز و تون و قاین شد و دمار از اهل آن دیار بر آورد و از سرهای ملاحده  
مناره ها ساخت و از جمله ارمغانی پیش شاه اردشیر بیتی از برنج دمشقی و  
نقره کوفته صد من زیادت فرستاد و سالها آن بت در آستانه مدرسه شادغازی  
به محله گاو پوستی کشته نهاده بود<sup>۱۹</sup>. صوتاش به ساری آمد. آن مدرسه  
بسوختند و آن بت به غارت برد.<sup>۲۰</sup>

در سفرنامه یکی از همراهان درن که در سال ۱۲۷۵ ه. ق. نوشته چنین آمده است:

مقبره شاه غازی رستم الان (۱۲۷۵ ه. ق) برقرار می باشد.<sup>۲۱</sup>

مهجوری درباره دخمه خاندان باوندیان چنین نوشته است:

اسپهبد شهریار حسام الدوله که مؤسس سلسله باوندیان اسپهبدی  
است در مقر پادشاهی خود - شهرساری - متصل به باغ خود، مدرسه ای  
ساخت و در کنار مدرسه و گوشه باغ، دخمه ای بنا کرد که جنازه او و جانشینانش  
همه آنجا مدفون بسودند. محل آرامگاه ایشان در آن روزگار، معروف به  
«گاو پوستی» بود و امروز به «شاه غازی» نام پنجمین پادشاه آن خاندان  
مشهور است. محل دقیق این مسجد و دخمه را چنین می توان تعیین کرد.  
شهرساری از اول خیابان دروازه بابل و محل دبیرستان پهلوی به خط مستقیم  
تا آخر دروازه گرگان، دارای سه میدان است. از میدان دوم (میدان ساعت  
سابق) به سوی دروازه گرگان، در فاصله تقریبی سیصد متر، آرامگاه این  
خاندان است. این دخمه دارای حیاط و بنای وسیعی بود به مساحت یک

۱۹- معنی کشته روشن نشد. ۲۰- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۵ و ۱۴۶. در جای

دیگر همین کتاب درباره برانداختن رسم کوزه گازر زنه زر گوید: ولنت آنکه باز جای  
نهد، برلتها فرمود کند و بر در مقصوده مسجد جامع در کشته هنوز نهاده (تاریخ طبرستان

ج ۲ ص ۱۰۵). ۲۱- سفرنامه استرآباد و مازندران نسخه خطی ص ۹۹.

باغ معمولی و دازای گنبدی بود محکم به بلندی دوپست پا یا بیشتر که به فرمان محمدشاه قاجار ویران شد. اما ویرانی آن به آسانی صورت نگرفت زیرا اسپهبدان دربناهای آن سخت دقت کرده بودند. مأموران چون باآلات و ابزار معمولی نتوانستند آن را تسطیح کنند، ناچار به توپ بستند. پس از نابودی گنبد، حیاط محقر و اطاق و مقبره آن به نام «شاه غازی» باقی بود و مردم عامی آن را زیارت می کردند تا در سال ۱۳۰۹ شمسی به امر رضاخان، خیابانهای فعلی ساری احداث شد. اکنون قسمتی از محوطه مقبره در محل دکان قرار گرفت در قسمت شمال خیابان و این دکان در ردیف ساختمان هلال احمر، نرسیده به مسجد امام غازی در ردیف برابر قرار دارد.<sup>۲۲</sup>

قصر حسام الدوله اردشیر باوندی  
در دولت آباء = اترابن ۲۲ ساری

در تاریخ طبرستان منسوب به حسن بن اسفندیار آمده است:

اما به دولت آباد که اترابن گویند صدگری زمین سرای او بود. ده من زرطلای بر صورتهای آن سرای به قلم شرح داده بود و از پهلوی آن در زیر زمین ده گام فرو بایست شد. حوضخانه ای ساخته بود که «بادخانه» گفتند، سر به عیوق رسانیده، چهار صفت و تابخانه و بارگاه و مبرزی به خلاف از این طول سی ارش و عرض هشت ارش، همه خشتهای آن پیروزه و حوضی هشت ارش در هشت ارش زیر زمین و آب از دهان شیری زرین در

۲۲- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۲۲۳ و در همین مجلد صفحات ۱۸۴ و ۲۱۰ از این دخمه یاد شده است. ۲۳- به دولت آباد که اترابن خوانند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۲۲ ص ۱۲) میدانی به نام اترابن نیز در ساری بوده است صاحب تاریخ طبرستان می نویسد: «چون سال اصفهید شاه غازی به شصت رسید جمله لشکر را به ساری خود و به میدان اترابن عرض داد (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵ س ۱۰ و اندوین ص ۶۸).

میان حوض بیرون می آمد و در تابستان حصیرهای بغدادی و پیروزهای اکسون سیاه فرش این صفتها و تابخانهها ساختندی و به هر صفت بادبزن کتان گلاب بر او افشانده بسته بود و فراشان موکل بر آن خدمت.

و بر یک جانب دیگر آن قصر باغی که رشک سغد سمرقند و غوطه دمشق بود و ریاحین و اشجار و ثمار او نمونه ارم کرده. و در میان آن باغ بر سر زمین چهار صفت و تابخانه سده، بام بر بام ساخته که بی نظیر چون خورنق و سدیر بود و بر اوصفت صورت کین افراسیاب از اول تا آخر به طللی نقش کرده و حوض آب در میان و جمله طیور از طاوس و تدر و کبوتر و بلبل و قمری و فاخته و طوطی و تیهو و کارد کباب و طبق و هر چه اندیشه برسد در آن باغ و انباری از غله و علف ایشان را معد و مردی برای خدمت ایشان نصب کرده.

و در مقابل سرای از آن جانب میدان چهار صدگری زمین باغی دیگر ساخته از انواع درختان میوه در او نشانده و نیشکر و خویید و بنفشه و شنبلید و گل نسترن در یک جانب او کشته و از جانبی دیگر حمی الوحش گردانیده از گوزن و آهو و خرگوش و گور و زرافه و شتر مرغ دراو کرده و طعمه ایشان مرتب می دارد.

و در میان این باغ دریا هکی کرده از هر جانب تیر پر تاب و از میان آن عمارتی ریخته ساخته مقدرده نیزه بالا و آب گرداگرد او بر آمده و انواع ماهی و مرغان آبی را در آنجا وطن و آرام داده و پولی ساخته که هر وقت شاه را خلوت آرزو بودی بدان باغ، در آنجا شدی و پول به زنجیر بر کشیدندی آن را که فرمان او بسودی پول نهادندی و درون راه داده و دیگر باره پول بر کشیده. و بر سر آن عمارت صفت و تابخانه و مبرزی ساخته و زیر آن فراشخانه و شرابخانه ... و به مقام دولت آباد خدم و حواشی او چندان خانهها و عمارت ساخته که از پول محمد سپندی تا به پاریسی خندق بالای علیا بادخانه و سرای

به همدیگر متصل بود و دوازده درگرمه بود که هر کس به جهت خویش بنیاد نهاده بودند و عمارت کرده و هنوز تمام نبود زحمت مردم را.<sup>۲۴</sup>

قصر اسپهبدان و اثرسرای اسپهبدفرخان و اسپهبد خورشید در تردوینی نزدیک تیزنه رود ( = تچن )

در زمان ابن اسفندیار ( ۶۰۶ ه . ق . ) کساخهای اسپهبد فرخان و اسپهبد خورشید خراب و به تلی تبدیل شده بود ، زیرا کلمه « دوین » و « دین » و « دون » به معنی پشته و تپه است و جای کاخهای آنان را « تردوینی » می گفته اند . ابن تپه در « تپیر » بوده و تپیر نزدیک اترپ<sup>۲۵</sup> و تیزنه رود در حد فاصل میان حومه ساری و اترپ است .

این قصر که ظاهر آ بنای قدیمی آن قبل از اسلام بوده است ، به دست اعراب خراب می شود . ابن اسفندیار می نویسد :

عمارت قصر اسپهبدان را پس از خرابی اعراب ، داذمهر کرد.<sup>۲۶</sup>

و همو در جای دیگر می نویسد :

اسپهبد خورشید بن داذمهر بن فرخان بزرگ برای بار سوم در موضع اسپهبدان قصر را عمارت کرد و چهار صد گری زمین که « کیسه » می گویند بدان افزود.<sup>۲۷</sup>

در جای دیگر گوید .

۲۴- در تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۲۲ و ۱۲۳ . در دولت آباد امروز که نزدیک دهکده لیمون و آخورسر و بندارخیم در شمال ساری است تپه هائی به نام « سنگر » است که دهکده های لیمون و دولت آباد بر آنها ساخته شده . احتمال می رود خرابه های کاخ و تأسیسات حسام الدوله اردشیر باوندی باشد . والله اعلم

۲۵- اترپ راگرد آورندگان فرهنگ جغرافیائی ایران بی سبب و علت با طاء مؤلف به شکل « اطرب » ضبط کرده اند . ۲۶- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۶۵ .

۲۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۲ .

دختر فرخان بزرگترین زن اسپهبد در اسپهبدان نشستی.<sup>۲۸</sup>

همو گوید .

خورشید بن داذمهر را خانه به اسپهبدان بود .<sup>۲۹</sup>

ابن اسفندیار در جای دیگر کتاب خود جای قصر اسپهبدان را روشنتر توضیح می دهد و می نویسد :

آنجا که تپیر است ، زیر تر دوینی ماند<sup>۳۰</sup> که اثر سرای اسپهبد فرخان و خورشید است ، در تیزنه رود<sup>۳۱</sup> یا میان رود<sup>۳۲</sup>

قصر دادقان

ابن اسفندیار ( ۶۰۶ قمری ) درباره این قصر می نویسد :

قصر دادقان ، پدر خورشید بنیاد نهاد و نیمه راه تیمشه و ساری

است .<sup>۳۳</sup>

قصر یزدان آباد

در دهکده یزدان آباد که در زمان ابن اسفندیار ( ۶۰۶ ه . ق . ) کنار دریا

بوده است ، اسپهبد خورشید بن داذمهر ، برای ورمجه هرویه یکی از همسرانش - قصری رفیع ساخت<sup>۳۴</sup>

قلعه توجی

از دژهای معروف ساری ، دژ توجی است . میرظهیرالدین می نویسد که « محل

قلعه در بعضی از مواضع ساری است . » این دژ مدت ها در دست کیایان جلالی بود و در قیام سادات مرعشی این دژ در تصرف کیا و شتاسف جلالی بوده است<sup>۳۵</sup> میر-

۲۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۹۳ . ۲۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۹۳ .

۳۰- یعنی تپه مانندی است . ۳۱- تیزنه رود در اصل با طاء مؤلف ضبط شده است .

۳۲- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۵۸ . ۳۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۱ .

۳۴- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۲ . ۳۵- تاریخ طبرستان وردیان و مازندران

ص ۲۶۰ . احتمال می رود سیاتپه در شمال داذمهر کنده ( داذمیر کنده امروز ) که اکنون نیز کنار دریاست با یکی دو تپه ای که نزدیک آن است خرابه های کاخ ورمجه هرویه باشد . والله اعلم

ظهیرالدین در جای دیگری می‌نویسد :

قلعه توجی را پس از فتح به دست سادات ، میرقوام‌الدین فرمود تا قلعه را بشکافتند و بازمین هموار کردند و مدتی همچنان خراب بود . باز نوبتی دیگر آبادان کردند و تا واقعه ماهانه سر به جای خود آبادان بوده است و بعد از آن خراب کردند و در عهد ایالت و سلطنت سید علی بن سید کمال‌الدین بنیاد عمارت کرده بودند ، اما تمام نکرده بودند و اکنون ( ۸۸۱ ه . ق )

همچنان خراب است . ۲۶

همو در جای دیگر از کتاب خود می‌نویسد :

توجی نام قریه‌ای نیز هست و قلعه توجی در این ده بوده است . ۲۷

توجی بقعه ایست از ولایت ساری . ۲۸

و در صفحه ۲۶۶ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران باز نام این قلعه سه میان می‌آید . شاید قلعه توجی با سابقه قدیمی که دارد قلعه‌ای بوده که بدست سلطان محمود غزنوی گشوده شده است . داستان این فتح از این قرار است :

در سال ۴۲۶ قمری سلطان محمود غزنوی از راه گرگان روانه طبرستان شد و صدمات زیاد به مردم کبود جامه و پنجاه هزار ( پنجهزاره ) وارد ساخت و هنگام فتح قلعه‌ای نزدیک ساری ، قتل و غارت و حشيانه‌ای کرد که تاریخ نظیر آن را بیاد ندارد بیهقی درباره این جنگ چنین می‌نویسد .

بوالحسن حکایت کرد بونصر مشکان را که آنجا بسیار غارت

و بیرحمی رفت و مرا چاره نیست از باز نمودن چنین حالها ۲۹

ظاهراً قلعه‌ای را که تیمور پس از فتح ماهانه سرو بازگشت به سمرقند در مسیر

۳۶- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۶۹ . ۳۷- همین کتاب ص ۲۶۱ .

۳۸- همین کتاب ص ۲۰۴ . ۳۹- تاریخ بیهقی چاپ دکتر غنی و دکتر فیاض ص ۴۵۴ .

خود نزدیک ساری دیده و پسندیده و از خراب کردن آن چشم پوشیده است همین قلعه توجی است . ولی تیمور بفرمود تا بکاوود و هر کجا گنجی سراغ کردند، بیرون آرند . بسا دفینه‌ها که پیدا نشد و پس از آنهم مرعشیان جای آنها را گم کردند. اما چاه آبی را کاوش کردند و مسینه آلات یافتند و ندانستند که در زیر خاک پایین‌تر از آنها گنجی نهفته است . سادات مرعشی پس از بازگشت از ماوراءالنهر آن را کردند هر چه بود برداشتند . از آن گنج حصه سید نصیرالدین - پدر سید ظهیرالدین مرعشی سی من نقره بود . ۴۰ سادات پس از مراجعت از ماوراءالنهر در این قلعه بماندند. ۴۱

#### قلعه اژدارکله

محمدحسن خان اعتماد السلطنه به نقل از عالم آرای عباسی سوانح سال ۱۰۰۵ از این قلعه نام می‌برد که در ساری بوده است ۴۲ در متن عالم آرای کجا نام این قلعه « اژدارکله » آمده و صریحاً می‌گوید که در ساری است . ۴۳

در تاریخ گیتی‌گشا ذکری از قلعه ساری است که در دست شیخ ویس خان است ظاهراً قابل تطبیق با « اژدارکله » است . ۴۴

نام این قلعه شباهت زیاد به « آزادگله » دارد که امامزاده عباس در اراضی آن بنا شده فعلاً بایشرف شهر داخل شهر ساری شده است . ملگنوف می‌نویسد :

قلعه شهر ساری را در سال ۱۱۹۳ ه . ق . محمد شاه (منظور آقا

محمد خان قاجار) ساخت .

احتمال می‌رود که آقا محمد خان دستی به سر و گوش قلعه کشیده و آن را تعمیر و مرمت کرده است . ۴۵

۴۰- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص . ۴۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران

ص ۳۱۹ . ۴۲- التدوین ص ۱۰۳ . ۴۳- عالم آرای ج ۱ ص ۵۲۰ .

۴۴- تاریخ گیتی‌گشا ص ۲۵۱ ۴۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۹۳ الف.

امامزاده عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام

حاجی زین العابدین شیروانی از این امامزاده در جیب ۱۳۱۵ هـ . ق . نام می برد و می نویسد در محله امامزاده عبدالله ساری است .<sup>۴۶</sup> ملکنوف نیز از امامزاده و محله ای که در آن بوده است یاد کرده ،<sup>۴۷</sup> از امامزاده امروز نشانی نیست و اراضی آن کارخانه برق ساری شده است .

مسلحه اورازباد

بالای پول تیجنه رود

نخستین حاکم عرب در طبرستان ابوالخصیب بود. پس از او بوخزیمه و پس از او ابوالعباس طوسی. ابوالعباس در طبرستان مسالح نهاد. سیزدهمین از حد همیشه «مسلحه اورازباد» بود بالای پل تیجنه رود. پاسداران این دژ مظفر بن الحکم بشری با پانصد مردی طوسی بودند.<sup>۴۸</sup>

قدیمی ترین پل تجن

خلیفه المعتز بالله، موسی بن بغا و مفلح را با لشکر به طبرستان فرستاد. ایشان پس از جنگ در قزوین، بهری و قومش و گرگان رفتند و لشکرگاه ساختند. مفلح در مقدمه به اندرون تمیسه رفت. حسن محمد عقیقی با لشکر خویش در ساری بود. مفلح در اوبتاخت. عقیقی بر سر پل ساری ایستاده بود تاب نیاورد و بازگشت. مفلح به ساری آمد و سه روز در آنجا بماند.<sup>۴۹</sup>

(راه لاکش (جاده سراسری)

ابن اسفندیار درباره این راه می نویسد:

اول کسی که بر طبرستان راه لاکش پدید کرد، از پریم تا ساری و

۴۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۰ . ۴۷- عکسی ملکنوف ص ۹۳ الف .

۴۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۹ . ۴۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۴۳ و ۲۴۴ .

از ساری تا گرگان و دنیا جار، اسپهبد شروین بود.<sup>۵۰</sup>

قصر اسپهبد حسام الدوله شهریار بن قارن  
در ساری

این قصر که نجم الدوله آن را تمام کرده است در شهر ساری بوده و اطراف آن باغ بوده است. نصیر الدوله شاه غازی رستم بن علی به قولی به درباغ این قصر جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>۵۱</sup>

میدان سبز

در شهر ساری

ظاهراً همان «سبزه میدان» است که نویسنده تاریخ خاندان مرعشی محل آن را خارج شهر ساری نوشته است.<sup>۵۲</sup>

میدان شهر ساری

از میدانهای قدیمی این شهر است.<sup>۵۳</sup>

محل مسجد زنگو

از محلات قدیمی ساری

مؤلف تاریخ طبرستان درباره این محله می نویسد:

در ساری به محله مسجد زنگو يك بار اصفهید شاه غازی را ملحدی

کاردی یزد و جان به سلامت برد.<sup>۵۴</sup>

از مسجد زنگو امروز نشانی برجای نیست.

۵۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۵۶ . ۵۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰ .

۵۲- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۶۱ . ۵۳- همین کتاب ص ۲۸۷ .

۵۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۸ .

خانقاه و گنبد دلارام  
در شهر ساری

در تاریخ طبرستان منتسب به ابن اسفندیار آمده است:

به شهر آمل والئی بود از قبل سلطان که او را استاد عمید گفتند و نام او پنا خسرو بود و از فرزندان خسرو پرویز بود، عالم و اهل و معروف. کنیزکی داشت او را «دلارام» گفتند. اصفهید علاء الدوله پیش او فرستاد که کنیزک به من بفروش. استاد عمید گفت «فروختنی نیست». اصفهید از ساری برنشست. روز را به آمل به مصلی بود. پنجاه سوار به خانه او در فرستاد و کنیزک را بیرون فرمود آورد و با ساری برد. اصفهید با آن کنیزک میلی بود و پیش از وی درگذشت آن کنیزک را به مجله‌ها، در مقابل سرای شهرستان و گرمابه‌ای که بدو منسوب است خانقاهی فرمود کرد و گنبدی و اوقاف بسیار و او را آنجا بنهاد تا بعد از آنکه مؤید ساری بسوخت عمارت خانقاه برجای بود. این ساعت (در حدود سال ۷۰۰) گنبد معمور و برقرار ایستاده و دلارام آنجا نهاده.<sup>۵۵</sup>

خانقاه و گنبد زاهده خاتون  
در محله قراکوی ساری

در تاریخ طبرستان منسوب به ابن اسفندیار چنین آمده است:

ملک زاهده خاتون - خاتون سلجوقی - که در خانه اصفهید شاه‌غازی بود به اصفهان رفته بود، آنجا بیمار گشت و وصیت کرد و گفت «کابین بر اصفهید حلال کردم. آنچه به ما زندان است و آنچه از من بمانده است، از بهر من سرائی بخرد و گور من آنجا بنهد و آنجا خانقاه کند.» چنانکه او فرمود بکردند و املاک اصفهان بر آنجا وقف کرد و بزرگان را آزاد کرد

و از همه حلالی بخواست و پیش اصفهید نامه نوشت و در آن نامه گفت که مرا حلال کن که من نیز ترا حلال کردم و بدرود باش با جاودانه و مابقی مال که بماند به درویشان داد و او درگذشت. چون نامه او به اصفهید رسید دل‌تنگ شد و بسیار بگریست گفت «مادام در زحمت ما بود و از ما هیچ نیکوئی ندید.» او زنی عقیقه و زاهده بود. چنانکه به لقب زاهده خاتون گفتند و در شهر یاره کوه بسیار خیرات کرده است و در شهر ساری خانقاهی فرمود ساخت در محله قراکوی که ملک او بود.<sup>۵۶</sup>

## منار کهنه

## در ساری

سید ظهیرالدین درباره این منار مطالب زیر را نوشته است:

ساری دوسه نوبت خراب شد. چون نوبت ریاست به جلالیان رسید، اندک عمارت ساخته بودند. اکثر شهر قدیم خراب بود. چنانکه در پای منار کهنه که الحال هذ (۸۸۱ قمری) بعضی از آن باقی است. در آن حین مردم مسن بودند که می‌گفتند که ما اینجا بیشه و جنگل دیدیم که شکار می‌کردند و گوزن و خوک می‌کشتند.<sup>۵۷</sup>

## سرای سلیمان بن عبدالله طاهر

## در ساری

ابن اسفندیار درباره این سرای می‌نویسد:

به سرای سلیمان بن عبدالله طاهر به ساری حوضی آب بود، دویست هزار درهم در او ریخته، حسن زید را معلوم کردند (در سنه ۲۵۲ قمری)

برداشتند و به لشکر دادند.<sup>۵۸</sup>

سرای اسپهبد فرخان  
در ساری

در جنگی که میان یزید بن مهلب و اسپهبد فرخان روی داد اسپهبد در دامن کوه موازی با مسیر یزید در جلگه حرکت می کرد تا یزید به سرای او در ساری در آمد. پسر اسپهبد پدر را دل داد تا پدر ایستادگی کرد و یزید را بشکست.<sup>۵۹</sup>

گور بوالقاسم نانچین از سران درگاه  
و شمشیر بن زیار در ساری

حسن بن اسفندیار می نویسد:

بوالقاسم نانچین در رمضان سنه ۳۲۴ در میدان گوی زد، اسب خطا کرد، بیفتاد و بمرد. از گرگان به تابوت در نهاده به ساری آوردند و دفن کردند.<sup>۶۰</sup>

گور سرخاب بن رستم  
در ساری

حسن بن اسفندیار درباره محل گور او گوید:

گور سرخاب بن رستم در ساری آنجا که قصر طوس گویند است.<sup>۶۱</sup>

گور سندی بن شاهک  
در بانصری مشهد ساری

حسن بن اسفندیار این گور را دیده و درباره آن نوشته است:

گور سندی بن شاهک در ساری است آنجا که با نصری مشهد

۵۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۳۸ . ۵۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۶۲ .

۶۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۴۹۵ . ۶۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲ .

گویند و سه روزگار خویش به اول کودکی ( در سالهای میان ۵۳۰-۵۵۰) من دیدم. توده ای از خاک و عمارات پست شده بود.

چهار باغ و عمارت میرشمس الدین  
در ساری

نویسنده تاریخ خاندان مرعشی درباره این چهار باغ و عمارت نوشته است: میرشمس الدین در ساری طرح چهار باغ انداخته، در وسط حقیقی آن عمارت عالی بنا نهاد، به اندک زمانی به اتمام رسانید. فرمود تا مصوری صورت جنگ گاه گیلان و سپاه خود را آنجا مصور ساختند، چنانچه بعینه رزمگاه مشاهده می افتاد. از اطراف و اکناف مردم به تفرج و تماشای آمدند. در ساعت سعد فرشهای ملون و قالیه های ابریشمین گسترده، طوی عظیم ترتیب دادند، سه روز جشن نموده، روز اول فروش و ظروف را جمیع به حضور مجلس بخشید. روز دیگر اسباب مجدد گسترانیده، به دستور سابق در آخر مجلس به آقا خضر چارمانی عطا فرمود. روز سوم که به اسباب تازه عمارت را آراستند و زینت از آن دو روز زیاده کردند به غضنفر شیخ نامزد فرمود. غضنفر مزبور مردم را از دخول در عمارت مانع آمد. میرشمس الدین از سبب منع از او استفسار نمود. به عرض رسانید که حضرت خداوندی جمیع اسباب را به بنده کرم فرمودند و من راضی نیستم که این جمع کثیر، اموال مرا در تحت قدم آورده استعمال ظروف و غیره نمایند. اگر حضرت عالی را اراده آن باشد که ایشان به دخول مرخص شوند جمیع اثاث- البیت را از این غلام خریداری نموده، قیمت آن را از سر کار تسلیم بنده نمایند. بعد از آن مختارند.

میرشمس الدین از این قول متبسم گشته، فرمود از خزانه قیمت آنها را تسلیم او نمودند و اهل مجلس داخل شده، هر کس به جای خود بنشستند و به صحبت مشغول گشتند.

غرض در آن عمارت دلکش به عیش خوش گذرانید و آن عمارت تا زمان میرسلطان-

مراد موجود بود.<sup>۶۲</sup>

باغ شاه عباس  
در شهر ساری

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. آمده است:

باغ شاه عباس که در شهر می باشد درخت مرکبات و سرو دارد ولیکن بی در-  
و دربان افتاده است.<sup>۶۳</sup> (عکس شماره ۲۵۱)

در سال ۱۲۹۲ ناصرالدین شاه از این باغ دیدن کرده و درباره آن نوشته است:

دوشنبه پانزدهم شوال عصری سوار شده، از خیابان معروف به فرح آباد به  
باغ شاه عباس رفتم. عضدالملک همراه بود از در پایین باغ سمت شهر  
وارد شدیم. دیواری محکم دور باغ و کلاه فرنگی چوبی (عکس شماره ۲۵۲) و  
مشابه کلاه فرنگی ملک آرائی در وسط ساخته شده. سفراول که اینجا آمده  
بودیم دور این باغ که از مستحذات شاه عباس مرحوم و خراب و ویران بود  
دیوارنداشت حکم شد دیواری دورا دورش کشیدند. در سردر کلاه فرنگی  
ساختند که حالا تمام است. در این باغ اشجار سرو (عکس شماره ۲۵۳) و  
نارنج کهن بیحد است (عکس شماره ۲۵۵). هر درخت نارنج زیاده از ده  
هزار نارنج می دهد. چون اطبا منع از میوه و ترشی کرده اند هیچ چیز صرف  
نشد. گردش بی مزه ای بود مثل شخص روزه دار بودم. در کلاه فرنگی قدری  
راحت نموده، نماز کرده، بعد رفتم روبرو شهر<sup>۶۴</sup> عمارتی دورویه از قدیم در  
این باغ است. (عکس شماره ۲۵۵)

معصوم علیشاه در رجب ۱۳۱۵ قمری این باغ را دیده است و درباره آن

۶۲ - تاریخ خاندان مرعشی ص ۵۵. ۶۳ - سفرنامه استرآباد و مازندران یکی از  
همراهان درن ص ۹۵. ۶۴ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری

ج ۲ ص ۱۹۰ و ۱۹۱

می نویسد که راه شاه عباسی از پشت این باغ می گذرد.<sup>۶۵</sup>

در سال ۱۲۹۲ قمری به دستور ناصرالدین عمارات صفوی در شهر ساری تعمیر و  
مرمت شده است مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه می نویسد:  
تعمیر و تجدید عمارات و ابنیه صفویه در شهر ساریه به دست جناب علیرضا  
خان عضدالملک در سنه هزار و دو بیست و نود و دو هجری مطابق سال بیست و  
نهم قمری از جلوس همایون ناصرالدین شاه<sup>۶۶</sup>.

باغ سلبید

در مغرب شهر ساری

میر تیمور مرعشی از باغی به نام «سلبید» در مغرب ساری یاد می کند. اثری از آن  
بر جای نیست.<sup>۶۷</sup>

باغ محمدقلی میرزا ملک آرا

بیرون شهر ساری در طرف جنوب<sup>۶۸</sup>

در سفرنامه ای که یکی از همراهان درن تنظیم کرده است چنین آمده است:

ملک آرا باغی بنانهاده است که (دارای) عمارت اندرونی و بیرونی  
و در وسط کلاه فرنگی و اشجار مرکبات و درخت سرو بسیار و آب روان  
می باشد. هر گاه تعمیر نشود خرابه خواهد شد.<sup>۶۹</sup>

ناصرالدین شاه در سفر اول در ذیحجه سال ۱۲۸۲ ه. ق. در ساری وارد باغ  
ملک آرا شد درباره این باغ می نویسد: «بیرون شهر ساری این باغ مملو از درختان سرو  
و نارنج و مرکبات است و مرکبات بر روی درختان جلوه می کنند.» ناصرالدین شاه

۶۵ - طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۳. ۶۶ - المآثر و الآثار ص ۷۶. ۶۷ - تاریخ  
خاندان مرعشی ص ۳۰۳. ۶۸ - مهجوری نوشته است که باغ مرحوم ملک آرا بیرون  
خندق شهر ساری در محل سر بازخانه کتونی بوده است (تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۷۸)  
۶۹ - سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۹۵.

تا دوازدهم ذیحجه در این باغ مانده است.<sup>۷۰</sup>

کلاه فرنگی چوبی در وسط باغ

ناصرالدین شاه در سفرنامه مازندران می نویسد :

در کلاه فرنگی چوبی وسط باغ که ملک آرای مرحوم ولد خاقان مغفور

(فتحعلی شاه) بنا کرده است منزل نمودیم. صبح رفتم عمارت اندرونی

این باغ را گردش کردم. دریاچه بزرگ و برج مسکونی خوب دارد. بالای

برج رفته، شهر و اطراف را با دوربین تماشا کردم. دوشنبه پانزدهم شوال در

باغ ساری ماندیم.<sup>۷۱</sup>

این باغ پس از آنکه تعمیراتی در آن به دستور ناصرالدین شاه انجام شد، به «باغ

ناصری» معروف شد. معصوم علیشاه در رجب سال ۱۳۱۵ ه. ق. این مطالب را درباره

باغ ناصر می نوشته است:

درختان سرو و نارنج و عمارات از ملک آرای مرحوم است و بعضی تصرفات

تازه در آن نموده اند و به آن اسم خوانده اند جائی با روح و با صفاست و

بسیار مخارج آن شده ولی افسوس عمارت در شرف انهدام و انعدام و باغ

به دست زاغ و گله را راعی و شبان گری است.

دیوانخانه شهرساری

در سفرنامه یکی از همراهان درن درباره دیوانخانه شهرساری مطالب زیر نوشته شده است:

دیوانخانه شهرساری از بناهای آقا محمدخان است یک درخت

خرمای بزرگ دارد که حاصل می آورد، دانه دارو شیرین نمی باشد و چهار

درخت چنار و دو درخت سرو و درخت مرکبات و حوض آب دارد و عمارت

اندرونی از بناهای ملک آراست و قلعه و چهار دروازه داشت که الآن خراب

۷۰- تاریخ مازندران، مهجوری ج ۲ ص ۱۹۰. ۷۱- سفرنامه مازندران ناصرالدین

شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۰. ۷۲- طرائق الحقایق

ج ۳ ص ۶۴۹.

است.<sup>۷۳</sup> (عکس شماره ۲۵۶)

در سال ۱۲۹۲، علمای شهرساری در همین عمارت دیوانخانه به خدمت ناصرالدین شاه رسیده اند، او در این باره می نویسد :

چهارشنبه هفدهم شوال ۱۲۹۲ عصر باید به شهر رفت، عمارات

دیوانی را بینیم. سه ساعت به غروب مانده رفتم به دیوانخانه حکومتی،

علمای شهر تماماً در تالار دیوانخانه حاضر بودند.<sup>۷۴</sup>

معصوم علیشاه در رجب سال ۱۳۱۵ قمری درباره عمارات و باغ حکومتی در ساری می-

نویسد «قدری از مرحوم آقا محمدخان قاجار ولی بیشتر از مرحوم محمدقلی میرزای ملک-

آراست.<sup>۷۵</sup> (عکس شماره ۲۵۷) ملک آرا پسر فتحعلی شاه است که در سال ۱۲۶۴ قمری

در همدان فوت شد.<sup>۷۶</sup>

تعمیر عمارت دیوانی شهرساری در زمان ناصرالدین شاه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه جزء بناهای دوران ناصر می نویسد:

تعمیر عمارت دیوانی شهرساری در مازندران در سال سی و سوم

از جلوس همایون سال ۱۲۹۶ قمری.<sup>۷۷</sup>

دیوانخانه ساری در سال ۱۳۳۶

را اینودر باره این دیوانخانه می نویسد «برای رسیدن به دیوانخانه، شخص

ابتدا از زیر دروازه باشکوهی که به نقاره خانه اشتها دارد می گذرد. در میان حیاط دو

حوض قرار گرفته که یکی بردیگری عمود است و مجموعاً شکل حرف «T» فرنگی

را تشکیل می دهد. هنوز آثار نقاشیها و خطوط و مقرنس کاری بر روی دیوارها به خوبی

دیده می شود. اما از تزئینات و پیکرنگاریهایی که مخصوصاً فریزر و استوارت قبلاً

۷۳- سفرنامه آستار باد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۹۶. ۷۴- سفرنامه ناصرالدین

شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱.

۷۵- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۸. و در ص ۶۵۲ نام محمدقلی میرزا را محمد علی میرزا

خوانده است. ۷۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۲. ۷۷- المآثر و الآثار ص ۷۷.

به چشم دیده و توصیف کرده بودند، اثری برجنا نمانده است. چهار درخت چنار تنومند و باشکوه در میان حیاط سر بر آسمان بر افراشته است<sup>۷۸</sup>. ظاهراً اراضی دادگستری فعلی با باغ دیوانی ساری قابل تطبیق است.

باغ شاه ساری در سال ۱۳۲۶ ه. ق.

رایبند در سال ۱۳۲۶ قمری درباره باغ شاه ساری می نویسد:

در آن سوی میدان، روبروی نقاره خانه، باغ شاه قرار دارد که سابقاً به باغ ملک آرا مشهور بود. در بزرگ و رودی آنرا چند سال قبل به امر عبداللّه خان سردار ساختند. این قصر دو اشکوب فوقانی دارد و معمولاً در اینجاست که والی مازندران، روزها به انجام امور مربوطه می پردازد. کاخ و استخر زیبایی که شاهزاده ملک آرا ساخته بود، اینک به درجه ای از ویرانی رسیده است که اگر تعمیراتی در آن صورت نگیرد، از میان خواهد رفت. هنگام سفر قبلی به ساری بر اثر تشویق نظام السلطان والی مازندران چند تن از معاریف ایالت به تعمیر و حفظ این آثار تاریخی علاقمند شده بودند. اما همچنانکه کراراً در ایران اتفاق می افتد، والی را به پایتخت احضار کردند و با رفتن وی نیز دیگر کسی اعتنائی به باغ شاه ننمود<sup>۷۹</sup>.

باغ شاه ساری در زمان ظل السلطان

مسعود میرزا ظل السلطان درباره باغ شاه ساری می نویسد:

این باغ شاه که من دیدم که بیرون دروازه شهر است و بیرون دروازه دولت است و به باغ سلطنتی وصل است، دارای همه نوع بیوتات

۷۸- سفرها و ماجراهائی در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۴۵۲ به نقل از

جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۶۸.

۷۹- سفرها و ماجراهائی در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۴۵۲ به نقل از جغرافیای

تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۶۸.

و غیره و غیره بوده، ولی تماماً خراب چنانکه قابل سکنا نبود. در عهد حکومت من هم (۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲) تعمیر نکردند و گمان نمی کنم بعد از من هم کسی آنجا را تعمیر کرده باشد<sup>۸۰</sup>.

باغ شاه در زمان دهمرگان

دمرگان اشاره ای به باغ شاه و برکه وسیع آن کرده است<sup>۸۱</sup>.

مهبجوری درباره محل این باغ می نویسد:

باغ صفویه در قسمت شمال خیابان دروازه گرگان ساری واقع بود، نزدیک میدان مجسمه امروز، اثری از آن برجای نیست. از وسط خیابانی که به فرح آباد می رود و طرفین خیابان در ملکیت اشخاص است<sup>۸۲</sup>.

قصر آقا محمدخان قاجار در ساری در سال ۱۲۳۸ ه. ق.

جیمز فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی این قصر را دیده و درباره آن نوشته است:

قصری که آقا محمدخان ساخته است از خارج عظمتی ندارد. (عکس شماره ۲۵۸) اما می گفتند که سابقاً اطاقهای بیشتری داشته است. قسمتهائی را که من دیدم زیاد عالی نبود. دیوانخانه یا قسمت دربار نقاشی و آئینه کاری داشته است. از نقاشیها آثار زیادی باقی نمانده بود. از آئینه کاریها هم قسمتی شکسته و پاره ای بر اثر تعمیر نکردن خراب شده است. یکی از نقاشیها شاه اسماعیل را نشان می داد که فرمانده ینگجری هارا به دو پاره کرده است. این نقاشی، قلم نقاشان ایرانی بود و استادی نقاش را نشان می داد. نقاشی دیگر شاه اسماعیل در مقابل سلطان عثمانی است. سربازانی که به نزاع و کشمکش در این تابلو مشغول هستند، بسیار با روح و ماهرانه است. دیوارهای اطاقها سه تا چهار فوت بالای کف از مرمر تبریز

۸۰- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۸۲. ۸۱- دمرگان ص ۲۱۸.

۸۲- تاریخ مازندران ج ۲ جاشیه ص ۱۹۰.

پوشانده شده است و روی آنها نقشهای گل و بوته است. درباره‌ای از اطاقهای خصوصی که بعداً به من اجازه ورود دادند با همان روش و سلیقه کار شده است. تمام نظیف و خوشنماست. اما شکوه و عظمتی ندارد. ساختمان قصر با دیواری محصور شده بود که تا اندازه‌ای می‌توانست از خود دفاع کند ولی استحکامات منظمی نداشت.

نوشته هولمز و چارلز استوارت درباره قصر آقا محمدخان

از آنچه هولمز در سال ۱۲۶۹ ه. ق. درباره نقاشیهای قصر فرح آباد و چارلز استوارت، هفت هشت سالی پیش از وی درباره پیکرنگاری و تزیینات قصر آقا محمدخان قاجار در ساری نوشته‌اند چنین معلوم می‌شود که با نقاشان اروپائی در تزیین این عمارات دست داشته‌اند، یا پیکرنگاران ایرانی در ترسیم مناظر و مرایا از اصول و قواعد نقاشی فرنگی پیروی می‌کرده‌اند.

استوارت که به سمت دبیر خصوصی سفیر انگلیس - سرهنری الیس<sup>۸۲</sup> کمتر از یک سال پس از مرگ فتحعلی شاه و جلوس محمدشاه به ایران سفر کرده و به اتفاق دو تن از کارمندان سفارت انگلیس، مازندران را دیده است. در سفرنامه‌اش راجع به ساری چنین می‌نویسد:

ساری مدت مدیدی اقامتگاه آقا محمدخان قاجار بود و هم او در ساری قصری ساخت که اینک ما در آن منزل گرفته‌ایم. قصر آقا محمدخان مانند قصرهای مشابه آن در ایران، مرکب از یک رشته ایوانها و راهروهای سرپوشیده، چندین حیاط با حوض آب و معدودی اطاقهای قشنگ است که اکثر آنها در همین اواخر بر اثر آتش از میان رفته است. (عکس شماره ۲۵۹ و ۲۶۰) سقف عمارت شاهانه آن مزین به نقاشیهائی درباره فتوحات شاه اسماعیل و نادرشاه است که آنقدرها هم زشت نقاشی نشده. در روی

83- Sir Henry Ellis.

سه بدنه علیحده، هیاکل سه نفر زن اروپائی ترسیم شده است که ظاهر آبادی تعلق به قرن هفدهم داشته باشد. از اصالت جزئیات و ریزه کاریهای البسه و توجهی که به مناظر و مرایا شده است، می‌توان استنباط نمود که این نقاشیها باید پرداخته یکی از پیکرنگاران فرنگی باشد<sup>۸۴</sup>. ملکنوف درباره قصر آقا محمدخان یا عمارت محمدشاهی می‌نویسد:

عمارت محمدشاهی از عمارات باشکوه بود، در عهد محمد قلی- میرزا [ملك آرا] سوخته، در و دیوار آن باقی است، دیوانخانه است. طاچه های آن مرمری مصور به صورتهای پاکیزه که یکی صورت رزم شاه اسماعیل با پنگچری است و سر آنها را بادست خود در حضور شاه سلیمان جدا کرده. دیگری صورت نادرشاه و سه زن فرنگی است. از کلاه فرنگی آن بجز بنای آجری چیزی برجای نه. عمارتی است نزدیک شهر با حوضخانه‌ای که محمد قلی میرزای حاکم ساخته و آب انبار شاه عباسی نام دارد<sup>۸۵</sup>. (عکس شماره ۲۶۱)

خزانه نادری در برج قصر آقا محمدخان در ساری

مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره این خزانه می‌نویسد:

آقا محمدخان بعد از آنکه به ایران مسلط شد و به خراسان رفت، شاهرخ - پسر نادر - از مشهد فرار کرد. خزانه نادری که از نقود و جواهر متجاوز از سی کرو و تومان ایران بود، به تصرف آقا محمدخان آمد. من جمله پانزده کرو نقد بود. آقا محمدخان در زمان حیات خود جرأت نکرد این خزانها را به طهران بیاورد. در برج عمارت ساری مازندران گذاشته بود.

84- Stuart, Charles: Journal of A Residence in Northern Persia London, p. 266.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۷.

۸۵- نسخه عکسی ترجمه سفرنامه ملکنوف ص ۱۶۲ و ص ۱۶۲ الف.

فتحعلی شاه به طهران نقل کرد و در این خزانه که تابحال بود قرارداد و خازن الدوله که از زوجات محترمه فتحعلی شاه بود، بالای خزانه منزل داشت. بعد از فوت فتحعلی شاه، بواسطه دادن وجه خسارت به روس که هشت کرور بود يك دفعه از خزانه داد. خزانه بی پول ماند. محمد شاه خوابگاه خود را بالای خزانه قرارداد. منزل اندرونش آنجا بود. ناصرالدین شاه ده سال تمام همان بالاخانه منزل داشت. بعد که میرزا علی خان حاجب الدوله عمارت خوابگاه اندرون را ساخت، شاه آنجا نقل و تحویل کرد. آن بالاخانه را به صبایای خود داد. روز ۲۲ رجب ۱۲۹۹ قمری این خزانه را به بیرون نقل کردند. در موضعی که چهار طرف او واقعا صحراست<sup>۸۶</sup>.  
ظاهراً این خزانه را به یکی از قزل قلعه‌ها که بیرون تهران ساخته بودند نقل کرده‌اند.

#### تعمیر عمارت و باغ آقا محمدخان

ناصرالدین شاه که متوجه خرابی قصر و باغ اطراف آن شد، دستور به تعمیر داده است او در این باره می‌نویسد:

چون عمارت و باغ شاه شهید در ساری واقع است و عمارت ملک آرا بسیار با صفا است و بعضی خرابی داشت دستور العمل تعمیر آن به میرزا مسیح محول شد که در تعمیر عمارت و تنقیح باغات و تربیت درختان و مرکبات کمال اهتمام را بنمایند و جمیع خرابی عمارت و خیابان و نقاره خانه و ارگ و غیره را همه تعمیر نمایند<sup>۸۷</sup>.

#### احیاء و تجدید باغ شاه شهید

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره این تعمیر و مرمت می‌نویسد:

۸۶- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۸۷- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۸.

در سال ۱۲۸۴ قمری که سال بیستم جلوس همایون (ناصرالدین شاه) است باغ شاه شهید در ساری احیاء و تجدید شد<sup>۸۸</sup>.

امامزاده یحیی پسر نهم میر قوام‌الدین مرعشی معروف به امامزاده سلسله در طومار متولیان دوران صفوی صریحاً نوشته است که امامزاده یحیی معروف به «امامزاده سلسله» است و تولیت آن بسا شیخ ابراهیم است. ملا شیخ علی گیلانی از امامزاده‌ای در شهر ساری به نام «امامزاده سلسله» یاد می‌کند ولی ذکر نمی‌کند که همان امامزاده یحیی است. (تاریخ مازندران ص ۵۸)

سید ظهیرالدین می‌نویسد: سید یحیی که پسر نهم میر قوام‌الدین است در ساری مدفون است<sup>۸۹</sup>. « این مرقد بعدها به نام امامزاده یحیی خوانده شده و پسر امام موسی الکاظم شده است و برادرش حسین و خواهرش سکینه نیز با او در یک جا به خاک سپرده شده‌اند. (عکس شماره ۲۶۲)

کسانی پیش از نگارنده از این امامزاده یاد کرده‌اند از آنهاست ملکنوف<sup>۹۰</sup> و رابینو که کتیبه پنجره آن را نقل کرده است.<sup>۹۱</sup> صاحب سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق.<sup>۹۱</sup> نویسنده سفارشنامه انجمن آثار ملی.<sup>۹۲</sup> مشکوتی که شرح مختصری درباره آن نوشته است<sup>۹۳</sup> و ثبت تاریخی آن را به شماره ۲۱۱ ضبط کرده است. در کتاب اسامی دهات کشور نیز از این امامزاده یاد کرده‌اند و تاریخ بنای آن را به سال ۷۴۹ دانسته‌اند<sup>۹۴</sup> کتیبه‌ای که رابینو از آن یاد کرده است به شرح زیر است:

الامامة یحیی بن موسی الکاظم علیه السلام والثانی اخوه حسین بن الامام موسی

۸۸- الآثار والآثار ص ۷۱.

۸۹- تاریخ طبرستان و رویان ص ۴۸۳. ۹۰- نسخه عکسی ملکنوف ص ۶۳ الف.

۹۱- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۴۲۲. ۹۲- سفرنامه استرآباد و مازندران

ص ۹۶. ۹۳- سفارشنامه انجمن آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹ و ص ۴۰.

۹۴- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی. ۹۵- کتاب اسامی دهات کشور

۱۷۷ و ۱۷۸.

الكاظم عليه السلام والثالث اختهما سكينه بنت الامام موسى الكاظم عليه السلام في احد عشر ربيع الاول سنة ست واربعمين وثمانمانه [عمل استاد حسين و استاد محمد نجار گیل. ۹۶]

مهجوری درباره بنای این امامزاده می نویسد:

گنبد امامزاده یحیی استوانه ایست که قسمت فوقانی آن به شکل هرم است و قندیلی برنجی دارد. در ورودی بقعه از چوب جنگل و منبت کاری است. این بقعه دو جفت در داشت که یک جفت آن به دستور مرحوم علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ آن روز برای اداره باستان شناسی وزارت فرهنگ فرستاده شد. و فعلا موجود است و یک جفت بردیوار گنبد نصب است. درهای مزبور منقوش و بر قسمت فوقانی آن عبارت زیر حک شده است:

فی حادی عشر شهر ربيع الاول سنه ستة و اربعين وثمان مایه عمل استاد حسین و استاد محمد گیل.

درون این بقعه صندوقی مشبک چوبین است و درون آن صندوق دیگری است که عبارت ذیل بر چهار طرف آن حک است:

در قسمت شمالی: امر بعمارة هذه الصندوق المبارک المعظم المنور زین الامجد والا عالی خواجه الحسن بن المرحوم پیر علی الرومی تقبل الله حسناته فی عشر جمادی الاولى سنة تسع و اربعين وثمانمانه کتبه فخر الدین مطهر بن عبدالله الداعی الحسنی الآملی غفر الله لوالدید برحمتک یا ارحم الراحمین .

در قسمت شرقی سطح فوقانی آن آیه الکرسی است و زیر آن

عبارات زیر است:

هذه الروضة المبارکة لامیر الاعظم صاحب الکرامة والولاية والامامة یحیی بن امام موسی الكاظم علیهما السلام والثانی اخوه ابن الامام حسین بن

۹۶- سفرنامه مازندران و استرآباد را ببین ص ۲۲ ع.

موسی الكاظم والثالث اختهما السکینه بنت الامام موسی الكاظم. اگر چه این صندوق ظاهراً متعلق به امامزاده یحیی و برادرش حسین و خواهرش سکینه است ولی یحیی بن میر قوام الدین نیز باید در اینجا مدفون باشد.<sup>۹۷</sup>

زاره عکس بنای امامزاده یحیی را به نام ملامجدالدین خوانده است<sup>۹۸</sup> در صورتیکه قبر ملامجدالدین با سلطان رضا دریک بنا و بر سر راه فرح آباد است. هیأت CORPUS در سال ۱۳۰۰ ه. ش (۱۹۶۷ میلادی) از این امامزاده دیدن کرده اند درباره آن می نویسند:

رایینونخستین فرد فرنگیان است که از این امامزاده دیدن کرده است و مطالبی را که در کتیبه در ورودی بوده، چنین خوانده است: <sup>۹۹</sup> الاستاد حسین و الاستاد محمد نجار گیل در یازدهم ربيع الاول ۸۴۶. شاید درهای معروف موزه ایران باستان در تهران متعلق به این امامزاده بوده است، زیرا همین نامها و تاریخ بر آنهاست.<sup>۱۰۰</sup> کتیبه صندوق به زبان عربی است. نام بانی آن خواجه الحسن بن پیر علی الرومی و نام کاتب فخر الدین مطهر بن عبدالله الداعی الاملی و نامهای حسین النجار و الاستاد محمد بن الحسن الجیلانی بر آن دیده می شود. این کار در سال ۸۴۹ به پایان رسیده است. در بیرونی بنای امامزاده تاریخ ندارد. اما خط آن مربوط به زمان مورد بحث

۹۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

98 - F. Sarre : Denk mÄler Persisch er Baukunst.

۹۹- متن انگلیسی سفرنامه ص ۵۵.

100- Register No 1135/ 3308. C.F. , The art of Islam : Hayward Gallery, 8 April-4 July 1976' Arts Council, London 1979, p. 292, fig, 458.

ماست: عباس شایان قسمتی از کتیبه را نقل کرده است.<sup>۱۰۱</sup> بر این در نام نجار چنین آمده است: عمل فخرالدین بن استاد علی النجار و بانی آن: صاحبه رستم بن نظام. ظاهر آنکه در اصلی را به موزه ایران باستان برده‌اند، این در را بدینجا نقل کرده تا جای خالی را پر کنند.<sup>۱۰۲</sup>

مطالبی که نگارنده بر این در خوانده بدین شرح است:

بر تنگه پائین لنگه راست:

عمل فخرالدین بن استاد علی نجار (عکس شماره ۲۶۴)

بر تنگه پایین لنگه چپ:

صاحبه رستم بن نظام. (عکس شماره ۲۶۵)

صندوق مرقد کنده کاریهای ظریف و خطی بسیار خوش دارد. این عبارات بر آن حک شده است:

امر هذا الصندوق المبارك المعظم المنور زين الامجد والا عالی  
خواجه حسن ابن المرحوم پیر علی الرومی تقبل الله حسناته فی عشرين جمادی  
الاولی سنة تسع و اربعین وثمانمائه کتبه فخرالدین مطهر بن عبدالله الداعی  
الحسنی الآملی غفر الله له و لوالديه عمل استاد حسین النجار و استاد فخرالدین  
بن الحسن النجار کیلانی غفر الله<sup>۱۰۳</sup> عکسهای شماره ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۶۶۹ و  
۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵

۱۰۱- مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی ص ۳۰۱.

102- Corpus, p. 8.

۱۰۳- شماره ثبت امامزاده یحیی ( ۱۱۳۵/۳۳۰۸ ) است. برای اطلاع بیشتر درباره این امامزاده نگاه کنید به:

The art of Islam; Hayward Gallery, 8 april-4 july 1979 Arts Council, London 1976, 292 fig. 458.

استاد حسین و استاد فخرالدین ظاهرأ اهل کیلان دهکده‌ای زیر دست آب سرد دماوند باید باشند. امروز هم اغلب نجار هستند و اگر نسبت به کیلان باشد در متن عربی باید جیلانی می نوشتند.

بر حواشی بدنه‌های دیگر سوره مبارکه یس و آیه الکرسی است. صندوق از حدعادی بزرگتر است و جای آن دارد که سه تن در زیر آن به خاک سپرده شده باشند.

بر حاشیه سمت راست بدنه شرقی:

هذه الروضة المبارکة للامیر الاعظم صاحب الکرامه والولایة والامامة

بر حاشیه سمت چپ بدنه شرقی:

یحیی بن الامام المعصوم موسی الکاظم علیهما السلام.

شاهزاده حسین

در محله شاهزاده حسین ساری

بقعه ایست چهار ضلعی با مسجدی متصل به آن. سقف سراسر بنا پلور کشی و پل کوبی است. بام آن سفال سراسر است و می خواستند به ایرایت تبدیل کنند کنده کاریهای صندوق و در ورودی بقعه از ظرائف هنری است. پهنای هر لنگه در ورودی ۶۰ و بلندی آن ۲۰۴ سانتیمتر است. (عکس شماره ۲۷۶)

بر پاساربالای لنگه راست کلمات زیر است:

صاحب الخیرات جناب سیادت مآب سید (عکس شماره ۲۷۷)

بر پاساربالای لنگه چپ:

اسماعیل ابن سید المرحوم فتح الله النجفی (عکس شماره ۲۷۸)

بر پاسارپایین لنگه سمت راست:

عمل حسین بن استاد احمد ساری (عکس شماره ۲۷۹)

بر پاسارپایین لنگه چپ:

فی التاریخ رجب المرجب سنة تسعین وثمانمائه (عکس شماره ۲۸۰)  
صندوقی کنده کاری که چند پاره قاب و گره دارد مرقد را پوشانده است. عکس شماره  
۲۸۱ و ۲۸۲) درازای آن ۲۳۸ و پهنای آن ۱۲۰ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است.  
در حدود ۳۵ سانتیمتر از چهار پایه اصلی صندوق از پایین لخت است و تخته کوبی ندارد.

برای پوشاندن آنها از بیرون نرده مانندی تخته‌ای را که تمام کنده کاری دارد دور گردانده‌اند و چنین می‌نماید که صندوق بر این نرده استوار است. این سبک کار هم در نوع خود بی نظیر است. بر بدنه‌های این صندوق عبارات و آیات زیر حک شده است:

بر حاشیه بالای بدنه شمالی:

بسم الله الرحمن الرحيم يس والقران الحكيم - تا - انا جعلنا  
فی اعناقهم

بر حاشیه سمت چپ بدنه شمالی:

اغلالا فهی الى الذقان - تا - ومن خلفهم سدا

بر حاشیه سمت راست بدنه شمالی

فاغشینا هم فهم لا یبصرون - تا - تذرهم لا یؤمنون انما تندر

بر حاشیه پایین بدنه شمالی:

من اتبع الذکر و خشی الرحمن - تا - اصحاب القریه اذ جاء

بر حاشیه سمت راست بدنه شرقی:

اذ جاءها المرسلون - تا - فكذبوهما فعزز نابثا فقلوا انا الیکم

بر حاشیه سمت چپ بدنه شرقی:

مرسلون قالوا ما انتم - تا - ان انتم الا تکذبون قالوا ربنا

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا الصندوق المشهد المرقد الاعظم سلطان حسین

وسلطان محمد جعفر ابن موسی الکاظم (عکس شماره ۲۸۳)

بر حاشیه پایین بدنه شرقی:

بسعی و اهتمام اسماعیل بن فتح الله النجفی الحسینی عمل محمد بن

استاد حسین نجاری فی تاریخ سنه اربع و تسعین و ثمانمائه . عکس شماره ۲۸۴

و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸)

بر بدنه جنوبی حاشیه سمت راست از پایین به بالا:

یعلم انا الیکم لمرسلون - تا - انا تطیرنا بکم

بر برنه جنوبی صندوق حاشیه بالا:

لئن لم تنتهوا لئرجمنکم ولیمسنکم - تا - یسئلكم اجرا وهم

بر حاشیه سمت چپ از بالا به پایین:

مهتدون و مالی لا اعبد - تا - الیه ترجعون اتخذمن دونه الهه

بر حاشیه پایین بدنه جنوبی:

ان یردن الرحمن - تا - وجعلنی من المکرمین

بر حاشیه سمت راست بدنه غربی:

وما انزلنا علی قومہ - تا - ان کان الا صحیة

بر حاشیه بالای بدنه غربی:

واحدة فاذا هم حامدون - تا - الم یروا کم اهلکنا

بر حاشیه سمت چپ از بالا به پایین:

قبلهم من القرون - تا - لما جمیع لدینا محضرون

بر حاشیه پایین بدنه غربی:

و آیه لهم الارض لمیته - تا - وجعلنا فیها جنات<sup>۱۰۴</sup>

دری کند، کاری نیز در شمال بقعه است پهنای هر لنگه آن ۲۴ و بلندی آن ۱۴۶

سانتیمتر است که قسمتی از بالای لنگه چپ آن شکسته شده است.

شاهزاده حسین در سال ۱۳۵۰ ه. ش.

هیأت CORPUS در این سال از شاهزاده حسین دیدن کرده‌اند و درباره آن

چنین اظهار نظر کرده‌اند:

تزیینات زیبا و ظریف آن نظریه‌بینندگان را جلب می‌کند. درها و صندوق کنده.

کاریهای ظریف دارد. درهای این امامزاده را حسین بن استاد احمد ساری در رجب

۸۹۰ ساخته و صندوق آن را محمد بن استاد حسین در سال ۸۹۴ کنده کاری کرده است.

۱۰۴- یس آیات یک تا ۳۳ و قسمتی از آیه ۳۴.

احتمال می‌رود که این محمدپسر استادحسین سابق الذکر باشد. چنانکه رابینو اظهار کرده، این استاد حسین‌کنده کاریهای صندوق بلندامام را نزدیک لمراسک در سال ۸۷۳ نیز انجام داده است. ممکن است در این گفته باز اشکالی در غلط خوانی دو عدد «سبعین» و «تسعين» پیش آمده باشد و امکان دارد سال ۸۹۳ به جای ۸۷۳ سنه دقیقتری باشد. چون عکس دقیقی در دسترس نیست و هیئت هم از بلندامام دیدن نکرد، اظهار نظر قطعی نمی‌توان کرد. نام پدر که استاداحمد ساری است با نام نجاری که در امامزاده قاسم بابل در ۸۸۸ هـ. ق کار کرده یکی است<sup>۱۰۵</sup> و شمس‌الدین پسر دیگر این استاد، کنده کاریهای امامزاده عباس ساری را انجام داده است. دنباله مطالب CORPUS به نوشته‌های در و صندوق شاهزاده حسین ختم می‌شود و از صندوق فقط نام امامزادگان را آورده است.<sup>۱۰۶</sup>

پنجرة مشبك شمال غربی بقعة شاهزاده حسین

در شمال بقعه دری در وسط و دو پنجره مشبك در دو طرف آن است بر حاشیه سمت چپ پنجره شمال غربی عبارات زیر حک شده است. این عبارات از پایین به بالاست:

فی ظهور حضرت امامزادگان بحق سلطان حسین و سلطان محمد ابن موسی الکاظم علیهم السلام فی يوم الخميس جمادی الاولى سنة اثنی وثمانمائه.

ملگتوف فقط نام شاهزاده حسین را جزء امامزاده‌ها ذکر کرده و می‌نویسد در

105- Nosratollah Meshkati, Alist of the historical sites and ancient monuments of Iran. tr. A. S. Pessyan. Tehran 1334. Publication No 5 of the National Organisation for the protection of historical monuments of Iran. p. 170  
106- Corpus pp 3, 8, 9.

محلّه شاهزاده حسین ساری است.<sup>۱۰۷</sup>  
مهجوری درباره این بقعه می‌نویسد:

بنائی است ساده، در ورودی آن چوبین است و کنده کاری دارد بر دولنگه آن این عبارات خوانده می‌شود:  
صاحب الخیرات جناب سیادت مآب سید اسمعیل بن المرحوم سیدفتح‌الله النجفی عمل حسین بن استاد احمد سناری<sup>۱۰۸</sup> فی التاریخ الرجب المرجب سنه تسعین و ثمانمائه.  
بر صندوق چوبین آن سوره مبارکه یس و این عبارات زیر آن است.

هذه الصندوق المشهد المرقدا لعظم سلطان حسین و سلطان محمد جعفر ابن موسی الکاظم بسعی و اهتمام اسمعیل بن فتح‌الله النجفی الحسینی عمل استاد محمد بن حسن فی التاریخ سنه اربع و تسعین و ثمان مائه.<sup>۱۰۹</sup>

مرقد سید زین‌العابدین بن سید کمال‌الدین مرعشی  
در شهر ساری

ملا شیخعلی گیلانی فقط نامی از سید زین‌العابدین برده است.<sup>۱۱۰</sup>

رابینو سه کتیبه از این امامزاده را به این شرح رونویس کرده است:

کتیبه امامزاده زین‌العابدین در ساری

بنا و اتمام یافت این عمارت بسعی و اهتمام ابن بنده درگاه

علاء‌الدین بن درویش محمد ابوالوفا.<sup>۱۱۱</sup>

کتیبه دیگری در همان امامزاده

۱۰۷- نسخه عکسی ترجمه سفرنامه ملگتوف ص ۹۳ الف. ۱۰۸- غلط‌خوانی شده است کلمه ساری است نه سناری. ۱۰۹- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۱. ۱۱۰- تاریخ مازندران ملا شیخعلی ص ۵۷. ۱۱۱- سفرنامه مازندران و استارباد ص ۲۱ ع.

الله ولی الترفیق - الله مفتاح الأبواب فی التاريخ سنة اربع وتسعين  
و ثمانمائه.<sup>۱۱۲</sup>

کتابخانه صندوق امامزاده زین العابدین

صاحب هذه الصندوق و المرقد المبارک الشریف السلطان الاعظم  
الاکرم برهان السادات و الاشراف المرحوم المغفور السلطان امیر شمس-  
الدین ابن الامیر کمال الدین الحسینی طاب ثراه. تاریخ و فاته يوم الاثنین  
خامس و عشرين شهر جمادی الثانيه اربعة عشر خوردادماه سنة خمس و  
تسعمايةه .

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۴ قمری از این امامزاده به نام سید زین العابدین یسار  
شده است<sup>۱۱۴</sup> در سفارشنامه انجنین آثار ملی نیز ذکری از این امامزاده به میان آمده  
است<sup>۱۱۵</sup> مشکوتی ثبت تاریخی این بنا را به شماره ۲۱۲ ضبط کرده و درباره آن  
نوشته است:

برج مزار سلطان زین العابدین با گنبد مخروطی هشت ترک<sup>۱۱۶</sup>  
آن از لحاظ ساختمانی و تزئینات کاشی کاری و صندوق و در نفیس چوبی  
جزء مهمترین ابنیه تاریخی ساری به شمار می آید. در بالای در ورودی  
کتابخانه ای بر روی کاشی نقش شده است. این کتابخانه که به خط رقاع است  
چنین خوانده می شود:

عمل سید علی بن سید کمال الدین بناء آملی

صندوقی چوبین و مرقد دیگری در داخل این برج به نام سلطان-  
امیر شمس الدین می باشد که در روی صندوق آن کتابخانه ای به خط ثلث در

۱۱۲ - سفرنامه مازندران و آستارباد ص ۲۱ ع. ظاهراً کتابخانه در ورودی بنا است .  
۱۱۳ - سفرنامه مازندران و آستارباد رابینو ص ۲۱ ع و ۲۲ ع. ۱۱۴ - سفرنامه  
آستارباد و مازندران ص ۹۶ . ۱۱۵ - سفارشنامه انجنین آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹  
و ۴۰ - ۱۱۶ - نویسنده میان مخروط و هرم فرقی نگذاشته است.

نهایت ظرافت حکاکی شده است. این صندوق منبت شاهکاری از هنرهای  
یدی به شمار است. خوشبختانه کتابخانه چهارطرف آن محفوظ مانده. در  
کتابخانه این صندوق دو تاریخ به شرح زیر حکاکی شده است:

يوم الاثنین خامس عشرين شهر جمید الثاني سابع عشر خورداد  
سنة تسع و ثمانمائه.

بدین ترتیب بنای مزار سلطان زین العابدین متعلق به اوایل قرن  
نهم هجری است.<sup>۱۱۷</sup>

پوپ بقعه امامزاده زین العابدین را به نام «مقبره شاهزاده سلطان محمد رضا»  
خوانده است و مسلماً اشتباه کرده است.<sup>۱۱۸</sup> در این گنبد کتابخانه ایست که نشان می دهد  
این بقعه برای امیر زین العابدین پسر امیر کمال الدین حسین ساخته شده است . در  
صورتی که قبر سلطان محمد رضا همراه مرقد سلطان مجدالدین در خارج شهر ساری  
بر سر راه ساری به فرح آباد است. دمرگان نیز به اشتباه آن را «مسجد سید محمد  
رضا» خوانده است.<sup>۱۱۹</sup> زاره گفته است که این امامزاده همانند سلطان محمد رضا  
است.<sup>۱۲۰</sup>

نویسنده کتاب اسامی دهات کشور گور سید زین العابدین مرعشی را پهلوی  
امامزاده یحیی در گورستان وسط شهر ساری دانسته است.<sup>۱۲۱</sup>

مهجوری درباره بقعه سید زین العابدین مطالب زیر را نوشته است:

طرح این بنا چهار گوشه، از بالا هشت ضلعی با چهار گوشوار

۱۱۷ - فهرست بناها و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۸.

118-A survey of Persian art t. iv pl . 35 1b .

119- J. de morgan: Mission scietifique en Perse, etuae geogra-  
phique, t. 1 p. 167, fig. 69.

120 - F. Sarre: Denkmaler Persi scher Baukunst p . 101 fig .  
132 pl. Lxxx.

۱۲۱ - کتاب امامی دهات کشور ج ۱ صفحات ۱۷۷ و ۱۸۸.

و بام آن هرم هشت ضلعی است. در ورودی چوبین این گنبد را به سرقت برده‌اند و فعلاً در ورودی آهنی است. قسمت بالای در، کاشی کاری بوده، ولی امروز بیش از چند خشت از آنها باقی نیست. بر بالای در نوشته شده است:

سید زین العابدین بن سید کمال الدین

این سید و برادرش امیر شمس الدین از فرمانروایان سدهٔ نهم هجری مازندران و نوادهٔ میر کمال الدین بن میر قوام الدین هستند در داخل گنبد ده تا دوازده نفر از سادات مرعشی از پسر میر شمس الدین و ابنا و نزدیکان ایشان مدفون هستند. بیش از نیمه‌ای از صندوق چوبین این بارگاه در آتش سوزی سوخته و از میان رفته است. آنچه باقی است بر آن آیات قرآنی و این عبارت است:

والاشراف المرحوم المغفور سلطان امیر شمس الدین ابن امیر -  
کمال الدین الحسينی طاب ثراهما.

این بنا دریچه‌ای هم دارد که از نظر هنری قابل دقت است.<sup>۱۲۲</sup>

عباراتی که نگارنده بردیوار و در و صندوق این بنا خوانده است:  
بنای بقعهٔ میر زین العابدین چهار ضلعی است که چهار کنج بالای آن را با چهار گوشوار کور کرده و منتهی به هشت ضلعی کرده‌اند و گنبدی رک بر این هشت ضلعی زده‌اند. بر بدنهٔ شمالی زیر قرنیه‌ها دو ردیف دوتائی کاشیکاری است که فعلاً (مهر ۱۳۶۳) بیشتر آنها فرور ریخته است. میان طاقنمای این بدنهٔ شمالی دو ردیف کاشیکاری است که این بیت بر آن خوانده می‌شود:

... بر لوح [نوشته کلک] نقاش دنیا نکند وفاتو خوش باش

(عکس شمارهٔ ۲۹۱)

در دو طرف طاقنما دو مربع کاشیکاری است. در مربع سمت راست:

قال النبی ﷺ

در مربع سمت چپ:

الدنيا مزرعة الاخره

بالای در ورودی اصلی بقعه که در بدنهٔ جنوبی است این عبارات بر کاشیکاری قدیمی نوشته شده است:

الامير الكبير المغفور مير زين العابدين بن كمال الدين الحسيني

بر هلال بالای در ورودی عبارات زیر بر چوب حک شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم قال النبي ﷺ الدنيا مزرعة الاخره  
قال صلى الله عليه وسلم الضربة الخندق على داه عبامن الثقلين بتاريخ  
۳۵۲ شمسی.

فرسودگی کتیبه نشان می‌داد که این تاریخ صحیح نیست و ظاهراً نویسنده سال شمسی را با قمری اشتباه کرده است.

در داخل بنا و در چهار جهت آن چهار کتیبه است. این کتیبه‌ها در هر بدنه دور می‌چرخد یعنی از پایین به بالا و در خط افقی و از بالا به پایین است. بیشتر کاشیهای آن فرو ریخته است. آیاتی از کلام الله مجید و ظاهراً سورهٔ یس است. دریچه‌ای نورگیر در بدنهٔ شمالی است که روزی به محوطهٔ بیرون باز می‌شده است. کنده کاریهای ظریف دارد این عبارات بر آن حک شده است:

بر پاسار بالای لنگهٔ راست:

الله ولي التوفيق

بر پاسار بالای لنگهٔ چپ:

الله مفتاح الابواب.

بر پاسار پایین لنگهٔ راست:

في التاريخ سنة اربع

بر پاسار پایین لنگهٔ چپ:

## تسعین وثمانمائه

بر بالای این پنجره کاشیکاری است و این عبارات بر آن باقی مانده است:  
 هذا كنبد المرقد المباركة الشريفه حضرة السلطان الاعظم اكرم الا  
 صندوقی بسیار ظریف و پرکار مرقد را پوشانده است. مطالب بدنه شمالی آن  
 از فرسودگی خوانده نشد و بدنه جنوبی آن نیز نوسازی شده بود. آنچه بر بدنه شرقی  
 باقی مانده بود بدین شرح است:

صاحب هذا الصندوق المرقد المباركة الشريف السلطان الاعظم  
 الاكرم برهان السادات والاشرف المرحوم المغفور سلطان امیر شمس الدین  
 ابن امیر کمال الدین الحسینی طاب ثراهما فی التاریخ وفات یوم الاثنین  
 خامس عشرین شهر جمید الثانی سابع عشر خورداد ماه سنة تسع وخمسين  
 وثمانمائه.

این صندوق نیز مانند صندوق شاهزاده حسین و امامزاده یحیی بر پایه‌ای جدا-  
 گانه استوار است. صندوق سفید چاه نیز نظیر این صندوقهاست.  
 در این مقبره سید زین العابدین بن سید کمال الدین و امیر شمس الدین ابن  
 امیر کمال الدین بن میر قوام الدین و برادرش به خاک سپرده شده‌اند.

قبور سید عبدالعظیم بن سید کمال الدین بن سید قوام الدین<sup>۱۲۳</sup> و  
 عبدالحق بن سید نصیر الدین بن سید کمال الدین نیز در ساری است.<sup>۱۲۴</sup>

میری سر روضه = میر سر روضه

در محله میر سر روضه ساری

این بناها ظاهراً مرقد میر کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی است. سید  
 میر ظهیر الدین درباره این مرد می‌نویسد:

سید کمال الدین بن سید قوام الدین مرعشی پسر دوم اوست.  
 در ماوراء النهر فوت شد. پس از آنکه فرزندان او به مازندران آمدند،  
 فقرای مازندران رفتند و جسد او را آوردند و در ساری دفن کردند و عمارات  
 مرغوبه بر بالای قبر مبارکش ساختند.<sup>۱</sup>

سید علی بن سید کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی در ساری  
 در مشهد مبارک پدرش مدفون است.<sup>۲</sup>

سید غیاث الدین بن سید کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی  
 در مشهد پدرش سید کمال الدین در ساری مدفون است.<sup>۳</sup>

سید عبدالعزیز بن سید کمال الدین بن میر قوام الدین در مشهد میر-  
 کمال الدین در ساری مدفون است.<sup>۴</sup>

سید اشرف بن سید کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی در ساری  
 در مشهد پدرش دفن شد.<sup>۵</sup>

سید عبدالحق بن سید کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی

قبرش در ساری است.<sup>۶</sup>

در بازدید که در تاریخ پنجم مهر ماه ۱۳۶۳ از این بنا به عمل آمد از عمارات  
 مرغوبه‌ای که میر ظهیر الدین از آن یاد می‌کند اثری نبود. بیشتر از سه هزار متر اراضی آن را  
 به مدرسه فروغی اختصاص داده بودند و در فضائی محدود دبنای نوسازی بود که پانزده سال

۱- نسخه عکسی ترجمه سفرنامه ملکثوف ص ۹۳ الف.

۲- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۳. ۳- همین کتاب ص ۳۸۴.

۴- همین کتاب ص ۳۸۴. ۵- همین کتاب ص ۳۸۴. ۶- همین کتاب ص ۳۸۴.

۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۴.

۱۲۳- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۲. ۱۲۴- همین کتاب ص ۳۸۶،  
 ظاهراً عبدالحی فرزند نصیر الدین بن سید کمال الدین است نه عبدالحق.

پیش بر پا کرده بودند. صندوقی ساده در وسط بنا بود که آن را مقدمیر عبدالعظیم می دانستند. این نام یادآور نام میر عبدالعزیز است که پسر میر کمال الدین بوده و در مشهد پدرش به خاک سپرده شده بوده است. اما مزاده ای در دفتر مدرسه به نام «اما مزاده محمد» بود که ظاهراً از سرشناسانی بوده که در مشهد میر کمال الدین به خاک سپرده بودند. از مشهد میر کمال الدین بن میر قوام الدین مرعشی و پسرانش یعنی سید غیاث الدین و سید عبدالعزیز و سید اشرف و سید علی کوچکترین اثری برجای نبود.

بقعه سلطان محمدرضا

در محله ملا مجدالدین در شهر ساری

دو مرگان نام این بقعه را يك بار «سید محمد رضا»<sup>۸</sup> و بار دیگر «سلطان محمد

رضا» یاد می کند و گور ملامرجان را در همین بقعه می داند.<sup>۹</sup>

ملگنوف این بقعه را به نام «شاهزاده سلطان محمدرضا» می شناسد و می نویسد قبر کیف-علیشاه نیز در این بقعه است.<sup>۱۰</sup>

مشکوتی این بنا را با ثبت تاریخی شماره ۱۵۳ یاد کرده و می نویسد:

مقبره سلطان محمدرضا در جنب مقبره ملا مجدالدین واقع شده است. در حال حاضر بنای ساده ایست که عاری از هر گونه ارزش تاریخی و هنری می باشد. این آرامگاه طبق کتیبه منظومی که دارد در قرن سیزدهم هجری مرمت شده است.<sup>۱۱</sup>

پوپ این بقعه را به نام «شاهزاده محمد سلطان رضا» می شناسد.<sup>۱۲</sup>

در بازدید مهرماه ۱۳۶۳ بقعه ای نیمه خراب کنار بقعه ملا مجدالدین دیده شد

ولی از نام سلطان محمد رضا کسی خبر نداشت.

قسمت جغرافیائی ص ۲۷ 8- Mission Scietifique en Perse

۹- همین کتاب ص ۲۱۸. ۱۰- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۶۱ الف.

۱۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.

12-A svrvey of Persian art vol. 8. No 351.

بقعه ملا مجدالدین

در محله ملا مجدالدین ساری ۱۲

در کتاب اسامی دهات کشور محل این بقعه در گورستان بربری محله ساری نوشته شده است.<sup>۱۴</sup>

در سفارش نامه انجمن آثار ملی نام این بقعه آمده است.<sup>۱۵</sup>

مشکوتی ثبت تاریخی این بقعه را به شماره ۱۵۴ ضبط کرده و درباره آن می نویسد: بنای کنونی، بقعه محقری است که دارای ایوانی می باشد.

در این ایوان کتیبه ای به خط رقا ع گچ بری شده. بنای قدیمی این بقعه در

عداد ابنیه اوایل اسلام به شمار آمده است. طبق کتیبه دیوار داخلی بقعه،

این مکان مقبره ملا مجدالدین مکی می باشد.<sup>۱۶</sup>

راینو صورت رسالت امام جعفر را در این بقعه به شرح زیر رونویسی کرده است:

صورت رسالت امام جعفر در بقعه مجدالدین مکی در ساری

ابو عبدالله صادق بسم الله الرحمن الرحيم

یا معاشر المسلمین یا زمره المؤمنین کثر الله امثالکم اعلموا ان الله تعالی امرکم بالصلاة والزکاة والصوم والحج والحداد بارتکاب الحلال و باجتناج الحرام و ما قال رسول الله صلی الله و علی آله بامر الله تعالی و تقدس قستمکوا بامر الله تعالی النجاة فی الاخرة لتکونوا من المؤمنین و واجب علینا اعلامکم بهذه الاوامر و النواهی مولى الموالی مفخر الصلی و الی و الی مولانا مجدالدین مکی و ارسلها الی مدينتین الآمل و الساری و نواحيها فاسمعوا منه ما یقول لکم من جمیع اوامر و نواهی و تعزز وجوده بامر الله كما قال الله تبارک و تعالی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم

۱۳- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۹۳ الف. ۱۴- کتاب اسامی دهات کشور

ج ۱ ص ۱۷۷ ۱۵- سفارش نامه انجمن آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹ و ۴۰.

۱۶- فهرست بناهای تاریخی ذیل ملا مجدالدین.

فی عاشر شوال سنة ستة و ثلثین ومائه.<sup>۱۷</sup>

حاجی زین العابدین شیروانی در رجب ۱۳۱۵ قمری از بقعه ملا مجدالدین و مرقد سید محمد کیا یاد می کند و می نویسد:

بقعه ملا مجدالدین مکی بقعه محقری، دارای ایوانی جلو آن. در این ایوان کتیبه ای به خط رقاغ گچ بری شده. طبق کتیبه دیوار داخلی بقعه، این مکان مقبره ملا مجدالدین مکی است، کنار بقعه سید محمد کیا بیرون شهر ساری به فرمان امام جعفر الصادق در سال ۱۳۶ به جانب طبرستان برای ارشاد عباد آمده است.<sup>۱۸</sup>

در بازدید مهرماه ۱۳۶۳ بقعه ملا مجدالدین رودخرابی داشت و قصد داشتند در اراضی آن کتابخانه ای بسازند. از کتیبه گچ بری شده با خط رقاغ که رابینو و حاجی زین العابدین شیروانی آن را دیده و خوانده اند، اثری باقی نبود. ظاهراً در تعمیرات سردستی که در این بنا کرده بودند، روی این کتیبه را نیز با گچ پوشانده و سفید کرده بودند. در طول امام زادگان دوران صفوی ذکر مرقد مولانا مجدالدین مکی هست ولی ظاهراً از محل اصلی آن اطلاعی نداشته اند و محل آن را به جای شهر ساری در ساری رودپی حومه ساری دانسته اند.

تولیت این محل با مولانا محمد رضا دروازی بوده و غیر از نذورات، از دربار اصفهان جیره و مواجب نیز داشته است و معمولاً به جای نقدینه کلاف ابریشم به این متولیان درباری می داده اند.

امامزاده عباس

در دهکده آزادگله از دهکده های اندرود ساری

مرقد امامزاده عباس در حدود سه کیلومتری خارج از مرکز شهر ساری است. معروف است که این امامزاده فرزند امام موسی الکاظم ع است. بدنه اصلی بنا

۱۷- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۲۲ ع ۲۳ و ع ۱۸ - طرائق الحقائق

ج ۳ ص ۶۴۹.

هشت ضلعی است. بر بالای اضلاع، قرنیه های سینه کفتری و بالای آن کمر بندی هشت ضلعی و بالای آن گنبد هرمی شکل است. مسجدی متصل به بنای اصلی بقعه است. (عکس شماره ۲۹۲ و ۲۹۳) در مسجد (عکس شماره ۲۹۴) و در ورودی بقعه (عکس شماره ۲۹۵) کنده کاریهای ظریف دارد و نورگیر مشبک کاری ظریفی بالای در ورودی بقعه است. (عکس شماره ۲۹۶) صندوقی و ضریحی مرقد امامزاده را پوشانده است. (عکس شماره ۲۹۷) تاریخ اتمام و کتیبه، صندوق را رابینو در مازندران و استرآباد خود خود بدین ترتیب نقل کرده است:

تحریراً فی التاریخ ماه جمادی الاخر سنة سبع و تسعین و ثمانمائه. این ابیات بر روی در داخلی حک شده است:

جدا کاخی که هر دم بهر فیض <sup>۱۹</sup>	بر درش روح القدس آید فرو
مرقد شهزاده عباس شهید	فقد کاظم آن شه با ابرو
در زمان شاه روز افزون لقب	حضرت آقا محمد دان که او
نصرو دین پرور است و عدل گر	سروری گردون شکوه و عدل جو
بر حفاظش ساخت عالی گنبدی	مسجد و حوض و عمارات نکو
دین پناه آقا حسین کھف الانام	تا ابد این نام نیکو ماند از او
بهر تاریخش پرسیدم ز عقل	گفت بادا رحمت یزدان بر او

پس از آن می نویسد:

وسط صحن گنبد ضریحی است مشبک که اخیراً ساخته شده و داخل آن صندوقی است بسیار عالی و نفیس که درازای آن ۲۵۰ و پهنا ۱۵۰ و بلندی ۱۲۰ سانتیمتر است. بر حاشیه آن آیاتی از کلام الله مجید و در وسط بدنه شمالی مقابل دریچه این عبارات حک شده است: بسم الله الرحمن الرحیم هذا المشهد المقدس الحضرات الکرام امام زادگان بحق امام زاده عباس بن عبدالله بن موسی الکاظم و محمد و حسن بن محمد زید عمل الصندوق

۱۹- رابینو ابتدای این بیت را چنین خوانده است: جل کل حی به جای جدا کاخی.

بسعی و اهتمام سیدمرتضی بن سیدعلی بن سیدشمس الدین بن سیدعبدالصمد بن سیدشمس الدین بهرام نجار تحریرا فی التاریخ ماه جمادی الاخر سنة سبع وتسعين وثمانمائه<sup>۲۰</sup>.  
 هیأت Corpus در سال ۱۹۶۷ درباره این بقعه می نویسد:

رابتو این مرقده را نزدیک دهکده آزادگله دانسته است . این دهکده تقریباً داخل شهر شده است. آنچه زاینونقل کرده با کارما اختلاف دارد زیرا درهائی را که بهرام کنده کاری کرده در شرح ما نیست. کتیبه مفصلی در زیر سقف است که ظاهراً رابتون دیده و مورخ اول رمضان ۸۲۷ است. اما این تاریخ با تاریخ بنا ظاهراً زیاد نمی خواند. صندوق آن را شمس الدین بن احمد ساری ساخته است و در جمادی الهانی ۸۹۹ درهای شمالی و در سال ۹۱۱ درهای جنوبی مرقده بی بی سکینه را در مشهد سر (بابلسر) ساخته است<sup>۲۲</sup>.

کتیبه ای بر سقف امامزاده است که کمتر کسی از مطالعه کنندگان متوجه آن شده است و آن بدین شرح است:

ظهور و بروز امامزاده معصوم عباس بن موسی کاظم علیه السلام در پنجشنبه یکم ماه مبارک رمضان سنه سبع و عشرين وثمانمائه و اجازة فرمودن سیدامیر بن سید شرف الدین حسین در شب مذکور بظهور وجود عام(۹)  
 صندوقی ظریف و پرکار مرقده را پوشانده است . این عبارات بر آن خوانده می شود:  
 عمل شمس الدین بن استاد احمد نجار ساری موضع شنبه تحریرا فی التاریخ ماه جمادی الاخر سنة تسعة وتسعين وثمانمائه (عکس شماره ۲۹۸)

۲۰- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۰ و ۳۴۱.

21- Rabino p. 58, C. F. Abbas Shayan p. 299-300,  
 22- Mayer, L. A., Islamic Woodcarvers and Their works, Geneva 1958 p. 64. Corpus ۹ به نقل از ص

عمل بهرام ابن استاد محمد نجار ساری سکندان آبادی<sup>۲۳</sup>.  
 سپس کتیبه صندوق را به ترتیب زیر نقل کرده است :

عمل الصندوق بسعی و اهتمام سیدمرتضی بن سید علی ابن سید شمس الدین بن سیدعبدالصمد بن سیدشمس الدین بهرام نجار تحریرا فی- التاریخ ماه جمادی الاخر سنة سبع وتسعين وثمانمائه<sup>۲۴</sup>.  
 مهجوری دوباره این بقعه می نویسد:

این گنبد در یک کیلومتری پل تجن است. متصل به این گنبد مسجدی است که پهنای آن ۸ متر و درازای آن ۱۱ متر و ارتفاع آن ۵ متر است . این گنبد از پایین چهار گوشه و از بالا هرمی شکل است ، به ارتفاع بیست متر و از داخل پانزده متر. درهای مسجد و گنبد که مقابل هم هستند، هر یک به بلندی ۲۲۵ سانتیمتر و پهنای هر لنگه ۷۵ سانتیمتر است. هر دو جفت در از شاهکارهای کنده کاری قرن نهم هجری است. بر در گنبد چیزی نوشته نیست بر در مسجد این اشعار حک شده است.

سپس هفت بیت اشعاری را که نقل کردیم آورده و نام نجار را یاد می کند.

مشکوتی شماره ثبت تاریخی این بنا را ۳۶۱ ضبط کرده و درباره آن نوشته است:

این بنا از لحاظ دارا بودن گنبد مخروطی شکل آجری و شیوه ساختمانی دارای اهمیت تاریخی و صنعتی می باشد. در روی صندوق چوبی منبت آن تاریخ سال ۸۹۷ هجری حک شده است. در این بقعه سه تن از امامزادگان عباس و محمد و حسن مدفون می باشند. نجار صندوق این بقعه طبق امضاء آن شمس الدین بنا ابن احمد نجار ساری بوده است<sup>۲۵</sup>.

۲۳- سفرنامه مازندران و آستارا بدرابینو ص ۲۲ ع و ۲۴ ع. قسمت آخر کتیبه بر در ورودی است و چنین است : عمل بهرام ابن استاد محمد نجار ساری مقیم سکندان آباد .

۲۴- همین کتاب ص ۲۴ ع. ۲۵- فهرست بنا های تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۹

در سفارش نامه انجمن آثار ملی نیز از این بقعه یاد شده است.<sup>۲۶</sup>

در کتاب اسامی دهات کشور محل این امامزاده پنج کیلومتری شهر ساری، وسط گورستان نوشته شده و تاریخ بنای آن را مورخ به سال ۸۷۷ دانسته‌اند.<sup>۲۷</sup>

در آثار ایران ص ۳۱۴ نیز از امامزاده عباس یاد شده است. نسام بانیان صندوق بدین ترتیب بر صندوق حک شده است:

بسعی و اهتمام بعمل هذه الصندوق سید مرتضی ابن سید امیر و سید حسن بن علی و سید عباس ابن سید شرف الدین و سید محمد ابن سید حسین و سید عبدالصمد ابن سید شمس الدین. (عکس شماره ۲۹۹)

در سفرنامه‌ای که یکی از همراهان درن در سال ۱۲۷۵ ق. ه. نوشته، چنین آمده است: امامزاده عباس در دهکده آزاد کلای ساری، دارای گنبد آجری است.<sup>۲۸</sup> مقبره‌ای را که زاره به نام امامزاده عباس ساری معرفی کرده است، مقبره امامزاده محمد طاهر نزدیک بارفروش (بابل) است و در این معرفی اشتباهی رخ داده است.<sup>۲۹</sup> میان کفش کن و مسجد متصل به بقعه دری ظریف است که این ابیات بر بئوئی سمت راست لنگه راست و پاسار بالای آن و بر پاسار بالای لنگه چپ و بئوئی سمت چپ آن حک شده است:

چند اکاخی که هر دم بهر فیض	بر درش روح القدس آید فرو
مرقد شهزاده عباس شهید	فقد <sup>۳۰</sup> کاظم آن شه با آبرو
در زمان شاه روز افزون لقب	حضرت آقا محمد آنک او
خسروی دین پرور است و عدل گر	سروری گردون شکوه و عدل جو

۲۶- سفارش نامه انجمن آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹ و ۴۰.

۲۷- کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲۸- سفرنامه مازندران و استراباد ص ۹۳.

29- H. Sarre: Denkmäler Persischer Baukunst, P. 100, Fig. 131

۳۰- دراصل: نقد.

بر فرازش ساخت عالی گنبدی  
دین پنا آقا حسین کھف الانام  
بهر تاریخش چو پرسیدم ز عقل  
بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

عمل بهرام ابن استاد محمد نجار ساری مقیم اسکندران.

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

الدنيا ساعة فجعلها طاعة كتبه بهرام نجار

بر حاشیه بالای ضریح مشبک فلزی نو ساز ابیات زیر با خط خوش نستعلیق فضائلی خطاط حکاکی شده است:

این بارگاه کیست بدین قدر و عزوشان	کاینسان بذوق و شوق مه و مهر آسمان
آن بامداد میزندش بوسه بر جبین	وین شامگاه مینهدش سر بر آستان
صد گلستان بگوشه هر صفه اش پدید	صد آفتاب در دل هر ذره اش نهان
این روضه گربهشت نباشد چگونه است	رضوان ستاده بر در او همچو پاسبان
این بقعه گرسهر نباشد خود از چه روی	رخشده اخترانش تا بد بهر کران
مازندران زمینش پهلو زند بچرخ	ساید سردر قدمش ساری به کهکشان
اینجاست مرقد یکی از آل مصطفی	پیغمبر خدا شرف و فخر انس و جان
آن دودمان پاک علی آن ولی حق	کاسلام را از اوست همه قدر و عزوشان
پور امام هفتم موسی کاظم آنک	دارد نسب ز فاطمه شهبانوی جهان
عباس نام او و رضا را برادر است	شهزادگانی از شه دین صاحب نشان
والاتبار سید علی نسب که هست	اندر حسب فرید زمان فخر دودمان
از باب و مامی از شرف و قدر و فرچنان	فرزندی آید از شرف و قدر و فرچنان
نه قرن بیشتر شده این بقعه کهن	بر پا به سعی و کوشش اختیار آن زمان
تعمیر بقعه کردند از راه صدق دین	اخلاف آن بزرگان شش قرن بعد از آن

۳۱- کلمه ای نظیر حص.

از همت بلند زن و مرد ساروی شد این ضریح ساخته در اصفهان سال هزار و سیصد و پنجاه و سه گرفت جای این ضریح پاک و منور در این مکان از رنگ دلپذیرش صدق و صفا پدید و ز نقش روح بخشش ذوق و هنر عیان از کاسمی بماند این شعر یادگار تا هست این مزار مطاف جهانیان فضائلی

در موازات این ابیات از گوشه شمال غربی ضریح آیاتی از کلام الله مجید با خط خوش بسم الله الرحمن الرحیم هل اتی علی الانسان - تا - امثالهم تبدیلا کتبه فضائلی ۱۳۵۳.

سید جلال سر

درزگر باغ حومه ساری

بنائی است استوانه شکل از آجر و گچ که بالای قریسهای سینه کفتری آن را با افزودن زائده‌هایی به هشت ضلعی تبدیل کرده اند و گنبدی هرمی هشت ضلعی بر آن زاده اند بام بنا دو پوش است و از داخل گنبدی نیم کره ای است. مسجدی تازه سازی متصل بنا است (عکس شماره ۳۰۰). دری آهنین و صندوقی چوبین ساده دارد که هیچگونه اثر تاریخی و هنری بر آنها نیست. بنا بر سه تپه‌ای تاریخی است و اطراف آن درختان آزاد که نسال است.

مهجوری از این امامزاده به «نام» امامزاده سید جلال» یاد کرده و می نویسد: در بیرون شهر ساری در دو کیلومتری در محلی به نام زرگر باغ»<sup>۳۲</sup>

مساجد و مدارس سازی

مسجد جامع

در محله چنار بن (= پاچنار)

حسن بن اسفندیار درباره مسجد جامع ساری چنین نوشته است:

۳۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۳.

مسجد جامع ساری را در خلافت هارون الرشید، یحیی بن یحیی بنیاد نهاد و مازیار بن قارن به اتمام رسانید و آثار عمارت مازیار بیشتر ظاهراست. (در سال ۶۰۶ قمری) گنبد آن چهار در که در مقابل سرای باوندان نهاد و ملک سعید اردشیر خفر الله ذنوبه، آن موضع را باغی خرم ساخته بود و به یک جانب میدان، و گنبد در میان، منوچهر شاه اساس افکند و به عهد اصفهبد - خورشید گاو باره خللی یافته بود، مرمت کردند. در مقدمه هیچ آدمی نیست که از آن عمارت خشتی جدا کند، از احکام ریخته که فرموده اند.<sup>۳۳</sup>

میر ظهیر الدین مرعشی نیز همین مطلب را نقل می کند و ظاهراً سند او تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار بوده است. او چنین می نویسد:

مسجد جامع ساری در خلافت هارون الرشید، یحیی بن یحیی

بنیان گذاشت و مازیار تمام کرد.<sup>۳۴</sup>

در صفحات دیگر تاریخ خود این اسفندیار می نویسد:

مسجد جامع ساری ابوالخصیب ساخت که والی بنو العباس بود

روز دوشنبه ماه آبان سال بر صد و چهل و چهار.<sup>۳۵</sup>

باز میر ظهیر الدین مرعشی قدم بر جای پای حسن بن اسفندیار گذاشته و همین مطلب را چنین توضیح می دهد:

پس از اینکه اسپهبد خورشید در سنه ۱۴۴ (قمری) خود را در فلام-

رودبار اشکور بکشت، ابوالخصیب والی طبرستان شد و مسجد جامع

ساری را اوساخت و مردم ساری چون مسلمان شدند، شیعه امامیه شدند.<sup>۳۶</sup>

از اینکه مسجد جامع در دوران خلافت بنی العباس بنیان گذاشته شد سخنی

نیست ولی سخن در بنیادگذار است. عده ای پس از شکست سپهبد خورشید،

ابوالخصیب را بنیان گذار می دانند و گروهی یحیی بن یحیی را. در سال بنا هم که سنه

۳۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۵۹. ۳۴- تاریخ طبرستان و مازندران ص ۲۱.

۳۵- تاریخ طبرستان ص ۱۷۸. ۳۶- تاریخ طبرستان و مازندران ص ۱۹۶.

۱۴۴ هجری قمری است تقریباً متفن القولند.

مقدسی از جامع ساری یاد کرده و ظاهراً آن را دیده است.<sup>۳۷</sup>

مرحوم مهجوری مسجد جامع ساری را دارای هشت قسمت می‌داند و فقط شش قسمت آن را به این شرح نام می‌برد:

مسجد جامع رضا خان، مسجد جامع مصطفی خان، مسجد شاه

غازی، مسجد عرب، مسجد اسکندر میرزا، مسجد حاج دهقان زاده.<sup>۳۸</sup>

منظور آن مرحوم از این شرح معلوم نشد.

رضاقلی خان هدایت درباره این مسجد می‌نویسد:

نسبت بنای این جامع را به خلفای بنی عباس خاصه هارون الرشید

می‌دهند. سه گنبدان که در قدیم آتشکده بوده و عقیده بعضی اینست که سرسلم

و تور و ایرج - پسران فریدون - آنجا مدفون است، حالا کریاس مسجد

است. این مسجد را مازیار بن قارن هشتصد سال قبل (از زمان نویسنده)

تعمیر یا بنا نموده است.<sup>۳۹</sup>

در سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. آمده است:

مسجد جامع در عهد قدیم آتشکده بود که روبروی در کوچک

سمت غربی علامت گاه قبر فریدون است که هیچ آثار و مقام و مقبره‌ای

ندارد. مشهور است که در این مکان بوده است.<sup>۴۰</sup>

ملگنوف می‌نویسد:

مسجد جامع ساری معبد موبدان گبران بود. بنای آن‌گونه

عمر بن علا یا یحیی بن یحیی کرده است در سال ۱۲۵ و مرمت آن از

مازیار بن قارن.<sup>۴۱</sup>

۳۷- احسن التقاسیم ص ۳۵۹ - ۳۸- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۲۴۷.

۳۹- مرآت البلدان ج ۴ ص ۱۰۵ - ۴۰- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۹۶.

۴۱- ملگنوف نسخه عکسی ص ۶۱ ب.

در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸ و سفارش نامه انجمن

آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹ و ۴۰ از این مسجد یاد شده است.

در تیرماه ۱۳۶۳ مسجد جامع مورد بررسی قرار گرفت. از آثار قدیم و آنچه

در کتب آمده است چیزی دیده نشد. فعلاً مسجد جامع شامل حیاطی چهار گوشه

است که زیاد وسعتی ندارد. در دو طرف شرقی و غربی شبستانهایی است که جلو آنها

پنجره‌های چوبین بلند با جام شیشه نصب کرده‌اند. ایوانی در جنوب مسجد است که

بالای آن دو مأذنه آجری است. مسجد دارای دو در ورودی غربی و شمالی است.

حوض آبی در میان حیاط است و تختی برای نمازگزاران ساخته‌اند. سراسر بام

بناهای مسجد سفالپوش است.

مسجد جامع ساری در سال ۱۴۳۸ ه. ق.

فریور در سال ۱۸۲۲ میلادی از شهر ساری دیدن کرده و درباره مسجد جامع

آن نوشته است:

جمعه مسجد در شهر است. چناری قدیمی دارد که قسمتی از فضای

باز جلو مسجد را سایه کرده است. نظیر این چنار در صحن مسجد مزبور

بود اما در اثر آتش‌سوزی از میان رفت.<sup>۴۲</sup>

فهرستی از مدارس و مساجد ساری

۱- چال مسجد، امروز به نام مسجد «ملک آرا» معروف است و در کوچه

چال مسجد، خیابان پهلوی (شیخ طبرسی) است. نوسازی شده و برقرار است.

۲- مدرسه سلیمان خانی در محله بازار روبروی مسجد جامع، برقرار و در

دست تجدید بناست. فعلاً حیاطی وسیع بدون حوض آب و بدون آجر فرش و

پانزده حجره آباد طلبه‌نشین دارد. ملگنوف از این مدرسه یاد کرده است<sup>۴۳</sup> حاجی-

۴۲- سفرنامه فریور ص ۴۱.

۴۳- ملگنوف متن روسی ص ۱۱۴ تا ۱۳۱ درباره مازندران.

زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ هـ. ق. این مدرسه را دیده است.<sup>۴۴</sup>  
 ۳- مدرسه مادرشاهزاده در محله سبز میدان یکسره از میان رفته است. ملگنوف  
 در سفرنامه خود از آن یاد کرده است.<sup>۴۵</sup>

۴- مسجد ابوالفضل در خیابان فرح آباد، محل مسجد اراضی تکیه همت آباد  
 شپش کشان سابق بوده است که نوسازی شده است، سردری کاشیکاری و گنبدی  
 سیمانی دارد.

۵- مسجد حاج درویش علی در میدان ساعت یکسره از میان رفت. محل آن  
 میدان ساعت اول خیابان شاه عباس بوده است. ملگنوف از این مسجد یاد کرده است.<sup>۴۶</sup>  
 ۶- مدرسه امامیه در کوچه درب مسجد جنب مسجد جامع است. این مدرسه  
 برقرار است. مهجوری از آن یاد کرده است.<sup>۴۷</sup>

۷- مدرسه و مسجد حاج مصطفی خان در محله عباس خانی چهار راه برق  
 طرف قبلی آن مسجد است با ایوانی در وسط و مابقی بنا مدرسه است و چهارده  
 حجره طلبه نشین دارد. قسمت برجسته وسط حیاط تختی است به بلندی نیم متر  
 از سطح زمین که محل خواندن نماز در دوران گرم است. حوضی کوچک برای وضو  
 و رفع حاجت دارد.

تاریخ بنای مسجد به شرح کتیبه ای که در محراب آن است سال ۱۲۷۳ قمری  
 است. بانی حاج مصطفی خان سورتیجی است که از رجال پرهیز کار زمان محمدشاه  
 و ناصرالدین شاه قاجار بوده است.

طاقهای قسمت مسجد خراب و نزدیک به سقوط بود، بانومریم وزیر، نواده  
 میرزا مسیح آن را تجدید بنا کرد.

ملگنوف در فصل مربوط به مازندران از این بنا یاد کرده است.<sup>۴۸</sup>

۴۴- طرائق الحقائق ج ۳ ص ۶۵۱. ۴۵ و ۴۶- ملگنوف متن روسی صفحات

۱۱۴ تا ۱۳۱ درباره مازندران. ۴۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸.

۴۸- ملگنوف متن روسی صفحات ۱۱۴ تا ۱۳۱.

### تکیه‌ها و حسینیه های ساری

۱- تکیه عباس خانی در محله امامزاده عبدالله ساری در چهار راه برق. بنائی  
 است مستطیل شکل. در ورودی و پنجره های آن نوسازی شده است و نام آن را بر کاشی  
 «حسینیه عباس خانی» نوشته اند.

۲- تکیه قلیچ خان در قلیچ محله برقرار است و نوسازی شده است.

۳- تکیه مختار در محله مختار خیابان قارن کوچه مختار برقرار است و نوسازی  
 شده است.

۴- تکیه آب انبارنو (= انبارنو) در محله انبارنو خیابان قارن کوچه آب انبارنو  
 برقرار است و نوسازی شده است.

۵- تکیه شکر آباد در محله شکر آباد خیابان پهلوی (شیخ طبرسی) برقرار است  
 و نوسازی شده است.

۶- تکیه میری سر روضه در محله میری سر روضه خیابان فرهنگ روبروی  
 دبیرستان توحید برقرار است و نوسازی شده است.

۷- تکیه سیدسر در محله میرمشهد این تکیه پشت امامزاده یحیی است. نوسازی  
 شده و برقرار است.

۸- تکیه شاهزاده حسین در محله شاهزاده حسین پشت کارخانه پنبه، نوسازی  
 شده و برقرار است.

۹- تکیه باقر آباد در محله باقر آباد پهلوی شکر آباد نوسازی شده و برقرار  
 است.

۱۰- تکیه امامزاده عبدالله در محله امامزاده عبدالله یکسره از میان رفته و کارخانه  
 برق ساری به جای آن ساخته شده است.

۱۱- تکیه نعلبندان در محله نعلبندان، خیابان نادر (جمهوری) روبروی امامزاده  
 یحیی نوسازی شده و برقرار است.

۱۲- تکیه نقاره چی محله در نقاره چی محله خیابان خاقانی نوسازی شده و

برقرار است .

۱۳- تکیه اصفهانی محله ، خیابان قارن کوچه اصفهانی، نو سازی شده و

برقرار است .

۱۴- تکیه حاجی آباد در محله حاجی آباد در آتش سوزی بنای آن از میان رفت.

تجدید بنا شده و برقرار است.

۱۵- چهار تکیه در محله چهار تکیه دروازه بابل اول خیابان ملت برقرار است و

به نام «حسینیه ارشاد» شهرت دارد.

۱۶- نو تکیه در محله نو تکیه خیابان شیخ طبرسی نزدیک شکرآباد نو سازی

شده و برقرار و بر راه است.

۱۷- تکیه سه شنبه خیابان نادر (جمهوری) پهلوی تکیه رانندگان نو سازی شده

و برقرار و آباد است.

۱۸- پیر تکیه در محله دروازه گرگان خیابان شاه عباس (هجده دی) کوچه پیر-

تکیه نو سازی شده و برقرار و بر راه است .

۱۹- تکیه بهرام اتر (بضم الف و تاء) در محله بهرام اتر، خیابان نادر (جمهوری

اسلامی) ، کوچه بهرام اتر، نو سازی شده و برقرار است .

#### آب انبارها و طرز خنک کردن آب در ساری

فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی یعنی ۱۲۳۸ ه . ق . در شهر ساری بوده و درباره آب انبار-

ها و طرز خنک کردن آب می نویسد:

در این شهر آب انبارهای بسیار بزرگ است که در تابستان مورد

استفاده قرار می گیرد. گنجایش و عمق زیاد و بامهای قطور آن آب را خنک

و گوارا نگاه می دارد. در نقاط مختلف شهر آب انبارهای مختلف است .

یکی هم در زمان حاضر توسط مادر محمد قلی میرزا ساخته شده است.

مردم این شهر طریق دیگری برای خنک کردن آب در نظر گرفته اند .

ابتدا درخت بلندی را در نظر می گیرند. سروشاخه های آن را کم می-

کنند و بالای آن دستک درازی می بندند به این دستک قرقره هایی نصب شده

است که طنابی از هر یک می گذرد . کوزه را به طنابی می بندند و بوسیله

قرقره آنرا بالای می کشند. جریان هوا در بالا به سرعت آب را سرد می کند .

پس از پایین کشیدن، کوزه ها آب خنکی دارند<sup>۴۹</sup>.

#### آب انبارهای شهر ساری

۱- آب انبار میر مشهد در میر مشهدی محله یکسره خراب شده و کتابخانه عمومی

شهر به جای آن ساخته شده است.

۲- آب انبار چراغ برق در محله امامزاده عبدالله یکسره خراب کرده اند و انبار

شیر و خورشید به جای آن ساخته شده است.

۳- آب انبار نو که به تلفظ محلی «نوانبار» گویند در محله نوانبار ساری . این

آب انبار را خورشیدخانم از خاندان کنی ها ساخته است. تمام اجزای آن از مدخل و

پلکان و پاشیر و قسمت انبار آب با پوشش گنبدی آن برجای است ولی مدخل آن را با

آجر و سیمان چیده اند . مدخل آن در کوچه و سایر قسمت های آن در خانه ای

مسکونی است .

۴- آب انبار بهرام اتر (بضم الف و تاء) در محله بهرام اتر ساری گنبد و انبار

آن وجود دارد و سایر اجزاء از میان رفته است.

۵- آب انبار میرز امهدی در محله ملا آقا بابا در خیابان شاه عباس (هجده دی) دوران

انقلاب) . مدخل آن بر خیابان است که جلو آن را دری بامیله های آهنین گذاشته اند.

باقی اجزای آن از پلکان و پاشیر و انبار آب و سقف و بام گنبدی آن برقرار است و حریم

آن نیز محفوظ است.

۶- آب انبار چنار بن (= پاچنار) در محله چنار بن (= پاچنار) فقط انبار آن با

گنبد آجری آن باقی است. سایر قسمت‌ها را از مدخل و پلکان و پاشیر را خراب کرده اند و چاپخانه می‌سازند.

۷- رضاقلی خان هدایت جزء اعمال خیر ناصرالدین شاه می‌نویسد:

دو باب آب انبار در ساری هر یک به پانصد تومان ساختن فرموده و

مزید رضای خلق و خالق گشته<sup>۵۰</sup>.

چون نام و محل این دو آب انبار معلوم نبود نتوانستیم آنها را بیابیم و درباره آنها تحقیق کنیم.

#### حمامهای شهر ساری

۱- حمام باغ شاه در محله باغ شاه (= دروازه گرگان) این حمام برقرار است و پهلوی سینمای مولن روز امروز است. در دوران انقلاب به نام حمام هجده دی شهرت پیدا کرد. تغییرات اساسی در بنای قدیمی داده‌اند. ملگنوف در سفرنامه خود از این حمام یاد کرده است<sup>۵۱</sup>.

۲- حمام حاج درویش علی در محله ملا آقا باباجان. این حمام با تغییرات اساسی که در آن داده‌اند تا امروز در میدان ساعت برقرار و به کار است. ملگنوف از این حمام نیز یاد کرده است<sup>۵۲</sup>.

۳- حمام میرزا یوسف یا حمام دودر در محله میدان نرگسیه. سراسر حمام را خراب کرده‌اند و فعلاً (تیرماه ۱۳۶۳) مشغول ساختن بازارچه هستند. ملگنوف از این حمام نیز یاد کرده است<sup>۵۳</sup>.

۴- حمام صادق خان در قلیچ محله این حمام برقرار و به کار است با تغییرات اساسی یعنی اضافه کردن دوش و نمره های شخصی امروز در خیابان قارن کوچک دبستان دانش است.

۵- حمام یکشنبه (= حمام خوئی) در محله میر مشهد. امروز متروک شده و از

۵۰- روضة الصفاى ناصرى ج ۱۰ ص ۲۸۵. ۵۱- ۵۳ و ۵۲ و ۵۱- ملگنوف ص ۱۱۴ تا ۱۳۱.

میان رفته است. ملگنوف نام این حمام را نیز برده است<sup>۵۴</sup>.

۶- حمام سه شنبه پهلوی تکیه رانندگان امروز برقرار و به کار است با تغییرات اساسی یعنی از میان بردن خزینه‌ها و ساختن نمره‌های فردی و نصب دوش آب گرم و سرد. ملگنوف نیز از این حمام نام برده است<sup>۵۵</sup>.

کاروانسراهای ساری

۱- کاروانسرای شاه

مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

تعمیر کاروانسرای معروف به کاروانسرای شاه واقع در شهر ساری

بتاریخ ۱۲۷۳ قمری سال دهم جلوس همایون<sup>۵۶</sup>.

نویسنده سفرنامه مازندران می‌نویسد:

در سال ۱۲۷۵ قمری به دستبازی محمدحسن خان وزیر مازندران

به اتمام رسیده که سه دالان و حجره های مقطع و حوض آب جاری در وسط

دارد که در کل مازندران این طور کاروانسرا ندارد<sup>۵۷</sup>.

این کاروانسرا که قدیمی بوده و تعمیر و مرمت و نوسازی آن دو سال به درازا

کشیده و بهترین کاروانسراهای مازندران بوده است مدت‌ها زیر نظر ژاندارمری بود.

بنای آن رایکسره ژاندارم‌ها خراب کردند و تبدیل به زمین صاف نمودند. فعلاً بازار

صندوق روزساری است.

۲- کاروانسرای وکیل در محله میدان ساری کم و بیش برقرار است و محل

قرض الحسنه است.

۳- کاروانسرای کاشی در محل دروازه بارفروش (بابل) ساری این کاروانسرا

جنب نوتکیه خیابان پهلوی (شیخ طبرسی) بوده است. آثاری از آن برجای نیست.

۵۴ و ۵۵- ملگنوف ص ۱۱۴ تا ۱۴۱: ۵۶- المآثر والآثار ص ۵۷.

۵۷- سفرنامه مازندران و استرآباد مورخ ۱۲۷۵ قمری ص ۹۶.

- ۴- کاروانسرای شفیعی در محله دروازه بارفروش (بابل) ساری، اثری از آن باقی نمانده است.
- ۵- کاروانسرای علی گدا یا حاجی علی گدا معروف به «علی بلن»<sup>۵۸</sup> در محله دروازه استراباد (گرگان) مخروبه شده و آثاری از آن برجای است.
- ۶- کاروانسرای همدانی در محله میدان ساری، کسی از آن نشانی نداد و اثری از آن باقی نمانده است.
- ۷- کاروانسرای شه میرزادیه در محله بهرام اترساری فعلاً مخروبه است.
- ۸- کاروانسرای مصطفویان در محله بهرام اترساری در خیابان جمهوری اسلامی، برقرار است.
- ۹- کاروانسرای تبریزی در محله بهرام اترساری پهلوی کاروانسرای مصطفویان دائر و برقرار است.

#### چاپارخانه شهرساری

این چاپارخانه در سال ۱۲۶۹ قمری به امر ناصرالدین شاه در ساری برپا گردید.<sup>۵۹</sup> نظیر این چاپارخانه در بیشتر شهرهای سرراه در دوران قاجاری ساخته شده است. پس از تحقیق معلوم شد اثری از چاپارخانه ساری برجای نیست.

#### رودخانه تجن

در متون جغرافیائی قدیم ذکر رودخانه تجن زیاد است و بشکل: طیزنه رود و تیژنه رود و تیزن و تجنه رود و تجن دیده می شود. تنها جغرافی نویسی که رودخانه تجن را «طبری رود و نهر طبرستان» خوانده سهراب است. اومی نویسد:

طبری رود سرچشمه اش در کوههای جرجان است. از ساریه می گذرد و به بحر طبرستان می ریزد.<sup>۶۰</sup>

- ۵۸- بکسر باه ولام ۵۹- المآثر والآثار اعتماد السلطنه ص ۶۳.
- ۶۰- عجایب الاقالیم السبعه ص ۱۴۸.

در تاریخ منتسب به حسن بن اسفندیار این رودخانه را «طیزنه رود» خوانده و در یکی دو مورد «میان دورود» نیز خوانده است.<sup>۶۱</sup> ظاهراً این نام مرکب از دو جزء: تیژ = تیز + بن است که می توان آن را «تند آب» معنی کرد. میرظهیرالدین می نویسد:

در سال ۳۲۵ قمری آب تجنه رود زیاد شد و طغیان کرد و اکثر ساری را خراب کرد.<sup>۶۲</sup>

#### پل شاه عباسی

#### بر روی رودخانه تجن

ظاهراً خشتینه پلی که میر تیمور مرعشی از آن یاد کرده است، همین پل شاه عباسی است.<sup>۶۳</sup>

یکی از همراهان درن در سال ۱۲۷۵ ه. ق. درباره این پل می نویسد:

یکصد قدم فاصله در میان رودخانه از پل آقا محمدشاهی، آثار و پایه پل آجری است که در عهد شاه عباس پل بوده و دو میل آجری در اول این پل برقرار می باشد.<sup>۶۴</sup>

ناصرالدین شاه در دوم شوال سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره این پل می نویسد:

سه شنبه دوم شوال سال ۱۲۹۲ نزدیک عمارت فرح آباد در دهانه تجن در قایق نشسته سر بالای رودخانه رانندیم الی پل آجری که شاه عباس ساخته است. چند چشمه پل خراب اما پایه ها برجاست.<sup>۶۵</sup>

درگان در سال (۱۸۸۹) می نویسد که پل تجن بر روی رودخانه تجن نزدیک سازی است.<sup>۶۶</sup>

- ۶۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۸. ۶۲- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۲۵. ۶۳- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۲۹۸. ۶۴- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۴. ۶۵- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۸. ۶۶- هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۲۲۶.

حاجی زین‌العابدین شیروانی در شعبان ۱۳۱۵ قمری می‌نویسد:

سر راه ساری به اشرف پلی که شاه عباس صفوی ساخته خراب است و این پل از نادر شاه است و از خاقان مغفور و ملک آرا تعمیرات شده هفده چشمه طاق دارد.<sup>۶۷</sup>

پل آقا محمدخان

بر روی رودخانه تجن

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. درباره این پل چنین آمده است:

پل تجن هفده چشمه دارد که آقا محمد شاه بنا نهاده و آبش از کوه‌های هزار جریب می‌آید و از فرح آباد داخل دریا می‌شود.<sup>۶۷</sup> (عکس شماره ۳۰۱)

ملگنوف درباره این پل می‌نویسد:

این پل هجده ستون سنگی دارد. پل شاه عباسی بود خراب شد فتحعلی شاه ساخت.<sup>۶۹</sup>

مهبجوری می‌نویسد:

پل تجن از بناهای آقا محمدخان قاجار نزدیک ساری است.<sup>۷۰</sup>

تا جاییکه اطلاع داریم فتحعلی شاه اقدامی برای ساختن پل تجن نکرده است و ملگنوف در نقل این مطلب اشتباه کرده است.

پل محمدحسن‌خانی

در آلبوم ناصرالدین شاه پلی هفده چشمه دیگر به نام پل محمد حسن‌خانی در

۶۷- طرائق الحقائق ج ۳ ص ۶۵۵. ۶۸- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۹۴.

۶۹- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۶۰ الف. ظاهر فتحعلی شاه تعمیر و مرمت کرده است.

۷۰- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۷۸.

ربع فرسخی ساری عکسبرداری شده چون قابل تطبیق با پلهای نامبرده نبوده جداگانه نام بردیم. (عکس شماره ۳۰۲)

پل تجن از نظر مکنزی

مکنزی درباره پل تجن می‌نویسد:

راه ما از روی پلی آجری بود که روی آب‌کندی زده بودند.

از اینجا تا پل تجن هفت رودخانه کوچک است و روی رودخانه تجن در نیم-فرسنگی ساری پل بزرگی است که هفده دهانه دارد که به امر آقا محمدخان ساخته شده است. آب تجن فقط از چهاردهنه دهانه آن می‌گذرد و بستر رودخانه عمیق است. دهانه خرابی را که مستر ایت شرح داده تعمیر شده بود.

نزدیک این پل پایه‌های پل قدیمی که معروف است شاه عباس ساخته است، باقی است که هنر معماری مفید و تزیینی در این پل از هر چیز دیگر زیبای ایران زیباتر بود. رودخانه تجن از هزار جریب می‌آید و از سمت جنوب شرقی جنوب به سمت شمال جریان دارد و در فرح آباد به دریا می‌ریزد.<sup>۷۱</sup> دمرگان در سال ۱۸۸۹ از برجی نام می‌برد که به امر شاه عباس بردهانه تجن رود ساخته شده بود.<sup>۷۲</sup> از این برج امروز کوچکترین اثری نیست. هم‌و‌ذکری از «گل‌تپه» می‌کند که خرابه‌ای واقع در مصب تجن رود بوده است. نگارنده اثری از این خرابه نیافت.<sup>۷۳</sup>

پل مقیم خان

بیرون شهرساری در مغرب

مرحوم مهبجوری درباره این پل می‌نویسد:

این پل یادگار مقیم خان ساروی است که از طرف عادل‌شاه حکمران

مازندران بود.<sup>۷۴</sup>

۷۱- سفرنامه مکنزی ص ۶۸. ۷۲- هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۴۲۳.

۷۳- هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۴۵۱. ۷۴- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۲۴.

## پل جدید تچن

چون پلهای شاهعباسی و محمدحسن خانی و آقا محمدخانی خراب شده و غیر- قابل استفاده است در دوران محمدرضا پهلوی پلی تازه بر این رودخانه با مصالح جدید تربستند که امروز وسایل نقلیه از روی آن می گذرند.

راه شاهی = خیابان شاهعباسی

پنجشنبه هجدهم شوال سال ۱۲۹۲ قمری ناصرالدین شاه از خیابان شاهعباسی، از ساری به علی آباد (شاهی) رفته است.<sup>۷۵</sup>

رضاقلی میرزا درباره راه شاهعباسی می نویسد:

از حدود شیرگاه الی ساری و بارفروش و از آنجا تا اشرف و استرآباد درختان را بریده و خیابانی از سنگ و گچ راست ساخته اند. از شیرگاه تا ساری هفت فرسخ است.<sup>۷۶</sup>

و در جای دیگر می نویسد:

از کلباد به بلوک انزان و نوکنده و کردمحلله همه جا در جاده شاهعباس

عبور نموده به خانه رضاقلی خان سدن رستاقی آمدیم.<sup>۷۷</sup>

معصوم علیشاه درباره این راه می نویسد:

راه صفویه را کناره کوه ساخته اند از لنکران الی مازندران.

خیابان شاهعباس از لنکران گیلان الی آخر مازندران و جرجان از پشت باغ شاه

(یعنی باغ شاهعباس) در ساری می گذرد.<sup>۷۸</sup> (رجب ۱۳۱۵ قمری)

۷۵- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱.

۷۶- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱.

۷۷- مسافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۵.

۷۸- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۳.

## راههای ساری

راه شاهعباسی غیر راه دامنه

ملگنوف درباره جاده شاه عباسی می نویسد:

شاه عباس در هر جا از سواحل دریا خیابانها ساخته، یکی از آنها از آذربایجان ابتدا شده و از گسگروانزلی و بارفروش (بابل) و استرآباد و گرگان می گذرد. شعبه دیگر از کوه به شاهرود و بسطام تا به شهر مشهد سر. شعبه دیگر از راههای کوههای البرز برده شده تا علی آباد و خرم آباد و این خیابانها را بسیار نیکو ساخته و در هر دو فرسنگ جایگاهی برای آیندگان و روندگان بوده است.<sup>۷۹</sup>

راه شاهی از ساری به «اسپرز»<sup>۸۰</sup> و از آنجا به شمال لالیم و از لالیم به جاده گرگان امروز می خورد.

حاجی زین العابدین شیروانی در رجب ۱۳۱۵ ه. ق. می نویسد:

خیابان شاهی یعنی شاهعباس از یک طرف به سمت کهنه<sup>۸۱</sup> نزدیک است.

راه شه میرزاد به هزار جریب

شه میرزاد- شیخ چشمه سر- گرمه چشمه- خرگردن پشت- بشم- چاشم- زرنگیس-

شاهپسند- اوپرت- گو کلی- هیکو- کنگه لی- پاچی- میونا- سل دره- سیادشت-

اشک- سلپ مسی- از پاچی تا آخر جزء دهکده های هزار جریب است.

راه تنگه

چاشم- میون ویشه- خرم جینگا- تک چال- آسرا- اومند- دلو (بضم دال)

۷۹- نسخه عکسی ملگنوف ص ۱۷ الف.

۸۰- بکسراف و پوراء. ۸۱- سمت کهنه ده از دهستان میان دورود (بخش مرکزی

شهرستان ساری هشت کیلومتری شرق ساری ۱/۵ کیلومتری جاده و راه آهن ساری به به شهر

(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳)



خاندان مرعشی (ص ۴۴۲ و ۳۴۶)

تپه‌های میان قرآته و فرح آباد ساری، ملگنوف درباره این تپه‌ها چنین اظهار نظر کرده است که تپه‌های میان قرآته و فرح آباد گورستان پادشاهان قدیم گرگان بوده است. چنانکه حاکم آنجا - محمد ناصرخان - وقتی حکم کرد تورنگ تپه را شکافتند. در آنجا کاسه‌ها و آلات زرین، کارد و استخوان آدمی نیز یافتند (نسخه عکسی ملگنوف ص ۱۵ ب).

تپه‌ای قدیمی و بزرگ میان چشمه سر ولجی و قریه اسرم (سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۹۰) اسرمه از دهستان میان‌دورود بخش مرکزی شهرستان ساری ۱۸ کیلومتری مشرق ساری (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

تپه‌ای قدیمی نزدیک سمسکنده، یکی از همراهان درن درباره این تپه می‌نویسد: سمسکنده یک تپه بلند مثل کوه در سمت شمال دارد (سفرنامه استراباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. ص ۹۲).

تپه نودهک (= نودیک) از دهستان میان‌دورود بخش مرکزی ساری دو کیلو- متری شمال نکا.

دین‌سر سیدمحلله از دهکده‌های رودپی ساری، دو کیلومتری شمال ساری هشت کیلومتری غرب فرح آباد. سطح بالائی این تپه در حدود نیم هکتار است. درختان آزاد کهنسال دارد.

تپه‌ای قدیمی با سفالهای نازک سیاه که بالای آن امامزاده محقری به نام امامزاده عبدالله است درولش کلای میان‌دورود ساری شانزده اصله آزاد کهنسال بر آن بود و درخت بلوطی داشت که محیط دایره آن از یک متری زمین ۴۶۰ سانتیمتر بود.

سیاتپه شامل دو قسمت است: قسمت بلندتر که در حدود ۱۵ تا ۲۰ متر ارتفاع دارد و رویه بالای آن در حدود نیم هکتار است از یکی دو کنده کاری سطحی که کرده بودند آجرهای دوران ساسانی ۵۰ × ۵۰ × ۱۰ سانتیمتر بیرون آمده بود و آجری که گوشه آن پریده بود دیده شد.

قسمت پست تر که در حدود ۸ متر ارتفاع و رویه آن بیش از پنج شش هکتار است.

سیاتپه در دشت رودپی از بخشهای مرکزی ساری است. از شمال به دریا و از جنوب به دازمیر کنده (= داذمه‌رکنده) و جرسر (بفتح جیم و کسر راء) و از مغرب به دهکده قاجارخیل و از مشرق به فرح آباد محدود می‌شود.

در همین دشت در طرف مشرق تپه امامزاده خلیفه است که بقعه آن را خراب کرده و نوسازی کرده‌اند.

تپه عمارت و گل تپه در همین دشت و نزدیک به تپه امامزاده خلیفه است.

اسفندین (= اسفندین) یعنی تپه اسفندی نزدیک دهکده‌های پنبه چوله و کردخیل میان‌دورود ساری بلندی آن در حدود شش متر و قطر دایره پایین آن پنجاه متر است. درختچه و علف آن راپوشانده بود.

تپه‌های تاریخی مازندران شرقی با شماره ثبت

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

۷۳۶	یاس تپه	یک کیلومتری غرب علی آباد
۷۳۷	نرگس تپه	چهار کیلومتری غرب علی آباد
۱۰۳۳	گمیش تپه	چهار کیلومتری غرب علی آباد
۷۴۷	گت تپه کشتی	اشرف (بهشهر) هزاره دوم و اول قبل از میلاد
۷۴۸	تپه کشتی	اشرف (بهشهر) « « « « «
۱۴۰۵	تپه امامزاده کتی	قریه جنید علی آباد (شاهی) هزاره اول قبل از میلاد دوران اسلامی
۱۴۰۷	دین کتی جنید	۵ کیلومتری جنوب غربی علی آباد (شاهی) دوره اسلامی
۱۳۹۸	رجی کتی	شمال بارفروش (بابل) هزاره اول قبل از میلاد، اسلامی
۱۴۰۰	قلعه کتی	(تپه شاه نشین) بارفروش قریه ابوالحسن کلا هزاره اول قبل از میلاد، اسلامی
۱۴۰۱	احمد کتی	شمال بارفروش (بابل) هزاره اول قبل از میلاد، اسلامی

ابن اسفندیار از قلعه‌ای به نام « دزانگنار » در ساری نام می‌برد از این‌دز کوچکترین اثری نیست . شاید قلعه ساری در طول تاریخ با نامهای مختلف خوانده می‌شده است ( تاریخ طبرستان ص ۱۵۶ )

۵- ملگنوف از پیری به نام « اشرح » نام می‌برد و می‌نویسد گنبد او در گورستان غرب ساری میان جنگل است. در محل تحقیق شد کسی خبری نداشت (نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۱ ب).

۶- ملگنوف از دو گورستان به نامهای « خرم شا و غازی رستم » در غرب ساری نام می‌برد . از این دو گورستان اثری نیست و درنو سازها از میان رفته‌اند (نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۱ ب):

۷- گنبدی قدیمی و گورستان در شمال ساری و مشرق تجن نزدیک دریا روی تپه. پس از تحقیق اثری از آن نیافتیم.

۱۴۰۲	پایین دین کتی رمنت ۶ کیلومتری شمال شرقی بابل هزاره اول قبل از میلاد، اسلامی
۱۴۰۳	دین کتی ملامحله ۹ کیلومتری شمال بابل
۱۴۰۴	کوتر دین ۱۲ کیلومتری شمال بابل
۱۴۰۶	دین کتی قراخیل ۱۷ کیلومتری جنوب شرقی بابل
۱۴۰۸	علیجان کتی ۱۱ کیلومتری شمال بابل
۱۴۰۹	قلعه کتی احمد کلا ۱۷ کیلومتری بابل
۱۴۱۰	عبدالله کتی ۱۲ کیلومتری شمال بابل
۱۴۱۱	عیسی کتی ۱۲ کیلومتری شمال بابل
۱۴۱۲	شال کتی ۱۰ کیلومتری شرق بابل
۱۴۱۳	محمد علی کتی ۱۱ کیلومتری شمال بابل
۱۴۱۶	تپه بالکن در قریه مهرجین بابل هزاره اول قبل از میلاد
۱۴۱۷	چماز کتی ۱۲ کیلومتری شمال بابل
۴۸۹	کلار تپه تنکابن

اهیات علمی ایرانی این تپه را بررسی کرده

باقی بناها و آثار تاریخی

ساری

- ۱- دمرگان در سال ۱۳۰۷ قمری (۱۸۸۹ میلادی) از کلاغ مسجد در شهر ساری ذکر می‌دارد. این نام برای ساکنان آشنا نبود. (هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۲۱۹)
- ۲- دمرگان در سال ۱۳۰۷ قمری (۱۸۸۹ میلادی) از مقبره سید مفید سر راه ساری به اشرف سخن می‌گوید. امروز شناخته شده نیست. (هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۴۲۰)
- ۳- یکی از همراهان درن مرقدی را به نام «سید رکابی» در شهر ساری یاد می‌کند. از این مرقد اثری نیافتیم (سفرنامه استراباد مازندران مورخ ۱۲۷۵ قمری ص ۹۶).

## ۲- بناها و آثار تاریخی رودپی بخش مرکزی ساری

بقعه داذمیر کنده

در دهکده داذمیر کنده (= داذمیر کنده) رودپی ساری

بقعه رایکسره خراب و نوسازی کرده بودند. مرقد را با سنگ مرمر پوشانده بودند و از صندوق قدیمی هم خبری نبود. لنگه در قدیمی راهم در محل ندیدیم و پس از یافتن منزل متولی معلوم شد در آنجا هم نیست. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و در حدود چهل اصله درخت آزاد کهنسال است.

سید قاسم

در ذکر خیل رودپی ساری

بنای بقعه بر بالای تپه‌ای طبیعی است و بامسجدی که متصل به آن است مستطیل شکل شده است. در کوچک صندوق آن کنده کاری درشت و بدخط است. هر لنگه از در دولنگه شرقی آن ۴۰ × ۱۴۶ سانتیمتر است.

اللهم صل علی سید النبی<sup>۱</sup> و البتول و السبطين و السجاد و الباقر  
و الصادق و الکاظم و الرضا و النقی و النقی و الزکی العسکری.

۱- کاتب نام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را از قلم انداخته است:

بر قسمت وسط لنگه سمت راست دنباله صلوات چنین حک شده:

الحسن الحجة الخلف القائم المنتظر مهدی صلوات الله علیه وعلیهم

اجمعین الطیبین الطاهرین برحمتک یا رحم الراحمین:

قسمت وسط لنگه راست سروته در میان بائوها و پاسارها جاگذاری شده است: بر قسمت پایین آن:

تراشنده در

بر قسمت بالای آن:

درویش روح الله

بر پاسار پائین لنگه راست:

رنگ داد محمد کاظم

بالای صلوات کبیر در لنگه چپ

سید فاضل

در قسمت پایین همین قسمت:

کاتب این در

صندوقی درشت تراش و بدخط که ظاهراً خط همان سید فاضل است مرقد را پوشانده است. بر تخته‌های افقی و عمودی آن سوره الرحمن پراکنده حک شده است. بر قسمت غربی پایه صندوق این عبارت خوانده شد:

آفریدگار خدا دوستدار علی مؤذن آستانه نظر علی

سروی کهنسال نیمه خشک که محیط دایره تهنه آن از یک متری زمین ۲۰۵ سانتی- متر است جلو در ورودی مسجد است. اطراف بقعه محوطه‌ای بسیار وسیع و گورستانی بزرگ است بیش از ۱۵۰ اصله درختان آزاد کهنسال در فضای اطراف دیده می‌شود.

امامزاده عبدالله بن قاسم

در ماهفروز محله رودپی ساری

مرقد امامزاده عبدالله در بنائی است مستطیل شکل که نیمی از آن مسجد و نیمی دیگر مزار و مرقد امامزاده عبدالله است. در مقابل در ورودی این بقعه بلوکی، درختی اوجای کهنسال قد برافراشته است (عکس شماره ۳۰۴). در ورودی مسجد و مرقد کنده- کاری است و شامل دو لنگه است. درازای هر لنگه ۱۹۰ و پهنای آن ۶۰ سانتیمتر است. عباراتی که بر درهای دو لنگه حک می‌شود، معمولاً از لنگه سمت راست شروع می- گردد ولی نجار و کنده کار این در عبارت را از لنگه چپ شروع کرده است.

بر تنگه بالای لنگه سمت چپ:

هذه الروضة المباركة الشريفة

بر تنگه بالای لنگه سمت راست:

الامام عبدالله بن القاسم نور الله مرقدهما

بر پاسار پائین لنگه سمت چپ:

باهتمام سید نظام الدین محمد کاردگر

بر پاسار پائین لنگه سمت راست:

فی تاریخ سنة تسع وستين وثمانمائه

صندوقی به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۱۰ و بلندی ۸۵ سانتیمتر مرقد امامزاده عبدالله را پوشانده است. بر صندوق کنده کاریهای ظریف است. بدنه‌های شمالی و جنوبی را به سه قسمت تقسیم کرده و دو آلت از بالا به پائین در میان این سه قسمت کار کرده‌اند. سوره مبارکه یس از حاشیه بالای بدنه جنوبی شروع می‌شود. در دو حاشیه چهار پایه بر آلت‌های میان سه قسمت جنوبی و شمالی صندوق و حاشیه‌های پائین که اغلب فرسوده شده است دنباله سوره ادامه پیدا می‌کند. فقط در حاشیه پائین بدنه شرقی این کلمات خوانده شد:

صاحب هذه العماره حضرت مرقد منور امامزاده ... (بعثت)

فرسودگی خوانده نشد) نورالله . . . .

شهر فرح آباد و مسجد و پل آن و عمارت جهان نما

اسکندریک منشی در سال ۱۰۲۵ قمری درباره فرح آباد می نویسد:

شاه عباس در کمال شکفتگی و انبساط به ولایت دلپذیر مازندران بهشت نشان رسیده قصبات دلکش آن ولایت را به خرمی و سیروشکار طی فرموده، در خطه ارم بنیاد فرح آباد که در ساحل دریای خزر واقع و قبل از این به «طاهان» موسوم بود لنگر انداخت و در منازل بهشت آسا و باغات فردوس نما که طرح طبیعت و معماری و الای آن حضرت در آنجا طرح انداخته بودند، مسکن ساختند.

چون آن مکان زینت بخش لیاقت شهریت و استعداد تربیت داشت زیرا که رودخانه موسوم به «تجینه رود» در وسط آن بقعه جریان یافته، به دریا می ریزد... همگی همت خسروانه به ترتیب و تعمیر آن بلده مصروف داشته، عمارات عالیه بر منازل مرغوب دولتخانه همایون واقع در کنار تجینه رود افزودند و چون در مدت اقامت همیشه فرح و سرور در خاطر نزدیک و دور افزایش داشت آن خطه فرح بخش را به «فرح آباد» موسوم گردانید.

هر سال در عمارات و باغات افزوده، بازار گاه و حمامات و مساجد و کاروانسراها بنا فرموده، به اتمام آن موفق گشته اند و از بلده مذکور تا خطه ساری که چهار فرسخ است خیابانی طرح فرموده، بنا بر کثرت بارندگی و گل ولای که از خواص امکنه دریا کنار، بتخصیص ولایت دارالمرزاست، خیابان مذکور را سنگ بست قرار داده اند که از معایب گل ولای معتر و مبترا بوده باشد و جمیع امراء و ارکان دولت و ارکان حضرت منازل مرغوب در اطراف خیابان و کنار نهر ترتیب داده اند و به تصاریف ایام از اطراف و

جوانب طبقات انام و اصناف خلاق روی امید بدن صوب آورده، در آن دارالسرور اقامت گزیده، هر طبقه و هر طایفه در طرفی منازل و محلات طرح انداخته و تالارها پرداخته اند، بنوعی که آب تجینه رود از میان حقیقی شهر می گذرد و پل عالی بر آن بسته اند و الیوم که تاریخ هجری به خمس و عشرين والف رسیده، بتوجه عالی همایون، آن بلده طیبه از بسیاری عمارات دلگشا و باغات و بساتین فردوس نما و کثرت خلاق رشک بلاد عالم و مصر جامع است.<sup>۲</sup>

شاه عباس در فرح آباد

روز جمعه ۲۹ محرم ۱۰۲۳ قمری سه روز از نوروز گذشته بود که حضرت اعلی شاهی از بلده طیبه فرح آباد به سعادت و اقبال به جانب دارالسلطنه اصفهان در حرکت آمد.<sup>۳</sup>

در بهار سال ۱۰۲۴ قمری شهریار جهان پیرا در دارالسرور فرح آباد و سایر امکنه فرح بخش مازندران جنت نهاد که از سایه ابر و ترشح هوا نصارت و تازگی داشت... به عیش و حضور و مسرت و حبور گذرانیدند.<sup>۴</sup>

در بهار سال ۱۰۲۵ قمری که شاه عباس سربازان خود را با فرماندهان به گرجستان فرستاد و چندین هزار تفنگچی قدر انداز اصفهانی و سایر محال عراق تعیین یافت که حاضر گشته به موبک نصرت قرین پیوندند و در ساعت سعد از دارالسرور فرح آباد در حرکت آمده، از راه گیلان و دریا کنار روانه شدند.<sup>۵</sup>

نوروز سال ۱۰۲۷ قمری در عرصه دلگشای فرح آباد جنت نهاد و سرزمینهای مسرت بخش مازندران بهشت نشان و فیروز کوه به نشاط سیروشکار مشغولی فرموده، انبساط بخش خواطر بودند.<sup>۶</sup>

۲- عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۸۵۰.

۳- عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۸۶۱.

۴- عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۷۸۶.

۵- عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۸۹۷.

۶- عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۹۳۰.

در سال ۱۰۲۸ قمری شاه عباس در اشرف و فرح آباد بوده است.<sup>۷</sup>

شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷)

در فرح آباد ساری

شاه چون در شهر اشرف زیاد ماند، هوس شکار گاه‌های فرح آباد و سیرکنار دریا کرد. فرح آباد وسعت و گشادگی آن از اشرف بیشتر است و فاصله آن تا اشرف سه منزل است. در هر منزلی عمارتی ساخته و اسباب ضروریات آن را بفرموده آرزو برداخته‌اند. به پنج شش روز همه جا شکارکنان طی فرموده، به دارالسلطنه فرح آباد نزول اجلال فرمودند. این خلدبرین و جنت‌نهمین برکنار بحر آبسکون واقع شده و نهر تجینه رود از وسط شهر روان گشته. پس از چراغانی اطراف تجینه رود به سیر و سیاحت به استراحت باز گشتند.<sup>۸</sup>

صاحب روضة الصفا می‌نویسد:

موکب شاهی شاه عباس ثانی از فرح آباد و ساری، همه راه‌گوش بر نغمه هزارستان و ساری به قصبه بار فروروشده که قریب به بندر دریای خزر است رفتند.<sup>۹</sup>

(کوچ رعایای شیروان و قراباغ به فرح آباد)

دیگر از سوانح ۱۰۲۳ قمری اینکه جمعی کثیر از رعایای شیروان و قراباغ به گرجستان گاخت رفته، آنجا را مأمن خود ساخته، اقامت نموده بودند... حکم همایون به نفاذ پیوست که چون آن جماعت رعیت الاصل گرجستان نیستند، همگی از مسلمانان و یهود و ارمنی کوچ کرد، بجانب مازندران بهشت‌نشان روند و همچنین از مردم شیروان و قراباغ و ایل و اویماقات آنجا که ملازمت رومیه اختیار نموده بودند و یا به رومیه

۷- عالم‌آرای عباسی ج ۴ ص ۹۴۴ و ۹۴۵. ۸- عباسنامه ص ۱۶۲ و ص ۱۶۹.

۹- روضة الصفا ج ۷ ص ۲۰۶.

وصلت کرده... چون محل اعتماد نیستند، بودن ایشان در این سرحد صلاح دولت قاهره نیست، کوچ کرده در فرح آباد مازندران رحل اقامت اندازند. قریب به پانزده هزار خانوار به فرح آباد رفتند. طبقات خلق که رفته بودند، در آن ولایت آسوده حال و در کمال عاقبت و فراغت روزگار می‌گذرانند.<sup>۱۰</sup>

(فرح آباد از نظر فریور در سال ۱۳۲۸ ه. ق.)

فریور در روز دوم ماه می ۱۸۲۲ میلادی به دیدن فرح آباد رفته و درباره آن چنین می‌نویسد: فرح آباد در مصب رودخانه تجن است و هفده میل تا ساری فاصله دارد. ساختن قصر فرح آباد علاقه خاص شاه عباس را به صفحات مازندران نشان می‌دهد، زیرا دو کاخ در فاصله‌ای نزدیک در یک بخش زیاد لازم به نظر نمی‌رسد. فرح آباد جائی است که در آن شاه عباس در سال ۱۰۳۷ ه. ق. و ۱۶۲۸ میلادی چشم از جهان فرو بست.

دوم می ۱۸۲۲ برای دیدن خرابه‌های فرح آباد رفتیم. راه از میان جنگل و مزارع برنج و خانه‌ها و دهکده‌ها می‌گذشت. هشت تاده میل اول را از راهی صاف و مستقیم سنگ فرش شده حرکت می‌کردیم که شاه عباس ساخته بود و هنوز مرتب و منظم بود مگر در مواردی که نهرها جاده را قطع کرده بود و آبشورهائی به وجود آورده بود.<sup>۱۱</sup>

فرح آباد روزی در جلگه‌ای پهناور و حاصلخیز قرار داشت. اما چون شهر روبه‌خرابی رفت، مزارع اطراف نیز از کشت و کار افتاد. حالا فقط چمنزار زیبایی است که نهرهائی که آب به مزارع برنج می‌برند، این چمن را در نقاط مختلف می‌برند. مسیر ما در شمال شمال شرقی بود. رودخانه تجن طرف راست ما در طول راه بود و از کنار دیوارهای خراب فرح آباد

۱۰- عالم‌آرای عباسی ج ۴ ص ۸۸۱. ۱۱- سفرنامه فریور ص ۷۰.

به دریا می‌ریخت. در فرح آباد در محل اقامت شاهزاده به ما چای دادند.<sup>۱۱</sup>

خرابه‌های فرح آباد به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود: یکی بناهای سلطنتی، دیگر بناهای عمومی که متصل به دهکده همجوار است. فضای زیادی را برای قصر سلطنتی محصور کرده‌بوده‌اند با دیواری مستحکم و برجهایی در زوایای آن و این فضا خود به دو قسمت مجزا تقسیم می‌شد. آن قسمتی که طرف شمال است شامل بنای خصوصی و آنچه در جنوب، بنای عمومی است. در قسمت اول آثار زیادی برجای نیست. فقط بنایی شامل سه اطاق است که شاهزاده هنگام آمدن به شکار در آن اقامت می‌کند. راه ورودی این محل به قسمت دیگر، گذرگاهی طولانی و باریک است. این قسمت دیوارهای بلند دارد و نشان می‌دهد که محل سکونت حرم بوده است. تنها بنایی که در اینجا باقی مانده بنایی مربع شکل و دو طبقه است با برج مربعی در بالا، در کنار ورودخانه که حالا «جهان‌نما» خوانده می‌شود. با اینکه این بنا زیاد خلع سلاح شده است. هنوز شکل اصلی خود را حفظ کرده، بطوریکه قسمتهای مختلف بنا را می‌توان روشن دید. خیلی همانند بعضی از بناهای اشرف است. یک تالار مرکزی دارد با اطاقهایی در گوشه‌های بنا و اطاقهای کوچکتری در میان آنها. در طبقه پائین و بالاتعداد زیادی اطاق است که پاره‌ای از آنها دسته‌بندی شده و این دسته‌بندی هدف اصلی بنا را نشان می‌دهد که برای افراد مختلف است. چنانکه از گفتار ساکنان محل هم معلوم می‌شود که این بنا مخصوص زنان حرم بوده است. تمام این اطاقها با نقاشی تزیین شده است. نقشها تنها گل و بوته و تزیینات خیالی نیستند، بلکه به خلاف عقیده مسلمانان جرزا و طاقچه‌ها نموداری از هیاکل آدمیان دارد. اما بقدری از باد و باران صدمه دیده‌اند که به اشکال می‌توان آنها را تشخیص داد.

از آنچه من توانستم ببینم بدین نتیجه رسیدم که موضوعها یا نقاشان باید چینی بوده باشند<sup>۱۳</sup>، برای اینکه به جای قلم خشکی که در نقاشی ایرانیان دیده می‌شود این نقشها بسیار نرم و سیال بود. پاره‌ای از لاجورد و طلاکاری در میان نقشها هنوز دیده می‌شد. بی شک روزی این مکان از بناهای هم تراز خود ارزش زیادتری داشته است. طرف غرب این قسمت خرابه‌های حصار و دروازه دیده می‌شد که روزی متعلق به باغی بوده است. حالاً مثل مسابقی آثار توده‌ای از خرابه بود که آنرا خار و خاشاک پوشانیده بود. محل این بنا و وضع باغ آن روزی بسیار فرح افزا بوده است. و منظره‌ای که از بالای برج دیده می‌شد که چشم اندازش شهر و بخشهای همجوار آن و منظره‌زیبای دریاست روزی جالب نظر بوده است.

با گذشتن از حصار بیرونی، از دروازه‌ای که طرف جنوب است، به مدخلی دیگر رسیدیم که به زمینی مستطیل شکل ختم می‌شد. فاصله‌میان دو دروازه، خیابان یا راهی سرپوشیده بوده است که برای کسانی که در انتظار ملاقات شاه بوده‌اند بنا شده است این زمین مستطیل ۲۵۰ قدم درازا و ۱۳۴ قدم پهنا دارد و با دیواری طاقنما دار محصور شده است. پهنای هر طاقنما ۱۵ فوت است. در داخل این زمین یک رشته اطاقهای کوچک و گاهی دورشته است که پنجره‌های آن به خارج باز می‌شود. این محل شاید بازاری نظیر میدان امام اصفهان بوده است. و اطاقهایی داشته که فروشندگان خود در آنها اقامت می‌کردند و در ضمن مال خود را عرضه می‌کردند.

مقابل دروازه شمالی دروازه دیگری است که به مسجد راه دارد. مسجد در زمین مستطیل محصور است. این بنای ظریف که ۶۶ قدم طول و ۲۵ قدم عرض دارد از چهار ردیف طاقهای جناغی تشکیل شده که بر روی ستونهای ساده بدون نقش زده شده‌اند. در مرکز بنا گنبد بلندی است که سقف آن

را بسیار خوب جمع کرده‌اند. این گنبد مانند سایر قسمتهای بنا از آجر و ساروج ساخته شده است. بدنه‌های داخلی گنبد و دیوارها هیچگاه گچ کاری نداشته. آجرهایی که به دقت با آهک بندکشی کرده‌اند به همان شکلی که در اول بوده‌اند تا امروز باقی است. اما هلال طاقها در چند نقطه فرو ریخته است و قسمتهای دیگر بنا بجز گنبد در حال خرابی است<sup>۱۴</sup>. در مقابل مسجد حایلی است که رواقهای مسجد را از یک ردیف طاق که محل امام و خدام است جدا می‌کند.

در هر طرف مسجد در آخرین نقطه شرقی و غربی آثار بناهای محقرتری دیده می‌شود. مجموعه این بناها مستطیل شکل‌اند و اطاقهایی داشته که سربخاری و طاقچه و روف و صندوقخانه و پستوداشته، ظاهراً محل طلاب بوده است. اینها بناهای قابل ملاحظه فرح آباد است. تمام قسمتها از بهترین آجرها و ساروج ساخته شده، اما رویهمرفته از بناهای اشرف در وسعت و عظمت پست تراست. اشرف اقامتگاه دائمی بوده ولی شاه گاهگاهی به فرح آباد می‌آمده است. بناهای اشرف و فرح آباد هر دو در حال خرابی هستند و این خرابی خیلی زود به سر وقت این بناها آمده، گذشته از بیدقتی و رسیدگی نکردن مسؤولان امر، هوای رطوبی مازندران و تخم گیاهان که پس از روئیدن بر بنا، بنا را از هم می‌شکافد پیش از وقت باعث خرابی بنا شده است<sup>۱۵</sup>.

فریزر در صفحات دیگر سفرنامه خود درباره فرح آباد می‌نویسد:

فرح آباد روزی شهر عظیمی بوده و حالا دهکده کوچکی است که می‌تواند به این خرابه‌ها بنازد. خانه‌هایی که از گل و چوب بنامی شود، بمحض ترک کردن ساکنان، از میان می‌روند. در فاصله کمی از این محل، نزدیک دریا، تأسیسات مختصری برای گرفتن ماهی اوزون بروم و تهیه خاویار برای روسیه است که در این وقت در دست شخصی ارمنی به نام «استیفن»،

۱۴- سفرنامه فریزر ص ۷۳. ۱۵- سفرنامه فریزر ص ۷۴.

است که این رودخانه (تجن) و دو رودخانه دیگر را سالانه ۱۵۰ تومان اجاره کرده است. او اظهار می‌کند، اگر پیشکشها را به حساب بیاوریم مبلغ اجاره سه برابر خواهد شد<sup>۱۶</sup>.

#### مسجد فرح آباد

##### در دهکده فرح آباد ساری

فضای زیر گنبد اصلی به ابعاد دوازده متر است چهار کنج با چهار گوشوار بزرگ تبدیل به دایره شده و گنبدی آجری عظیم بر آن زده‌اند (عکس شماره ۳۰۵). بیست فیلیپاسمت شرق و بیست فیلیپاسمت غرب است که بر آنها طاق زده و بدین ترتیب شبستان شرقی و غربی را به وجود آورده‌اند. در ضلع شمالی این گنبد ایوانی عظیم است (عکس شماره ۳۰۶). مقابل این ایوان در ضلع شمالی حیاط ایوانی دیگر است که کمی کوچکتر از ایوان قبلی است (عکس شماره ۳۰۷). در ورودی مسجد در غرب این ایوان است (عکس شماره ۳۰۸). دو ایوان شرقی و غربی، عمیق ولی کوچکتر از این دواست. در هر ضلع ایوانی در وسط و در هر طرف آن سه صفاست. اما در ضلع شرقی و غربی هر یک دو صفا کوچک دارند.

حیاط مسجد ۴۸ × ۳۴ متر است. مصالح بنا آجر است که از قالب معمولی بزرگتر و از قالب آجر خطائی کوچکتر است.

بناهای ضلع شمالی به رباط و کاروانسرا بیشتر شباهت دارد (عکس شماره ۳۰۹). احتمال دارد که این قسمت محل استراحت مسافران نیز بوده است. در آجر فرش حیاط آجرها را نرکار کرده‌اند. چهار طرف باغچه و وسط حوض است که ظاهراً آب جاری داشته. زیرا دو طرف شرقی و غربی حوض جوی آب است. فعلاً دفتری حفاظت آثار باستانی مشغول ترمیم و مرمت است.

۱۶- سفرنامه فریزر ص ۷۴ و ۷۵.

پل شاه عباسی بر روی رودخانه تاجن

در فرح آباد

ابعاد پایه‌ها ۳ × ۶ متر که طرف ورود آب نیم دایره است که در مقابل فشار آب استقامت بیشتری داشته باشد. ظاهر آردخانه تاجن از مسیر اصلی منحرف شده و به یک طرف پل افتاده و سبب شده است که سه پایه آن بخوابد. چهار پایه دیگر آن برقرار ولی قسمت بالای یکی از آنها شکسته است (عکس شماره ۳۱۰ و ۳۱۱).

محل کاخ جهان نما و وضع فعلی آن

در قطعه زمین گشاده‌ای که مساحت آن در حدود ده هکتار است و فعلا سه طرف آن دیوار دارد و دیوار طرف تاجن که لب آب بوده است فرو ریخته. کاخ جهان نما با سایر تأسیسات آن از حرم سرا و بیرونی و اندرونی و اطاقهای نگهبانان و سایر بناهای شاهی در این محوطه بوده. اگر چه از گزارشهای رسیده معلوم می‌شود که در خانه‌های مسکونی فعلی نیز آثاری از بنای شاه عباس پیدا است. دیوار شرقی بنا مخروجه دارد که ظاهر آن به قسمت دیگر از بنا می‌رفته که فعلا زمین کشتزار شده است. (عکس شماره ۳۱۲)

عمارت جهان نما

در طاهان = فرح آباد ۱۷

استودارت در سفرنامه خود اطلاعاتی درباره این عمارت به این شرح می‌دهد:  
شاه به ما دستور داده بود که از راه فرح آباد که در کنار دریای خزر است برویم تا بتوانیم قصر شاه را در آنجا ببینیم. از اشرف (بهشهر) حرکت

۱۷- عبدالفتاح فومنی نام قدیم فرح آباد را «طاهان» ضبط کرده است (تاریخ گیلان ص ۱۴۲ عالم آرا ج ۲ ص ۸۵۰). فرح آباد قصبه مرکز دهستان رودپی بخش مرکزی شهرستان ساری ۲۵ کیلومتری شمال ساری (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) شاه عباس در این دهکده روز پنجشنبه ۲۴ جمادی الاولی سال ۱۰۳۸ فوت شد. بنای این کاخ و مضافات آن از سال ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۵ طول کشیده است.

کرده، به عمارت شاه که یکی از عمارتهای معمولی شاه است رسیدیم که یک میل با دریای خزر فاصله داشت. در اینجا رحل اقامت افکندیم و کنار نهری در مجاور آشپزخانه شاه خوابیدیم زیرا در آن شب اجازه ندادند وارد خانه بشویم. فردا صبح بر اسب سوار شده، به کنار دریای خزر رفتیم و در کنار دریا ماندیم تا به شهر فرح آباد رسیدیم. در راه عده زیادی گاو میش دیدیم که برخی چهارچرخه‌هایی را می‌کشیدند که در انگلستان هم داریم. این شهر بسیار جالب است. وقتی وارد شهر می‌شوند، اول از روی پلی می‌گذرند که از زیر آن آب زلالی جاری است که به دریای خزر می‌ریزد و در حدود یک میل انگلیسی با دریا فاصله دارد. در کناره سمت راست این رود باغهای بسیاری وجود دارد. در سمت چپ ما قهوه خانه‌ها ساخته شده‌اند. در این امکانه تمام واردین به تماشا می‌نشینند و مایعی می‌نوشند که آن را قهوه می‌نامند من اسبم را جلو ترانده، به میدان یا مرکز مال التجاره شهر رفتم. تمام محصولات ناحیه را به این مرکز می‌آورند و برای فروش عرضه می‌کنند. محل وسیع و نظیفی است. من وقتی از میان آن می‌گذشتم از جلو قصر شاه که در وسط آن شهر واقع بود عبور کردم. مهماندار، ما را در این شهر به خانه‌ای وارد کرد تا در آنجا استراحت کنیم و ما در آنجا منزل کردیم. بعد در قصر شاه باز شد و برای دیدن آن رفتیم. جای عالی و مطبوعی بود. دروازه آن بسیار ساده است و چیزی جالبی ندارد. پس از عبور از یک حیاط پرازسیزه که دو طرف معبر درختکاری شده بود، به دروازه دیگری رسیدیم که مثل اولی ساده بود. پس از گذشتن از آن به باغی رسیدیم، بسیار دلپذیر پراز درختان پرتقال و نارنج. حوضهای زیبای متعدد در وسط این باغ است و در وسط حوض اطاقی بود که از تیروچوب ساخته شده و محل جلوس شخص شاه است. در یک طرف باغ اندرونوی واقع است که اطاقهای زیبای جالبی دارد. کف اطاقها با فرش ترکی مفروش است که کاملا باندازه اطاق ساخته شده است. دیوارها و بالای

اطاقها طلاکاری شده و منقوش به عکسهای مرد وزن است و طبق مرسوم این کشور به طور جالبی با طلا و سایر رنگها نقاشی شده است. در برخی از اطاقها تخت خوابهایی بود که نیم دو جین از صیغه‌های وی با هم می‌توانند روی آنها بخلطند. اطراف اطاقهای دیگر آئینه کاری شده است، به طوریکه بتوانند در موقعی که با صیغه‌ها عشق‌بازی می‌کنند، تمام اندام دیده شود. برخی از اطاقها پراز چینی‌های جالبی است که برای نوشیدن قهوه و شراب ضمن خوشگذرانی در میان زنانش به کار می‌رود. در یک اطاق دیگر تیر و کمان شاهرا دیدم و قلابهای مخصوصی که برای چیدن میوه از درخت بود. چیز دیگری که جلب نظر مرا کرد، محل مخصوصی است که شاه در آنجا به دست خود گوشت تهیه می‌کند. کم دیده شده که پادشاه به کباب پختن پردازد. در عقب این بنا نهی جاری است. از اشرف هفت فرسخ طی کرده بودیم.<sup>۱۸</sup>

فرح آباد در سال ۱۰۷۰ ه. ق. آباد است و شاه عباس دوم بدانجا آمد و رفت دارد. صاحب عباسنامه در این باره می‌نویسد:

چون از الکای ری عده‌ای را «جهت ساختن سفاین به طرح غریب و آیین تازه» روانه فرح آباد کرده بودند. هنگامی که شاه وارد فرح آباد شد، اظهار کردند که این کار تمام نشده است. سپس خبر رسید که کار سفاین تمام شده است. شاه دوباره به فرح آباد آمد و «مکرراً سراسر خیابان نهر تجینه رود فرمودند»<sup>۱۹</sup>. و «بعد از چند روز آیات نصرت آیات متوجه دارالسلطنه اشرف (به شهر) شد»<sup>۲۰</sup>.

### قصر فرح آباد از نظر هولمز

در سال ۱۲۶۰ که هولمز به تماشای کاخ جهان نما در فرح آباد رفت آن بنا رو به ویرانی نهاده بود. از نوشته‌های او معلوم می‌شود که این بنا دو طبقه بوده و هر طبقه به اطاقهای متعددی تقسیم می‌شده و بزرگترین اطاقها به تقلید از کاخ عالی قاپو بسیار کوچک بوده است. هولمز می‌نویسد: «همه جا سقفهای مقرنس به چشم می‌خورد و به هر سومی نگری، درو پنجره‌های متعدد تعبیه کرده‌اند و این کاخ جهان نما را به هنگام تابستان محل مطبوعی برای سکونت ساخته‌اند. درها و سقفها همه بطرز بسیار زیبایی نقاشی شده بود، چنانکه هنوز هیاکل زنان را در حال پایکوبی و نواختن آلات موسیقی می‌توان تمیز داد. اما تمامی این رنگها بر اثر دود و خاکستر تقریباً از میان رفته و همه گچ بریها شکسته و نابود شده است»<sup>۲۱</sup>.

فرح آباد از نظر جیمس بیلی فریزر  
در فاصله ۱۴۳۹-۱۴۵۰ ه. ق.

از فرح آباد که به امر شاه عباس، در اوج قدرت آن پادشاه، پی افکنده شد، اینک ویرانه‌هایی به جا مانده است. این ویرانه‌ها در دهانه رود تجن که از ساری می‌گذرد قرار گرفته است و از خود شهر ساری هفده میل فاصله دارد. در اینجا ویرانه کاخ شاهی با حرم و اندرون، به علاوه بقایای مسجدی زیبا و بازارهایی برجای مانده است. این ابنیه را به اسلویی صحیح و محکم ساخته‌اند اما هوای مرطوب در این ایالت چندان مؤثر است که اکنون تمامی آنها را بدل به توده خاک کرده است، یا اگر نکرده باشد،

21- Holmes, W.R ; Sketches on the Shores of the Caspian, London, 1865, P. 224,225.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۶.

۱۸- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۹ ج ۸ صفحات ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ . ۱۹- عباسنامه ص ۲۶۹ . ۲۰- عباسنامه ص ۲۷۰ .

چنان در زیر علفهای خودرو مسطور است که در شرف ویرانی است.<sup>۲۲</sup>

فرح آباد از نظر ایت در سال ۱۳۶۰ هـ. ق. - ۱۸۴۴ میلادی

ابت اطلاعات زیر را درباره فرح آباد و قصر شاه عباس در سفر نامه خود آورده است: فرح آباد که باقی مانده کاخهای عشرت شاه عباس است هفتاد تا هشتاد خانوار دارد و در دو میلی دریاست. خسرابه‌ها شامل يك بنای آجری مستطیل است که دو طبقه است و برجی مدور برپا دارد که علف‌های هرز و درختچه‌ها بر آن روئیده است. طبقه بالا يك اطاق اصلی دارد که سراسر بنا را گرفته است و قسمتهائی از دو طرف آن جدا شده که تشکیل ایوان را می‌دهد. در دو طرف بنا چهار اطاق کوچک است. در زوایای بنا که بریده شده است فضاهائی برای ایوان دارد که از مناظر اطراف استفاده کند. تمام اطاقها طاق دارند. طبقه پایین کمی با طبقه بالا اختلاف دارد اما احتیاج به شرح و وصفی ندارد. بناهای طبقه بالا تزئینات استادانه دارد که نقاشی روی گچ است و بیشتر آنها باقی است. میان آنها تصاویر زنان را در گوشه و کنار می‌توان دید. دو اطاق کوچک را از بالا تا پایین گچ بری کرده و طاقچه برای چینی و ظروف بلورین در آورده‌اند زیرا ایرانیها هنوز هم این لوازم را در طاقچه‌ها می‌گذارند این بنا که بزرگ نیست در میان باغی است و برای حرم ساخته شده است. بناهای دیگری در حیاط همجوار اینجا ساخته‌اند که روی درخرازی دارند و بناهای کوچکی هستند. در دهکده فرح آباد طولیله‌ها، مسجد، حمام و بازار کوچکی است که فعلا متروک است. عجیب است که شاه‌عباس در اینجا محل عشرتی ساخته است چون هیچ منظره زیبایی در این

22- Fraser, James, Baillie : Travels and Adyentures in The Persian Provinces p. 73, 74.

نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذر بایجان ص ۲۵ و ۲۶.

محل نیست. سرزمین اطراف اینجا هموار و منظره‌ای جز کوههای دور- دست ندارد. شاه‌عباس ۲۱۵ سال پیش در این بنا چشم از جهان فرو بست. رود تجن در بستر عمیقی زیر دیوار این بنا می‌گذرد و در این محل پنجاه تا شصت یارد پهنا دارد. سابقاً پلی محکم روی آن بوده است حالا خرابه آن باقی است.

فرح آباد مورد حمله ترکمانان بود و زن و مرد را به اسارت و غلامی می‌بردند. از وقتی که سربازان روسی در خلیج استراباد (گرگان) آمده‌اند. مردم از ترکمانان نمی‌ترسند. دهات نزدیک فرح آباد: سننه، دازمیر، کندهی، اسفندین = اسفنده، حمید آباد = پنبه‌چوله.

خرابی فرح آباد به دست استپان استینکوزین

در سرنامه مورخ ۱۲۷۵ هـ. ق. درباره این خرابی شرح زیر آمده است:

بناهای شاه‌عباس بهادر صفوی که جهان‌نما و راسته بازار و کاروانسرا و مسجد و حمام و دیوانخانه و عسکرخانه و سرطویله و غیره، از آجر و گچ و آهک ساخته بود، یکصد و هشتاد سال است که به دست عساکر دولت روسیه به سرداری «استین کورازی» خرابه و ویران گردید. به اینطور که شش- فروند کشتی به عزم تجارت آمده، متاع از هر قسم آوردند. از جمله ماهوت انگلیسی را ذرعی ده‌شاهی می‌فروختند. چند روز به این احوال بسودند. آخر الامر یک شب در سر هر گذر سیصد چهارصد نفر گذاشتند و تا اهل فرح- آباد خبردار شدند، همه را به قتل رسانیده و یا اسیر نمودند و عمارات مذکور را خراب و ویران ساختند و از آنجا به میان کاله رفتند که اهل بلد و حکام خبردار شده، با قشون آمده ایشان را تعاقب نمودند و آنها اسیر را گذاشته، به سلامت به وطن خود عود نمودند.

در آن حین نوشته‌ای از دولت بهیه روسیه به دولت ایران رسید که قشون و طایفه قزاق از ما یاغی شده، ظاهراً به سرحدات ایران می‌خواهند چشم زخمی برسانند. البته باخبر باشید و مقرر نمائید که از سرحدات غافل نباشند. زمانی که نوشته رسید، آنها آمده و غارت برده بودند که الی الآن خرابه افتاده است. در میان عمارات درخت توت کاشته‌اند و گاو و گوسفند می‌خوابد. خانه‌های فرح آباد همه از آجر عمارات شاه‌عباسی است.<sup>۲۳</sup>

ملگنوف درباره این خرابی می‌نویسد:

عمارات شاهی و دیگر عمارات فرح آباد را در سال ۱۶۶۹ «استینگ رزین» ویران کرد. باشش فروند کشتی به عزم بازرگانی ظروف چینی به فرح آباد آمد و برای جلب قلوب به ارزانی چیزها فروخت تا آنکه جمعی براو گرد آمدند. شبی چهارصد نفر که در کشتیها پنهان داشت به کناره آورده به فرح آباد هجوم برد. اکثر آنها را به قتل رسانید. عمارات بسوخت و اسیر را برداشت به میان قلعه برد.<sup>۲۴</sup>

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به فرح آباد رفت و درباره آنجا نوشت:

از آب رودخانه تجن گذشته و از پهلوی شیلات که صید ماهی در آنجا زیاد می‌شود عبور نموده، رسیدم به عمارت شاه‌عباس. عجب دیواری دارد. کلاه فرنگی سخت خوبی از آجر دارد که هنوز قابل تعمیر است اگر چه خیلی خراب شده است. دوشنبه غره شوال سال ۱۲۹۲ در فرح آباد توقف شد. عجب صحرای صاف و چمن خوبی است.<sup>۲۵</sup>

۲۳- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۰۸ و ۱۰۹ . ۲۴- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۷۸ . ۲۵- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از تاریخ مازندران مهجوبی ج ۲ ص ۱۸۸ .

برج نگهبانی  
در فرح آباد ساری

ملگنوف درباره این برج می‌نویسد:

در فرح آباد ساری برجی ساخته وسی نفر قراول نهادند.<sup>۲۶</sup>

قلعه‌های فرح آباد

ملگنوف می‌نویسد :

از قلعه‌های فرح آباد بجز تل اثری نیست.<sup>۲۷</sup>

راه ساری تا فرح آباد

اسکندر بیک منشی درباره این راه می‌نویسد:

راه ساری تا فرح آباد در سال ۱۰۲۱-۱۰۲۵ سنگ فرش شد.<sup>۲۸</sup>

سردر میدان و بازار فرح آباد

میان عکسهای آل‌بوم ناصرالدین شاه عکسی است که زیر آن نوشته شده:

عکس سردر میدان و بازار و مسجد مخروبه از عمارات سلاطین صفویه واقعه در فرح آباد که از سمت جنوب انداخته شد ، ذیحجه الحرام سنه ۱۲۷۲ قمری.<sup>۲۹</sup>

این عکس هیچگونه شباهتی به بازمانده های مسجد فرح آباد ندارد ظاهراً سردر میدان و بازار بوده است که امروز اثری از آن برجای نیست. (عکس شماره ۳۱۳)

۱۶- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۷۷ الف ۲۷- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۷۸ الف . ۲۸- عالم آراج ص ۲ ص ۱۵۰ . ۲۹- عکس شماره ۷۶۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آل‌بوم ناصرالدین شاه .

## تپه امامزاده قاسم و خزر تپه

## نزدیک دهکده‌های سوته و موزی باغ در شرق فرح آباد

در این دو تپه که متصل به یکدیگرند سفالهای سیاه و لعاب دار و آجر دیده شد. در سطح بالای تپه‌ها که در حدود چهار هکتار و نیم است گورستانی قدیمی است. سنگ قبرها سنگ لوح مطبق است. قطر آنها در حدود دو تا سه سانتیمتر و از چهار پنج طبقه تشکیل شده است. بیشتر سنگها طرح محرابی دارد و در حاشیه اطراف این محراب آیاتی از کلام الله مجید و نام متوفی است که با قلمی بسیار ظریف به صورت خراش کنده شده است. هر چه جستجو کردیم تاریخی در آنها نیافتیم. ظاهراً نباید مقدم بر قرن نهم هجری باشد. بنائی تازه که گوردوشهید در آن بود برای تپه بنا کرده اند.

در شرق این دو تپه متصل، تپه دولمرز نزدیک روستائی به همین نام و جن دین (یعنی جن تپه) در روستای قاجارخیل از دور دیده می شود. تمام این تپه‌ها در شرق فرح آباد ساری است.

## ۳- بناها و آثار تاریخی میان دورود و شهر خواست بخش مرکزی ساری

## تپه سورک

## در شمال دهکده سورک میان دورود ساری

تپه ایست که سطح بالای آن در حدود یک هکتار است. گورستانی قدیمی و شانزده اصله درختان آزاد کهن بر بالا و اطراف تپه است.

## آثار قلعه‌ای قدیمی در قلعه سر

## از دهکده‌های میان دورود ساری

راه قلعه سر میان سورک و نکا است. ابتدا به دهکده اومال و بریجان و از آنجا به قلعه سر می رسد. در این دهکده آثار قلعه‌ای قدیمی دیده می شود.

## امامزاده عبدالله

## در جامخانه میان دورود ساری

در امامزاده اثر تاریخی یافت نشد. اطراف امامزاده گورستانی قدیمی است.

امامزاده عبدالصالح بن امام موسی الکاظم علیه السلام

در مرزیت = مرزوت = مرزود = مرزود میان دورود ساری

بدنه اصلی بنا چهار گوشه و ابعاد آن ۶۵۰ × ۶۵۰ سانتیمتر است چهار گوشه بالا

رابا چهارگوشوار بر کرده و گنبدی هر می شکل هشت ضلعی بر آن زده اند. این گنبد و پوش است و گنبد داخلی آن عرقچینی است. در هر ضلع بنا طاقنمایی باطاق شکسته و پهنای هر يك ۲۵۰ سانتیمتر است. بالای سر طاقنماها دوردیف کاشیکاری است که در هر ردیف چهار عدد کاشی آبی رنگ کار شده است. در دو طرف تیزی طاقنما، دو مربع کاشیکاری است. بالای این دو مربع و بالای طاقنما يك ردیف کاشیکاری دیگر تقریباً در عرض بنا است. بالای این قسمت ردیف کاشیکاری را به دو قسمت مساوی قسمت کرده اند. آبریز بام بر روی چهارده عدد قرنیس سینه کفتری است. چهارنیش بنا را پخ نیم دایره زده اند و میان هر دو قرنیس سینه کفتری کاشی آبی رنگ مدوری کار کرده اند (عکس شماره ۳۱۴ و ۳۱۵)

این مقبره ظاهراً چهار مدخل اصلی داشته که فعلاً جلوسه مدخل آن را چیده و در نیمه بالای مدخلها، پنجره های کوچک نورگیر نصب کرده اند. مسجدی متصل به بناست. در ورودی مسجد از چهارچوب تا چهارچوب ۱۱۳ و بلندی آن ۲۰۲ سانتی متر است.

بر بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است:

عمل استاد نجم الدین بن استاد شهاب الدین دروگر

بر بالای لنگه سمت چپ :

فی شهر ربیع الاول لسنة ست و اربعین و ثمانمائه .

متن این دولنگه کننده کاری است. (عکس شماره ۳۱۶)

در ورودی اصلی امامزاده نیز کننده کاریست. بر تنگه بالای لنگه سمت راست عبارت زیر خوانده می شود:

بامر الامیر الکبیر آقا گسّتم نیر زاد الله قدره .

بر لنگه سمت چپ آن نوشته ای ندارد. بر متن این دولنگه در، نیز کننده کاری ظریف است .

صندوقی چوبین قاب و گره، وسط بنای اصلی مرقدر را پوشانده است. درازای

آن ۲۲۰ و پهنای آن ۱۶۲ سانتیمتر است و بر پایه ای مستطیل شکل به درازای ۲۴۴ و پهنای ۱۸۲ سانتیمتر قرار گرفته است.

بر لبه بالای بدنه های صندوق و بر دو چهار پایه اصلی آن آیات يك تا سیزده سورة الفتح است که با بسم الله الرحمن الرحیم شروع می شود و در بالای بدنه غربی به این عبارت ختم می شود:

امر هذه العمارة الشريفة زين الاقران آقا گسّتم بن آقا محمد نیر  
عمل استاد علی بن استاد فخرالدین نجار رازی هجرية النبويه سنه اربع و  
ثمانین و ثمانمائه کتبه (خوانده نشد).

يك سوم وسط بدنه های دراز صندوق قاب و گره است و در دو طرف آنها در هشت ردیف از بالا به پایین کنده کاریهای ظریف است. برای برجسته نشان دادن کنده کاریها و تزئین بیشتر آنها از رنگ لاک استفاده شده است. (عکس شماره ۳۱۷ و ۳۱۸) اطراف بنای امامزاده گورستانی قدیمی است و چند اصله درختان آزاد کهنسال در این گورستان است که هر کدام ضبط و ثبت و پلاک دارد.

مرحوم مهجوری در تاریخ مازندران ص ۳۴۲ می نویسد:

داخل این بقعه صندوقی نفیس بود که چند سال قبل به سرقت رفت . در بازدید اینجانب در تیرماه ۱۳۶۳ صندوق برجای بود ولی در بدنه های جنوبی و غربی آن دست خوردگی داشت.

درویش فخرالدین

در کلمه میان دورود ساری

بنائی است چهار ضلعی از آجر و گچ، ابعاد آن ۷×۷ متر، در حاشیه بالای بنا در

۱- برای اطلاعات بیشتر درباره این امامزاده و نقشه بنای آن نگاه کنید به مجله موزه ها شماره ۵ صفحات ۳۴ تا ۳۹ مقاله دکتر محمد یوسف کیانی به عنوان دو بنای تاریخی حاشیه خزر.

زیرگنبد رگ آن دوازده قرنیس سینه کفتری آجری است. چهار کنج بنا را از روپسر کرده و جمع کرده اند و گنبدی هرمی شکل هشت ضلعی که زیاد تیز نیست بر آن زده اند. (عکس شماره ۳۱۹ و ۳۲۰) از داخل با اضافه کردن چهار گوشوار، چهار ضلعی را تبدیل به دایره کرده و گنبدی مدور بر آن زده اند. به این ترتیب سقف و بام این بنا دوپوش است. در ورودی شرقی است.

بنا بر روی تپه‌ای باستانی است که پاره‌های سفال لعاب دار و بی‌لعباب بر آن فراوان است و بلندی آن میان دوازده تا پانزده متر است. دو تپه دیگر که ارتفاع کمتری دارند متصل به این تپه اصلی هستند. اطراف بقعه قبرستان عمومی و درختان انار فراوان است.

امامزاده علی اکبر

در روستای اوساجزه داراب کلا میان دورود ساری

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی و ابعاد آن ۸×۸ متر است که میان هر ضلع طاقنمایی باطاق شکسته زده اند. تیزی چهار کنج بنا را با تبدیل کردن آن به هلال گرفته اند. باپسر کردن چهار کنج بالای بنا چهار ضلعی را تبدیل به هشت ضلعی کرده و گنبد رگ را بر پایه‌ای هشت ضلعی بنا کرده اند. این پایه در حدود یک متر و نیم بلندی دارد. در هر بدنه چهار ضلعی در قسمت بالا زیر پایه گنبد سیزده قرنیس سینه کفتری است که بالای هردو تپه آنها قرنیس کوچکتری از آجر ساخته اند. (عکس شماره ۳۲۱ و ۳۲۲)

از داخل چهار ضلعی را با افزودن چهار گوشوار تبدیل به دایره کرده و گنبدی عرقچینی بر آن زده اند. داخل گچ‌کاری است و طاقنماها و طاقچه‌های متعدد دارد. مسجدی متصل به بناست که سابقاً به آن اضافه کرده اند. در و صندوق تاریخی ندارد. اطراف بقعه که بر بالای بلندی است گورستانی قدیمی است بر یکی از سنگها تاریخ ۱۲۱۳ هجری قمری خوانده شد. در حدود بیست اصله درختان آزاد کهنسال در محوطه بقعه است.

دختر قلعه

در داراب کلا از دهکده‌های میان دورود ساری

برای رسیدن به دختر قلعه از داراب کلا، از راه «سرتا» که می‌رویم طرف آفتاب در آمد قرار می‌گیرد. بر سر زبان اهالی است که داراب شاه در اینجا زندگی می‌کرده است. آثار هفت‌جر (خندق) دور قلعه دیده می‌شود. آخرین دهکده دره داراب کلا و اوسا، مرس بن<sup>۲</sup> است که امروز «مرسم»<sup>۳</sup> گویند.

بازورهند<sup>۴</sup>

آثار خندقی عظیم است که تقریباً در امتداد جنوب جاده شاه عباسی در طول مازندران کشیده است. از داراب کلا به طرف غرب از چاک داراب کلا به آقا اسبو (آسیاب آقا) و جامخانه ولاریم می‌رود و در شرق نیز ادامه آن دیده می‌شود. احتمال می‌رود که خندق مازیاری باشد.

جفت کوه

تپه عظیمی است کنار رودخانه قادی خیل و دین تپه، تپه عظیم دیگری است کنار رودخانه داراب کلا. این دو تپه را جفت کوه گویند.

زت<sup>۵</sup> کتی‌چاه

در سامان داراب کلا و اسرم

بر دست راست دره داراب کلا بر بالای تپه‌ای بزرگ، چاه عمیقی است که محیط دایره آن بیش از پنجاه متر است.

۲- بکسر میم و سین و باء ۳- بضم میم و فتح سین. ۴- بفتح هاء در لهجه، حای به معنی خندق است. ۵- بکسر تاء. ۶- بکسر زاء.

امامزاده عیسی بن امام موسی کاظم علیه السلام  
در خارمیان شهرخواست ساری

بنائی است هشت ضلعی که پهنای هر ضلع آن از داخل ۲۵۰ سانتیمتر است بام بنا دوپوش، از داخل گنبدی نیم کره و از خارج هرمی هشت ضلعی است. سقف مدور بقعه گچکاری یا برشهای بیدقت و درشت و ناهموار است. مصالح اصلی بنا، آجر و گچ است. مسجدی تازه ساز جلودر ورودی بقعه بنا کرده اند که بسیار ناچیز و بی قواره است. (عکسهای شماره ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵) در صندوق آن ساده و اثر تاریخی بر آنها نبود. اطراف امامزاده گورستانی قدیمی است و درختان آزاد فراوانی دارد که منظره‌ای دلپذیر پیدا کرده است.

۴- بناها و آثار تاریخی گلپجان رستان و مزکوره بخش مرکزی ساری

گنبد شاطر

در بالادزاکلیجان رستاق ساری

بنائی است چهارضلعی از آجر و گچ که روی بدنه آن روزی گچکاری بوده است. بالای بنا زیر پایه گنبد در هر ضلع دوازده قرنیس گچکاری است و بالای هر دو قرنیس يك قرنیس نیمه بیضی است. چهار گوشه بنا را از بیرون پر کرده و پایه‌ای هشت ضلعی برای گنبد رك آن به وجود آورده اند. بلندی پایه گنبد در حدود يك متر و نیم است. گنبد هرمی هشت ضلعی آن رو به خرابی است و آجرهای آن خورده شده است (عکس شماره ۳۲۶) بنیاد اصلی بنا ۶×۶ متر است. برای بپا کردن گنبد نیم کره داخلی، با چهار گوشوار چهار کنج بنا را جمع کرده و دایره‌ای به وجود آورده اند و گنبد را بر این دایره استوار کرده اند. در ورودی شرقی است و دو طاقچه از داخل در دو طرف در است. در ضلع جنوبی دو پنجره نورگیر کوچک با طاقی جناغی است که کف آن بر تخته‌های قطور بسیار محکم برقرار است و ظاهراً زیر این تخته‌ها از داخل نیز طاقچه بوده است. بنا در میان شالیزاری است و حریم بسیار ناچیزی در حدود دو سه متر برای بنا گذاشته اند که به احتمال زیاد رطوبت بنیاد بنا را فرسوده خواهد کرد.

## گنبد شاطر و داستان آن

این شاطر از قرار مشهور شاطر و پیاده دهنه جلوشاه عباس بود و زیاد رفتار تند داشت. پادشاه از اشرف می‌آمد. با او عهد کرده که اگر با این سمند تیز تک تند خرام در سر تاخت عقب نیفتادی دختر خود را به تومی دهم و گرنه ترا خواهم کشت. بر این قرار شد و شاه بنای تاختن اسب را گذاشت و در همه جا پیاده همراه بود و پیشاپیش می‌دوید. پادشاه در فکر شد که چگونه دختر خود را به شاطر بدهم که روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم. فکری به خاطرش رسید. در سر تاخت و شاطر گرم عرق، تازیانه را از دست به دور انداخت و باد هم به شدت می‌وزید. همینکه شاطر از رفتار ماند و خم شد که تازیانه را بدهد، همان ساعت خشک شد و جان به جهان آفرین تسلیم کرد. پادشاه فرمود که گنبدی از جهت یادگار در سر قبرش بنا کردند. از نکابه شاطر گنبدی دوفر سنگ است رو به غرب.

ملگنوف «قبر خاتون» را با شاطر گنبد یکجا ذکر کرده و می‌نویسد:

قبر خاتون و شاطر گنبد در غرب ساری.<sup>۲</sup>

## میل شاطر دوانی

در کوه صفا اصفهان

از آن سوی باغ هزار جریب و تقریباً با دویست متر فاصله از آن در دامنه کوه صفا، تفرجگاه کوچک تابستانی است. کمی آن طرف تر برج دیگری دیده می‌شود که در حدود یک ساعت راه (یک فرسنگ که معادل با شش کیلومتر است) از حوزة دربار فاصله دارد. به این برج «میل شاطر دوانی» می‌گویند. اصل مطلب از این قرار است:

- ۱- سفرنامه استراباد و مازندران ملگنوف ص ۹۱ و سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ که ظاهراً نویسنده همراه ملگنوف بوده است. ۲- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۰.
- ۳- نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۱ ب. گنبد شاطر در بالا دزا از دهکده‌های گلیجان رستاق ساری است و شش کیلومتری جنوب شرقی ساری کنار راه مالروی ساری به دودانگه (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳).

اگر کسی تقاضا کند که جزو شاطران شاه پذیرفته شود، باید از عهده امتحان برآید و آن چنین است که وی باید فاصله بین میدان امام تا میل شاطر دوانی را دوازده بار طی کند و برای اثبات اینکه درست از عهده امتحان برآمده است هر بار نیزه‌ای با خود برمی‌دارد و آن را در مقصد می‌گذارد و باز از مقصد نیزه دیگری با خود برمی‌گرداند یک چنین واقعه ورزشی در حضور درباریان و اهل شهر که به شوق آمده‌اند انجام می‌گیرد. اصفهانیه‌ها در دوطرف مسیر دوانی ایستند و با نواختن موسیقی و فریادهای هلهله دوانی را تشویق می‌کنند. دوانی هیچ حق ندارد که در اثنای راه استراحت کند، ادرار کند یا چیزی بیاشامد.

هرگاه وی در فاصله بین طلوع و غروب آفتاب مسافت مقرر را دوازده بار طی کرد (که مسافتی در حدود ۷۲ کیلومتر می‌شود) دیگری در سلك شاطران شاه درآمده و مزد خوبی از دربار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

## صادق رضا

در پایین دز اگلیجان رستاق ساری

برجی مدور سفیدکاری است که قطر دیوار آن ۱۶۸ سانتیمتر است. ظاهراً گنبدی داشته و به مرور ایام خراب شده است. از داخل کلاف آهن کرده و گنبدی مخروطی تازه بر آن زدند. مسجدی وصل به بقعه است (عکس شماره ۳۲۷). مجموعه بنا بر سر تپه‌ای است که مسلط به رودخانه تجن است. در محوطه اطراف بقعه گورستانی قدیمی است ولی هیچ سنگ تاریخی در آن دیده نشد. در حدود سی اصله درخت آزاد کهنسال اطراف بقعه است.

آق مشهد = آقا مشهد در سال ۱۳۵۰ ه. ش

در گلیجان رستاق بخش مرکزی ساری

این مزار در چهل و پنج کیلومتری جنوب ساری است. در محلی که یکی از

۴- در دربار شاهنشاه ایران ص ۲۱۸.

شعب غربی تجن به نام «گردشیم»<sup>۵</sup> به عمود رود ملحق می‌شود، راه ساری به کیاسر را نزدیک تکام رهامی کنیم و به جاده غربی وارد می‌شویم. دهکده آق مشهد در پنج کیلومتری راه ماشین رو است که پیاده باید رفت.

بر تپه‌ای که منظره‌ای زیبا دارد و آب دره آن به فریم می‌رسد، این مزار بر کنار قلعه‌ای است که از آجر بنا شده و ظاهراً مربوط به باوندیان است. در ورودی بقعه زیاد جلب نظر نمی‌کند ولی نام استاد کار بر آن خوانده می‌شود. صندوق مرقدکاری هنری است و مورخ ۸۶۰ ه. ق. است.<sup>۶</sup>

کتیبه در ورودی مرقد:

عمل سیف‌الدین بن حاجی نجار (عکس شماره ۳۲۸).

کتیبه صندوق:

عمل استاد حسن شابن استاد المفسور محمد نجار المعروف به خوارزمی<sup>۷</sup> فی ماه رجب سنه ستین وثمانمائه (عکس شماره ۳۲۹ و ۳۳۰). رضاقلی خان هدایت در سفر خود به خوارزم از این امامزاده در سفرنامه‌اش یاد کرده و می‌نویسد «در راه شیرگاه به ساری است».

ظاهراً رضاقلی خان از دره تالار از پل بالو راه خود را از امتداد رودخانه به طرف شرق تغییر داده و درست نود درجه منحرف شده است و در جاده فرعی شاه عباسی که از دره تالار به دره تجن می‌آمده وارد شده. این راه از پل بالو تقریباً به طرف شمال شرقی جدا می‌شود و بس از گذشتن از جنگل شهموزی به آق مشهد<sup>۸</sup> می‌رسد و از آنجا به ساری منتهی می‌شود.

۵- بفتح کاف.

6- Corpus P. 5.

۷- کلمه خوارزمی را نویسندگان Corpus به اشتباه «خوارخ» با تلفظ او معدوله خوانده‌اند. ۸- آق مشهد از دهستان گل‌یجان رستاق بخش مرکزی شهرستان ساری ۳۴ کیلومتر جنوب ساری ۲ کیلومتر غرب رودخانه تجن در راه عمومی ساری به دودانگه (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳).

تپه شاه نشین و سنگر و پلنگ کتی

مجموعه‌ای از تپه‌های گوناگون پهلوی یکدیگر

در دولت آباد از دهکده های مزکوره ساری

در جستجوی امامزاده‌ای در دهکده لیمون از دهکده های مزکوره بودیم برای رسیدن به این دهکده، از خط کمر بندی ساری باید روبه شمال منحرف شد و پس از گذشتن از شریف آباد و آخور سر و بندار خیل به دولت آباد و از آنجا به لیمون رسید. دولت آباد و لیمون متصل به یکدیگر هستند و باغها و آبادی این دودهکده بر بالای یک رشته تپه‌های قدیمی است. در شرق این اراضی تپه‌ای جداگانه‌ای است که درازای آن از شمال به جنوب است و مرحوم دکتر علی سنگ این تپه را ضبط کرده و بر بالای آن باغی عظیم به وجود آورده است. این تپه را نیز از مجموعه تپه‌های سنگر باید دانست. ابن اسفندیار این دولت آباد را به نام دولت آباد اترابن می‌شناسد. ظاهراً این تپه‌ها باید کاخهای حکمرانان قدیم مازندران باشد و حسام‌الدوله اردشیر باوندی را باید بنیانگذار این کاخها و آبادانیها دانست.

عمارات پرسته کله فرح آباد ساری

شاه عباس دوم در سال ۱۰۷۰ نیز به فرح آباد آمد و پس از گذراندن چند روز از راه «بردجه کله» شکارکنان به اشرف (به شهر) آمد و پس از چند روز اقامت به عزم شکار متوجه پرسته کله «که عماراتش رفیع و صحرائش پیوسته مسکن اردیبهشت و ربیع است گردید»<sup>۹</sup> و هنگام توقف در اشرف «هر چند روز گاهی با امرا و ارکان دولت و گاهی با مخدرات سرا پرده عصمت بدین مکان نزهت بنیان آمده و در هر مرتبه ده دوازده روز و کمتر و بیشتر توقف واقع می‌شد»<sup>۱۰</sup>

استحکامات مازندران

۱- قول آلان که در دوران اشکانی ساخته شد و به دستور انوشیروان (۵۳۱-۵۴۱)

۹- عباسنامه ص ۲۶۷. ۱۰- عباسنامه ص ۲۶۸.

۵۷۸ میلادی) تعمیر گردید برای اینکه دشت گرگان را در مقابل حمله‌های تورانیان و ترکمانان حفظ کند.

۲- فیروزکنده خندقی که فیروزشاه شوهر آمله‌بانی شهر آمل از گرگان تادشت مغان در کنار دریا ساخت.

۳- سد و دیوار فرخان کبیر که آثار آن هنوز در خرابه شهر که مرز قدیم مازندران است دیده می‌شود. خاک شرقی این دیوار بیرون همیشه و خاک داخلی آن را اندرون همیشه می‌خواندند. (این دیوار قدیمی تراست و ظاهراً فرخان تعمیر کرده است.)

۴- دیوار مازیار که از جاجرم تا گیلان ساخت. در این دیوار دروازه‌هایی بود و نگهبانانی داشت و هیچکس مجاز نبود از محلی که ماز نام داشت وارد خاک مازندران شود.

۵- جرکلباد در زمان پادشاهی کریم خان به نظارت محمدخان سوادکوهی که در آن وقت حاکم مازندران بود تعمیر شده تا اینکه اشرف و حدود شرقی مازندران از تاخت و تاز ترکمانها در امان باشد.

۶- شاه مرزدرمشق استرآباد که میان آن شهر و قره سواست که گویا در زمان ناصرالدین شاه، محمدتقی خان به امر اتابک برای دفاع از ترکمانان ساخت.

#### سکه‌های طبرستان

مبدأ تاریخی سکه‌های طبرستان، با تمثال ساسانی، تاریخ مخصوص یعنی سال فوت یزدگرد سوم که برابر با ۳۱ هجری و ۶۵۱ میلادی است، می‌باشد. این سکه‌ها توسط اسپهبدان طبرستان یا دروابع و ارثان سلسله ساسانی در این قسمت از خاک ایران ضرب شده و این رویه حدود دو قرن ادامه داشته است.<sup>۱۱</sup> اسپهبد فرخانان، ۷۶ زمان طبرستان = ۱۰۹ هجری.<sup>۱۲</sup>

11- A. Godard : L'art de L'iran Paris 1962, P. 283.

12-- Monnayages Pahlavi-Arabes No. 98 P. 42.

Idem No. 100, P. 49.

روی سکه در راست: فرهانان، درچپ: افزوت گده.

درحاشیه: افدنوك .

در پشت سکه درچپ شش هفتاد = ۷۶، در راست: تاپورستان،

نقره وزن ۱/۹۰۰، مدول ۲۴.

اسپهبدات برج مهر ۸۶ زمان طبرستان = ۱۲۰ هجری

روی سکه در راست: دات - برمتن، درچپ: افزوت گده.

درحاشیه: افد .

پشت سکه درچپ شش هشتاد = ۰۸۶ در راست: تپورستان،

نقره، وزن ۱/۶۹۰، مدول ۲۲ ۱/۲.

اسپهبد خورشید، ۱۰۴ زمان طبرستان = ۱۳۸ هجری.<sup>۱۳</sup>

روی سکه در راست: هورشیت، درچپ: افزوت گده.

درحاشیه: افد:

پشت سکه درچپ: چارست = ۱۰۴ در راست: تپورستان، نقره:

وزن ۱/۹۰۰ مدول ۲۴.

عمر حکمران عباسی ۱۲۱ زمان طبرستان، ۱۵۶ هجری.<sup>۱۴</sup>

روی سکه در راست: عمر به پهلوی، درچپ: افزوت گده .

درحاشیه: افد .

پشت سکه درچپ: ابوك و بست ست = ۱۲۱، در راست: تپورستان،

نقره، وزن ۱/۸۶۰، مدول ۲۳.

ابراهیم حکمران عباسی سال ۱۴۱ زمان طبرستان = ۱۷۶ هجری.<sup>۱۵</sup>

روی سکه در راست: ابراهیم در کوفه، درچپ: افزوت گده.

13- 14- Monnayages Palavi-Arabes No. 103 P. 43 of No.114

P. 46. 15- Idem No 148, P. 53.

درحاشیه : اfdنوك .

پشت سكه در چپ : ايوك چيل = ۱۳۱ . در راست : تپورستان

نقره ، وزن ۱/۷۹۰ ، مدول ۲۴ .

چندسكه از اين نوع «افزوت گده» را در بردارد و خود را بايك وضع مخصوص

معرفي مي كند.

روي سكه در راست : افزوت . در چپ : گده . درحاشيه : اfdنوك .

پشت سكه در چپ : تاريخ . در راست : تپورستان .

يكي از اين سكه ها تاريخ نويسست = ۱۲۹ را در بردارد وزن آن ۲/۰۶۰

و مدول آن ۲۳ است .<sup>۱۶</sup>

شصت و هفت سكه از نوع سكه خسرو دوم شامل نام اسپهبدان يا حكامانان

عباسي كه كلمه افزوت را در بردارد<sup>۱۷</sup> .

16- Idem. No 149. P. 52.

۱۷- تائير هنر ساساني در هنر اسلامي دكتور عباس زماني صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳ .